



آریا بهرام

بزرگان ادبیات ایران در طول تاریخ 2



فهرست صفحه 4

پیش گفتار صفحه 8

### بزرگان ادبیات ایران در طول تاریخ

ابوالحسن نجفی 11

ابوحامد محمد غزالی 14

ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی 24

احمد آرام 32

احمد سمیعی (گیلانی) 35

اسدالله شعبانی 36

اسماعیل حاکمی والا 42

اسماعیل سعادت 45

اصغر الهی 48

اصغر دادبه 49

امید طیب‌زاده 51

امیرحسین فردی 56

امیرخسرو دهلوی 58

بابک نیک طلب 64

بدیع‌الزمان فروزانفر 66

بهاء‌الدین خرمشاهی 71

بهرام فره‌وشی 74

بهرز ثروتیان 77

بیژن جلالی 82

بیوک ملکی 84

پرویز ناتل خانلری 86

جعفر ابراهیمی 93

جعفر شهیدی 97

جلال‌الدین کزازی 102

جلال‌الدین همایی 108

جلیل تجلیل 111

جواد برومند سعید 114

حسن احمدی گیوی 115

حسن انزلی قره باغ 117

حسن انوری 119

حسن انوشه 120

حسن رضائی باغبیدی 123

حسین معصومی همدانی 126

حکیم نزاری قهستانی 127

حنظله ی بادغیسی 135

خسرو فرشیدورد 136

داریوش آشوری 139

ذبیح‌الله صفا 141

رضا انزابی نژاد 144

- رضا سیدحسینی 147  
 ساسان سپنتا 148  
 سعید حمیدیان 151  
 سید امیر محمود انوار 153  
 سید صادق گوهرین 154  
 سید فتح‌الله مجتبائی 155  
 سید محمد مشکات 157  
 سید محمود گلابدره‌ای 159  
 سیروس شمیسا 161  
 شیخ بهایی 163  
 ضیا موحد 172  
 ضیاءالدین سجاد 175  
 عباس ماهیار 177  
 عبدالحسین نوایی 179  
 عبدالعلی دستغیب 182  
 عبدالله انوار 185  
 عبدالوهاب نورانی وصال 187  
 عزیزالله جوینی 188  
 علی اشرف صادقی 191  
 علی اکبر جعفر دهباشی 193  
 علی رواقی 199  
 علی محمد حق‌شناس 200  
 علی میرانصاری 202  
 غلام حسین یوسف 203  
 غلام رضا جمشید نژاد 205  
 فخرالدین عراقی 206  
 قدم علی سرامی 207  
 قیصر امین‌پور 214  
 کامران فانی 217  
 کمال‌الدین بافقی 218  
 مجتبی منشی‌زاده 220  
 محسن ذاکرالحسینی 221  
 محمد امین ریاحی 223  
 محمد تقی مدرس 228  
 محمد جعفر یاحقی 232  
 محمد جواد مشکور 235  
 محمد دبیرسیاقتی 238  
 محمد دبیرمقدم 257  
 محمد رضا شفیعی کدکنی 258  
 محمد زهرایی 267  
 محمد علی معلم دامغانی 269  
 محمد علی موحد 271  
 محمد قزوینی 274

- محمود اعتمادزاده (به‌آذین) 278  
 محمود عابدی 284  
 مسعود سعد سلمان 286  
 مصطفی رحماندوست 290  
 مصطفی عاص 292  
 منصور رستگار فسایی 293  
 منوچهر ستوده 297  
 منوچهر مرتضوی 300  
 موسی اسوار 302  
 مهدی حمیدی شیرازی 303  
 مهدی محقق 306  
 مهدی مشکوة الدینی 312  
 میرهاشم محدث 314  
 میر سید علی همدانی 317  
 نجم‌الدین کبری 319  
 نصرالله پورجوادی 320  
 هوشنگ ابتهاج 323  
 یحیی مدرسی 331

### بزرگان خوش نویسی ایران در طول تاریخ

- احمد آریا منش 334  
 احمد زنجانی معصومی 336  
 احمد مشهدی 337  
 جعفر تبریزی 337  
 جلال‌الدین اعتضادی (متولد ۱۲۷۵ شمسی) ملقب به صدر الکتاب 339  
 جواد شریفی 340  
 حبیب‌الله فضائلی 341  
 حسن شیبانی 343  
 حسین غلامی 344  
 حمید دیرین 346  
 شمس‌الدین ابوالوفا حسینی 347  
 طاهر تبریزی (خوشنویس) 348  
 عباس قناعت 350  
 عبدالحمید ملک الکلامی 351  
 علی آقا حسینی 352  
 علی ظهیرالاسلام 352  
 علی عبدالرسولی 355  
 علی منظوری 356  
 غلامرضا وکیلی 357  
 فتحعلی واشقانی فراهانی 359  
 محمّد صالح خاتون آبادی 360  
 محمد علی شادمان 361  
 محمود رهبران 361

- مرتضی برغانی 362  
مهدی عطریان 363  
مهدی کریمی 363  
میرزا ابراهیم اصفهانی 364  
نصرالله افجه‌ای 365  
نورالدین محمد لاهیجی 365

هنگامی که ما در دبستان و دبیرستان درس میخواندیم با نام بسیاری از بزرگان ادب و شعر و هنر و آثار آنها آشنا شدیم.

من همیشه در آن زمان (1360) بدنال کتاب هایی می گشتم که نام همه این بزرگان را با مطالبی در باره آنها و آثارشان داشته باشد ولی پیدا نکردم.

هنگامی که برای تحصیلات به فرانسه رفتم و در پاریس در کتاب فروشیها گردش میکردم از این گونه کتابها را میدیدم. مدتی علاقه داشتم تا بدانم آنها در باره نویسندگان و ادبا و هنرمندان و بزرگان تاریخی ایران چه میدانند و متأسفانه متوجه شدم آنها بسیار کم میدانم و نه تنها فرانسویها بلکه در کشورهای دیگر اروپا نیز کم میدانند؛ درست است اینجا و آنجا کتابی از این و آن هست (فردوسی، حافظ، سعدی، صادق هدایت و...) ولی اینکه به گونه منظم مانند اروپا که نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و دیگران را حتی از لحاظ تاریخی گروه بندی کرده و به دنیا می‌شناسانند ما در ایران نکرده ایم.

به خود می گفتم اگر روزی وقتی و حوصله ای داشتم حتماً این گرد آوری را در رشته های مختلف به زبانهای مختلف میکنم و به هم میهنان خود و بیگانه های علاقمند به فرهنگ ایران تقدیم حواهم کرد.

خدا را سپاس که عمری و حوصله ای داد و مجموعه بزرگان ایران را گردآوری کردم.

این مجموعه شامل این کتابها میشود :

1 ادبا و خوش نویسان بزرگ ایران در طول تاریخ

2 دانشمندان بزرگ ایران در طول تاریخ

3 سیاسیون و سرداران جنگی بزرگ ایران در طول تاریخ

4 شاعران بزرگ ایران در طول تاریخ

5 موسیقی نوازان بزرگ ایران در طول تاریخ

6 مجسمه سازان بزرگ ایران در طول تاریخ

7 نقاشان بزرگ ایران در طول تاریخ

8 نویسندگان بزرگ ایران در طول تاریخ

از آنجایی که میخواستم آن مشکلی را که من در جوانی برای پیدا کردن و با نداشتن پول کافی برای خرید این چنین کتابهایی داشتم دیگر جوانان هم وطن من نداشته باشند این کتابها را با فرم PDF در سایت اینترنتی خود به رایگان قرار دادم تا آنهایی که میخواهند آن را به صورت کتاب در آورند.

وظیف دولت :

1 ایجاد یک سازمان به نام "سازمان روابط فرهنگی جهان و ایران" می باشد.

2 در این سازمان کتابهای بالا به زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی و اسپانیایی و ایتالیایی ، روسی و چینی و هندی و پرتغالی و عربی نیز ترجمه میشوند

3 تمامی آثار این بزرگان (کتابها ، اشعار، نقاشیها و...) به ده زبان بالا ترجمه شوند

4 برای ترجمه این کارها به گونه ای سریع میتوان از فارغ التحصیلان دانشجویان خارجی زبان و ادبیات فارسی یا از فارغ التحصیلان دانشجویان ایرانی در یکی از این زبانها بهره جست.

5 میتوان به گونه ای دیگر نیز سریعاً این کار را کرد : نخست این کتابها را به انگلیسی ترجمه کرد و متخصصان زبان انگلیسی در کشورهای مختلف آثار این بزرگان را از انگلیسی به زبانهای مادری خود ترجمه کنند ( عربی ، روسی ، چینی ، ...)

6 ایجاد کتابخانه ای از آثار تمام این بزرگان به ده زبان بزرگ دنیا برای دانشجویان ایرانی و خارجی. بسیار بسیار جای تاسف است که مردم کشورهای دنیا غافل از فرهنگ غنی کشور ما ایران باشند. نفوذ فرهنگی ایران نفوذ ایران را در بخشهای سیاسی و اقتصادی نیز به همراه می آورد. تنها کسانی که گذشته خود را می شناسند میتوانند آینده خوبی داشته باشند.

آریا بهرام



## ابوالحسن نجفی



ابوالحسن نجفی (۷ تیر ۱۳۰۸ در نجف - ۲ بهمن ۱۳۹۴ در تهران)، زبان‌شناس و مترجم برجسته ایرانی بود. او عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. عمده فعالیت‌های ادبی و علمی او در حوزه ترجمه متون ادبی، زبان‌شناسی و وزن شعر فارسی است. فرهنگ فارسی عامیانه، غلط‌نویسیم و ترجمه فارسی خانواده تیبو از مشهورترین کارهای نجفی است.

## زندگی

## خانواده و تحصیلات اولیه

ابوالحسن نجفی در سال ۱۳۰۸ در نجف به دنیا آمد. به گفته خودش، او تنها عضو خانواده نجفی بود که در شهر نجف متولد شد، زیرا پدرش برای تحصیل علوم دینی به آن شهر رفته و مجتهد جامع‌الشرایط بود. برادرش، فضل‌الله نجفی، از جمله افسرانی بود که در واقعه معروف به قیام افسران خراسان در تابستان ۱۳۲۴ به سرگرد اسکندانی پیوست و جان خود را در این راه گذاشت.

نجفی چند سال بعد، همراه خانواده به ایران آمد. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند و در سال ۱۳۲۶ در رشته ادبی دیپلم گرفت. از جمله معلمان او در دوران دبیرستان، جعفر آل‌ابراهیم بود که کلاس‌هایش بر نجفی بسیار تأثیر گذاشت.

## تحصیلات دانشگاهی و انتشارات نیل

نجفی سپس برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته زبان فرانسه مشغول به تحصیل شد. در دوران دانشگاه، از استادانی مثل پرویز ناتل خانلری، فاطمه سیاح و موسی بروخیم تأثیر پذیرفت. او به دلایلی دو سال ترک تحصیل کرد و در سال ۱۳۳۲ با ارائه رساله‌ای به زبان فرانسه درباره صادق هدایت فارغ‌التحصیل شد. نجفی پس از فارغ‌التحصیلی، به عنوان دبیر دبیرستان‌های اصفهان مشغول به کار شد. در همان سال‌ها همراه با عبدالحسین آل‌رسول و احمد عظیمی زواره‌ای، انتشارات نیل را در تهران پایه‌گذاری کرد. کار این انتشارات با انتشار کتاب ساده‌دل از ولتر با ترجمه محمد قاضی آغاز شد.

## سفر به فرانسه

در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و تحصیلات خود را تا مقطع فوق لیسانس در رشته زبان‌شناسی در دانشگاه سوربن پاریس ادامه داد. در دوران تحصیل، از کلاس‌های آندره مارتینه بهره برد و قرار بود رساله دکتری خود را نیز درباره «ساخت‌های حروف اضافه در زبان فرانسه» زیر نظر او بنویسد؛ اما به دلایلی در سال ۱۳۴۴ به ایران برگشت، البته با این هدف که به فرانسه بازگردد و کار رساله را ادامه دهد، اما چنان‌که خودش می‌گوید:

راستش اول فکر می‌کردم چون تمام فیش‌ها و مآخذم همراهم هست، می‌توانم کارم را در ایران تمام کنم. اما بعد که به ایران آمدم، دیگر تمرکز از بین رفت و گرفتار کارهای دیگر شدم و به‌رحال نتوانستم دنبال آن کار را بگیرم. مثلاً ترجمه بچه‌های کوچک قرن را که در پاریس تقریباً تمام کرده بودم، در همان چند ماه اول ورودم به ایران آماده کردم و تحویل انتشارات نیل دادم.

بازگشت

پس از بازگشت به ایران، وی با دعوت بهرام صادقی و محمد حقوقی و ابراز تمایل آنان به حلقه ادبی جنگ اصفهان پیوست و از شماره سوم مجله جنگ اصفهان، همکاری نجفی با این جمع آغاز شد؛ و این سرآغاز ارتباط پیوسته و نزدیک ابوالحسن نجفی با هوشنگ گلشیری و جمع جنگ اصفهان و تأثیرگذاری نجفی بر این جمع، خاصه بر داستان‌نویسی بهرام صادقی و حتی هوشنگ گلشیری و دیگران شد. نجفی همچنین تا سال ۱۳۴۹ در گروه ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول بود. در مهرماه سال ۱۳۴۹ به تهران آمد و کار در مؤسسه فرانکلین را آغاز کرد. در همین حال، به عنوان استاد مدعو در گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران تدریس می‌کرد. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، در کار سرپرستی، تنظیم و متون برای دانشگاه آزاد ایران شرکت داشت و در همین زمان کتاب مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی را تألیف کرد.

مرکز نشر دانشگاهی

پس از انقلاب، در دوره فترت دانشگاه‌ها، به مرکز نشر دانشگاهی رفت و با نصرالله پورجوادی همکاری داشت که این همکاری تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت. در سال ۱۳۶۲، بنا به حکم وزارت علوم، در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۶۶ کار تدریس در این دانشگاه را ادامه داد. اما تحمل محیط دانشگاهی آن روزگار برایش غیرممکن شد و تصمیم گرفت از دانشگاه بیرون بیاید و سوابقش را رها کند. خودش می‌گوید:

من در سال ۱۳۶۲ به دانشگاه علامه طباطبایی رفتم... قرار شد در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تدریس کنم. در آنجا دو یا سه درس از جمله وزن شعر و ادبیات معاصر فارسی را به من سپردند. در جلساتی که تشکیل می‌شد، عده‌ای که من بعضی از آنها را از قبل خوب می‌شناختم و حالا کاسه داغ‌تر از آش شده بودند با تعصبات تنگ‌نظرانه‌ای که از خودشان نشان می‌دادند فضای ناخوشایند و ناراحت‌کننده‌ای به وجود آورده بودند. بعضی از آنها چنان به جزئیات بی‌اساس توجه می‌کردند و ایراداتی از دیگران می‌گرفتند که انسان را از حضور در دانشگاه منزجر و بیزار می‌کرد.

بنابراین او در این زمان نزد نصرالله پورجوادی در مرکز نشر دانشگاهی می‌رود و مشکل را تعریف می‌کند. پورجوادی نامه شدیدالحنی در دفاع از نجفی می‌نویسد که باید قدر چنین افرادی را دانست و رفتار شایسته‌ای با آنها داشت اما آن نامه به جایی نرسید.

در دوران کار در مرکز نشر دانشگاهی، کلاس‌هایی در این مرکز برگزار می‌شد که نجفی مسئولیت تدریس سه درس را در این کلاس‌ها بر عهده داشت: «وزن شعر فارسی»، «مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی» و «امکانات زبان فارسی در ترجمه».

### فرهنگستان

ابوالحسن نجفی در سال ۱۳۶۹ به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و در سال ۱۳۸۳ مدیر گروه ادبیات تطبیقی شد. انتشار شش ماه یک بار مجله ادبیات تطبیقی با مقالات، گزارش‌ها و نقدهایی در این حوزه، از فعالیت‌های این بخش است که زیر نظر ابوالحسن نجفی و با نظارت او انجام می‌شدند. پیش از نجفی، جواد حدیدی مدیریت بخش ادبیات تطبیقی را بر عهده داشت، و نجفی در این بخش با او همکاری می‌کرد.

### درگذشت

وی در شهریور و مهر ۱۳۹۴ به علت کسالت مدتی در بیمارستان بستری بود.

ابوالحسن نجفی، جمعه ۲ بهمن ۱۳۹۴ خورشیدی در ۸۶ سالگی در بیمارستان مهر تهران درگذشت.

اکبر هاشمی رفسنجانی، حسین جابری انصاری، رضا داوری اردکانی، سید عباس صالحی، رضا صالحی امیری، غلامعلی حداد عادل و سروش دباغ درگذشت نجفی را تسلیت گفتند.

مراسم تشییع از ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۶ بهمن ۱۳۹۴ در کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد. غلامعلی حداد عادل، مهدی محقق، احمد سمیعی گیلانی، نصرالله پورجوادی، سلیم نیساری و بهمن فرمان‌آرا در این مراسم صحبت کردند. پس از اقامه نماز به امامت سید محمود دعایی بر پیکر نجفی، تشییع تا میدان فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران انجام شد. ضیا موحد، صالح نجفی، توفیق سبحانی، کامران فانی، حسن انوری، علی رواقی، علی اشرف صادقی، قطب‌الدین صادقی، یحیی مدرسی تهرانی، سید رضا صالحی امیری، اسماعیل سعادت، محمود عابدی، محمدرضا نصیری، حسین معصومی همدانی، لیلی گلستان، محمدعلی موحد، نوش‌آفرین انصاری، فرزانه طاهری، مزده دقیقی، محمدرضا شفیعی کدکنی، علی کافی، علاءالدین طباطبایی و علی اصغر محمدخانی از سایر حاضران در مراسم تشییع بودند. پیکر نجفی در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مراسم ختم ابوالحسن نجفی روز پنج‌شنبه ۸ بهمن ۱۳۹۴ در مسجد الرضا در تهران برگزار شد. امید طبیب‌زاده، غلامعلی حداد عادل و علی شیخ‌الاسلامی در این مراسم سخنرانی کردند.

### گزیده آثار

#### تألیف

- مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی
- غلط‌نویسیم: فرهنگ دشواریهای زبان فارسی
- فرهنگ فارسی عامیانه

• طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی

ترجمه

• روشفور، کریستیان. بچه‌های کوچک قرن

• سارتر، ژان پل. شیطان و خدا: نمایشنامه در سه پرده و یازده تابلو

• مرل، روبر. شنبه و یکشنبه در کنار دریا

• کامو، آلبر. کالیگولا

• سارتر، ژان پل. ادبیات چیست؟

• گاری، رومن. پرندگان می‌روند در پرو می‌میرند (مجموعه داستان)

• لوی-استروس، کلود. نژاد و تاریخ

• مالرو، آندره. ضدخاطرات

• مارتن دوگار، روزبه. خانواده تیبو

• سنت اگزوپری، آنتوان دو. شازده کوچولو

در ادبیات و سینما

• ابوالحسن نجفی یکی از قهرمان‌های داستان شب هول، اثر هرمز شهدادی است.

• یک بوس کوچولو

ابوحامد محمد غزالی



نام در زمان تولد	ابوحامد محمد بن محمد غزالی شافعی
زاده	۴۵۰ هـ. ۱۰۵۸ م. توس، ایران
درگذشت	۳ دی ۴۹۰ ۱۴ جمادی‌الثانی ۵۰۵ ۱۹ دسامبر ۱۱۱۱ توس، ایران
آرامگاه	طایران توس، ایران
دیگر نام‌ها	حجّة الاسلام، زین الدین، شرف الأئمة، محجّة الدین، عالم اوحد، مفتی امت برکت الانام و پیشوای پیشوایان دین
دوره	سلجوقیان
حیطه	فلسفه، کلام، فقه، تصوف
مکتب	فلسفه اسلامی، فقه شافعی الهیات و کلام
استادان	عبدالملک جوینی

ابی حامد محمد بن محمد الغزالی الشافعی، ملقب به حجت‌الاسلام زین الدین الطوسی و امام محمد غزالی (۴۵۰ — ۵۰۵ هـ.ق) همه‌چیزدان، فیلسوف، متکلم و فقیه ایرانی و یکی از بزرگترین مردان تصوف سده پنجم هجری است. او در غرب بیشتر با نام‌های Al-Ghazali و Algazel شناخته می‌شود.

### زندگی

محمد غزالی در سال ۴۵۰ هجری قمری در توس از اعمال خراسان دیده به جهان گشود. در دوران کودکی در زادگاهش تعلیمات خود را فرا گرفت. پدرش از رشتن پشم، گذران زندگی می‌کرد. آنچه می‌رشت در دکانی در بازار پشم فروشان می‌فروخت و بدین سبب او را غزالی می‌گفتند. پدر محمد غزالی اهل ورع و تقوی بود و غالباً در مجالس فقیهان حضور می‌یافت. دو پسر داشت: محمد و احمد. این دو هنوز خردسال بودند که او از دنیا رفت. طبق وصیت وی، پسرانش را به یکی از دوستانش که ابوحامد احمد بن محمد الراذکانی نام داشت و صوفی مسلک بود سپردند. آن مرد نیز به وصیت عمل کرد تا آنگاه که میراث پدر به پایان رسید. روزی به آن‌ها گفت:

«هر چه از پدر برای شما مانده در وجه شما به‌کار بردم. من مردی فقیر هستم و از دارایی بی‌نصیب. اکنون باید برای تحصیل فقه به مدرسه‌ای بروید تا با آنچه به عنوان ماهیانه می‌گیرید، نانی بدست آورید که مرا سخت کیسه تهی است». محمد و برادرش احمد ناگزیر به یکی از مدارس طلاب در نیشابور رفتند و به تحصیل ادامه دادند. ابوحامد محمد غزالی بی‌اندازه باهوش و تند ذهن بود. علوم دینی و ادبی را نزد احمد الراذکانی فراگرفت و سپس مدتی در یکی از مدارس طوس به تحصیل پرداخت. آنگاه به جرجان نزد ابونصر اسماعیل رفت. بعد از مدتی دوباره به زادگاه خود، طوس برگشت و مدت سه سال در طوس به مطالعه و تکرار دروس پرداخت.

#### غزالی و امام الحرمین

غزالی در سال ۴۷۰ هجری قمری به نیشابور رفت و در آنجا با امام‌الحرمین جوینی آشنا شد و تا وفاتش که در سال ۴۷۸ هجری قمری بود، ملازمش بود. تحصیلات غزالی تنها فقه نبود؛ او در علم اختلاف مذاهب، جدل، منطق و فلسفه هم دانش اندوخت تا آنجا که بر همه اقران خود تفوق یافت. در میان چند تن شاگردان ابوالمعالی جوینی که همگی از علماء و فضالی آن دوره بودند بر همه تقدم یافت و امام‌الحرمین به داشتن چنین شاگردی به خود می‌بالید.

#### در بارگاه وزیر نظام‌الملک

بعد از وفات استادش الجوینی، غزالی به قصد دیدار خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر سلطان ملکشاه سلجوقی پسر آلپ ارسلان از نیشابور بیرون آمد. وی وزیر نظام‌الملک را در لشکرگاهش ملاقات نمود. نظام‌الملک را از غزالی که هم‌شهریش نیز بود خوش آمد، اکرامش کرد و بر دیگرانش مقدم داشت و غزالی مدت شش ماه در کنف حمایت او زیست. سپس او را به تدریس در نظامیه بغداد و توجه به امور آن مأمور کرد. غزالی در سال ۴۸۳ هجری وارد بغداد شد و با موفقیت زیاد به کار پرداخت و سخت مورد توجه و اقبال دانش‌پژوهان گردید. حلقه درس او هر روز گسترده‌تر و فتوای شرعی او مشهورتر شد. تا آنجا که صیت اشتهارش دور و نزدیک را بگرفت. محمد غزالی در بغداد در ضمن تدریس به تفکر و تألیف در فقه و کلام و رد بر فرقه‌های گوناگون چون باطنیه، اسماعیلیه و فلاسفه نیز مشغول بود.

در این مرحله از نخستین مرحله‌های حیاتش بود که در معتقدات دینی و همه معارف حسی و عقلی خود به شک افتاد؛ ولی این شک بیش از دوماه به طول نینجامید و پس از آن به تحقیق در فرقه‌های گوناگون پرداخت و در علم کلام استادی یافت و در آن علم صاحب تألیف و تصنیف شد. آنگاه به تحصیل فلسفه همت گماشت؛ ولی بی آن که از استادی یاری جوید، خود به مطالعه کتاب‌ها فلسفی پرداخت. غزالی وقت‌های فراغت از تصنیف و تدریس علوم شرعی را به مطالعه کتاب‌های فلسفی اختصاص داده بود و این کار سه سال مدت گرفت. چون از فلسفه فراغت یافت، به مطالعه کتاب‌های تعلیمی و اطلاع از دقائق مذهب ایشان اشتغال جست. در این مرحله از عمر بود، که به تألیف مقاصد الفلاسفه و تهافت الفلاسفه و المستظهرین که همان کتاب «فضایح الباطنیه و فضائل المستظهریه» باشد و برخی کتاب‌های فقهی و کلامی دیگر توفیق یافت.

#### سفر به شامات

غزالی در سال ۴۸۸ هجری از بغداد راهی شام شد و در آن جا نزدیک به دو سال بماند؛ که هیچ‌کار جز عزلت و خلوت و ریاضت و مجاهدت نداشت. مدتی در مسجد دمشق اعتکاف کرد. سپس از شام به بیت‌المقدس رفت و هر روز به مسجد قبه الصخره می‌رفت و خویش را در آن جا محبوس می‌داشت و گاه به آب و جارو کردن مسجد و خدمت‌گزاری زائران می‌پرداخت. تا این که داعیه حج او پدید آمد و به حجاز رفت. بر سر راه حجاز در الخلیل چنان که خودش در زندگینامه خود نوشتش «المنقذ من الضلال» آورده‌است، بر سر تربت ابراهیم خلیل با خدا عهد کرد، که دو کار را دیگر هرگز نکند، از پادشاهان صلّه نگیرد و وارد مجادلات کلامی با دیگر متکلمان نگردد. سپس شوق دیدار و

در خواست‌های کودکان به وطن کشیدش و با آن که نمی‌خواست بدان جا بازگردد، عزم توس (طوس) کرد؛ ولی در طوس نیز خلوت گزید، تا دل را تصفیه کند و به ذکر پرداخت. حادثه‌های زمان و مهم‌های عیال و ضررهای معاش از مقصد بازش می‌داشت و آرامش خاطر او را برهم می‌زد. این حال ده سال به‌طول انجامید و غزالی در این مدت مشهورترین کتاب‌های خود و به‌ویژه احیاء علوم الدین را تألیف کرد.

### بازگشت به نیشابور

در سال ۴۹۹ هجری قمری از عزلت بیرون آمد و قصد نیشابور کرد. در نظامیه این شهر به تدریس مشغول شد. علت بازگشت او به نیشابور و تدریس در نظامیه، با آنکه در بغداد از تدریس اعراض کرده بود و از این ماجرا ده سال می‌گذشت، فرمان پادشاه بود؛ زیرا این اصرار به قدری شدید شده بود که اگر استتکاف می‌ورزید، بیم جان خویش داشت. اما پادشاهی که غزالی را فرا خوانده بود، محمد برادر برکیارق سلجوقی بود که در سال ۴۹۸ هجری به پادشاهی رسیده بود و شاید از عوامل بازگشت به نظامیه نیشابور، فخرالملک وزیر، پسر نظام الملک طوسی بود که در بغداد غزالی را به تدریس واداشته بود. توقف غزالی در نیشابور بیش از دو سال به طول نینجامید، که بار دیگر تدریس را ترک گفت و در توس عزلت گزید. در خانه خود را به روی آشنا و بیگانه فروبست و با اینکه سلطان سنجر او را به تدریس خواند، غزالی از رفتن سر باز زد و عذر خواست و همچنان در خانه خود منزوی ماند تا اینکه بعد از دو سال بدرود حیات گفت.

### درگذشت



The supposed grave of Abu Hamid Al Ghazali at Tus.

### تابوت احتمالی غزالی

محمد غزالی در روز دو شنبه ۳ دی ۴۹۰ شمسی، ۱۴ جمادی‌الثانی سال ۵۰۵ هجری قمری، و در سن ۵۵ سالگی در شهر توس (طوس) درگذشت و در طابران توس بخاک سپرده شد. مدفن او در سال ۱۳۷۴ شمسی در پی کاوش باستانشناسی در حدود ۸۰۰ متری مدفن فردوسی در بیرون حصار قدیمی پیدا شد. منقول است در زمان مرگ بر بالای سرش کاغذی یافتند که در آن توصیه کرده بود، یاران بر مرگ او جزع نکنند و جسم او را تنها به‌منزله جامه یا خانه‌ای بدانند که یک‌چند در آن به‌سر برده و سپس ترکش کرده‌است.

### دیدگاه‌ها

### فلسفه و کلام

غزالی از آن دسته افرادی بود که به دوری مسلمانان از خردگرایی و نفی فلسفه تأثیر بسیاری گذاشت. اوی هرچند ماهیت فلسفه را دچار مشکل نمی‌دانست، اما پرداختن به آن را مایه ضعف ایمان مسلمانان دانست.

کتاب پر آوازه تهافت الفلاسفه که شاید مهم‌ترین نقد و رد آرای ارسطویی‌مشربان در تاریخ فلسفه باشد، که غزالی آن را به شیوه‌ای فلسفی و نقادانه نوشت و در آن در بیست مسئله بر فیلسوفان ایراد گرفته و به باور خودش تناقض‌گویی‌های فیلسوفان را آشکار کرده‌است. غزالی که در بیش‌تر مباحث مذاق عرفان و تصوف و کمتر مذاق کلامی دارد، از جمله ابوعلی سینا را به سبب چند مسئله که یکی از آن‌ها مسئله بی‌آغاز بودن جهان هستی است، تکفیر می‌کند. این رشد اندلسی به غزالی پاسخ گفته‌است و نام کتابش را «تهافت التهافت» گذاشته‌است.

اسلوب و شیوه منطقی‌ای که غزالی در نگارش تهافت الفلاسفه به کار برد امروز فلسفه نقادی نامیده می‌شود. ایرادهایی که غزالی بر مشائیان وارد کرده‌است، ذاتاً فلسفی اند و بعدها در فلسفه مغرب زمین همگی از سوی فیلسوفان بزرگی چون دکارت، هیوم و کانت به شرح و تفصیل بسیار طرح شده‌اند. نفی علیت، اعتباری بودن اخلاق، حمله به استقراء، بی‌اعتمادی به یافته‌های حسی، حجیت عقل و... که غزالی در این کتاب آن‌ها را به شیوه‌ای منطقی و عقلی طرح کرده است، همگی مسائلی فلسفی به‌شمار می‌آیند که در سده‌های نو، خود مایه و انگیزه پدیدآمدن مکتب‌های جدید فلسفی شده‌اند.

### اختلاف میان فلاسفه و متکلمان

غزالی در کتاب معروف تهافت الفلاسفه اختلافات موجود میان فیلسوفان و متکلمان را چهار نوع می‌داند:

1. اختلاف لفظی: مانند اختلاف بر سر صانع یا جوهر نامیدن خداوند عالم؛
2. اختلاف در اموری که به اصل و اساس دیانت بازمی‌گردد: مانند تفسیری که از کسوف دارند؛
3. دین ریشه بسیاری از جنایات تاریخ بودن و بی‌اساسی آن
4. اختلاف درباره مسائلی اساسی و اصلی دین: این قسم از اختلافات مربوط است به یکی از اصول دین، مانند اعتقاد به حدوث عالم و صفات صانع و حشر اجساد و آبدان که همه این‌ها مورد انکار فیلسوفان است.

### فلسفه سیاست

غزالی در فقه سیاسی به قاعده «الحق لمن غلب» باور دارد، که یعنی، حق با کسی است که چیره است، چه مالی و چه قوایی و چه اکثریت: «الحق لمن غلب و الحکم لمن غلب، نحن مع من غلب» یعنی «حق با غالب است، حکومت با غالب است و ما طرفدار غالب و اکثریت ایم». این تفکر به خصوص حق با غالب است، مورد انتقاد قرار گرفته است. چرا که به باور عده‌ای، حق به تعداد و نیرو ارتباط ندارد، بلکه باید با موازین حقوقی، سنجیده شود.

### حدوث عالم

غزالی مانند بسیاری از متکلمان معتقد به حدوث عالم است و انکار حدوث عالم را نه فقط به معنای محروم شدن از استدلال بر وجود خدا، بلکه حتی به معنای انکار وجود خداوند می‌داند؛ زیرا قدیم بودن عالم به معنای بی‌نیازی‌اش از صانع است و از این روی، جمع میان اعتقاد به قدم عالم و اذعان به وجود خداوند را که در میان فیلسوفان دیده می‌شود، نیرنگ و دورویی به‌شمار می‌آورد.

### توجه به منطق

کسانی که با فلسفه و روش فلسفی مخالف بوده‌اند، مخالف منطق نیز بوده‌اند؛ اما غزالی از این حکم مستثنا است و این استثنا سبب می‌شود به جد این پرسش به میان آید، که چرا غزالی به منطق روی خوش نشان داده‌است و چرا چنان منطق را ستوده است، که گویا آن را نشئت گرفته از وحی الهی می‌داند. از نظر برخی، آن چه باعث روی آوردن غزالی به منطق شده است و موجب شده است، که برای آن اعتبار و اهمیت والایی قائل باشد، این است، که او با اندیشمندان اسماعیلیه به مبارزه علمی برخاسته بود و می‌کوشید مسئله امامت را از درجه اعتبار ساقط کند و در اعتقاد راسخ اسماعیلیان به

امامت خدشه افکند. او برای این کار حربه‌های لازم داشت که در علوم نقلی به دست نمی‌آمد و از این روی، منطق را بهترین ابزاری برای مبارزه و مناظره با اندیشمندان اسماعیلی دید تا با سبک و اسلوب برهانی در عقاید آنان خدشه وارد آورد.

### فقه

برخی از شارحان بر این رای اند، که غزالی پس از آن که در احوال و اندیشه‌ش دگرگونی درگرفت، نظر خوشی به فقه نداشت. چنین باشد یا نه، او از بزرگترین فقیهان اهل سنت، به‌ویژه فقه شافعی، است و کتاب مستصفای او همچنان مورد توجه و استناد است.

### منع از لعن یزید

یکی از نظرات امام محمد غزالی، منع مسلمانان از نفرین یزید است. او بر این باور بود نفرین مسلمانان جایز نیست و یزید مسلمان است و سوء ظن به او حرام است. شیعیان این دیدگاه غزالی را سخت به باد انتقاد گرفته‌اند. دینانی بر این رای است، که فتوای غزالی به این که نفرین و لعن یزید را جایز نیست، برجسته‌ترین مایه ناهمدلی فقیهان شیعه با غزالی است. با این حال، از فقیهان که بگذریم، ملاصدرا در اسفار به آرای غزالی به‌ویژه در باره معاد جسمانی توجه دارد، کسانی چون محسن فیض کاشانی هم، که کتاب هشت‌جلدی محجة البیضاء فی الاحیاء الاحیاء را زیر تاثیر و در شرح و ادامه احیاء علوم الدین غزالی نوشته است، در میان شیعیان کم نیستند.

### امام اول شیعیان باعث اختلاف در میان مسلمانان

به گفته نویسنده کتاب «حیات فکری غزالی» امام محمد غزالی در بخشی از رساله‌اش سخنانی درباره امام اول شیعیان بیان می‌کند و معتقد بود که سیاست‌ها و رفتارهای علی باعث اختلاف میان امت شده است.

### همراهی غزالی با عباسیان

دلیل بی‌مهری شیعیان به او نیز موضع تند او علیه شیعه و به خصوص ظهور خرافات در مذهب شیعه و غلو آنان در باره امامان آن‌هاست. غزالی از نگره‌هایی دفاع کرده است، که به دستگاه خلافت عباسی مشروعیت می‌بخشید، و با نگره‌های مخالف خلافت مقابله می‌کرد. همه کسانی که در دستگاه قدرت نبودند - از جمله شیعیان امامی، اسماعیلی و باطنیه - مورد غضب غزالی قرار می‌گرفتند. همین مسئله باعث شد که او در میان شیعیان محبوبیتی نداشته باشد.

### مذهب غزالی

با اینکه غزالی دارای مذهب اهل سنت است و در فروع شافعی و در اصول اشعری است؛ اما در میان شیعه مشهور است که وی به سبب مناظره با سید مرتضی رازی شیعه شده و به این مطلب را در کتاب سر العالمین اشاره کرده است.

**کتاب‌شناسی** کتاب احیاء العلوم با موضوع تصوف و اخلاق، غزالی این کتاب را در اورشلیم و دمشق نوشته است.





نسخه خطی از کتاب کیمیای سعادت.



آخرین صفحه از خود زندگی‌نامه غزالی (المنقذ من الضلال) استانبول.

در میان متفکران اسلامی، هیچ‌یک به اندازه محمد غزالی تألیف و تصنیف نکرده‌است. گویند تألیف‌هایش را شمار کردند و بر روزهای عمرش تقسیم نمودند، هر روز چهار جزوه شد و تردیدی در آن نیست که بسیاری از این آثار که نام بیش‌ترشان در تاریخ نهضت‌های فکری اسلامی از رودکی تا سهروردی آمده‌است، منسوب به او است. می‌گویند تعداد کتاب‌هایی که در طول زمان به او نسبت داده‌اند، شش برابر رقمی است، که خودش دو سال پیش از مرگش در نامه‌ای به سنجر یادآور شده‌است: «بدان که این داعی در علوم دینی هفتاد کتاب کرد...» و همین موضوع کار پژوهش را بر اهل تحقیق تا حدی دشوار نموده‌است. از جمله خاورشناسان و دانشمندانی که در مورد تألیفات غزالی تحقیق کرده‌اند می‌توان گنجه، مک دونالد، گلدزیهر، لویی ماسینیون، اسین پلاسیوس، مونتگمری وات،

موریس بوژیر، میشل آلار، و عبدالرحمن بدوی را نام برد. خصوصاً دکتر عبدالرحمن بدوی دانشمند مصری، با یاری گرفتن از مجموعه تألیفات خاورشناسان قبل از خود، کتاب مؤلفات الغزالی را به نگارش درآورده که در سال ۱۹۶۰ چاپ شده است. در این کتاب از ۴۵۷ کتاب اصلی و منسوب یاد شده به مؤلف، ۷۲ تای آنها را بی تردید متعلق به غزالی دانسته و در صحت بقیه تردید نموده است. این ۷۲ کتاب یا رساله را بدوی به ترتیب تاریخی در پنج مرحله تنظیم نموده است که به شرح زیر می باشد:

- الف- آثار سال‌های دانش‌اندوزی غزالی، از سال ۴۶۵ تا ۴۸۷ هجری:
  - التعلیقه فی فروع المذهب
  - المنحول فی الاصول
- ب- آثار نخستین دوران درس و بحث
  - البسیط فی الفروع (فقه)
  - الوسیط (فقه)
  - الوجیز (فقه)
  - خلاصة المختصر و نقاوة المعاصر
  - المنتحل فی علم الجدل
  - مآخذ الخلاف
  - لباب النظر
  - تحصیل المآخذ فی علم الخلاف
  - المبادئ و الغایات
  - شفاء الغلیل فی القیاس و التعلیل
  - فتاوی الغزالی
  - فتوی (فی شأن یزید)
  - غایة الغور فی درایة الدور
  - مقاصد الفلاسفة در (فلسفه)
  - تهافت الفلاسفة در (کلام)
  - معیار العلم فی فن المنطق در (منطق)
  - معیار العقول
  - محک النظر فی المنطق در (منطق)
  - میزان العمل در (منطق)
  - المستظهری فی الرد علی الباطنیة در (کلام)
  - حجة الحق در (کلام)
  - قواصد الباطنیة
  - الاقتصاد فی الاعتقاد در (کلام)
  - قوائد العقائد در (کلام)
  - الرسالة القدسیة فی قواعد العقلیة در (کلام)
  - المعارف العقلیة و لباب الحکمة الالهیة
- ج- آثار دوران خلوت نشینی و مردم گریزی غزالی از سال ۴۸۸ تا ۴۹۹ هجری
  - احیاء علوم الدین (در تصوف و اخلاق)
  - کتاب فی مسئله کل مجتهد مصیب
  - جواب الغزالی عن دعوة مؤید المک له
  - جواب مفصل الخلاف

- جواب المسائل الربع آلتی سألها الباطنية بهمدان من ابی حامد الغزالی
- المقصد الأسنى فى شرح الأسماء الحسنی (در اخلاق)
- رسالة فى رجوع اسماء الله الى ذات واحدة على رأى المعتزله و الفلاسفه
- بداية الهداية (در اخلاق)
- كتاب الوجيز فى الفقه
- جواهر القرآن (در اخلاق)
- كتاب الاربعين فى اصول الدين (در اخلاق).
- كتاب المضمون به على غير اهله
- المضمون به على اهله
- كتاب الدرج المرقوم بالجداول
- القسطاس المستقيم (در كلام)
- فيصل التفرقة بين الاسلام و الزندقة
- القانون الكلى فى التأويل
- كيميائى سعادت (در تصوف به فارسى).
- اى فرزند (ايها الولد) (در تصوف)
- اسرار معاملات الدين
- زاد آخرت به فارسى
- رسالة الى ابى الفتح احمد بن سلامة
- الرسالة اللدنيه
- رسالة الى بعض اهل عصره
- مشكاة الانوار (در تصوف).
- تفسير ياقوت التأويل
- الكشف و التبيين
- تلبیس ابليس
- د- بازگشت به سوى مردم و دومين دوران درس و بحث از سال ۴۹۹ تا ۵۰۳ هجرى
- المنقذ من الضلال (شرح حال)
- كتاب فى السحر. الخواص الكيمياء
- غور الدور فى المسألة السريجية
- تهذيب الاصول
- كتاب حقيقة القولين
- كتاب اساس القياس
- كتاب حقيقة القرآن
- المستصفى من علم الاصول (در فقه)
- الاملاء على مشكل الاحياء
- ه- آخرين سال هاى زندگى ۵۰۳ تا ۵۰۵ هجرى
- الاستدراج
- الدرّة الفاخره فى كشف العلوم الآخرة (در كلام)
- سر العالمين و كشف ما فى الدارين
- نصيحت الملوك (در تصوف به فارسى)
- جواب مسائل سنل عنها فى نصوص اشكلت على المسائل

- رسالة الاقطاب
  - منهاج العارفين (در تصوف)
  - الجام العوام من علم الکلام (در تصوف)
- سایر کتابها، که یا در صحت انتساب آن تردید وجود دارد یا با نامهایی متفاوت از کتب فوق خوانده شده است.

- 
- معراج السالکین (در تصوف)
- الادب فی الدین
- القواعد العشره
- الرسالة الوعظیه
- رسالة الطیر
- روضة الطالبین (در تصوف)
- عجائب المخلوقات و اسرار الکائنات. این کتاب به «الحکمة فی مخلوقات الله» نیز معروف است.

## کتابنامه

- الغزالی، ابی حامد، محمد بن محمد الطوسی. (احیاء علوم الدین) جلد یکم، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بیروت چاپ سال ۱۹۴۵ میلادی به (عربی).
- دکتر: القبانى، الشیخ محمد، رشید، (مکاشفة القلوب، المقرب الی حضرة علام الغیوب) دار احیاء العلوم: بیروت، چاپ دهم، انتشار سال ۱۹۸۵ میلادی به (عربی).
- الأنصاری، محمد، ابن منظور، (لسان العرب)، جلد هیجدهم، دار احیاء التراث العربی للنشر: بیروت، چاپ سوم، انتشار سال ۱۹۸۸۷ میلادی به (عربی).
- خدیو جم، حسین. مقدمه کتاب کیمیای سعادت، نوشته امام محمد غزالی طوسی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۸۲.
- دکتر: زرین کوب، عبدالحسین. «فرار از مدرسه» درباره زندگی و اندیشه امام محمد غزالی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سال ۱۳۸۵.
- دکتر: سروش، عبدالکریم. «قصه ارباب معرفت». انتشارات صراط، چاپ ۱۳۷۵
- میان محمد شریف، نصرالله پورجوادی، «تاریخ فلسفه در اسلام».
- گروه نویسندگان؛ گلشن ابرار: زندگی اسوه های علم و عمل از سیدمرتضی رازی تا سیدمصطفی شریعت موسوی؛ ج ۱۳؛ قم؛ پژوهشکده باقرالعلوم (ع)؛ ۱۳۹۶ ش.
- نجفی، محمدعلی و عظیم عابدینی، غزالی در ترازوی نقد، قم؛ میراث ماندگار؛ ۱۳۹۶ ش.

ابونصر علی بن احمد  
اسدی توسی



زاده	اواخر سده چهارم ۳۹۰ هجری قمری توس
درگذشت	۴۶۵ هجری قمری تبریز
آرامگاه	مقبره الشعرا در تبریز
دیگر نام‌ها	اسدی توسی
پیشه	شاعر، فرهنگ نویس
سال‌های فعالیت	قرن پنجم هجری قمری
آثار	گرشاسپ‌نامه لغت فرس مناظرات
سبک	خراسانی، حماسی
دوره	غزنویان، سلجوقیان
مذهب	اسلام

ابونصر علی بن احمد اسدی توسی شاعر، نویسنده ایرانی قرن پنجم هجری و سراینده اثر حماسی گرشاسپ‌نامه است. وی در سال ۴۶۵ هجری درگذشت. مقبره وی در تبریز است.

اسدی از چند جهت در تاریخ ادبیات ایران حائز اهمیت است: کهن‌ترین دستنویس فارسی که به دست آمده است به خط اسدی توسی است. علاوه بر این وی نخستین واژه‌نامه فارسی را (بنا بر آنچه امروز ما رسیده است) به نام لغت فرس تدوین کرد.

## منبع‌شناسی

از زندگی اسدی توسی دانسته‌های زیادی در دسترس نیست. آگاهی‌های اندکی که از او امروزه در دسترس است را می‌توان به دو دسته بخش‌بندی کرد. دسته نخست دانسته‌های پراکنده‌ای است که در آثار خود اسدی توسی و منابع دیگر یافت می‌شود. اسدی در پایان کتاب الابنیه ابومنصور موفق هروی نام، نسب و تخلص (یا لقب) خویش را یاد می‌کند. در دیباجه گرشاسپ‌نامه به توسی بودن خویش اشاره می‌کند و در پایان این کتاب و در پایان مناظره مسلمان و گبر به تخلص یا لقب خود (اسدی) اشاره می‌کند.

اسدی در پایان الابنیه، انجام نگارش کتاب را شوال ۴۴۷ قمری آورده است. در دیباجه گرشاسپ‌نامه نیز می‌گوید که این منظوم را به خواهش محمد حصی یا حصنی وزیر ابودلف شیبانی فرمانروای نخجوان، به نام وی سروده است و در همان‌جا می‌گوید که در ۴۵۸ قمری آن را به پایان رسانده است. نظامی، شاعر پرآوازه سده ششم، در قطعه‌ای در سخا و سخن به بخل سلطان محمود به فردوسی و نواختن یاقتن اسدی از سوی ابودلف اشاره دارد. رشید وطواط ذیل صنعت «الاعراق فی الصفه» تنها یک دو بیت از علی اسدی شاهد آورده که در آثار بازمانده از اسدی و منابع دیگر دیده نمی‌شود. از این رو آگاهی‌های دقیق از زندگانی اسدی، کم‌وبیش به واپسین دهه از زندگی او محدود می‌شود و پیش از این تنها می‌دانیم که در توس زاده شده و در ۴۴۷ قمری نسخه الابنیه را رونویسی کرده است.

دست‌نویس سرگذشت‌نامه‌هایی هستند که در آن‌ها از اسدی توسی یاد شده که در این میان، تذکره الشعراى دولت‌شاه سمرقندی از همه آن‌ها کهن‌تر است که در سال ۸۹۲ هجری قمری نوشته شده است و به گفته دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، سرچشمه بیشتر آشفته‌گی‌های موجود در زندگی‌نامه اسدی توسی به‌شمار می‌رود. در منابع کهن‌تر از تذکره دولت‌شاه، همچون چهار مقاله نظامی عروضی، و لباب‌الالباب عوفی، نامی از اسدی توسی نیامده است، شاید به این دلیل که نظامی عروضی به شاعرانی که به دربار‌های کوچک رفت‌وآمد داشتند، توجهی نداشته است، و عوفی نیز بیشتر به شاعران قصیده‌سرا پرداخته است.

## زندگی‌نامه

## نام و تبار

او زاده توس در خراسان بوده است. کنیه او را در مجالس‌المومنین و مجمع‌الفصحا ابونصر و در دیباجه لغت فرس، که در سال ۱۳۰۳ هجری نوشته شده، ابومنصور آمده است. دست‌نویسی از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه، نوشته ابومنصور موفق بن علی الهروی در مفردات طب به زبان فارسی در دسترس است که اسدی توسی آن را در ۴۴۷ هجری قمری رونویسی کرده که در آخر کتاب و در بخش شناسنامه، نام خویش را چنین آورده است: علی بن احمد الاسدی الطوسی الشاعر. لقب یا تخلص او اسدی بوده است که خود را بدین نام خوانده و سرگذشت‌نویسان هم به همین شیوه از او یاد کرده‌اند.

قاضی نورالله ششتیری از فرهنگ لغات فرس نوشته خود اسدی و گفته خود او نقل می‌کند که تبار اسدی به پادشاهان عجم می‌رسد و نویسنده مجمع‌الفصحا هم به پیروی از او، بی‌آنکه سند خود را بنویسد، تبار وی را به شهریاران ایران می‌رساند؛ ولی بر پایه گفته بدیع‌الزمان فروزانفر، در نسخه خطی و چاپی فرهنگ اسدی از آنچه قاضی نورالله نوشته اثری نیست و از آن گذشته، «اسدی» نسبتی است به چندین قبیله عرب که از آن‌ها در «الانساب» یاد شده و شماری از گذشتگان بدین نسبت شهرت یافته‌اند، اگرچه ممکن است نسبت او به اسد از جهت ولاء باشد چنان‌که بسیاری از ایرانیان به همین نظر به قبایل عرب منسوب شده‌اند. بر پایه گفته فروزانفر، در اینکه اسدی زاده شهر توس بوده است، هیچ تردید نیست، چرا

که همه سرگذشت‌نویسان او در این باره با هم همداستان هستند و خود اسدی توسی نیز در پایان الابنیه مقدمه گرشاسپ‌نامه نیز چنین نوشته‌است.

بر پایه افسانه‌ای که دولت‌شاه آورده، اسدی استاد فردوسی بوده‌است و چون او را به سرودن شاهنامه برانگیختند، پیری را بهانه کرد و به جای خویش، فردوسی را به سرودن شاهنامه برانگیخت و هنگامی که فردوسی پس از فرار از غزنین به توس بازگشت و وفاتش در رسید، اسدی را نزد خویش فرا خواند و سرودن مابقی شاهنامه را به او سپرد. اسدی در یک شبانه روز چهار هزار بیت سرود و در آن هنگام فردوسی هنوز زنده بود و هنگامی که آن بیت‌ها را خواند، بر ذهن استاد خویش آفرین گفت. بر پایه گفته خالقی مطلق در دانشنامه ایرانیکا، این گزارش به‌طور قطع ساختگی است. اگر بخواهیم اسدی را استاد فردوسی بشماریم، آنگاه او باید ۱۵۰ سال زیسته باشد که پذیرفتنی نیست. سرگذشت‌نویسان بعدی نیز به نوشته‌های دولت‌شاه استناد کرده و این افسانه را آورده‌اند. بر پایه گفته تقی‌الدین کاشی، اسدی با فردوسی «نسبت خویشی و قرابت» داشته‌است، اما خود او به گفته دولت‌شاه که بخش پایانی شاهنامه که دولت‌شاه گفته «از اول استیلای عرب است بر عجم در آخر شاهنامه» بر دیده تردید نگریسته‌است.

### نظریه وجود داشتن دو اسدی

هرمان اته بر پایه سرگذشت دولت‌شاه اینگونه پیشنهاد کرد که شاید دو شاعر با تخلص اسدی در دو زمان گوناگون می‌زیسته‌اند. یکی پدر با نام ابونصر احمد بن منصور که استاد فردوسی و سراینده مناظرات بوده که در دوره محمود غزنوی چشم از جهان فرو بسته، دیگری پسر ابونصر به نام علی بن احمد که رونویس الابنیه، سراینده گرشاسپ‌نامه و نویسنده لغت فرس بوده‌است. اته در این نظریه خویش تلاش کرد تا ممدوحان از سوی اسدی پدر را با دولتمردان حکومت غزنوی تطبیق دهد. بر پایه دیدگاه او، «شه عادل‌زاد» که در مناظر شب و روز از او یاد شده همان سلطان محمود غزنوی است و «والا منوچهر» که در مناظره رمح و قوس آمده‌است، تعبیری شاعرانه برای همین سلطان و «ابوالوفا مطهر» که در مناظره «آسمان و زمین» مدح شده، همان شمس‌الدوله ابوطاهر از خاندان آل بویه در همدان بوده‌است و رستم نیز که در بیت پایانی همین مناظره از او یاد شده، برادر وی مجدالدوله ابوطالب رستم، امیر ری و معاصر سلطان محمود است. به گمان اته، همین ستایش از مجدالدوله، سلطان محمود را رنجانده که او را تبعید کرده‌است.

این نظریه اته تا سال‌ها پابرجا بود و بسیاری از خاورشناسان و پژوهشگران ایرانی در درستی آن تردید نداشتند که از میان آن‌ها می‌توان استوری، براون و نفیسی را نام برد؛ ولی شیرانی و فروزانفر این نظریه اته را رد کردند. چایکین، ایران‌شناس روسی از برجسته‌ترین کسانی بود که نادرستی دیدگاه اته را نشان داد. بر پایه گفته او، تلاش اته بر این بود که ممدوحان اسدی را از لابه‌لای تاریخ یمنی، ترجمه جرفادقانی بازشناسد، آن هم با تکیه و اعتماد به ترجمه انگلیسی رینولد از این کتاب که به ویژه در ضبط اعلام، لغزش‌های بسیاری در آن راه یافته‌است. چایکین تطبیق ممدوحان اسدی را در مناظرات با دولتمردان غزنوی را سراسر رد کرد و تکتک به آن‌ها پاسخ گفت. اما خود او نیز اشاره می‌کند که به جز شجاع‌الدوله منوچهر که در مناظره رمح و قوس از او مدح شده، کیستی دیگر ممدوحان مناظرات، شناخته نیست. او نشان می‌دهد که شجاع‌الدوله منوچهر، همان امیر شدادی آنی است و ابونصر احمد بن علی شاید همان ممدوح لامعی باشد. همچنین بر پایه گفته چایکین، شاعران پارسی‌گو معمولاً از پدر به پسر تغییر تخلص می‌دهند و اگر دو اسدی زندگی می‌کرده‌اند، پسر می‌بایست تخلص خویش را تغییر می‌داد. همچنین چایکین می‌افزاید که اسدی به سبب فروتنی، شعرهای خویش را در لغت فرس نیاورده‌است، ولی اگر پدر او شاعر بود، با رغبت چند بیتی را از او در لغت فرس می‌آورد.

### جوانی، میان‌سالی، کهن‌سالی و درگذشت

برتلس، دیگر ایران‌شناس نامدار روسی با بررسی واپسین بیت‌های «عرب و عجم» اینگونه پیشنهاد می‌دهد که شاعر اثر خویش را به عمید نوقان (یکی از دو ناحیه توس) ابوجعفر محمد پیشکش

کرده‌است. کیستی این ابوجعفر محمد دانسته نیست، ولی نکته برجسته اینجاست که این مناظره در توس و در زادگاه شاعر سروده شده‌است و می‌توان پذیرفت که از سروده‌های دوره جوانی شاعر بوده‌است. در این مناظره هنگامی که مرد عجم شخصیت‌های و سخن‌سرایان نامدار ایرانی که مایه فخر اوست را نام می‌برد، از فردوسی سخنی به میان نمی‌آید. بر پایه گفته ابوالفضل خطیبی، هر چند که برتلس به درستی دریافته که اسدی از شاعران درباری غزنویان نیست، ولی این گمان او که که اسدی از سر رقابت نام فردوسی را نیاورده پذیرفتنی نیست؛ زیرا از همین مناظره اینگونه برمی‌آید که اسدی در دوره جوانی نه تنها در حماسه‌سرایی طبع‌آزمایی نکرده، بلکه در قصیده‌سرایی نیز شاعری چیره‌دست نبوده تا با فردوسی همسنگی داشته باشد.

برتلس بر این گمان است که اسدی در جوانی آرمان‌های شعوبی و همچنین گرایش آشکار به تشیع داشته‌است؛ ولی از آنجا که هر دو این گرایش‌ها از دید دربار غزنوی یک گونه بزه به‌شمار می‌آمده، هیچ چکامه‌سرایی را یارای آن نبوده تا چنین چکامه‌ای را بسراید و از جان خویش بیمناک نباشد. پس بر این پایه، ممدوح اسدی یعنی عمید نوقان، باید یکی از سرداران و دهقانان زمین‌دار ایرانی در توس بوده که شاعر در واپسین سال‌های زندگی محمود یا در روزگار پسر و جانشین او مسعود این قصیده را بدو پیشکش داشته‌است؛ زیرا در سراسر زنجیره برهان‌های عجم، بیزاری دهقان اشرافی از عرب به گونه بسیار نمایان به چشم می‌خورد.

اما شاعر که نمی‌توانست امیدوار باشد که همواره برای شعرهایش پاداشی با گشاده‌دستی پرداخته شود، گویا در پایان دوره غزنوی و همزمان با تاخت آوردن ترکمنان و خشک‌سالی در خراسان از توس راهی غرب ایران شد. برتلس طرح کوتاهی از دوره دوم زنگانی اسدی به دست می‌دهد که چنین است: شاید از توس به دربار جستانیان طارم و سرانجام به نخجوان رفته، و پس از ۴۶۴ قمری در آنی، شجاع‌الدوله منوچهر بن شاوور را مدح گفته و نیز به احتمال بسیار شاعر در سرگردانی‌های سخت تنگدست و نیازمند می‌شود تا آنجا که در ۴۶۷ قمری به حال و روز یک کاتب و نسخه‌نویس ساده فرو می‌افتد.

پس از برتلس، جلال خالقی مطلق با پژوهش در منابع و مناظرات، آگاهی‌های بیشتری از دوره دوم زندگانی اسدی به دست داد. در این پژوهش خالقی بیشتر به مسمطی استناد کرده که در دیوان قطران آمده، ولی در برخی سرگذشت‌نامه‌ها از جمله دقائق‌الاشعار به اسدی منسوب است. خالقی یادآور می‌شود که این تذکره که ۱۸ باب از ۳۰ باب آن در دسترس است، نمی‌تواند ز سده ۸ قمری فروتر نوشته شده باشد، چرا که همه شاعرانی که در این مجموعه نام آن‌ها برده شده، در زمانی پیش از این می‌زیسته‌اند. سپس خالقی مطلق این مسمط را با بهره بردن از دیوان قطران و دقائق از نو تصحیح کرده‌است. در این مسمط دو شخص گوناگون یکی امیر جستان یا کنیه ابونصر و دیگری جوانی شمس‌الدین نام با لقب تاج‌الملک مدح شده‌اند.

در دیوان قطران قصاید فراوان در ستایش ابونصر جستان وجود دارد و در این قصاید از ابوالمعالی به عنوان پیر جستان نیز یاد می‌شود. این جستان امیری است از خاندان کنگریان که در پیرامون سال‌های ۴۲۱-۴۵۳ قمری بر طارم فرمان می‌راند. در این مسمط جستان با صفاتی چون مسدد، منصور، موید ستوده شده‌است که تکرار مسدد در قصیده‌ای از قطران نشان می‌دهد که اینها همه لقب‌های جستان بوده‌است. سپس خالقی با برسنجی میان آنچه اسدی و قطران درباره جستان گفته‌اند، از یک سو، و تقدیم نامه کتاب الابنیه و گفتار نویسنده آن، ابومنصور هروی از سوی دیگر، چنین نتیجه می‌گیرد که «امیر المسدد الموید المنصور» امیری که ابومنصور هروی کتاب خود را به نام آن نگاشته همان ابونصر جستان ممدوح اسدی و قطران است و از جمله دعایی «حرسه الله» که اسدی کاتب کهن‌ترین نسخه کتاب به دنبال نام ابومنصور هروی آورده پیداست که نویسنده کتاب و امیری که این اثر بدو پیشکش شده و نیز کاتب آن در یک زمان می‌زیسته‌اند. در حالی که بیشتر بسیاری از خاورشناسان بر این باور بودند که این امیر همان منصور بن نور سامانی ملقب به السدید بوده‌است و پژوهشگران دیگری چون قزوینی بهار و محبوی در این باره به نتیجه قطعی نرسیده بودند.

به گفته ابوالفضل خطیبی، با آنکه پژوهش خالقی در شناساندن نقاط تاریک زندگی اسدی بسیار راهگشاست، ولی لغزش‌هایی در آن وجود دارد. قدمت جنگ دقائق الاشعار که خالقی بارها بدان پای فشرده محل تردید است؛ زیرا از ۳۰ باب تنها ۱۸ باب بر جای مانده است و بر این اساس که همه شعرای نام برده در آن به پیش از سده ۸ قمری تعلق دارند نمی‌توان به دیرینگی کتاب حکم کرد. از سوی دیگر نیز همانگونه که خالقی خود گفته است، در دیوان قطران نزدیک به ۲۰ قصیده در ستایش ابونصر جستان در دسترس است و از آن جمله مسمطی است با برخی القاب و اللفظ مدحی مشابه در ستایش این امیر که نگارنده دقائق الاشعار آن را نه به قطران بلکه به اسدی منسوب کرده است. از این رو به سادگی نمی‌توان این مسمط را که در کهن‌ترین دست‌نویس‌های دیوان قطران آمده به استناد به گفته نویسنده دقائق الاشعار به اسدی نسبت داد.

با این همه خطیبی بر این باور است که اگر هم این مسمط سروده اسدی نباشد، پایه‌های نظریه خالقی مبنی بر اینکه نویسنده کتاب الابنیه هر دو همزمان در دربار ابونصر جستان به سر می‌برده‌اند فرو نمی‌ریزد، چون، امیری که در یکی از مناظرات اسدی با لقب «شاه عادل» و «امیر عادل» ستوده شده با این ابونصر جستان نیک تطبیق می‌کند. خطیبی در نهایت بر پایه گزارش‌های چاپیکین، برتلس و خالقی مطلق، زندگانی اسدی را چنین بازگو می‌کند: احتمالاً در پایان سده ۴ قمری یا سال‌های آغازین سده ۵ در توس دیده به جهان گشود. در مکتب شعری همان‌جا بالید و به ویژه از شاهنامه فردوسی تأثیر پذیرفت، ولی نخست به قصیده‌سرایی روی آورد و قصیده‌ای به صورت مناظره (عرب و عجم) برای ابوجعفر محمد، عمید نوقان، از دهقانان ایرانی آن دیار سرود.

سپس، مقارن با تاخت آوردن ترکمنان سلجوقی و خشک‌سالی در خراسان از توس راهی غرب ایران شد و در ۴۴۷ در دربار ابونصر جستان امیر طارم کتاب الابنیه ابومنصور هروی را رونویسی کرد و در قصاید خود او را ستود. در نزدیکی‌های سال ۴۵۵ در دربار ابودلف شیبانی فرمان‌روای نخجوان به سر می‌برد و از این تاریخ تا ۴۵۸ به نظم گرشاسپ‌نامه سرگرم بود. پس از آن لغت فرس را نوشت و در کهنسالی به دعوت شجاع‌الدوله منوچهر، حکمران آنی، بدانجا سفر کرد و مناظره رمح و قوس را برای این امیر شادای سرود و در یکی از بیت‌های پایانی این مناظره از منوچهر اجازه خواست که با «مأوی» خود شاید همان نخجوان یا توس بازگردد.

اسدی در نزدیکی‌های سال ۴۶۵ قمری درگذشت و در کوی سرخاب تبریز به خاک سپرده شد و گورستان محل دفن او بعدها به مقبره الشعرا نامبردار گشت. از این رو شاید بتوان گفته که اسدی در پایان زندگی خویش در تبریز می‌زیسته است.



مقبره الشعرا در تبریز، محل دفن حدود ۴۰۰ تن از دانشمندان و ادیبان نام‌آور ایران است.

### دین

کسانی که سرگذشت اسدی را نوشته‌اند، به دین و مذهب او اشاره‌ای نکرده‌اند. بر پایه گفته خالقی مطلق، در مسلمان بودن او و اعتقاد استوار اسلامی او جای گمانی نیست؛ ولی به‌درستی دانسته نیست.

که او شیعه بوده یا سنی. در مناظرات او و در گرشاسپ‌نامه، جز ستایش اسلام و پیامبر آن هیچ‌کجا ستایشی از ابوبکر و عمر و عثمان یا علی نیست. ولی در دیباچه گرشاسپ‌نامه هنگام ستایش پیامبر اسلام، به موضوع شفاعت اشاره می‌کند. سپس در ستایش دین اشاره به ظهور مهدی در پایان جهان دارد که بر پایه گفته خالقی مطلق و ابوالفضل خطیب دلیل بر تشیع اوست. او همچنین بلافاصله پس از اشاره به ظهور مهدی می‌گوید:

تو آنچ از پیمبر رسیدت به گوش  
به فرمان بجای آر و آن را بکوش  
بر اسپ گمان از رده بیش و کم  
مکوشت به دوزخ برد بافدم  
سر هر دوره راست کن چپ و راست  
از آن ترس کانجا نهیب و بلاست  
وزان بانگ کاید در آن رهگذار  
که ره دین مر این را و آن را بدار  
نشین راست با هر کس و راست خیز  
مگر رسته گردی گه رستخیز

چون این سخنان پس از ظهور مهدی آمده‌است، خالقی مطلق این نتیجه را می‌گیرد که اسدی زاده شهر شیعه‌نشین توس و از خانواده‌ای دارای مذهب تشیع بوده‌است، ولی خود به خاطر تسنن محیط و ممدوحان خود و بیشتر به خاطر تفکر مذهبی خود، به هیچ‌یک از مذاهب اسلامی وابستگی نداشته، بلکه بیشتر پیرو محمد و قرآن بوده‌است. در مناظره عرب و عجم یک جا به عرب‌ها به خاطر کشتن علی و فرزندان او حسن و حسین و هم به خاطر کشتن عثمان می‌تازد. از این رو در دفاع از دین اسلام به دین زرتشتی تاخته‌است، ولی از سوی دیگر حس میهن‌پرستی او نیز تا آن پایه است که مسلمان ایرانی را برتر از عرب می‌داند.

### تحصیلات

از پاره‌ای از مطالبی که در گرشاسپ‌نامه آمده به خوبی پیداست که اسدی افزون بر چیره‌دستی در شعر و حماسه‌سرایی، در علوم دینی، فلسفه، تاریخ، جغرافیا و نجوم نیز آگاهی‌های چشمگیر داشته‌است و در همین منظومه چنان به موضوعات دینی و حکمی توجه نشان می‌دهد که او را «حکیم» لقب داده‌اند. اسدی با دیوان‌های شعرای عرب نیز آشنایی داشته و پاره‌ای مضامین آن‌ها را در گرشاسپ‌نامه به کار برده‌است. چنان‌که فروزانفر نشان می‌دهد، مضمون دو بیت از اسدی با دو بیت از متنبی شاعر پرآوازه عرب به خوبی تطبیق می‌کند.

آثار اسدی توسی

### مناظرات

از مناظراتی که اسدی توسی سروده‌است، پنج مناظره امروزه در دست است. هم خالقی مطلق و هم خطیبی بر این باور هستند که هر پنج مناظره سروده یک‌نفر هستند، و خالقی بر این باور است که سنجش بین مناظره‌ها و گرشاسپ‌نامه به روشنی نشان می‌دهد که همه آن‌ها روی هم جز از یک شاعر نیستند. این مناظره‌ها در قالب قصیده هستند که در فارسی و عربی تا آن هنگام بی‌سابقه بوده‌است (هرچند که در پهلوی چنین نیست و پیش از آن شعری به این گونه به نام درخت آسوریگ بوده‌است).  
1 عرب و عجم، 2 مغ و مسلمان، 3 نیزه و کمان، 4 شب و روز، 5 آسمان و زمین.

در نخستین مناظره، عرب و عجم، به برتری ایرانیان بر عرب‌ها پرداخته شده‌است. دومین مناظره، مغ و مسلمان، درباره برتری مسلمانان بر زرتشتیان است که این مناظره، به روشنی یک نوشته ضدشعوبی است. زمینه‌های متناقض این دو مناظره برخی از پژوهشگران را بر آن داشته تا اینگونه بپندارند که مناظره عرب و عجم از اسدی توسی نیست؛ ولی بر پایه گفته خالقی مطلق در دانشنامه ایرانیکا، می‌توان این دو مناظره را اینگونه توجیه کرد که به باور اسدی توسی، یک مسلمان ایرانی برتر از یک مسلمان عرب است، اما یک مسلمان، از هر قوم و نژادی که باشد، از یک ایرانی زرتشتی برتر است. هر دو این مناظره‌ها نسبت به دیگران از نظر هنری کمتر پخته و در مرتبه فروتری جای

دارند. مناظره‌های اسدی توسی بر شعر فارسی تأثیری شگرف بر جای نهاد و از پس شاعران بسیاری به تقلید از او به این گونه شعر روی آوردند.

### گرشاسپ‌نامه

اسدی سرودن گرشاسپ‌نامه را در پیرامون سال ۴۵۵ هجری قمری در نخجوان و به درخواست محمد بن اسماعیل حصی (یا حصنی)، وزیر ابودلف شیبانی و برادرش ابراهیم، آغاز کرد و آن را در سال ۴۵۸ قمری به پایان رسانده و آن را به امیر پیشکش کرد. گرشاسپ‌نامه نزدیک به ۹ هزار بیت در بحر متقارب دارد؛ کهن‌ترین دست‌نوشته آن در ماه سفر سال ۸۰۰ قمری رونویسی شده‌است و نزدیک به ۷ هزار بیت دارد. در گرشاسپ‌نامه، ماجراهای گرشاسپ، پدر بزرگ رستم که از تخم جمشید بوده و در خدمت ضحاک است، روایت می‌شود. در تاریخ سیستان و مجمل‌التواریخ روایت‌هایی درباره کتابی به نام «کتاب گرشاسپ» یا «اخبار گرشاسپ» نوشته ابوالمعد بلخی آمده‌است که نشان می‌دهد این کتاب منبع اسدی توسی برای سرودن گرشاسپ‌نامه بوده‌است.

این‌گونه به نظر می‌رسد که اسدی توسی می‌خواسته گرشاسپ را برتر از رستم، دیگر پهلوان اسطوره‌ای ایرانی نشان دهد، اما بر پایه گفته خالقی مطلق، چندان در این راه کامیاب نبوده‌است. دغدغه اصلی اسدی توسی قافیه‌پردازی است، از این رو تکبیت‌ها بر کل داستان در اولویت هستند. او از اصطلاحات کهن فارسی و عبارات عربی بهره برده‌است. در گرشاسپ‌نامه شاعری، زبان‌شناسی، فلسفه و عرب‌گرایی اسدی نمایان است، اما بلوغ، حکمت، میهن‌پرستی و جهان‌بینی که در شاهنامه هست، در گرشاسپ‌نامه دیده نمی‌شود. گرشاسپ‌نامه منظوم اسدی توسی با اصل داستان تفاوت چندانی ندارد و به گفته فروزانفر، اسدی به‌طور قطع از تصرف و تغییر در آن خودداری کرده و به آن سخنی نیفزوده و اصل قصه را تغییر نداده، چنان‌که از سنجش آن با داستان گرشاسپ که در آغاز تاریخ سیستان آمده و از روی کتاب ابوالموید نوشته شده، روشن می‌گردد.

### لغت فرس

این واژه‌نامه برای آن نوشته‌شده‌است که واژه‌های ناآشنایی که در فارسی دری یافت می‌شوند را برای مردمان اران و آذربایجان تعریف کند. این واژه‌نامه کهن‌ترین واژه‌نامه در دسترس به زبان فارسی است که بر پایه شعرهای نمونه نوشته شده‌است. در این واژه‌نامه دانسته‌هایی جسته و گریخته درباره نام‌های برخی از شعرای سده چهارم قمری یافت می‌شود. از این واژه‌نامه چندین دست‌نویس در ایران و جای‌های دیگر در دسترس است که با هم تفاوت‌های بسیاری دارند. گویا کهن‌ترین آن‌ها در کتابخانه موزه ملی ملک در تهران قرار دارد که به سال ۷۲۲ قمری رونویسی شده‌است. دیباچه این دست‌نوشته از سال ۱۳۰۲ هجری (۱۸۸۴-۸۵ میلادی) است که در آن گفته شده اسدی این کتاب را به درخواست «پسر خویش»، اردشیر بن دیلمسویار نجمی» نوشته‌است که او از اسدی به نام «حکیم جلیل اوحد» یاد می‌کند.

### سبک

در گرشاسپ‌نامه آموزه‌های اسلامی نیز دیده می‌شود، اما در اصل روایات کمتر راه یافته‌است. همچنین در آمیختگی‌هایی که میان اسطوره‌های ایرانی و سامی در آغاز دوره اسلامی انجام شده بوده، در گرشاسپ‌نامه راه یافته‌است. در یکجا زرتشت همان ابراهیم پنداشته شده و در جای دیگر هود پیامبر زمان جمشید پنداشته شده، با این همه، می‌توان با سنجیدن گرشاسپ‌نامه با اوستا و ادبیات پهلوی، اصالت بخش‌هایی از آن را به خوبی نشان داد.

اسدی بی‌گمان از شیوه سخن‌سرایی فردوسی سخت تأثیر پذیرفته‌است. بخشی از این تأثیرپذیری با بحر متقارب که با سبک حماسی پیوندی ناگسستگی یافته، مرتبط است. گاهی اسدی شیوه فردوسی را در نمایش صحنه‌ها و وصف‌ها عیناً تکرار می‌کند؛ ولی بر پایه گفته خطیبی، اسدی بیش از دیگر پیروان فردوسی توانسته به سبکی مستقل دست یابد.

بر پایه گفته خطیبی، ویژگی‌های سبک او را می‌توان چنین برشمرد: اسدی به صنایع لفظی و تشبیهات و مبالغه‌های دور از ذهن گرایش بسیار دارد و به شیوه قصیده‌سرایان از به کار بردن اصطلاحات علمی زمان خود روی‌گردان نیست. همچنین در گرشاسپ‌نامه به برخی از ویژگی‌های لغوی و دستوری شاهنامه کمتر برمی‌خوریم، مانند به کار بردن «ابر»، «ابی»، «ابا» و به کار بردن حروف اضافه مضاعفی چون «به سر بر» «به کوه اندرون» «بر اندازه بر» و جز آن.

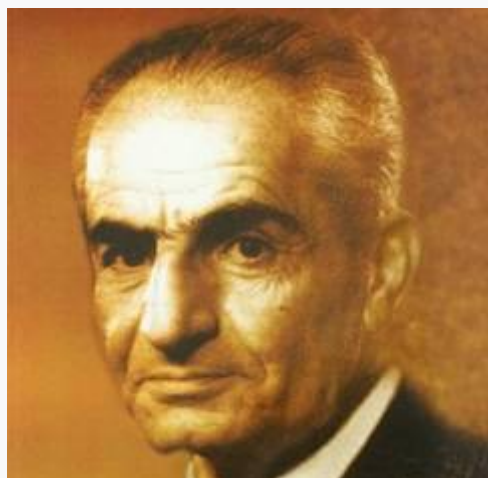
اسدی از یک سو بیش‌تر فردوسی و آژه‌های کهن و فراموش‌شده فارسی را بکار برده و از سوی دیگر بیش از فردوسی هم از آژه‌های عربی بهره برده‌است. بر پایه گفته خالقی مطلق، بیشتر آژه‌های عربی شاهنامه در گرشاسپ‌نامه هم آمده‌اند. همچنین خالقی مطلق برآورد می‌کند که نزدیک به صد آژه عربی در گرشاسپ‌نامه آمده‌است که در شاهنامه نیامده‌است، و از این رو با در نظر گرفتن اینکه شاهنامه شش برابر گرشاسپ‌نامه است و در شاهنامه نزدیک به پانصد آژه عربی بکار رفته، در این صورت گرشاسپ‌نامه دو برابر بیش از شاهنامه آژه عربی دارد. همچنین بسامد کاربرد آژه‌های عربی مشترک بین گرشاسپ‌نامه و شاهنامه، به‌طور نسبی یا حتی مطلق در گرشاسپ‌نامه بالاتر است؛ ولی با همه اینها باید، بر پایه گفته خالقی مطلق، در نظر داشت که همچنان که از ۷۰۴ آژه عربی شاهنامه نزدیک به یک‌چهارم آن حاصل دست‌بردن دیگران در شاهنامه است، از آن سو شماری از آژه‌های تازی گرشاسپ‌نامه هم از دست‌برد دیگران وارد شده‌اند. همچنین گرشاسپ‌نامه شماری آژه ترکی دارد که در شاهنامه نیست، همچون طغرل و ایاغ.

اسدی در گرشاسپ‌نامه از میان صنایع لفظی، انواع صنعت جناس و مبالغه را بیشتر به کار برده. اما بر خلاف شاهنامه که صنایع لفظی در آن طبیعی و پوشیده‌است، در گرشاسپ‌نامه ساختگی و آشکار است. اسدی در تصویرپردازی مانند فردوسی بیشتر به صنعت تشبیه روی می‌آورد و این تشبیهات را می‌توان به تشبیهات حماسی و غیرحماسی بخش کرد. در تشبیهات حماسی پیرو فردوسی است ولی او که در صنعت مبالغه بیش از فردوسی اغراق می‌گوید، در صنع تشبیه نیز بیش از او خیال‌پرداز است. می‌توان گفت که اسدی در صنعت تشبیه پیرو فردوسی و پیشرو نظامی است.

در گرشاسپ‌نامه وصف‌ها را نیز می‌توان به دو گروه وصف‌های حماسی و غنایی بخش کرد و گاهی در یک وصف هر دو شیبه به هم آمیخته‌است.

در شاهنامه قهرمانان هر گاه در جایی گرفتار می‌شوند، به خدا روی می‌آورند، ولی در گرشاسپ‌نامه چنین نیست. در شاهنامه همه چیز بر محور ایران می‌چرخد، ولی در گرشاسپ‌نامه بر محور گرشاسپ به گفته خطیبی، یکی از ضعف‌های اسدی این است که قهرمانان او بی‌چهره هستند و خواننده با تصویری از منش پهلوانان او رو به رو نیست تا بتواند آنان را خوب بشناسد و با آنان خوی بگیرد؛ ولی درون‌مایه شعر اسدی درباره مسائل اخلاقی و ادب، ساده، استوار و زیباست. او مطالب اندرزی که در منابعش بوده را به خوبی بازگو کرده‌است. همه اندیشه‌های خدانشناسی اسدی را می‌توان در شاهنامه باز یافت. به دیده اسدی، بهترین دانش در جهان، شناخت ایزد است. هر چند بزرگی او را هیچ‌گاه نمی‌توان به درستی دریافت و در زندگی هیچ‌گاه نباید امید از یزدان برید. خرد «سر گوهر است» و درستی و بینایی روان از اوست و جز ایزد از همه چیز برتر است.

## احمد آرام



**زاده** ۷ فروردین ۱۲۸۱  
چاله میدان، تهران

**درگذشته** ۱۴ فروردین ۱۳۷۷ (۹۶ سال)  
ایالات متحده آمریکا  
ایست قلبی

**آرامگاه** قطعه هنرمندان بهشت زهرا

**پیشه** مترجم، نویسنده، دانشنامه‌نویس

**تحصیلات** دارالفنون

**کتاب‌ها** آغازگر تألیف کتب درسی ایران، بیش از  
۲۰۰ ترجمه و تألیف

**همسر ها** شریفه - نسرین

**پدر** حاج غلامحسین شال فروش

احمد آرام (زاده ۷ فروردین ۱۲۸۱ تهران – ۱۴ فروردین ۱۳۷۷ ایالات متحده آمریکا)، مترجم و نویسنده معاصر بود. وی در تدوین دائرةالمعارف فارسی مشارکت داشت و برای ترجمه کتاب الحیات (با عنوان ترجمه الحیاة)، برگزیده اولین دوره کتاب سال ایران شد.

زندگی‌نامه

احمد آرام در ۷ فروردین ۱۲۸۳ (۱۸ ذیحجه ۱۳۱۹) برابر با ۲۷ مارس ۱۹۰۴ در محله چاله میدان تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه از دارالفنون، در سال ۱۳۰۴ به تدریس فیزیک و شیمی پرداخت. او متوجه شد که درس‌های تجربی به صورت نظری و بدون فعالیت آزمایشگاهی تدریس می‌شود. او به ابتکار جدیدی دست زد و کتابی با عنوان هدیه سال نو «مجموعه تجربیات فیزیکی و شیمیایی» منتشر کرد. «هدیه سال نو» نخستین کتاب آموزشی در کارهای آزمایشگاهی شامل آزمایش‌های فیزیک و شیمی است که آرام آن را در بهمن سال ۱۳۰۴ تألیف کرده‌است. احمد آرام سپس به رشته حقوق روی آورد ولی پس از چندی آن را رها کرد و به پزشکی تمایل یافت، ولی این یک نیز چندان پایبندش نکرد و سال آخر پزشکی، آن را نیز رها کرد و به فعالیت‌های فرهنگی و ترجمه روی آورد. وی به همراه دکتر نصیری از بنیانگذاران تألیف کتاب‌های درسی در ایران است و مدتی به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش در دهه ۲۰ خورشیدی فعالیت داشته‌است.

احمد آرام یکی از نخستین مؤلفان کتاب‌های درسی و آموزشی بود که هم به تنهایی و هم با کمک دیگران کتاب‌های فیزیک و شیمی دبیرستان را تألیف کرد. علاقه‌ای که به امیرکبیر داشت نام مجموعه‌ای از کتاب‌های خود را به نام «مجموعه امیر» نام‌گذاری کرد. احمد آرام تا حدود سال ۱۳۳۰ نزدیک به چهل جلد کتاب درسی و آموزشی نوشت.

احمد آرام یکی از پرکارترین مترجمین معاصر است که بیش از یکصد و چهل اثر از زبان‌های انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است. وی در ترجمه کتاب‌ها، دقت می‌کرد تا معادل‌های فارسی مناسب برای واژه‌های خارجی بیابد و از اصطلاحات و واژه‌های فرنگی استفاده نکند. خود وی در اینباره می‌گوید:

من در زمینه طب کتابی ترجمه کرده‌ام که حدود ۱۲۰۰ صفحه دارد. در این کتاب سعی کرده‌ام حتی یک کلمه فرنگی نیاورم. البته کار بسیار مشکلی است، ولی من این کار را انجام دادم.

مرگ

احمد آرام روز ۱۴ فروردین ۱۳۷۷ برابر با ۱ آوریل ۱۹۹۸ در ایالات متحده آمریکا درگذشت و طی مراسمی در روز ۲۲ فروردین و پس از انتقال به تهران تدفین شد. وی در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار برگزیده شد.



از راست به چپ پرویز شهریاری، احمد آرام و باقر امامی تالار شرکت نفت، بزرگداشت بیست و پنجمین سال انتشار مجله سخن

## آثار

وی بیش از ۲۰۰ اثر از زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است. برخی از آثار ترجمه او از این جمله‌اند:

- اثبات وجود خدا (نوشته جان کلور مونسما)
- سه حکیم مسلمان (نوشته حسین نصر)
- علم و تمدن در اسلام (نوشته حسین نصر)
- پیدایش و مرگ خورشید
- تکامل فیزیک (تألیف آلبرت اینشتین و لئوپولد اینفلد)
- علم، نظریه و انسان (تألیف اروین شرودینگر) ناشر: شرکت سهامی انتشار
- تاریخ تمدن (جلد اول: مشرق زمین گاهواره تمدن) (نوشته ویل دورانت)
- انتقال علوم یونانی بعالم اسلامی (تألیف دلیری اولیوی)
- تاریخ علم (تألیف جرج سارتن)
- چگونه مسئله را حل کنیم؟ (اثری از جرج پولیا)
- شش بال علم
- متفکران اسلام (نوشته بارون کارا دو وو)
- حدس‌ها و ابطال‌ها (نوشته کارل پوپر)
- هگل و مبانی اندیشه معاصر (نوشته امیرمهدی بدیع)
- یونانیان و بربرها (نوشته امیرمهدی بدیع)
- راهنمای پزشکی خانواده نوشته گروهی از نویسندگان<sup>[۵]</sup>
- هیئت
- لغت‌های قرآن
- فلسفه علم کلام (نویسنده هری اوسترین ولفسن) ناشر الهدی
- معلم نمونه
- اندیشه‌های کلامی شیعه (نوشته مارتین مکدموت)
- الحیات (نوشته محمدرضا حکیمی)
- فلسفه تربیت
- علم و مردم
- چگونه روح‌های محکم و زنده بسازیم
- حساب‌های دیفرانسیل و انتگرال برای همه
- منطق اکتشاف علمی (نوشته کارل پوپر) انتشارات سروش

## آرامنامه

کتاب آرامنامه در سال ۱۳۶۱ به همت انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و به قلم دکتر مهدی محقق تدوین شده و شامل خاطرات و گفتگوهایی با او است.

## احمد سمیعی گیلانی



زاده ۱۱ بهمن ۱۲۹۹  
رشت

تحصیلات کارشناسی ارشد

محل تحصیل تهران

پیشه مترجم، نویسنده

دوران قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی

شناخته شده برای عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، منتخب اولین همایش چهره‌های ماندگار

احمد سمیعی گیلانی (زاده ۱۱ بهمن ۱۲۹۹) مترجم و نویسنده ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

## زندگی

سمیعی در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و سپس وارد دانشگاه تهران شد. در اواخر دهه ۱۳۴۰ به عنوان ویراستار در مؤسسه انتشارات فرانکلین آن زمان مشغول خدمت شد و به موازات آن دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی را در دانشگاه تهران می‌گذراند. او در کنار حرفه ویراستاری، چند کتاب در زمینه آیین نگارش و تألیف کرد و مقاله‌های ارزشمندی را در مجلات متعددی نظیر پیک جوانان، کتاب امروز و رودکی به چاپ رسانید.

سمیعی کار ترجمه را با برگرداندن رمان دلدار و دلباخته، از ژرژ ساند شروع کرد و بعداً آثاری را از نویسندگان بزرگی مانند ژرژ پرک و گوستاو فلوربر به فارسی برگرداند. او تا خرداد ۱۳۹۸ سردبیری نشریه نامه فرهنگستان را بر عهده داشت.

- دلدار و دلباخته، ژرژ ساند (ترجمه)، ۱۳۴۵
- خیال‌پروری‌های تفرجگر انزواجو، ژان ژاک روسو (ترجمه)، ۱۳۴۵
- چیزها، ژرژ پرک (ترجمه)، ۱۳۴۸
- ادبیات ساسانی، ۱۳۵۵
- داتا گنج‌بخش (زندگی‌نامه و تعالیم شیخ ابوالحسن علی‌بن عثمان هجویری)، شیخ عبدالرشید (ترجمه)، ۱۳۴۹
- چومسکی، جان لاینز (ترجمه)، ۱۳۵۷
- هزیمت یا شکست رسوای آمریکا، ویلیام لوئیس و مایکل له‌دین (ترجمه)، ۱۳۶۰
- ساخت‌های نحوی، نوآم چامسکی (ترجمه)، ۱۳۶۲
- آیین نگارش، ۱۳۶۶
- دیدرو، پیتر فرانس (ترجمه)، ۱۳۷۳
- سالامیو، گوستاو فلویبر (ترجمه)، ۱۳۷۴
- شیوه‌نامه دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۵
- نگارش و ، ۱۳۷۸
- تنبعات، مونتنتی (ترجمه)، ۱۳۸۳

## اسدالله شعبانی



زاده

۴ تیر ۱۳۳۷

روستای بهادربیگ از توابع همدان

محل  
زندگی

تهران

پیشه

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی، کارشناس  
بازنشسته کانون پرورش فکری کودکان و  
نوجوانان

زمینه کاری	شاعر
تحصیلات	نشان درجه یک هنری در رشته شعر از سوی شورای ارزشیابی هنرمندان
کتاب‌ها	خرمن شعر خردسالان، جستاری پیرامون شعر کودک در ایران، قصه امشب، پولک ماه، دختر باغ آرزو، پرسه‌های شبانه
مقاله‌ها	شکل و ساختار شعر کودک، یک نفر رد شد از کنار دلم و جز آن
پدر و مادر	علی و ایراندخت

اسدالله شعبانی متولد چهارم تیرماه ۱۳۳۷ خورشیدی از شاعران و نویسندگان سرشناس شعر کودک و نوجوان در ایران است. وی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ از جمله کارشناسان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به همراه افرادی همچون سیروس طاهباز، احمدرضا احمدی و م. آزاد، بوده و عضویت در شورای کتاب کودک، دفتر تألیف کتاب‌های درسی و ... را هم در پیشینه کاری خود دارد. شعبانی نشان درجه یک هنری در رشته شعر را از سوی شورای ارزشیابی هنرمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۸ دریافت کرده است. وی را می‌توان از شاعران حلقه کیهان بچه‌ها دانست که در کنار شاعرانی همچون جعفر ابراهیمی، مصطفی رحماندوست، شکوه قاسم نیا به شعر کودک می‌پرداختند. شعر زیبا زیبا زیبایی ای ایران در کتاب اول دبستان معروف‌ترین شعر وی است که آهنگ‌های مختلفی روی آن گذاشته شده است. آثار وی از سوی انتشارات‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مدرسه، امیرکبیر، افق و ... هم‌چنین انتشارات توکا (با مدیریت شخصی خودش) منتشر شده است.

زندگی‌نامه

### دوران کودکی و نوجوانی

خودش چنین می‌گوید: «کودکی‌ام به کار و کشت سپری شد، در میان مردمی فقیر و ساده که تازه از چنگ و چنبره نظام ارباب و رعیتی درآمده بودند، در کودکی به مکتب خانه می‌رفتم. یک روز به‌طور اتفاقی دبستانی را که به تازگی در گوشه‌ای از ده دایر شده بود، کشف کردم. ششم نظام قدیم را با نمره‌های نگفتنی گرفتم. بعد هم ترک تحصیل بود و کار در کارخانه‌های تهران. در تهران درس را شبانه ادامه دادم، نخست دیپلم اقتصاد اجتماعی گرفتم سپس در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شدم. بعدها هم نشان درجه یک هنری در رشته شعر را از سوی وزارت ارشاد اسلامی به من دادند. یکی از مهمترین رویدادهای زندگی‌ام در ۱۲ - ۱۳ سالگی آشنایی با کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان بود که مسیر کار و زندگی مرا به کلی دگرگون کرد. در این سال‌ها بود که با ولع تمام کتاب می‌خواندم از همه گونه کتاب که گیرم می‌آمد! از ۱۲ سالگی، خاطرات روزانه می‌نوشتم که تمرینی بود برای داستان‌نویسی؛ و گاه شعر به شیوه قدما می‌ساختم، متأثر از بزرگانی چون خیام و حافظ. در سال‌های ۵۵-۵۶ با شعر نو هم آشنا شدم نخست با فروغ و ... بعد نیما، که البته درک نیما به

آسانی ممکن نبود، در این سال‌ها قدیم و جدید را با هم می‌خواندم. هم در "المعجم فی معاییر اشعار العجم" غوطه می‌خوردم هم حرف‌های همسایه‌نما را به خاطر می‌سپردم. هم غزل می‌ساختم و هم به شیوه نیمایی شعر نو می‌پرداختم که در نشریات آن زمان هم چاپ می‌شد. بی‌رویه می‌نوشتم، بی‌رویه هم می‌خواندم از "غرش طوفان" گرفته تا فلسفه هگل! چیزی که نمی‌شناختم اما ادبیات کودک بود!»

### دوران بزرگسالی

وی درباره‌ی دوران آغاز به کار حرف‌های خود می‌گوید: «بعدها که انقلاب شد و من شدم کارشناس فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان. کوشیدم برای بچه‌ها هم بنویسم و از همان آغاز کتاب‌هایم برای کودکان انتشار یافت. از آغاز انقلاب با همه‌ی مراکز فکری و فرهنگی کشور که به گونه‌ای با کودک و ادبیات کودکان سر و کار داشته‌اند همکاری کرده‌ام از رادیو و تلویزیون و آموزش و پرورش و ... تا کنون نزدیک به ۴۰۰ عنوان از نوشته‌هایم توسط ناشران مختلف منتشر شده‌است. بیشتر کتاب‌های من شعر و قصه و قصه‌ی منظوم برای کودکان ایران است. اکنون بازنشسته‌ی کانون پرورش فکری کودکان، در کنار فعالیت‌های پراکنده بعضی از کتاب‌هایم را در نشر توکا به مدیریت خودم منتشر می‌کنم که بیشتر نوعی سرگرمی است و کار دل.»

### آثار

- هزار سال شعر فارسی (گزینه شعر کهن برای بچه‌ها) به اتفاق زنده یاد سیروس طاهباز، احمد رضا احمدی - جعفر ابراهیمی و ... - کانون پرورش فکری چاپ اول سال ۱۳۶۵
- فعالیت‌های یاددهی، یادگیری با همکاری گروهی از کارشناسان آموزش پیش دبستان، توکا ۱۳۸۵
- خرمن شعر خردسالان (نقد و بررسی شعر کودک در ایران همراه با شش صد شعر کوتاه) برای مراکز پیش از دبستان به عنوان بزرگترین و مهم‌ترین منبع شعر خردسالان در ایران، نشر توکا ۱۳۸۶
- بال‌های احساس مجموعه شعر جوانان ۱۳۶۷
- پرسه‌های شبانه نخستین مجموعه شعر برای جوانان پیوند ۱۳۶۸ و تجدید چاپ در نشر توکا ۱۳۹۳ (کتاب تقدیری جشنواره کتاب برتر ۱۳۹۴) با طراحی جلد آیدین آغداشلو
- شکار دست‌های تو با من مجموعه شعر برای جوانان توکا ۱۳۸۴
- یک نفر رد شد از کنار دلم مجموعه شعر برای نوجوانان و جوانان، توکا ۱۳۸۸ (کتاب برتر پنجمین جشنواره انجمن فرهنگی ناشران ایران ۱۳۸۸)، ترجمه شده به زبان تاجیکی و روسی
- جشن جوانه‌ها (مجموعه شعر کودکان) مدرسه چاپ اول ۱۳۷۰
- ساز من ساز جیرجیرکخ (مجموعه شعر کودکان)، کانون ۱۳۷۳ کتاب برگزیده نومای ژاپن و جشنواره‌های ملی و بین‌المللی دیگر از جمله شورای کتاب کودک
- ما همه رنگارنگیم (مجموعه شعر کودکان)، توکا ۱۳۸۹
- ترانه‌های شاد (مجموعه شعر کودکان) توکا ۱۳۸۲
- شعرهای بی خیال میرزا جلد نخست (شعرهای طنز آمیز) توکا ۱۳۸۲ و جلد دوم در سال ۱۳۹۳
- آواز توکا (گزینه شعرهای نوجوانان از میان کتاب‌های قبلی شاعر) توکا ۱۳۷۶ کتاب سال مجله پویک برگزیده جشنواره کانون پرورش فکری کودکان
- عصا و اسب چوبی (برگزیده‌ای از شعرهای کودکان شاعر) نشر توکا ۱۳۷۹ کتاب منتخب بررسی کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

- ماه نو، نگاه نو (منظومه‌ای برای کودکان)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۸۵
- کتاب سال وزارت ارشاد اسلامی، ترجمه شده به زبان مالی
- ما، با هم (مجموعه شعر کودکان) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۶۵
- شاعر و شب بو (مجموعه شعر نوجوانان)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۴ برگزیده جشنواره کانون پرورش فکری
- چراغ شکوفه‌ها (مجموعه شعر کودک)، انتشارات مدرسه ۱۳۷۰
- پولک ماه (مجموعه شعر کودکان) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۵ کتاب برگزیده جشنواره کتاب کانون و نیز کتاب راه یافته به کتابخانه مونیخ آلمان
- ساز شاخه‌ها (مجموعه شعر نوجوانان) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۴ برگزیده جشنواره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- شیشه‌های آسمان (مجموعه شعر نوجوانان) امیرکبیر ۱۳۶۲
- زمین کوچک من (مجموعه شعر کودک) امیر کبیر ۱۳۶۲
- گل آفتابگردان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۶۴ کتاب برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- زمین ما، دل ما، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۸۴ کتاب برگزیده جشنواره کتاب کانون کتاب برگزیده جشنواره سلام بچه‌ها، برگزیده کتاب سال وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۸۵
- رنگین کمان کودکان، (مجموعه شعر کودکان) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۹ کتاب برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان
- پرچم سبز درخت (مجموعه شعر کودکان) - منادی تربیت ۱۳۸۵ - کتاب برگزیده وزارت ارشاد اسلامی برای کتاب فصل
- مجموعه‌ی ۱۲ جلدی قصه امشب نشر ویدا - نشر هگمتان که شامل (۳۷۷ افسانه ایرانی و خارجی) است که برای کودکان ایرانی بازنویسی و بازآفرینی شده و تصویرگری آن را بیش از دویست تصویرگر انجام داده‌اند. چاپ اول ۱۳۸۴ تقدیری جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان
- درخت خرمالو، (قصه کودکان) قاصدک ۱۳۶۵ ترجمه یکی از داستان‌های این کتاب به زبان ترکی
- قصه الاغه و کلاغه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۲ ترجمه به زبان کردی
- نخستین پرواز (قصه کودکان) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱ روی جلد کتاب برگزیده بلونیا
- بلندترین صدا (قصه کودکان) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱
- سنگول و منگول، امیرکبیر (شکوفه) ۱۳۶۲
- خاله مورچه جون، نشر شورا ۱۳۷۳
- عمو زنجیر باف، (نمایش منظوم) پیدایش ۱۳۷۷
- قصه مار و قورباغه، امیرکبیر ۱۳۷۳
- مهر مادر، قصه کودک، توکا ۱۳۸۳
- حسنی و اسب سفید، قصه منظوم، توکا ۱۳۸۰
- گوهر و گلدی، مجموعه قصه، کاوشگر ۱۳۶۸
- هیچ هیچ هیچانه، مجموعه ترانه با همکاری دیگر شاعران کودک، افق ۱۳۹۰
- فوتبالیست‌های محله، قصه منظوم طنز، قدیانی ۱۳۸۲
- مرغابی و ماه، بازنویسی از کلیله و دمنه، کانون پرورش فکری ۱۳۹۰
- چشمه ماه، بازنویسی از مثنوی معنوی ۱۳۹۰

- آب و مهتاب، مجموعه شعر، برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۶۶
- خانه پروانه‌ها، مجموعه شعر، مدرسه ۱۳۷۶
- تنگ بلور آسمان، مجموعه شعر، منادی تربیت، کتاب برگزیده فصل وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۸۸
- خدا خدای مهربان، مجموعه شعر خردسالان، به‌نشر ۱۳۹۰
- لالا لالا عروسک، به‌نشر ۱۳۹۰
- لالایی‌ها، امیرکبیر ۱۳۹۳
- تولدت مبارک، مجموعه شعر کودک، کاوشگر ۱۳۶۴
- تکه‌ای از دریا، گزینه شعر کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۸۸
- باغ نقاشی، به‌نشر ۱۳۹۰
- چه کسی داده به گل این همه رنگ، ترجمه منظوم، شهرتاش ۱۳۹۱ با رعایت کپی رایت (برگزیده شورای کتاب کودک ۱۳۹۳)
- پرطلا، قصه منظوم، نهاد هنر و ادبیات ۱۳۶۶
- برکه، منظومه‌ای برای نوجوانان، شکوفه امیرکبیر ۱۳۶۴
- خانه ما خانه آهوها، ترجمه منظومی از چلسی آرگون- تصویرگر: لسلی بیکر- افق ۱۳۷۰
- جوجه ما گم شده بود، (برگردان به شعر کودک از کریستوفر ورمل با رعایت کپی رایت)، افق ۱۳۷۸ این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۹۳ در آمریکا منتشر \* شده و جایزه‌های زیادی برده است
- روباه دم بریده، (قصه عامیانه برای کودکان) خانه ادبیات - توکا ۱۳۷۶
- دختر باغ آرزو، (قصه‌ای منظوم با الهام از آندرسن) با تصویرگری نسرین خسروی- توکا ۱۳۷۷ این کتاب در اغلب جشنواره‌های ملی و بین‌المللی کتاب از جمله کنکور بزرگ نوما برنده شده و یکی از مشهورترین و بحث‌برانگیزترین کتاب‌های کودکان در دهه اخیر به سبب تصویرگری بوده است.
- آخرین برنده آزاد، برگردان به شعر با تصویرگری شیلا هنیز بر اساس قصه‌ای از هاریس استون، کانون پرورش فکری کودکان، این کتاب برگزیده شورای کتاب کودک بوده است. ۱۳۸۰
- قصه‌های شیرین شاهنامه، دو جلدی، پیدایش ۱۳۷۸ که جلد نخست این کتاب برگزیده شورای کتاب کودک و جلد دوم آن برگزیده جشنواره رشد شده است.
- گنجشک و پنبه دانه (قصه عامیانه)، توکا ۱۳۷۷
- قصه شهر قشنگ جنگلی (قصه منظوم)، توکا ۱۳۷۹
- پروانه و گل سر (مجموعه شعر کودک)، کانون پرورش فکری کودکان ۱۳۷۵ کتاب برگزیده شورای کتاب کودک
- فرود (بازنویسی از شاهنامه)، کانون پرورش فکری کودکان ۱۳۹۳
- جستاری پیرامون شعر کودک در ایران (مباحث نظری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۹۳)
- ای میهن من ایران (مجموعه شعر برای همه کودکان ایران زمین ۱۳۹۴)، کتاب برگزیده شورای کتاب کودک ۱۳۹۵
- پولک به پولک مجموعه شعر کودک - پیدایش ۱۳۹۳ برگزیده جشنواره کتاب برتر ۱۳۹۴
- کتاب کتاب صد تا کتاب (صد جلد در یک بسته)، آوای باران ۱۳۹۴
- بگو تا بگم (سری ۶ جلدی برای خردسالان)، نشر خط خطی ۱۳۹۴
- هلم بده قلم بده، سری ۵ جلدی قصه‌های منظوم برای کودکان- سوره مهر ۱۳۹۴

- مجموعه‌ی ده جلدی قصه‌های عامیانه، مدرسه ۱۳۹۴
  - آدمک برفی، قصه برای کودکان- مدرسه ۱۳۹۳
  - قصه زاغ و روباه، مدرسه برگزیده جشنواره رشد ۱۳۹۴
  - مجموعه شعر کودکان، مدرسه ۱۳۹۳
- نقد اسدالله شعبانی درباره فیلم خانه دوست کجاست به کارگردانی عباس کیارستمی که در شماره ۱۱۹۹ زن روز در ایام اکران فیلم در سال ۱۳۶۷ شمسی چاپ شده بود در کتابخانه دوست کجاست نوشته عباس کیارستمی و کیومرث پوراحمد در قالب مجموعه‌ای از نقدهای برتر فیلم در سال ۱۳۹۶ شمسی از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنشر یافته است.

## جایزه‌ها

برخی جایزه‌های اسدالله شعبانی عبارتند از:

- «خرمن شعر خردسالان» (نقد و بررسی شعر کودک در ایران همراه با شش صد شعر کوتاه) برای مراکز پیش از دبستان به عنوان بزرگترین و مهم‌ترین منبع شعر خردسالان در ایران راه یافته به جشنواره رشد ۱۳۹۴
- «پرسه‌های شبانه» (کتاب تقدیری جشنواره کتاب برتر ۱۳۹۴)
- «یک نفر رد شد از کنار دلم»، مجموعه شعر برای نوجوانان و جوانان، (کتاب برتر پنجمین جشنواره انجمن فرهنگی ناشران ایران ۱۳۸۸)، ترجمه شده به زبان تاجیکی و روسی
- «ساز من ساز جیرجیرک»، کتاب برگزیده نوامی ژاپن و جشنواره‌های ملی و بین‌المللی دیگر از جمله شورای کتاب کودک
- «آواز توکا»، کتاب سال مجله پوپک برگزیده جشنواره کانون پرورش فکری کودکان
- «عصا و اسب چوبی»، کتاب منتخب بررسی کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- «ماه نو، نگاه نو»، کتاب سال وزارت ارشاد اسلامی، ترجمه شده به زبان مالی
- «شاعر و شب بو»، برگزیده جشنواره کانون پرورش فکری
- «پولک ماه»، کتاب برگزیده جشنواره کتاب کانون و نیز کتاب راه یافته به کتابخانه مونیخ آلمان
- «ساز شاخه‌ها»، برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- «گل آفتابگردان»، برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان
- «زمین ما، دل ما»، کتاب برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتاب برگزیده جشنواره سلام بچه‌ها، برگزیده کتاب سال وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۸۵
- «رنگین کمان کودکان»، کتاب برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان
- «پرچم سبز درخت»، کتاب برگزیده وزارت ارشاد اسلامی برای کتاب فصل
- «قصه امشب» سری ۱۲ جلدی تقدیری جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- «درخت خرمالو»، ترجمه یکی از داستان‌های این کتاب به زبان ترکی
- «قصه الاغه و کلاغه»، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۲ ترجمه به زبان کردی
- «نخستین پرواز»، (قصه کودکان) کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱ روی جلد کتاب برگزیده بلونیا
- «آب و مهتاب»، مجموعه شعر، برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- «تنگ بلور آسمان»، مجموعه شعر، منادی تربیت، کتاب برگزیده فصل وزارت ارشاد اسلامی

- «تکه‌ای از دریا»، گزینۀ شعر کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- «چه کسی داده به گل این همه رنگ»، ترجمه منظوم، شهرتاش ۱۳۹۱ بار رعایت کپی رایت (برگزیده شورای کتاب کودک ۱۳۹۳)
- «جوجه ما گم شده بود»، (برگردان به شعر کودک از کریستوفر ورمل با رعایت کپی رایت)، این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۹۳ در آمریکا انتشار یافته‌است و جایزه‌های زیادی برده‌است
- «دختر باغ آرزو»، این کتاب در اغلب جشنواره‌های ملی و بین‌المللی کتاب از جمله کنکور بزرگ نوما برنده شده و یکی از مشهورترین و بحث برانگیزترین کتاب‌های کودکان در دهه اخیر به سبب تصویرگری بوده‌است.
- «آخرین پرنده آزاد»، برگزیده شورای کتاب کودک
- «قصه‌های شیرین شاهنامه»، (دو جلدی) جلد اول برگزیده شورای کتاب کودک و جلد دوم برگزیده جشنواره رشد
- «پروانه و گل‌سر» برگزیده شورای کتاب کودک
- «ای میهن من ایران» کتاب برگزیده شورای کتاب کودک ۱۳۹۵
- «پولک به پولک»، برگزیده جشنواره کتاب برتر ۱۳۹۴
- «قصه زاغ و روباه»، برگزیده جشنواره رشد ۱۳۹۴

## فیلم و شعرخوانی

مصاحبه‌هایی از وی در فیلم‌های «نغمه سرای کودکان» ساخته هومن ظریف درباره عباس یمینی شریف منتشر شده‌است. شعرخوانی او در سایت اینترنتی فصلنامه گوهران برای نوروز ۱۳۹۵ نیز از جمله آثار صدای شاعر است.

- ویدیو شعرخوانی اسدالله شعبانی در مجله فرهنگی هنری گوهران

## اسماعیل حاکمی والا



۱۳۱۵ آبدان

زاده

۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ تهران

درگذشت

محل زندگی	تهران
کارهای برجسته	استادی دانشگاه تهران استادی دانشگاه استانبول ترکیه مترجم
مذهب	شیعه اثنی عشری

اسماعیل حاکمی والا (زاده ۱۳۱۵ آبدان – درگذشته ۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ تهران) استاد دانشگاه، پژوهش‌گر ادبیات و مترجم ایرانی بود.

#### زندگی‌نامه

اسماعیل حاکمی والا، در آبدان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در بوشهر، آبدان و شیراز گذراند و از دبیرستان سلطانی شیراز دیپلم ادبی گرفت. در ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی رفت و در رشته زبان و ادبیات فارسی درجه لیسانس گرفت. در ۱۳۳۷ تحصیلات عالی خود را در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی ادامه داد و در ۱۳۴۳ موفق به اخذ دانشنامه دکترا شد. عنوان رساله دکتری ایشان سماع در تصوّف نام دارد که به راهنمایی استاد سعید نفیسی نگارش یافته است. حاکمی والا، در کنار تحصیل در دانشگاه، در مدارس سپهسالار و دبیرستان مروی به تحصیل ادبیات عرب و علوم و معارف اسلامی نیز پرداخت

او مقامات حریری مغنی‌اللیبیب، مکاسب، شرایع و سیوطی را خواند. اسماعیل حاکمی از ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ در وزارت آموزش و پرورش به خدمت پرداخت. در ۱۳۴۷ با درجه استادیاری به دانشگاه تهران منتقل شد. در ۱۳۵۲ به درجه دانشیاری و در ۱۳۶۲ به مرتبه استادی نائل آمد و سرانجام در مهرماه ۱۳۶۹ به‌عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران برگزیده شد. حاکمی علاوه بر تدریس، عهده‌دار سمت‌هایی چون معاونت دانشگاه علامه طباطبایی و ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز بود. او اهل شعر است و در ۱۳۳۵ هـ. ش مجموعه اشعار خود را با عنوان شکوفه منتشر کرد.

استاد حاکمی والا که سال‌ها دچار بیماری پارکینسون بود روز جمعه ۱۳۹۶/۲/۱ در (۷۹) سالگی در تهران درگذشت.

#### سمت‌های اجرایی

- سر دبیری مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
- سرپرستی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی
- عضویت شورای گسترش زبان فارسی
- سرپرستی کمیته تخصصی زبان و ادبیات فارسی
- عضویت قطب عرفان دانشگاه تهران

#### آثار

- دستور زبان فارسی
- آشنایی با ادبیات فارسی

- آیین فتوت و جوانمردی
- مجموعه مقالات
- فرج بعد از شدت
- تحقیق درباره ادبیات غنایی
- متون تاریخی
- متون مصنوع و مزین
- ادبیات معاصر ایران
- آشنایی با ادبیات فارسی
- زبان و نگارش فارسی
- سماع در تصوّف
- پندنامه عطار
- تصحیح چند کتاب
- برگزیده اشعار رودکی و منوچهری
- گزیده اشعار مسعود سعد سلمان
- دامنی گل

#### لوح تقدیر

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به پاس سالها خدمات علمی و فرهنگی وی، طی برگزاری مراسم بزرگداشتی در ۲۰ مهر ماه ۱۳۸۳ هـ. ش اسماعیل حاکمی و الا را به عنوان یکی از مفاخر ایران زمین معرفی کرد و لوح تقدیری به استاد اهدا نمود.

#### سایر فعالیتها

- عضویت در هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
- ارتقاء به مقام دانشیاری و استادی و استادی ممتاز دانشگاه تهران
- مدیریت گروه زبان ادبیات فارسی
- تدریس در دانشگاه استانبول ترکیه

#### سمینارها

حاکمی در سمینار سالیانه استادان زبان فارسی در هندوستان و همایشهای مولوی در مونیخ آلمان، جامی در استراسبورگ فرانسه، اقبال در لاهور پاکستان، فارسی در چین، جامی در مسکو و شهریار در باکو شرکت داشته است.

#### چهره ماندگار

وی به سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران و به سال ۱۳۸۴ به عنوان چهره ماندگار ادبیات فارسی شناخته شد.

## اسماعیل سعادت



زاده ۵ مهر ۱۳۰۴ خوانسار، ایران

درگذشت ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ (۹۴ سال)  
تهران، ایران

پیشه زبان‌شناس، مترجم

سازمان عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

جایزه نشان درجه یک ادب پارسی

اسماعیل سعادت (۵ مهر ۱۳۰۴ در خوانسار - ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ در تهران)، نویسنده و مترجم ایرانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مدیر گروه دانشنامه زبان و ادب فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو شورای عالی ویرایش سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بود.

## زندگی

اسماعیل سعادت، زبان‌شناس و مترجم آثار فلسفی، در سال ۱۳۰۴ در خوانسار زاده شد. در سال ۱۳۲۲ راهی گلپایگان و سپس عازم تهران شد.

سعادت زمانی که در سال ۱۳۲۴ از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ‌التحصیل شد به پیشه آموزگاری در تهران پرداخت. وی در سال ۱۳۳۰ موفق به گرفتن مدرک کارشناسی در رشته زبان فرانسه و انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد؛ و در سال ۱۳۳۱ که تحصیلات دانشگاهی را به پایان

رسانید از آموزگاری به دبیری ارتقا یافت. سعادت مدرک کارشناسی ارشد زبان‌شناسی خود را در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران گرفت.

سعادت در بنگاه ترجمه و نشر کتاب هم فعالیت داشته و ویرایش کتاب‌ها را بر عهده داشته‌است. او در مؤسسه فرانکلین هم فعالیت داشته‌است. به‌طور کلی اسماعیل سعادت نزدیک به هفت سال در بنگاه ترجمه و نشر کتاب کار کرد و پس از آن هم مدتی در اداره مجله راهنمای کتاب، با ایرج افشار، مدیر مجله همکاری داشت. سپس به مؤسسه انتشارات فرانکلین رفت. پس از آن نیز در مرکز تهیه مواد خواندنی برای نوسوآدان به سرپرستی ایرج جهان‌شاهی مشغول به فعالیت شد و همزمان عهده‌دار سر دبیری مجله پیک دانش نیز بوده‌است.

کتاب در آسمان ترجمه اسماعیل سعادت، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد.

سعادت، ویراستار و سردبیر مجله معارف نیز بود که از سوی مرکز نشر دانشگاهی چاپ می‌شود. وی عضو شورای عالی و ویرایش زبان فارسی صدا و سیما بوده‌است. او به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۷۷ انتخاب شده و در آن میان، مدیریت دانشنامه زبان و ادبیات فارسی به او محول شد.

#### درگذشت

وی در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۹۹ در تهران درگذشت.

#### جوایز

- برنده جایزه بهترین ترجمه برای ترجمه کتاب «زندگی میکِل آنژ» در سال ۱۳۳۴ و در همان سال مجله سخن که بنیان‌گذارش پرویز ناتل خانلری بود، جایزه ممتاز خود را به این کتاب اهدا کرد.
- دریافت نشان درجه یک دانش به‌عنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در نوزدهمین دوره کتاب سال برای ترجمه کتاب «در آسمان»

#### آثار

اسماعیل سعادت علاوه بر سرپرستی دانشنامه زبان و ادب فارسی، کتاب‌های زیر را بیشتر از زبان فرانسه به فارسی برگردانده است:

#### تألیف

- جای پای ایام: مجموعه مقالات درباره ادبیات و فلسفه (تألیف و ترجمه)، تهران: انتشارات فرهنگ جاوید، به‌زودی.

#### ترجمه

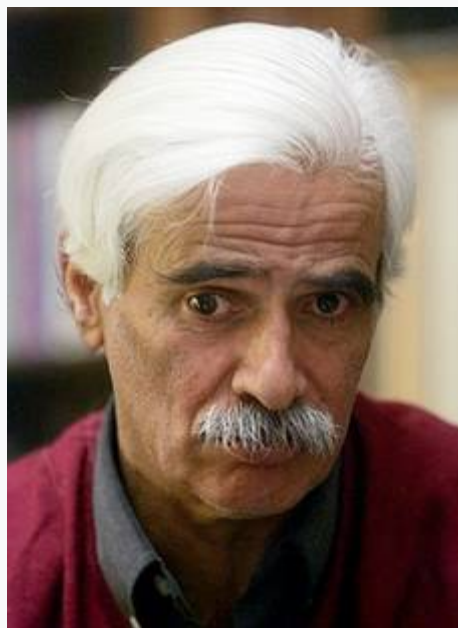
- تلخکامی‌های سوفی، سوفی، کنتس دو سگور، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ایزابل، آندره ژید، سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۳؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲؛ تهران: فرهنگ جاوید، ۱۳۹۹.
- زندگی میکِل آنژ، رومن رولان، نیل، ۱۳۳۴، سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۶؛ نگاه، ۱۳۶۳؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.

- کشفیات نوین در روان‌پزشکی، کلیفورد آلن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷؛ تجدید چاپ با عنوان پیشگامان روان‌پزشکی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- شیر و جادوگر، سی. اس. لوئیس، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- عصر بدگمانی: گفتارهایی درباره رمان، ناتالی ساروت، نگاه، ۱۳۶۴؛ کتاب پرواز، ۱۳۸۱؛ انتشارات فرهنگ جاوید، بهزودی.
- میکروب‌ها، آیزاک آسیموف، فاطمی، ۱۳۶۴.
- انرژي، آیزاک آسیموف، فاطمی، ۱۳۶۵.
- اخلاق، جورج ادوارد مور، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- بخشی از سیر فلسفه در جهان اسلام (ترجمه از انگلیسی)، ماجد فخری، ۱۳۷۲.
- از وولف تا کانت، بخش اول از جلد ششم تاریخ فلسفه (ترجمه از انگلیسی)، فردریک کاپلستون، ۱۳۷۲.
- کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، پل لویا، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- مونتئی (ترجمه از انگلیسی)، پیتر برک، طرح نو، ۱۳۷۳؛ تجدید چاپ با عنوان اندیشه مونتئی، انتشارات فرهنگ جاوید، ۱۳۹۷.
- سرود نیلونگن (افسانه مشهور ژرمنی سروده شاعر اتریشی ناشناس در اوایل سده سیزدهم میلادی)، سروش، ۱۳۷۴.
- رساله در اصلاح فاهمه و بهترین راه برای رسیدن به شناخت حقیقی چیزها، اسپینوزا، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- اسپینوزا (ترجمه از انگلیسی)، راجر اسکروتن، طرح نو، ۱۳۷۶؛ تجدید چاپ با عنوان اندیشه اسپینوزا، انتشارات فرهنگ جاوید، ۱۳۹۹.
- در کون و فساد، ارسطو، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- در آسمان، ارسطو، انتشارات هرمس، ۱۳۷۹.
- ژان غرغرو، ژان خندرو، سوفی، کنتس دو سگور، انتشارات هرمس، ۱۳۸۱.
- مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، شیخ بو عمران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۲.
- تاریخ فلسفه: س هفدهم، امیل بریه، انتشارات هرمس، ۱۳۸۵.
- آثار علوی، ارسطو، انتشارات هرمس، ۱۳۸۸.
- تاریخ فلسفه: قرن هجدهم، امیل بریه، انتشارات هرمس، ۱۳۹۰.
- خطابه، ارسطو، انتشارات هرمس، ۱۳۹۲.
- گفتارهایی درباره رسالت دانشمند، یوهان گوتلیب فیشته، انتشارات فرهنگ جاوید، ۱۳۹۵.
- تاریخ فلسفه: قرن نوزدهم، دوره نظام‌ها (۱۸۰۰-۱۸۵۰)، امیل بریه، انتشارات هرمس، ۱۳۹۷.

### مصاحبه

- «مروارید اندیشه: مصاحبه تاریخ شفاهی با استاد اسماعیل سعادت»، مصاحبه، تدوین و تحقیق پیمان صالحی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶.

## اصغر الهی



زاده	۱۳۲۳ مشهد
درگذشته	۱۲ خرداد ۱۳۹۱ بیمارستان قلب تهران عارضه قلبی
پیشه	نویسنده
دانشگاه	دانشگاه تهران
جوایز مهم	جایزه گلشیری

اصغر الهی (۱۳۲۳-۱۲ خرداد ۱۳۹۱) نویسنده معاصر ایرانی بود. رمان «سالمرگی» این داستان‌نویس برنده جایزه گلشیری شد.

## زندگی‌نامه

اصغر الهی در سال ۱۳۲۳ در مشهد زاده شد. سال‌های جوانی او به دلیل فعالیت سیاسی پرتلاطم بود. با وجود این موفق شد مدرک دکترای تخصصی رشته روان‌پزشکی را از دانشگاه تهران دریافت کند. الهی بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ به عنوان سردبیر مجله بازتاب روان‌شناسی فعالیت داشت. سپس به تدریس در دانشگاه علوم پزشکی ایران و پزشکی پرداخت. وی دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران و متخصص روان‌پزشکی بود.

## آثار

نخستین داستان‌های کوتاه اصغر الهی در دهه چهل منتشر شدند و نویسنده رمان‌های «سالمرگی»، «مادرم بی‌بی جان» و مجموعه داستان‌های «بازی» و «قصه‌های پاییزی» بود. در سال ۱۳۷۰ با

انتشار مجموعه داستان کوتاه «دیگر سیاوشی نمانده است» به کشف و خلق شگردهای تازه روایتگری در داستان‌های روانشناختی پرداخت و مجموعه داستان‌های «دیگر سیاوشی نمانده»، «رؤیا تا رؤیا» و نمایشنامه «قالیباف» از دیگر آثار ادبی اوست.

اصغر الهی همچنین چند کتاب در زمینه شناخت مسائل روان‌پزشکی ترجمه و تألیف کرده است.

- سالمرگی (رمان)
- مادرم بی‌بی جان (رمان)
- بازی (مجموعه داستان)
- قصه‌های پاییزی (مجموعه داستان)
- دیگر سیاوشی نمانده (مجموعه داستان) و ارتان وحدتی (حسین) سال 72 از داستان کوتاه آخرین پادشاه که در این مجموعه منتشر شده بود نخستین نمایشنامه خود را اقتباس کرد
- رؤیا رؤیا (مجموعه داستان)
- قصه شیرین ملا (ادبیات نوجوان)
- قالیباف (نمایشنامه)
- حکایت عشق و عاشقی ما (مجموعه داستان) نشر چشمه - پاییز ۱۳۸۹

#### رمان سالمرگی

الهی با رمان سالمرگی در سال ۱۳۸۶ موفق به دریافت جایزه بهترین رمان از جایزه هوشنگ گلشیری شد.

#### نقد آثار اصغر الهی

فرشته احمدی در نقد رمان سالمرگی اصغر الهی می‌نویسد: «همه آدم‌های داستان با وجود تفاوت بسیارشان با یکدیگر، در ارتباط داشتنشان با ماندن و رفتن به هم شبیه می‌شوند... سرگشتگی سالمرگی‌ها هنوز با اسطوره‌ها پیوند دارد و با گناهانشان. امیدشان به بخشوده شدن آن‌ها را زنده نگه می‌دارد.»

#### درگذشت

او روز ۱۲ خردادماه ۱۳۹۱، بر اثر عارضه قلبی در بیمارستان قلب تهران درگذشت.

#### اصغر دادبه



زاده	۱۸ اسفند ۱۳۲۵ یزد
پیشه	پژوهشگر ادبی، حافظپژوه
کارهای برجسته	استاد دانشگاه
دین	اسلام

اصغر دادبه (زاده ۱۸ اسفند ۱۳۲۵ در یزد)، استاد فلسفه اسلامی و ادبیات عرفانی دانشگاه علامه طباطبایی و مدیر گروه ادبیات دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، همچنین مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال است. اصغر دادبه در سال ۱۳۸۱، در دومین همایش چهره‌های ماندگار، به‌عنوان چهره ماندگار در عرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد.

#### تحصیلات

او در خرداد سال ۱۳۴۴، پس از اخذ دیپلم، موفق به ادامه تحصیل در دانشگاه تهران در رشته الهیات، گرایش حکمت و فلسفه اسلامی گردید. پس از دوره کارشناسی، در شهریور ۱۳۴۸ به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری همان رشته پرداخت و از پایان‌نامه دکتری خود در خرداد ۱۳۵۹ دفاع کرد.

#### آثار

او مؤلف حدود سیصد مقاله فلسفی، عرفانی، کلامی، و ادبی در دائرةالمعارف‌ها، مجلات دانشگاهی و مجلات غیر دانشگاهی است.

#### تألیف و تصحیح

- کلیات فلسفه
- فخر رازی
- فرهنگ اصطلاحات کلامی (آماده چاپ)
- الحکمة العرشية ملاصدرا

#### ویرایش

- شرکت در تصحیح و تعلیق دیوان نجیب کاشانی
- تصحیح و تعلیق تاریخ کشیک‌خانه از نجیب کاشانی (آماده چاپ)
- رساله منطق هنر شهر (آماده چاپ)
- شناخت‌شناسی در فلسفه اسلامی (آماده چاپ)
- نظارت بر تصحیح دیوان ظهیر فاریابی، براساس یادداشت‌هایی از دکتر امیرحسن یزدگردی

#### نگارش مقدمه

- سرود آزاد (مجموعه شعر فخرالدین مزارعی)
- مفهوم رندی در شعر حافظ از فخرالدین مزارعی

- حواصل و بوتیمار از امیرحسین یزدگردی
- جانان عشق و جان خط، یادنامه استاد منوچهر قدسی

## امید طبیبزاده



امید طبیبزاده در دانشکده ادبیات دانشگاه بوعلی سینا،  
تیر ۱۳۸۸

نام در زمان تولد	امید طبیبزاده قمصری
زاده	۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ تهران
تحصیلات	دانشگاه تهران (کارشناسی ارشد و دکتری)، دانشگاه شهیدباهنر کرمان (کارشناسی)
شناخته شده برای	پژوهش درباره وزن شعر فارسی و دستور زبان فارسی
جایزه	جایزه فارابی، کتاب سال ایران، کتاب فصل، جشنواره نقد کتاب
رشته(های) فعالیت	پیشینه علمی زبان‌شناسی

محل کار	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۹۵-) دانشگاه بوعلی سینا (۱۳۸۰-۱۳۹۵)
پایان نامه	تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی (۱۳۷۸)
استاد راهنما	یدالله ثمره
دیگر راهنمایان	علی اشرف صادقی، محمود بی‌جن‌خان، محمد دبیرمقدم، فرانتس گونتتر، مصطفی عاصی، علی محمد حق‌شناس، محمدرضا باطنی، علی افخمی، بهزاد قادری
دانشجویان دکتری	نگار بوبان
تأثیر گرفته از	ویلیام شکسپیر، ابوالحسن نجفی، پرویز ناتل خانلری، نیما یوشیج، جلال آل احمد

**امید طیب‌زاده قمصری** (زاده ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۰) زبان‌شناس و مترجم ایرانی و استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. او تا سال ۱۳۹۵ عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا بود. فعالیت‌های پژوهشی طیب‌زاده عمدتاً در زمینه وزن شعر فارسی و دستور زبان فارسی است و آثارش از جمله آثار منتخب در جشنواره نقد کتاب، کتاب سال ایران و جشنواره فارابی بوده است. او همچنین برخی از اشعار ویلیام شکسپیر را به فارسی ترجمه کرده است.

#### زندگی و تحصیلات

امید طیب‌زاده در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ در تهران به دنیا آمد. او در سال ۱۳۶۶ دوره کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی را در دانشگاه شهید باهنر کرمان به پایان برد. در این دوره از استادانی مثل بهزاد قادری و محمد مختاری اردکانی تأثیر پذیرفت و همین مسئله باعث شد به آثار ویلیام شکسپیر و ترجمه اشعار او علاقه‌مند شود.

طیب‌زاده دوره کارشناسی ارشد (۱۳۷۳) و دکتری (۱۳۷۸) را در رشته زبان‌شناسی در دانشگاه تهران گذراند. او با دریافت بورس دآاد (۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱) به آلمان رفت و زیر نظر فرانتس گونتتر مقدمات دستور وابستگی را آموخت. همچنین سال‌های متمادی از درس و بحث ابوالحسن نجفی بهره برد.

طیب‌زاده از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷ به معرفی کتاب‌های تازه در مجله نشر دانش می‌پرداخت و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ به‌عنوان ویراستار در مرکز نشر دانشگاهی مشغول به کار بود.

او از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا بود و مدتی سردبیری مجلات پژوهش‌های ایران‌شناختی (به زبان آلمانی، ۱۳۸۳-۱۳۸۸) و پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی

(۱۳۹۵-۱۳۹۰) را برعهده داشت. طبیبزاده از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ با دریافت بورس فون همبولت به تدریس در گروه ایران‌شناسی دانشگاه گوتینگن پرداخت. او اکنون با درجه استادی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تدریس می‌کند.

### فعالیت‌های علمی و ادبی

#### وزن شعر

طبیبزاده در رساله دکتری خود در دانشگاه تهران، به راهنمایی یدالله ثمره، ساختار وزن شعر عامیانه فارسی را مورد بررسی قرار داد. این اثر که مدتی بعد به صورت کتاب منتشر شد (انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۲)، از معدود پژوهش‌های مفصل درباره نظام تشکیل‌دهنده وزن اشعار و ترانه‌های عامیانه فارسی به‌شمار می‌رود. ابوالحسن نجفی، علی‌اشرف صادقی و ضیاء موحد این اثر را نقد کرده‌اند.

طبیبزاده در آثار دیگر خود به بررسی شعر عروضی فارسی نیز پرداخته است. از جمله این آثار می‌توان به مقالات درباره وزن نیمه‌عروضی، وزن شعر پارتی، قرائت صحیح شعر عروضی، شرح و نقد وزن در پریای شاملو، وزن آهوی کوهی، وزن شعر ری‌را، وزن اشعار تولدی دیگر، وزن و قافیۀ کلامات یارسان، ویژگی‌های وزنی ترانه‌ها و تصنیف‌های فارسی، اشتراکات وزنی در اشعار زبان‌های ایرانی غربی، وزن فهلویات، وزن اشعار شهرضایی، کاربرد نظریۀ تکرار در بررسی وزن عروضی فارسی، بررسی تطبیقی وزن‌های کمی و تکیه‌ای هجایی در فارسی و گیلکی، و وزن شعر کودکانه اشاره کرد. او همچنین در این زمینه به نقد و معرفی کتاب‌های زیر پرداخته است: اشعار عامیانه ایران در عصر قاجار اثر والننن ژوکوفسکی، ریتم کودکانه در ایران اثر ساسان فاطمی، شعر فارسی در بخارا در قرن چهارم هجری اثر یوگنی برتلس، فرهنگ اوزان شعر فارسی اثر تقی وحیدیان کامیار و نظریۀ وزنی تکیه اثر بروس هیز.

#### دستور زبان فارسی



از چپ: ژیلبر لازار و امید طبیبزاده، هامبورگ، تابستان ۱۳۹۲

بسیاری از پژوهش‌های طبیبزاده به توصیف نحو زبان فارسی در چارچوب دستور وابستگی بر پایه روابط هسته و وابسته‌ها اختصاص دارد. او در مقالات گوناگون به ساخت‌های اسنادی و سببی، ظرفیت اسم، ظرفیت صفت، وابسته‌های فعل، بندهای متممی، مفعول نشانه‌اضافه‌ای، انواع مضاف‌الیه، تمیز، تناوب‌های آغازی/سببی و تناوب‌های گذرایی، تناوب‌های دوسویه، فعل مرکب، عبارت‌های فعلی ضمیردار و نقش‌های فعل «شدن» در زبان فارسی پرداخته است. نتیجه برخی از این پژوهش‌ها

به صورت منسجم ابتدا در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان ظرفیت فعل (نشر مرکز، ۱۳۸۵) و سپس در کتابی مفصل‌تر با عنوان دستور زبان فارسی (نشر مرکز، ۱۳۹۱) منتشر شد. چند مقاله در نقد و بررسی این دو کتاب منتشر شده است.

### فرهنگ‌نویسی

برخی از آثار طبیب‌زاده به شیوه‌های آوانگاری در فرهنگ‌های فارسی، رابطه فرهنگ‌نگاری و دستورنویسی، طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی، ثبت صورت‌های شکسته و شیوه نمایش بندهای متممی در فرهنگ‌ها مربوط می‌شود. او همچنین چند کتاب را در این زمینه نقد کرده است از جمله فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی اثر یوری آرونوویچ روبینچیک، فرهنگ آوایی فارسی اثر گیتی دیهیم، فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی اثر علاءالدین طباطبایی، و فرهنگ فارسی گفتاری اثر بهروز صفرزاده.

### فارسی معیار

طبیب‌زاده در برخی مقالات و سخنرانی‌های خود به اصلاح و معیارسازی خط فارسی، نوشتار معیار زبان فارسی و نقش در معیارسازی پرداخته است. او معتقد است کتاب‌های راهنمای مثل غلط‌نویسیم نه دستور زبان هستند، نه هدف آنها توصیف زبان فارسی است، بلکه به تجویز معیارنگاری فارسی می‌پردازند. بنابراین، در برابر دیدگاه صاحب‌نظرانی مثل محمدرضا باطنی و حسین سامعی که معتقدند نیازی به رجوع به کتاب‌های راهنمای نگارش وجود ندارد، طبیب‌زاده تأکید دارد که نویسندگان و ویراستاران باید بر دستورها و قواعد تجویزی حاکم بر زبان نوشتار معیار تسلط داشته باشند.

### فارسی شکسته

طبیب‌زاده در دو کتاب خود به بررسی جنبه‌های گوناگون فارسی شکسته پرداخته است. او در کتاب مبانی و دستور خط فارسی شکسته (پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۸) تلاش می‌کند بر پایه آثار برجسته یا پرفروش داستانی و نمایشی فارسی در دوره‌های صدساله (۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷)، رسم‌الخطی برای فارسی شکسته ارائه دهد. کتاب فارسی شکسته: دستور خط و فرهنگ املائی (کتاب بهار، ۱۳۹۸) که چکیده کتاب قبلی است، به عنوان کتاب مرجع کاربرد دارد و ضمن ارائه دستور خط و فرهنگ املائی برای فارسی شکسته، به تاریخچه شکل‌گیری خط شکسته فارسی، انتقادات برخی پژوهشگران به شکسته‌نویسی، تحقیقات قبلی در این مورد و مبانی واج‌شناختی تغییرات سبکی در دو گونه رسمی و گفتاری می‌پردازد.

### ترجمه اشعار شکسپیر

طبیب‌زاده برای اولین بار مجموعه کامل غزلواره‌های شکسپیر را به فارسی ترجمه کرده است. این ترجمه که شامل مقدمه‌ای مفصل و شرح غزلواره‌هاست، از سوی علاءالدین طباطبایی، مهری بهفر و مصطفی حسینی مورد نقد قرار گرفته است. طبیب‌زاده در اثری دیگر به ترجمه و شرح دو شعر ققنوس و قمری و شکایت عاشق پرداخته است.

### افتخارات

طبیب‌زاده برای نگارش نقدی بر کتاب واج‌شناسی: نظریه بهینگی اثر محمود بی‌جن‌خان در چهارمین دوره جشنواره نقد کتاب و برای نقد کتاب ساختمان واژه و مقوله دستوری اثر علاءالدین طباطبایی در هشتمین دوره این جشنواره به عنوان برگزیده معرفی شد. کتاب دستور زبان فارسی از آثار منتخب کتاب فصل ایران، کتاب سال ایران و جشنواره فارابی بوده است. کتاب طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی هم در سی و هفتمین دوره کتاب سال ایران، شایسته تقدیر شناخته شد و طبیب‌زاده جایزه خود را به نهاد برگزار کننده جایزه ابوالحسن نجفی اهدا کرد. کتاب ظرفیت فعل هم از نامزدهای بیست و پنجمین

دوره کتاب سال بود. طبیبزاده در آیین ملی بزرگداشت اهالی که در آبان ۱۳۹۹ از سوی خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد، از جمله تقدیرشدگان با عنوان «پدیدآوران دانشور» بود.

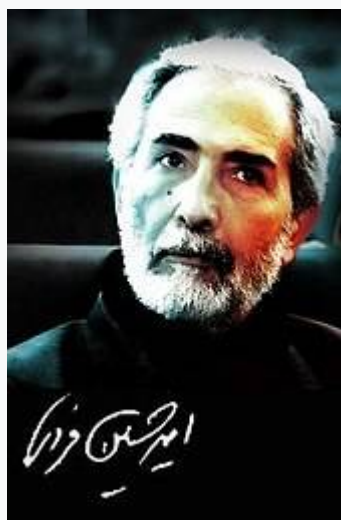
## جایزه‌ها و نامزدی‌ها

اثر	سال	جایزه	نتیجه
«واج‌شناسی، نظریه بهینگی»	۱۳۸۶	جشنواره نقد کتاب	برگزیده
ظرفیت فعل	۱۳۸۶	کتاب سال ایران	نامزد شده
«واژگانی برای زبان فارسی»	۱۳۹۰	جشنواره نقد کتاب	برگزیده
دستور زبان فارسی	۱۳۹۱	کتاب فصل ایران	شایسته تقدیر
	۱۳۹۲	کتاب سال ایران	شایسته تقدیر
	۱۳۹۳	جشنواره فارابی	برگزیده
«نقدی بر فرهنگ اوزان شعر فارسی»	۱۳۹۳	جشنواره نقد کتاب	نامزد شده
طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی	۱۳۹۹	کتاب سال ایران	شایسته تقدیر

## گزیده آثار

- تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۲
- نگاهی به شعر نیما یوشیج: بحثی در چگونگی پیدایش نظام‌های شعری، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۷
- دستور زبان فارسی: براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۱
- مبانی و دستور خط فارسی شکسته، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۸
- غزلواره‌ها، ویلیام شکسپیر، امید طبیبزاده (مترجم)، تهران: نیلوفر، ۱۳۹۶
- ققنوس و قمری و شکایت عاشق، ویلیام شکسپیر، امید طبیبزاده (مترجم)، تهران: چشمه، ۱۳۹۹
- جشن‌نامه ابوالحسن نجفی، امید طبیبزاده (به‌اهتمام)، تهران: نیلوفر، ۱۳۹۰

## امیرحسین فردی



زاده	۵ مهر ۱۳۲۸ روستای قره‌تپه، اردبیل
درگذشت	۵ اردیبهشت ۱۳۹۲ (۶۴ سال) تهران
علت درگذشت	عارضه تنفسی
پیشه	داستان‌نویس
سال‌های فعالیت	۱۳۵۳ تا ۱۳۹۲
سبک	ادبیات داستانی انقلاب اسلامی
منصب	<ul style="list-style-type: none"> <li>• سردبیر و مدیر مسئول کیهان بچه‌ها</li> <li>• مدیر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی</li> <li>• بنیانگذار جشنواره کتاب سال جایزه ادبی شهید حبیب غنی پور</li> <li>• مؤسس و مدیرمسئول کیهان علمی</li> </ul>

امیرحسین فردی (زاده ۱۳۲۸ روستای قره‌تپه اردبیل - درگذشته ۵ اردیبهشت ۱۳۹۲ تهران) نویسنده و فعال عرصه ادبیات داستانی بود.

عضویت در حوزه اندیشه و هنر اسلامی، سردبیری و مدیرمسئولی «کیهان بچه‌ها» (به مدت ۳۱ سال)، مؤسس و مدیر مسئول کیهان علمی، مدیریت مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عضویت در شورای داستان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، مسئولیت جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، مسئولیت شورای ادبیات داستانی نیروی مقاومت بسیج و مدیریت کارگاه قصه و رمان حوزه هنری از سوابق مسئولیت‌های اجرایی وی است.

چندین بار داوری برای کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، جشنواره ادبیات داستانی بسیج، جشنواره راهیان نور، انجمن قلم ایران، جشنواره قصه‌های قرآنی از تجربه‌های دیگر وی است.

وی از مؤسسين کتابخانه مسجد جوادالائمه (ع) در سال ۱۳۵۳ و تشکیل شورای نویسندگان آن مسجد است که در ادامه به حوزه هنری پیوستند و از ستون‌های اولیه این نهاد بودند. بعدها با تشکیلاتی شدن حوزه هنری و پیوستن آن حوزه به سازمان تبلیغات اسلامی به‌طور مستقل به ادامه فعالیت پرداختند.

امیرحسین فردی پنجشنبه، پنجم اردیبهشت ۱۳۹۲، دچار مشکل تنفسی شد و در راه انتقال به بیمارستان لقمان درگذشت. علیرضا متولی زندگی‌نامه شخصی و حرفه‌ای وی را در قالب یک زندگی‌نامه داستانی توسط انتشارات مدرسه برهان منتشر کرد که به چاپ چهارم رسیده است.

#### آثار

- گرگ سالی
- اسماعیل (رمان)
- سیاه چمن
- آشیانه در مه
- کوچک جنگلی
- افسانه اصلا
- امام اول
- بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی
- تختی افسانه نبود
- خسته نباشی گل بهار
- قصه‌های گل بهار
- روزی که تو آمدی
- ملاقات با آفتاب
- میرزا کوچک خان
- میهمان ملائک
- هامون، زهک‌لوت و آن حوالی (سفرنامه)
- یک دنیا پروانه
- یک مشت نقل رنگی

امیر خسرو دهلوی



نام اصلی	حکیم ابوالحسن یمین الدین بن سیف الدین محمود
زاده	۶۳۲ خورشیدی ۶۵۱ پتالی، هندوستان
درگذشته	۷۰۳ خورشیدی ۷۲۵ دهلی، هندوستان
آرامگاه	در مجموعه درگاه نظام الدین اولیاء، دهلی
لقب	سعدی هند
تخلص	«سلطانی»، «طوطی»
زمینه کاری	شعر
سبک نوشتاری	عراقی
سال‌های فعالیت	غزل، قوالی، رباعی
کتاب‌ها	ثمانیه خسرویه
دیوان اشعار	دیوان امیر خسرو

حکیم ابوالحسن یمین الدین بن سیف الدین محمود معروف به امیر خسرو دهلوی (زاده ۶۵۱ در پتالی، هند - درگذشته ۷۲۵ هجری قمری در دهلی) شاعر پارسی‌گوی هندوستان بود. او یکی از دو شاعر مهم اوایل قرن هشتم است که سایر سخنوران پارسی‌گوی هند را تحت‌الشعاع قرار دادند و در

ادوار بعد هم نفوذی دامنه‌دار در میان شعرای ایران و هند داشتند. آن دو امیر خسرو، و حسن دهلوی بودند. امیر خسرو به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و سانسکریت چیرگی داشت و به سعدی هند معروف بود و او در اوایل حال به «سلطانی» و سپس به «طوطی» تخلص می‌کرد.

### زندگی

ابوالحسن امیر خسرو دهلوی شاعر و عارف نامدار پارسی گوی هندوستان در سال ۶۳۲ خورشیدی (۶۵۱ قمری) در پنیالی هند زاده شد و به سال ۷۰۳ خورشیدی (۷۲۵ قمری) در دهلی درگذشت. او ترک‌نژاد و هندی‌زاد بود و کلمات ترکی و هندی در شعر او بسیار است. پدرش امیر سیف‌الدین محمود یکی از امرا، میرزاده و افسران اهالی لاجپن در نواحی بلخ بود که هنگام یورش مغولان به هندوستان گریخت و در آنجا با زنی اهل دهلی ازدواج کرد و به دربار شمس‌الدین التتمش، پادشاه دهلی راه یافت. امیر خسرو مانند پدر که سمت امیرالامرایی داشت در دربار، بزرگی و سروری یافته بود و زمانی در درگاه جلال‌الدین فیروز شاه جایگاهی داشت و لقب امیری گرفت.

وی دوران کودکی و نوجوانی را با فراگرفتن زبان و ادب فارسی در دهلی گذراند و پس از چندی در محضر یکی از بزرگترین و مشهورترین مشایخ و عارفان دوران، یعنی شیخ نظام‌الدین محمد بن احمد دهلوی معروف به نظام‌الدین اولیا، شاگردی کرد. امیر خسرو برای پیر و مراد خود احترام فراوان قایل بود و با وجود این که دایم در خدمت پادشاهان و فرمانروایان بود، هیچ‌گاه از میزان ارادت و توجه او نسبت به شیخ کاسته نشد. امیر نیز مانند استاد خود پیرو سلسله عرفان چشتیه بود. شیخ نیز خسرو را گرامی می‌داشت. با حسن دهلوی شاعر نامدار پارسی‌زبان هند از طریق همین شیخ آشنا شد و بین آن دو دوستی عمیقی برقرار بود.

مدت کوتاهی پس از درگذشت نظام‌الدین اولیا، امیر خسرو نیز در سال ۷۰۴ (۷۲۵ قمری) درگذشت و نزدیک آرامگاه شیخ به خاک سپرده شد. آرامگاه او در یکی از محله‌های شلوغ و پرتراکم دهلی که بنام نظام‌الدین اولیا معروف است و نزدیک به ایستگاه قطار شهری بمبئی به نام ایستگاه قطار نظام‌الدین و در نزدیکی آرامگاه همایون واقع شده میزبان جمع کثیری از مردم و زیارتگاه مسلمانان و اهل تصوف است.



مقبره امیر خسرو دهلوی در مجموعه درگاه نظام‌الدین اولیا، دهلی، هندوستان

### تأثیر و تأثرات

امیر خسرو به سبب آشنایی با زبان‌های فارسی، ترکی، عربی و هندی اطلاعات نسبتاً خوبی داشت و اشعار فراوانی در زمینه‌های مختلف سروده‌است. موسیقی هندی و ایرانی را به خوبی می‌شناخت. شعرش لحن و لطافتی خاص دارد و چون ترک‌نژاد و هندی‌زاد بود کلمات ترکی و هندی نیز در شعر او دیده می‌شود و می‌توان «سبک وی را طلیعه سبک هندی به‌شمار آورد».

وی در غزل‌سرایی پیرو سعدی بود و غالباً مضامین عشقی و مسایل عرفانی را به زبان ساده و پرسوز در بحرهای کوتاه و لطیف بیان کرده و از الفاظ و معانی شاعران متصوف ایرانی سود می‌جست.

خمس‌های از خمس‌های تمام مقلدین نظامی نسبتاً بهتر و برتر است و او در اشعارش نظامی را به‌عنوان استادی مسلط به فن ستوده‌است:

نظامی که استاد این فن وی است      در این بزمگه شمع روشن وی است  
ز ویرانه گنجه شد گنج سنج      رسانید گنج سخن را به پنج  
چو خسرو به آن پنج هم‌پنجه شد      وز آن بازوی فکرش رنجه شد

امیر خسرو با سنایی و خاقانی نیز الفتی داشته‌است و در قصاید که از غزل‌هایش متین‌تر است از سخنگویان بزرگ مانند کمال‌الدین اسماعیل و خاقانی و انوری پیروی کرده‌است. به‌عنوان نمونه به اقتفای «مرآه النظر» خاقانی قصیده «مرآه الصفا» را ساخته‌است که از همان روزها در میان اهل ادب شهرتی یافته و بعضی از دیگر شاعران هم از آن پیروی کرده‌اند. قصیده خاقانی چنین آغاز می‌شود:

دل من پیر تعلیم است و من طفل زباندانش      دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش  
و مطلع «مرآه الصفا» ی امیر خسرو:

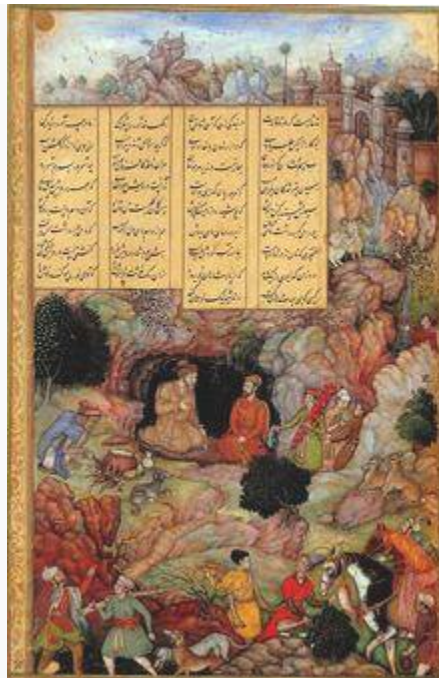
دل طفل است و پیر عشق استاد زباندانش      سواد الوجه سبق و مسکنت کنج دبستانش

شاعران فراوانی از سبک و شیوه و به‌خصوص ابداعات و نوآوری‌های امیر خسرو پیروی کرده‌اند. در میان شعرای ایران نیز نفوذ داشته و بسیاری از آن‌ها مخصوصاً در حکایات و مثنویات عشق‌انگیز سبک او را تقلید کرده‌اند. با توجه به بعضی از غزل‌های حافظ، مشخص می‌شود که وی با اشعار و غزلیات خسرو آشنایی داشته و تا حدی تحت تأثیر او بوده‌است. آورده‌اند که نورالدین عبدالرحمان جامی (در گذشته ۸۹۸ هـ. ق) بیش از دیگر شاعران ایرانی، با امیر خسرو دهلوی و آثار او انس و الفت داشته و «همیشه آرزوی جامی آن بوده‌است که به پای او برسد». در کار و حال هر دو مشابهت‌ها و همانندی‌های قابل‌ملاحظه‌است که عبارتند از:

- هر دو در حیات هنری خود، معطوف به گذشته‌اند.
- هر دو دیوان خود را به چند بخش تقسیم کرده‌اند.
- امیر خسرو در منظومه قران السعدین عناوین فصول و ابواب کتاب را به صورت قصیده‌ای موزون مرتب نموده، جامی نیز بسیاری از عناوین قصاید خود را موزون کرده‌است.
- هر دو اثر منثور پدیدآورده‌اند.
- هر دو با تصوّف رابطه دارند.

جامی معتقد است: «امیر خسرو دهلوی در شعر متقن است و قصیده و غزل و مثنوی را ورزیده و همه را به کمال رسانیده، تتبع خاقانی می‌کند؛ هر چند به قصیده او نرسیده، اما غزل را از وی درگذرانیده. غزل‌های او به واسطه معانی آشنا که ارباب عشق و محبت بر حسب ذوق و وجدان خود آن را درمی‌یابند، مقبول همه‌کس افتاده‌است. خمس نظامی را کسی به از وی جواب نداده‌است؛ و ورای آن مثنوی‌های دیگر دارد.» هر چند ممکن است سخن جامی با توجه به بعضی از معیارهای امروزین نقد ادبی، سخن کلی تلقی شود و بعضی از اجزای آن به‌خصوص آنچه درباره غزل امیر خسرو و خاقانی است، قابل تأمل باشد.

یان ریپکا درباره خمس امیر خسرو معتقد است: اهمیت آثار امیر خسرو در ادبیات فارسی از این جهت چشمگیر است که در خمس او داستان‌های رمانتیک برجسته و اشعار حماسی ممتازی دیده می‌شود که موضوع‌های آن‌ها را از نظامی اقتباس کرده‌است. شاعر کم و بیش، رویدادها را به شکل‌های گوناگون تصویر کرده و چنان با سخنوری و بلاغت موضوع‌ها را پرورانده که گویی در مهارت و استادی دست کمی از نظامی نداشته‌است؛ اما او به ژرفای فلسفه زندگی و مسایل حاد اجتماعی توجهی نکرده در عین حال تردیدی نیست که این تنزل سطح با سلیقه مردم زمان خسرو هماهنگ بوده‌است.



صحنه دیدار اسکندر مقدونی از افلاطون، از کتاب خمسه نظامی امیر خسرو دهلوی

در تذکره‌ها درباره تعداد آثار امیر خسرو روایت‌های اغراق‌آمیزی نقل کرده‌اند و از قول او نوشته‌اند که شمار اشعارش از چهار صد هزار بیت بیشتر است. آثار منظوم فارسی او عبارت است از:

- دیوان امیر خسرو، شامل پنج دفتر، هر یک دارای دیباچه‌ای متضمن سوانح عمر و نکاتی در اسلوب شعری او به قلم خود شاعر؛ بدین قرار:
  - تحفة الصَّغَر: سروده‌های شانزده تا نوزده سالگی، شامل قصیده‌ها، غزل‌ها، ترجیع‌بندها و زندگینامه مشروح شاعر؛
  - وسط‌الحیوة: سروده‌های شاعر از بیست تا حدود ۳۲ سالگی، شامل قصیده‌ها، ترجیع‌بندها، قطعه‌ها، غزل‌ها و رباعی‌ها. قصیده‌های این دیوان در ستایش و مرثی «نظام‌الدین اولیاء»، «علاء الدین محمد» و «معز الدین کیقباد» است؛
  - غرّة الکمال: سروده‌های ۳۴ تا ۴۳ سالگی او، شامل قصیده‌ها، ترجیع‌بندها و قطعه‌ها، با مقدمه‌ای مبسوط که در آن شرح زندگانی او به تفصیل آمده است؛
  - بقیة نفیة: سروده‌های دوران پیری شاعر، شامل قصیده‌ها، ترجیع‌بندها، رباعی‌ها و یک مثنوی کوتاه. این دیوان حاوی مدایحی است درباره «علاء الدین محمدشاه»، پسر او، بعضی امیران دیگر و نیز مرثیه‌ای در مرگ محمدشاه؛
  - نهایة الکمال: سروده‌های واپسین سال‌های حیات شاعر، مشتمل بر ترجیع‌بند، مثنوی، رباعی، غزل و نیز قصیده‌هایی در مدح «سلطان غیاث‌الدین» و مرثیه «سلطان قطب‌الدین مبارکشاه».
- دیوان غزلیات، که چند بار جمع‌آوری شده و در هند و پاکستان به چاپ رسیده است. نخستین چاپ آن در ۱۸۷۱ م؛ و بار دوم در ۱۳۹۲ هجری در لاهور منتشر شد. دیوان امیر خسرو بارها در هند و ایران تصحیح و چاپ شده است.
- ثمانیة خسرویه: امیر خسرو دهلوی بزرگترین نماینده ادبیات فارسی‌زبان هند و نخستین ادامه‌دهنده مکتب ادبی نظامی گنجوی است. او به نظامی گنجوی اعتقادی تام داشت و به تقلید و در جواب خمسه نظامی خمسه‌ای ساخته است شامل:

- مطلع الانوار: بر وزن و شیوه مخزن الأسرار
  - شیرین و خسرو
  - مجنون و لیلی: مجنون و لیلی سومین منظومه امیر خسرو است که شاعر در سال ۱۲۹۹ نوشته و یکی از بهترین منظومه‌هایی است که تحت تأثیر لیلی و مجنون نظامی آمده است.
  - آیینة سکندری: بر وزن و شیوه اسکندرنامه
  - هشت بهشت: به تقلید از هفت پیکر
  - امیر خسرو دارای تصنیف‌ها و منظومه‌های دیگری نیز به شرح زیر است:
    - قران السعدین: مجموعه‌ای از یک سلسله تشبیهات عالی قلمی است که مسایل و موضوعات مختلف را مجسم می‌سازد. به علاوه، دو نکته کاملاً بکر را از اشعار امیر خسرو برای ما روشن می‌کند:
1. اشعاری با یکوزن و قافیه که برای عنوان فصول مختلف بسیار مناسبند و می‌توان آن‌ها را به صورت قصیده به یکدیگر مرتبط ساخت.
  2. تعدادی غزل که احساسات فصول را قبل از ذکر آن منعکس می‌سازد و در عین حال دارای حالت یکنواختی وزن مثنوی نیست.
- نه سپهر: اثریست با نه بخش که در بحرهای مختلف سروده شده است. از آن جمله بحر رجز مسدس مطوی (مفتعلن مفتعلن مفتعلن) که ابتکار خسروست.
  - مفتاح الفتوح
  - مثنوی دولرانی و خضرخان: عشق‌های خضرخان پسر علاءالدین با دولرانی دختر امیر گجرات که گذشته از مزایای ادبی، ارزش تاریخی و اجتماعی هم دارند.
  - سه شاهزاده سرنديپ: افسانه‌ای است ایرانی که لغت رایج سرنديپیتی در زبان‌های غربی از آن سرچشمه گرفته.
  - اشعار زیر را هم بدو نسبت داده‌اند:
    - قصیده شکوائیه
    - ماتم غم
    - آینه‌داری دل

نمونه اشعار



نمونه شعری امیر خسرو دهلوی  
ای زلف چلیپای تو غارتگر دین‌ها  
زینسان که بگشتی به شکر خنده جهانی  
گر مهر گیا بایدت ای دوست طلب کن  
دشوار رود مهر تو از سینه خسرو

وی کرده گمان دهننت دفع یقین‌ها  
خواهم که به دندان کشم از لعل تو کین‌ها  
هر جا که چکد آب دو چشمم به زمین‌ها  
مانده‌است چو نقشی که بماند به نگین‌ها  
\*\*\*

بیم است که سودایت دیوانه کند ما را  
من می‌زده دوشم شاید که خیال تو

در شهر به بدنامی افسانه کند ما را  
امروز به یک ساغر مستانه کند ما را  
\*\*\*

کدام سنگدلت شیوه جفا آموخت؟  
جراحت جگر خستگان چه می‌پرسی؟

که ناز و شوخیت از بهر جان ما آموخت؟  
ز غمزه پرس که این شوخی از کجا آموخت؟  
\*\*\*

بشکافت غم این جان جگرخواره ما را  
رفتند رفیقان دل صدپاره ببرند

یا رب، چه وبال آمده سیاره ما را  
کردند رها دامن صدپاره ما را  
\*\*\*

آورده‌ام شفیع دل زار خویش را  
ای دوستی که هست خراش دلم از تو  
آزاد بنده‌ای که به پایت فتاد و مرد  
بنمای قد خویش که از بهر دیدنت  
سرها بسی زدی سر من هم زن از طفیل  
دشنام از زبان توأم می‌کند هوس

پندی بده دو نرگس خون‌خوار خویش را  
مرهم نمی‌دهی دل‌افکار خویش را  
و آزاد کرد جان گرفتار خویش را  
تربری کنیم بخت نگونساز خویش را  
از سر رواج ده روش کار خویش را  
تعظیم کن به این قدری یار خویش را  
\*\*\*

ابر می‌بارد و من می‌شوم از یار جدا  
ابر و باران و من و یار ستاده به وداع

چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا  
من جدا گریه کنان، ابر جدا، یار جدا

بابک نیک طلب



زاده	تهران
محل زندگی	تهران
زمینه کاری	شاعر کودک و نوجوان
سبک نوشتاری	غزل، دوبیتی، نیمایی، چهارپاره
سرشناس در زمینه نوشتاری	ادبیات کودک و نوجوان
پدر و مادر	یاور همدانی

بابک نیک طلب (زاده ۹ تیر ۱۳۴۶ در تهران) شاعر و نویسنده ادبیات پارسی اهل ایران است. او برنده سرو زرین دوره پنجم جشنواره بین‌المللی شعر فجر و از برندگان نخستین جایزه عباس یمینی شریف شد.

#### زندگی‌نامه

بابک نیک طلب، در ۹ تیر ۱۳۴۶ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. وی سرودن شعر را از ۱۶ سالگی شروع کرده‌است.

او با کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان، حوزه هنری، شورای شعر سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، شورای شعر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان (نویسک) همکاری داشته و سردبیری و نظارت بر بخش شعر مجلات مختلفی مانند مجله رشد دانش‌آموز را نیز عهده‌دار بوده‌است. برخی از کتاب‌های او به صورت کتاب صوتی منتشر شده‌است. او کارشناس ادبی وزارت آموزش و پرورش ایران است.

#### جوایز

- نفر اول بخش شعر کودک و نوجوان دوره پنجم جشنواره بین‌المللی شعر فجر در سال ۱۳۸۹.
  - برنده سرو زرین دوره پنجم جشنواره بین‌المللی شعر فجر در سال ۱۳۸۹.
  - مجموعه شعر «هیچ هیچ هیچانه»، برنده نخستین جایزه عباس یمینی شریف (شامل ۵۲ شعر از بابک نیک‌طلب، افسانه شعبان‌نژاد، شکوه قاسم‌نیا، اسدالله شعبانی، مصطفی رحماندوست، بیوک ملکی و جعفر ابراهیمی) در سال ۱۳۹۱
  - برنده کتاب سال سروش نوجوان در سال ۱۳۷۳
  - لوح زرین چهارمین جشنواره کتاب سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- نیک طلب اولین کتاب مستقلش پیشواز روشنی بود که در سال ۱۳۷۱ منتشر کرد. این کتاب، برنده لوح زرین چهارمین جشنواره کتاب سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و برنده کتاب سال سروش نوجوان در سال ۱۳۷۳ شده‌است.

#### برخی آثار

1. مجموعه‌های گلبنانگ تربیت، اداره کل فرهنگی هنری وزارت آموزش و پرورش
2. تا خیابان خوشبخت، ۱۳۸۹، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
3. پنجره‌های آسمان، ۱۳۷۸، نشر افق
4. گاهنامه شعر نوجوانان
5. ترانه‌های خواب و خیال (از مجموعه ترانه‌های خانه)، ۱۳۸۷، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
6. آسیاب، بچرخ، بچرخ، ۱۳۸۳، انتشارات سوره مهر
7. پیشواز روشنی، نشر جوانه، ۱۳۷۱
8. پاینده و زنده باد ایران، ۱۳۸۹، انتشارات سوره مهر
9. از آسمون تا اینجا (از مجموعه ترانه‌های خانه)، ۱۳۸۵، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
10. آفتاب آفرینش (از مجموعه نگران پروانه‌ها)، ۱۳۸۵، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
11. سلام گل محمدی (از مجموعه نگران پروانه‌ها)، ۱۳۸۵، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
12. شعر دعا (از مجموعه ترانه‌های خانه)، ۱۳۸۵، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
13. بازی، بازی، بازی (از مجموعه ترانه‌های خانه)، ۱۳۸۵، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
14. تو را چشم انتظاریم، ۱۳۸۴، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
15. نردبانی از ستاره، ۱۳۸۱، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
16. حافظ امروز، گزیده اشعار دیوان حافظ، نشر افق ۱۳۸۲
17. سعدی امروز، گزیده اشعار بوستان سعدی، نشر افق ۱۳۸۲
18. مولوی امروز، گزیده اشعار غزلیات شمس، نشر افق ۱۳۸۲
19. نظامی امروز، گزیده اشعار لیلی و مجنون، نشر افق ۱۳۸۲
20. فردوسی امروز، گزیده اشعار حماسه رستم و سهراب، نشر افق ۱۳۸۲
21. گزیده اشعار وحشی بافقی، ۱۳۸۲، نشر افق

نمونه آثار

## شب‌نم از اوست

آتش و باد و خاک و آب از اوست	شب‌نم از اوست، آفتاب از اوست
شاخه روشن شهاب از اوست	در دل باغ و کهکشان هر شب
نورباران ماهتاب از اوست	گریه ابر و خنده خورشید
رنگ و بوی گل و گلاب از اوست	سبزی و زردی بهار و خزان
آیه و سوره و کتاب از اوست	بیم و امید و مژده دیدار
همه شعرهای ناب از اوست	روی دفتر اگر چه نام من است

## بدیع الزمان فروزانفر

محمدحسین بُشرویہ‌ای



زاده	۱۴ شهریور ۱۲۷۶ هـ.خ بُشرویہ
درگذشت	۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ (۷۳ سالگی) تهران
مدفن	باغ طوطی صحن شاه عبدالعظیم
نام دیگر	بدیع الزمان فروزانفر
نام‌ها	عبدالجلیل
پیشه	نویسنده پژوهشگر استاد دانشگاه کارمند فرهنگستان زبان و ادب فارسی
کارهای برجسته	استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، مولوی پژوهی، چهره برجسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی
عنوان	شیخ عبدالجلیل ضیاء
مذهب	اسلام شیعه
والدین	آقا شیخ علی بُشرویہ‌ای

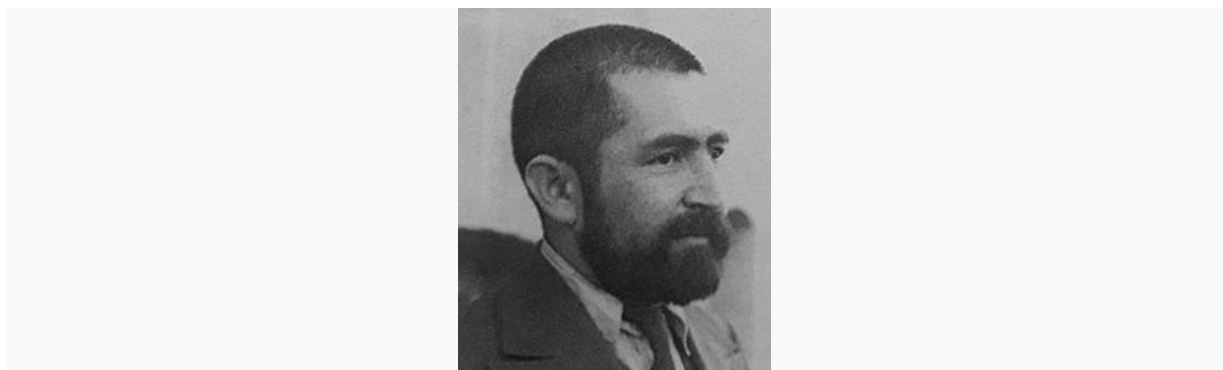
**محمدحسین بُشروی‌های** شناخته شده به نام **بدیع‌الزمان فروزانفر** (زاده ۱۴ شهریور ۱۲۷۶ در بُشرویّه - درگذشته ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ در تهران)؛ ادیب، نویسنده، مترجم، سراینده و پژوهشگر ادبی ایرانی و مدرس دانشگاه برجسته در زمینه زبان و ادبیات فارسی بود. او یکی از مولوی‌پژوهان بزرگ امروزی بود و در این زمینه آثار ارزشمند گوناگونی را نگاشت. فروزانفر همچنین سال‌ها استاد کرسی‌دار ادبیات فارسی در دانشگاه تهران و نیز از کارمندان فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

#### نام اصلی و لقب

نام ابتدایی بدیع‌الزمان فروزانفر در دوره جوانی‌اش محمدحسین بشروی‌های بود. بعدها خود را جلیل ضیاء بشروی‌های، بعدتر جلیل فروزانفر، و عاقبت بدیع‌الزمان فروزانفر نام نهاد. تخلص شعری وی ابتدا ضیا بود و سپس ترجمه همان را، که فروزانفر است، برگزید. او لقب «بدیع‌الزمان» را در سال ۱۲۹۸ خورشیدی، به سبب سرودن قصیده‌ای در وصف بهار، از احمد قوام (قوام‌السلطنه)، والی خراسان، دریافت کرد.

#### زندگی

محمدحسین بشروی‌های، معروف به بدیع‌الزمان فروزانفر، فرزند آقا شیخ علی بشروی‌های، در سال ۱۲۷۶ خورشیدی در یک خانواده اهل علم و دانش در بشرویّه، از شهرهای خراسان، به دنیا آمد. پدر وی، آقا شیخ علی بشروی‌های، از بزرگان منطقه بشرویّه و از شعرای دوره مشروطه بود. مقدمات علوم را در زادگاه خود آموخت و آنگاه راهی مشهد شد و از محضر استادان ادب حوزه خراسان، همچون ادیب نیشابوری و ادیب پیشاوری، بهره برد. حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی به تهران رفت و تحصیلات خود را در مدرسه سپهسالار ادامه داد و چندی حجره‌ای در مسجد سپهسالار داشت. در جوانی در همان مدرسه به تدریس پرداخت و چندی بعد در سال ۱۳۰۵ به سمت معلمی دارالفنون و دارالمعلمین عالی منصوب شد. در سال ۱۳۱۳ به معاونت دانشکده معقول و منقول (الهیات) دانشگاه تهران منصوب شد.



در سال ۱۳۱۴ هیئت ممیزه دانشگاه تهران، مرکب از نصرالله تقوی، علی‌اکبر دهخدا و ولی‌الله نصر، تألیف ارزنده او به نام تحقیق در زندگانی مولانا جلال‌الدین بلخی را ارزیابی و به او گواهی‌نامه دکتری اعطا کرد. به استناد این گواهی‌نامه، در همان سال، به سمت استادی دانش‌سرای عالی و دانشکده‌های ادبیات و معقول و منقول دانشگاه تهران منصوب شد. در سال ۱۳۲۳، بر اساس رأی شورای استادان، به ریاست دانشکده معقول و منقول برگزیده شد و تا سال ۱۳۴۶ در این سمت باقی بود. از ابتدای تأسیس دوره دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه تهران، تدریس در دوره دکتری را به عهده گرفت و برنامه این دوره را پایه‌گذاری کرد.

فروزانفر استاد راهنمای جمعی از دانشجویان مبرز دوره دکتری در دانشکده‌های ادبیات و الهیات بود که اغلب آنان بعدها استادان برجسته ادب پارسی و مطالعات فرهنگ ایران شدند؛ از جمله: پرویز ناتل خانلری، ذبیح‌الله صفا، مهدی حمیدی شیرازی، عبدالحسین زرین‌کوب، غلامحسین یوسفی، محمدامین ریاحی، قدمعلی سرامی، سید محمد دبیرسیاقی، محمدرضا شفیعی کدکنی، سیمین دانشور، محمود

نشاط، ضیاءالدین سجادی، جلال متینی، سید صادق گوهرین، منوچهر ستوده، منوچهر مرتضوی، مرتضی مولانا، محمود مقتدایی و بسیاری دیگر.

فروزانفر در سال ۱۳۴۶ از استادی دانشگاه بازنشسته شد، اما همکاری خود را در تدریس در دوره دکتری ادبیات فارسی تا روزهای پایانی عمر ادامه داد. در همین زمان، عضویت مجلس سنا را یافت. مدتی نیز ریاست کتابخانه سلطنتی را به عهده گرفت. بدیع‌الزمان فروزانفر در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ بر اثر سکته قلبی در ۷۳ سالگی درگذشت.

### بررسی آثار

سخن و سخنوران (۱۳۰۸-۱۳۱۲) اثر برجسته فروزانفر، سرمشقی برای تحقیق در تاریخ ادبیات ایران، و دریچه‌ای به نقد شعر فارسی بود. این کتاب فروزانفر، ضمن آنکه سنت دیرینه تذکره‌نویسی در ادبیات فارسی را در نظر داشته، راهگشای تحقیقات نوین در تاریخ ادبیات ایران بوده است. قبل از نشر این تذکره تحقیقی و انتقادی، عالی‌ترین اثری که بعنوان تاریخ ادبی تحت عنوان معمول تاریخ شعرا عرضه می‌شد، مجموعه تقریرات درسی میرزا محمدحسین خان ذکاءالملک بود که هرچند در جای خود آکنده از نکات جالب بود، اما از دیدگاه علمی بر هیچ مبنای متفق‌علیه مقبولی مبتنی نبود. اما اثر فروزانفر کار تازه‌ای بود، و بلافاصله بعد از نشر، مورد توجه و تحسین اهل نظر واقع شد و کسانی چون محمد قزوینی، محمدعلی فروغی و مینورسکی جزو اولین کسانی بودند که کار او را ستودند. پژوهش‌های بعدی در زمینه تاریخ ادبیات ایران، و شاخص‌تر از همه، تاریخ ادبیات در ایران، تألیف ذبیح‌الله صفا از کتاب سخن و سخنوران تأثیر پذیرفته‌اند.

اما آنچه نام فروزانفر را بر تارک تحقیقات ادبی و عرفانی نشانده، شیفتگی او به نبوغ ادبی شگرف مولوی جلال‌الدین محمد بلخی، و تلاش ۴۰ ساله او در کار تحقیق پیرامون آثار و اندیشه مولوی بود. رساله در احوال مولانا (۱۳۰۵ ش) طبعه‌ای از مطالعات فروزانفر درباره مولوی بود که طی چهل سال با تألیف کتاب‌های مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی، احادیث مثنوی، تصحیح دیوان کبیر (کلیات شمس) و شرح مثنوی شریف ادامه یافت. همچنین رساله در شرح احوال عطار، تصحیح معارف بهاء ولد، معارف برهان‌الدین محقق و ترجمه رساله قشیریه را گام‌های جنبی او در راه شناخت افراد و آثار مؤثر بر تکوین شخصیت و آثار مولوی دانسته‌اند.

فروزانفر در جستجوی یک مبنای علمی برای شرح مثنوی، تصحیح انتقادی آثار خود مولوی و آنچه را در میان منابع الهام او شامل معارف بهاء ولد، معارف برهان‌الدین محقق و مقالات شمس تبریزی می‌شد در این زمینه بر هر کار دیگر مقدم شمرد. کتاب فیه مافیة را که مجموعه گفتارهای مولوی در مجالس خاص بود تصحیح کرد و با تعلیقات جامع و بایسته نشر نمود. معارف برهان محقق را - هرچند ظاهراً بر مبنای یک نسخه خطی ناقص - با تعلیقات محققانه و با مقدمه و فهرست‌های دقیق طبع نمود، معارف بهاء ولد را، که خود مولوی فواید والدش می‌خواند، در دو جزء جداگانه با تحقیقات عالمانه منتشر ساخت. مقالات شمس را هم ظاهراً از روی چند نسخه عکسی که در اختیار داشت مقابله کرد، اما مجال طبع و تصحیح نهائی آن را نیافت.

### دیدگاه صاحب‌نظران درباره فروزانفر

عبدالحسین زرین‌کوب، از بزرگان ادب فارسی، درباره فروزانفر گفته است:

«معلم و استادی دلسوز و صمیمی بود. درس او تنها تعلیم نبود، هم تهذیب بود و هم در عین حال تفریح. باین همه، توفیق او در کار معلمی در بین استادان ادب عصر به‌کلی بی‌سابقه بود... شعر را به سبک قدما محکم و متین می‌گفت، مخصوصاً به شیوه ناصر خسرو و خاقانی علاقه داشت، و از این حیث یادآور ادیب پیشاوری بود... احوال و اسبابی که در حیات ادبی وی مؤثر افتاد، از وی بیشتر یک محقق و یک عالم ساخت... قلمرو تحقیق او ادبیات و تصوف بود، خاصه در دوران اسلامی قبل از صفویه...»

«فروزانفر نه فقط در زمینهٔ مثنوی و مولانا، بلکه در تمام قلمرو فرهنگ اسلامی ایران محقق بی‌بدیل بود. هنوز، باوجود مرور یک ربع قرن از غیبت او (به تاریخ آن زمان)، هرچه امروز نزد ما در زمینهٔ عرفان و ادب جدی و درخور ارج است، میراث اوست، و آنچه از حوزهٔ تأثیر تعلیم بلاواسطه یا مع‌الواسطهٔ او خارج است، غالباً از عمق و لطف و تأمل خالی به نظر می‌رسد. حوزهٔ کنجکاوی‌اش وسیع و عرصهٔ استعدادش تقریباً نامحدود بود. در جوانی، مخصوصاً در اوایل ورود به تهران، در زمینهٔ شعر و شاعری هم طبع‌آزمایی کرده‌بود. پاره‌ای از اشعارش هم، در همان ایام، شهرت و قبول قابل‌ملاحظه‌ای یافته‌بود. اما او شاعری را پیشه نکرد... تدریجاً، مثل اکثر کسانی که به‌عنوان عالم نامبردار می‌شوند، اشتغال به شاعری را دون شأن خویش می‌یافت. از این‌رو، جز به‌ندرت و جز به‌الزام ضرورت، شعر نگفت، و از این‌که به شاعری منسوب شود تا حدی ابا داشت. مقاله‌نویسی را هم در آغاز کار با نقد بر حواشی قزوینی بر چهارمقاله آزمایش کرد؛ از آن نیز خیلی زود انصراف یافت و جز به‌ندرت یا به‌ضرورت بدان کار نپرداخت.»

قدمعلی سرامی که از شاگردان برجسته‌ی ایشان می‌باشد، درباره‌ی فروزانفر گفته است: «ایشان (بدیع‌الزمان فروزانفر) در عین غرور علمی که در همه رفتار و گفتارش دیده می‌شد، متواضع هم بود؛ در واقع استادی بود که می‌شد جمعیت اعداد را در وجودش دید. به همین دلیل هم نگاه آدم‌ها در قبال او متناقض بود. یک عده می‌گفتند فروزانفر اهل دیانت و این مسائل نیست و عده‌ای دیگر معتقد بودند که او از ده‌ها مجتهد، بیشتر وارد است. فروزانفر یک رندی ویژه داشت، من که به شخصه هم خیلی چیزها از او یاد گرفتم و هم الان که از او یاد می‌کنم، مفتخرم که ایشان استاد من بود.»

#### شاگردان

در شب سید محمد دبیرسیاقی، رضا یکرنگیان، مدیر انتشارات خجسته دربارهٔ وی گفت:

«دگر نادره‌کاری که جناب دکتر دبیرسیاقی در دورهٔ لیسانس و همچنین دوره‌های دیگر در دانشگاه تهران افتخار شاگردی او را داشت، فخر ادب ایران، بدیع‌الزمان فروزانفر بود. دکتر دبیرسیاقی آنچه را جناب بدیع‌الزمان در باب تاریخ ادبیات ایران در کلاس می‌گفتند، بدون یک کلمه کم یا زیاد، یادداشت می‌کردند. طرفه آنکه موقع تنظیم یادداشت‌ها برای چاپ‌سپاری، چند سال وقت صرف تحشیه و تنظیم فهرس کتاب می‌کردند.»

#### در فرهنگ عامه

در نمایشنامه شب روی سنگفرش خیس اکبر رادی شخصیتی به نام مژده‌ی به شاگردی فروزانفر افتخار می‌کند.

#### نمونه اشعار

هدیهٔ نوروز یا در ستایش دکتر محمد مصدق

ای مصدق ثنا سزاست ترا

همت اندر خور ثناست ترا

زانکه زاین سرزمین بحول الله

دست بیگانه از تو شد کوتاه

نفت خواران حیلہ آورپست

رشتهٔ چاره‌شان ز تو بگسست

راستی را که مرد مرد تویی

زانکه با دیو در نبرد تویی

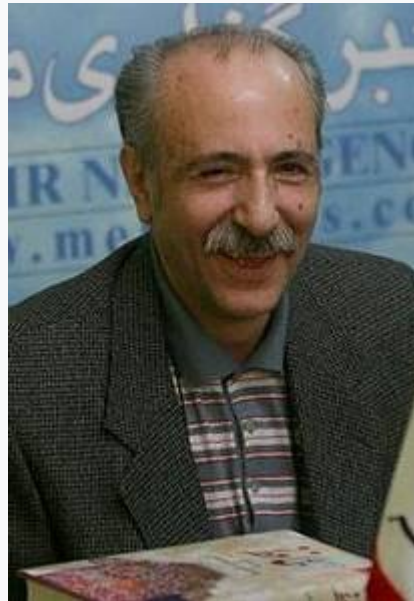
گرچه انگیخت او به حيله سپاه  
 يك سر مو دلت نگشت از راه  
 بخرد در زمانه مشهوری  
 از هوی پاک و از طمع دوری  
 سخنی مختصر بگویم من  
 در دلت نیست جزکه مهر وطن  
 عید نوروز بر تو فرخ باد  
 هر چه پرسی ز بخت پاسخ باد

## فهرست آثار

- سخن و سخنوران، در دو جلد (۱۳۰۸-۱۳۱۲)
  - منتخبات ادبیات فارسی (۱۳۱۳)
  - رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی (۱۳۱۵)
  - تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسلام تا پایان تیموریان) (۱۳۱۷)
  - فرهنگ تازی به پارسی (با مشارکت چهار نفر از استادان دیگر) (۱۳۱۹)
  - خلاصه مثنوی، به انتخاب و انضمام تعلیقات (۱۳۲۱)
  - تصحیح زنده بیدار (حی بن یقظان)، اثر ابن طفیل (۱۳۳۴)
  - فیه مافیه از گفتار مولانا جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی (تصحیح) (۱۳۳۰)
  - معارف سلطان‌العلماء بهاء‌الدین محمدبن حسین خطیبی بلخی مشهور به بهاء ولد (تصحیح) (۱۳۳۳-۱۳۳۸)
  - مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی (۱۳۳۳)
  - احادیث مثنوی (۱۳۳۴)
  - کلیات شمس یا دیوان کبیر (۱۳۳۶-۱۳۴۸)
  - معارف برهان‌الدین محقق ترمذی (تصحیح) (۱۳۳۹)
  - شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (۱۳۳۹-۱۳۴۰)
  - دیوان اشرف قزوینی
  - مناقب اوحدالدین کرمانی (تصحیح) (۱۳۴۷)
  - ترجمه رساله قشیریه (تصحیح) (۱۳۴۵)
  - شرح مثنوی شریف در سه مجلد (۱۳۴۶-۱۳۴۸)
  - مجموعه مقالات بدیع‌الزمان فروزانفر، به‌کوشش عنایت‌الله مجیدی (۱۳۵۱)
  - مجموعه اشعار فروزانفر (با مقدمه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی)
- آثار درباره فروزانفر**
- یادى از استادم، بدیع‌الزمان فروزانفر (حسین خطیبی، انتشارات کِلک، ۱۳۷۵)
  - خاطراتی چند از استاد فقید بدیع‌الزمان فروزانفر (پرویز اتابکی، انتشارات ایران‌شناسی، زمستان ۱۳۸۱)
  - استاد استادان، بدیع‌الزمان فروزانفر (احمد سمیعی گیلانی، انتشارات زیباشناخت، نیمه دوم سال ۱۳۸۱)
  - خاطراتی از کلاس درس استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (سلیم نیساری، انتشارات زیباشناخت، نیمه دوم سال ۱۳۸۱)

- یادگارهایی از بدیع‌الزمان فروزانفر (ایرج افشار، انتشارات کِلک، ۱۳۷۵)
- استادی بی‌بدیل از سال‌های دور (حسن انوری، انتشارات زبان و ادبیات فارسی، پاییز و زمستان ۱۳۷۲)
- استاد بی‌نظیری که هنوز آسمان دانشگاه طهران بر سر چنوبی سایه نگسترده‌است (احمد مهدوی دامغانی، انتشارات کِلک، ۱۳۷۵)

### بهاءالدین خرمشاهی



زاده فروردین ۱۳۲۴ قزوین، ایران

محل زندگی تهران

کارهای نویسنده، پژوهشگر ادبی، قرآن‌پژوه،  
برجسته حافظ‌پژوه، مترجم، ویراستار

مذهب شیعه

فرزندان هاتف، عارف، حافظ

**بهاءالدین خرمشاهی** (زاده فروردین ۱۳۲۴ در قزوین) نویسنده، مترجم، فیلسوف، روزنامه‌نگار، طنزپرداز، فرهنگ‌نویس، حافظ‌پژوه، شاعر و استاد دانشگاه ایرانی است. وی تألیفاتی در حافظ‌شناسی و تفسیر اشعار او دارد.

### زندگی

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قزوین گذراند. سپس در رشته پزشکی پذیرفته شد اما تحصیل در این رشته را در سال سوم نیمه‌کاره رها کرد (۱۳۴۳) و به همراه کامران فانی، سعید حمیدیان و

قدمعلی سرامی به تحصیل در رشته ادبیات فارسی پرداخت. سپس از دانشگاه تهران فوق لیسانس کتابداری گرفت (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲) و در مرکز خدمات کتابداری مشغول به کار شد.

از استادان وی در رشته ادبیات فارسی می‌توان به سیدمنوچهر مرتضوی، ذبیح‌الله صفا، مهدی محقق، سید جعفر شهیدی، پرویز ناتل خانلری، سید صادق گوهرین، آیت‌الله ابوالحسن شعرانی و عبدالحمید بدیع‌الزمانی کردستانی اشاره کرد. او توفیق خود را در مسیر پژوهش‌های قرآنی، مدیون کتاب قانون تفسیر و مولفش سیدعلی کمالی دزفولی می‌داند.

وی در ۱۳۵۲ از دواج کرد که حاصل آن سه فرزند به نام‌های هاتف (متولد ۱۳۵۴)، عارف (متولد ۱۳۵۸) و حافظ (متولد ۱۳۶۳) است. وی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ خدمت سربازی را سپری کرد. او همچنین از اعضای هیئت علمی دانشنامه تشیع است.

#### قرآن‌شناسی

خرمشاهی یکی از قرآن پژوهان و مترجمان قرآن کریم به زبان فارسی است. فعالیت‌های قرآن پژوهی وی را می‌توان به سه حوزه تقسیم کرد؛ نخست کتاب‌ها و مقاله‌های عمومی، دوم نگارش مقاله‌های انتقادی و نقد ترجمه‌های موجود قرآن و سوم ترجمه قرآن کریم. خرمشاهی قرآن را با نثری روان، امروزی و در عین حال ادبی ترجمه کرده‌است. علاوه بر ترجمه و تفسیر این اثر دارای پیوست‌هایی شامل گفتار مترجم، مقاله‌هایی با عنوان‌های قرآن و قرآن پژوهی، تحریف ناپذیری قرآن، فهم قرآن با قرآن، کلمه‌های فارسی در قرآن مجید و واژه‌نامه است.

برخی معتقدند ترجمه قرآن خرمشاهی دارای ایرادهایی است که اصلی‌ترین آن‌ها روش و متد وی است. همچنین از طرفی دیگر معتقدند خرمشاهی در توجه و پایبندی به منبع‌ها و مآخذ غیرمعتبر، بدون توجه به جایگاه کتاب‌های تفسیری و مفسران و حتی بدون بررسی مختصر نگرش‌های آن‌ها، در موارد بسیاری به گزینش روایت‌های تفسیری مهم و بزرگی دست زده‌است. از نظر این عده، این اشکال روشی موجب آشفتگی و بی‌اعتباری محتوای متن‌های تفسیری شده‌است. در طرف مقابل عده ای این نقدها را غیرمنصفانه و ناشی از رویکردهای فرقه ای منتقدان در مخالفت با ذکر بی‌طرفانه منابع تفسیری میان مذاهب اسلامی می‌دانند.

#### حافظ‌شناسی

پژوهش در شعر و زندگی حافظ شیرازی حوزه تخصصی کار پژوهشی خرمشاهی است. خرمشاهی تاکنون بیش از دوازده کتاب درباره حافظ نوشته و در آن میان کتاب «حافظنامه» در زمینه شرح الفاظ، اعلام، مفهوم‌های کلیدی و بیت‌های دشوار حافظ بیش از همه شهرت دارد.

#### روشنفکری دینی

خرمشاهی در زمینه تعریف مقوله روشنفکری مقاله‌ای نگاشته‌است اما وی خود را از تبار روشنفکران دینی نمی‌داند بلکه خود را «نوسنت‌گرا» یا «نوارتدوکس» می‌داند. او در گفتگو با نشریه «اندیشه پویا» می‌گوید: «خودم را نوسنت‌گرا یا نوارتدوکس می‌دانم. من فکر می‌کنم سنت خیلی اهمیت دارد. در شعر اهمیت دارد، در هنر اهمیت دارد. اصلاً فرهنگ با سنت ساخته می‌شود. به نظر من ما چیزی به نام روشنفکر دینی نداریم. اما روشنفکران دیندار داریم.»

#### ترجمه

او درباره علاقه خود به ترجمه می‌گوید: «من از اول قصد داشتم مترجم بشوم و بعد تصمیم گرفتم روی به تألیف بیاورم.» یکی از زمینه‌های تخصصی خرمشاهی «واژه‌پژوهی» یا حوزه زبان و لغت است.

#### آثار

## ترجمه

- «هنری میلر» اثر جورج ویکس - (۱۳۵۱)
- «شیطان در بهشت» اثر هنری میلر - (۱۳۵۲)
- «علم در تاریخ» اثر جان برنال - (۱۳۵۴)
- «هابیل و چند داستان دیگر» اثر میگل د اونامونو - (۱۳۵۶)
- «عرفان و فلسفه» اثر و. ت. استیس - (۱۳۵۸)
- «درد جاودانگی» اثر میگل د اونامونو - (۱۳۶۰)
- «علم و دین» اثر ایان باربور - (۱۳۶۲)
- «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» اثر حمید عنایت - (۱۳۶۲)
- «تاریخ فلسفه» اثر فردریک کاپلستون - جلد هشتم (از بنتام تا راسل) (۱۳۷۰)
- «خدا در فلسفه» - (۱۳۷۰)
- «قرآن کریم» - (۱۳۷۴)
- «دین پژوهی» اثر میرچا الیاده - (۱۳۷۵-۷۹)
- «درآمدی بر تاریخ قرآن» اثر ریچارد بل - (۱۳۸۰)
- تاریخ خداباوری: ۴۰۰۰ سال جستجوی یهودیت، مسیحیت و اسلام، کارن آرمسترانگ، بهاء الدین خرمشاهی (مترجم)، بهزاد سالکی (مترجم)
- ارتباطات (از مجموعه دانشنامه کودکان و نوجوانان)

## تألیف

- فرهنگ موضوعی قرآن
- بررسی ترجمه‌های امروزی قرآن کریم
- قرآن شناخت
- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی
- قرآن پژوهی (۲ ج) (مجموعه مقالات قرآن پژوهی)
- دائرةالمعارف تشیع
- چهارده روایت
- کتبیهای بر باد
- از شک تا یقین
- سیر بی سلوک (مجموعه مقاله)
- پوزیتیویسم منطقی
- ترجمه‌کاوی
- طنز و تراژدی
- کژتابی‌های ذهن و زبان
- فرصت سبز حیات
- فرهنگ-دانشنامه کارا
- از واژه تا فرهنگ
- هزار حکایت و هزار عبارت عرفانی (با همکاری عارف و شهاب‌الدین خرمشاهی)
- فرار از فلسفه (زندگی نامه خودنوشت فرهنگی)
- رستگاری نزدیک (مجموعه مقاله)
- در خاطره شط (مجموعه مقاله)

- از این دو راهه منزل (مجموعه مقاله)
- زنده میری (مجموعه اشعار)
- آه و آینه (گزیده اشعار)
- نبض شعر (مجموعه نقد اشعار)
- کم خوانده‌های سعدی
- قرآن و مثنوی (به همراه سیامک مختار)
- ذهن و زبان حافظ
- حافظنامه
- حافظ
- حافظ حافظه ماست
- برگزیده و شرح اشعار حافظ (همراه با مهرداد نیکنام)
- فال‌های شگفت‌انگیز حافظ (همراه با فانی تیریزی)
- گزیده اشعار حافظ
- چشمه خورشید (گزیده اشعار حافظ)
- انسانم آرزوست (شرح برگزیده غزلیات شمس)

#### تصحیح

- تصحیح دیوان حافظ (تصحیح خرمشاهی)
- شرح عرفانی غزل‌های حافظ
- مرآت المثنوی
- تصحیح کلیات سعدی
- اکسیر خوشبختی (گزیده کیمیای سعادت) ۱۳۹۶

#### بهرام فره‌وشی



زاده

فروردین ۱۳۰۴  
ارومیه، ایران

درگذشته

۸ خرداد ۱۳۷۱ (۶۷ سال)  
سن خوزه، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا

پیشه	زبان‌شناس و مولف
دانشگاه	مدرسهٔ تتبعات عالیّه دانشگاه پاریس
رویدادهای مهم	رئیس مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
کتاب‌ها	فرهنگ پهلوی به فارسی (۱۳۴۶) فرهنگ فارسی به پهلوی (۱۳۵۲)
تأثیرپذیرفته از	ابراهیم پورداود
پدر و مادر	علی‌محمد فره‌وشی مترجم همایون

بهرام فره‌وشی (زاده فروردین ۱۳۰۴ ارومیه – درگذشته ۸ خرداد ۱۳۷۱ سن خوزه) زبان‌شناس معاصر ایرانی و متخصص زبان‌های ایرانی و فرهنگ ایران باستان است.

#### زندگی‌نامه

بهرام فره‌وشی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در ارومیه و در خانواده‌ای اصالتاً اصفهانی متولد شد. پدر او علی‌محمد فره‌وشی مترجم همایون از دانشمندان روزگار خود بود و از پایه‌گذاران مدارس جدید در ایران به شمار می‌رفت. مترجم همایون افزون بر این، به‌عنوان مترجم زبردستی شناخته می‌شد که تسلط کم‌مانندی بر زبان فرانسوی داشت و از نخستین نویسندگان کتاب‌های درسی جدید برای دانش آموزان ایرانی بود.

بهرام فره‌وشی به دلیل سفرهای ناگزیر پدر، دوران آموزش را در شهرهای مختلف گذراند. دورهٔ دانشسرای مقدماتی را در اصفهان در سال ۱۳۲۳ به پایان رساند. دورهٔ لیسانس زبان فرانسوی را در دانشسرای عالی در تهران سپری کرد. ضمن انجام خدمت دبیری در دبیرستان‌ها، چند جلد داستان و مجموعهٔ شعر از فرانسوی ترجمه کرد و به چاپ رساند. در همین دوره یک مؤسسهٔ چاپ و انتشارات به نام آتشکده تأسیس کرد.

در همین دوره بود که با ابراهیم پورداود از نزدیک آشنایی یافت. خود او بعدها در این باره نوشت:

«من با نوشته‌های پورداود از کودکی آشنا بودم. زیرا در میان کتاب‌های پدرم دو جلد یشت‌های پورداود را خوانده بودم و داستان‌های پهلوانی‌های شکوهمند این کتاب و نیایش‌های آن در همان زمان بر دلم نشست بود و همواره در دل داشتم که استاد بزرگوار را ببینم. روزگاری گذشت و من در رشته زبان‌های خارجی لیسانس گرفتم. پورداود در آن زمان انجمن ایران‌شناسی را پدید آورده بود و شب‌ها در انجمن درس می‌داد. به آنجا رفتم و نام نوشتم. دیدن چهره استاد و درس‌های او شور دیرین را در من برانگیخت.»

به تشویق پورداود در سال ۱۳۳۶ برای گذراندن دورهٔ ایران‌شناسی عازم پاریس شد و در مدرسهٔ تتبعات عالیّه دانشگاه پاریس به تحصیل پرداخت و به اخذ درجهٔ دکتری در تمدن و زبان‌ها و ادبیات ایرانی نایل گشت. سپس به سوئیس رفت و به مطالعه در لهجه‌های ایرانی در دانشگاه برن پرداخت. در این دوران از محضر استادان برجسته در زمینهٔ زبان‌ها و تمدن و دین‌های ایران باستان همچون امیل بنونیست و ژان دومناش برخوردار بود.

بهرام فرهوشی در سال ۱۳۴۱ به ایران بازگشت و به دانشجویی پورداود در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد، و مدت بیست سال به آموزش زبان‌های اوستایی، پارسی باستان، پهلوی، اساطیر ایرانی، خط‌های باستانی، گویش‌شناسی ایرانی و تمدن ایران باستان پرداخت.

در همین سال‌ها بخش عمده‌ای از اوقات خود را صرف نشر آثار استادش پورداود کرد که حاصل آن انتشار تعدادی از آثار مهم پورداود به طرزی آراسته بود: بخش دوم گات‌ها شامل یادداشت‌های پورداود (۱۳۳۶)، یسنا (۱۳۴۰) و ویسپرد (۱۳۴۳) و جلد یکم از فرهنگ ایران باستان (۱۳۵۲).

بهرام فرهوشی در کنار خدمت دانشگاهی، به دستگاه‌های فرهنگی و انتشاراتی هم مدد می‌رسانید. مدتی سرپرستی بنگاه ترجمه و نشر کتاب را داشت، و بعدها مدیریت چاپ و انتشارات دانشگاه تهران را به عهده گرفت. در سال‌های دهه ۱۳۵۰ برنامه فرهنگ ایران زمین را در تلویزیون ملی ایران تهیه می‌کرد که بینندگان و خواستاران فراوان داشت.

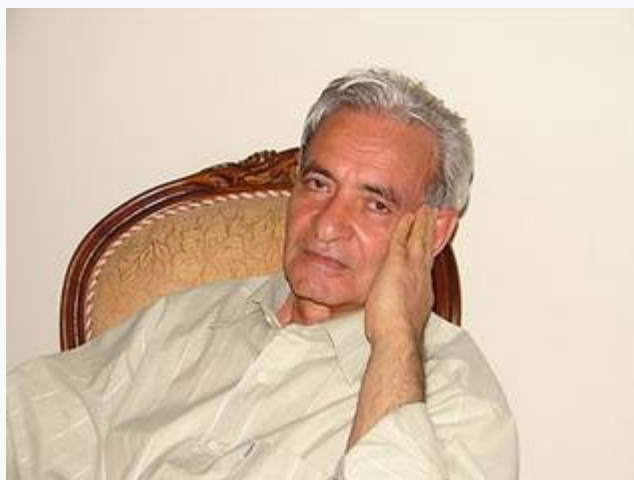
بهرام فرهوشی، در روز ۸ خرداد ۱۳۷۱ زمانی که برای معالجه به آمریکا رفته بود، در سن ۶۷ سالگی در سن خوزه درگذشت. پیکرش را به ایران بازگرداندند و در ۲۸ خرداد به خاک سپردند. آیین بزرگداشت او در تهران در تالار انجمن زرتشتیان برگزار شد.

#### آثار

در میان آثار بهرام فرهوشی بی‌گمان «فرهنگ پهلوی» جایگاه ویژه‌ای دارد. این اثر مرجع در دو جلد با عنوان‌های فرهنگ پهلوی به فارسی (۱۳۴۶) و فرهنگ فارسی به پهلوی (۱۳۵۲) منتشر شد که حاصل شانزده سال کار مداوم او بود. این فرهنگ نخستین کوشش علمی در این زمینه و دربردارنده ده هزار واژه پهلوی با ذکر ریشه و صورت فارسی‌شده آنهاست.

دیگر آثار منتشرشده او از جمله «جهان فروری»، راهنمای گردآوری گویش‌ها، ترجمه کتاب ششم دینکرت، ترجمه «هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی» اثر گیرشمن، ترجمه «کارنامه اردشیر بابکان» (همراه با متن پهلوی و آوانویسی و واژه‌نامه) و شماری دیگر، نموداری از دانش گسترده اوست. آخرین اثر چاپ‌شده از فرهوشی ایران‌ویج نام دارد و مجموعه پیوسته‌ای از مقاله‌های او در پیرامون فرهنگ و تاریخ ایران است.

#### بهروز ثروتیان



زاده	۱۱ مهر ۱۳۱۶ شهر میاندوآب
درگذشت	۷ مرداد ۱۳۹۱ (۷۵ سال) گوهردشت کرج
علت درگذشت	سکته قلبی
آرامگاه	بهشت سکینه، کرج
تحصیلات	دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران
پیشه	نظامی‌شناس، پژوهشگر ادبی
کارهای برجسته	استاد دانشگاه و نظامی‌شناس
دین	اسلام
مذهب	شیعه
همسر	پروین ثروتیان
فرزندان	آرش، لاله، پریا، گلنار، یاسمن
والدین	مجید ثروتیان، صبیّه فیروزی

بهروز ثروتیان، (زاده ۱۱ مهر ۱۳۱۶ در میاندوآب - درگذشته ۷ مرداد ۱۳۹۱ در گوهردشت کرج) استاد بازنشسته زود هنگام دانشگاه، نظامی‌شناس و پژوهشگر ادبی بود.

#### زندگی‌نامه

بهروز ثروتیان در روز یکشنبه، ۱۱ مهرماه ۱۳۱۶، برابر با ۳ اکتبر ۱۹۳۷ در میاندوآب متولد شد. تا ۲۴ سالگی ساکن میاندوآب بود و با داشتن مدرک پنجم علمی، به‌عنوان دبیر ریاضی به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۳۹ مدرک ششم علمی را با معدل ۱۹/۹۱ گرفت. در سال ۱۳۴۲ در کنکور سراسری شرکت کرد و همزمان در دو رشته زبان و ادبیات فارسی و فلسفه نفر اول شد و رشته زبان و ادبیات فارسی را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد. در سال ۱۳۴۵ با معدل ۱۸/۲ نفر اول دانشگاه تبریز شناخته شد و «مدال درجه یک علمی فرهنگ» را دریافت کرد. سپس برای خدمت فرهنگی به میاندوآب رفت. در سال ۱۳۵۱ دوره کارشناسی ارشد ادبیات فارسی را در تبریز به اتمام رساند. در سال ۱۳۵۴ نیز دکتری ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران گرفت و در دانشگاه استخدام شد.

در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه تبریز بازنشسته شد و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۲ با دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به عنوان استاد مدعو تحصیلات تکمیلی ادبیات فارسی همکاری داشت. پس از آن، تا زمان فوت که بر روی تفسیر صفی‌علی‌شاه مشغول بود، غزلیات حافظ را تصحیح کرد و آثار بسیار دیگری نیز

برجای گذاشت. ثروتیان، با آنکه پیش از این‌ها فعالیت خود را از محافل فرهنگی آغاز کرده بود، اما نخستین کتابش با عنوان بررسی فر در شاهنامه فردوسی در ۱۳۵۰ منتشر شده بود و چاپ نخست آن را انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۰ منتشر کرد. تحقیقات او عموماً در حوزه نظامی‌شناسی منتشر شده‌است.

بهروز ثروتیان ظهر روز شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۱، برابر با ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۲ در ۷۵ سالگی در گوهردشت کرج بر اثر سکته قلبی درگذشت و روز دوشنبه در بهشت بی‌بی سکینه کرج در قطعه ۱۲، ردیف ۳۹، شماره ۶۸ به خاک سپرده شد.

#### آثار

تصحیح و شرح آثار نظامی گنجه‌ای (۶ جلد)، از انتشارات توس:

1. مخزن‌الاسرار، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
2. خسرو و شیرین، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶.
3. لیلی و مجنون، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
4. هفت پیکر، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
5. شرفنامه، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
6. اقبال‌نامه، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹. چاپ بعدی آثار نظامی گنجه‌ای با تجدید نظر و تصحیح و شرح مجدد، از مؤسسه انتشارات امیرکبیر:
7. مخزن‌الاسرار، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸؛ چاپ دوم، ۱۳۸۹؛ چاپ سوم، ۱۳۹۱.
8. خسرو و شیرین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶؛ چاپ دوم، ۱۳۹۲.
9. لیلی و مجنون، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷؛ چاپ دوم، ۱۳۸۹؛ چاپ سوم، ۱۳۹۱.
10. هفت پیکر، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷؛ چاپ دوم، ۱۳۸۹؛ چاپ سوم، ۱۳۹۱.
11. شرفنامه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶؛ چاپ دوم، ۱۳۹۳.
12. اقبال‌نامه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷؛ چاپ دوم، ۱۳۸۹؛ چاپ سوم، ۱۳۹۱.
13. غزلیات حافظ: نقد و بررسی دستنویس‌ها و نسخ علمی - انتقادی، مشکول‌نویسی کلمات و مقدمه و تعلیقات، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
14. دیوان حافظ: تصحیح نهایی از روی ۱۵ نسخه خطی و چاپی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۹۰؛ چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۰.
15. شرح غزلیات حافظ، انتشارات پویندگان دانشگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ (۴ هزار صفحه در ۴ جلد)؛ چاپ بعدی: دوم، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷؛ چاپ دوم، ۱۳۹۲؛ چاپ سوم، ۱۳۹۸.
16. فرهنگ اصطلاحات و تعریفات نفایس‌الفنون، محمد بن محمود شمس‌الدین آملی، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، تبریز، اسفند ماه ۱۳۵۲. چاپ بعدی: انتشارات فردوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
17. بررسی فر در شاهنامه فردوسی، انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، چاپ اول، تبریز، ۱۳۵۰.
18. تصحیح جاویدان خرد، تألیف احمد بن محمد بن مسکویه، مترجم: تقی‌الدین محمد شوشتری، با مقدمه به زبان فرانسه از پروفیسور محمد ارکون و ترجمه آن از دکتر رضا داوری اردکانی،

- زیر نظر مهدی محقق، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۵؛ چاپ بعدی، مؤسسه فرهنگ کاوش، تهران، ۱۳۷۴.
19. بیان در شعر فارسی، انتشارات برگ، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹؛ چاپ دوم، ۱۳۷۸.
20. فن بیان در آفرینش خیال، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
21. الفبائمه فارسی برای بیگانگان به زبان اسپرانتو **Persa Alfabetumo**، اداره کلا امور بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
22. طنز و رمز در الهی‌نامه، انتشارات سوره مهر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷؛ چاپ دوم، ۱۳۸۴؛ چاپ سوم، ۱۳۹۰.
23. خسرو و شیرین، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
24. نظامی گنجه‌ای، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
25. لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
26. گنج رازها، بازنویسی و تلخیص مخزن الاسرار اثر نظامی گنجه‌ای، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
27. خسرو و شیرین، بازنویسی و تلخیص خسرو و شیرین اثر نظامی گنجه‌ای، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
28. آیینه اسکندر، بازنویسی و تلخیص شرفنامه اثر نظامی گنجه‌ای، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱؛ چاپ دوم، ۱۳۸۳.
29. اقبال اسکندری، بازنویسی و تلخیص اقبال‌نامه اثر نظامی گنجه‌ای، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
30. نقد آرزوها، بازنویسی و تلخیص مثنوی الهی‌نامه اثر عطار نیشابوری، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
31. مرغان صحرای عشق، بازنویسی و تلخیص منطق الطیر اثر عطار نیشابوری، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱؛ چاپ دوم، ۱۳۸۲.
32. درخت طوبی، بازنویسی و تلخیص شرح ۹۱ آیه قرآن کریم از کتاب کشف الاسرار و عدة الابرار رشیدالدین میبیدی، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱؛ چاپ دوم، ۱۳۸۲.
33. روایات گهربار، گزیده‌ای از تفسیر کشف الاسرار، انتشارات سوره مهر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
34. پیر طریقت گفت، سخنان خواجه عبدالله انصاری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵؛ چاپ دوم، ۱۳۷۸؛ چاپ سوم، ۱۳۸۰؛ چاپ ششم، ۱۳۸۸.
35. اشارات عارفانه به رموز آیات و اخبار در نوبت سوم کشف الاسرار و عدة الابرار رشیدالدین میبیدی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵.
36. رویای عشق در مثنوی گل و نوروز، انتشارات سیر و سیاحت با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.
37. الفبای شکل خیال در مثنوی گل و نوروز، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۲.
38. گزیده مخزن الاسرار، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳؛ چاپ دوم، ۱۳۷۹. چاپ بعدی با عنوان: سایه خورشید سواران، ویراست جدید، انتشارات آیدین، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۵.
39. آیین غیب نظامی گنجه‌ای در مثنوی مخزن الاسرار، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج با همکاری مؤسسه نشر کلمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹؛ چاپ بعدی: انتشارات سبزان، تهران، ۱۳۸۵.

40. سلام بر حیدربابا (شعر فارسی) ترجمه حیدربابا یه سلام سروده استاد شهریار، با یادداشتی از رضا انزابی‌نژاد انتشارات سروش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴؛ چاپ دوم، ۱۳۷۸؛ چاپ سوم، ۱۳۸۱؛ چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
41. اندیشه و هنر در شعر نیما یوشیج، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
42. قصه‌های خوب خوب: قصه‌های برگزیده کلیده و دمنه به زبان ساده، انتشارات تکتاز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳؛ چاپ دوم، ۱۳۷۵.
43. اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای، انتشارات آیدین، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۶؛ چاپ اول از ویراست دوم، ۱۳۸۲، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
44. سروده‌های بی‌گمان حافظ، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
45. صدای پای آب (نقد و بررسی اشعار سهراب سپهری)، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴؛ چاپ دوم، ۱۳۸۶؛ چاپ سوم، ۱۳۸۹.
46. شرح و نقد غزلیات شمس تبریزی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
47. حافظ غزلیاتی تورکجه یازسایدی، انتشارات سبزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
48. نامه‌های حافظ (شرح و تفسیر شصت و چهار نامه از دیوان غزلیات حافظ شیرازی)، انتشارات سبزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
49. بازنویسی و نقد المعجم فی معاییر اشعار العجم، تألیف شمس‌الدین محمدبن قیس رازی (قرن هفتم هجری)، انتشارات سبزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
50. راز عشق در لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای، نشر شانی، چاپ اول، کرج، ۱۳۸۷. چاپ بعدی با عنوان: تجلی عشق در مثنوی عارفانه لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای، ویراستار: علیرضا قوجهزاده، نشر تمثال، ۱۳۹۵.
51. شرح مخزن الاسرار نظامی گنجه‌ای؛ بخش اول: رمزنامه، انتشارات برگ، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰؛ چاپ بعدی، انتشارات سبزان، تهران، ۱۳۸۵.
52. شرح مخزن الاسرار نظامی گنجه‌ای؛ دفتر اول: رمزنامه، ویراستار: نسرین ثروتیان، انتشارات مهتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
53. شرح مخزن الاسرار نظامی گنجه‌ای؛ دفتر دوم: پندنامه، ویراستار: نسرین ثروتیان، انتشارات مهتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
54. شرح راز منطق الطیر عطار، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴؛ چاپ دوم، ۱۳۹۲.
55. شرح ساده گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵؛ چاپ دوم، ۱۳۸۶؛ چاپ سوم، ۱۳۸۸؛ چاپ چهارم، ۱۳۸۹؛ چاپ پنجم، ۱۳۹۲. چاپ ششم و هفتم، ۱۳۹۷.
56. بشنو از نی، مثنوی معنوی به زبان ساده و کوتاه، انتشارات مهتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸؛ چاپ دوم، (جدید) ۱۳۹۲.
57. شهریار ملک سخن با منظومه فارسی سلام بر حیدربابا، انتشارات دستان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
58. هفت افسانه خیال‌انگیز در هفت پیکر نظامی گنجه‌ای، انتشارات دستان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
59. علی (ع) در تفسیر کشف الاسرار میبدی، مؤسسه فرهنگی هنری فرجام جام جم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
60. دیوان نیر تبریزی (گزارش عاشقانه و قایع کربلا)، محمدتقی بن محمد نیرمقانی (شاعر)، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶؛ چاپ دوم، ۱۳۸۷؛ چاپ سوم، ۱۳۸۸؛ چاپ چهارم، ۱۳۹۰؛ چاپ پنجم، ۱۳۹۳.

61. اولیای ذکر در تذکرة الاولیاء عطار، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵؛ چاپ دوم، ۱۳۹۰.
62. غزلیات سعدی، گزیده غزلیات، خطاط: عباس سلطان‌آبادی، قطع خشتی، انتشارات ارس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷؛ چاپ دوم، ۱۳۸۹.
63. غزلیات سعدی، گزیده غزلیات، خطاط: عباس سلطان‌آبادی، قطع وزیری، (چاپ نفیس)، نشر نیکا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸؛ چاپ دوم، ۱۳۸۹.
64. غزلیات سعدی، گزیده غزلیات، خطاط: عباس سلطان‌آبادی، قطع جیبی، نشر نیکا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸؛ چاپ دوم، ۱۳۸۹.
65. غزلیات سعدی، گزیده غزلیات، خطاط: عباس سلطان‌آبادی، قطع جیبی، انتشارات ارس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹؛ چاپ دوم، ۱۳۹۰.
66. هنر و اندیشه نظامی گنجه‌ای (مروری بر زندگی و آثار حکیم نظامی گنجه‌ای)، ناشر: همشهری، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
67. کشمکش زندگی در جنگل کلیل و دمنه، ویراستار: مهدی نصیری دهقان، انتشارات ابتکار دانش، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹.
68. لذت بهت‌زدگی در شعر محمدعلی بهمنی، ویراستار: مهدی نصیری دهقان، نشر شانی، چاپ اول، کرج، ۱۳۸۹. چاپ بعدی انتشارات فصل پنجم، تهران، ۱۳۹۴.
69. زنان افسانه‌ای در آثار نظامی گنجه‌ای، ویراستار: رحمان مشتاق‌مهر، انتشارات آیدین، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۹.
70. عشق پرشور شهریار و پری، ویراستار: محمدابراهیم پورنمین، انتشارات آیدین، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۹.
71. فیه مافیہ: اسرار الجلالیه دیدگاه‌های مولانا جلال‌الدین محمد در فقه و حکمت اسلامی (تصحیح و شرح و نقد از روی نسخه ۷۵۱ هـ.ق. محفوظ در کتابخانه فاتح استانبول)، ویراستار: نسرین ثروتیان، نشر مهتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
72. خردنامه‌های ایران باستان: ترجمه‌ای ساده و روان از متن عربی الحکمة الخالده، انتشارات مهتاب، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۸۸؛ چاپ دوم، زمستان، ۱۳۸۸.
73. صفی‌علیشاه و تفسیرش، زیر نظر: اکبر ثقفیان، علی اوجبی، انتشارات خانه کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
74. تفسیر صفی: تفسیر منظوم قرآن کریم، (دوجلدی)، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳.
75. جادوسخن جهان نظامی، (تحقیق جامع درباره ابیات و موضوعات پنج گنج الیاس پسر یوسف نظامی گنجه‌ای ۵۳۵-۶۰۸ هـ.ق)، انتشارات معین، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴.
76. نخستین روز مدرسه‌ام: منظومه‌های ترکی و فارسی، ویراستار: علیرضا قوجهزاده، انتشارات تمثال، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷.
77. بازنویسی و نقد المعجم فی معاییر اشعار العجم، (عروض و قافیہ و بدیع به زبان ساده)، انتشارات تمثال، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۸.

## بیژن جلالی



بیژن جلالی (زاده ۳۰ آبان ۱۳۰۶ در تهران - درگذشت ۲۴ دی ۱۳۷۸) از چهره‌های شناخته شده شعر معاصر ایران است، شاعری که به‌ویژه پس از مرگ با استقبال نسل جدیدی از مخاطبان ادبی مواجه شد که سادگی بیان و تصاویر او را در شعر می‌پسندیدند، اگرچه شعر جلالی بر مفاهیم عمیق انسانی تأمل می‌کند، خاصه مفهوم مرگ و نیستی که در بسیاری از اشعار او بازتاب یافته است. "روزانه‌ها" پخته‌ترین اثر اوست، آخرین کتابی که در زمان حیات او منتشر شد. پس از آن کتاب‌های بسیاری به کوشش بستگان او منتشر شد که دربرگیرنده اشعار بیژن جلالی بودند، اما از آنجا که برخی از این اشعار به سال‌های بسیار دور گذشته بازمی‌گردد، بعید می‌نماید که شاعر خود قصد انتشار آنها را داشته است.

## زندگی

بیژن جلالی در در آخرین شب آبان ماه سال ۱۳۰۶ در تهران به دنیا آمد. پدر وی، ابراهیم جلالی بود و مادرش اشرف‌الملوک هدایت. خانواده پدری‌اش در اصل تفرشی بودند. جد اعلای آن‌ها میرزا علی مستوفی نام داشت. پدر بزرگش شمس‌الدین جلالی (فطن‌الملک) بود؛ و در اواخر دوره پهلوی اول در وزارت داخله و وزارت دارایی مناصب مهمی را بر عهده گرفت. خانواده مادری جلالی از خاندان قدیمی هدایت به‌شمار می‌رفتند. سرسلسله این خاندان در دوره قاجار، رضاقلی‌خان هدایت است. رگه فرهنگی خاندان هدایت، در یکی از پسران او یعنی نیرالملک تداوم یافت: اعتضادالملک، پدر عیسی، محمود و صادق هدایت، فرزند نیرالملک بود. اعتضادالملک، پدر بزرگ مادری جلالی است.

زندگی مشترک پدر و مادر چندان دوامی نداشت. پدر که در آلمان کشاورزی خوانده بود، همسر دیگری برگزید. بیژن نزد پدر ماند. اما مهرداد، برادر کوچکتر با مادرش بزرگ شد. بیژن همراه پدر، در مأموریت اداری‌اش، مدتی در شمشک و سه سال در تبریز زیست. در این شهر، در مدرسه‌های رشدیه و فردوسی درس خواند. اندکی بعد به تهران آمد. سال‌های دوم تا پنجم متوسطه را در رشته طبیعی، در دبیرستان فیروز بهرام گذراند. سال ششم را در دبیرستان البرز سپری کرد. شاگرد مهدی مجتهدی، یدالله سبحانی، رضا جودت، ذبیح‌الله صفا، محمود بهزاد، عبدالله شیبانی و محمدحسین مشایخ فریدنی بود.

از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ چندماهی در رشته فیزیک دانشگاه تهران و چندسالی در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولوز و پاریس درس خواند اما همه آن‌ها نیمه‌کاره ماند زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت‌وگذار آزاد در زمینه‌های فلسفه و هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد. وی در بازگشت، در رشته زبان و ادبیات فرانسوی دانشگاه تهران تحصیل کرد و

دوره لیسانس را به پایان برد. عیسی سپهبدی، موسی بروخیم، خانم شیبانی، خانم پاکروان و خانم اندریو استادان این رشته بودند. درس ادبیات فارسی آن‌ها هم بر عهده پرویز خانلری بود.

از سال ۱۳۲۵ تا مدتی به کارهای گونه‌گونی پرداخت. در دبیرستان‌ها انگلیسی درس داد. چندی هم مسئول آزمایشگاه دبیرستان ایرانشهر بود. زمانی هم در موزه مردم‌شناسی وزارت فرهنگ به کار پرداخت؛ چون دوره مردم‌شناسی را، در موزه مردم‌شناسی پاریس گذرانده بود. سرانجام به کار در شرکت فرانسوی آنتروپوز مشغول شد. با استفاده از بورس این شرکت، یک دوره اقتصاد نفت را در پاریس به پایان برد. کار اداری رسمی را در شرکت نفت و شرکت پتروشیمی پی گرفت. سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

علاقه به شعر و ادب، فلسفه و عرفان، زندگی در محیط فرهنگی خاندان هدایت، گفتگو با دایی‌اش صادق هدایت و تأثیرپذیری از او و اقامت پنج‌ساله دوره جوانی در فرانسه، پیوندهایی میان جلالی و نوشتن به وجود آورد. او گاهی به فارسی و گاهی به فرانسوی می‌نوشت اما آن‌ها را جدی نمی‌گرفت. اما پس از این‌که به ایران بازگشت و توانست با فراغ بیش‌تری بخواند و ببیند و بنویسد، تأمل‌های شاعرانه‌اش نظم گرفت.

او از آغاز دهه ۴۰ این تأمل‌ها را به نشر سپرد. سروده‌هایش در مجموع با تلقی مثبت و گشاده رویانه‌ای از اهل ادب معاصر روبه‌رو شد. هرچند شعرهایش همه سپید بود و به نسبت هم نسلانش تا حدی دیر به انتشار آن‌ها پرداخت.

«روزها»، «دل ما و جهان»، «رنگ آب‌ها»، «آب و آفتاب»، «روزانه‌ها» و نیز دو گزینه اشعار: «بازی نور» و «درباره شعر» کتاب‌هایی هستند که در زمان حیاتش به چاپ رسید.

جلالی از دواج نکردن زندگی‌اش در سکوت و با آرامش و تالوپی خاص ادامه داشت.

چند روزی پس از نیمه آذر ماه سال ۱۳۷۸ دچار سکته مغزی شد. اندکی بیش از یک ماه را در اغما گذراند و در روز آدینه بیست و چهار دی‌ماه همان سال در سن ۷۲ سالگی درگذشت و در بهشت زهراي تهران قطعه ۹، ردیف ۱۰۲، شماره ۲۰ به خاک سپرده شد.

بعد از درگذشتش مجموعه بسیار زیادی از اشعار او که تا آن زمان چاپ نشده بود به همت برادرش مهرداد جلالی و انتشارات مروارید به چاپ رسید.

نمونه اشعار

- جهان از آغاز  
تا پایان  
شعری‌ست  
محزون.
- کسی در خواهد زد  
و خواهد آمد  
که چشمان تو را  
خواهد داشت  
و همان حرف تو را  
خواهد زد  
ولی من او را  
نخواهم شناخت.

- اگر کسی مرا خواست  
بگویند رفته باران‌ها را تماشا کند.  
و اگر اصرار کرد،  
بگویند برای دیدن طوفان‌ها  
رفته‌است!  
و اگر باز هم سماجت کرد،  
بگویند  
رفته‌است تا دیگر بازنگردد.

## بیوک ملکی



زاده

۱۳۳۹

زرجه بستان، قزوین، ایران

محل زندگی

تهران

پیشه

شاعر، نویسنده، تصویرگر

سبک نوشتاری

کودک و نوجوان

بیوک ملکی (زاده ۱۳۳۹ در قزوین) شاعر و نویسنده کودک و نوجوان ایرانی است.

## زندگی‌نامه

بیوک ملکی در سال ۱۳۳۹، در روستای زرجه بستان که از توابع قزوین است، به دنیا آمد. در کودکی به تهران آمد و در همان دوران به شعر و خصوصاً شعرهای پروین اعتصامی علاقه‌مند شد. علاقه به پروین اعتصامی باعث شد که او بسیاری از شعرهای او را از برکند و همین زمینه‌ای بود که به شعر گفتن روی بیاورد. با ورود به دوره دبیرستان و با پیگیری پدر و معلمش او شروع به شعر گفتن کرد.

پس از انقلاب ملکی شروع به چاپ شعرهایش در نشریه‌های کودک و نوجوان کرد و همزمان در جلسات متعدد شعر نیز شرکت می‌کرد. او از سال ۱۳۶۲ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کار می‌کرد و در سال ۱۳۶۴ به خاطر مخالفت با حضور انجمن حجثیه در مدیریت کانون از آنجا

اخراج شد. در طول سالیان بعد او در رادیو و سپس در واحد کودک و نوجوان حوزه هنری شروع به کار کرد که از هر دوی آنها نیز اخراج شد. سر آخر در سال ۱۳۶۷، بیوک ملکی با همراهی قیصر امین‌پور و فریدون عموزاده خلیلی و چندی دیگر از نویسندگان نشریه سروش را بر پا کردند که او تا سال ۱۳۸۲ که نشریه تعطیل شد در آنجا کار می‌کرد و دوره زیادی سردبیر سروش بود. او در حال حاضر مدیر عامل دفتر شعر جوان است و همچنین مسئول هنری بخش کودک و نوجوان انتشارات امیر کبیر نیز هست.

## سبک

بیشتر شعرهای بیوک ملکی آثاری هستند که برای کودک و نوجوان نوشته شده‌اند. طبق گفته خودش او چندان به مطالب نظری در حوزه شعر علاقه ندارد و پیش از چاپ آثارش نظر منتقدان و مخاطبان را جویا می‌شود. برخی از اشعار بیوک ملکی در هم‌تنیدگی و پیوستگی زندگی را در غالبی نوین و سحرانگیز به نمایش می‌گذارد. شعر زیر بخشی از کتاب در پیاده‌رو است:

لحظه لحظه زندگی

مثل عابری در این پیاده‌رو

دیده می‌شود

این پیاده‌رو فقط

در کنار کوچه من و تو نیست

این پیاده‌رو

تا سراسر زمین کشیده می‌شود

بیوک ملکی، در پیاده‌رو

## کتابشناسی

## کتاب‌ها

- ستاره باران، انتشارات برگ، ۱۳۶۶
- بریال رنگین کمان، سروش، ۱۳۷۰
- پشت یک لبخند، بنفشه، ۱۳۷۱
- کوچه دریاچه‌ها، کانون پرورش، ۱۳۷۶
- از هوای صبح، سروش، ۱۳۷۶
- در پیاده‌رو، تربیت، ۱۳۸۰، از چاپ ششم و هفتم در انتشارات امیر کبیر
- باز با باران، کانون، ۱۳۸۵، گزیده
- بیا بگیر سیب را، کانون، ۱۳۸۷
- مترسک عاشق بود، افق، ۱۳۸۹
- روزهای بادبادک، مروارید، ۱۳۹۳
- چرا تو سنگی، کانون پرورش، ۱۳۹۴
- بوق سگ، پیدایش ۱۳۹۵

## تصویرگری

- تصنیف «آمدی» آهنگساز «فریدون حافظی»

- تصنیف «خزان» آهنگساز «منصور نریمان». خواننده «سالار عقیلی»
- تصنیف «ساحل» آهنگساز «زندیان». خواننده «سالار عقیلی». اجرا در ارکستر ملی

جوایز و افتخارات

- برگزیده بیست سال ادبیات کودک و نوجوان (انجمن نویسندگان)
- برگزیده جشنواره بیست سال ادبیات پایداری
- برنده چهار لوح زرین از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- برنده «دوچرخه طلایی» برای کتاب «در پیاده‌رو»
- تقدیری کتاب سال وزارت ارشاد
- برگزیده جشنواره شعر فجر (دو دوره)
- برگزیده جایزه عباس یمنی شریف (شورای کتاب کودک) برای کتاب مشترک هیچ هیچ هیچانه

پرویز ناتل خانلری



وزیر فرهنگ

مشغول به کار

شهریور ۱۳۴۱ - بهمن ۱۳۴۲

نخست‌وزیر اسدالله علم

پس از محمد درخشش

پیش از عبدالعلی جهانشاهی

معاون وزیر کشور

مشغول به کار ۱۳۳۴ - ۱۳۳۶	
اطلاعات شخصی	
زاده	۲۹ اسفند ۱۲۹۲ تهران
درگذشته	۱ شهریور ۱۳۶۹ (۷۶ سال) تهران
همسر	زهرا کیا
فرزندان	یک دختر و یک پسر (در جوانی فوت شد)
پیشه	ادیب، زبان‌شناس، نویسنده، شاعر و سیاستمدار

پرویز ناتل خانلری (زاده ۲۹ اسفند ۱۲۹۲ در تهران - درگذشته ۱ شهریور ۱۳۶۹ در تهران) از اهالی ناتل نور مازندران، ادیب، سیاستمدار، زبان‌شناس، نویسنده و شاعر معاصر ایرانی بود.

### زندگی

پرویز ناتل خانلری (زاده ۲۹ اسفند ۱۲۹۲ در تهران) در یک خانواده مازندرانی که در عصر قاجار شغل دیوانی داشتند، زاده شد. نام خانوادگی خانلری برگرفته از لقب جدش خانلر خان، نویسنده سفرنامه میرزا خانلر خان است. جد او، میرزا احمد مازندرانی، ابتدا عنوان خانلر خان و بعد لقب اعتصام‌الملک گرفت. میرزا خانلر خان اعتصام‌الملک تا پایان عمر، مشاغلی در وزارت امور خارجه داشت و مدیر کل وزارت خارجه بود. خانلری نام ناتل (شهری قدیمی در مازندران) را به پیشنهاد نیما یوشیج که پسرخاله مادرش بود، به نام خانوادگی خود افزود و با آنکه خود همیشه آن را به کار می‌برد، در شناسنامه او نبود و نام مستعارش «پژوهنده» بود.

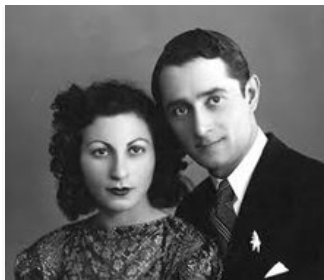
پدرش ابوالحسن خان اعتصام‌الملک (۱۲۸۸-۱۳۴۹) اهل بائل، تحصیل‌کرده رشته حقوق و کارمند وزارت عدلیه و امور خارجه بود و به زبان روسی تسلط و با انگلیسی و فرانسه آشنایی داشت و به ماموریت‌های خارج از کشور فرستاده شد و نایب سفیر ایران در تفلیس و سن پترزبورگ بود. او تعلیم و تربیت پسرش پرویز را شخصاً به عهده داشت و دلیل برانگیختگی علاقه پرویز به ادبیات پدرش بود. خانواده پدری خیلی زودتر از شهرستان نور، روستای «ناتل» از توابع شهرستان نور کنونی کوچ کرده بودند.

پرویز ناتل خانلری تحصیلات ابتدائی را در مدرسه سن‌لویی، مدرسه آمریکائی تهران و مدرسه ثروت تهران گذراند. درسهای دوره اول دبیرستان را به‌طور متفرقه امتحان داد، و هنگام ورود به دارالفنون برای دوره دوم متوسطه، به تشویق بدیع‌الزمان فروزانفر، که آن زمان معلم دارالفنون بود، رشته ادبی را انتخاب کرد. سپس وارد دانشسرای عالی شد و در سال ۱۳۱۴ ه.ش دانش‌نامه کارشناسی زبان و

ادبیات فارسی را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دریافت کرد. پس از گذراندن دوره آموزشی خدمت نظام وظیفه، از سال ۱۳۱۵ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و مدتی دبیر دبیرستان‌های رشت بود. سپس، ضمن تدریس در دبیرستان‌ها، دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی را گذراند.

در سال ۱۳۲۲ خانلری جزو اولین گروه دریافت‌کنندگان دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. موضوع پایان‌نامه دکترای او «تحول غزل در شعر فارسی» بود که به راهنمایی ملک‌الشعرای بهار به انجام رساند و بعداً با عنوان «تحقیق انتقادی در عروض و قافیه و چگونگی تحول اوزان غزل فارسی» به چاپ رسید. پس از پایان خدمت وظیفه، دوران خدمت در دانشگاه تهران را آغاز کرد. خانلری کرسی «پیشینه زبان فارسی» را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ایجاد کرد و تا سال ۱۳۵۷، خود متصدی تدریس آن بود. از دانشجویان و شاگردان موفق او می‌توان به دکتر قدمعلی سرامی اشاره کرد. در همان اوایل دوران خدمت در دانشگاه تهران، در سال ۱۳۲۵ انتشارات دانشگاه تهران را بنیان گذاشت و خود به مدت پنج سال مدیریت آن را بر عهده داشت.

خانلری از دوران دانشجویی، همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و اشعار و نوشته‌هایش در مجله مهر انتشار می‌یافت. در خاطرات خود، از جمعی از ادیبان نامدار آن زمان همچون محمدتقی بهار، رشید یاسمی و سعید نفیسی یاد می‌کند که در دفتر مجله مهر گرد می‌آمدند و مشهور به ادبای سبعة (هفت‌گانه) بودند. در مقابل آنان، به چهار نفر جوانترین نوگرا و تحصیل‌کرده اروپا، یعنی صادق هدایت، مجتبی مینوی، بزرگ علوی و مسعود فرزاد اشاره می‌کند که در «کافه رزنوار» در خیابان لاله‌زار نو جمع می‌شدند و به گروه ربه (چهارگانه) مشهور شده بودند و خانلری در حدود سال ۱۳۱۵ با آنان نیز آشنائی یافت.



خانلری همراه با همسرش زهرا کیا در روز ازدواجشان

پرویز نائل خانلری در سال ۱۳۲۰ با زهرا کیا ازدواج کرد که حاصل آن یک دختر و یک پسر بود. پسرش آرمان در جوانی درگذشت. در خرداد ۱۳۲۲ نخستین شماره از مجله ادبی سخن را انتشار داد و با وجود وقفه ناخواسته‌ای که پیش آمد، تا سال ۱۳۵۷ انتشار آن را تداوم بخشید.

وی در سال ۱۳۲۷ به پاریس رفت و مدت دو سال در «انستیتو دو فونتیک»، که وابسته به دانشگاه سوربن بود، به مطالعه و تحقیق مشغول شد. او اولین ایرانی‌ای بود که با رشته فونتیک (آواشناسی) در این مؤسسه آشنا شد و رساله‌ای نیز در این باره به زبان فرانسوی نوشت.

پرویز نائل خانلری در سال ۱۳۳۴ معاون وزارت کشور (در دوره وزارت اسدالله علم) شد. از همان دوران، سناتور انتصابی مازندران شد و چند دوره تا سال ۱۳۵۷ در آن سمت بود. از شهریور ۱۳۴۱ تا بهمن ۱۳۴۲ مقام وزارت فرهنگ را در کابینه اسدالله علم داشت. در مقام وزارت فرهنگ، طرح ایجاد سپاه دانش را پیشنهاد کرد و به تصویب رساند و اجرای آن را آغاز کرد.

از مهم‌ترین خدمات خانلری به فرهنگ ایرانی، تأسیس بنیاد فرهنگ ایران با جلب همکاری عده‌ای از پژوهشگران بود که در سال ۱۳۴۴ آغاز به کار کرد. بنیاد فرهنگ ایران در مدت فعالیت خود بیش از سیصد عنوان کتاب را منتشر کرد که غالب آنها متون و تحقیقات مهمی در جنبه‌های مختلف ادبی و تاریخی و علمی بود. ریاست بنیاد فرهنگ از ابتدای تأسیس تا سال ۱۳۵۷ بر عهده خانلری بود. خانلری همچنین ریاست فرهنگستان ادب و هنر ایران را بر عهده داشت. مدتی نیز مدیرکلی سازمان پیکار با بیسوادی را بر عهده گرفت.

پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷)، پرویز ناتل خانلری به مدت صد روز زندانی شد و از همه فعالیت‌های رسمی و دانشگاهی کناره گرفت. پرویز ناتل خانلری در شهریور ۱۳۶۹، پس از یک دوره طولانی بیماری، در ۷۶ سالگی در تهران درگذشت. وی در بهشت زهراي تهران، قطعه ۷۳، ردیف ۳۰، شماره ۶۶ به خاک سپرده شده است.

دستاوردها و آثار

### مجله سخن

از کارهای ارزشمند خانلری، انتشار مجله سخن از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ بود که جمعاً ۲۷ دوره منتشر شد. شماره اول مجله به صاحب‌امتیازی ذبیح‌الله صفا منتشر شد، اما با رسیدن خانلری به سی سالگی، صاحب‌امتیازی مجله به او منتقل شد. مجله سخن، به خصوص در دوره‌های اول خود، درپچه‌ای به روی ادبیات جهان بود و محلی برای انتشار آثار نویسندگان تازه‌نفس و شاعران نوگرا بود، و نقش بسزایی در جهت‌گیری ادبیات فارسی در دوره معاصر داشت.

روش خانلری و نوشته‌های او در سخن، راهگشای جوانان مستعد شد. بسیاری از نویسندگان و شاعران نامدار چون جلال آل‌احمد، محمدعلی اسلامی ندوشن و بهرام صادقی اولین اثرشان در مجله سخن به چاپ رسید. مجله سخن در دوران دراز انتشار خود دو نسل از شاعران، مترجمان، محققان، داستان‌نویسان و ناقدان را تربیت کرد.

### دستور زبان فارسی



«دستور زبان فارسی» خانلری اولین بار در سال ۱۳۴۳ به عنوان کتاب درسی دبیرستانی به چاپ رسید و سال‌ها در دبیرستان‌ها تدریس می‌شد، و بعداً مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در دانشگاه‌ها نیز تدریس شد. نوآوری عمده‌ای که در اولین نگاه در دستور زبان فارسی تألیف خانلری به چشم می‌خورد، اینست که برخلاف دستورهای پیشین، که مبنای بحث خود را اجزای جمله و تعریف انواع واژه قرار می‌دادند و سپس به ترکیب جمله می‌رسیدند، در دستور خانلری کوچک‌ترین واحد گفتار که منظور گوینده، یعنی رساندن پیام را برآورده می‌سازد و جمله خوانده می‌شود، مبنای بحث قرار می‌گیرد، و سپس این واحد گفتار به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود که هر یک شامل اجزای کوچک‌تریست، و پس از آن به شناخت یکیک اجزای هر قسمت می‌رسد. دستور زبان خانلری برپایه زبان‌شناسی و با توجه به روح زبان فارسی تدوین شد؛ و می‌توان گفت اولین دستور زبان فارسی بر بنیاد زبان‌شناسی در ایران است. در این دستور، بسیاری از اصطلاحات زبان‌شناسی که اکنون در زبان‌شناسی و دستور زبان رایجست، مانند نهاد، گزاره، عملکرد، پایه، پیرو، وابسته و نظایر آن از بر ساخته‌های اوست.

### تاریخ زبان فارسی

اثر مهم و ماندگار دیگر خانلری، «تاریخ زبان فارسی» است که تاکنون تنها کتاب مرجع در این زمینه به حساب می‌آید. بنای کتاب دستور زبان فارسی بر ۵ جلد ریخته شده بود که زبان ایرانیان را از زمان کهن تا دوره معاصر دربرمی‌گرفت. جلد اول شامل اصطلاحاتی بود درباره زبان ایرانی باستان و پارسی میانه تا ورود اسلام. جلد دوم مشتمل بر زبان‌ها و گویشهایی بود که پس از اسلام در قلمرو

ایران زمین شکل گرفته و تکامل پیدا کرده است. این دوره به قرن هفتم هجری ختم می‌شود. جلد سوم ویژگی‌های نحوی و لغوی و آواشناسی دوره دوم زبان فارسی دری، یعنی بعد از استیلای مغول را شامل می‌شود. این دوره به قرن سیزدهم خاتمه می‌یابد و از دوره‌های تأثیرگذار در زبان فارسی معاصر است. جلد چهارم درباره زبان فارسی معاصر و تحوّل و دگرگونی آنست و جلد پنجم درباره زبان فارسی در کشورهای همسایه مانند تاجیکستان، افغانستان و شبه‌قاره است. خانلری در دوره حیات خود موفق شد تنها جلد اول و دوم آن را در چندین مجلد به تألیف درآورد که از آثار پرارزش و ماندگار این حوزه است. همچنین او طرح جامعی بر همین اساس ابزار زبان فارسی برای تألیف فرهنگ لغت پایه‌گذاری کرده بود که تنها موفق شد بخشی از دوره اول را آماده کند و به چاپ برساند.

### فرهنگ تاریخی زبان فارسی



خانلری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

از دیگر کارهای عمده خانلری، طرح‌ریزی تألیف و انتشار فرهنگ تاریخی زبان فارسی بود. در این نوع فرهنگ، برخلاف روش رایج فرهنگ‌نگاری فارسی، که مآخذ اصلی مورد استفاده در آن، فرهنگ‌های موجودست، مؤلفان نخست همه متن‌های موجود در زبان را به ترتیب تاریخی از پی هم قرار می‌دهند و واژه‌ها و معنی‌های گوناگون آن‌ها را، نه از روی فرهنگ‌های دیگر، بلکه از متن‌ها بگیرند. بدین ترتیب روشن خواهد شد که هر واژه دست‌کم در زبان مکتوب از چه تاریخی وارد زبان شده و هریک از معنی‌های گوناگون آن از چه روزگاری بر جا مانده است. وجود چنین فرهنگی در هر زبان، شناسنامه تاریخی یک‌یک واژه‌های آن زبانست و فایده‌های در دست داشتن چنین سندی برای زبان‌شناسان و ادیبان و محققان و شاعران چندان فراوان و گوناگونست که در آغاز کار نمی‌توان تمام آن‌ها را پیش‌بینی کرد.

دکتر خانلری طرح تهیه فرهنگ تاریخی زبان فارسی را تهیه کرد و آن را در بنیاد فرهنگ ایران به موقع اجرا گذاشت. همکاران این طرح بزرگ را، که تعدادشان انگشت‌شمار بود، با تحقیق و تجسس بازساخت و گروهی جوانان علاقه‌مند را به این کار برگماشت. نخستین جلد فرهنگ تاریخی زبان فارسی در سال ۱۳۵۷ انتشار یافت. جلد دوم آن نیز به زیر چاپ رفته بود که با کنارگیری خانلری معلق ماند و به سرنوشت نامعلومی دچار شد.

### غزل‌های حافظ

پرویز ناتل خانلری در مقدمه کتاب غزل‌های حافظ در سال ۱۳۳۷ اظهار امیدواری کرده بود که با استفاده از نسخه‌های کهن، دیوان کامل حافظ تهیه و منتشر گردد. این فکر پس از بیست‌ودو سال تحقق یافت و در سال ۱۳۵۹ دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ توسط بنیاد فرهنگ ایران انتشار یافت. دکتر خانلری در تنظیم دیوان حافظ متن ۴۸۶ غزل حافظ را پس از بررسی و مقایسه ضبط ۱۴ نسخه

اساس خود به ترتیب حروف تهجی قافیه‌های غزل‌ها در صفحات سمت راست کتاب قرار داده‌است. در صفحات مقابل، برای هر غزل نخست نشانه‌های معرف نسخه‌هایی که آن غزل را درج کرده‌اند در بالای صفحه و به دنبال آن ترتیب ابیات آن غزل در نسخه‌های مأخذ و سپس اختلاف نسخه‌ها در ضبط کلمات و عبارات در مورد هر بیت نقل گردیده‌است. دیوان حافظ چاپ خانلری، با وجود چندین دیگر از غزل‌های حافظ، که طی سی سال پس از آن انتشار یافته‌است، اعتبار خود را حفظ کرده و مورد استفاده محققان است.

### شاعری و نمایشنامه‌نویسی

خانلری خود با آنکه در جوانی در شاعری گرایش‌هایی مشابه نیما یوشیج داشت، ولی با مطالعه بیشتر به این نتیجه رسید که عروض فارسی ظرفیت‌های گسترده‌ای دارد و آنچه نیازمند تغییر و تحول است، زبان شعر است که باید امروزی شود. مجموعه اشعار او با نام ماه در مرداب در سال ۱۳۴۳ انتشار یافت و بارها تجدید چاپ شد.

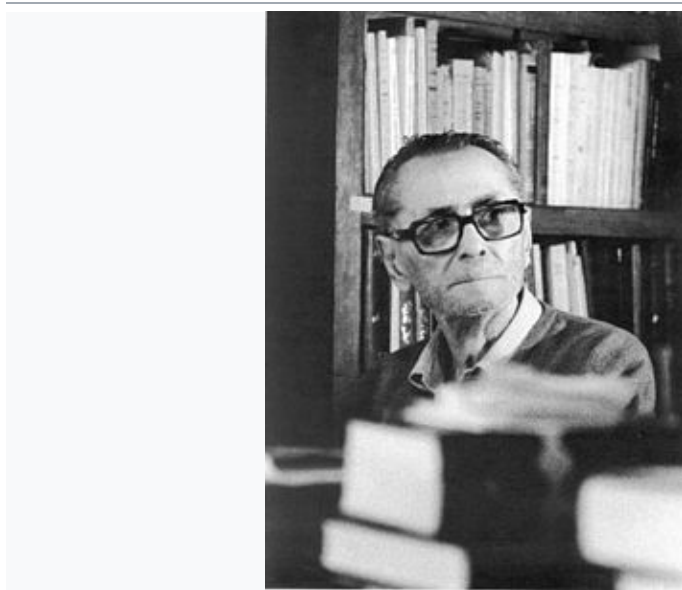
پروازترین شعر او مثنوی بلند «عقاب» او است که به صادق هدایت تقدیم شده و این گونه آغاز می‌شود:

گشت غمناک دل و جان عقاب	چو ازو دور شد ایام شباب
دید کش دور به انجام رسید	آفتابش به لب بام رسید
باید از هستی دل برگیرد	ره سوی عالم دیگر گیرد...
خاست تا چاره ناچار کند!	چاره‌ای جوید و در کار کند

دانش‌نامه ایرانیکا «عقاب» را سرشناس‌ترین شعر فارسی قرن بیستم دانسته‌است.

خانلری دستی هم در نمایش‌نامه‌نویسی آزمود؛ از جمله نمایش‌نامه کوتاه سفر هشتم سندباد را تحت تأثیر حکایات سندباد بحری هزار و یک شب در دی‌ماه ۱۳۳۱ در مجله سخن با امضای مستعار «ا.ب.» چاپ کرد که الهام‌بخش یکی از مهم‌ترین نمایشنامه‌های پارسی به نام هشتمین سفر سندباد (۱۳۴۳) به قلم بهرام بیضایی شد.

### کتاب‌شناسی



خانلری در اواخر عمر

- دختر سروان، پوشکین (ترجمه)، ۱۳۱۰
- روان‌شناسی و تطبیق آن با اصول پرورش، ۱۳۱۶

- چند نامه به شاعر جوان (ترجمه)، ۱۳۲۰
- تحقیق انتقادی در عروض و قافیه و چگونگی تحول اوزان غزل فارسی (تألیف)، ۱۳۲۷
- مخارج الحروف، ابن سینا (ترجمه)، ۱۳۳۳
- تریستان و ایزولد (ترجمه)، ۱۳۳۴
- وزن شعر فارسی (تألیف)، ۱۳۳۷
- غزل‌های حافظ، ۱۳۳۷
- سمک عیار (تصحیح)، در ۵ جلد ۱۳۳۸-۱۳۵۳
- چند نکته در تصحیح دیوان حافظ، ۱۳۳۸
- شاهکارهای هنر ایران، آرتور ایهام پوپ (ترجمه)، ۱۳۳۸
- زبان‌شناسی و زبان فارسی (تألیف)، ۱۳۴۳
- زبان‌شناسی و زبان فارسی (مجموعه مقالات)، ۱۳۴۳
- ماه در مرداب (مجموعه شعر)، ۱۳۴۳
- شعر و هنر (مجموعه مقالات)، ۱۳۴۵
- فرهنگ و اجتماع (مجموعه مقالات)، ۱۳۴۵
- تاریخ زبان فارسی (تألیف)، در ۳ جلد ۱۳۴۸
- دستور زبان فارسی (تألیف)، ۱۳۵۱
- فرهنگ تاریخی زبان فارسی (تألیف مقدمه)، ۱۳۵۷
- دیوان حافظ (تصحیح)، ۱۳۵۹
- داستان‌های بیدپای (تصحیح) با همکاری محمد روشن، ۱۳۶۱
- شهر سمک (یادداشت‌های مربوط به سمک عیار)، ۱۳۶۲
- هفتاد سخن (مجموعه مقالات) جلد اول، ۱۳۶۸
- هفتاد سخن (مجموعه مقالات) جلد دوم، ۱۳۶۹

نامگذاری خیابان

در ۲۸ آبان ۱۳۹۹ خیابان پروانه در محدوده خیابان کلاهدوز بنام پرویز ناتل خانلری تغییر نام یافت.

جعفر ابراهیمی



نام اصلی	جعفر ابراهیمی نصر
زاده	۲۱ مهر ۱۳۳۰
محل زندگی	تهران
پیشه	شاعر، نویسنده و کارشناس
زمینه کاری	ادبیات کودک و نوجوان
پدر و مادر	عبدالله، عظمت

جعفر ابراهیمی متخلص به «شاهد» شاعر ایرانی است.

#### زندگی‌نامه

در سال ۱۳۳۰ در روستای حور (ویلکیج جنوبی)، وابسته به شهرستان نمین استان اردبیل، به دنیا آمد. در یازده سالگی به همراه خانواده به تهران آمد و در همان‌جا سکونت گزید. تحصیلات خود را در رشته ریاضی تا دیپلم سپری نمود. در سال ۱۳۵۸ فعالیت خود را در حیطه ادبیات کودک و نوجوان شروع کرد. او که کارمند وزارت دارایی بود، در سال ۱۳۶۰ بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به آنجا منتقل شد و مسئولیت شورای شعر کانون را به عهده گرفت. به مدت دوازده سال نویسنده برنامه‌های رادیویی بوده و مسئولیت‌های مختلفی را نیز بر عهده داشت. در سال ۱۳۸۰ بنا به درخواست خود، از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنشسته شد.

#### سوابق

- مسئول شورای شعر کانون پرورش فکری (از سال ۱۳۶۰ تا هنگام بازنشستگی در سال ۱۳۸۰)
- سردبیر جُنگ ادبی «آیش»
  - دبیر سه دوره جشنواره کتاب کانون پرورش فکری و هفت دوره دبیر جشنواره مطبوعات کودک، چند دوره داور کتاب سال
  - در اواخر دهه پنجاه تا اوایل دهه هفتاد با مجله کیهان بچه‌ها همکاری نزدیک داشت.
  - به مدت دوازده سال همکاری با صدا و سیما.
  - همکاری با انتشارات امیرکبیر در حوزه ادبی شعر و داستان.
  - جعفر ابراهیمی «شاهد» در سال ۱۳۸۶ موفق به دریافت نشان درجه یک ادبیات (معادل دکتری) شد.
- تألیف بیش از ۱۵۰ کتاب، برای گروه‌های سنی مختلف
- برنده جایزه بنیاد البرز در سال ۱۳۹۷ به عنوان دانشمند برتر [۱]

آثار برگزیده

- یک سنگ و یک دوست: کتاب سال ۱۳۶۷
- آواز پوپک: کتاب سال ۱۳۷۲
- آسمان ابری نیست: برنده جایزه بزرگ کانون در سال ۱۳۷۴
- آب مثل سلام: برنده جایزه بزرگ کانون
- خورشیدی اینجا خورشیدی آنجا: کتاب برگزیده شورای کودک
- بوی گنجشک: کتاب برگزیده سروش نوجوان
- در کوچه‌های خیس: برنده دیپلم افتخار جشنواره کانون
- پلی به سوی شعر: برنده دیپلم افتخار جشنواره کانون
- آواز پوپک: برنده جایزه بزرگ (مداد پرنده) از جشنواره کانون، و کتاب برگزیده سروش نوجوان
- فصل خون مهتاب: برنده لوح زرین جشنواره کانون
- تا کجای آسمان: برنده لوح زرین جشنواره کانون
- آسمان دوم: رتبه اول کتاب سال ولایت
- تندیس جایزه شعر عباس یمینی شریف - شورای کتاب کودک

## مجموعه شعر نوجوانان

- 
- آواز پوپک
  - آسمان ابری نیست
  - بوی گنجشک
  - بوی کال یاس
  - سیب و پرنده
  - پروانه درباران
  - سبزپوش مهربان
  - تا کجای آسمان
  - صلح مثل چای تازه دم
  - می‌نویسم ابر، باران می‌شوم
  - غصه‌ها را ساده کن
  - به خاطر پرنده‌ها
  - باغ سیب
  - بوی نان تازه
  - یاس و پرنده
  - لبخند شب‌نم‌ها
  - فصل خون مهتاب
  - تو بوی سیب می‌دهی!
  - قالی رنگین کمان
  - باغ سبز شعرها
  - شعرهای بارانی
  - ماری که شاعرم کرد
  - تکرار نام تو
  - رازهایی در باد

- خانه‌ام ابری نیست
- پرنده، خواهر من است (مجموعه شعرهای عاشقانه برای نوجوانان)
- به تو می‌اندیشم (مجموعه شعر نوجوان)

## رمان نوجوانان

- یک سنگ و یک دوست
- در سوگ سهراب
- در کوچه‌های خیس
- شبهای بی‌فانوس
- پایان شب سیه
- جمعه در محاصره کار آگاهان
- جادوگران سرزمین بی سایه
- ماه خورشید کلاه
- حکایت اردیبهشت
- پروین (زندگی‌نامه داستانی پروین اعتصامی)
- دوست می‌دارم به بانگ بلند (زندگی‌نامه داستانی پیامبر اسلام)

## قصه نوجوانان

- همزاد
- قلعه سنگباران
- پیرزن و دزدها
- من و اسب آغامحمدخان قاجار (مجموعه قصه طنز)
- بیژی
- داستان رستم و سهراب
- بازار عطاران
- قصه‌های شیرین مثنوی (در چهار مجلد)
- که مپرس...
- قصه‌های هفت اورنگ جامی
- قصه‌های گلستان سعدی
- قصه‌های بوستان سعدی
- بیست و هشت قصه از مصیبت نامه عطار
- قصه‌های پیامبران (۲۶ قصه)

## مجموعه شعر کودکان

- آمده‌ام دوست بدارم
- شعری از گربه و موش
- خورشیدی اینجا خورشیدی آنجا
- آب مثل سلام
- میوه‌ها

- مثل یاس
- تولد قارقارک
- الک دولک، یه آدمک
- آسمان را بنویس
- کیستم من؟ چیستم من؟
- خدا چه مهربان است
- مادر درباران آمد
- کلاغ تشنه (قصه منظوم)
- دوستی کلاغ و کبوتر (قصه منظوم)
- خوشا به حالت ای روستایی
- مارمولک دروغگو
- عروسک جان، لالا کن!

---

 رمان کودکان

- ماجراهای جوری جورتان
- گلدره و گلتاج

---

 قصه کودکان

- خاله سلطان
- آن شب که باران آمد
- خرگوش و رودخانه
- قارچها در باران
- چاقالو کوچولو
- خرس باکلاه، خرس بی کلاه
- خورشید خانم آفتاب کن
- کلاغ آوازخوان
- لاکپشت اخمو
- خداحافظ تا بهار
- آن مرد بازی می‌کند (قصه منظوم)
- او برادر من است (قصه منظوم)
- داستان گردنبد (قصه منظوم)
- عیسی (یک داستان)
- دانیال (یک داستان)
- طوطی و بقال
- شیر درنده و خرگوش باهوش
- پرنده گرفتار و باغبان طمعکار
- تولد بابابزرگ
- بوس بابابزرگ
- زاغ و مار
- ده قصه از هفت اورنگ جامی (برای کودکان)

- سوسک طلا
- سفر با بادبادک
- حسنی و گرگ و بره
- قصه‌هایی درباره‌ی امام هادی (ع) / ده جلدی. یک قصه در هر جلد.
- گل عزیز نرگس
- خرس تنبل

## سیدجعفر شهیدی



زاده	۱۲۹۷ خورشیدی بروجرد، لرستان
درگذشته	۲۳ دی ۱۳۸۶ تهران
آرامگاه	امامزاده عبدالله (شهرری)
لقب	دکتر، علامه، آیت الله
پیشه	رئیس مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی
تحصیلات	دکترای رشته ادبیات فارسی و تاریخ
بنیانگذار	مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی
کتاب‌ها	همکاری در تدوین فرهنگ

معین و لغت‌نامه دهخدا، ۴ عنوان ترجمه، ۳ عنوان تصحیح و تعداد زیادی تألیف دارد	
حوزه	مجتهد شیعه
شاگرد	علی‌اکبر دهخدا و بدیع‌الزمان فروزانفر
دلیل سرشناسی	از پژوهشگران برجسته زبان و ادبیات فارسی، فقه و تاریخ اسلام
همسر	بی بی عالیہ سعیدی (فرزند سید غلامرضا سعیدی)
فرزندان	سید احسان شهیدی، حسین شهیدی، سید محسن شهیدی

**سید جعفر شهیدی** (۱۲۹۷ در بروجرد - ۲۳ دی ۱۳۸۶ در تهران) رئیس مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی، استاد تمام دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و از پژوهشگران برجسته زبان و ادبیات فارسی، فقه و تاریخ اسلام بود.

شهیدی از شاگردان برجسته علی‌اکبر دهخدا و بدیع‌الزمان فروزانفر در دانشگاه تهران بود و در سال ۱۳۴۰ دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی و تاریخ دریافت کرد. او همچنین در حوزه علمیه قم و حوزه علمیه نجف زیر نظر سید حسین طباطبائی بروجردی، سید ابوالقاسم خویی تحصیل کرد و درجه اجتهاد داشت.

او به جز همکاری در تدوین فرهنگ معین و لغت‌نامه دهخدا، ۴ عنوان ترجمه، ۳ عنوان تصحیح و تعداد زیادی تألیف دارد که شماری از کتاب‌های وی به زبان‌های بیگانه ترجمه شدند و جایزه دریافت کردند. دکتر جعفر شهیدی خانه خود را به شهرداری اهدا کردند تا در آنجا کتابخانه ای درست شود

### زندگی

سید جعفر شهیدی فرزند سید محمد سجادی که از دانشمندان و مفاخر بزرگ ادبی ایران به‌شمار می‌رفت، در سال ۱۲۹۷ هجری خورشیدی در یکی از محلات قدیمی شهر بروجرد به دنیا آمد. وی دوران تحصیل ابتدایی و اندکی از متوسطه را در این شهر و سپس ادامه آن را در تهران به انجام رساند. شهیدی ابتدا به نام سجادی معروف بود که بعدها تغییر شهرت داده و با نام شهیدی در مراکز علمی و دانشگاهی شهرت پیدا کرد.

در سال ۱۳۲۰ برای تحصیل علوم دینی و فقه و اصول راهی نجف شد و تحصیلات حوزوی‌اش را در شهر نجف که شهر علم نام داشت، تا حد رسیدن به درجه اجتهاد که درجه بسیار بالایی در حوزه علمیه محسوب می‌شود، بالا برد اما بعد از هشت سال، بیماری او را به ایران بازگرداند. هر هفته باید خود را به پزشک نشان می‌داد و در نتیجه از رفتن به حوزه قم باز می‌ماند. برای گذران زندگی و به‌منظور ترجمه متون عربی، نزد دکتر سنجابی (وزیر فرهنگ وقت) می‌رفت اما به او اشتغال به تدریس پیشنهاد شد. سپس در دبیرستان ابومسلم مشغول به تدریس شد و با توجه به اهمیت مدرک تحصیلی در میزان حقوق، بدون شرکت در کلاس‌ها، لیسانس الهیات را با بهترین نمره‌ها می‌گیرد.

برخورد با محمد معین، باب آشنایی وی را به حضور علی‌اکبر دهخدا فراهم کرد و بعد از تشکیل مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، معاونت سازمان رابه‌عهده گرفت. سپس علامه دهخدا از سیدجعفر شهیدی دعوت به همکاری کرد و در نامه‌ای به دکتر آذر (وزیر فرهنگ وقت) نوشت: «او اگر نه در نوع خود بی‌نظیر، ولی کم‌نظیر است.» دهخدا در این نامه می‌خواهد که به جای ۲۲ ساعت، به او شش ساعت تدریس اختصاص دهند تا بقیه وقتش را در لغت‌نامه دهخدا بگذراند. مدتی این‌گونه می‌گذرد، تا سال ۱۳۴۰ که با مدرک دکتری به دانشگاه منتقل می‌شود.

تدریس در دانشگاه تا حدود سال ۱۳۴۵ ادامه پیدا می‌کند، اما بعد با نامنی دانشگاه، دانشجویان خود را به لغت‌نامه می‌برد. پس از سال‌ها نیز، تا پایان عمر وی هنوز دانشجویانش چهارشنبه‌ها به دفتر وی در مؤسسه لغت‌نامه دهخدا می‌رفتند و با شهیدی جلساتی را داشتند. بعد از مرگ محمد معین، شهیدی مسؤلیت اداره سازمان لغت‌نامه دهخدا را بر عهده گرفت. او در زمینه‌های ادبیات عرب و فارسی استادی بنام بود و درک محضر و همنشینی با استادانی نظیر بدیع‌الزمان فروزانفر، دهخدا، جلال‌الدین همائی و محمد معین اعتبار علمی و معنوی او را دو چندان کرد. او همچنین دوستی نزدیک و ارتباط علمی با سید موسی صدر در ایران، بیروت و قاهره داشت.

شهیدی اولین کتابش را در نجف در رد احمد کسروی نوشت، هرچند بر خوب بودن کارهای تاریخی او (تاریخچه چپق و قلیان، مشعشیان و...) تأکید داشت. دیگر کتابش، سه جلد «جنايات تاريخ» توسط ساواک توقیف شد، اما بعدها بعضی مطالب انتقادی را از چاپ بعدی حذف کرد.



از راست به چپ: پل ششم و سید حسین نصر و سید جعفر شهیدی

وی داماد استاد سید غلامرضا سعیدی از نویسندگان معاصر بیرجندی بود. در سال ۱۳۶۹ برای ترجمه نهج‌البلاغه، مجموعه سخنان امام اول شیعیان و در سال ۱۳۸۵ هجری خورشیدی برای نگارش کتاب تاریخ تحلیلی اسلام برنده جایزه کتاب سال ایران شد.

شهیدی در ساعت ۱۱ صبح یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۸۶ (۱۲ ژانویه ۲۰۰۸) از دنیا رفت.

دکتر شهیدی در سال ۱۳۷۴ منزل مسکونی‌اش را به شهرداری نارمک واگذار کرد و این خانه در همان سال به کتابخانه عمومی دکتر شهیدی تبدیل شد. پس از مرگ وی اتاقی در این کتابخانه به موزه نگهداری برخی از آثار او اختصاص داده شد. پیکر وی صبح روز چهارشنبه بیست و شش دی ۱۳۸۶ از برابر بنیاد لغت‌نامه دهخدا به سمت دانشگاه تهران تشییع و در امامزاده عبدالله (شهرری) دفن شد.

**سید احسان شهیدی** -فرزند دکتر شهیدی- از طلاب حوزه علمیه قم بود که با آغاز جنگ ایران و عراق داوطلبانه به جبهه رفت و شهید شد. پیکر او هیچگاه شناسایی نشد و در زمره ی شهدای گمنام و مفقودالایر باقی ماند. در سالهای بعد از فراق فرزند، دکتر شهیدی زیر بار هدایای ارسالی از بنیاد شهید نمی‌رفت. در یکی از این موارد مرقومه‌ای به مسئولین مربوطه جهت عودت یخچال هدایی ارسال کرد که متن آن به روایت فرزندش چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

20/4/61

جناب ...

پس از عرض سلام، چندی پیش یک دستگاه یخچال از سوی قسمت تدارکات بنیاد بخانه بنده تحویل شده است. در پی آن بودم که فرستنده کیست؟ و سفارش دهنده چه کسی؟ سرانجام معلوم شد توصیه کننده جناب عالی و دستور دهنده حضرت... هستند.

با عرض تشکر از هر دو بزرگوار باید بگویم؛ این بنده زندگی خود را طوری پی ریزی کرده است که با حداقل مؤنه بتواند ساخت. اگر این یخچال فروشی است، توانایی پرداخت بها را ندارم و اگر اهدایی است، بهیچوجه خود را درگرفتن آن مستحق نمی دانم. بهر حال همانطور در صحن خانه معطل مانده است و می ترسم از تابش آفتاب آسیب ببیند. لطفاً دستور فرمایند آنرا عودت دهند وگرنه باید هزینه بازگشت را هم خود بپردازم. والسلام علیکم ورحمة الله.

ارادتمند، دکتر سیدجعفر شهیدی

مؤسسه لغت نامه دهخدا

رونوشت جناب آقای...

سمت ها

- معاون مؤسسه لغت نامه دهخدا ۱۳۴۲
- رئیس مؤسسه لغت نامه دهخدا
- رئیس مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی ۱۳۶۸
- همکاری با دکتر محمد معین در تهیه فرهنگ فارسی معین

کتاب شناسی



سیدجعفر شهیدی

تألیف ها

- صیحه آسمانی (بدون نام مؤلف چاپ شده)
- مهدویت و اسلام ۱۳۲۴
- جلیات تاریخ، جلد اول و دوم، تهران، شهریور ۱۳۲۷
- جلیات تاریخ، جلد سوم، دفتر نامه فروغ علم، تهران ۱۳۲۹
- چراغ روشن در دنیای تاریک (یا زندگانی علی بن الحسین) تهران، کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی ۱۳۳۵
- تصحیح براهین العجم اثر مورخ الدوله سپهر

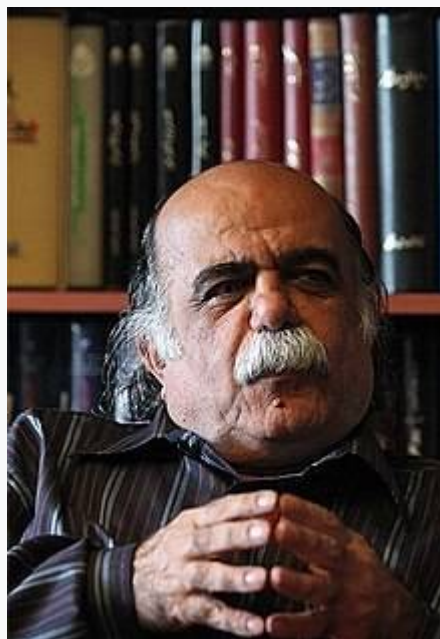
- تصحیح دره نادره و تلخیص آن
- در راه خانه خدا، دانش نو، تهران ۱۳۵۶
- پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین سلام الله علیه، چاپ اول، امیر کبیر ۱۳۵۸، چاپ شانزدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲
- شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، چاپ اول انجمن آثار ملی ۱۳۵۸، چاپ دوم انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۴
- تاریخ تحلیلی اسلام، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲
- زندگانی حضرت فاطمه، چاپ اول تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۰، چاپ هجدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۳
- آشنایی با زندگانی امام صادق سلام الله علیه، جامعه الامام الصادق سلام الله علیه، تهران ۱۳۶۲
- زندگانی علی بن الحسین سلام الله علیه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۵، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲
- ستایش و سوگ امام هشتم سلام الله علیه در شعر فارسی ۱۳۶۵
- عرشیان، نشر مشعر، قم ۱۳۷۱
- شرح مثنوی شریف، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، از جزو دوم دفتر اول تا پایان دفتر ششم (دنباله کار مرحوم فروزانفر)
- از دیروز تا امروز، مجموعه مقاله‌ها و سفرنامه‌ها، به کوشش هرمز ریاحی و شکوفه شهیدی، تهران، انتشارات قطره ۱۳۷۳
- علی از زبان علی، شرح زندگانی امیر مؤمنان سلام الله علیه، تهران، دفتر نشر ۱۳۷۶
- شرح مثنوی دفتر چهارم، پنجم و ششم؛ ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰

## ترجمه‌ها

- نهج البلاغه
  - شیر زن کربلا
- برخی از آثار ایشان به زبان‌های عربی، ترکی، آلمانی و یونانی ترجمه شده‌است از جمله:

- علی بلسان علی (ع)
- ثوره الحسین (ع)
- حیات فاطمه (س)
- حیاة الامام الصادق جعفر بن محمد (ع)

میرجلال‌الدین کزازی



زاده ۲۸ دی ۱۳۲۷ کرمانشاه

پیشه متخصص زبان و ادبیات فارسی

سبک سرهنویسی

عنوان ژروان (تخلص دوم شعری)  
اکرام (تخلص نخست شعری)

دین اسلام، شیعه

همسر سیمین‌دخت دیده‌دار

فرزندان امیر صدرالدین، امیر رُهام، ستی‌آناهیت،  
ستی‌ماندان

<http://www.kazzazi.com>

وبگاه

امضاء

**میرجلال‌الدین کزازی** (زاده ۲۸ دی ۱۳۲۷ در کرمانشاه) استاد دانشگاه، شاعر، نویسنده، مترجم، شاهنامه‌پژوه و ادیب ایرانی است. او از چهره‌های ماندگار فرهنگ و ادب ایران در پنجمین همایش چهره‌های ماندگار به سال ۱۳۸۴ است. وی مشهور به بهره‌گیری از واژه‌های پارسی سره در نوشته‌ها و گفتار خود است. کزازی عضو هیئت امنای بنیاد فردوسی است.

### زندگی

میرجلال‌الدین کزازی در ۲۸ دی ۱۳۲۷ در کرمانشاه و در خانواده‌ای اصالتاً اهل روستای کزاز در استان مرکزی به دنیا آمد که برای ساخت حوزه علمیه به کرمانشاه مهاجرت کرده‌بودند. پدرش سید محمود نام داشت و جد پدری‌اش سید حسین کزازی رئیس اداره معارف کرمانشاه بود. جلال‌الدین کزازی از همان دوران کودکی به فرهنگ و ادبیات ایران علاقه زیادی نشان می‌داد. این علاقه در دوران استادی و کهن‌سالی از ویژگی‌های سبک نوشتاری و تدریس وی بود.

### دوره‌های دبستان و دبیرستان

دوره دبستان را در مدرسه آلیانس کرمانشاه گذراند و از سالیان دانش‌آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشنایی یافت. سپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب فارسی به تهران آمد.

### دانشگاه

کزازی در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره‌های گوناگون آموزشی را سپری کرد. وی در سال ۱۳۵۱ خورشیدی مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادب فارسی از دانشگاه تهران را به دست آورد و به سال ۱۳۷۱، پایان‌نامه دکترای خود را با نام نمادشناسی در شاهنامه نوشت.

وی عضو هیئت علمی در دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی بود. او افزون‌بر زبان فرانسوی که از سالیان خردی با آن آشنایی یافته‌است، با زبان‌های اسپانیایی و آلمانی و انگلیسی نیز آشناست و تاکنون ده‌ها کتاب و نزدیک به سیصد مقاله نوشته‌است و در همایش‌ها و بزم‌های علمی و فرهنگی بسیاری در ایران و کشورهای دیگر سخنرانی کرده‌است.

### آموزگاری در اسپانیا

وی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به آموزگاری ایران‌شناسی و زبان فارسی در اسپانیا سرگرم بوده‌است.

### شاعری

او از سال‌های نوجوانی، نوشتن و سرودن را آغاز کرد و در همان سال‌ها با هفته‌نامه‌های کرمانشاه همکاری داشته و آثار خود را در آن‌ها به چاپ می‌رسانید. کزازی نخست «اکرام» تخلص می‌کرد، اما پس از مدتی تخلص خود را به «زُروان» تغییر داد. نخستین مجموعه شعر کزازی «پیروزی خون بر شمشیر: برگی چند از ادبیات انقلابی اسلامی ایران» نام داشت که در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. کزازی در مقدمه این کتاب هدف خود را از سرودن شعر اینگونه توضیح می‌دهد:

بی‌گمان و گزافه لحظه‌های پر تب و تاب انقلاب را، ادبیات پیگیر و پویای انقلاب سزاوار و بایسته می‌آید. در تحقق این خواست به یاری خداوند سبحان مبادرت به نشر این نخستین دفتر از ادبیات انقلاب اسلامی ایران گردید تا فرخی نام امام طلیعه‌ای همایون و سرآغازی نویدگر بر دفترهای بعدی. در این وجیزه از آنجا که به اشعار دیگر شاعران دسترسی نبود به سروده‌های خویش بسنده کردیم. باشد که این متاع مختصر چون متاع صالحان در نظر آید، نه چون نکول متاع طالحان و مقبول و مطبوع خداوندان دانش و ادب افتد. بمنه و کرمه.

کزازی هم‌اکنون نیز شعر می‌سراید و گفتنی است، وی در سخن گفتن، به‌ندرت واژه‌های عربی را به‌کار می‌گیرد.

## تألیفات

تألیف او با نام نامه باستان برپایه شاهنامه که تاکنون ۱۰ جلد آن به چاپ رسیده است، رتبه نخستین پژوهش‌های بنیادین در جشنواره بین‌المللی خوارزمی را به دست آورده است.

نام	نوع	تاریخ چاپ
از گونه‌ای دیگر	شاهنامه‌شناسی	۱۳۶۸
دُر دریای دری	تاریخ شعر فارسی	۱۳۶۸
رخسار صبح	خاقانی‌شناسی	۱۳۶۸
زیباشناسی سخن پارسی	جلد اول- بیان	۱۳۶۸
بیکران سبز	دفتر شعر	۱۳۶۹
مازهای راز	شاهنامه‌شناسی	۱۳۷۰
زیباشناسی سخن پارسی	جلد دوم - معانی	۱۳۷۰
رؤیا، حماسه، اسطوره	شاهنامه‌شناسی	۱۳۷۲
زیباشناسی سخن پارسی	جلد سوم - بدیع	۱۳۷۳
ترجمانی و ترزبانی	هنر ترجمه	۱۳۷۴
دیر مغان	حافظ‌شناسی	۱۳۷۵
پارسا و ترسا	عطارشناسی	۱۳۷۶
پرنیان پندار	مجموعه مقاله	۱۳۷۶

۱۳۷۶	خاقانی‌شناسی	سراچه آوا و رنگ
۱۳۷۶	خاقانی‌شناسی	سوزن عیسی
۱۳۷۷	زیست‌نامه	گذری و نظری بر آثار و احوال
۱۳۷۸	حافظ‌شناسی	پند و پیوند
۱۳۷۸	خاقانی‌شناسی	گزارش دشواریهای دیوان خاقانی
۱۳۷۹	گزارش سفر	روزهای کاتالونیا
۱۳۷۹	شاهنامه‌شناسی	نامه باستان – جلد اول
۱۳۸۰	گزارش سفر	دیدار با اژدها
۱۳۸۱	شاهنامه‌شناسی	نامه باستان – جلد دوم
۱۳۸۲	شاهنامه‌شناسی	نامه باستان – جلد سوم
۱۳۸۴	مجموعه مقاله	آب و آینه
۱۳۸۴	شاهنامه‌شناسی	نامه باستان – جلد چهارم
۱۳۸۴	شاهنامه‌شناسی	نامه باستان – جلد پنجم
۱۳۸۴	شاهنامه‌شناسی	نامه باستان – جلد ششم
۱۳۸۵	شاهنامه‌شناسی	نامه باستان – جلد هفتم

۱۳۸۶	شاهنامه‌شناسی	تندبادی از کنج
۱۳۸۷	چهار گزارش سفر	از دهلی نو تا آتن کهن
۱۳۸۷	دفتر شعر	دستان مستان
		خاقانی شروانی
۱۳۹۲	تاریخی	پدر ایران
۱۳۹۳	شاهنامه‌شناسی	دفتر دانایی و داد
۱۳۹۹	مولانا‌شناسی	فسانه‌های فسون
۱۳۹۹	نهانگرایی	دمی بی خویشتن، با خویشتن
۱۳۹۹	شاهنامه‌شناسی	رزمنامه رهایی

- از اخگر تا اختر
- خشم در چشم (شاهنامه‌شناسی)
- در آسمان جان (مجموعه مقاله)
- فرهنگ نظریه و نقد ادبی
- نامه باستان – جلد هشتم (شاهنامه‌شناسی)
- نامه باستان – جلد نهم (شاهنامه‌شناسی)
- کزازی، میرجلال‌الدین، کرمانشاه: شهر شگرف ماه، کرمانشاه: دیباچه، ۱۳۹۶.

## ترجمه‌ها

- «انه‌اید» اثر ویرژیل (برنده جایزه کتاب سال ۱۳۷۹)
- «ادیسه» اثر هومر
- «ایلیاد» اثر هومر
- «تلماک» اثر فنلون
- بهار خسرو (گشت و گذاری در تاریخ و فرهنگ ایران)، نویسنده: پیتر و چیتاتی
- آتالا و رنه، نویسنده: شاتو بریان

- شهر سنگی، نوشته اسماعیل کادره
- توان‌های نهانی آدمی، نویسنده: کالین و ویلسن
- جهان اشباح، نویسنده: «دانیل هامر» و «آلکس رودن»
- جهان پس از مرگ، نویسنده: سر آرتور کنان دویل
- سه داستان، نویسنده: گوستاو فلوبر
- سیلوی، نویسنده: ژرار دونروال
- «افسانه‌های دگردیسی» اثر اوید
- «شهباز ارابه» اثر کرتین دوتروی
- «چامه‌ها» اثر هوراس
- «درباره طبیعت» اثر تیتوس لوکرتیوس کارلوس
- «زندگی در بهروزی و کوتاهی زندگی» اثر سنکا لوسیوس انیوس
- «کمدی الهی» (خندستان خدایی) اثر دانته

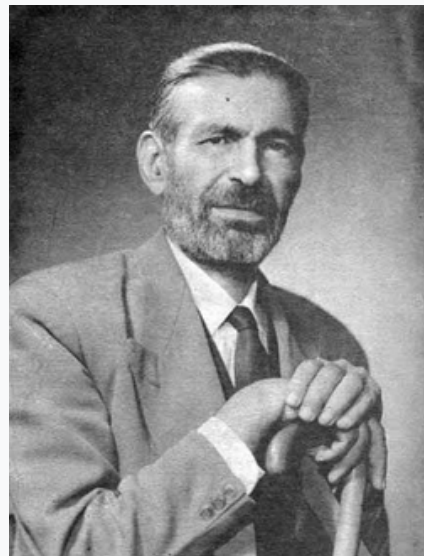
#### جایزه‌های دریافتی

- جایزه بهترین کتاب سال، ۱۳۶۹
- جایزه نخست پژوهش‌های بنیادین جشنواره خوارزمی، ۱۳۸۳
- برگزیده چهره‌های ماندگار در فرهنگ و ادب، ۱۳۸۴
- چهره برگزیده استان کرمانشاه، ۱۳۸۴
- سپاس‌نامه از انجمن معتبر ادبی پاراناسوس یونان، ۱۳۸۴
- پژوهشگر برگزیده دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵
- چهره ماندگار در کرج، ۱۳۸۷
- استاد نمونه دانشگاه آزاد، ۱۳۸۷
- جایزه برترین کتاب سال در مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران برای دوره ۱۰ جلدی نامه باستان (متن شاهنامه فردوسی با توضیح و بررسی)، ۱۳۸۸
- پژوهشگر نمونه استان مرکزی، ۱۳۸۸

#### یادبود

به‌منظور بزرگداشت جلال‌الدین کزازی، فرهنگسرای در شهر کرمانشاه در محله کارمندان به نام «فرهنگسرای استاد میرجلال‌الدین کزازی» نام‌گذاری شده‌است. این فرهنگسرا در روز ۵ تیر ۱۳۹۸ به مناسبت ۶ تیر روز فرهنگی کرمانشاه افتتاح شد.

## جلال‌الدین همایی



جلال‌الدین همایی در سال ۱۹۶۳/م ۱۳۴۲ش

زاده ۱۳ دی ۱۲۷۸ اصفهان، ایران

درگذشت ۲۹ تیر ۱۳۵۹ (۸۰ سال) تهران، ایران

آرامگاه اصفهان، تخت فولاد تکیه لسان‌الارض

پیشه نویسنده، شاعر، ریاضی‌دان

**جلال‌الدین همایی** (زاده ۱۳ دی ۱۲۷۸ در اصفهان - درگذشته ۲۹ تیر ۱۳۵۹ در تهران) نویسنده، ادیب، شاعر، ریاضی‌دان و تاریخ‌نگار معاصر است. همایی قرآن را از حفظ داشت و در شعر تخلصش «سنا» بود. او با جفر، اسطرلاب و نجوم قدیم نیز آشنا بود. وی یکی از حروف (مجلدات) لغت‌نامه دهخدا را نیز تدوین کرده‌است. وی نوه همای شیرازی است.

## زندگی

## دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی

همایی در خانواده‌ای اهل ادب در اصفهان و محله قدیمی پاقلعه (از محلات جنوب شرقی قدیم اصفهان) متولد شد. پدرش میرزا ابوالقاسم محمدنصیر فرزند همای شیرازی بود. نخستین معلمان همایی پدر و مادرش بودند. وی مقدمات فارسی و عربی را نزد پدر و عموی خود آموخت. بنا به گفته خود همایی در شرح حالی از خود صحیح خواندن آیات قرآن و ابیات حافظ و سعدی را از مادر و پدر خود در دوران کودکی فراگرفته بود.

## دوران جوانی

وی به مدرسه حقایق در محله مشیر یخچال و سپس به مدرسه قدسیه در محله درب امام اصفهان راه می‌یابد و مقدمات ریاضیات و علوم صرف و نحو عربی را فرامی‌گیرد. سپس به اقامتی بیست ساله در

مدرسه نیم‌آورد در جهت طلبگی در حضور افرادی چون آقا شیخ علی یزدی، آقا سیدمحمدکاظم کرونی اصفهانی و آقا سیدمهدی درچه‌ای، دست می‌زند و به فقهی صاحب اجازه بدل می‌شود. در این دوره بیست‌ساله، علاوه بر افزایش سطح علمی، به واسطه سختی زندگی، مهذب و ساده‌زیست و متواضع می‌شود. سپس مدت ۱۲ سال به تدریس درس فقه در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس دانشکده حقوق دانشگاه تهران می‌پردازد. نیز اثرات همین دوره مرارت است که بعدها منجر به تألیف «غزالی‌نامه» در شرح و توصیف احوال امام محمد غزالی از زبان همایی می‌شود.

### دوران تدریس و ورود به فرهنگ

در اواسط دوران تحصیل به جهت نیاز مالی و به جهت علاقه درونی همایی روی به تدریس می‌آورد و تا سال ۱۳۰۸ مرتضی اردکانی و جعفر آل‌ابراهیم دهکردی را تربیت می‌کند. سپس به دعوت ضیاءالدین جناب در پی تأسیس مدرسه متوسطه اصفهان، به تدریس دروس فقه و فلسفه و عربی در مقطع دوم دبیرستان می‌پردازد و شاگردانی چون تقی فاطمی (استاد نامدار ریاضی)، محمد نصیری (رئیس سابق دانشکده حقوق)، کمال الدین جناب (استاد فیزیک) و حسین عریضی (رئیس سابق دبیرستان ادب اصفهان) را پرورش می‌دهد.

چندی بعد همایی برای تدریس فلسفه و ادبیات به تبریز می‌رود و همزمان کتاب تاریخ ادبیات خود را می‌نویسد. در سال ۱۳۱۰ به تهران منتقل شد و به تدریس در دبیرستان‌های دارالفنون و شرف پرداخت. در این دوره شاگردانی چون ذبیح‌الله صفا، حسین خطیبی و علی‌اکبر شهابی را می‌پروراند. در سال ۱۳۱۹ به تدریس در کلاس ششم ادبی که زیر نظر دانش‌سرای عالی آن وقت بوده و مختص شاگردان اول و دوم دانش‌سرای مقدماتی کل کشور می‌شده، منصوب می‌شود. سپس راهی دانشگاه تهران می‌گردد و ۱۲ سال به تدریس درس فقه در دانشکده حقوق می‌پردازد و سپس به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتقل و به تدریس صنایع ادبی در هر سه مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری مشغول می‌شود. در سال ۱۳۴۵ درخواست بازنشستگی می‌کند و با وجود موافقت با آن کار تدریس در دانشگاه همچنان ادامه می‌یابد. در سال ۱۳۵۲ جز اعضاء انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران به ریاست افتخاری شهبانو فرح پهلوی می‌شود. از جمله شاگردان برجسته‌ای که در محضر استاد همایی پرورش یافته‌اند، می‌توان به محمدرضا شفیعی کدکنی، محمد معین، قدمعلی سرامی، محمد خوانساری و جمال رضایی اشاره کرد.

آثار

### تألیفات

1. تاریخ ادبیات ایران
2. غزالی‌نامه
3. رساله در شرح احوال سروش اصفهانی، مقدمه‌ای بر دیوان شاعر با تصحیح محمدجعفر محبوب
4. خیامی‌نامه
5. تفسیر مثنوی مولوی، داستان قلعه ذات‌الصوریا دزهوش‌ربا
6. فنون بلاغت و صناعات ادبی
7. مولوی‌نامه یا مولوی، دو جلدی
8. مختاری‌نامه یا مقدمه دیوان عثمان مختاری
9. تصوف در اسلام، نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر
10. تاریخ علوم اسلامی، تقریرات جلال‌الدین همایی، دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران
11. تاریخ اصفهان در هفت جلد
12. دیوان سنا، جلد اول، مجموعه اشعار جلال‌الدین همایی، به اهتمام ماهدخت‌بانو همایی

## تصحیحات

1. مثنوی ولدنامه
2. التفهیم لاوائل الصناعة التنجیم، تألیف ابوریحان بیرونی.
3. نصیحة الملوك، تألیف امام محمد غزالی.
4. منتخب اخلاق ناصری، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی
5. مصباح لهدایه و مفتاح الكفایه، تألیف عزالدین محمود کاشانی
6. كنوز المغرمین در علوم غریبه، منسوب به شیخ الرئیس ابوعلی سینا
7. معیار العقول در فن جراثقال
8. دیوان حکیم مختاری غزنوی
9. طربخانه
10. دیوان طرب
11. برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان (جلد دوم دیوان طرب)

## کتاب‌های درسی

1. سه جلد کتاب قرائت فارسی
2. دستور زبان فارسی
3. تدوین دوره کتاب درسی فارسی و دستور زبان فارسی و تاریخ ادبیات ایران
4. تدوین دستور زبان
5. صناعات ادبی
6. سه جلد کتاب قرائت و صرف و نحو عربی

## آثار چاپ نشده

1. قواعد فارسی
2. دستور و قواعد فارسی
3. ترجمه کتاب اشارات ابن سینا
4. رساله‌ای در شرح احوال و بررسی افکار و عقاید خواجه نصیرالدین طوسی
5. تصحیح دیوان ازرقی همراه با توضیحات و تعلیقات
6. شرح مشکلات اشعار مثنوی مولوی
7. دوره مفصل معانی و بیان بدیع و عروض و قافیه
8. دنباله تاریخ ادبیات ایران

## مقالات

1. نمیرم از این پس که من زنده‌ام!
2. رابطه ابن سینا با اصفهان
3. حد همین است سخن‌دانی و زیبایی را
4. شیخ عطار نیشابوری
5. رودکی و اختراع رباعی
6. مولوی چه می‌گوید؟
7. عرفان مولوی
8. غزلیات دیوان شمس

9. بابارکن‌الدین شیرازی
10. سروش اصفهانی
11. همای شیرازی
12. طرب بن همای شیرازی
13. احوال شعرای اصفهان
14. شرح احوال و ماده تاریخ وفات ملک‌الشعراء بهار
15. درگذشت احمد بهمنیار
16. صغیر اصفهانی
17. تقریظ بر کتاب «غزلیات جاویدان پارس»
18. اخلاق از نظر غزالی
19. مقدمه قدیم اخلاق ناصری
20. جلوه‌های عرفان در ادبیات ایران
21. پرسش‌هایی پیرامون شعر فارسی از همایی
22. اصفهان پاسدار گنجینه‌های علم و ادب و هنر ایران
23. مقدمه بر رساله مشاعر
24. دستور زبان فارسی
25. قواعد زبان فارسی
26. یک قاعده شعری
27. اشتباه صاحب‌المعجم در اوزان فهلویات وو اورامنان
28. دبستان گویندگان
29. غزل و تحول اصطلاحی آن در قدیم و جدید
30. نقد دیوان ادیب صابر
31. رفع اشتباه دیوان طرب
32. تقریظ نامه

### جلیل تجلیل



۱۳۱۳ تبریز

زاده

تهران

محل زندگی

کارهای برجسته	استاد دانشگاه تهران استاد دانشگاه آزاد اسلامی مترجم
مذهب	شیعه اثنی عشری

**جلیل تجلیل** (۱۳۱۳ خورشیدی) استاد دانشگاه، پژوهش‌گر ادبیات و مترجم ایرانی است.

#### زندگی‌نامه

دکتر جلیل تجلیل در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند و به خاطر علاقه‌مندی به تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهر تبریز وارد شد و به کسب فیض از علمای آن سامان پرداخت. بعد از آن به علت اشتیاق به تحصیل وارد دانشکده ادبیات شد و در سال ۱۳۳۴ لیسانس ادبیات فارسی را از آن دانشگاه اخذ کرد و از محضر اساتیدی چون دکتر عبدالرسول خیامپور، دکتر قاضی طباطبایی، استاد ادیب طوسی و استاد احمد ترجمانی زاده بهره برد و در سال ۱۳۴۹ وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی شد و درجه کارشناسی ارشد و دکتری را از آن دانشگاه اخذ کرد. وی همچنین همزمان با تحصیل در دانشگاه در حوزه علمیه و تهران به فراگیری فلسفه، منطق، صرف و نحو پرداخت. دکتر تجلیل استاد تمام و باز نشسته دانشگاه تهران و مشغول تدریس در دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های تهران است. جلیل تجلیل در دوره ششم (سال ۱۳۸۵) به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار ایران معرفی شد.

#### آثار

- برگزیده متون ادب فارسی (کتاب دانشگاهی)
- معانی و بیان
- جناس در پهنه ادب فارسی
- نقش‌بند سخن
- فنون و صنایع ادبی
- کتابداری نوین در اسلام

#### ترجمه

- ترجمه اسرار البلاغه عبدالقاهر جرجانی ۱۳۶۶ - انتشارات دانشگاه تهران
- مهدی کیست (ترجمه من هوالمهدی) انتشارات سروش
- ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد ۲۱، بنیاد بعثت
- ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد، ۲۲ بعثت
- معالم المدرستین (پژوهش و بررسی تحلیلی مبانی اندیشه‌های اسلامی در دیدگاه دومکتب: ترجمه کتاب معالم المدرستین علامه عسکری در دو جلد)

#### تصحیح

- شرح معلقات سبع مؤلف: احمد ترجمانی زاده ناشر: انتشارات سروش
- معیار الأشعار خواجه نصیرالدین طوسی (تصحیح)

سمت‌های اجرایی

- عضویت هیئت ممیزه مرکزی (وزارتخانه) و عضویت در کمیته تخصصی آن
  - عضویت در هیات ممیزه و کمیته تخصصی دانشگاه تهران
  - عضویت در شورای گسترش دانشگاه‌های کشور (وزارتخانه)
  - عضو و مدیر گروه ادبیات (مرکز نشر دانشگاهی)
  - مدیریت گروه ادبیات فارسی در سه نوبه مشخصات ابلاغ مدیریت گروه در سه نوبت: ۴۰/۴۴۰/۶/۴۸۱۸۶ - ۴۰/۴۴۰/۳/۴۰۵۳۶
  - ریاست کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران مشخصات ابلاغ ریاست کتابخانه مرکزی: شماره: ۲۴۵۶۲/۴۵۰۴ به تاریخ: ۱۸/۱۱/۷۲
  - عضویت در کمیته برنامه‌ریزی زبان و ادبیات فارسی ستاد انقلاب فرهنگی شماره ابلاغ: ۲۲/۷۶۲۶ به تاریخ ۲۸/۸/۸۲
  - عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران ۶۳-۶۲
  - عضو کمیته ادبیات و علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی تاریخ ابلاغ: ۱۱/۳/۶۲
  - عضو شورای نامگذاری شهر تهران از سال ۵۸ تا ۶۹
  - عضو شورای انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۶۲-۶۳
  - عضو کمیته گزینش استادان انقلاب فرهنگی سال ۶۲
  - عضو شورای برنامه‌ریزی زبان و ادبیات فارسی (وزارتخانه) به تاریخ ۲۷/۷/۶۴ تاکنون
  - عضو کمیسیون سیاست گذاری مجلات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۳/۶/۶۵
  - عضو کمیته تخصصی هنر و معماری هیئت ممیزه دانشگاه تهران ۱۷/۶/۶۵
  - عضو کمیته تخصصی دفتر گسترش دانشگاه‌ها ۲۷/۱/۶۵
  - مدیر گروه تخصصی ادبیات فارسی المپیاد دانشجویی وزارت علوم تحقیقات و فناوری
  - عضویت در کمیته علمی اسلام و محیط زیست در اولین کنگره بین‌المللی بررسی علمی اثرات نشت نفت در خلیج فارس، ۲۰/۱۱/۶۲-۷۳۶۹۲/۴
  - عضویت در شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج کشور ۱۶۹۹۲۴-۳۱/۷/۷۰
  - عضویت در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
  - عضویت در مجله بین‌المللی علوم انسانی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (مجله العلوم الانسانیة للجمهورية الإسلامية الإيرانية)
  - عضویت در هیئت تحریریه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی با هنر کرمان
  - عضویت در هیات تحریریه فصلنامه نهج البلاغه بنیاد نهج البلاغه
  - عضویت در هیات تحریریه فصلنامه پژوهش‌های دینی و ادبی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
  - عضویت در هیات تحریریه سفینه فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث
  - عضویت در هیات تحریریه مجله پژوهش دینی بادرجه علمی و ترویجی وزارت علوم تحقیقات و فناوری
  - عضویت هیئت تحریریه مجله فصلنامه علمی و پژوهشی «پژوهش‌های ادبی»
- تشویق‌ها، جوایز، نشان‌ها و مدال‌ها**
- مدال درجه اول رتبه اولی دانشنامه لیسانس از وزارت فرهنگ ۱۰/۸/۳۴
  - لوح تقدیر وزیر فرهنگ و آموزش عالی از نقش فعال در جلسات هیئت ممیزه مرکزی توسط دکتر سید محمد هاشمی گلپایگانی
  - لوح تقدیرنامه وزارتی به مناسبت عضویت در مجله بین‌المللی علوم انسانی از دکتر مصطفی معین وزیر علوم و آموزش عالی وقت

- تقدیر و معرفی در اولین دوره چهره‌های ماندگار مهرماه ۸۰
- برگزیده چهره ماندگار در سال ۸۵
- استاد برتر دانشگاه آزاد اسلامی سال ۸۶

### جواد برومند سعید



شادروان استاد دکتر جواد برومند سعید در سال ۱۳۱۱ ش. در شهرستان بردسیر از توابع استان کرمان دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم آقا عیسی برومند سعید بود. دکتر جواد برومند سعید فراگیری دانش را در زادگاه خویش آغاز نمود، اما در سال ۱۳۲۷ ش. بعد از فوت پدر، مرحوم عیسی برومند ضربه عاطفی سختی متحمل گردید، در حالی که فقط ۱۶ سال از سنش می‌گذشت. وی پس از فوت پدر تحت سرپرستی مادرش، مرحومه طاهره برومند سعید به تحصیلات خود ادامه داد.

از سن ۱۰ سالگی سرودن شعر را آغاز نمود و بنا به گفته خود، انگیزه‌ای که باعث گرایش به سرودن شعر شد، مطالعه کتاب‌های حافظ و سعدی و علاقه ایشان به اشعار این دو شاعر بود و از این رو ایشان قالب شعری خود را غزل قرار داد و آن را دنبال کرد.

دکتر جواد برومند سعید تا سال ۱۳۴۰ در بردسیر اقامت داشت، سپس برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نمود و در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ مدرک لیسانس و در سال ۱۳۴۷ شروع به تدریس در دانشگاه تهران نمود و در سال ۱۳۵۱ موفق به کسب درجه دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گردید.

از دیگر ویژگی‌های دکتر جواد برومند سعید، تسلط او به زبان‌های فرانسوی، آلمانی، عربی و زبان باستان بود. ایشان در سال ۱۳۵۶ در کنگره ایران شناسی ایران در تهران شرکت داشت و از اعضای اصلی کنگره مزبور بود و سفرهایی به کشورهای انگلستان و ایتالیا و در سال ۱۳۵۹ سفری به کشور هندوستان نمود که هدف از این مسافرت‌ها سیر و سیاحت و گشت و گذار به کشورهای خارجی و مطالعاتی در ارتباط با امور مربوطه بود. وی سرانجام به کرمان آمد و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ کار تدریس در دانشگاه کرمان را به عهده گرفت.

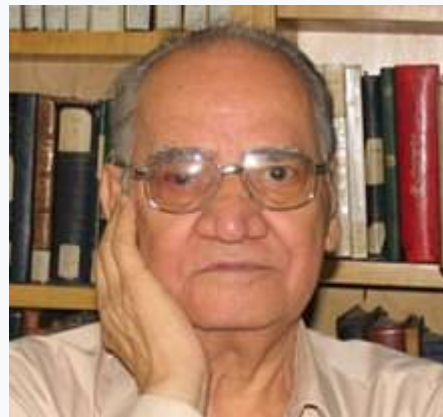
در سال ۱۳۷۰ در کنگره حافظ در شیراز شرکت نمود و در همین سال کتابی به نام «جام جم» تألیف نمود. «گویش بردسیر» و «انگشتی جم» از دیگر آثار وی در این مقطع بود که در باب ریشه‌یابی فرهنگ بردسیر و پژوهشی در فرهنگ اساطیری و باستانی ایران بود. در سال ۱۳۷۰ کتاب دیگری به

نام «زبان تصوف» را تألیف کرد که در زمینه عرفان می‌باشد. در سال ۱۳۷۳ در کنگره خواجه جوی کرمانی که در کرمان تشکیل شد، شرکت نمود.

در سال ۱۳۷۳ کتاب «دگرگونی آوائی و ازگان» را تألیف نمود که به عنوان بهترین کتاب سال استان معرفی شد. در سال ۱۳۷۳ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه معرفی شد. وی به مدت سه سال در دانشگاه بردسیر تدریس کرد و در سال ۱۳۷۶ به کرمان مراجعت نمود و کتابی با عنوان «نوروز جمشیدی» را تألیف کرد که فعلاً در دست چاپ می‌باشد. کتاب «فرهنگ ریشه یابی و کاربرد» از دیگر تألیفات وی می‌باشد که از انتشارات مرکز کرمان‌شناسی است. آخرین اثر دکتر برومند سعید کتاب «رستم نامه» است که حاصل تحقیق و پژوهش بیش از سی سال ایشان در شاهنامه فردوسی است و ضمن آن داستان پهلوانی‌های رستم و یادبودهای پرشکوه آن روزگار با استفاده از اشعار و ابیات حماسی و عرفانی شاهنامه فردوسی به رشته نقد در آورده است و مرکز کرمان‌شناسی نسبت به چاپ آن اقدام نمود. این کتاب قرار بود به عنوان یک‌صدمین کتاب انتشارات مرکز کرمان‌شناسی و به عنوان نقطه عطف انتشارات معرفی و در دسترس علاقه‌مندان به آثار فرهنگی قرار گیرد که متأسفانه عمر آن شادروان مجال نداد.

استاد دکتر جواد برومند سعید در تاریخ ۲۵ مهرماه سال ۱۳۸۵ ش. در یکی از شب‌های قدر ماه مبارک رمضان در سال ۱۴۲۷ ق. در سن هفتاد سالگی دار فانی را بدرود گفت و جان، به جان آفرین تسلیم نمود.

### حسن احمدی گیوی



زاده ۱ بهمن ۱۳۰۶ گیوی، استان اردبیل

درگذشته ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ تهران

آرامگاه قطعه نام‌آوران بهشت زهرا

پیشه نویسنده، پژوهشگر، ادیب، استاد دانشگاه

زمینه زبان و ادبیات فارسی

کاری	
دانشگاه	دانشگاه تهران
استاد	بدیع‌الزمان فروزانفر محمد معین محمد مقدم
فرزندان	فرهنگ احمدی گیوی، ارژنگ احمدی گیوی و هما احمدی گیوی

**حسن احمدی گیوی** (۱ بهمن ۱۳۰۶ در گیوی - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ در تهران) نویسنده، پژوهش‌گر، ادیب و استاد دانشگاه بود. او مدرک دکتری خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت کرد و سال‌ها در این دانشگاه و دانشگاه‌های دیگر، از جمله در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد واحدهای شمال و خلخال تدریس کرد. احمدی گیوی از معروف‌ترین شاگردان بدیع‌الزمان فروزانفر بود. او بیش از چهار دهه با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. بیش از ۵۰ جلد کتاب در حوزه دستور زبان و ادبیات فارسی از وی منتشر شده‌است.

او در سال ۱۳۹۱ در رشته ادبیات، به‌عنوان چهره ماندگار انتخاب شد.

#### زندگی و مدارج علمی

حسن احمدی گیوی در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در شهر گیوی، استان اردبیل دیده به جهان گشود. دوره ابتدایی را در مدرسه ناصری خلخال گذراند. سپس در رشته فلسفه مدرک کارشناسی ارشد دریافت کرد. احمدی گیوی در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دکتری گرفت. او در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه تهران بازنشسته شد.

حسن احمدی گیوی در صبح روز سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱ بر اثر ایست قلبی در ۸۵ سالگی در منزل خود درگذشت.

احمدی گیوی در سال ۱۳۴۰، با راهنمایی محمد معین، استاد راهنما، رساله دکتری خود با عنوان «اقسام فعل به اعتبار زمان» را برگزید، ولی کار تدوین آن شش سال به درازا کشید و با درگذشت معین، محمد مقدم استاد راهنمای او شد و سرانجام در سال ۱۳۴۶ از رساله‌اش را دفاع کرد. پس از چندی، انتشارات دانشگاه تهران قرارداد چاپ آن را یک‌طرفه لغو کرد و احمدی گیوی، ۳۸ سال برای تکمیل آن تلاش کرد تا اینکه در سال ۱۳۸۰ آن را با نام دستور تاریخی فعل توسط نشر قطره در تهران چاپ و منتشر شد.

#### فعالیت‌های ادبی

- مؤلف بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه ادبیات فارسی
- آغاز به کار تألیف کتاب دستور تاریخی فعل در سال ۱۳۴۲ به پیشنهاد دکتر محمد معین
- نگارش دستور زبان ترکی
- انتخاب به عنوان نویسنده کتاب برتر سال از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- برای دستور تاریخی فعل
- بیش از چهار دهه فعالیت پژوهشی در مؤسسه لغت‌نامه دهخدا

- نگارش ۲۴ جزوه از ۲۲۲ جزوه مجموعه لغت‌نامه دهخدا
- ویرایش و همکاری در تدوین فرهنگ سخن

## آثار

- آیین پژوهش و مرجع‌شناسی
- از فن نگارش تا هنر نویسندگی
- دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی
- دستور تاریخی فعل
- شوریده و بی‌قرار
- گزیده اشعار و مقالات دهخدا
- دستور زبان فارسی ۱ و ۲. تهران: انتشارات فاطمی
- گلستان سعدی، مقدمه، شرح و تعلیقات. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه، چاپ اول، ۱۳۸۶

## حسن انزلی قره باغ



استاد حسن انزلی نویسنده معاصر و بازنشسته آموزش و پرورش میباشند که با ۸۷ سال سن هنوز هم عاشق مطالعه و نوشتن می باشند و تنها کمسویی چشم مانع این کار شده است

استاد در مورد خود و زندگی اش این چنین سخن میگوید: حسن انزلی فرزند معصوم متولد ۱۳۰۳ در روستای قره باغ هشتم در سن ۶.۵ سالگی مادرم مداد به دستم داد و روی کاغذ برد و الفبا را یادم داد. در ۱۳۱۱ مدرسه ای در روستا دایر شد در چند سال اول تا کلاس چهارم ابتدایی بلاتکلیف و سرگردان مانده و بالاخره در ۱۳۲۰ با دو سه ماه تحصیل مرتب در مدرسه اردشیر شاهپور (سلماس) گواهی ششم ابتدایی گرفته در ۱۳۲۱ به استخدام فرهنگ درآمد و تک معلم همان روستای محل تولد شدم. از آن تاریخ تا ۱۳۲۹ همان مدرسه تک معلم را با تلاش شبانه روزی به مدرسه شش کلاسه کامل با کادر کافی رساندم و خود با مطالعه و استفاده از تعطیلات تابستانی در شهر موفق به اخذ دیپلم دبیرستان شدم و به خدمت سربازی به دانشکده افسری اعزام و با درجه ستوانی در هنگ ۹ پیاده لشکر ۶۴ اورمیه خدمت را سپری کردم و به خدمت آموزش و پرورش بازگشتم در ۱۳۳۲ به تبریز منتقل شدم و ضمن تدریس و مدیریت در دبستان تربیت تبریز دوره دانشکده زبان و ادبیات فارسی را به پایان بردم.

در 1335 به اورمیه برگشتم و در دبیرستانها و دانشسراها و تربیت معلم به تدریس پرداختم و در سال 1353 با درخواست خود بازنشسته شدم. تا سال 1357 در مدارس ملی تدریس داشتم و از سال 1364 تا 1370 در دانشگاه پیام نور اورمیه ادبیات فارسی تدریس کردم. بعد از بازنشستگی فراغتی دست داد و به تدریس و انتشار چند جلد کتاب پرداختم از آن جمله

- |                   |   |
|-------------------|---|
| 1- چاپ تبریز 1336 | راهنمای درست نوشتن و درس خواندن                             |
| 2- چاپ تهران 1365 | دستور زبان فارسی (چاپ چهارم)                                |
| 3- چاپ تهران 1366 | روش نگارش (راهنمای انشا) (چاپ سوم)                          |
| 4- چاپ تهران 1370 | راه زندگی (آداب معاشرت)                                     |
| 5- چاپ تهران 1377 | آموزش گام به گام انشا                                       |
| 6- چاپ تهران      | اورمیه در گذر زمان (تاریخ)<br>(1378) (معروف ترین اثر استاد) |
| 7- چاپ تهران 1380 | معلمی در سنگلاخ زندگی                                       |

دارای چهار فرزند (2 دختر و 2 پسر) هستم با چند نوه. هر چهار نفر تحصیلات عالی دارند هر یک دریایی از مهر و عاطفه فرزندی و از نظر سجایای اخلاقی و احساسات انسانی و عزت نفس در حد (مقبول انسانیت هستند از این نیز از خدای خود سپاسگذارم).

نقش مادرم در تحصیل من بسیار موثر بود. در سال 1311 که در روستا به مدرسه رفتم معلمی داشتیم که شغل اصلی اش روضه خوانی بود ولی کار تدریس در مدرسه قره باغ را نیز انجام میداد با آنکه سواد بسیار کمی داشت مثلا در شمارش اعداد فقط تا عدد 100 بلد بود بشمارد و بعد از عدد 100 اگر میخواست بنویسد -مثلا 101 را 1001 می نوشت ولی مادر من که سواد خواندن و نوشتن را بلد بود اشکالات من را گوشزد میکرد و در یادگیری دروس من نقش بسزایی داشت

استاد انزلی خاطره ای با گرامیداشت پیروزی انقلاب و دهه فجر از زمان سلطنت پهلوی نیز یاد میکند: زمانی که در سالهای 1332 یا 1333 فرهنگیان در اعتراض به کم بودن حقوقشان اعتصاب کرده بودند (زمانی که دکتر خانعلی در تهران شهید شد) نخست وزیر دولت شاه (امینی) برای دیدار و ملاقات و به اصطلاح خودشان بررسی اوضاع فرهنگیان به اورمیه آمده بود که در هیئت همراه آنها استاندار وقت آذربایجان شرقی (دهقان) و همچنین وزیر فرهنگ (درخشش) و رییس فرهنگ استان آذربایجان غربی (عباس جدلی) نیز حضور داشتند بنده از طرف فرهنگیان و رییس فرهنگ به عنوان نماینده معترضان در دبیرستان فردوسی سخنرانی کردم که خوشبختانه بعد از مدت کمی رژیم در برابر خواست فرهنگیان تسلیم شد

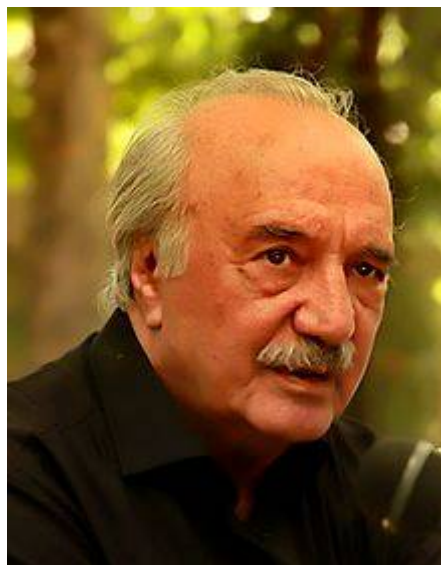
در پایان خاطر نشان میکند که :

این کتاب شاید آخرین اثرم باشد: زیرا برای کار دیگر نه مجال هست و نه توانی مجال به اجمال رسیده و توان به توانی گراییده (و هر دم جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها).

استاد در منزل شخصی اش کتابخانه ای از کتابهای نفیس (ادبی تاریخی و اجتماعی) دارد که بنا به دلایلی قرار است این کتابخانه را در آینده نزدیک به یکی از کتابخانه های شهر اورمیه اهدا کنند

لازم به ذکر است که استاد الان به علت ناراحتی چشمهایش برای مطالعه از ذره بین استفاده میکند و پسر بزرگش که در المان زندگی میکند قول داده که در سفر آتی اش یک ذره بین بزرگ مخصوص مطالعه برایش بیاورد بلکه پدر پیر و بزرگوارش با مطالعه ناراحتی و دلتنگیهایش را (همسر استاد چند وقتی است که در بستر بیماری است) بدست فراموشی بسپارد

### حسن انوری



**حسن انوری** (زاده ۱۰ اسفند ۱۳۱۲ در تکاب) استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران، سرپرست تألیف فرهنگ بزرگ سخن، مصحح گلستان سعدی، و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. او به عنوان چهره ماندگار در رشته «ادبیات» معرفی شده است. همچنین، بخشی از پژوهش‌های او به حافظ‌پژوهی اختصاص دارد. وی برخی از حروف (مجلدات) لغت‌نامه دهخدا را نیز تدوین کرده است. ایشان اصالتاً آذری‌تبار هستند.

### تحصیلات

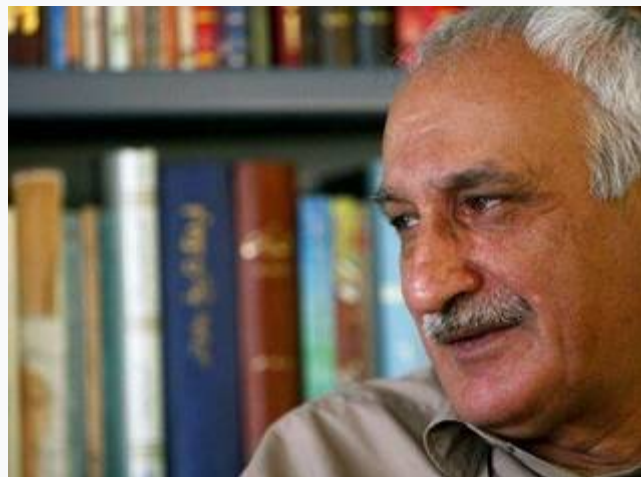
- دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۰
- کارشناسی ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، ۱۳۴۶
- کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، ۱۳۴۰

### آثار

- یک قصه بیش نیست (ملاحظات دربارۀ شعر حافظ و اندیشه‌های او)، تهران: انتشارات علمی
- فرهنگ بزرگ سخن (سرپرستی)، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱
- فرهنگ فشرده سخن (سرپرستی)، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲
- دستور زبان فارسی (با همکاری حسن احمدی گیوی)، تهران: انتشارات فاطمی

- راهنمای تدریس فارسی (راهنمای تدریس آموزگاران برای سال‌های چهارم و پنجم و اول و دوم و سوم راهنمایی)
- رزنامه رستم و سهراب (با همکاری جعفر شعار)، ۱۳۶۳
- سخن و اندیشه (با همکاری علی اصغر خبره زاده) تهران: انتشارات توس
- صدای سخن عشق، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۴
- غمنامه رستم و سهراب، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۳
- فارسی، دانشسرای مقدماتی، ۱۳۵۲
- کتاب فارسی و تاریخ ادبیات
- این کتاب برای تدریس در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۲ در وزارت آموزش و پرورش به چاپ رسیده است.
- کتاب قرائت فارسی برای مدارس
- این کتاب برای تدریس در سال‌های چهارم و پنجم دبستان و اول و دوم و سوم راهنمایی آموزش و پرورش در سال‌های ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است.
- گزیده اشعار رودکی (با همکاری جعفر شعار)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵
- گزیده اشعار صائب (با همکاری جعفر شعار و زین العابدین مؤمن)، تهران: نشر بنیاد
- گزیده بوستان سعدی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱
- گزیده غزلیات سعدی، تهران: انتشارات سعدی، ۱۳۶۹
- گزیده گلستان سعدی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱
- شوریده و بی‌قرار درباره سعدی و آثار او، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۴.

## حسن انوشه



زاده ۱۹ اسفند ۱۳۲۳ بابل

درگذشته ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ (۷۵ سال) سرطان / تهران

فرزند(ان) مزدک انوشه

حسن انوشه (۱۹ اسفند ۱۳۲۳ در بابل - ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ در تهران) نویسنده، پژوهشگر تاریخ، زبان و ادبیات فارسی و سرپرست گروه نویسندگان دانشنامه ادب فارسی بود. وی همچنین عضو هیئت مدیره بنیاد فردوسی بود. مزدک انوشه فرزند او است.

### آغاز زندگی

حسن انوشه در اسفند ۱۳۲۳ در یکی از روستاهای بابل چشم به جهان گشود. پدر و مادر او هر دو بی‌سواد و فقیر بودند. بی‌سوادی آن دو، باعث شد تا فرزندان خود را به تحصیل، تشویق کنند تا آنها گرفتار سختی و رنج نشوند. پدر حسن انوشه، یک کارگر کشاورز بود. حسن به همراه پدرش و برادرانش روی زمین کار می‌کرد. این سختکوشی، الهام‌بخش کارهای ادبی او شد.

در سال ۱۳۴۲ یا ۱۳۴۳ زمین‌لززه‌ای، ساختمان اداره پست در کنار باغ خانه حسن را ویران کرد. بنابراین رئیس اداره پست و تلگراف مجبور شد برای خانواده خود، در باغ خانه حسن، چادری برپا کند. خانواده رئیس اداره پست، اهل مطالعه و کتاب‌خوانی بودند. این کتاب‌خوانی آنها باعث علاقه حسن انوشه به کتاب‌خوانی شد. او در آغاز، برای مطالعه، کتاب‌های خانواده رئیس اداره پست را می‌خواند. او در هنگام گرفتن دیپلم، شاگرد اول استان مازندران شد.

حسن انوشه تحصیل خود در رشته زبان و ادبیات عربی را در سال ۱۳۴۴ در دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۴۸ فارغ‌التحصیل شد و پس از فارغ‌التحصیلی به سربازی رفت. او در دوران سربازی با بهاء‌الدین خرمشاهی آشنا شد و خرمشاهی او را به کامران فانی و سعید حمیدیان معرفی کرد. وی همچنین در این مدت، زبان انگلیسی را فرا گرفت.

### برگردان کتاب

حسن انوشه پس از پایان سربازی در سال ۱۳۵۰ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و تا هنگام انقلاب ۱۳۵۷ ایران در مدارس شاهی (قائم‌شهر کنونی) و بابل آموزش می‌داد. او همزمان کار برگردان را نیز آغاز کرد. نخستین برگردان او، تاریخ کوتاهی از دریانوردی در جهان بود. اما نوشته‌های خود را گم کرد و انتشار آن سرانجامی نیافت. پس از آن کتاب تاریخ غزنویان نوشته کلیفورد ادموند باسورث را به پیشنهاد کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی برگردان و مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر آن را در سال ۱۳۵۵ منتشر کرد. حسن انوشه در سال ۱۳۶۳ به همراه انتشارات امیرکبیر، برگردان یکی از جلد‌های تاریخ ایران کمبریج و همچنین کتاب ایران و تمدن ایرانی نوشته کلمان اوار را منتشر کرد. سپس برگردان ایران در سپیده دم تاریخ نوشته جرج کامرون را در سال ۱۳۶۵ با همراهی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر کرد. در اوایل دهه ۱۳۷۰ (خورشیدی) یکی دیگر از جلد‌های تاریخ ایران کمبریج و همچنین یک جلد از تاریخ آفریقا را در انتشارات علمی و فرهنگی منتشر کرد.

### فرهنگ‌نویسی

حسن انوشه از نخستین دست‌اندرکاران تهیه دایرةالمعارف تشیع در اوایل دهه ۱۳۶۰ (خورشیدی) بود. او بیش از دو هزار مدخل برای آن دانشنامه نوشت. وی همچنین با همراه با برخی دیگر از فرهنگ نویسندگان، کتاب فرهنگ زندگینامه‌ها را در اواخر دهه ۱۳۶۰ منتشر کرد. پس از آن به فرهنگ‌نویسی به صورت فردی پرداخت و در سال ۱۳۷۲ با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشنامه‌ای را ویژه زبان و ادب فارسی راه‌اندازی کرد.

حسن انوشه در دهه آخر عمر خود، به نگارش دو فرهنگ پرداخت. یکی درباره فارسی افغانستان به نام فارسی ناشنیده بود که در جوایز کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از آن ستایش شد. دیگری، دانشنامه مازندران بود که به خاطر آن بنیادی را در بابل تأسیس کرد.

### دیدگاه

حسن انوشه عقیده داشت که مقالات دانشنامه‌ای باید کوتاه و پر خبر باشند. مقالات دانشنامه‌ای باید دور از جانبداری بوده و از سیاست، پیروی نکنند. دانشنامه، جای ستایش یا نکوهش نیست و کار آن، تنها، اطلاع‌رسانی است. دانشنامه، تنها برای آشنایی اولیه با یک مطلب، خوب است و دانش عمیقی به خواننده آن نمی‌دهد. او درباره مشکلات فرهنگ‌نویسی در شرایط امروزی ایران می‌گفت: "عواملی چون شتاب در به پایان رساندن یک جلد و رسیدن به جلدی دیگر و رعایت وضع مالی دانشنامه که همیشه مساعد نیست و گهگاه پیش می‌آید که برای گرفتن بودجه تازه باید مجلدی از کتاب را به پایان برسانیم تا بتوانیم قرارداد تازه ببندیم، ناگزیرمان می‌کند پاره‌ای مقالات را که می‌تواند کوتاه‌تر هم باشد به دانشنامه راه دهیم و توافقی را که به آن می‌اندیشیم رعایت نکنیم."

از دیگر انتقادهای او به فرهنگ‌نویسی، روزآمد نشدن فرهنگ‌ها و دانشنامه‌ها در زبان فارسی بود و می‌گفت دولت‌ها باید کمک بیشتری به فرهنگ نویسان بکنند.

### ویراستاری

یکی از پرآوازه‌ترین کارهای ویراستاری حسن انوشه، ویراستاری جلد نهم تاریخ تمدن (عصر ولتر) ویل دورانت است.

### درگذشت

حسن انوشه در روز ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

### آثار

- تاریخ ایران کمبریج: از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان (از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان)، گروه مؤلفان و مترجمان، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر
- تاریخ ایران کمبریج: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان: بخش اول، گروه مؤلفان و مترجمان، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر
- تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، کلیفورد ادموند باسورث، حسن انوشه (برگردان)، جان اندرو بویل (گردآورنده)، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر
- تاریخ سیستان: از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان، کلیفورد ادموند باسورث، حسن انوشه (برگردان)، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر
- ایران و تمدن ایرانی، کلمان هوار، حسن انوشه (برگردان)، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر
- تاریخ غزنویان (جلد اول و دوم)، کلیفورد ادموند باسورث، حسن انوشه (برگردان)، ناشر: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر
- تاریخ تمدن: عصر ولتر، ویل دورانت، آریل دورانت، سهیل آذری (برگردان)، حسن انوشه (ویراستار)، ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی
- ایران در سپیده دم تاریخ، جرج کامرون، حسن انوشه (برگردان)، ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱
- گزیده نوروزنامه حکیم عمر خیام نیشابوری: همراه با شرح دشواری‌ها و گفتاری درباره نوروز، محمدشریف ملک‌زاده، جعفر جوان‌بخت اول، حسن انوشه (مقدمه)، ناشر: ایرانیکا

- دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آناتولی و بالکان، گروه مؤلفان، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در شبه‌قاره، گروه مؤلفان، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در افغانستان، گروه مؤلفان، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه، گروه مؤلفان، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در جهان عرب، گروه مؤلفان، ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری فرجام جام جم
- دانشنامه ناشنویان (دانا): جامعه‌شناسی - قوانین ناشنویان در آمریکا، گروه مؤلفان، ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری فرجام جام جم
- دانشنامه ناشنویان (دانا): کاتلین - یهود، گروه مؤلفان، ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری فرجام جام جم
- فارسی ناشنیده: فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات فارسی و فارسی‌شده کاربردی در افغانستان (۱۳۹۱)، حسن انوشه، غلامرضا خدابنده‌لو، ناشر: مؤسسه فرهنگی اکو، شرکت نشر قطره، تهران.
- افغانستان در غربت، زندگینامه و نمونه سروده‌های شاعران تبعیدی افغانستان، حسن انوشه، حفیظ شریعتی، ناشر: نسیم بخارا، ۱۳۸۳

### حسن رضائی باغ بیدی



زاده ۲۹ آذر ۱۳۴۵ تهران، ایران

پیشه استاد دانشگاه اوساکا، ژاپن

**حسن رضائی باغبیدی** (زاده ۲۹ آذر ۱۳۴۵ در تهران) زبان‌شناس ایرانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است. پیش از سال ۱۳۹۵، استاد زبان سنسکریت، زبان‌های ایرانی باستان (اوستایی، فارسی باستان) و زبان‌های ایرانی میانه (فارسی میانه، پارسی، سُغدی، ...) در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران بود، اما اکنون استاد دانشگاه اوساکای ژاپن (مدرسه عالی زبان و فرهنگ) است. او یگانه عضو ایرانی انجمن بین‌المللی مطالعات سنسکریت است.

#### جوایز

حسن رضائی باغبیدی دو بار (در بهمن ۱۳۸۴ و بهمن ۱۳۸۵) برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است. یک بار (در تیر ۱۳۸۹) جایزه کتاب فصل را از آن خود کرده و یک بار هم (در بهمن ۱۳۹۲) در مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شایسته تقدیر شناخته شده است. او همچنین در اولین دوره کتاب سال اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر ایران (در آبان ۱۳۹۴) نشان دهخدا را دریافت کرده است.

#### آثار

حسن رضائی باغبیدی مقالات پژوهشی فراوانی به زبان‌های مختلف منتشر کرده است. بیشتر آثار او در زمینه زبان‌های ایرانی باستان، زبان‌های ایرانی میانه، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، تاریخ زبان فارسی، زبان‌شناسی ایرانی، زبان و ادبیات سنسکریت، ریشه‌شناسی، فرهنگ ایران باستان، دین زرتشتی، دین مانوی، و سکه‌شناسی است. او همچنین مقالات متعددی برای بسیاری از دانشنامه‌ها و دائرةالمعارف‌های فارسی تألیف کرده است، همچون دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه ایران، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه زبان و ادب فارسی، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی، و دانشنامه فرهنگ مردم ایران. تا کنون بیش از ده کتاب در مجموعه «پژوهش‌های ایران باستان» با مدیریت و ویراستاری حسن رضائی باغبیدی از سوی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی منتشر شده است. حسن رضائی باغبیدی همچنین ویراستاری پنج جلد از مجموعه بیست‌جلدی تاریخ جامع ایران را بر عهده داشته و برخی از فصول این مجموعه را خود تألیف کرده است.

برخی از مهم‌ترین کتاب‌های حسن رضائی باغبیدی عبارت‌اند از:

- روایت آذرفرنبغ فرخزادان (رساله‌ای در فقه زرتشتی منسوب به سده سوم هجری)، تهران: انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴.
- راهنمای زبان پارسی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
- واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰-۱۳۹۵.
- سوتره علت و معلول کردار (متنی بودایی به زبان سُغدی)، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- سکه‌های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.



سکه‌های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، نوشته حسن رضائی باغبیدی

• مقدمات زبان سنسکریت، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۸.



مقدمات زبان سنسکریت، نوشته حسن رضائی باغبیدی

• تاریخ زبان‌های ایرانی، دانشگاه اوساکا (ژاپن): مرکز پژوهش زبان‌های دنیا، ۲۰۰۹.  
 • واج‌شناسی تاریخی فارسی میانه<sup>[ب]</sup>، دانشگاه اوساکا (ژاپن)، ۲۰۱۷.



واج‌شناسی تاریخی فارسی میانه، نوشته حسن رضائی باغبیدی

## حسین معصومی همدانی



زاده

۲ آذر ۱۳۲۷ همدان

پیشه

مترجم، استادیار دانشگاه

**حسین معصومی همدانی** (زاده ۲ آذر ۱۳۲۷، همدان) مدرس ادبیات فارسی، تاریخ ریاضیات، تاریخ علم و فلسفه علم در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و دانشگاه صنعتی شریف و نیز عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. وی همچنین مدتی مدیریت گروه زبان و رایانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی را بر عهده داشت. او فرزند ملاعلی معصومی همدانی است.

## سوابق دانشگاهی

معصومی همدانی درجه کارشناسی مهندسی برق را در سال ۱۳۵۱ از دانشگاه صنعتی آریامهر (بعدها دانشگاه صنعتی شریف) دریافت کرد و در سال ۱۳۸۵ در رشته تاریخ علم از دانشگاه پاریس ۷ فارغ التحصیل شد. رساله دکتری او درباره ابن هیثم است. استاد راهنمای او رشدی راشد بود.

معصومی همدانی مدتی در مرکز نشر دانشگاهی کار کرده است ولی پس از چند سال با آن سازمان «قطع رابطه» کرد. احمد سمیعی، سردبیر فصلنامه نشر دانش (وابسته به مرکز نشر دانشگاهی)، معصومی همدانی را «دارای نبوغ در عرصه‌های متعدد و متنوع علمی و ادبی و فرهنگی» دانسته است.

وی یکی از ۱۲۵ نفر از استادان دانشگاه صنعتی شریف بود که طی بیانیه‌ای در روز ۵ خرداد ۱۳۸۸، خواستار تبلور عقلانیت در مدیریت کشور و مشارکت فعال در انتخابات شدند. در این بیانیه از خارج کردن تدریجی متخصصان باتجربه از دایره تصمیم‌گیری، تکیه بر شعارهای عوام‌پسند نظیر مبارزه با مافیا و مظلوم‌نمایی با وجود در اختیار داشتن تمام ابزار قدرت، تحقیر مردم و سعی در تطمیع آنان به نام عدالت‌طلبی از خزانه ملی، شکستن حرمت بزرگان و اندیشمندان و همچنین سوءاستفاده از احساسات پاک دینی و عدالت‌طلبانه مردم در جهت فعال کردن شکاف‌های فرهنگی و طبقاتی، با ایجاد تضاد و تفرقه در سطح ملی و... انتقاد شده بود.

## آثار معصومی

- ترجمه کتاب جزء و کل نوشته ورنر کارل هایزنبرگ (برگزیده هشتمین دوره کتاب سال ایران)
- مردمشناسی هنر (ترجمه)
- ترجمه کتاب فلسفه علوم طبیعی نوشته کارل همپل
- زندگی‌نامه علمی دانشمندان اسلامی (ویراستار و سرپرست)
- ترجمه کتاب شان علم نوشته کارل فریدریش فون وایتزکر
- خاکستر ناتمام
- ایرانی‌ها چه رؤیائی در سر دارند؟ (ترجمه)
- ترمودینامیک تعادل (ترجمه)
- نسبیت: خاص، عام، کیهان‌شناختی (ترجمه)
- مقالاتی در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی
- مقالاتی در دانشنامه جهان اسلام
- مقالاتی در نشر دانش
- مقالاتی در معارف
- مقالاتی در تحقیقات اسلامی
- مقالاتی در کیهان فرهنگی
- تاریخ علم در چهار قرن اخیر در ایران (در مجموعه Aspects of Islamic Civilization از انتشارات یونسکو)
- ترجمه کتاب نظریه کوانتومی نوشته جان پاکینگ هرن

## سعد الدین نزاری قهستانی



نام اصلی: ملک الحکما حکیم سعد الدین ابن شمس  
الدین ابن میر محمد نزاری فوداجی  
بیرجندی قهستانی

زاده: ۶۴۵ هجری قمری فوداج بیرجند

محل زندگی	بیرجند
درگذشته	۷۲۱ هجری قمری بیرجند
آرامگاه	بیرجند در خیابان حکیم نزاری
نام(های) دیگر	نزاری قهستانی و نزاری بیرجندی
لقب	حکیم
تخلص	نزاری
پیشه	شاعر
زمینه کاری	شعر فارسی
در زمان حکومت	کرتیان و ایلخانان
رویدادهای مهم	درگیری هلاکوخان با پیروان اسماعیلیه در پی حمله مغول به ایران
کتابها	دیوان اشعار، سفرنامه، ادب نامه، مناظره شب و روز، مثنوی ازهر و مزهر مثنوی دستور نامه
دلیل سرشناسی	سراینده توانای شعر فارسی
اثرگذاشته بر	جامی، حافظ
تأثیرپذیرفته از	ابوالقاسم فردوسی، عمر خیام، نظامی گنجوی، سنایی، فرید الدین عطار، سعدی
فرزندان	۳ پسر: تاج الدین/ محمد/ نصرت
پدر و مادر	شمس الدین بن میر محمد

**گفتاورد** آنچه او بیحجاب می‌گوید، اعتقادش به اهل بیت نیست

**حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین نزاری بیرجندی قهستانی** (۶۴۵-۷۲۱ یا ۷۲۰ قمری) معروف به **حکیم نزاری** از سراینندگان بزرگ نیمه دوم سده هفتم و آغاز قرن هشتم، در روستای فوداج از توابع بیرجند متولد شد. وی را نخستین نویسنده دوره بعد از الموت دانسته‌اند که پس از یک دهه بعد متولد شد و زبان شعر و تعبیرات و اصطلاحات صوفیان را برای پنهان کردن عقاید اسلامی برگزید. وی پس از پایان تحصیلات مقدماتی خود در بیرجند و قاین، به مطالعه ادبیات، فلسفه و علوم متداول زمان خود در قهستان پرداخت. او از همان جوانی به کار دولتی مشغول گشت و پس از آن در سال ۶۷۸ قمری به نقاط مختلفی سفر کرد و تجربیات خود را در کتابی به نام سفرنامه جمع‌آوری کرد. بعد دو سال بعد به قهستان بازگشت و به خدمت به امرای کرتیان درآمد. اما معاندان وی، ملوک کرت را برانگیختند تا جایی که معزول و اموالش مصادره گشت. نزاری سالهای پایان عمر خود را به انزوا گذراند و به شغل کشاورزی پرداخت.

اشعار نزاری، سرشار از اصطلاحات دینی، علمی و فلسفی، عرفانی و صوفیانه می‌باشد که آن‌ها را در جایگاه‌های مناسب و در معانی درست خود به کار برده است. بسیاری از شعرا و نویسندگان از آن جمله جامی، شاعر و عارف نامدار سده نهم برخی از اشعار حافظ را متأثر از اشعار حکیم نزاری می‌دانند و به عبارت دیگر معتقدند که حافظ از شیوه نزاری پیروی کرده است. از اسماعیلیان این دوران تنها آثار نزاری به دست رسیده است.

## زندگی

### کودکی

حکیم نزاری قهستانی در یکی از سال‌های آشوب و فتنه، همزمان حمله نهایی مغولان که برای اتمام فتح ایران و ویران‌آختن اسماعیلیه، در کانون نا آرامی‌ها، در روستای فوداج از روستاهای دامنه کوه‌های باقران بیرجند، در خانواده‌ای مذهبی (اسماعیلی) در سال ۶۴۵ ق به دنیا آمد.

با اینکه هیچ‌یک از تذکره‌ها به تاریخ ولادت نزاری اشاره نکرده‌اند از اشاره وی به ۶۵ سالگی خویش در مثنوی دستورنامه که در سال ۷۱۰ سروده شده، باید تولد او را سال ۶۴۵ قمری به‌شمار آورد.

کودکی سعد الدین در زمان نابسامانی و حملات هلاکوخان به بهانه از بین بردن اسماعیلیان گذشت. به نوشته جان ریپکا، ایران‌شناس دانشگاه پراگ، خانواده نزاری ثروتمند بوده که بعداً تهی شده‌اند. نزاری در اشعار خود به کودکی اش اشاره می‌کند:

خرم و خوش باغچه‌ای داشتم	نیست چنان باغچه پنداشتم
بر چمنش سرو و گل و ارغوان	تکیه گهم بر لب آب روان
مرتفع از توت و رز و میوه دار	از به و شفتالو و سیب و انار

### تحصیلات

وی تحت تربیت خانواده خود بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی خود را نزد پدرش شمس‌الدین بن میر محمد که به دهقانی مشغول بود، فرا گرفت. شمس‌الدین که خود نیز فرد با سواد بود، فرزندش را در بیرجند و قاین و سپس برای تحصیلات عالی در مدارس اسلامی فرستاد و نزاری دانش خود را در ادبیات و فلسفه عربی و فارسی گسترش داد. اما از سوی دیگر روش‌های تعلیم در مدارس بر خلاف عقاید شیعه اسماعیلی بود و با توجه به برخی از سروده‌های او می‌توان فهمید نزاری جوان تمایل اندکی به تعلیم آن نشان می‌داده است:

روزگاری به باد دادم      با گروهی ز فرط نادانی  
 که در ایشان نیافتم هرگز      ذره‌ای مردمی و انسانی  
 دشمن آل مصطفی جمله      وانگهی دعوت مسلمانی  
 می‌کنم پشت دست و می‌گیرم      وای ویلی زهی پشیمانی

نزاری با اشعار ابوالقاسم فردوسی (مرگ ۴۱۱ ه. ق)، عمر خیام (مرگ حدود ۵۱۷ ه. ق) و نظامی گنجوی (مرگ حدود ۶۰۰ ه. ق) و همچنین صوفیان شاعری همچون سنایی (مرگ حدود ۵۲۵ ه. ق)، فرید الدین عطار (مرگ ۶۲۷ ه. ق) آشنایی کامل داشته‌است.

### فرزندان

حکیم نزاری سه فرزند پسر داشت که بزرگترین پسرش تاج الدین محمد در جوانی در سال ۷۰۶ درگذشت و باعث شد نزاری برای او اشعاری به سبک سوگواری بسراید. او دو پسر دیگر به نام شاهنشاه و نصرت داشته که در پاره‌ای زمان به دست الجایتو زندانی می‌شوند و نزاری در نامه‌های خود به سلطان الجایتو خواستار آزادی آن‌ها از بند می‌شود.

### تخلص

تخلص سعد الدین قهستانی به نزاری بود و دلیل انتخاب این تخلص مورد تردید بوده‌است و دو احتمال قوی وجود دارد. نزاری به معنی لاغر و نحیف است و بعید هم نیست، این نام را برایش انتخاب کرده‌اند یا اینکه سعد الدین قهستانی تخلصش را به خاطر نزار المصطفی لدین الله پسر المستنصر بالله الفاطمی انتخاب کرده‌است.

### کار دولتی

نزاری در سال ۶۶۹ در جوانی خویش به دستگاه شمس الدین کرت در هرات به خدمت دیوانی مشغول شد. فقر خانواده وی پس از حمله مغولان سبب گرایش او به این کار شد. گرچه حگام هرات سنی مذهب بودند اما با حضور شیعه مذهبیان در دربار خود مشکلی نداشتند. وجود برخی جباران در هرات باعث شده بود تا این شاعر ظلم ستیز در مقابله با آن شعر بسراید. او بعد به خدمت شمس الدین علیشاه درآمد و در کنار این حاکم به کار دیوانی و شاعری مشغول شد تا این که از خدمت او معاف گشت و دور از کار دولتی به سرودن اشعارش ادامه داد.

### سفرها

حکیم نزاری سفرش را از قهستان به ماوراء قفقاز از سال ۶۷۸ ه. ق تا ۶۷۹ ه. ق به پایان می‌رساند؛ و در منظومه‌ای به نام سفرنامه گزارش سفرش از قهستان به ناحیه ماوراء قفقاز است که بیش از یکسال و نیم زمان برده‌است. شاعر در اول شوال سال ۶۷۸ ه. ق همراه با خواجه تاج‌الدین عمید (مأمور حکومتی مغول) به قصد رفتن به اردوی مقر ایلخان و سپاهیان در بیلاق آلتاق از شهر تون (فردوس کنونی) حرکت کرد و به اصفهان می‌رسند و در نیمه ذوالقعدة عازم نطنز می‌شوند و پس از آن به تبریز می‌رسند. در پنجم ماه صفر، تبریز را همراه با وزیر اعظم با تدبیر «آباقآن» مغول یعنی شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان (مقتول به سال ۶۸۳ هجری) ترک کرده و با گذشتن از کنار دریاچه «تله» یا «تلا» (ارومیه) راه خوی را در پیش می‌گیرند.

آن‌ها سپس از خوی به سوی آلتاق (محل تجمع اردوی آباقآن پسر هلاکوخان مغول) می‌روند و در ادامه سفر به ارمنستان می‌رسند. سپس از ارمنستان هم به سمت گرجستان می‌روند. در مسیر سفر از «کیتوکرخ» گذشته و به «گوکچه تنگیز» رفته و از آن محل هم به سوی «ارآن» ادامه مسیر می‌دهند. در هشتم جمادی‌الثانی به «برمک» و سپس «باکو» و «دربند» می‌رسند. اما در مسیر بازگشت ابتدا به

«سرا» سپس به «اردبیل» و «بیله سوار» (پیل سوار)، بعد از آن به زنگان (زنجان) و سپس از «شیرویازی» و «ابهر» می‌گذرند و در ربیع‌الثانی سال ۶۷۹ هجری به قهستان می‌رسند.

### نزاری و سعدی

نزاری هم عصر سعدی بوده‌است. در کتاب تاریخ آل یاسر مشهور به حسامی واعظ، ضمن بیان هم عصری حکیم نزاری با سعدی آمده‌است که این دو با هم در شیراز و بیرجند صحبت داشته‌اند و شیخ یکی دو نوبت به عشق صحبت با او از شیراز به بیرجند آمده و ذکر او را در منظومات خود آورده‌است. تذکره نویسان نیز در منابع مختلف از دیدار حکیم بیرجند با سعدی شیرازی سخن گفته‌اند. الطاف حسین حالی نویسنده کتاب حیات سعدی به نقل از سرگور اوسلی از کتاب مجالس العشاق می‌نویسد: حکیم نزاری قهستانی در حمام با شیخ روبرو شد شیخ از وی پرسید در خراسان کسی سعدی را نمی‌شناسد؟ نزاری جواب داد کلام سعدی در خراسان در افواه عموم جاری است، خواهش کرد چند شعر از سعدی بخواند و شیخ دانست نزاری صاحب کمالات است و ذوق شعر دارد بالاخره یکدیگر را شناختند و سعدی نزاری را به خانه خویش دعوت کرد و تا چند روز از وی پذیرایی شایانی نمود هنگام حرکت نزاری به نوکرش گفت اگر سعدی گاهی به خراسان آمد مهمان نوازی خود را به او نشان خواهم داد. به گوش شیخ رسید و متأسف شد که شاید خوب پذیرایی نکرده‌است. اتفاقاً سالی گذرش به قهستان افتاد و با حکیم نزاری ملاقات دست داد. حکیم پذیرایی ساده نمود و اغذیه ساده بر سفره می‌چید و هنگام تودیع گفت پذیرایی پرتکلف موجب شرمندگی مهمان می‌شود رسم ما این است که ملاحظه کردی. در باب طرز سخن نزاری و سعدی باید گفت که نزاری چه در غزل‌ها و چه در مثنوی‌ها و چه در قصیده‌ها زیر نفوذ شدید سعدی است و هنر شعری او همه جا روح شعر نزاری را زیر پر و بال خود دارد و غزل‌های نزاری واسطه تتبع حافظ از سعدی است. .

### نزاری و حافظ

درباره تأثیر نزاری بر حافظ جامی در بهارستان نوشته‌است: «قدوه الشعرا خواجه حافظ شیرازی رحمه الله، اکثر اشعار وی لطیف و مطبوع است و بعضی قریب به اعجاز، غزلیات وی نسبت به غزلیات دیگران در سلامت و روانی حکم قصائد ظهیر را دارد نسبت به قصاید دیگران و سلیق شعری او نزدیک است به نزاری قهستانی. اما در شعر نزاری غث و سمین بسیار است به خلاف شعر وی» اما ذبیح‌الله صفا درباره این سخن جامی می‌نویسد: «جامی در بهارستان مدعی است که حافظ از شیوه نزاری تتبع کرده‌است و این به نظر بعید می‌آید و جز چند استقبال از چند غزل نزاری اثر دیگری از او در اساس و بنیاد سبک حافظ ملاحظه نمی‌کنیم و در عوض نزاری خود اشعاری را از خاقانی و سعدی چندین بار استقبال کرده و جواب گفته‌است.»

### درگذشت



تصویر آرامگاه حکیم نزاری آبان ۱۳۹۶

برای سال درگذشت نزاری سه قول مطرح شده است. اول قول محمد خوافی (۷۷۷-۸۴۹) است که آن را در سال ۷۲۱ می‌داند. دوم قول هدایت در کتاب مجمع الفصحا است که آن را در ۶۹۵ می‌داند که این نظر توسط هیچ صاحب نظری قابل قبول نیست. سومین قول تاریخ نویسانی همانند براون است که سال درگذشت را ۷۲۰ می‌داند. استاد ادبیات ذبیح‌الله صفا نظر محمد خوافی را بر همه ترجیح می‌دهد. آرامگاه او هم‌اکنون در شهر بیرجند در خیابان حکیم نزاری است. بنای آرامگاه در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۹۶ به شماره ۳۰۱۶۳ ثبت ملی شد. طرح بنای آرامگاه حکیم نزاری گرفته شده از معماری ایرانی-اسلامی است.

## آثار

حکیم نزاری آثار متعددی در شعر فارسی دارد که در قالب‌های غزل و مثنوی و رباعی ترجیع بند سروده شده است

- دیوان حکیم نزاری قهستانی که به همت مظاهر مصفا در دو جلد به طبع رسیده، شامل احوال نزاری با توجه به اشعارش و غزلیات نزاری است. این فهرستی از آثار به ترتیب زمان سرودن آن‌ها توسط نزاری است:
- **سفرنامه:** به بحر مسدس محذوف، دربرگیرنده ۱۲۰۰ بیت در شرح سفر دو ساله نزاری است که آغاز آن شوال ۶۷۸ بوده است. این کتاب به تصحیح چنگیز غلام علی بایبوردی در سال ۱۳۹۱ در انتشارات هیرمند ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است.
- **ادب نامه:** ادب نامه بر وزن بحر متقارب مثنی محذوف به دوازده باب تقسیم شده که در اوایل سال ۶۹۵ هجری قمری برای شمس الدین علیشاه سروده شده. محتوای منظومه ادب نامه در بیان چگونگی رفتار وزیران و منشیان و دیگر درباریان در برابر شاه است.
- **مثنوی روز و شب:** مثنوی روز شب در بحر خفیف سروده شده در ۵۴ سالگی شاعر یعنی ۶۹۹ قمری است. این مثنوی دربرگیرنده ۵۵۰ بیت است که به تصحیح و با مقدمه نصرالله پور جوادی در سال ۱۳۸۱ توسط نشر نی چاپ شد.
- **ازهر و مزهر:** اشعار این اثر بر وزن بحر هزج مسدس مقصور است که دربرگیرنده حدود ده هزار بیت است و از این رو بزرگترین اثر منظوم او به‌شمار می‌رود. نزاری این کتاب را در سال ۷۰۰ قمری در قالب حماسی و دفاع از ایمان اسماعیلیه سروده است. یک محقق روسی به نام بایبوردی، اثر را به عنوان آرمان‌های نزاری تعبیر کرده است.
- **دستور نامه:** اثر دیگر نزاری که این منظومه را در سال ۷۱۰ هجری قمری در ۵۷۶ بیت سروده است.

دستورنامه مثنوی ای بر وزن حدیقه سنایی (فعولن فعولن فعلن فعل یا همان بحر متقارب مثنی محذوف) است. این اثر در مجموع پندنامه‌ای در چگونگی آداب معاشرت از زبان نزاری برای فرزندان است. دستورنامه با حمد و ستایش خداوند و رسولش آغاز می‌گردد:

قل الحمد لله نزاری قُئل	خداوند جزء و خداوند کُل
خداوند امر و خداوند خلق	ازو و بدو قطع و پیوند خلق
برآرنده‌ی خیمه‌ی بی‌طناب	فروزنده‌ی مشعل آفتاب
به دو حرف، نه طاق بر هم زده	به کاف و به نون، هفت طارم زده
ز عقل ابتدا کرده ابداع را	و زو نفس وز نفس اطباع را
هیولی و ارکان و انواع و جنس	نباتی و حیوانی و جن و انس
بسبط زمین و بساط زمان	نهایت و غایات کون و مکان

شد از امر او آفرینش پدید / چو از خلق نوبت به انسان رسید

- نامه‌های منظوم و رباعیات حکیم نزاری قهستانی نامه‌های منظوم اول و دوم برای شرف الدین حسن، نامه سوم برای محمدبن نجیب حاکم گناباد و نامه‌های چهارم خطاب به علیشاه و در بیان دلنتگی از غیاب اوست. تعداد رباعیات نسخه کلیات سن پترزبورگ 264 رباعی است، 22 رباعی در اثر رطوبت و نم فروشسته شده و خوانا نیستند.

#### اهل بیت در آثار نزاری

علاقه و ارادت همراه با احترام به اهل بیت پیامبر در همه آثار نزاری مشهود است به ویژه او در غزلیاتش بارها به محبت و ولایت علی ابن ابی طالب اعتراف کرده است.

#### نمونه اشعار

آتش سودای تو جانم بسوخت	یک شررش هر دو جهانم بسوخت
سوخته را خوش بتوان سوختن	سوخته‌ای بودم از آنم بسوخت
طاقت خورشید وصالم نبود	حیرت از آن وسع و توانم بسوخت
از من و ما گر اثری بود، رفت	عشق به کل نام و نشانم بسوخت
قصد سخن کردم تا سوز دل	شرح دهم، کام و زبانم بسوخت
خواستم از درد که احوال جان	وصف کنم، شرح و بیانم بسوخت
نامه اندوه نهادم اساس	سوز سخن کلک و بنانم بسوخت
بس که چراغ نظر افروختم	مردمک چشم عیانم بسوخت
دود سخن روزن حلقم بیست	تفّ جگر شمع روانم بسوخت
قصه دراز است نزاری خموش	گو همه پیدا و نهانم بسوخت

#### مذهب نزاری

در مورد مذهب نزاری اختلاف نظر است ولی چیزی که به نظر می‌رسد این است که او پیرو دین اسماعیلی بوده ولی در اواخر عمرش به شیعه دوازده امامی گرایش پیدا کرده است. اسماعیلیه شاخه‌ای از جریان سیاسی - کلامی شیعه هستند که پس از درگذشت جعفر صادق فرزند دیگر او به نام اسماعیل را به جای موسی کاظم به امامت قبول کردند. در خصوص مذهب نزاری، افراد مختلفی ابراز وجود کرده‌اند که برخی نظرات آن‌ها در پایین ذکر شده است:

- یوگنی برتلس (۱۸۹۰ تا ۱۹۵۷ میلادی) با این حساب که باید در اشعارش بیشتر کاوش کرد او را اسماعیلی می‌داند.
- میخائیل سرگیویچ ایوانف مذهب او را بدون شک اسماعیلی می‌داند.
- بارادین معتقد است که حکیم نزاری شیعه بوده و حق امامت را مخصوص اهل بیت محمد می‌دانسته است.
- دولت‌شاه سمرقندی (۸۴۲-۹۰۰ قمری) در «تذکره الشعرا» آورده «... و نزاری را بعضی موحد و عارف می‌دانند و بعضی از زمره اسماعیلیه می‌گویند هر چند سخنان او بر شیوه می‌پرستی و آداب معاشرت و مستی واقع شده اما معارف و حقایق دارد و از حقیقت سخنان او معلوم می‌شود

- که مرد حکیم و صاحب تحقیق بوده و بدو اعتقاد بد بهتان است هر چند گستاخی‌هایی که در شرع ممنوع است از او صادر می‌شود»
- احمد جلال الدین محمد، نزاری را اسماعیلی دانسته‌است.
  - ادوارد برون در کتاب تاریخ ادبیات او را پیرو اسماعیلیان می‌داند.
  - هدایت در کتاب جامع الفصحا می‌نویسد که حکیم به نزار اسماعیلی ارادت داشت.
  - دکتر نصرالله پور جوادی، در مقدمه مصحح بر مثنوی «مناظره روز و شب» اثبات کرد که نزاری اگر چه در ابتدا پیرو اسماعیلیه بوده ولی در سنین سالمندی به تشیع دوازده امامی و طریقت تصوف روی می‌آورد.
  - محمد حسین آیتی در کتاب بهارستان به پیروی از حسامی واعظ نزاری را امامی می‌داند و نزدیکی به فاطمیان به خاطر تخلصش را نیز رد می‌کند.
  - حسامی قهستانی یکی از نخستین کسانی است که به دوازده امامی بودن او البته نه به صراحت اشاره کرده‌است و ابیات زیر را به عنان شاهد مثال خود آورده‌است:  
 محبت تو چنان محکم است در دل من      که اعتقاد نزاری به خاندان علی  
 به اعتقاد من از بعد احمد مرسل      علی ز جمله مخلوق کردگار به است
  - شیخ مرتضی آیتی در کتاب نسیم بهاری در احوال نزاری نیز معتقد است حکیم بر مذهب حق و شیعه امامی مذهب بوده‌است او ابیاتی مانند:  
 محبت تو چنان محکم است در دل من      که اعتقاد نزاری به خاندان علی
- را دلیل مدعای خود می‌داند و دلیل دوم او نیز این است که مصنفات او خالی از مدح خلفای اسماعیلی است.

#### همایش و رسانه

در سی و یکم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳ همایشی با عنوان «همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی» در دانشگاه بیرجند برگزار شد. ۲۰۰ مقاله به دبیرخانه همایش رسید و از این تعداد ۱۵۰ مقاله پذیرفته شد که ۳۶ مقاله برتر به صورت سخنرانی در همایش ارائه شد. در این همایش امام جمعه وقت، علی رضایی بیرجندی نیز حضور داشت. همچنین براساس بخشی از زندگینامه این حکیم، در سال ۱۳۹۳ فیلم مستندی با نام روایت حکیم گمنام به کارگردانی محمدتقی محمدقلیبا تولید گردید. این فیلم برشی از زندگی پر فراز و نشیب حکیم سعدالدین نزاری بیرجندی از شاعران و سخنوران قرن هفتم و هشتم هجری را روایت می‌کند.

همچنین رادیو خراسان جنوبی در برنامه عندلیبان به بررسی احوال و اشعار حکیم نزاری پرداخت.

#### آرامگاه حکیم نزاری

آرامگاه سعد الدین نزاری قهستانی، ملقب به حکیم نزاری، سراینده و شاعر سده هفتم هجری، یکی از نقاط دیدنی و تاریخی شهر بیرجند است که در بافت قدیمی شهر واقع شده‌است. طرح این بنا گرفته شده از معماری ایرانی-اسلامی است. این بنا در تاریخ ۲۴/۳/۱۳۹۶ به شماره ۳۰۱۶۳ به فهرست آثار ملی ایران افزوده شد.

این آرامگاه هم‌اکنون در خیابان حکیم نزاری که به افتخار خود او نام گذاری شده‌است، قرار دارد.

## حنظله بادغیسی



زاده	بادغیس
محل زندگی	بادغیس
درگذشته	۲۱۹ هجری قمری بادغیس
زمینه کاری	شاعر
در زمان حکومت	طاهریان

**حنظله بادغیسی**، شاعر فارسی زبان قرن سوم هجری قمری و از نخستین شاعران و گویندگان زبان پارسی است که در عهد طاهریان می زیسته است. نظامی عروضی از قول احمد بن عبدالله خجستانی «دیوان» شعری به وی نسبت می دهد. از اشعار وی تنها پنج بیت شامل یک قطعه دو بیتی و یک مفرد به دست آمده است. در مجمع الفصحا آمده است که وفات حنظله در سال ۲۱۹ هجری قمری بوده است.

شعری از حنظله بادغیسی به روایت از کتاب چهار مقاله اثر نظامی عروضی سمرقندی:

احمد بن عبدالله خجستانی را پرسیدند تو مردی خربنده بودی، به امارت خراسان چون رسیدی؟ گفت:  
روزی دیوان حنظله بادغیسی همی خواندم بدین دو بیت رسیدم:

مهتری گر به کام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ رویاروی

داعیه‌ای در باطن من پدید آمد که به هیچ وجه در آن حالت که اندر بودم راضی نتوانستم بود. خران را  
بفروختم و از وطن خویش رحلت کردم...

عوفی نیز شعر زیر را به وی منسوب کرده است:

یارم سپند، گرچه بر آتش همی فکند      از بهر چشم، تا نرسد مر و را گزند  
او را سپند و آتش، ناید همی به کار      با روی همچو آتش و با خال چون سپند

### خسرو فرشید ورد



زاده	آبان ۱۳۰۸ ملایر
درگذشت	۹ دی ۱۳۸۸ تهران
مدفن	در قطعه ۲۵۶، ردیف ۹۴، شماره ۳۷ گورستان بهشت زهراي تهران
دیگر نام‌ها	میرخسرو فرشیدورد (ثقة الاسلامی)
سال‌های فعالیت	اواخر دهه ۱۳۳۰ - ۱۳۸۸
کارهای برجسته	استاد زبان و ادبیات فارسی
دوره	معاصر

**خسرو فرشیدورد** (زاده آبان ۱۳۰۸ در ملایر - درگذشته ۹ دی ۱۳۸۸ در تهران) استاد زبان و ادبیات فارسی و دارای دیدگاه‌های ویژه در عرصه دستور زبان بود.

### زندگی

میرخسرو فرشیدورد، با نام خانوادگی قبلی ثقة الاسلامی، در سال ۱۳۰۸ در ملایر متولد شد. پدرش خان یکی از توابع ملایر بود. تحصیلات خود را تا پایان دوره دبیرستان در زادگاهش انجام داد، و برای تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی به دانشگاه تهران رفت.

در سال ۱۳۴۲ با ارائه پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «قید در زبان فارسی و مقایسه آن با قیود عربی و فرانسه و انگلیسی» (با استاد راهنمایی محمد معین) درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی گرفت. از سال ۱۳۴۳ به تدریس در دانشگاه اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس در رشته دستور زبان فارسی و نقد شعر و متون فارسی پرداخت و تا هنگام بازنشستگی استاد دانشگاه تهران بود.

فرشیدورد در طول زندگی زناشویی هرگز صاحب فرزندی نشد و بعد از جدا شدن از همسر خود، دیگر ازدواج نکرد. او بی‌پروا بود و گاهی به کارهایی که در نظام جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شد معترض بود و به همین دلیل از تدریس در مقطع کارشناسی منع شد. پس از بازنشستگی از دانشگاه تهران، مدتی را با بستگانش زندگی کرد و پس از آن به سرای سالمندان نیکان منتقل شد.

دکتر خسرو فرشیدورد روز چهارشنبه ۹ دی ۱۳۸۸ در «سرای سالمندان نیکان» تهران در سکوت خبری درگذشت و در بهشت زهراي تهران در قطعه ۲۵۶، ردیف ۹۴، شماره ۳۷ به خاک سپرده شد.

به زبان‌های عربی و فرانسوی تسلط داشت و با زبان‌های انگلیسی، پهلوی، اوستایی و فارسی باستان آشنایی کافی داشت. تخصص اصلی خسرو فرشیدورد، دستور زبان و نگارش فارسی بود و در نقد ادبی و سبک‌شناسی نیز صاحب‌نظر بود. همچنین سال‌ها عضو گروه پژوهشی لغت‌نامه دهخدا بود. او شعر نیز می‌سرود. قالب اغلب شعرهای وی غزل (با مضامین عاشقانه و اجتماعی) بود.

#### تألیفات

فرشیدورد علاوه بر بیش از ۲۰۰ مقاله، ۱۶ عنوان کتاب در زمان حیات خود چاپ و منتشر کرد و همچنین دو مجموعه شعر با عنوانهای حماسه انقلاب و صلاي عشق (با مقدمه‌ای در معرفی شعر فارسی امروز) برجای مانده‌است. کتاب‌های او:

- قید و تحول آن در زبان فارسی (رساله دکتری، چاپ نشده) ۱۳۴۲.
- عربی در فارسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- دستور امروز، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه
- تحول فعل در زبان فارسی، چاپ وحید
- نقد شعر فارسی، چاپ وحید
- تحول فعل شبه معین در زبان فارسی، چاپ وحید
- در گلستان خیال حافظ، چاپ بنیاد نیکوکاری نوریانی
- درباره ادبیات و نقد ادبی، دو جلدی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- جمله و تحول آن در زبان فارسی
- گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- نقش آفرینی‌های حافظ، تحلیل زیبایی‌شناسی و زبان شناختی اشعار حافظ
- لغت‌سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی
- پیرامون ترجمه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ترکیب و اشتقاق در زبان فارسی (ترکیب و تحول آن در زبان فارسی، دستوری برای واژه‌سازی)
- تاریخ مختصر زبان فارسی از آغاز تاکنون، انتشارات زوار
- دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید
- دستور مختصر تاریخی زبان فارسی
- مسأله درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی
- فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی (پژوهشی در دستور تاریخی زبان فارسی)

## نمونه شعر

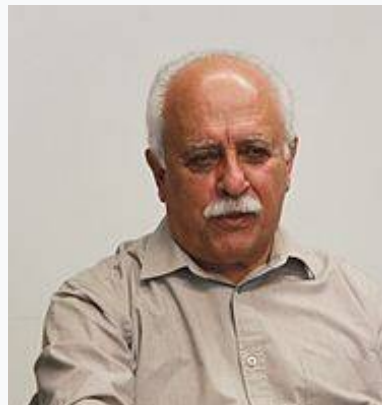
این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست  
 آن دختر چشم‌آبی گیسوی طلایی  
 آن کشور نو، آن وطن دانش و صنعت  
 در مشهد و یزد و قم و سمنان و لرستان  
 در دامن بحر خزر و ساحل گیلان  
 در پیکر گل‌های دلاویز شمیران  
 آواره‌ام و خسته و سرگشته و حیران  
 آوارگی و خانه‌به‌دوشی چه بلایی‌ست  
 من بهر که خوانم غزل سعدی و حافظ  
 هر کس که زند طعنه به ایرانی و ایران  
 پاریس قشنگ است ولی نیست چو تهران  
 هر چند که سرسبز بود دامنۀ آلپ  
 این کوه بلند است ولی نیست دماوند  
 این شهر عظیم است ولی شهر غریب است

این خاک چه زیباست ولی خاک وطن نیست  
 طناز و سیه‌چشم چو معشوقه من نیست  
 هرگز به دل‌انگیزی ایران کهن نیست  
 لطفی‌ست که در کلگری و نیس و یکن نیست  
 موجی‌ست که در ساحل دریای عدن نیست  
 عطری‌ست که در نافه آهوی ختن نیست  
 هر جا که روم هیچ‌کجا خانه من نیست  
 دردی‌ست که همتاش در این دیر کهن نیست  
 در شهر غریبی که در او فهم سخن نیست؟  
 بی‌شبهه که مغزش به سر و روح به تن نیست  
 لندن به دلاویزی شیراز کهن نیست  
 چون دامن البرز پُر از چین‌وشکن نیست  
 این رود چه زیباست ولی رود تجن نیست  
 این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست

## از نگاه دیگران

محمدرضا ترکی از شاگردان فرشیدورد، معتقد است پس از دکتر محمد معین، زبردستی و وسعت اطلاعات و تحقیقات دکتر فرشیدورد در حوزه زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی سرآمد دیگران بوده‌است. عزیزالله جوینی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در مراسم بزرگداشت او شاعر بودن فرشیدورد را یکی از ابعاد پنهان‌مانده شخصیتش برشمرد و بیان کرد «فرشیدورد در شعر انقلاب مضمون‌آفرینی بسیار محکمی داشته‌است که شاید در این عرصه کمتر همتایی برای او پیدا شود.» همچنین در سال ۱۳۷۷ کمال حاج سید جوادی کتابی با عنوان «یادگارنامه استاد دکتر خسرو فرشیدورد» توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر کرد که در آن به مباحثی چون کتاب‌شناسی کتاب‌ها و مقالات دکتر خسرو فرشیدورد، و نگاهی به آثار و نظریات ادبی و زبان‌شناسی او پرداخته شده‌است.

## داریوش آشوری



زاده	۱۱ مرداد ۱۳۱۷ تهران
محل زندگی	فرانسه
محل تحصیل	دانشگاه تهران لیسانس اقتصاد
پیشه	نویسنده مترجم زبان‌شناس پژوهش‌گر
کارهای برجسته	<ul style="list-style-type: none"> <li>از بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران و عضو نخستین هیئت دبیران کانون</li> <li>عضو هیئت ویراستاران دانشنامه ایرانیکا (دانشگاه کلمبیا)</li> </ul>
وبگاه	<a href="http://ashouri.malakut.ws/">http://ashouri.malakut.ws/</a>

داریوش آشوری (زاده ۱۱ مرداد ۱۳۱۷ در تهران) نویسنده، اندیشمند، زبان‌شناس و مترجم ایرانی است. عمده آثار او در زمینه علوم سیاسی، علوم اجتماعی، سخن‌سنجی، فلسفه، و زبان‌شناسی است. داریوش آشوری سالهاست که با خانواده خود در فرانسه زندگی می‌کند.

#### زندگی سیاسی و فرهنگی

آشوری دانش‌آموخته دبیرستان‌های البرز و دارالفنون است و هم‌درس نوجوانی بهرام بیضایی و عبدالمجید ارفعی. در دوران نوجوانی با مطالعه نشریات حزب توده به آن مکتب گرایش پیدا کرد، و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدتی عضو سازمان جوانان حزب توده بود. پس از چندی در سال ۱۳۳۶ به حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) پیوست. آشوری در سال ۱۳۳۷ از دارالفنون دانش‌آموخته و وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران شد و لیسانس اقتصاد خود را در سال ۱۳۴۲ گرفت. در همان سال در دوره دکترای اقتصاد در همان دانشکده پذیرفته شد ولی آن را نیمه‌کاره رها کرد.

کار تألیف کتاب، ترجمه، و نوشتن مقالات را از همین دوران شروع کرد. در دوران دانشجویی عضو هیئت اجراییه «جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران» به رهبری خلیل ملکی نیز بوده است. نخستین کتاب او، به نام فرهنگ سیاسی، در روزگار دانشجویی از او منتشر شد که هنوز هم، با نام دانشنامه سیاسی، در ایران در زمینه علوم سیاسی کتاب مرجع است و تاکنون بیش از سی چاپ از آن منتشر شده است. در همان دوران آشوری در مؤسسه انتشارات فرانکلین به‌عنوان ویراستار در دائرة المعارف فارسی و سپس در بخش انتشارات به کار مشغول بوده است.

#### فعالیت‌ها و تحقیقات

آشوری از بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران و عضو انتخاب‌شده نخستین هیئت دبیران آن بوده است (۱۳۴۸). در دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه آکسفورد در بریتانیا، و دانشگاه زبان‌های خارجی توکیو تدریس کرده، و عضو هیئت مؤلفان لغت‌نامه فارسی در مؤسسه لغت‌نامه دهخدا (وابسته به دانشگاه تهران)،

عضو هیئت ویراستاران دانشنامهٔ ایرانیکا (دانشگاه کلمبیا در نیویورک) و از نویسندگان آن بوده است. همچنین سردبیری چند مجلهٔ ادبی و نیز نامهٔ علوم اجتماعی را در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی (وابسته به دانشگاه تهران)، به عهده داشته است.



از راست: علی اشرف صادقی، سعید حمیدیان و داریوش آشوری، سمینار نگارش فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱

#### دستاوردها و آثار

آشوری در قلمروی علوم اجتماعی و فلسفهٔ مدرن به توسعهٔ زبان فارسی از نظر دامنهٔ واژگان و بهبود سبک نگارش یاری فراوان کرده است. آشوری در آثار خود واژگان نو ترکیبی چون گفتمان، همه پرسی، آرمان شهر، رهیافت، هرزنگاری، درس گفتار و مانند آن را به کار برد که معادلی برای آن در زبان فارسی وجود نداشت. فرهنگ علوم انسانی او شامل صدها ترکیب و واژهٔ اشتقاقی تازه برای گسترش زبان فارسی در زمینهٔ علوم انسانی و فلسفه است. از میان آثار او می‌توان به بازاندیشی زبان فارسی، شعر و اندیشه، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، و فرهنگ علوم انسانی اشاره کرد. ما و مدرنیّت نام مجموعه مقاله‌هایی از اوست که در آن به تحلیل بحران فرهنگی جامعهٔ ایران در مواجهه با مدرنیّت می‌پردازد. وی نویسندهٔ عرفان و رندی در شعر حافظ است که تفسیری هرمنوتیکی از بنیادهای اندیشگی دیوان حافظ بر پایهٔ پژوهش متن‌شناسانهٔ تاریخی است.

#### کتابشناسی

#### آثار تألیفی

- تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ (۱۳۸۰) (عنوان قبلی: فرهنگ شناخت)، نشر آگه.
- عرفان و رندی در شعر حافظ (۱۳۷۹) (عنوان قبلی: هستی‌شناسی حافظ)
- فرهنگ علوم انسانی (۱۳۷۴) (عنوان قبلی: واژگان فلسفه و علوم اجتماعی)
- شعر و اندیشه (۱۳۷۷)
- بازاندیشی زبان فارسی (۱۳۷۲) نشر مرکز
- ما و مدرنیّت (۱۳۷۶)
- نگاهی به تاریخ، تمدن و فرهنگ چین
- درآمدی به جامعه‌شناسی سیاسی
- دانشنامهٔ سیاسی: فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی (۱۳۷۳) (عنوان قبلی: فرهنگ سیاسی)
- زبان باز، (۱۳۸۷)، رساله‌ای پژوهشی و تحلیلی دربارهٔ رابطهٔ زبان‌های مدرن با تمدن مدرن و روش‌های گسترش زبان‌های مدرن در پاسخگویی به نیازهای زبانی فناوری و علم.
- پرسه‌ها و پرسش‌ها (مجموعه مقالات)، ۱۳۸۹، نشر آگه.

- پروژه ملت‌سازی
  - اسطوره فلسفه در میان ما (بازدید از زندگی و اندیشه احمد فردید)
  - ایران‌شناسی چیست، ۱۳۵۵، انتشارات آگاه
- آثار ترجمه**
- چنین گفت زرتشت، فریدریش نیچه، کتاب اول اسماعیل خویی، ۱۳۵۲، زمان، تهران.
  - چنین گفت زرتشت، فریدریش نیچه، نشر آگه، ۱۳۸۳ (چاپ سی‌وهفتم: ۱۳۹۵).
  - فراسوی نیک و بد، فریدریش نیچه، (۱۳۷۵).
  - تبارشناسی اخلاق اثر فریدریش نیچه، نشر آگه، ۱۳۸۸ (چاپ سیزدهم: ۱۳۹۵).
  - غروب بت‌ها اثر فریدریش نیچه، نشر آگه، ۱۳۸۶ (چاپ دهم: ۱۳۹۵).
  - مکبث اثر ویلیام شکسپیر، نشر آگه، ۱۳۹۵ (چاپ پانزدهم).
  - تاریخ فلسفه، فردریک کاپلستون، جلد هفتم، از فیثته تا نیچه (۱۳۷۵)
  - آرمان‌شهر (یوتوپیا)، تامس مور، ترجمه: داریوش آشوری، نادر افشار نادری (۱۳۶۱)
  - شهریار، نیکولو ماکیاولی، (۱۳۷۵)
  - ترجمه سه نمایشنامه برای کتاب نمایش در چین کار بهرام بیضایی و نیز ترجمه «آتسوموری» سه‌آمی موتوکیو با همکاری بیضایی

**در گفتگو با دیگران**

- ایران در گذر روزگاران در گفتگو با مسعود لقمان
- آثار در دست تهیه**
- ترجمه مسیحا ستیز اثر فریدریش نیچه

**ذبیح‌الله صفا**



زاده ۱۶ اردیبهشت ۱۲۹۰ شمیرزاد، ایران

درگذشت ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ (۸۷ سال) لویک، آلمان

پیشینه استاد دانشگاه تهران

فرزندان یاسمین و مهرداد

**ذبیح‌الله صفا شه میرزادی** شناخته‌شده با نام **ذبیح‌الله صفا** (۱۶ اردیبهشت ۱۲۹۰ شه میرزاد - ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ خ. لوبک) پژوهشگر، مترجم، مصحح متون، استاد ممتاز دانشگاه تهران، حماسه پژوه و شخصیت برجسته ادبی در ایران معاصر و ملقب به "پدر تاریخ ادبیات ایران" بود. از تألیفات مشهور او کتاب‌های تاریخ ادبیات در ایران و حماسه‌سرایی در ایران است. او از جمله نویسندگان اصلی دانشنامه ایرانیکا بود.

زندگی‌نامه

ذبیح‌الله صفا در ۱۶ اردیبهشت ۱۲۹۰ در شه میرزاد از توابع بلوک سنگسر در استان سمنان زاده شد. پدرش سید علی‌اصغر صفای شه میرزادی در شهر بابل بازرگان بود. دوره آموزش ابتدایی را در سال ۱۳۰۴ در بابل به پایان رساند. آنگاه راهی تهران شد و در دبیرستان‌های سیروس و دارالفنون تحصیل کرد و در سال ۱۳۱۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. سپس تحصیلات خود را در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ادامه داد و در رشته‌های ادبیات و تعلیم و تربیت لیسانس گرفت و سپس به تحصیل در دوره دکتری پرداخت، تا آنکه در سال ۱۳۲۱ با پذیرش رساله او با عنوان «حماسه‌سرایی در ایران» به درجه دکتری نایل شد.

صفا خدمات آموزشی خود را از سال ۱۳۱۶ با دبیری ادبیات فارسی در کلاس‌های دوره دوم متوسطه در دبیرستان‌های تهران آغاز کرد. از سال ۱۳۲۱ به درجه دانشیاری کرسی تاریخ ادبیات دانشگاه تهران ارتقا یافت و در سال ۱۳۲۷ در همان کرسی استاد شد؛ تا این که در سال ۱۳۴۰ به بالاترین رتبه استادی (رتبه ده) دست یافت. طی سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ با سمت استاد مهمان در دانشگاه هامبورگ به تدریس پرداخت. در بازگشت از آلمان به مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی و سپس ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تهران انتخاب شد و تا سال ۱۳۴۷ این سمت‌ها را به عهده داشت.

در آن سال پس از تغییرات ناگهانی در نظام اداری و آموزشی دانشگاه به درخواست خود بازنشسته شد و تدریس خود را به صورت افتخاری ادامه داد. در سال ۱۳۴۷ برای بار دوم به آلمان رفت و یک سال دیگر در دانشگاه هامبورگ به تدریس پرداخت. پس از بازگشت به تهران عنوان استادی ممتاز دانشگاه تهران را یافت و از آن پس در سال‌هایی که در تهران اقامت داشت به تدریس ادبیات حماسی، غنایی و دراماتیک در دوره دکتری ادبیات فارسی ادامه داد. از دانشجویان و شاگردان وی می‌توان به دکتر سید محمد ترابی و قدمعلی سرامی اشاره کرد.

دکتر ذبیح‌الله صفا پس از سال ۱۳۵۷ در آلمان اقامت داشت و در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ در شهر لوبک آن کشور درگذشت.

سال‌شمار مشاغل

- از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ ریاست اداره دانشسرای مقدماتی در وزارت فرهنگ را به عهده داشت.
- از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ ریاست تعلیمات عالی در وزارت فرهنگ را داشت.
- از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ بنیانگذار و مدیر مجله سخن بود.
- از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱ ریاست اداره کل انتشارات و روابط دانشگاهی در دانشگاه تهران را به عهده داشت.
- از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۷ مدیر مجله دانشکده ادبیات تهران بود.

- از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۶ عضو هیئت مدیره جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران بود.
- از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۳ دبیر کمیسیون ملی یونسکو در ایران بود.
- از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران بود.
- از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۵ عضویت در کنفرانس‌های عمومی یونسکو را در بیروت، پاریس، فلورانس، مونته‌ویدئو، دهلی نو و چندین محل دیگر را بر عهده داشت.
- از ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ عضویت شورای عالی فرهنگ و هنر را داشت.
- از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ دبیر شورای عالی فرهنگ و هنر بود.

### زندگی خصوصی

ذبیح‌الله صفا در شهر لوبک آلمان با زنی آلمانی ازدواج کرد. از این ازدواج دو فرزند به نام مهرداد و یاسمین دارد.

### کتاب‌های منتشر شده

#### تألیف

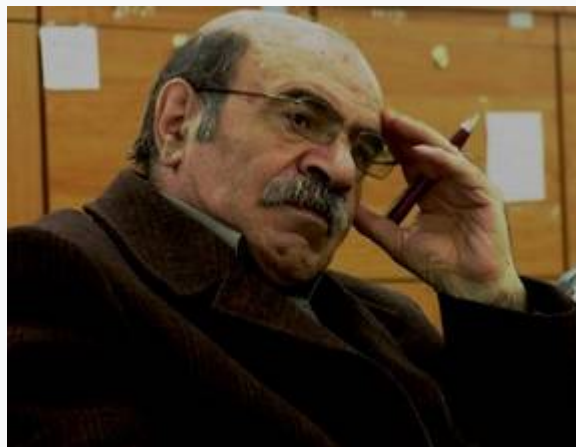
- گاهشماری و جشن‌های ملی ایرانیان، ۱۳۱۲-۱۳۵۵
- آموزشگاه‌ها و آموزش‌ها در ایران، ۱۳۱۵-۱۳۵۴
- حماسه‌سرایی در ایران، ۱۳۲۴
- دانش‌های یونانی در شاهنشاهی ساسانی، ۱۳۳۱
- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، ۱۳۳۱
- آیین سخن در معانی و بیان، ۱۳۳۱
- تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، ۱۳۳۱
- تاریخ ادبیات در ایران (۵ جلد در ۸ مجلد)، ۱۳۳۲-۱۳۶۲
- مزدپرستی در ایران قدیم، ۱۳۳۶
- آیین شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۶
- نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام‌الملک، ۱۳۴۷
- گنج سخن، شاعران پارسی‌گوی و منتخب آثار آنان (از رودکی تا بهار)، ۳ جلد، ۱۳۳۹
- گنجینه سخن، پارسی‌نویسان بزرگ و منتخب آثار آنان، ۶ جلد، ۱۳۴۸-۱۳۶۳
- دورنمایی از فرهنگ ایرانی و عصر جهانی آن، ۱۳۵۰
- نیکی‌نامه، ۱۳۵۰
- تاریخ ادبیات ایران، ۱۳۵۵
- تاریخ علوم و ادبیات ایرانی، ۱۳۴۷
- مقدمه‌ای بر تصوف، ۱۳۵۴
- سیری در تاریخ زبان‌ها و ادب ایرانی، ۱۳۵۵
- نظری به تاریخ حکمت و علوم در ایران، ۱۳۵۵

#### تصحیح

- دیوان سیف‌الدین محمد فرغانی در ۳ جلد، ۱۳۴۱-۱۳۴۴
- بختیارنامه دقایقی مروزی، ۱۳۴۵
- دارابنامه بیغمی (فیروزشاهنامه)، ۱۳۳۹-۱۳۴۱
- دارابنامه طرسوسی، ۱۳۴۴-۱۳۴۶

• دیوان عبدالواسع جبلی  
ترجمه

- مرگ سقراط، لامارتین (ترجمه)، ۱۳۱۴
- رافائل، لامارتین (ترجمه)، ۱۳۱۷
- کیانیان (نوشته کریستین سن)، ۱۳۴۳



رضا انزابی‌نژاد

زاده	۱۰ بهمن ۱۳۱۵ تبریز
درگذشت	۴ اسفند ۱۳۹۱ (۷۶ سال) مشهد
آرامگاه	آرامگاه خواجه ربیع
تحصیلات	دکتری زبان و ادبیات فارسی
محل تحصیل	دانشگاه تهران
پیشه	استاد دانشگاه و پژوهشگر ادبی
دین	اسلام
مذهب	شیعه
همسر	وجیهه برنجی
فرزندان	زیبا، نیما، نازلی

رضا انزابی‌نژاد، (زاده ۱۰ بهمن ۱۳۱۵، تبریز - درگذشته ۴ اسفند ۱۳۹۱، مشهد) استاد دانشگاه، پژوهشگر ادبی، مؤلف و مصحح متون کهن بود.

## زندگی‌نامه

رضا انزابی‌نژاد، استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد است. از او ده‌ها عنوان کتاب و مقاله در زمینه شرح و تصحیح و ترجمه و ... به یادگار مانده‌است. انزابی‌نژاد به مدت هفت‌سال سردبیر مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد بود. او همچنین یکی از اعضای قطب علمی فردوسی‌شناسی بود. کتاب «چون من در این دیار» (جشن‌نامه استاد دکتر رضا انزابی‌نژاد) در سال ۱۳۸۹ به همت تنی چند از استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی منتشر شده‌است.

## تحصیلات

در سال ۱۳۳۵ موفق به اخذ دیپلم ادبی در زادگاهش گردید. دوران تحصیل خود را تا مقطع کارشناسی ارشد در تبریز سپری کرد و در سال ۱۳۳۸ از دانشسرای تبریز فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۴۷ در دانشگاه سوربن فرانسه برای تحصیل در مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عربی پذیرفته شد اما آن را ناتمام، رها کرد. سرانجام در سال ۱۳۵۱ برای تحصیل در مقطع دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شد و همچنین تدریس خود را در دانشگاه تبریز آغاز کرد. وی هفده سال عضو گروه دانشگاه تبریز بود و سرانجام در سال ۱۳۶۶ به مشهد رفته و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی شد و تا پایان فعالیت علمی خود در آنجا ماند.

## آثار

- تصحیح و شرح دستورالوزاره
- تصحیح و شرح مقامات حمیدی
- تصحیح و شرح منطق‌الطیر
- ترجمه ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب
- تألیف فرهنگ لغات عامیانه، با همکاری منصور ثروت

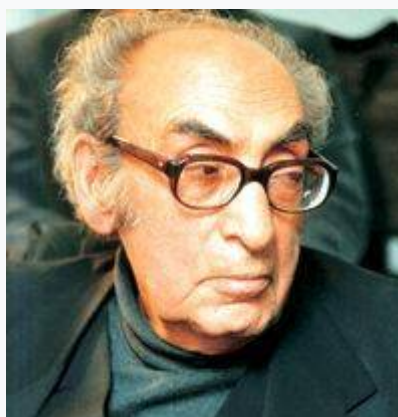
## سال‌شمار زندگی دکتر رضا انزابی‌نژاد

- ۱۳۱۵: (دهم بهمن) تولد در تبریز
- ۱۳۲۱-۲۸: تحصیل در دبستان همام تبریزی
- ۱۳۲۸-۳۵: تحصیل در دبیرستان منصور تبریز
- ۱۳۳۵: اخذ دیپلم ادبی
- ۱۳۳۵-۳۸: تحصیل در دانشسرای عالی تبریز
- ۱۳۳۸: اخذ مدرک لیسانس و استخدام در وزارت فرهنگ
- ۱۳۳۸-۴۳: تدریس در شهر گناباد
- ۱۳۴۳: مهاجرت به نیشابور
- ۱۳۴۳-۴۹: تدریس در شهر نیشابور
- ۱۳۴۵: (تیرماه) ازدواج با خانم وجیهه برنجی
- ۱۳۴۶: تولد نخستین فرزند (زیبا)
- ۱۳۴۸: سفر به فرانسه و ورود به مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عرب در دانشگاه

سوربون

- ۱۳۴۹: بازگشت به ایران و ورود به دوره فوق‌لیسانس رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تبریز
- ۱۳۵۰: تولد دومین فرزند (نیما)
- ۱۳۵۱: اتمام دوره فوق‌لیسانس و ورود به دوره دکتری دانشگاه تهران
- ۱۳۵۱-۵۶: تحصیل در دوره دکتری دانشگاه تهران
- ۱۳۵۲: انتقال از آموزش و پرورش به دانشگاه تبریز به عنوان مربی گروه زبان و ادبیات فارسی
- ۱۳۵۵: تولد سومین فرزند (نازلی)
- ۱۳۵۶: اخذ مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی
- ۱۳۶۴-۶۶: عضویت در کمیته برنامه‌ریزی زبان و ادبیات فارسی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- ۱۳۶۶: (خردادماه) ارتقا به مرتبه دانشیاری زبان و ادبیات فارسی
- ۱۳۶۷: انتقال به دانشگاه فردوسی
- ۱۳۶۸-۷۳: نماینده دانشکده ادبیات در شورای انتشارات دانشگاه فردوسی
- ۱۳۷۱: اعزام به دانشگاه مختوم‌قلی (ترکمنستان) برای تدریس زبان فارسی
- ۱۳۷۲-۷۳: تدریس زبان و ادبیات فارسی در کیف (اوکراین) و سفر به مسکو
- ۱۳۷۳: (اسفندماه) ارتقا به مرتبه استادی زبان و ادبیات فارسی
- ۱۳۷۳-۷۶: سردبیری مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی
- ۱۳۷۳: احراز رتبه نخست مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی در میان نشریات دانشگاهی به سردبیری دکتر انزابی‌نژاد از سوی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی
- ۱۳۷۶: (اردیبهشت) بازنشستگی از دانشگاه فردوسی
- ۱۳۷۶: دریافت جایزه جشنواره فردوسی برای ترجمه کتاب **الرائد**
- ۱۳۷۶: (دی‌ماه) لغو بازنشستگی از سوی وزارت علوم
- ۱۳۷۹-۸۳: سردبیری مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی برای بار دوم
- ۱۳۸۲: (فروردین‌ماه) بازنشستگی از دانشگاه فردوسی مشهد
- ۱۳۸۳: دریافت لوح تقدیر از سوی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و حامیان نسخ خطی به مناسبت احراز رتبه برگزیده برای مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
- ۱۳۸۴-۸۸: عضویت در قطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان دانشگاه فردوسی

رضا سیدحسینی



زاده	۲۲ مهر ۱۳۰۵ اردبیل
درگذشته	۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ (۸۲ سال) بیمارستان ایرانمهر، تهران ذات‌الریه
آرامگاه	قطعه هنرمندان بهشت زهرا
زمینه کاری	نویسنده و مترجم
فرزندان	افسانه، کاوه و بابک

**رضا سیدحسینی** (۲۲ مهر ۱۳۰۵، اردبیل - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸، تهران) نویسنده و مترجم ایرانی بود. سیدحسینی همچنین سرپرست و عضو اصلی تألیف و ترجمه مجموعه شش جلدی فرهنگ آثار بوده است.

### زندگی

مادر رضا سیدحسینی اشراف‌زاده بود ولی مانند پدرش خواندن و نوشتن نمی‌دانست. وی پیش از دبستان یک کلمه فارسی حرف نزده بود. در پانزده سالگی با ورود روس‌ها به اردبیل به مجله‌های خارجی و از جمله ترکی دست یافت و کار ترجمه را از شانزده سالگی با ترجمه از ترکی آذربایجانی و ترکی استانبولی شروع کرد:

«یک قطعه ادبی در "وطن یولوندا" (در راه وطن) بود، ترجمه کردم و بردم گذاشتم روی میز سردبیر روزنامه "جودت" که در اردبیل منتشر می‌شد و در رفتم. بعد دیدم چاپ شده.»

وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی به مدرسه پست و تلگراف تهران رفت و سرگرم خواندن رشته ارتباطات دور شد. سپس برای تکمیل مطالعات خود به پاریس رفت. چندی نیز در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی آمریکا به تحصیل فیلم‌سازی پرداخت. سپس به ایران بازگشت و به فراگیری عمیق‌تر زبان فرانسه و فارسی نزد استادانی همچون عبدالله توکل، پژمان بختیاری، پرویز ناتل خانلری و انجمن ایران و فرانسه پرداخت. در ضمن، مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات نیز در آموزشکده تئاتر تدریس می‌کرد و طی دوره‌هایی پیاپی سردبیری مجله سخن را به عهده داشته است.

او همچنین، در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون هم خدمت می‌کرد. از همان دوران بود که به طور جدی به کار ترجمه پرداخت. در دوران جوانی در زمینه روان‌شناسی کتابی ترجمه کرده با عنوان «پیروزی فکر» که بسیار مورد توجه قرار گرفت به طوری که حدود بیست یا سی باز چاپ شد و هنوز هم می‌شود. حال آنکه دیگر ترجمه‌هایش همچون ترجمه «شاهکارهای دنیا» یا «طاعون» آلبر کامو این قدر علاقه‌مند نداشت. این کتاب (پیروزی فکر) که مربوط به روان‌شناسی پیشافروری است در بردارنده پندهایی است که انسان را به اندیشه و ژرفنگری وامی‌دارد.

رضا سیدحسینی، پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری، در سن ۸۲ سالگی در بیمارستان ایرانمهر تهران درگذشت. عفونت ریه علت مرگ این مترجم اعلام شد. وی از ۱۶ فروردین به علت ضعف عمومی و عفونت شدید ریه در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ایرانمهر تهران بستری بود و چند بار به حالت اغما فرورفت.

## آثار

سیدحسینی مکتب‌های ادبی را در ۱۳۳۴ منتشر و این اثر را در ۴۲ سال پیوسته تکمیل کرد و چاپ سیزدهم آن در ۱۷۰۰ صفحه منتشر شد، وی همچنین نقش بسیار مهمی نیز در انتشار فرهنگ آثار (۱۳۷۸-۱۳۸۳) ایفا کرد و علاوه بر سرپرستی، ترجمه بیش از سیصد مقاله کوتاه و بلند آن را بر عهده گرفت؛ این اثر سترگ با همکاری اسماعیل سعادت، احمد سمیعی، ابوالحسن نجفی، جواد حدیدی و عده‌ای دیگر از مترجمان برگزیده در شش مجلد به چاپ رسید.

در باره ترجمه‌های سیدحسینی در کتاب تاریخ ترجمه ادبی از فرانسه به فارسی، اثر محمدجواد کمالی، چنین می‌خوانیم: «رضا سیدحسینی با زبان ترکی استانبولی کاملاً آشنا بود و دوستش عبدالله توکل نیز فرانسه می‌دانست. آن‌ها به اتفاق از سال ۱۳۲۶، با توجه به وضعیت حاکم بر بازار کتاب و اقبال به ادبیات عامه‌پسند، شش اثر را از طریق این دو زبان به فارسی درآوردند؛ از جمله: بیست و چهار ساعت از زندگانی یک زن و مالک سانفرانسیسکو از اشتفان تسوایگ؛ زن و بازیچه او از پیر لوئی، دختر چشم‌طلایی از بالزاک، مکتب زنان و در تنگ از آندره ژید. سیدحسینی در این فاصله به کمک توکل کمی فرانسه یادگرفت. البته خوش‌اقبال دیگری هم داشت زیرا در مدرسه‌ای که درس می‌خواند، پژمان بختیاری ناظم و معلم فرانسه بود. با شرکت در کلاس‌های او، کم‌کم به مرحله‌ای رسید که توانست مستقلاً از فرانسه ترجمه کند.

او آثار ادبی زیادی را از زبان فرانسه به فارسی برگرداند، از جمله: معشوقه‌های من از موريس دوگبرا، غوغای ژوئییه از ارسکین کالدول، لایم لایت از چارلی چاپلین، بهار کشنده از لاژوس ژیلایه، طاعون اثر آلبر کامو، مدراتو کانتابیله از مارگریت دوراس، ضدخاطرات با همکاری ابوالحسن نجفی و امید از آثار آندره مالرو؛ بهانه‌ها و بهانه‌های تازه از آندره ژید و در دفاع از روشنفکران از ژان پل سارتر. او با همکاری جلال خسروشاهی کتاب‌های ترجمه شده‌ای از زبان ترکی نیز دارد که مهمترین آن‌ها عبارتند از: آنسوی کوهستان از یاشار کمال، آخرین شعرها از ناظم حکمت و مرگ عزیز بیعار از لطیفه تکین..»

## افتخارات

رضا سیدحسینی مترجم پیش‌کسوت در سال ۱۳۸۰ عنوان چهره ماندگار را به خود اختصاص داد. نشان شوالیه پالم آکادمیک فرانسه در سال ۲۰۰۰ نیز از جوایز جهانی این مترجم در حوزه ادبیات می‌باشد. از دیگر ایرانیانی که پس از سیدحسینی این نشان را دریافت کرده‌اند می‌توان محمدعلی سپانلو و احمد کامیابی مسک را نام برد.

ساسان سپینتا



زاده	۱۳۱۳ بمبئی، هندوستان
درگذشت	۳ آبان ۱۳۹۳ اصفهان، ایران
آرامگاه	باغ رضوان اصفهان
پیشه	زبان‌شناسی، موسیقی
کارهای برجسته	استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان استاد تاریخ هنر و آشنایی با موسیقی موسسه فرهنگی هنری سوره
والدین	پدر: عبدالحسین سپینتا

## زندگی

ساسان سپینتا، فرزند عبدالحسین سپینتا کارگردان فیلم دختر لر، نخستین فیلم ناطق تاریخ سینمای ایران بود. وی تحصیلات خود را در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبان‌شناسی در دانشگاه تهران به انجام رسانید. او در سال ۱۳۴۸ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «کاربرد دستگاه‌های الکترونیک در بررسی فیزیکی (آکوستیکی) آوای زبان و اندازه‌گیری فرکانس صدای خوانندگان نیم قرن اخیر در ایران» به راهنمایی هرمز میلانیان دفاع کرد و در سال ۱۳۵۱ با دفاع از پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی فونتیکی خصوصیات واج‌های زبان فارسی» به راهنمایی ماهیار نوابی از دوره دکتری فارغ‌التحصیل شد. او در مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه تهران و دانشگاه دور هم (انگلستان) تدریس کرد و سپس تدریس را با مرتبه استادی در دانشگاه اصفهان ادامه داد. علاوه بر زبان‌شناسی وی در رشته الکترونیک و موسیقی نیز تحصیل کرده و صاحب تألیفاتی نیز است.

وی در تاریخ ۳ آبان ۱۳۹۳ در سن ۸۰ سالگی در خانه‌اش در اصفهان درگذشت. وی در قطعه هنرمندان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شده‌است.

## فعالیت‌ها در حوزه موسیقی

وی نواختن ویلن را نزد آرمیک گورگین (تحصیل کرده موسیقی در روسیه) آغاز کرد و سپس نزد علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، ابوالحسن صبا و محمود تاج بخش ادامه داد. سپینتا در سال ۱۳۳۸ آثار صوتی نفیس استادان موسیقی عصر ناصرالدین شاه را که بر استوانه‌های مومی دستگاه فنوگراف (حافظ‌الاصوات) ضبط شده بود و مدتی بیش از شصت سال به علت عدم راه کارهای فنی متروک و بلااستفاده مانده بود کشف و با ساختن و ابداع ادوات دست ساز و تمهیدات فنی بازیابی صوتی نمود و تحلیل و توصیف سبک و ویژگیهای هنری آثار بازیابی شده را در برنامه‌های رادیو تلویزیونی، تلویزیون ملی ایران (سالهای پیرامون ۱۳۵۰) عرضه کرد. تاکنون در حدود یکصد و بیست مقاله تخصصی در رشته‌های ادبیات، زبان‌شناسی و موسیقی در نشریات علمی-پژوهشی از او به چاپ رسیده‌است. از جمله کتابهای چاپ شده از وی می‌توان به تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران، چشم‌انداز موسیقی ایران و آشناسی فیزیکی زبان فارسی و همچنین تصحیح و تکمیل جلد سوم کتاب ارزشمند سرگذشت موسیقی ایران اشاره کرد.

## آثار و تحقیقات

آثار و تحقیقات ساسان سپنتا از سوی دانشگاه در هام، سازمان جهانی یونسکو، دانشگاه اصفهان، کنسرواتوار شیان، انجمن خاورشناسان شوروی سابق (تاجیک) و موسسه بین‌المللی لینگافن (لندن) همواره مورد تقدیر رسمی قرار گرفته‌است. گزیده مقالات او عبارت‌اند از:

- سیر و تحول موسیقی ایران، ماهنامه موزیک ایران (۱۴ مقاله) خرداد تا مهر ۱۳۳۷
- آواز ایران ماهنامه موزیک ایران (۱۳ مقاله) از بهمن ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰
- مکتب‌های جدید موسیقی معاصر ایران، ماهنامه موزیک ایران، فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۲
- بررسی فیزیکی واج‌های زبان فارسی، مقالات سومین کنگره تحقیقات ایرانی، شهریور ۱۳۵۱
- ابن سینا و ابتکارات زبان‌شناسی، ماهنامه آینده، فروردین و خرداد ۱۳۵۸
- تجزیه و بازسازی گفتار، (تعیین فرمان‌های واج‌های زبان فارسی) مجله زبان‌شناسی، ۱۳۶۶
- تأثیر انگیزی آهنگ حماسی شاه‌نامه فردوسی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان ۱۳۶۶
- توجیه مواردی از تطور نظم و نثر در سبک‌شناسی زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی، مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۳
- بررسی آزمایشگاهی چند گویش مرکزی ایران، فصل‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تابستان ۱۳۷۵
- تصحیح و تکمیل جلد سوم کتاب سرگذشت موسیقی ایران، اسفند ۱۳۷۶
- بررسی‌های جدید آزمایشگاهی در مورد گام موسیقی ایران، کتاب ماهور، پائیز ۱۳۷۷
- بررسی تحلیلی و تطبیقی رساله موسیقی خیام، فصلنامه ماهور، زمستان ۱۳۸۰
- خیام و موسیقی، فصل‌نامه فرهنگ، پائیز و زمستان ۱۳۸۰
- تأثیر عناصر نوائی در ادراک گفتار، مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، ۱۳۸۲
- پژوهشی در مباحث زبان‌شناسی خواجه نصیرالدین طوسی و مقایسه آن با زبان‌شناسی جدید، فصل‌نامه فرهنگ زمستان و بهار ۱۳۶۹
- نامه‌ای از روح‌الله خالقی به ساسان سپنتا ماهنامه هنر و موسیقی، اردیبهشت ۱۳۸۳
- تنها صداست که می‌ماند فصل‌نامه ماهور، پائیز ۱۳۸۴

سعید حمیدیان



زاده	۱۳۲۴ خورشیدی
تحصیلات	دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران
پیشه	مترجم و پژوهشگر ادبی
کارهای برجسته	استاد دانشگاه
دین	اسلام
مذهب	شیعه

**سعید حمیدیان** (زاده ۱۳۲۴ در تهران) استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی است.

#### زندگی‌نامه

سعید حمیدیان در سال ۱۳۴۳ وارد دوره کارشناسی زبان و ادبیات دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۷ همراه با کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، **قدمعلی سرامی** و **جواد برومند سعید** با رتبه ممتاز به پایان رساند و از محضر استادان بزرگی چون عبدالحسین زرین‌کوب، **ذبیح‌الله صفا**، دکتر **حسن مینوچهر**، پرویز ناتل خانلری، **بدیع‌الزمان فروزانفر**، جلال‌الدین همایی و **بهرام فره‌وشی** بهره برد.

در سال ۱۳۵۰ به‌عنوان نفر اول امتحانات ورودی در دوره کارشناسی ارشد پذیرفته شد و این دوره را در سال ۱۳۵۲ با رتبه ممتاز سپری کرد. در همین سال به عنوان نفر اول کنکور ورودی در دوره دکتری زبان و ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد. دوره دکتری را در سال ۱۳۵۴ با دفاع از رساله‌ای تحت عنوان «تصحیح، تحشیه و تعلیق فرهنگ جعفری، تألیف محمد مقیم تویسرکانی (فرهنگ پارسی)» به راهنمایی استاد دکتر سید **جعفر شهیدی** به پایان رساند و موفق به اخذ درجه دکتری با رتبه عالی شد.

#### کتاب‌شناسی

- سه خواهر، آنتوان پاولوویچ چخوف، کامران فانی (مترجم)، سعید حمیدیان (مترجم)، ناشر: قطره
- شاهنامه فردوسی: متن کامل (بر اساس چاپ مسکو)، ابوالقاسم فردوسی (شاعر)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: قطره
- لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف نظامی، حسن وحیددستگردی (مصحح)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: قطره
- داستان دگرذیسی، روند دگرگونی‌های شعر نیما یوشیج، سعید حمیدیان، ناشر: نیلوفر، ۱۳۸۳
- اصول نقد ادبی، آی.ای. ریچاردز، سعید حمیدیان (مترجم)، ناشر: علمی و فرهنگی
- ایوانف، آنتوان پاولوویچ چخوف، سعید حمیدیان (مترجم)، ناشر: قطره

- هفت پیکر حکیم نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف نظامی، حسن وحیددستگردی (مصحح)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: قطره
- سعدی در غزل، سعید حمیدیان، ناشر: قطره
- اقبالنامه، یا، خردنامه، الیاس بن یوسف نظامی (شاعر)، حسن وحیددستگردی (مصحح)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: قطره
- گنجینه گنجه‌ای حکیم نظامی گنجه‌ای: شرح حال نظامی و فرهنگ لغات و دیوان قصیده و غزل و رباعیات، الیاس بن یوسف نظامی، حسن وحیددستگردی (مصحح)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: قطره
- شرفنامه حکیم نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف نظامی، حسن وحیددستگردی (مصحح)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: قطره
- آوارگی کوه و بیابان: مجموعه داستان براساس لیلی و مجنون، مریم طاهری مجد، سعید حمیدیان (مقدمه)، ناشر: قطره
- خمسه نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف نظامی (شاعر)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، وحید دستگردی (مصحح)، ناشر: قطره
- شرح شوق (شرح و تحلیل اشعار حافظ): پنج‌جلدی، سعید حمیدیان، ناشر: قطره
- آرمانشهر زیبایی: گفتارهایی در شیوه بیان نظامی به‌مناسبت برگزاری کنگره جهانی بزرگداشت نظامی (۱۳۷۰)، سعید حمیدیان، ناشر: علم و دانش
- دانشنامه کودکان و نوجوانان: انسان، سعید حمیدیان، لئونارد سیلی، کامران فانی (زیرنظر)، ناشر: امیرکبیر، کتابهای شکوفه
- تاریخ ادبیات جهان، باکتر تراویک، عربعلی رضایی (مترجم)، سعید حمیدیان (ویراستار)، ناشر: فرزانه روز
- مثنوی معنوی: براساس نسخه نیکلسون، جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی، رینولد الین نیکلسون (مصحح)، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: قطره
- در ادب پارسی، مقالات و نقدها درباره فردوسی، سعدی، حافظ، پروین و موضوعات مهم ادبی و زبانی، سعید حمیدیان، ناشر: قطره، ۱۳۸۳
- آفاق، همه عشق: خسرو و شیرین، مریم طاهری مجد، سعید حمیدیان (مقدمه)، ناشر: قطره
- درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، سعید حمیدیان، ناشر: ناهید
- مخزن الاسرار، الیاس بن یوسف نظامی، سعید حمیدیان (به اهتمام)، ناشر: مهر آمین، سپهر ادب، نیک‌فرجام
- دنیای قشنگ نو، آلدوس هاکسلی، ترجمه سعید حمیدیان، ترجمه ای برای پرویز اسدی زاده، ناشر: پیام ۱۳۵۲

سید امیر محمود انوار



زاده ۱۳۲۴

تهران

درگذشت ۱۳ آذر ۱۳۹۱ (۶۷ سال)

آرامگاه قطعه نام آوران بهشت زهرا

محل زندگی  
تهرانپیشه  
استاد دانشگاه تهران، استاد مدعو تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی کرج شاعر و پژوهشگر ادبی و اسلامی

مذهب شیعه

منصب  
سردبیر مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

سید امیر محمود انوار (۱۳۲۴ در تهران - ۱۳ آذر ۱۳۹۱) پژوهشگر، نویسنده و استاد دانشگاه در زمینه ادب و عرفان بود.

## تحصیلات

از کودکی نزد پدرش، تحصیل علم را آغاز کرد و ادبیات عربی، ادبیات فارسی و کتب علوم صرف، نحو و بلاغت به ویژه کتاب‌های سیوطی، مغنی و مطول و منطق و اصول فقه و حکمت را آموخت. در سن پانزده سالگی در محضر عبدالحمید بدیع الزمانی در مؤسسه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

حضور یافت و نزد وی متون گوناگون لغوی، نظم و نثر و صرف و نحو عربی را فراگرفت. در مدت تحصیل دانشجوی ممتاز وی بود تا اینکه در بیست و پنج سالگی از رساله دکترای خود با راهنمایی بدیع الزمانی و با نمره بسیار عالی دفاع کرد. از بیست و یک سالگی درس حکمت و عرفان را نزد الهی قمشه‌ای آموخت و حدود ده سال متون فلسفه چون منظومه حاج ملاهادی سبزواری و متون عرفانی چون شرح نابلسی و بورینی بر دیوان ابن فارض مصری و تفاسیر عرفانی چون تفسیر محیی الدین و غیره را به همراه علوم دیگر چون عروض و بیان فرا گرفت. چند سالی هم نزد علمای دیگر حوزه چون آیت الله فقیهی و علامه گیلانی، سیوطی و مطول را آموخت.

## تدریس

وی به مطالعه و تدریس متون عرفانی و تفسیری چون «مصباح الهدایه» عزالدین محمود کاشانی و «کشف الاسرار» میبیدی، «عرائس البیان» روزبهان بقلی فسوی و کتب خواجه عبدالله انصاری و «اساس الاقتباس خواجه طوسی» و حکمت مشاء آثار بوعلی و تحصیل بهمنیار و... پرداخت. از سال ۱۳۴۶ به تدریس متون عرفانی فارسی، عربی، نظم و نثر، متون بلاغی، صرف و نحو و لغت مشغول شد.

## تألیفات

از مهمترین تألیفات او کتاب‌های «ایوان مداین از دیدگاه بحتری و خاقانی، شرح قصیده سینه بحتری» و «سعدی و منتبی و داوری میان دو شاعر پارسی و تازی» است.

او ذوق شعری هم داشت و افزون بر دیوان خود چهار اثر منظوم را هم تصحیح کرد که عبارتند از: «تصحیح و نقد و بررسی و تعریب دیوان ابوالفتح بستی شاعر ذوالسنانین ایران و دوره غزنوی و شرح منظوم و منثور آن»، «منتخب اشعار حکیم ابوالمعارف زاهد و مقدمه‌ای تحلیلی بر آن»، «مقدمه‌ای تحلیلی بر کاروان عشق اثر طغرا یغمایی» و «مقدمه‌ای تحلیلی و عرفانی برگزیده دیوان محیی الدین الهی قمشه‌ای

## درگذشت

وی در یکشنبه‌شب ۱۳ آذر ۱۳۹۱، پس از تحمل چند ماه بیماری، درگذشت.

## سید صادق گوهرین

زاده ۱۲۹۳ تهران

درگذشت ۶ آذر ۱۳۷۴ ۸۱ سال تهران

پیشه نویسنده، محقق، مصحح، مدرس

- آثار
- پیر چنگی
  - داستان بهرام گور
  - شرح اصطلاحات تصوف و شیخ صنعان

- «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی» در جلد ۹ و اهتمام و تصحیح منطق الطیر عطار نیشابوری

سید صادق گوهرین در سال ۱۲۹۳ هـ ش در تهران به دنیا آمد. در اوان نوجوانی در مدرسه‌های علمیه، اقدسیه و ادب به روش سنتی به تحصیل صرف و نحو عربی پرداخت. دوره متوسطه را در کالج آمریکایی به انجام رساند. و در سال 1316 در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفت. وی از آن پس، ضمن تدریس در دبیرستان‌ها، در دوره دکترای ادبیات فارسی به ادامه تحصیل پرداخت و در مقطع دکترا، کتاب «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی» در ۹ جلد را به عنوان پایان‌نامه به نگارش درآورد. در سال 1321 بخدمت دبیری درآمد و از سال 1331 برای تدریس زبان و ادبیات فارسی به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فراخوانده شد و تا سال 1346 در آن دانشکده در مقام استادی تدریس می‌کرد.

صادق گوهرین در رساله پایان نامه خود که شاید مهم‌ترین و مفصل‌ترین اثر او به حساب آید، به ترتیب الفبا، لغات، اصطلاحات، تعبیرات عرفانی، مجازات، اصطلاحات نجومی، طبی، قرآنی و حدیثی و... را که در مثنوی معنوی مولوی آمده‌اند شرح کرده و هر ترکیب را در محل دقیق آن بیان داشته است. وی بیشتر ایام عمر خود را صرف تدریس دروس ادبی و عرفان و نیز تربیت دانشجویان این دو مقوله معرفتی کرد و شاگردان فراوانی پرورش داد. برخی دیگر آثار او از این قرارند: پیر جنگی، داستان بهرام گور، شرح اصطلاحات تصوف و شیخ صنعان، تصحیح منطق الطیر عطار نیشابوری انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

صادق گوهرین، سرانجام در ۶ آذر ۱۳۷۴ در ۸۱ سالگی درگذشت. پیکر او در بهشت زهرا تهران قطعه ۶۶، ردیف ۹۰، شماره ۱۱ به خاک سپرده شد.

### سید فتح‌الله مجتبابی



زاده ۱۳۰۶ هجری خورشیدی تهران، ایران

پیشه مورخ ادیان و فلسفه شرق

جایزه نشان درجه یک ادب پارسی

فتح‌الله مجتبابی (متولد ۱۳۰۶ در تهران)، نویسنده و مترجم ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

### زندگی

فتح‌الله مجتبابی در سال ۱۳۰۶ در تهران به دنیا آمد. مقدمات ادبیات و علوم رسمی را در فراهان اراک فرا گرفت. پدر و اجداد وی از مستوفیان دوران قاجار بودند و جد و نیای ایشان از بزرگان صوفیه طریقت نعمت‌اللهی، مجتبابی در چنین خانواده‌ای تعلیمات مقدماتی را پشت سر گذاشت و همین زمینه نیز مطالعات او را به تاریخ ادیان و فلسفه شرق و هند کشاند. در سال ۱۳۳۲ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی درجه لیسانس گرفت، و از آن سال تا ۱۳۳۸ در دبیرستانهای اراک و تهران و دانشسرای عالی به تدریس ادبیات و زبانهای خارجی اشتغال داشت. در ۱۳۳۹ از طرف وزارت فرهنگ برای آشنایی با روشهای جدید تألیف کتابهای درسی به خارج از کشور اعزام شد و پس از یک دوره مطالعه و تحقیق در این زمینه در ایالات متحده آمریکا (دانشگاه کلمبیا، نیویورک) به کشور بازگشت و مأمور تهیه و تدوین کتابهای درسی در ادبیات برای دبیرستانها شد.

دکتر مجتبابی در دوران تحصیل خود از محضر استادان بزرگی در داخل و خارج از کشور استفاده نمود و برای آشنایی با عرفان هندی مسافرت‌های متعددی به هند و پاکستان داشت. دکتر مجتبابی درجه دکتری تاریخ ادیان و فلسفه شرق را از دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۳۵۰ اخذ نمود و در مرکز مطالعات ادیان جهان آمریکا، تاریخ تطبیقی ادیان را تحصیل نمود. دکتر مجتبابی هم‌اکنون عضو هیئت علمی بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و همچنین عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. از دکتر فتح‌الله مجتبابی تاکنون بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب، مقاله و شعر و نقد کتاب به صورت تألیف و ترجمه و تصحیح به زبان‌های فارسی و انگلیسی در ایران و خارج از ایران منتشر شده‌است.

### کتاب‌شناسی

- شعر جدید فارسی، از ا.ج. آبربی، ترجمه - با مقدمه انتقادی، تهران، ۱۳۳۴.
- چیترا و گزیده اشعار، از رابیندرانات تاگور، با مقدمه‌ای در احوال و افکار او، تهران، انتشارات نیل،
- بوطیقا - هنر شاعری، ترجمه رساله شعر ارسطو، براساس چند ترجمه معتبر، با مقدمه و توضیحات، و مقایسه با ترجمه قدیم عربی ابوبشر متی و شروح فارابی و ابن‌سینا و ابن‌رشد، تهران، ۱۳۳۷.
- گزیده اشعار رابرت فراست، ترجمه با مقدمه در شرح احوال و سبک شعر او، تهران، ۱۳۳۸.
- عصر طلایی بونان و فلسفه و هنر آن، از ویل دورانت، ترجمه بخش دوم از کتاب تاریخ تمدن جهان، تهران، ۱۳۳۹.
- تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، از ا.گ. براون، ترجمه نیمه نخست از جلد دوم تاریخ ادبی ایران، با حواشی و اضافات، تهران، ۱۳۴۱.
- شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، تهران، ۱۳۵۲.
- لغت دری (فرهنگ لغت فرس اسدی طوسی)، تصحیح متن براساس نسخه دانشگاه پنجاب، با حواشی و مقابله با تمامی نسخه‌های موجود آن، با همکاری دکتر علی اشرف صادقی، تهران، ۱۳۶۵ \* طوطی‌نامه، ضیاءالدین نخشی، تصحیح متن و مقدمه در شرح احوال و آثار او، با همکاری دکتر غلامعلی آریا، تهران، ۱۳۷۲.
- رای و برهمن، براساس کلیله و دمنه بهرامشاهی، با مقدمه و توضیحات، ۱۳۷۴.
- روضةالعقول، محمدبن غازی ملطیوی، تصحیح متن، ۱۳۷۹.

جایزه دکتر فتح‌الله مجتبابی

جایزه دکتر فتح‌الله مجتبابی جایزه‌ای است که به برترین پایان‌نامه دکتری در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، ادیان و عرفان اهدا می‌شود. این جایزه با هدف ارزیابی کیفی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری، شناسایی آسیب‌ها در این حوزه، کمک به رفع آن‌ها و ایجاد بستری مناسب برای ارتقای سطح کیفی رساله‌ها تدارک دیده شده‌است. اولین دوره اعطای این جایزه در آذرماه سال ۱۳۹۰ برگزار می‌شود. پایان‌نامه برگزیده پس از بررسی هیئت داوران، متشکل از برجسته‌ترین استادان رشته‌های ادیان و عرفان و زبان و ادبیات فارسی، برای دریافت جایزه معرفی و علاوه بر دریافت لوح تقدیر و جایزه نقدی، امکان نشر آن در انتشارات هرمس فراهم می‌شود.

## سید محمد مشکات



زاده ۱۲۷۹ بیرجند

درگذشته ۱۳۵۹ لندن

آرامگاه قم

زمینه کاری دانشگاه تهران، نسخه‌شناس

تحصیلات حوزوی و دانشگاه

سید محمد مشکوة (تولد ۱۲۷۹ خورشیدی، بیرجند - درگذشته ۱۸ مهر ۱۳۵۹) استاد دانشگاه تهران، نسخه‌شناس و کتابشناس ایرانی بود.

## زندگی‌نامه و تحصیلات

آموزش‌های نخستین خود را در مکتبخانه‌های بیرجند انجام داد. مدتی نیز به کسب و تجارت مشغول شد. در ضمن کار، به آموختن زبان فرانسه پرداخت. در ۱۲۹۳ خورشیدی به مدرسه «علمیه معصومه بیرجند» رفت و صرف و نحو، منطق، معانی و بیان و مقدمات فقه و اصول را آموخت. در ۱۲۹۶ خورشیدی راهی مشهد شد و در حوزه علمیه مشهد نزد ادیب نیشابوری درس خواند.

## تدریس

در ۱۳۱۱ خورشیدی به دعوت وزارت معارف وقت، به آموزش فلسفه در مدرسه سپهسالار پرداخت و در آنجا شرح منظومه حکمت حاج ملا هادی سبزواری، شرح اشارات و تنبیهاات ابن سینا و بخش الهیات شفا ابن سینا را آموزش می‌داد. در ۱۳۱۵ خورشیدی از دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی درجه دکتری گرفت. در ۱۳۱۶ خورشیدی نشان درجه دوم علمی را اخذ کرد. مشکوة در ۱۳۲۹ هـ. ش به درجه استادی دانشگاه تهران نائل آمد. او در زمینه نسخه‌شناسی و کتابشناسی تبحر بسیار داشت. اهل شعر بود و بسیاری از اشعارش به چاپ رسیده‌است. او عضو انجمن ادبی ایران بود. از کارهای بسیار ارزشمند استاد مشکوة اهدا کتابخانه شخصی‌اش مشتمل بر ۱۳۲۱ عنوان نسخه خطی در ۱۳۲۸ خورشیدی به دانشگاه تهران است که با این کار نامش در زمره بنیانگذاران کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ثبت شد.

## درگذشت

استاد مشکوة در ۱۸ مهر ماه ۱۳۵۹ در لندن درگذشت، پیکرش به ایران انتقال یافت و در شهر قم در کنار آرامگاه فاطمه معصومه به خاک سپرده شد.

## شاگردان برجسته

- سید حسن امین
- حسین صفایی
- ناصر کاتوزیان

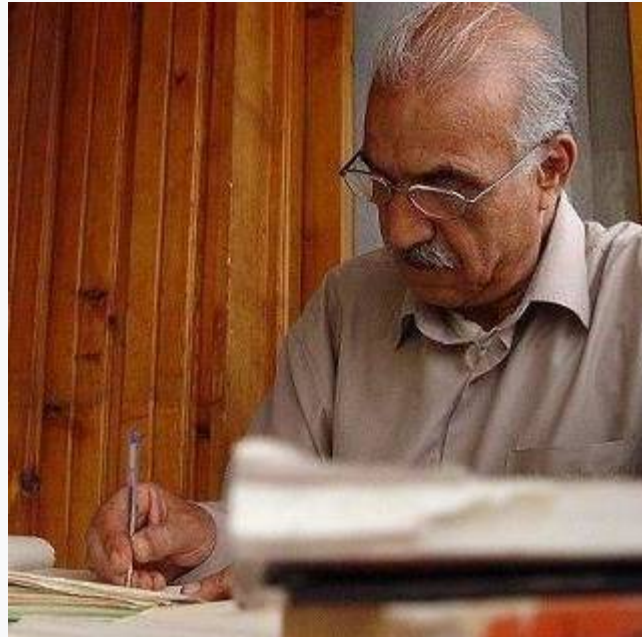
## نوشته‌ها

از استاد مشکوة بیش از هفتاد کتاب در زمینه تصحیح متون و تألیف باقی مانده‌است که از آن جمله می‌توان از این کتاب‌ها نام برد:

- «کلمه التوحید لرفع التردید»،
- «مشکوة الاسرار فی حل عقد الاسفار»
- «دانشنامه علایی» ابن سینا، (با همکاری محمد معین)،
- «فعلیت و امکان در عقد وضع و آراء فارابی و ابن سینا»
- «الوجیزه» شیخ بهایی
- «رگ‌شناسی» یا «رساله در نبض» ابن سینا
- «دره‌التاج لغرة‌الدجاج» قطب‌الدین شیرازی
- «فوائد‌الدریة» (شامل چند رساله از ابن سینا)
- «کلید بهشت» قاضی سعید قمی
- «ارسطاطاليس حکیم: نخستین مقاله مابعدالطبیعه موسوم به مقاله الالف الصغری» اسحق بن

حنین

## سید محمود گلاب دره‌ای



زاده ۲۸ دی ۱۳۱۸ گلابدره، شمیران، تهران

محل زندگی تهران

درگذشته ۱۵ مرداد ۱۳۹۱ تهران

آرامگاه گورستان بهشت زهرا

پیشه نویسنده

سید محمود قادری گلابدره‌ای (زاده ۱۳۱۸ شمیران - درگذشت ۱۵ مرداد ۱۳۹۱ تهران) نویسنده حکومتی معاصر ایران است.

## زندگی

سید محمود قادری گلابدره‌ای در سال ۱۳۱۸ در شمیران زاده شد. جلال آل احمد معلم انشا او بود که بعدها از دوستان وی شد. ظاهراً وی در اواخر عمر از نظر مادی در تنگنا قرار داشته است؛ چنان‌که در نامه‌ای به وزیر مسکن در سال ۸۶ از حقوق ماهیانه ۹۰ هزار تومان و نداشتن مسکن گله کرده و درخواست کمک می‌کند. این نامه بعد از مرگ وی منتشر شده است.

## فعالیت ادبی

از محمود گلابدره‌ای تاکنون ۳۳ کتاب منتشر شده که نخستین آن با عنوان «سگ کوره‌پز» در سال ۱۳۴۹ منتشر شده است. وی در سال ۱۳۵۰ رمان «پر کاه» را نوشت و «بادیه» را در سال ۱۳۵۶ به چاپ رساند؛ رمانی که عباس کیارستمی فیلم‌نامه‌ای اقتباسی بر اساس آن نوشت.

محمدرضا سرشار (رضا رهگذر) رئیس انجمن قلم ایران درباره وی می‌نویسد: «به اعتقاد من، محمود گلابدره‌ای کار مشخصی در تأیید انقلاب ننوشته یا شاید چنین آثاری تألیف کرده است که من در جریان نیستم. از آثار این نویسنده، کتاب «اسماعیل اسماعیل» داستان نیمه‌بلندی برای نوجوان‌ها بود با موضوع جنگ تحمیلی که ماجرا در اهواز اتفاق می‌افتاد و جزو داستان‌های خوب نوجوان جنگ تحمیلی بود. مورد استقبال هم قرار گرفت و در سال‌های اوایل جنگ منتشر شد.» گلابدره‌ای در مجموع ۶ کتاب پیش از انقلاب اسلامی ایران دارد که یکی از آن‌ها ترجمه ۶ داستان از نویسندگان روس است.

پرستوها، دال، صحرای سرد، حکومت نظامی، سنگ به مثقال، آقا جلال و سفر به حجله‌گاه عشق از جمله آثار وی پس از انقلاب اسلامی هستند. داریوش مهرجویی، از رمان «دال» وی فیلمنامه‌ای با نام صحرای سرد نوشته که موضوع آن در سوئد می‌گذرد و به زبان‌های خارجی مختلفی نیز برگردانده شده‌است. عباس کیارستمی، از رمان «بادیه» وی فیلمنامه‌ای که در سال ۱۳۵۶ منتشر شد.

## مرگ

گلابدره‌ای قبل از درگذشت در بیمارستان الغدیر تهران بستری شده بود. او یکشنبه شب پانزدهم مرداد ماه ۱۳۹۱، درگذشت.

## آثار

- زن نویسنده و هاویه ی هوو
- دال (پرنده) | دال
- سرنوشت بچه شمرون
- حکومت نظامی
- آقا جلال
- سنگ ۳ مثقال
- منیر
- سفر به حجله‌گاه عشق، خاطرات سفر به قونیه
- بادیه
- مادر
- سگ کوره پز
- ده سال هوم لسی آمریکا
- اسماعیل، اسماعیل
- پرگاه
- صحرای سرد
- لحظه‌های انقلاب

سیروس شمیسا



زاده ۲۹ فروردین ۱۳۲۷ ارشت

تحصیلات دکترای ادبیات فارسی

پیشه استاد دانشگاه علامه طباطبایی

سیروس شمیسا (زاده ۲۹ فروردین ۱۳۲۷ در ارشت) استاد ادبیات فارسی و نویسنده پرکار ایرانی است که تاکنون بیش از ۴۰ اثر خلق کرده است. وی تحصیلات عالی خود را در دانشگاه شیراز آغاز کرد و چند سالی پزشکی خواند، ولی پس از چندی تغییر رشته داد و در همان جا مدرک کارشناسی خود را در ادبیات فارسی گرفت. پس از آن وارد دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۷ از رساله خود به راهنمایی دکتر خانلری دفاع کرد. او در سال ۱۳۸۰ یکی از چهره‌های ماندگار ایران لقب گرفت. کتاب‌های او در بسیاری از دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود.

سیروس شمیسا از نسل پژوهشگرانی است که با کتاب و صفحه و کاغذ مألوفند و در هیچ یک از صفحات اجتماعی حساب کاربری شخصی ندارند. آن چه به نام ایشان در صفحات اجتماعی دیده می‌شود توسط شاگردان و دوستدارانشان اداره می‌شود.

#### کتاب‌شناسی

از آثار پرشمار او می‌توان موارد زیر را نام برد:

- نقد ادبی
- داستان یک روح (تأویل داستان بوف کور صادق هدایت)
- سبک‌شناسی نثر
- انواع ادبی
- راهنمای ادبیات معاصر (شرح و تحلیل گزیده شعر نو فارسی)
- نگاهی به فروغ فرخزاد

- کلیات سبک‌شناسی
- سبک‌شناسی شعر
- نگاهی به سپهری
- طرح اصلی داستان رستم و اسفندیار
- شاهد بازی در ادبیات فارسی
- مکتب‌های ادبی
- بیان
- آینه و سه داستان دیگر
- با یونگ و هسه (ترجمه)
- کتاب عشق جادویی (ترجمه)
- فرهنگ اشارات ادبیات فارسی (اساطیر، سنن، آداب، اعتقادات، علوم ...)
- گزیده منطق الطیر
- سیروس در اعماق (رمان)
- معانی
- مونسون (رمان)
- نگاهی تازه به بدیع
- ماه در پرونده (داستان)
- یادداشت‌های حافظ
- زندگانی قدیمی است
- فرهنگ تلمیحات (اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی، مذهبی در ادبیات فارسی)
- سیر غزل در شعر فارسی
- اخبار باغ‌های بزرگ
- بیان و معانی
- سیر رباعی
- فرهنگ عروضی
- آشنایی با عروض و قافیه
- شاه‌نامه‌ها

## شاهدبازی در ادبیات فارسی

یکی از کتاب‌های مشهور وی شاهدبازی در ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۸۱ در ایران به چاپ رسید، ولی از بازار جمع شد و فروش آن ممنوع شد. موضوع این کتاب معشوق مذکر در تاریخ ایران و بازتاب آن در ادبیات است. در این کتاب مستندات تاریخی موثقی گنجانده شده‌است.

شیخ بهایی (بهاءالدین محمد عاملی)



زاده

۱۸ فوریه ۱۵۴۷  
 بعلبک در نزدیکی جبل  
 عامل، امپراتوری  
 عثمانی لبنان امروزی

درگذشت

۱ سپتامبر ۱۶۲۱ (۷۴ سال) اصفهان

دیگر نام‌ها

شیخ بهایی

دین

اسلام، تشیع

پس زمینه‌های علمی

مکتب یا سنت

مکتب اصفهان

کار علمی

علاقه‌مندی‌های  
 شاخص

فلسفه اسلامی

آثار برجسته	کشکول
تأثیر	ملاصدرا

**بهاءالدین محمد بن حسین عاملی** (۸ اسفند ۹۲۵ خورشیدی - ۸ شهریور ۱۰۰۰ خورشیدی) معروف به **شیخ بهایی**، همه چیزدان، حکیم، علامه فقیه، عارف، منجم، ریاضیدان، شاعر، ادیب، مورخ و دانشمند عرب قرون دهم و یازدهم هجری بود که در دانش‌های فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات دانایی داشت، در حدود ۹۵ کتاب و رساله از او در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی، هنر و فیزیک بر جای مانده است. به پاس خدمات او به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم می‌بوده نام شیخ را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد. وی از دوستان نزدیک میرداماد بود.

بهاءالدین محمد بن حسین عاملی

1. نسب: از نوادگان حارث همدانی، صحابی معروف علی بن ابی‌طالب
2. زادروز: ۲۶ ذیحجه ۹۵۳ ق (۸ اسفند ۹۲۵ خ)
3. شهر تولد: بعلبک
4. کشور تولد: امپراتوری عثمانی (لبنان کنونی)
5. تاریخ درگذشت: ۱۲ شوال ۱۰۳۰ ق (۸ شهریور ۱۰۰۰ ش)
6. شهر درگذشت: اصفهان
7. کشور درگذشت: ایران
8. آرامگاه: جوار مقبره علی بن موسی الرضا (نزدیک موزه آستان قدس) مشهد
9. نام همسر: کفایت خاتون
10. مذهب: تصوف و عرفان
11. مناصب: شیخ الاسلام (مهمترین منصب سیاسی-مذهبی در دربار صفوی)
12. اساتید: عزالدین حسین عاملی (پدرش) ملا عبدالله یزدی مولانا عبدالله شوشتری مولانا افضل قاینی حکیم عمادالدین محمود
13. شاگردان: ملاصدرای شیرازی محمدتقی مجلسی محقق سبزواری نظام‌الدین محمد قرشی ملا محسن فیض کاشانی ملا خلیل قزوینی ملا صالح مازندارانی سید میرزا حسینی طباطبایی نایینی
14. تالیفات: مفتاح الفلاح، کشکول  
 حبل المتین، حدائق الصالحین  
 مثنوی نان و حلوا، عروة الوثقی  
 تشریح الافلاک، جامع عباسی  
 مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین  
 خلاصة الحساب، حدیقه هلالیه  
 بحر الحساب، الزبده فی الاصول  
 صمدیه، اثنا عشریه، سر المستتر

به پاس خدمات او به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ که مصادف با سال نجوم می‌بوده نام شیخ بهایی را در لیست مفاخر ایران ثبت کرد.

تولد و خانواده

وی از نوادگان حارث همدانی یکی از یاران علی ابن ابی طالب است که در بعلبک متولد شد. دوران کودکی را در جبل عامل، از نواحی شام، در روستایی به نام «جبع» یا «جباع» زیست، او از نوادگان «حارث بن عبدالله اعور همدانی» بوده است (از شخصیت‌های برجسته صدر اسلام و از یاران علی بن ابی طالب، متوفی به سال ۶۴ خورشیدی). خاندان او از خانواده‌های معروف جبل عامل در سده‌های دهم و یازدهم خورشیدی بوده‌اند. پدر او از شاگردان برجسته شهید ثانی بوده است.

### تاریخ تولد و مرگ بهائی

تاریخ تولد و مرگ بهائی بر روی سنگ قبر و کاشی‌کاری‌های دیوار اتاق مقبره، اندکی متفاوت است:

#### تاریخ تولد:

- کتیبه کاشی‌کاری دیوار: ۲۶ ذیحجه ۹۵۳ هجری قمری (برابر با پنجشنبه ۸ اسفند ۹۲۵ خورشیدی، و ۲۷ فوریه ۱۵۴۷)
  - کتیبه سنگ قبر: غروب پنجشنبه محرم‌الحرام ۹۵۳ هجری قمری (برابر با فروردین ۹۲۵ خورشیدی، و مارس ۱۵۴۶)
- تاریخ مرگ:

- کتیبه کاشی‌کاری دیوار: ۱۲ شوال ۱۰۳۰ هجری قمری (برابر با ۸ شهریور ۱۰۰۰ خورشیدی، و ۳۰ اوت ۱۶۲۱)
- کتیبه سنگ قبر: شوال ۱۰۳۱ هجری قمری (برابر با مرداد یا شهریور ۱۰۰۱، و اوت ۱۶۲۲)

کتیبه دیوار در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در زمان استانداری علی منصور ساخته شد و حاوی تاریخ روز، ماه و سال است، در حالی که کتیبه سنگ قبر فقط حاوی تاریخ ماه و سال است. به نظر می‌رسد که در هنگام بازسازی اتاق تحقیقاتی درباره تاریخ تولد و مرگ انجام شده باشد و به این خاطر تاریخ روز به کتیبه کاشی‌کاری اضافه گشته است. در این صورت به نظر می‌رسد که تاریخ‌های کتیبه دیوار دقیق‌تر باشند.

### مهاجرت به ایران

بنا به نسخه‌ای به خط بهاء‌الدین عاملی که در سال ۹۹۵ قمری در قزوین نوشته شده است، وی هنگام ورود به ایران سیزده ساله بود. پدرش عزالدین حسین عاملی به خاطر اذیت شیعیان آن منطقه توسط دولت عثمانی از یک سو و دعوت شاه تهماسب صفوی برای حضور در ایران، به سوی ایران رهسپار گردید و چون به قزوین رسیدند و آن شهر را مرکز دانشمندان بزرگ ایرانی یافتند، در آن سکنی گزیدند و بهاء‌الدین به شاگردی پدر و دیگر دانشمندان آن عصر مشغول شد. وقتی او ۱۷ ساله بود (۹۷۰ ق)، پدرش به شیخ‌الاسلامی اصفهان به توصیه علی منشار عاملی از سوی شاه تهماسب منصوب شد. ۱۴ سال بعد، در ۹۸۴ قمری، پدر بهاء‌الدین محمد برای زیارت خانه خدا از ایران خارج شد اما در بحرین درگذشت. شیخ بهایی در قزوین فارسی آموخته و به مدت سی سال در آن شهر پرورش یافته و پرورش داد.

شخصیت علمی و ادبی و اخلاق و پارسای او باعث شد تا از ۴۳ سالگی شیخ‌الاسلام اصفهان شود و در پی انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان (در ۱۰۰۶ قمری)، از ۵۳ سالگی تا آخر عمر (۷۵ سالگی) منصب شیخ‌الاسلامی پایتخت صفوی را در دربار مقتدرترین شاه صفوی، شاه عباس بزرگ بر عهده داشته باشد.

بهائی در فاصله سال‌های ۹۹۴ تا ۱۰۰۸ قمری سفرهایی چند به خارج از قلمروی صفویه داشت. این سفرها برای زیارت، سیاحت، دانش‌اندوزی و همچنین به گفته برخی مورخان به سفارت سیاسی بوده است. مکه، مصر و شام از جمله مقاصد این سفرها بوده‌اند.

نقل شده که آن جناب شش ماه پیش از وفات خود به مزارستان گذشت و از قبر بابا رکن الدین صدایی شنید، بهاء‌الدین عاملی از اصحاب خویش که با وی بودند پرسید که شما شنیدید این صدایی که من شنیدم گفتند شنیدیم پس وی بعد از آن پیوسته مشغول گریه تضرع و مناجات بود و توجه به آخرت داشت تا وفات یافت. از بعضی نقل شده صدایی که او شنید این بود: «شیخنا به فکر خود باش»

وی در سال ۱۰۰۰ خورشیدی در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش پیکر او را به مشهد بردند و در کنار آرامگاه علی‌بن موسی‌الرضا جنب موزه آستان قدس به خاک سپردند. امروزه آرامگاه وی بین مسجد گوهرشاد و صحن آزادی و رواق امام خمینی در رواقی که به یاد او نامگذاری شده قرار دارد.

### شخصیت علمی

#### استادان

نام برخی از استادان بهاء‌الدین محمد از این قرار است:

- فقه و اصول، تفسیر، حدیث و ادبیات عرب را نزد پدرش شیخ عزالدین حسین عاملی.
- منطق و کلام و معانی و بیان و ادبیات عرب را نزد نجم ابن شهاب، معروف به عبدالله بهابادی، مؤلف مشهور «حاشیه بر تهذیب منطق» معروف به «حاشیه ملا عبدالله».
- ریاضی، کلام و فلسفه را از مولانا افضل قاینی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت.
- طب را از حکیم عماد الدین محمود، طبیب ویژه شاه طهماسب و مشهورترین پزشک ایران در آن دوره آموخت.
- صحیح بخاری را نزد ابی الطیف مقدسی فرا گرفت.
- همچنین نقل است نزد ملا محمد باقر یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار که از ریاضی‌دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده‌است.

#### شاگردان

تعداد کثیری از دانشوران نامی قرن یازدهم نزد وی تحصیل کرده‌اند. یکی از محققان معاصر ۳۳ تن از شاگردان او را نام برده‌است که در این‌جا به مشهورترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف بنیان‌گذار حکمت متعالیه، متوفی به سال ۱۰۵۰ ق.
- محسن فیض کاشانی، متوفی ۱۰۹۱ ق.
- سید رفیع‌الدین محمد حسینی طباطبایی نائینی، متوفی ۱۰۹۹ ق.
- مراد تفرشی
- محمد تقی مجلسی، معروف به مجلسی اول، متوفی ۱۰۷۰ ق.
- محمدباقر سبزواری، معروف به محقق سبزواری، شیخ الاسلام اصفهان، وفات ۱۰۹۰ ق.

#### آثار و تالیفات

بهاء‌الدین عاملی در علمی که در آن زمان مرسوم بود، به ویژه در اخبار و احادیث، تفسیر، اصول فقه و ریاضیات دارای تالیفات بسیار است. تالیفات شیخ بر اساس پژوهش یکی از محققان بالغ بر ۹۵

کتاب و رساله‌است. برخی از نویسندگان نیز آثار او را ۱۲۰ عنوان ذکر کرده‌اند. در اینجا برخی از آثار علمی بهاء‌الدین محمد را بررسی می‌کنیم:

### جامع عباسی

از نخستین و معروفترین رساله‌های عملیه در فقه بوده و به زبان فارسی است که این خود ابتکاری نو در نگارش متون فقهی به‌شمار می‌رفت تا آن‌جا که برخی از صاحب نظران از آن به عنوان اولین دوره فقه فارسی غیر استدلالی که به صورت رساله عملیه نوشته شده‌است یاد می‌کنند، این کتاب از یک مقدمه و بیست باب (از طهارت تا دیات) تشکیل شده‌است.

### الزبدہ فی الاصول

مهمترین اثر بهائی است در اصول فقه. تاریخ نگارش آن یعنی سال ۱۰۱۸ ق و به قولی در سال ۱۰۰۵ ق، حکایت از اهمیت آن دارد، زیرا اوایل قرن یازدهم، عصر سیطره اخباریان در حوزه فقه و اصول شیعی بوده‌است.

### اربعین

تألیف اربعین (چهل حدیث) از سوی محدثان و عالمان شیعی بر اساس حدیث معروفی است که از پیامبر اسلام نقل شده‌است. بهاء‌الدین عاملی نیز به پیروی از این سنت معمول، به تألیف اربعین حدیث پرداخت، با این امتیاز که شرح کافی و جامع درباره احادیث یاد شده دارد و در مجموع، از بهترین و معروفترین اربعین‌ها می‌باشد. این اثر بعد از مثنوی سوانح حجاز، تنها اثری است که او در آن به مباحث سیاسی پرداخته‌است، مؤلف در شرح حدیث پانزدهم (که درباره حرمت اعانت ظالمان و گرایش قلبی به آن‌ها وارد شده‌است) به تفصیل دیدگاه‌های خود را مطرح کرده‌است. وی درباره این موضوع به‌طور صریح و شفاف سخن گفته‌است، از این رو می‌توان دیدگاه و عقیده باطنی او در مورد رفتار با حاکم جور، و نیز علل و عوامل همکاری علما با شاهان صفوی را به دست آورد، همچنین وی در این اثر به بحث از امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و مراحل آن پرداخته‌است.

### مثنوی سوانح الحجاز (نان و حلوا)

این کتاب آمیخته‌ای از مواضع، طنز، حکایت، تمثیل و لطایف عرفانی و معارف برین بشری است. با زبانی روان و دلنشین. نان و حلوا ترسیمی است از ریاکاری، تلبیس و غرور به مال و منال و عنوان و منصب دنیایی. بهایی در یکی از بخش‌های این مثنوی به دوری از سلاطین که خود آن را از نزدیک تجربه کرده بود اشاره می‌کند، چرا که قرب شاهان غارت دل و دین را در پی دارد. در مجموع، مثنوی نان و حلوا از جمله آثار بهائی است که در تبیین دیدگاه و اندیشه سیاسی او می‌توان بدان استناد کرد.

### کشکول

نامدارترین اثر بهاء‌الدین عاملی، الکشکول، معروف به کشکول شیخ بهایی است که مجموعه گران سنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب او محسوب می‌شود. این کتاب به‌صورت جُنگی آزاد، شامل شعرها و نثرهای مورد علاقه بهایی است که برخی از خود وی و برخی نیز گردآوری او از دیوان‌ها و کتاب‌های مورد علاقه‌اش بوده‌اند. این مطالب اغلب بی‌هیچ نظم خاصی به دنبال هم آمده‌اند؛ ولی بیش از سایر تألیفاتش خواننده را به ضمیر فکری او نزدیک می‌کند.

### صمدیه

کتاب صمدیه نوشته بهاء‌الدین عاملی برای برادر خود "عبدالصمد" است. این کتاب در باب علم نحو است. او در این نوشتار در مورد علم نحو و کلمه و کلام به تفصیل مطالب خود را بیان نموده‌است. اخیراً این نوشتار در کتاب جامع المقدمات به چاپ رسیده‌است.

**مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین**

ارایه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن، آیات الاحکام و حدیث است.

**حبل المتین فی احکام احکام الدین**

در زمینه فقه

**الاثنا عشریه**

در پنج باب طهارت، نماز، زکات، خمس، روزه و حج است.

**زبدہ الاصول**

شامل بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم

**الاربعون حدیثاً**

معروف به اربعین بهائی

**مفتاح الفلاح**

این کتاب را آقابزرگ تهرانی، مفتاح الفلاح فی الأعمال و الأدعیة اللابدیة فی الیوم و اللیلة نامیده است. این کتاب دارای شش باب (فصل) است که نویسنده در هر فصل (ساعتی از شبانه روز) اعمال مخصوصی را در نظر گرفته است.

نگارنده کتاب خود را به درخواست جماعتی نوشته تا یک مسلمان بتواند در یک شبانه روز، تمام اعمال خود را بر طبق آن انجام دهد و لذا نمازهای واجب و مستحب، وضو، طهارت و غیره را نیز در کتاب خود ذکر کرده است. بهاءالدین عاملی در انتهای کتاب تفسیر سوره حمد را آورده است و محمود شبستری او را این چنین ستوده است:

روا باشد انا الله از درختی چرا نبود روا از نیکبختی

**حدائق الصالحین**

(ناتمام)، شرحی است بر صحیفه سجادیه

**حدیقة هلالیه**

شامل تحقیقات و فواید نجومی ارزنده

**التحذیر**

کتابی است در زمینه احضار جن و بسیار کمیاب است که چند نسخه باقی مانده آن در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود

بیشتر روش های احضار جن که در این کتاب آورده شده است بوسیله صفحه شطرنج انجام می گیرد که طبق چه مراحل صورت می گیرد.

**شخصیت ادبی**

بهاءالدین عاملی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدیدآورده است که به برخی به فارسی و بیشتر آنها به عربی است. اشعار فارسی او عمدتاً شامل مثنویات، غزلیات و رباعیات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار وی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. بهترین منبع برای گردآوری اشعار او، کشکول است تا جایی که به عقیده برخی

محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به وی ثابت نیست. از مثنویات معروف او در زبان فارسی می‌توان این‌ها نام برد:

1. نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز (بر وزن مثنوی مولوی) در این اثر ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است.
  2. نان و پنیر (بر وزن مثنوی مولوی) نزدیکترین مثنوی بهاءالدین عاملی به مثنوی مولوی از نظر محتوا و زبان.
  3. شیر و شکر (اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک). شیر و شکر بسیار جذاب است و با وجود مختصر بودن (۱۶۱ بیت در کلیات چاپ نفیسی و ۱۴۱ بیت در کشکول) سرشار از معارف و مواعظ حکمی با لحنی حماسی است.
  4. مثنوی‌هایی مانند نان و خرما، شیخ ابوالحشم و رموز اسم اعظم را نیز منسوب بدو دانسته‌اند
- نمونه اشعار**

همه روز روزه رفتن، همه شب نماز کردن	همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن
ز مدینه تا به مکه، به برهنه پای رفتن	دو لب از برای لبیک، به وظیفه بازکردن
به معابد و مساجد، همه اعتکاف جستن	ز مناهی و ملاحی، همه احتراز کردن
شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای راز گفتن	ز وجود بی‌نیازش، طلب نیاز کردن
به خدا قسم که آن را، ثمر آن قدر نباشد	که به روی ناامیدی در بسته بازکردن

از نثر فارسی او تنها نمونه‌ای که در دیوان‌های چاپی آمده است رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گریه و موش است. بهائی در عربی نیز شاعر و زبان دانی چیره‌دست است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عربی جایگاه ویژه‌ای دارد که مهم‌ترین و دقیق‌ترین آن‌ها اثر او در نحو به نام الفوائد الصمدیه است.

- غزل: معروفترین آن موسوم به وسیلة الفوز و الامان فی مدح صاحب الزمان علیه السلام در ۶۳ بیت است که هرگونه شبهه‌ای را در دوازده‌امامی بودن وی مردود می‌سازد.
- ارجوزه سرایی: دو نمونه بی‌بدیل (هراتیه یا الزّهره) و نیز (ریاض الارواح)
- دوبیتی: دوبیتی‌های عربی بهائی بیشتر در اظهار شوق نسبت به زیارت روضه چهارده معصوم است.

بخش مهمی از اشعار عربی وی لغز و معملست که بیانگر تسلط او بر این حیطة است. توانایی او در ایجاز و بیان معماگونه مطالب در آثاری چون رسائل پنجگانه اثنی عشریه، خلاصة الحساب، فوائد الصمدیه، تهذیب البیان، الوجیزه فی الدرایه و همچنین تبحر او در صنعت لغز و تعمیه در آثاری چون لغز الزبده، لغز النحو، لغز الکشاف، لغز الصمدیه، لغز الکافیة و فائده مشهود است.

#### شخصیت سیاسی

محمد بن حسین عاملی (شیخ بهایی) در مدت ۷۵ سال عمر خود با چهار تن از سلاطین صفوی معاصر بوده است، ولی عمده فعالیت سیاسی او در دوره دو پادشاه آخر گذشته است.

- شاه طهماسب (۹۰۲-۹۵۴ خورشیدی) (از ۹۶۶ (سال هجرت) تا ۹۸۴ ق به مدت ۱۸ سال)
- شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ ق) (به مدت یک سال و اندی)
- سلطان محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۵ ق) (به مدت ۱۰ سال)
- شاه عباس بزرگ (۹۹۵-۱۰۳۸ ق) (تا ۱۰۳۱ ق (سال رحلت) به مدت ۳۵ سال)

او در سال ۹۶۶ق در حالیکه سیزده سال داشت به همراه پدر (از شاگردان مطرح شهید ثانی) از جبل عامل به سمت ایران مهاجرت کرد.

دلیل این مهاجرت از یکسو افزایش تهدیدات حاکمان عثمانی نسبت به شیعیان جبل عامل و از سوی دیگر احترام فراوان حاکمان آن زمان ایران (پادشاهان صفوی) به عالمان دینی بود. حاکمان صفوی با این کار ضمن ترویج دین و کمک به اقتدار سیاسی ایران به تحکیم سلطنت خود نیز کمک می‌کردند. عالمان شیعی نیز در این بستر مناسب ضمن ترویج مذهب تشیع اثنی عشری، از گسترش صوفیگری در جامعه آن زمان جلوگیری می‌نمودند.

پس از سه سال اقامت در اصفهان، پدر با توجه به پیشینه علمی و فقهی و با توصیه علی منشار (شیخ الاسلام اصفهان)، از سوی شاه طهماسب به سمت شیخ الاسلامی قزوین (پایتخت) منصوب شد.

شیخ الاسلام مهم‌ترین منصب روحانیت در آن دوره بوده\* و وظیفه آن رفع ظلم از مظلومان، امر به معروف و نهی از منکر و تحقیق و بیان احکام شریعت برای مردم بود.

شش سال بعد عنوان شیخ الاسلامی پایتخت از او گرفته شد و شیخ الاسلامی مشهد و سپس هرات به او واگذار شد. نویسنده کتاب الهجرة العاملیه این اقدام شاه طهماسب را مصداق نفی بلد و تبعید سیاسی دانسته و دلیل آن را تلاش وی در احیا و اقامه نماز جمعه (که اقامه آن در عصر غیبت مورد اختلاف علما بود) در پایتخت صفویه می‌داند. چرا که باعث شد دولتمردان صفوی احساس خطر کنند و او را مانند محقق کرکی مانع بزرگی در برابر خواسته‌های خود بدانند. سرانجام پدر در سال (۹۸۳ق) ایران را به قصد زیارت حج ترک کرد و بعد از انجام مناسک حج به بحرین رفت، در آنجا اقامت گزید و یک سال بعد وفات یافت.

مدت چهارده سال در پایتخت و در کنار پدر در مشهد و هرات بودن، بهاءالدین عاملی را با منصب و وظایف شیخ الاسلامی آشنا ساخت و آماده پذیرش این منصب بعد از پدر نمود. شواهدی است که نشان می‌دهد سمت شیخ الاسلامی هرات بعد از فوت پدر به پسر (شیخ بهایی) رسیده است، میرحسین بن حیدر کرکی (شاگرد بهاءالدین عاملی) در روضات الجنات نقلی دارد که برداشت از آن این است که بهاءالدین عاملی بعد از پدر، شیخ الاسلام هرات شده\*، که اگر این برداشت صحیح باشد سال وفات پدر (۹۸۴ق) و سال بعد از آن که سال‌های آشوب و هرج و مرج در دربار بوده نمی‌تواند تاریخ اخذ این سمت باشد و احتمال دارد که او بعد از این تاریخ به این سمت منصوب شده باشد؛

مؤلف الهجرة العاملیه در این مورد نیز معتقد است بهاءالدین عاملی مانند پدر از مرکز سیاسی و قدرت (پایتخت) دور نگاه داشته می‌شد.

البته تأییدی بر منصب شیخ الاسلامی هرات در کتاب خیرالبیان وجود ندارد؛ آنچه در مورد این دوره از زندگی بهاءالدین (جوانی) در خیرالبیان عنوان شده و قابل توجه است این است که او در عنفوان جوانی سفری طولانی مدت به بلاد اسلامی انجام داده و با توجه به اینکه در کتاب سلافة العصر مدت سفرهای وی را ۳۰ سال عنوان کرده. و با در نظر گرفتن اینکه آخرین سفر وی در سال ۱۰۱۵ق بوده می‌توان احتمال داد که این سفر می‌تواند در همین سال‌ها باشد. یعنی ۹۹۴ یا ۹۹۶ که در آن موقع وی ۳۰ تا ۳۲ سال داشته است.

### بهاءالدین عاملی و شاه عباس اول

عمده فعالیت‌های سیاسی بهاءالدین عاملی در عهد شاه عباس بزرگ صورت گرفت. شاه عباس بزرگترین پادشاه سلسله صفوی ضمن آنکه ایران را به اقتدار گذشته‌اش بازگرداند، زمینه رشد و شکوفایی خارق‌العاده فرهنگ، هنر و معارف دینی را نیز فراهم کرد. شاه عباس احترام زیادی برای علمای دین قایل می‌شد و در بیشتر امور از ایشان مشورت می‌جست، از جمله شواهد این امر انتخاب خلیفه سلطان، شاگرد میرداماد و شیخ بهایی به وزارت خود بود. ضمن اینکه حضور این دو عالم مطرح در دربار شکوه خاصی به سلطنت این پادشاه بخشیده بود. بهاءالدین عاملی در سال ۹۹۶ق دو

سال و اندی بعد از رحلت علی منشار عاملی (شیخ الاسلام اصفهان) (۹۹۳)، به دستور شاه عباس یکم به شیخ الاسلامی اصفهان منصوب شد و در سال ۱۰۰۶ ق با تغییر مکان پایتخت از قزوین به اصفهان این سمت به شیخ الاسلامی کشور تغییر و ارتقاء یافت. بهاءالدین عاملی تا زمان وفاتش در این منصب بود.

در عالم آرای عباسی آمده که بهاءالدین عاملی پس از مدتی از سمت شیخ الاسلامی اصفهان به دلیل ملالت خاطر و دلزدگی از مناصب دنیایی اراده سفر بلاد اسلامی کرد که تاریخ این رخداد می‌تواند بین سالهای ۹۹۶ تا ۱۰۰۸ ق باشد، یعنی سالی که شاه عباس پیاده به زیارت علی بن موسی الرضا رفت و بهاءالدین عاملی نیز همراه او بود. اما در منابع دیگر دلیل سفر او به بلاد اسلامی اختلاف آرا و دیدگاه های علمی او با مکتب های فلسفی موجود در حوزه اصفهان (یعنی «توغل میرداماد و اصحاب او در علوم عقلی و رواج آن») می‌دانند.

به اعتقاد عده‌ای بهاءالدین عاملی در یکی از سفرهای خارجی خود به کشور عثمانی، سفارت شاه صفوی را بر عهده داشته و حامل پیامی از طرف شاه عباس اول به سلطان مراد حاکم عثمانی بوده است.

### خدمات علمی و عمرانی

مهارت وی در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و از مهم‌ترین خدمات بهاءالدین عاملی در رونق بخشیدن به شهر اصفهان تعیین سمت قبله مسجد شاه اصفهان است. این قبله‌یابی که با استفاده از ابزارهای آن زمان صورت پذیرفته هفت درجه با جهت واقعی قبله اختلاف دارد. تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و روستاهای مجاور رودخانه، ساخت گلخن گرمابه‌ای است که هنوز در اصفهان مانده معروف به حمام شیخ بهایی و طراحی منار جنبان اصفهان که هم‌اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می‌شود.

بنا به روایتی بهاءالدین عاملی را احتمالاً بنیان‌گذار تهیه نان سنگک، حلواشکری و فرنی می‌دانند.

در تقویم سالنمایی که توسط کمیته نانوایان تهران که در ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۲۶ شمسی در تهران چاپ شده در رابطه با تاریخچه و چگونگی پیدایش نانوائی و نان سنگک این‌گونه آمده است: "شاه عباس برای رفاه حال طبقات تهی دست و لشگریان خود که غالباً در سفر احتیاج به نان و خورش موقت و فوری داشتند و لازم بود به هر شهری می‌رسند نانواهایی باشند که بتوانند به قدر مصرف سربازان نان تهیه نمایند و غذایی باشد که خورش نان قرار دهند، درصدد چاره برآمد. وی حل این مشکل را از "بهاءالدین عاملی" که از اجله‌ها و دانشمندان ایران بود خواست. بهاءالدین با تفکر و تعمق، تنور سنگی را ابداع نمود. این اختراع که با دقت و هوشیاری طرح و عملی شده است به قدری کامل و دقیق است که پس از گذشت چند صد سال هنوز به همان صورت اولیه مورد استفاده و نانی که از تنور سنگی به دست می‌آید، خوردنی‌ترین نان است. در اجرای این کار، دستور داده می‌شود که روی توری، مقداری ریگ و سنگ‌ریزه بریزند و در زیر آن، آتش پرحجمی روشن نمایند تا ریگ‌ها کاملاً داغ گردند و آن‌گاه خمیر نان را با دست در روی تخته‌ای پهن کرده و در روی سنگ‌های داغ قرار دهند تا بپزد.

### جشنواره بهاءالدین عاملی

از سال ۱۳۸۳ شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان جشنواره‌ای به نام شیخ بهایی برگزار می‌کند. موضوع این جشنواره فن‌آفرینی و کارآفرینی است و برگزارکنندگان آن معتقدند که بهاءالدین عاملی، نمادی از کارآفرینی است. وی در عصر خود، دانش را به فناوری تبدیل کرد و خدمات ارزشمند علمی، فرهنگی و عمرانی از خود به یادگار گذاشت. به یاد او این جشنواره، شیخ بهایی نامیده شد.

### توضیحات

- ۸ ترتیب مناصب روحانیت در دوره صفوی: صدرخاصه، صدر عامه (یا صدر الممالک) قاضی دارالسلطنه، قاضی عسکر و شیخ الاسلام.
- ۸ رجعتنا الی هرات الذی کان سابقاً هو و والده فیها شیخ الاسلام.
- ۸ تقیه از اصول مسلم مذهب شیعه است و چه بسیار عالمان دینی که برای حفظ دین و گسترش تشیع راه تقیه پیش گرفته‌اند.
- ۸ دفع ضرر از مؤمن یا جلب نفع برای او، از جمله عوامل جواز همکاری با حاکم جائز است که در فقه شیعه بدان تصریح شده است.
- ۸ بهاءالدین عاملی، سرایی عالی داشت که یتیمان و زنان به آن پناه می‌بردند و کودکان نوزاد در آن شیر خوردند و شماری از مردم از آن پناه جستند، وی به مردم بسیار چیز می‌بخشید ولی با آن همه تقرب، میل به پادشاه نداشت و بیش‌تر مایل به تنهایی و جهانگردی بود.
- ۸ در فقه سیاسی شیعه وجوب تحصیل ولایت از طرف حاکم جائز یا هر نوع همکاری با او در صورتی که اقامه امر به معروف و نهی از منکر موقوف به آن باشد واجب است
- ۸ خیرالبیان: شاه آگاه، (شاه عباس) را نسبت به آن (بهاءالدین عاملی) اعتقاد صافی است و در اعزاز و احترام و اکرام او دقیقه‌ای نامرعی نمی‌گذارد، و همواره ملتسمات آن در سده رفیعه شاهی چون دعاهای اجابت قرینش در بارگاه الهی مقبول است.
- ۸ عالم‌آرا: از این زمان خجسته نشان، اعلی شاهی، وجود شریف آن یگانه روزگار را مغتنم دانسته، همیشه از ملتزمان رکاب اقدس و اکثر اوقات در سفر و حضر به وثاق حضور او تشریف قدوم ارزانی داشته، از صحبت فیض بخش او مسرور می‌گردند.

## ضیا موحد



زاده

۱۲ دی ۱۳۲۱  
۲ ژانویه ۱۹۴۳ اصفهان

پیشه	استاد دانشگاه و شاعر
زمینه کاری	فلسفه، منطق، شعر

سید ضیا موحد (زاده ۱۲ دی ۱۳۲۱ در اصفهان) استاد فلسفه و منطق و شاعر ایرانی است.

#### تحصیلات

در اصفهان تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را به پایان برد. او در دانشکده علوم دانشگاه تهران در رشته فیزیک، و در یونیورسیتی کالج لندن در رشته فلسفه تحصیل کرده است. او مدیر گروه منطق و عضو هیئت امنای انجمن حکمت و فلسفه ایران است.

#### پایان نامه

- کارشناسی ارشد: احتمال تشعشعات الکترومغناطیسی هسته در میدان کوانتایی به راهنمایی هوشنگ روحانی نژاد
- دکترای: مفهوم فرگه از اندیشه (Gedanke) به راهنمایی دبلیو دی. هارت

#### درباره شعر ضیاء موحد

محسن ملکی در مقالاتی که درباره شعرهای ضیاء موحد نوشته است، او را یکی از مهمترین شاعران امروز ایران میدانند. این مقالات عبارتند از: «صدایت میکنند؟»، «دامن گشودن خلأ و شاعران ناممکن»، و «زخم خاک، مسیانسیم و شب پایی برای قوم به جان باخته». این مقالات در روزنامه شرق و وبسایت هنری و ادبی پوئیتیکا منتشر شده اند.

#### مسئولیت‌ها

- مدیر گروه منطق، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، از شهریور ۱۳۸۱
- عضو هیئت امنای مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، از مهر ۱۳۸۱
- عضو کمیته ترفیحات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، از خرداد ۱۳۸۲
- مدیر کمیته علمی فلسفه زبان و منطق انجمن زبانشناسی ایران، از خرداد ۱۳۸۱
- معاون پژوهشی انجمن حکمت و فلسفه ایران، از دی ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۸۰.

#### اظهارات جنجالی

موحد در نیمه دوم دهه هشتاد با اظهاراتی درباره جلال آل احمد و همچنین قالب شعری غزل به چهره‌ای جنجالی در حوزه ادبیات و روشنفکری ایران تبدیل شد. موحد، آل احمد را نه یک روشنفکر که یک هوچی‌گر نامید. او که این مطالب را در قالب گفتگو با هفته‌نامه شهروند امروز به مناسبت سالروز مرگ آل احمد بیان کرده بود در بخشی از آن گفت:

«بخش سیاست‌پیشگی او [جلال آل احمد] دقیقاً دور از مسائل روشنفکری بود. آدمی است که به راحتی هوچی‌گری می‌کند. به راحتی غرق شدن صمد بهرنگی و خودکشی تختی را می‌اندازد گردن رژیم... کار دیگری که آل احمد می‌کرد این بود که اشتباهاتی مرتکب می‌شد و راه‌هایی می‌رفت که دلش نمی‌پسندید. بعد برای این‌که از گناه کرده خودش را تبرئه کند، ماجرا را می‌انداخت گردن رژیم. می‌نوشت که من با دستگاه شرکت نفت مخالفم اما اشتباه کردم چک گرفتم... برای اینکه یک‌جوری

بگوید من با اکراه این چک را گرفته‌ام. خب اینکه دیگر با اکراه و رضا ندارد!! تازه یک تحقیقی کرده‌ای و آن‌ها هم در مقابل، یک پولی به تو داده‌اند، دیگر این همه سروصدا ندارد... او یک چنین تزلزلی داشت. در واقع او همچنان توده‌ای ماند. با همان هوچی‌گری‌ها و با همان سیاست‌پیشگی‌هایش»

آثار

### فلسفه و منطق

- از ارسطو تا گودل: مقاله‌های فلسفی - منطقی، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۲.
- منطق موجهات، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۱.
- واژگان توصیفی منطق، (انگلیسی به فارسی) پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۷۴.
- درآمدی به منطق جدید، انتشارات علمی، تهران، چ اول ۱۳۶۸، چ پنجم ۱۳۸۳.
- تاملاتی در منطق ابن سینا و سهروردی، انتشارات هرمس با همکاری مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران ۱۳۹۴

### ادبیات

- و جهان آبستن زاده شد (دفتر شعر)
- مثنی نور سرد (دفتر شعر)
- نردبان اندر بیابان (دفتر شعر)
- غراب‌های سفید (دفتر شعر)
- شعر و شناخت، مجموعه مقاله‌های ادبی، انتشارات مروارید، ۱۳۷۷. (پژوهش ادبی)
- سعدی، طرح نو، تهران، چاپ اول ۱۳۷۲. (چاپ پنجم، انتشارات نیلوفر ۱۳۹۲)
- (پژوهش ادبی)
- دیروز و امروز شعر فارسی، نشر هرمس، چاپ سوم ۱۳۹۴ (برگزیده بیست مقاله و دو گفتگو در زمینه شعر و نقد ادبی)

### ترجمه

- منتقدان فرهنگ: از ماتیو آرنولد تا ریموند ویلیامز، زلی جانسون، طرح نو، تهران، ۱۳۷۸.
- نظریه ادبیات، رنه ولک و استین وارن، (با همکاری پرویز مهاجر)، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

### جوایز

- جایزه کتاب سال در سال ۱۳۸۲ برای کتاب «منطق موجهات» نوشته ضیاء موحد.
- جایزه کتاب سال در سال ۱۳۶۹ برای کتاب «درآمدی به منطق جدید» نوشته ضیاء موحد.
- جایزه تقدیری کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، مجموعه شعر مثنی نور سرد، ۱۳۸۱
- جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برای ترجمه کتاب نظریه ادبیات اثر رنه ولک و اوستین وارن، ۱۳۷۴
- استاد نمونه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۶

سید ضیاءالدین سجادی



زاده	۱۲۹۹ مشهد
درگذشته	۳ مرداد ۱۳۷۵ در تهران
آرامگاه	تهران (بهشت زهرا)
کارهای برجسته	استادی دانشگاه تهران مترجم محقق مصحح
مذهب	شیعه اثنی عشری

سید ضیاءالدین سجادی (زاده ۱۲۹۹ خورشیدی در مشهد - درگذشته ۳ مرداد ۱۳۷۵ در تهران) استاد دانشگاه، پژوهشگر ادبیات فارسی، مترجم و مصحح ایرانی بود.

## زندگی‌نامه

دکتر سید ضیاءالدین سجادی در خانواده‌ای روحانی در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در مشهد چشم به جهان گشود. پدرش حاج سید مصطفی سرابی خراسانی از فضلا و ادبای مشهد بود که ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و فلسفه را نزد حاجی فاضل آموخته و خود اهل شعر و ذوق بود. سجادی با توشه علم و فضل موروث و مکتسب در سال ۱۳۲۱ به تهران برای تحصیلات عالی آمد و به تحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخت. دانشگاه تهران در آن روزگار از وجود استادان برجسته‌ای همچون بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، احمد بهمنیار، ملک‌الشعراى بهار، میرزا عبدالعظیم قریب و ابراهیم پورداوود برخوردار بود و سجادی از محضر این بزرگان استفاده کرد. در سال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود - که درباره خاقانی شروانی بود - دفاع کرد و همین موجب شد که او در طی زندگی به بررسی و تفحص در آثار و اشعار خاقانی بپردازد. از سال ۱۳۴۴ در سمت استادی زبان و ادبیات فارسی دانشسرای عالی و دانشگاه تهران و بعدها تربیت معلم، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه فردوسی

مشهد مشغول تدریس شد. دکتر سجادی در ۲۶ شهریور ۱۳۸۱ به عنوان یکی از مفاخر فرهنگی ایران معرفی شد.

## سخنرانی‌ها

سجادی در ۶۵ کنگره و مجمع و مجلس علمی و ادبی به سخنرانی پرداخت که بیشترشان در مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات آن کنگره‌ها و مجامع به چاپ رسیده‌است. از جمله این مجامع، کنگره‌های تحقیقات ایرانی، کنگره بزرگداشت فردوسی، حافظ، بیهقی، ناصر خسرو، کنگره ایران‌شناسان، کنگره جهانی سعدی و حافظ، نشست‌های بحث درباره زبان و ادبیات فارسی، کنگره بزرگداشت سیبویه، کنگره جهانی نظامی گنجوی، کنگره جهانی خواجه کرمانی و کنگره جهانی خاورشناسان بود.

## عضویت در انجمن‌ها

دکتر سجادی عضو انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی، انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و کنگره تحقیقات ایرانی نیز بود.

## تقدیرنامه‌ها

دکتر سید ضیاءالدین سجادی، در دوران خدمت خود، چندین تقدیرنامه از وزارت فرهنگ سابق، انتشارات رادیو ایران، وزارت فرهنگ و هنر، وزارت علوم و آموزش عالی، دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دریافت کرد.

## آثار و تالیفات

- دیوان خاقانی شروانی
- مجموعه نامه‌های خاقانی شروانی
- مثنوی ختم‌الغرائب خاقانی
- شرح قصیده مسیحیت از شمس‌الدین لاهیجانی
- حواشی دکتر محمد معین بر اشعار خاقانی
- مثنوی‌های قضا و قدر
- مفتاح‌الکنوز (رضاقلی خان هدایت)
- یک دوره کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات دبیرستانی
- شرح حال شاعران در کارنامه بزرگان ایران
- شرح حال شاعران در فرهنگ امیرکبیر
- گزیده اشعار خاقانی
- در مکتب استاد
- گزیده اشعار سنایی
- رساله تحقیق در اشعار و امثال فارسی تاریخ بیهقی
- سخنان گزیده درباره فردوسی و شاهنامه
- کوی سرخاب تبریز و مقبرةالشعرا
- فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی
- اشعار معروف و گویندگان آنها
- انسان در قرآن کریم
- دیباچه‌نگاری در ده قرن

## نظارت بر چاپ کتاب‌ها و نگارش مقدمه و حواشی

گذشته از آنچه ذکر شد، استاد سجادی بر چاپ کتاب‌هایی نظارت می‌کرد یا مقدمه، حواشی و توضیحات بر آن‌ها می‌نوشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: چاپ دوم تاریخ ادبیات ایران تألیف جلال‌الدین همایی؛ جشن‌نامه محمدتقی مدرس رضوی؛ مقدمه بر رباعیات خیام به خط حسین خسروی، ۱۳۷۰؛ تاریخ ادبی ایران از صفویه تا عصر حاضر، نوشته ادوارد براون، ترجمه دکتر بهرام مقدادی، ۱۳۶۸، با همکاری دکتر عبدالحسین نوایی؛ مقدمه و توضیحات و حواشی بر تاریخ ادبیات عرب نوشته رینولد نیکلسون، ترجمه کیوان دخت کیوانی.

سید ضیاءالدین سجادی استاد دانشگاه تهران در مقدمه کتاب «منتخب اشعار اعتماد» اثر سید احمد اعتماد الاسلام درباره ایشان چنین می‌گوید: من او را از روی آثارش شناختم و دانستم که مردی بوده‌است طالب علم و اهل فضل و صاحب ذوق و متدین و با همه دیانت و تقوی مردی روشندل و تجدد خواه بوده، به همه آداب و مراسم دینداری عمل می‌کرده و راه و رسم تجدد و زندگانی نوین آنروز را نیز طرفدار بوده‌است. در انواع شعر طبع آزمایی نموده و در غزل و قصیده و مثنوی و رباعی وارد شده و نمودارهایی بدست داده است.

## مقاله‌ها

از او بیش از صد و هفتاد مقاله در موضوعات ادبی، علمی، تاریخی، مذهبی، در مجلات و نشریات معتبر و دانشنامه‌ها، از جمله: راهنمای کتاب، یغما، سخن، رادیو ایران، آینده، مجلات دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت معلم، دانشسرای عالی، دانشنامه ایران و اسلام و دانشنامه جهان اسلام، مجموعه مقالات حافظ‌شناسی و نشریات دیگر به چاپ رسیده‌است.

## درگذشت

دکتر سید ضیاءالدین سجادی در ۳ مرداد سال ۱۳۷۵ هـ. ش در تهران درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

## عباس ماهیار



۱۳۱۶ خورشیدی عجب شیر

زاده

۲۱ دی ۱۳۹۵، تهران

درگذشت

تحصیلات	دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران
پیشه	پژوهشگر ادبی و مصحح
کارهای برجسته	استاد دانشگاه و خاقانی‌شناس
دین	اسلام
مذهب	شیعه
فرزندان	افشین؛ شاهین

عباس ماهیار (زادهٔ سال ۱۳۱۶ خ، عجب‌شیر - درگذشتهٔ ۲۱ دی ۱۳۹۵، تهران) استاد دانشگاه، خاقانی‌شناس و پژوهشگر ادبی بود.

#### زندگی‌نامه

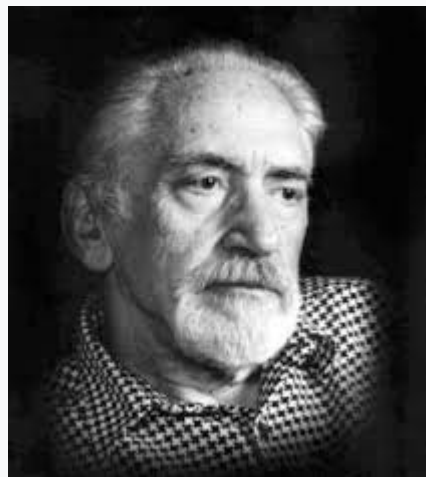
عباس ماهیار در سال ۱۳۱۶ در شهر عجب‌شیر متولد شد. کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشسرای عالی تبریز و کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران دریافت نمود. عنوان پایان‌نامهٔ وی در مقطع دکتری «تصحیح انتقادی دیوان اثیر اخصیکتی» بوده‌است.

#### آثار

1. صرف و نحو برای دانشجو، با هزینهٔ مؤلف.
2. تصحیح انتقادی تسلية الإخوان، (نوشتهٔ عطا ملک جوینی)، انتشارات آباد.
3. مرجع‌شناسی ۱، انتشارات دانشگاه پیام نور.
4. نظم ۳ بخش اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.
5. عروض فارسی شیوه‌ای نو برای آموزش عروض و قافیه، نشر قطره.
6. صرف و نحو عربی، انتشارات سمت سمت.
7. گزیدهٔ خاقانی، نشر قطره.
8. مرجع‌شناسی ادبی و روش تحقیق، نشر قطره.
9. سیمای شیر یزدان در حدیقة الحقیقه، انتشارات جام گل.
10. مرجع‌شناسی ۱، انتشارات جام گل.
11. شرح مشکلات خاقانی، (دفتر یکم: ثری تا ثریا)، انتشارات جام گل.
12. شرح مشکلات خاقانی، (دفتر دوم: خارخار بند و زندان)، انتشارات جام گل.
13. شرح مشکلات خاقانی، (دفتر سوم: نسیم صبح)، انتشارات جام گل.
14. شرح مشکلات خاقانی، (دفتر چهارم: پنجنوش سلامت)، انتشارات جام گل.
15. شرح مشکلات خاقانی، (دفتر پنجم: گنجینهٔ اسرار)، انتشارات جام گل.

16. سحر بیان خاقانی، انتشارات جام گل.  
 17. صرف و نحو ۱ و ۲، انتشارات سمت.  
 18. مالک ملک سخن، (شرح قصاید خاقانی)، انتشارات سخن.  
 19. نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی انتشارات اطلاعات ۱۳۹۳

## عبدالحسین نوایی



زاده	۱۶ مرداد ۱۳۰۲ تهران
درگذشت	۱۸ مهر ۱۳۸۳ (۸۱ سال) تهران
آرامگاه	قطعه هنرمندان بهشت زهرا
تحصیلات	حقوق
محل تحصیل	دانشگاه سوربن
پیشه	تاریخ‌نگار
آثار	متعدد
همسر	طاهره کمالی تفرشی
فرزندان	نیلوفر نوایی
جایزه ها	چهره ماندگار ایران ۱۳۸۳

دکتر عبدالحسین نوایی (۱۶ مرداد ۱۳۰۲-۱۸ مهر ۱۳۸۳) استاد دانشگاه، نویسنده، تاریخ‌نگار، نسخه‌شناس و از چهره‌های ماندگار ایران بود.

### زندگی‌نامه

وی در تهران به دنیا آمد و در زمینه ادبیات و تاریخ متبحر و مسلط بود. از او آثار تحقیقی تاریخی، به‌ویژه درباره دوره قاجار، به یادگار مانده‌است. همچنین وی به تصحیح متون تاریخی قدیمی نیز اشتغال داشته‌است.

### از زبان وی

حاصل عمرم سه سخن بیش نیست، خام بدم، پخته شدم، سوختم.

اسم عبدالحسین است بنابراین رسم معمول زمان که برای تحلیل یادبود پدر، نامش را بر یکی از فرزندان می‌گذاشتند من هم بدین نام خوانده شدم. در سال ۱۳۰۲ در تهران متولد شدم، هر چند شناسنامه‌ام سال ۱۳۰۴ را نشان می‌دهد.

نام خانوادگی من هم حکایت از خاستگاهمان «نوا» می‌کند. نوا روستایی کوچک است بر سر کوه که بیلاق آمل است و تا چند سال پیش رفت‌وآمد به آن بسیار دشوار بود. نوا همان محلی است که فتحعلی شاه در یک فصل بیلاقی در آن صاحب پنج پسر شد، یکی از آنها عباس میرزا بود. من هنوز نوا را ندیده‌ام و تا جایی که می‌دانم، از چند نسل قبل از من، همه در تهران اقامت داشته‌اند.

### تحصیلات

#### • بنابر گفته وی:

تحصیلات ابتدایی را در مدرسه تمدن و ابن سینا و دوره متوسطه را در مدرسه شرف مظفری گذراندم و بعد هم بر خلاف میل به دانشسرای عالی رفتم. چون علاقه زیادی به این حرفه نداشتم و تمایل به دیپلمات شدن داشتم مدتی هم به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران رفتم، ولی پیشامدی مانع آمد که تحصیلاتم را در آنجا ادامه دهم. ماجرا از این قرار بود که در امتحانات دیپلم، یک نفر از روی برگه امتحانی من رونویسی کرده بود. در آن زمان تصحیح اوراق امتحانات نهایی به عهده استادان دانشگاه بود و طبق گفته دو برگه کاملاً شبیه یکدیگر بود، لذا هر دو نفر را به جرم تقلب از ادامه تحصیل محروم کردند، مدتی طول کشید تا توانستم ثابت کنم که ورقه اصلی متعلق به من است و همین تأخیر باعث شد تا من از ادامه تحصیل در رشته حقوق محروم شوم؛ البته سال بعد هم در کنکور حقوق شرکت کردم و شاگرد دوم شدم. اما بدین لحاظ که ناگزیر بودم یکی از دو رشته را انتخاب کنم و یکسال از دوره دانشسرا را گذرانده بودم، همین رشته را ادامه دادم و بعدها دوره دکتری را هم در دانشگاه سوربن فرانسه گذراندم.

پیش از این از سال ۱۳۲۴ به معلمی پرداخته بودم در بازگشت هم به عنوان معلم کارم را آغاز کردم. علی‌رغم این که در نهایت علاقه چندانی به این کار نداشتم، ولی چون قبول مسئولیت کرده بودم با جدیت به مطالعه روی آوردم چون اعتقاد داشتم آنچه در دانشگاه به من آموخته‌اند، مقدمه و فتح بابی بیش نبوده و خودم باید تحصیلم را ادامه دهم.

### آثار

#### مقاله

- چگونه انجمن آثار ملی بنیاد گرفت؟ نامه انجمن، شماره نخست، بهار ۱۳۸۰
- آثار و تألیفات چاپ شده

1. گردآوری کتاب متون تاریخی به زبان فارسی
2. گردآوری کتاب «نایبیان کاشان (بر اساس اسناد)» درباره نایبیان کاشان
3. بررسی کتاب تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه
4. شرح حال رجال حبیب السیر، تهران، نشر مؤلف، چاپ اول ۱۳۲۴.
5. خاطرات عباس میرزا مُلک آرا، تهران، انجمن نشر آثار ایران، چاپ اول ۱۳۲۵؛ تهران نشر بابک، چاپ دوم ۱۳۵۵.
6. فتنه باب، تهران، نشر مؤلف، چاپ اول ۱۳۳۳؛ تهران نشر بابک، چاپ سوم و چهارم ۱۳۶۲.
7. تاریخ آل مظفر، تهران، نشر ابن سینا، چاپ اول ۱۳۳۵؛ تجدید چاپ، انتشارات امیر کبیر.
8. تاریخ گزیده، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول ۱۳۳۹، دو بار تجدید چاپ شد.
9. اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول ۱۳۴۱، دو بار تجدید چاپ شد.
10. کریم خان زند، تهران، نشر فرانکلین، چاپ اول ۱۳۴۴؛ انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم ۱۳۵۶ و چاپ چهارم ۱۳۷۶.
11. شاه اسماعیل صفوی (اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول ۱۳۷۴.
12. احسن التواریخ، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول ۱۳۴۹؛ جلد دوم ۱۳۷۵، فرهنگستان ادب و هنر ایران.
13. شاه طهماسب (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، نشر بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
14. شاه عباس (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، نشر بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲، بعدها تجدید چاپ شد.
15. مطلع سعدین و مجمع بحرین، تهران، نشر طهوری، چاپ اول بخش نخست جلد اول ۱۳۵۳؛ پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ دوم ۱۳۷۲.
16. تاریخ عضدی، تهران، نشر بابک، چاپ اول ۱۳۵۵؛ انتشارات علمی، چاپ دوم ۱۳۷۶.
17. فتح تهران (گوشه‌هایی از تاریخ مشروطیت ایران)، تهران نشر بابک، ۱۳۵۶.
18. دولت‌های ایران از مشروطیت تا اولتیماتوم، تهران، نشر بابک، ۱۳۵۶.
19. اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، دو جلد، تهران پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول ۱۳۶۳. (برنده کتاب سال)
20. حدیقه الشعراء، تهران، نشر زرین، جلد اول ۱۳۶۴، جلد دوم ۱۳۶۵، جلد سوم ۱۳۶۶.
21. مرآت البلدان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چهار جلد، ۱۳۶۷.
22. مرآت الوقایع مظفری و یادداشتهای ملک المورخین سپهر، تهران، نشر زرین، ۱۳۶۸.
23. نادر و جانشینش همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری، تهران، نشر زرین ۱۳۶۸.
24. تاریخ ایران و جهان، تهران، نشر هما، جلد اول ۱۳۶۴، جلد دوم ۱۳۶۸، جلد سوم ۱۳۷۶، مجلدات اول و دوم چند بار تجدید چاپ شده است.
25. تکلمة الاخبار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۳.
26. فهرس التواریخ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۳.
27. متون تاریخی به زبان فارسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
28. روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷.
29. اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله (گزیده اسناد خراسان و گیلان)، با همکاری نیلوفر کسری، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، دو جلد، ۱۳۷۷.

30. اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله (گزیده اسناد آذربایجان)، با همکاری نیلوفر کسر، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، جلد سوم، ۱۳۸۰.
31. مجموعه اسناد نایب‌ان کاشان، با همکاری محمد بقایی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹.
32. محتشم کاشانی، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و مهدی صدری، تهران، نشر میراث مکتوب، دو جلد، ۱۳۸۰.
33. مهدعلیا (همراه با اسناد مفصل)، با همکاری نیلوفر کسری، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
34. مجموعه اسناد نایب‌ان کاشان، با همکاری نیلوفر کسری، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ نشده است.

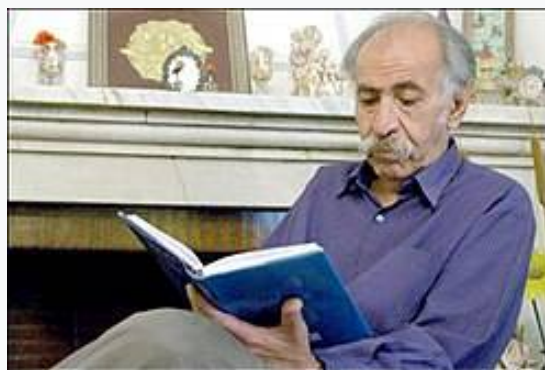
## تصحیح

- احسن التواریخ نوشته حسن بیگ روملو (نوایی در پایان جلد اول شرح نسبتاً مفصل و سودمندی از تاریخ ترکیه در دوران مذکور به همراه فهرست مفصلی از لغات ترکی و مغولی رایج در متون فارسی تاریخی سده هفتم به بعد را نوشته است).

## مجامع علمی، سمینارها، جوایز

- دریافت جایزه بهترین کتاب سال برای تصحیح و تعلیق کتاب احسن التواریخ، سال ۱۳۴۹.
- سفر به پاکستان برای ایراد چند سخنرانی، سال ۱۳۵۳.
- سفر به ترکیه، سوئد، انگلستان و فرانسه و بازدید از مراکز فرهنگی، سال ۱۳۵۳.
- دریافت جایزه بهترین کتاب سال برای تألیف کتاب اسناد تاریخی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ هـ. ق، سال ۱۳۶۴.
- سفر به ترکیه و سخنرانی در باره جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فاتح در سمینار مربوط به فتح قسطنطنیه، سال ۱۳۷۴.
- شرکت در سمینار تیمور در مشهد و ارائه مجموعه مقالاتی تحت عناوینی چون کثرت منابع تاریخ تیموری و رد کتابهایی چون منم تیمور جهانگشا و توزوک، سال ۱۳۷۵.
- سفر به ازبکستان و سخنرانی در سمینار بزرگداشت تیمور، سال ۱۳۷۵.

## عبدالعلی دستغیب



زاده ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۰ شیراز

پیشینه مدرس، نویسنده، پژوهشگر ادبی و تاریخی، منتقد ادبی و مترجم

آثار بیش از ۵۰ عنوان کتاب ترجمه یا تألیفی

عنوان از برگزیدگان همایش چهره‌های ماندگار در ادب و فرهنگ

والد جواد

**عبدالعلی دست‌غیب** (متولد ۱۶ آبان ۱۳۱۰)، منتقد ادبی، نویسنده و مترجم ایرانی، کارشناس ارشد فلسفه، با سابقه تدریس در مدارس عالی و دانشسراها است. وی بیش از ۵۰ عنوان کتاب ترجمه یا تألیفی در زمینه‌های نقد ادبی و فلسفی، شعر نو و ادبیات فارسی، ترجمه‌های متعددی از فلاسفه غربی؛ هگل، نیچه، راسل و دیگران را، در کارنامه خود دارد. وی پس از سال‌ها سکونت در تهران به شیراز بازگشته و هم‌اکنون ساکن زادگاه خویش است.

#### زندگی‌نامه

عبدالعلی دست‌غیب در ۱۶ آبان ۱۳۱۰ خورشیدی در شیراز به دنیا آمد. پدرش جواد، کارمند وزارت معارف (فرهنگ و آموزش و پرورش بعدی) در شهرستان‌های فیروزآباد و جهرم بود. عبدالعلی دست‌غیب تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در فیروزآباد و جهرم انجام داد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شد و پس از فراغت از تحصیل، به تدریس در دبستان‌های کازرون و نورآباد ممسنی پرداخت. وی پس از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به دلیل فعالیت سیاسی بازداشت شد و یک‌سال را در زندان شیراز گذراند. دست‌غیب پس از آزادی از زندان، به علت ممنوعیت از مشاغل دولتی، به کار در دفتر اسناد رسمی و روزنامه‌های محلی شیراز پرداخت و مدت سه سال نیز کارمند غیررسمی اداره بهداشت بود.

دست‌غیب در سال ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل به تهران رفت و وارد دانشسرای عالی شد. از گذراندن دوره سه ساله دانشسرای عالی در رشته فلسفه و علوم تربیتی، فوق لیسانس همین رشته را ادامه داد، اما به دلیل موانعی درس را رها کرد. از آن پس تا سال ۱۳۵۹ به تدریس ادبیات، نقد ادبی و جامعه‌شناسی هنر در دبیرستان‌ها، مدارس عالی و دانشسراهای مقدماتی در شیراز و تهران پرداخت. وی در سال ۱۳۵۹ به درخواست خود بازنشسته شد و از آن پس توانست وقت بیشتری را به مطالعه و نگارش اختصاص دهد.

عبدالعلی دست‌غیب از سال ۱۳۲۶ در روزنامه‌های شیراز همچون پارس و بهار ایران، و سپس در مجله‌ها و روزنامه‌های تهران همچون اطلاعات، کیهان، سخن، فردوسی، نگین، روشنفکر، امید ایران، پیام نوین، راهنمای کتاب، آینده، آدینه، کلک، کیهان فرهنگی، نیستان و ادبیات داستانی، مقاله‌ها و مطالب متعددی در زمینه‌های تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی و هنر نوشته‌است.

از دست‌غیب نزدیک به چهل کتاب منتشر شده‌است. دست‌غیب در سال ۱۳۷۴ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان منتقد نمونه برگزیده شد و لوح سپاس خدمات فرهنگی دریافت کرد. همچنین، در سال ۱۳۸۲ طی مراسمی در صدا و سیما، دست‌غیب به عنوان چهره ماندگار در رشته نقد ادبی شناخته شد و موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه گردید. در مراسم نکوداشتی که از سوی انجمن

آثار و مفاخر فرهنگی استان فارس برگزار شد، سومین نشان مفاخر این استان در دی ماه ۱۳۹۵ در مراسمی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به وی اهدا شد.

#### مستند

در سال ۱۳۹۴ مستندی با نام «این مرد نیچه نیست» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سعید کشاورز از زندگی عبدالعلی دستغیب ساخته و در شیراز اکران عمومی شد.

#### آثار

#### نقد و پژوهش‌های ادبی و تاریخی

- تحلیلی از شعر نو پارسی انتشارات صائب ۱۳۴۵
- شیوه نگارش نشر سپهر ۱۳۴۶
- پیام آوران عصر ما سورن کی‌پرکگور نیچه داستایفسکی کافکا نشر سپهر ۱۳۴۸
- سایه روشن شعرنو پارسی انتشارات فرهنگ ۱۳۴۸
- هنر و واقعیت مرکز نشر سپهر ۱۳۴۹
- نقد آثار شاملو نشر چاپار ۱۳۵۲
- نقد آثار غلامحسین ساعدی نشر چاپار
- هنرمند گذشته و آینده فرهنگی نشر آگاه ۱۳۵۲
- نقد آثار صادق چوبک نشر کانون پازند ۱۳۵۳
- فلسفه‌های اگزیستانسیالیسم نشر بامداد ۱۳۵۴
- نقد آثار محمدعلی جمال زاده نشر چاپار ۱۳۵۶
- نقد آثار کسروی انتشارات بازنده ۱۳۵۷
- هجوم اردوی مغول به ایران نشر علم ۱۳۶۷
- نقد آثار جلال آل احمد نشر ژرف ۱۳۷۱
- گرایش‌های متضاد در ادبیات معاصر ایران نشر خنیا ۱۳۷۱
- فلسفه تاریخ هگل نشر بدیع ۱۳۷۳
- از حافظ به گوته نشر بدیع ۱۳۷۳
- نگاهی به مهدی اخوان ثالث انتشارات مروارید ۱۳۷۳
- به سوی داستان‌نویسی بومی نشر حوزه هنری (سوره مهر) ۱۳۷۶
- نقد آثار و اندیشه‌های داستان نویسان بزرگ غرب نشر پیام امروز ۱۳۷۷
- نقد آثار احمد محمود تهران ۱۳۷۸
- نقد آثار بزرگ علوی نشر ایما ۱۳۷۸
- نقد آثار محمود دولت‌آبادی نشر ایما ۱۳۷۸
- حافظ شناخت نشر علم دوره دو جلدی بی تا ۱۳۷۸
- نقد آثار صادق هدایت مرکز نشر سپهر
- فلسفه نیچه نشر پرسش ۱۳۷۹
- کالبد شکافی رمان فارسی نشر سوره مهر ۱۳۸۳
- در آینه نقد نشر حوزه هنری (سوره مهر)
- فرهنگ و تعهد نشر نوید شیراز ۱۳۸۵
- بنیادها و رویکردهای نقد ادبی نشر نوید ۱۳۸۵
- از دریچه نقد دو جلدی نشر خانه کتاب ۱۳۸۶

- مدرن و پسامدرن نشر داستانسرا ۱۳۸۷
- نقد آثار علی اکبر دهخدا نشر نوید شیراز ۱۳۹۰
- نقد ادبی و نوعیت متن نشر نوید شیراز ۱۳۹۰

## ترجمه

- گزیده شعر شاعران انگلیسی زبان با محمود معلم نشر روز ۱۳۴۷
- چرا مسیحی نیستم برتراند راسل نشر فرهنگ ۱۳۵۱
- مرثیه‌های شمال اثر آنا آخماتوا نشر بابک ۱۳۵۴
- شامگاه بت‌ها اثر نیچه نشر سپهر ۱۳۵۷
- دجال اثر نیچه نشر پرسش ۱۳۷۶
- چهار سوار سرنوشت اثر ویلیام هابن نشر پرسش ۱۳۷۶ و (Four Prophets of Our Destiny: Dostoevsky, Kierkegaard, Nietzsche, and Kafk by: William Hubben)
- طوفان اثر شکسپیر با اسماعیل دولتشاهی نشر پرسش ۱۳۷۴
- هیدگر و شاعران اثر فوتی و رونیک ماریون نشر پرسش ۱۳۷۶
- کارل مارکس نوشته دیوید مک‌لنلان نشر پرسش ۱۳۷۹
- شوپنهاور اثر تامس تافه نشر پرسش ۱۳۷۹
- هر طور که بخواهید اثر ویلیام شکسپیر با اسماعیل دولتشاهی نشر نوید شیراز ۱۳۸۵
- فلسفه و حقیقت دانیل بری زیل، یادداشت‌هایی با ویراستاری نیچه، نشر نوید ۱۳۸۵ شابک: ۹۶۴-۳۵۸-۲۶۲-۰

## شعر

- گل‌های تاریک/مجموعه شعر نشر فرزین ۱۳۴۶
- تصویرهای رو به رو/دفتر شعر نشر فرهنگ ۱۳۵۲

## عبدالله انوار



زاده ۱۳۰۳ خورشیدی تهران

پیشه مترجم منطق‌دان محقق استاد فلسفه

نسخه‌شناس نسخه‌پژوه فهرست‌نویس  
ریاضی‌دان

والدین سید یعقوب انوار

**سید عبدالله انوار** (زاده ۱۳۰۳ خورشیدی) از دانشمندان و مترجمان ایرانی و از پیش‌کسوتان معاصر نسخه‌شناسی در ایران است. وی ریاضی‌دان، منطق‌دان، موسیقی‌دان، تهران‌شناس، نسخه‌پژوه، نسخه‌شناس، فهرست‌نویس، و متخصص متون کهن نیز هست. وی بیش از ۲۰ سال رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران بود و در طول دوران کاری خود حدود ۱۰ جلد فهرست نسخه‌های خطی به فارسی و عربی را تدوین کرد. وی یکی از حروف (مجلدات) لغت‌نامه دهخدا را نیز تدوین کرده‌است. او مسلط به سه زبان عربی، انگلیسی و فرانسه است و اکنون ترجمه شفاء ابن سینا از او در دست چاپ است. عبدالله انوار، دارای تصحیحات بسیاری است که از مهم‌ترین و مشهورترین آن‌ها می‌توان به جهانگشای نادری اشاره کرد.

## زندگی

### اوایل زندگی

سید عبدالله انوار در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در تهران متولد شد. پدرش سید یعقوب انوار شیرازی از علما و مجتهدان و فعالان مشروطه خواه و نماینده مجلس بود و در حوزه علمیه نیز تدریس می‌کرد. نسب خانواده انوار به فقیه نامدار عصر صفوی سید نعمت‌الله جزایری می‌رسید و نام خانوادگی انوار نیز از کتاب وی انوار نعمانیه گرفته شده‌است. مادرش دختر عموی میرزا علی خان امین‌الدوله بود.

### دانشگاه

انوار در سال ۱۳۲۱ وارد دانشگاه شد. سال ششم دبیرستان بود که هم‌زمان در سال اول رشته حقوق نیز درس می‌خواند. در آن سال‌ها حضور در کلاس درس در سال ششم دبیرستان رفتن به کلاس‌ها اختیاری بود و حضور و غیابی انجام نمی‌شد. در ایران آن زمان تنها یک مدرسه حقوق وجود داشت و فقط چهل دانشجو می‌گرفت. این دانشگاه یگانه دانشگاه ایران بود که کنکور داشت و کنکور آن هم سه زبانه بود؛ یعنی آزمون آن به زبان‌های فارسی، انگلیسی یا فرانسوی و عربی برگزار می‌شد؛ و دانشجویان باید این سه زبان را می‌دانستند تا بتوانند به سؤالات پاسخ دهند. خود وی برگزیدن رشته حقوق را به صرف دانشگاه رفتن می‌داند. به هر روی پدر با ادامه تحصیل وی در رشته حقوق مخالفت کرد. وی دلیل مخالفت پدر را چنین بیان می‌کند.

این جمله او را به خوبی به خاطر می‌آورم که در اعتراض به قبول شدنم در دانشگاه حقوق می‌گفت: «انسان امور اعتباری را جایگزین امور عقلی نمی‌کند، تا امر عقلی هست به امر اعتباری نباید پرداخت؛ لذا به جای اینکه بیایی فلسفه یا ریاضی بخوانی چرا به مدرسه حقوق می‌روی که بیشتر مباحثش امور اعتباری است؟»

بنابراین به امر پدر به دانشسرای عالی رفت و در رشته ریاضی شروع به تحصیل کرد و توانست از استادانی همچون دکتر هشترودی و استادانی که تازه از پاریس برگشته بودند، استفاده کند. تبحر او بیشتر در سه علم ریاضی، منطق و موسیقی است. هر چند در کنار این سه مسلط بر علوم اسلامی و فلسفه نیز هست؛ شایان توجه است که سید عبدالله انوار در کنار آموزش آکادمیک، با نظارت پدر اقدام به فداگیری دروس حوزوی نموده است. او در ایام جوانی کتاب شرح منظومه سبزواری را بر مرتضی مطهری خوانده است.

### تدریس

انوار پس از فارغ‌التحصیلی و انجام خدمت سربازی در وزارت فرهنگ و هنر استخدام شد و به مدت پنج سال در مدارس متوسطه انگلیسی تدریس کرد. هنوز هم دروس او در منطق، ادبیات عرب و... برقرار است.

## آثار

- شرح و ترجمه ۲۲ جلد کتاب شفای بوعلی‌سینا (غیر از دو دفتر جوامع علم موسیقی و حساب که بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا چاپ کرده، این مجموعه منتشر نشده است).
- شرح و ترجمه «شرح اشارات» خواجه نصیر
- تعلیقه مفصل بر دانشنامه علایی ابن سینا
- ترجمه مقاصدالفلاسفه غزالی
- ترجمه شرح تلویحات شیخ اشراق
- ترجمه و شرح منطق‌الملخص امام فخر رازی
- شرح و تعلیقه دره‌التاج علامه قطب‌الدین شیرازی
- شرح و تعلیقه بر مصنفات بابا افضل کاشی نوش‌آبادی
- شرح موسیقی‌الکبیر فارابی
- شرح فرائدالاصول شیخ مرتضی انصاری
- شرح متافیزیک ارسطو
- ترجمه جستارهای فلسفی ویتگنشتاین
- ترجمه تطور حیات، برگسون
- ترجمه حکومت الهی اثر سنت توماس آگوستین
- ترجمه سمبولیسم در دین
- متن و تعلیقات اساس الاقتباس خواجه نصیر الدین طوسی
- تصحیح تاریخ جهانگشای نادری

## عبدالوهاب نورانی وصال



زاده

۱۳۰۲

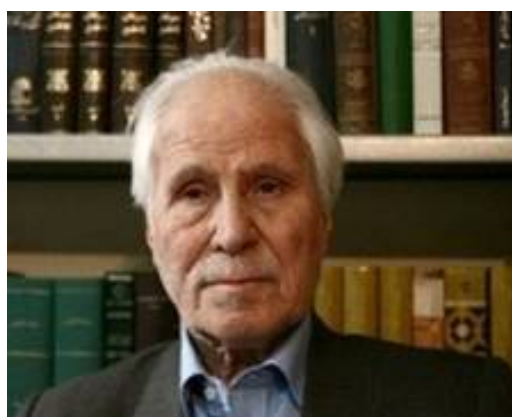
درگذشته

۱۳۷۳

پیشه	مصحح، پژوهشگر و مترجم
جوایز مهم	کتاب سال ایران
همسر(ها)	طاهره صفارزاده

عبدالوهاب نورانی وصال (۱۳۰۲-۱۳۷۳) نویسنده ایرانی و استاد ادبیات فارسی دانشگاه شیراز بود. او برای تصحیح کتاب فرائد السلوک برگزیده هشتمین دوره کتاب سال ایران شد.

### عزیزاله جوینی



عزیزاله جوینی (زاده ۲ آذر ۱۳۰۴ - درگذشته ۲۵ بهمن ۱۳۹۱)، مصحح، محقق، نسخه‌شناس، مصحح متون کهن ادبی و شاهنامه‌پژوه، استاد دانشگاه تهران بود.

### زندگی‌نامه

در ۲ آذر ماه سال ۱۳۰۴ در روستای کلاته علی در نزدیکی شهر اسفراین به دنیا آمد. وی تحصیلاتش را تا دوره دکترا ادامه داد و در حوزه ادبیات فارسی و عربی، تلاش‌های بسیاری انجام داد. وی همچنین استاد بازنشسته دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود.

### شاهنامه فلورانس

عزیزالله جوینی شاهنامه فلورانس، نسخه خطی موزه فلورانس را دکتر عزیزالله جوینی در هشت جلد تصحیح نموده که توسط انتشارات دانشگاه تهران تا کنون ۷ جلد آن چند بار چاپ شده و جلد هشتم در دست چاپ می‌باشد. این نسخه از شاهنامه ناتمام است و تقریباً شامل نیمی از متن اثر است.

### درگذشت

دکتر جوینی به دلیل خونریزی دستگاه گوارشی در بیمارستان بستری شد و وی بعد از کمای سه‌روزه در پی خونریزی داخلی، حدود ساعت ۲ بامداد چهارشنبه، ۲۵ بهمن سال ۱۳۹۱ در بیمارستان تهران کلینیک از دنیا رفت. و در قطعه نام آوران بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

### سالشمار زندگی

۱۳۰۴ ش: تولد ۲ آذرماه، در روستایی پایین جلگه اسفرآیین. (اسفراین)

- ۱۳۱۰ ش: آغاز آموزش نزد مکتب خانه پدر با کتا بهای قرآن و گلستان سعدی.
- ۱۳۱۱ ش: فوت مادر، خانم گلستان جوینی.
- ۱۳۱۳ ش: تحصیل در ده تاریخی ادکان و رفتن به مدرسه و نشستن در کلاس سوم پس از آزمونی که مدیر مدرسه آقای شیخ عبدالحسین شکوهی (نظری) به عمل آورد.
- ۱۳۱۶-۱۹ ش: فراگیری حرفه خیاطی و شاگردی مغازه ای در روستای اندیه جوین.
- ۱۳۲۱ ش: فوت پدر، آقای حجت ا... جوینی.
- ۱۳۲۴ ش: سفر به مشهد مقدس برای کسب علوم حوزوی
- ۱۳۲۴-۲۹ ش: تحصیل در مدرسه میرزا جعفر مشهد مقدس با هدایت و ارشادات آقای شاهچراغی، اهل نیشابور و معروف به سید نیشابوری تا مرحله درس خارج.
- ۱۳۲۹-۳۰ ش: تحصیل دروس علوم جدید به صورت متفرقه آزاد در آموزشگاه شبانه مستوفی تا سیکل اول به توصیه شیخ هاشم قزوینی.
- ۱۳۳۰ ش: استخدام در وزارت فرهنگ خراسان پس از گرفتن سیکل اول و با اجازه میرزا جواد آقا تهرانی.
- ۱۳۳۵ ش: دریافت سه دیپلم - علمی، دانشسرا و ششم ادبی.
- ۱۳۳۵ ش: پذیرفته شدن در دانشگاه تهران و انصراف به دلیل مشکلات انتقال آموزگاران به تهران.
- ۱۳۳۹ ش: دریافت لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد مقدس.
- ۱۳۳۹ ش: ازدواج با خانم فروغ طاهری.
- ۱۳۴۱ ش: ۱ دی ماه، تولد اولین فرزند (سیامک جوینی، مدرس زبان انگلیسی).
- ۱۳۴۲ ش: ۲۸ اسفندماه، تولد دومین فرزند (کیومرث جوینی، دکترا).
- ۱۳۴۶ ش: سفر به تهران برای ادامه تحصیلات تکمیلی.
- ۱۳۴۸ ش: دریافت فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.
- ۱۳۵۰ ش: دریافت دانشنامه دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران با درجه ممتاز.
- ۱۳۵۰ ش: ۱۹ خرداد ماه، تولد سومین فرزند (دکتر مازیار جوینی، پزشک تاریخ درگذشت ۵ بهمن ۱۳۹۳).
- ۱۳۵۰-۸۲ ش: تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران.
- ۱۳۷۰-۷۲ ش: سفر به لهستان و تدریس زبان و ادبیات فارسی در انستیتوی خاورشناسی دانشگاه لهستان.
- ۱۳۷۵ ش: تألیف خلاصه خمسه حکیم نظامی گنجوی اثر نظامی گنجوی، تصحیح دکتر عزیزا... جوینی، چاپ سوم. اثر حاضر به عنوان کتاب سال مورد تشویق قرار گرفته است.
- ۱۳۷۶ ش: تصحیح کتاب تفسیر نسفی (دوره دو جلدی) اثر امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی، چاپ اول.
- ۱۳۷۷ ش: تصحیح کتاب فرهنگ مصادر اللغه (عربی به فارسی، بخش ثلاثی مزید فیه)، اثر (ابوجعفر احمد بن علی، چاپ دوم، (چاپ اول 1362

- ۱۳۷۸ ش: تصحیح و شرح واژگان کتاب فرهنگ مجموعه الفرس (فارسی به فارسی) تألیف (ابوالعلاء عبدالمومن جاروتی، معروف به صفی کحال، چاپ دوم، (چاپ اول 1356
- ۱۳۷۸ ش: تصحیح کتاب مفردات قرآن، مؤلف قرن پنجم نامعلوم، چاپ دوم، (چاپ اول 1359)
- ۱۳۸۲ ش: بازنشستگی از دانشگاه.
- از دستنویس موزه فلورانس (دوره پنج جلدی) اثر حکیم «شاهنامه» ۱۳۸۲ ش: تصحیح (ابوالقاسم فردوسی، چاپ دوم، (چاپ اول 1377
- ۱۳۸۲ ش: داستان رستم و سهراب (از دستنویس موزه فلورانس، محرم ۶۱۴)، گزارش واژگان دشوار و برگردان همه ابیات بفارسی روان، چاپ اول.
- از دستنویس موزه فلورانس (دوره پنج جلدی، جلد چهارم)، اثر «شاهنامه»: ۱۳۸۴ ش حکیم ابوالقاسم فردوسی، گزارش واژگان دشوار و برگردان همه ابیات بفارسی روان، چاپ اول.
- ۱۳۸۴ ش: نبرد اندیشه‌ها در داستان رستم و اسفندیار (از دستنویس لنینگراد)، اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی، گزارش واژگان دشوار و برگردان همه ابیات بفارسی روان، چاپ دوم، چاپ اول 1374
- ۱۳۸۵ ش: تصحیح کتاب نهج البلاغه (با ترجمه فارسی قرن پنجم و ششم) چاپ دوم، ((چاپ اول 1377 از دستنویس موزه فلورانس (دوره پنج جلدی، جلد دوم)، اثر حکیم «شاهنامه»: ۱۳۸۵ ش ابوالقاسم فردوسی، گزارش واژگان دشوار و برگردان همه ابیات بفارسی روان، چاپ دوم، ((چاپ اول 1377 از دستنویس موزه فلورانس (دوره پنج جلدی، جلد سوم)، اثر حکیم «شاهنامه»: ۱۳۸۵ ش ابوالقاسم فردوسی، گزارش واژگان دشوار و برگردان همه ابیات به فارسی روان، چاپ دوم. ((چاپ اول 1380
- ۱۳۸۸ ش: تألیف داستان فرود سیاوش به نثر.
- ۱۳۸۸ ش: تألیف داستان زال و رودابه به نثر.
- ۱۳۹۰ ش: تألیف داستان بیژن و منیژه به نثر.
- ۱۳۹۱ ش: ۲ نیمه شب چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه، درگذشت در بیمارستان تهران کلینیک به علت بیماری سرطان کبد.

## تالیفات

دکتر جوینی بیش از ۸۰ مقاله در حوزه‌های مختلف ادبیات نقد و منتشر کرده‌است. وی همچنین ترجمه‌های بسیاری از عربی و انگلیسی به زبان فارسی دارد. از میان کتاب‌های او به این عنوان‌ها می‌توان اشاره کرد:

- «تصحیح و شرح فرهنگ مجموعه الفرس»
- «تصحیح مفردات قرآن»
- «تصحیح تفسیر نسفی» (ترجمه‌ای کهن از قرآن به فارسی موزون و مسجع)
- «تصحیح فرهنگ مصادره اللغه»
- «تصحیح نهج البلاغه»

جوینی تصحیح جلد هفتم شاهنامه فردوسی را از روی نسخه موزه فلورانس به سرانجام رساند. دکتر جوینی در جلد هفتم که شامل داستان بیژن و منیژه است کوشیده بود تا همان شیوه مجله‌های قبلی را دنبال کند و از این رو به شرح واژگان دشوار و برگردان همه ابیات در شاهنامه پرداخت:

- «شرح واژگان دشوار و برگردان همه ابیات شاهنامه» (از دست‌نویس موزه فلورانس)
- «نبرد اندیشه‌ها در داستان رستم و اسفندیار»
- «داستان زال و رودابه» (از دست‌نویس موزه فلورانس)
- «داستان فرود سیاوش» (از دست‌نویس موزه فلورانس)
- «داستان بیژن و منیژه»
- «داستان رستم و سهراب» (از نسخه فلورانس)

#### اظهارات دیگران

دکتر سجاد آیدنلو (شاهنامه پژوه، مدرس دانشگاه پیام نور ارومیه و از دوستان نزدیک دکتر جوینی):  
 به نظر من اهمیت دکتر جوینی و نقش ایشان در شاهنامه‌شناسی در دو نکته است:  
 نخست این که وی اولین کسی بود که به چاپ حروفی و مقطعی دست‌نویس‌های شاهنامه همت گماشت.  
 دومین ویژگی منحصر به دکتر جوینی، فضل تقدم آغاز شرح‌نویسی کامل شاهنامه است. ایشان نخستین کسی بود که شاهنامه را از بیت اول به بعد حروف چینی و شرح کرد.

#### علی اشرف صادقی



۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۰

قم، ایران

زاده

کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

جایزه ها

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت	زبان‌شناسی
محل کار	دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران فرهنگستان زبان و ادب فارسی عضو پیوسته

**علی اشرف صادقی** (زاده ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۰ در قم) زبان‌شناس ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. او به‌عنوان چهره ماندگار در حوزه ادبیات معرفی شده است.

### زندگی

صادقی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۰ در خانواده‌ای مذهبی در قم به دنیا آمد. پدرش معلم و پدربزرگش، اشرف الواعظین، واعظ بود. پدر پدربزرگش نیز مجتهد بود. صادقی، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در حکیم نظامی قم، در ۱۳۳۸ به دانشگاه تهران رفت و در ۱۳۴۱ لیسانس ادبیات فارسی گرفت. وی در ۱۳۴۲ به دانشگاه سوربن در فرانسه رفت و در آنجا در رشته زبان‌شناسی عمومی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۴۶، پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت.

### فعالیت‌ها

علی اشرف صادقی در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در تنظیم بخشی از حرف «گ» لغت‌نامه دهخدا همکاری داشته است. پس از بازگشت به ایران، صادقی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول به کار شد و تا کسب رتبه استادی پیش رفت. او سرانجام در آغاز سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷، به درخواست خود، بازنشسته شد؛ زیرا می‌خواست تمام همت خود را مصروف تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی کند. این فرهنگ طرحی است که از اواسط دهه ۱۳۷۰، با حمایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و زیر نظر علی اشرف صادقی آغاز شده و جلد اول آن، مشتمل بر حرف «آ»، در سال ۱۳۹۲ منتشر شد. صادقی مدیر گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان است و دبیری مجله فرهنگ‌نویسی را بر عهده دارد. او همچنین پایه‌گذار مجله زبان‌شناسی است و تا سال ۱۳۸۶ سردبیر آن بود. صادقی همچنین از ویراستاران دانشنامه ایران و اسلام، دانشنامه جهان اسلام و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بوده است.

### کتاب‌شناسی

- دستور زبان فارسی (با همکاری غلامرضا ارژنگ)، کتاب درسی سال دوم، سوم و چهارم دبیرستان، تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۸
- تکوین زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۷
- مسائل تاریخی زبان فارسی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰
- تصحیح لغت فرس اسدی، با همکاری دکتر فتح‌الله مجتبائی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۵
- زبان‌شناسی نوین: نتایج انقلاب چامسکی (ترجمه دو فصل)، نیل اسمیت و دیردری ویلسون. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷

- نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹
- فرهنگ املائی خط فارسی، علی اشرف صادقی و زهرا زندی مقدم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- یادنامه دکتر احمد تفضلی، تهران: سخن، ۱۳۷۹
- تصحیح فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران تبریزی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰
- فارسی قمی، قم: انتشارات باورداران، ۱۳۸۰
- زبان‌های ایرانی، یوسف میخائیلویچ آرانسکی، علی اشرف صادقی (مترجم)، تهران: سخن، ۱۳۷۸
- تهران: جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، سیدحسین نصر، علی اشرف صادقی، مصطفی مؤمنی و فرزانه ساسان‌پور، تهران: کتاب مرجع

### علی دهباشی



نام اصلی: علی اکبر جعفر دهباشی

زاده: ۱ فروردین ۱۳۳۷ تهران

پیشه: سردبیر مجله بخارا

علی اکبر جعفر دهباشی معروف به **علی دهباشی**، (زاده ۱ فروردین ۱۳۳۷ در تهران)، روزنامه‌نگار، ادب پژوه، نویسنده و سردبیر مجله بخارا است. او تلاش گسترده‌ای در معرفی آثار و زندگی بزرگان فرهنگ و ادب و هنر ایران و جهان داشته‌است.

زندگی

علی دهباشی همزمان با تحصیل از سال آخر دبستان کار در چاپخانه را آغاز کرد و به‌عنوان مصحح نمونه‌های چاپی چندین انتشاراتی در چاپخانه «مسعود سعد» کار می‌کرد. از همان سال‌ها با استادان صاحب‌نامی از فرهنگ و ادب معاصر کار کرد و با مبانی فرهنگ، تاریخ و ادبیات ایران آشنا شد.

او در دوران نوجوانی از اعضای فعال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌رفت و چندین روزنامه دیواری که ماه‌ها مورد بازدید و مطالعه علاقه‌مندان قرار گرفت تنظیم و اجرا کرد. بعدها فعالیت روزنامه‌نگاری خود را با همکاری در نشریه «جنبش» آغاز کرد که از مدتی پیش از انقلاب اسلامی توسط علی‌اصغر حاج سید جوادى به‌صورت زیراکسی و مخفی منتشر می‌شد و این همکاری بعد از پیروزی انقلاب هم ادامه یافت. پس از آن با انتشارات رواق به سرپرستی شمس آل‌احمد همکاری داشت که ناشر آثار جلال آل‌احمد بود.

علی دهباشی با ماهنامه‌ها و نشریات ادبی، فرهنگی و هنری همچون «آرش»، «برج»، «چراغ»، «دنیای سخن» و «آدینه» و «دفتر هنر» همکاری مستمر داشته‌است. او از سال ۱۳۶۹ به مدت هفت سال سردبیر ماهنامه کلک بود. ماهنامه کلک از نشریات معتبر در زمینه فرهنگ، ادبیات و ایرانشناسی به‌شمار می‌رود که مورد مراجعه استادان دانشگاه‌های ایران و ایران‌شناسان جهان است؛ و بسیاری از صاحب‌نامان عرصه فرهنگ و ادب ایران از همکاران و نویسندگان این مجله بودند.

علی دهباشی از شهریور ۱۳۷۷ به بعد سردبیری مجله بخارا را بر عهده داشته‌است که در آن در زمینه فرهنگ، ادبیات و ایرانشناسی مقالاتی منتشر می‌شود. دهباشی در بخارا ویژه‌نامه‌هایی درباره نویسندگان بزرگ جهان منتشر کرده‌است. وی همچنین یکسال سردبیر فصلنامه هنری طاووس بوده‌است.

به کوشش علی دهباشی مراسمی با عنوان «شب‌های بخارا» برگزار شده‌است که در آن‌ها به تجلیل از بزرگان فرهنگ و ادب و هنر پرداخته می‌شد. این برنامه‌ها هم اکنون ادامه دارد و به پانصد و نود و سه شب رسیده است. برنامه‌های دیگری نیز با عنوان عصر پنجشنبه‌ها در دفتر بخارا برگزار می‌شد. در سالهای اخیر جلساتی دیگر را راه اندازی کرد با عنوان «صبح پنجشنبه‌های بخارا» که شامل دیدار و گفتگو با هنرمندان و نویسندگان بود که تا کنون یکصد و چهل هشت صبح پنجشنبه برگزار شده که با شیوع ویروس کرونا موقتا متوقف شده است.

امور انتشار کتاب از دیگر زمینه‌های فعالیت دهباشی است او در این زمینه مدیریت «انتشارات شهاب» را به‌عهده دارد و بیش از چهل و پنج عنوان کتاب در زمینه فرهنگ و ادب فارسی و جهان منتشر کرده‌است.

علی دهباشی علاوه بر اینها سه سال ویراستار فصلنامه فرهنگستان علوم بوده و ویراستار انتخاب شده هیئت امناء چاپ آثار محمدعلی جمال‌زاده است.

او همچنین با مجله «نقد و بررسی کتاب تهران» همکاری داشت و از فروردین ۱۳۸۲ تا مهر ماه ۱۳۸۴ سردبیر فصلنامه «سمرقند» بوده‌است که ده شماره از این مجله را منتشر کرد و علاوه بر بخارا سردبیری «فصلنامه سیمیا» نیز هست.

فهرست چاپ‌کرده‌ها



دهباشی و تورج دریایی در نشست «مطالعات تمدن ساسانی در دوره معاصر»، تهران ۱۳۹۲



علی دهباشی در کنار جلال خالقی مطلق، «شب خالقی مطلق»، ۱۳۹۳

کتاب‌های متعددی در قالب یادنامه، مجموعه مقالات، و تجدید چاپ کتب نایاب، به کوشش علی دهباشی منتشر شده‌است از جمله:

- سفرنامه مظفرالدین‌شاه به فرنگ، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، از انتشارات کتاب فرزانه، تهران، ۱۳۶۱.
- یادداشت‌های دکتر قاسم غنی (جلد اول: زندگی من) با مقدمه علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات آبان، تهران، ۱۳۶۱.
- سرکوبگر جنگل (خاطرات ژنرال ماژور - دنسترویل)، ترجمه حسین انصاری، با مقدمه علی دهباشی، چاپ دوم، از انتشارات فرزانه، تهران، ۱۳۶۲.
- آثار العجم، محمد نصیر حسینی (فرصت‌الدوله شیرازی)، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات یساوولی، تهران، ۱۳۶۲.
- سفرنامه برادران شری، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۲. چاپ دوم، ۱۳۷۸، انتشارات به‌دید. چاپ سوم، انتشارات نگاه، ۱۳۸۷.
- سفرنامه شاردن (بخش اصفهان)، ترجمه حسین عریضی، با مقدمه علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۲.
- سفرنامه حاج سیاح به فرنگ، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۳. چاپ دوم، ۱۳۷۸، انتشارات سخن و شهاب ثاقب. چاپ سوم، ۱۳۷۹، انتشارات سخن و شهاب ثاقب.
- یادنامه جلال آل‌احمد (جلد اول)، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات پاسارگاد، تهران، ۱۳۶۴. چاپ دوم، انتشارات به‌دید، ۱۳۷۸.
- نامه‌های جلال آل‌احمد (جلد اول)، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات پیک، تهران، ۱۳۶۴. چاپ دوم، ۱۳۶۵، انتشارات بزرگمهر. چاپ سوم، ۱۳۷۹، انتشارات به‌دید. چاپ چهارم، نشر افست گرافیک، ۱۳۸۷.

- نامه‌های کمال‌الملک، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات بزرگمهر، تهران، ۱۳۶۶.
- چاپ دوم، انتشارات بهنگار، تهران، ۱۳۶۸.
- یادنامه کمال‌الملک، به‌کوشش داراب بهنام شباهنگ و علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات چکامه، تهران، ۱۳۶۴. چاپ دوم، انتشارات به‌دید، تهران، ۱۳۷۹.
- کتاب بهنگار، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات بهنگار، تهران، ۱۳۶۸.
- حماسه فتحنامه نایبی، سروده: منتخب‌السادات یغمائی، با مقدمه و تصحیح ملک‌المورخین سپهر، با اهتمام و توضیحات علی دهباشی. انتشارات اسپرک، تهران، ۱۳۶۸.
- طغیان نایبیان در جریان انقلاب مشروطیت ایران، نوشته محمدرضا خسروی، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات بهنگار، تهران، ۱۳۶۸.
- خاطرات سیاسی ایرج اسکندری، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۸. چاپ دوم، انتشارات علمی، ۱۳۶۸. چاپ سوم، انتشارات علمی، ۱۳۷۹.
- برگزیده اشعار پروین اعتصامی، به انتخاب و مقدمه علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۶۹.
- یادنامه پروین اعتصامی، گردآورده علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات دنیای مادر، تهران، ۱۳۷۰.
- فردوسی و شاهنامه، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات مدبر، تهران، ۱۳۷۰.
- گل رنج‌های کهن، نوشته دکتر جلال خالقی مطلق، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲. چاپ دوم، نشر ثالث، ۱۳۸۸.
- یادگار نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- یادنامه ابوالحسن صبا، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر ویدا، تهران، ۱۳۷۶.
- در تاریکی هزاره‌ها، ایرج اسکندری، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۷. چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰. چاپ سوم، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۵.
- یاد سیدمحمدعلی جمالزاده، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ۱۳۷۷.
- رباعیات حکیم عمر خیام، با مقدمه علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات هنر سرای هنر گویا، تهران، ۱۳۷۷. چاپ دوم، انتشارات هنر سرای گویا، پاییز ۱۳۸۱.
- یادنامه سهراب شهید ثالث، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸.
- یادنامه علامه محمد قزوینی، به‌کوشش علی دهباشی، (با مقدمه دکتر عبدالحسین زرین‌کوب)، چاپ اول، انتشارات کتاب و فرهنگ، تهران، ۱۳۷۸.
- خاطرات اردشیر آوانسیان، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸. چاپ دوم، انتشارات سخن و شهاب، ۱۳۷۹.
- آئینه عبرت (خاطرات دکتر نصرالله سیف‌پور فاطمی)، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸.
- برگزیده آثار سیدمحمدعلی جمالزاده، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸.
- به نرمی باران (جشن‌نامه فریدون مشیری)، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸. چاپ دوم، انتشارات سخن و شهاب، ۱۳۷۹.
- خاطرات پرنس ارفع، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸. چاپ دوم، انتشارات سخن و شهاب، ۱۳۷۹.
- قصه‌نویسی، سیدمحمدعلی جمالزاده، به‌کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸.

- خاطرات سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش ایرج افشار و علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۷۸.
- تلخ و شیرین، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۹.
- اندک آشنایی با حافظ، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۹.
- یکی بود و یک نبود، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۹.
- قصه ما بهسر رسید، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۹.
- قلنتش دیوان، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۹.
- تاریخ روابط روس و ایران، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۴.
- کشکول جمالی، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۴.
- هزار پیشه، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۴.
- گنج شایگان، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ سوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۴.
- خرنامه، (منطق الحمار) محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات کتاب پنجره، تهران، پاییز ۱۳۷۹. چاپ دوم، انتشارات کتاب پنجره، اسفند ۱۳۷۹. چاپ سوم، انتشارات کتاب پنجره، تیرماه ۱۳۸۱. چاپ چهارم، انتشارات کتاب پنجره، ۱۳۸۲. چاپ پنجم، انتشارات کتاب پنجره، ۱۳۸۳. چاپ ششم، انتشارات کتاب پنجره، ۱۳۸۷.
- کارنامه زرین (یادنامه دکتر عبدالحسین زرینکوب)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- خاطرات سیاسی دکتر فریدون کشاورز، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر آبی، تهران، ۱۳۷۹.
- گفتگوها (مجموعه مصاحبه‌ها با شخصیت فرهنگی، هنری و ایران‌شناسان)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات صدای معاصر، تهران، ۱۳۷۹.
- آسمان و ریسمان، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۹.
- یاد صادق چوبک، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۰.
- زندگی سیاسی و اجتماعی مظفر فیروز، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن و شهاب، تهران، ۱۳۸۰.
- کهنه و نو، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۰.
- قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۰.
- یادهایی از گذشته (خاطرات دکتر غلامحسین فروتن)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۰.

- هفت کشور، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۰.
- یاد صادق هدایت، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۰.
- در راه بازگشت (یادنامه دکتر عبدالحسین زرینکوب)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر بهدید، تهران، ۱۳۸۰.
- یادنامه سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱.
- خانه دایی یوسف (خاطرات اتابک فتح‌اللهزاده)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۸۱.
- سر و ته یک کرباس، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱.
- سخن‌های دیرینه (مجموعه مقالات دکتر جلال خالقی مطلق)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر افکار، تهران، ۱۳۸۲. چاپ دوم، نشر افکار، ۱۳۸۶. چاپ سوم، نشر افکار، ۱۳۸۸.
- یاد مادر در سروده‌های شاعران، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات بهار سبز، تهران، ۱۳۸۲.
- قنبر علی، سیدمحمدعلی جمالزاده، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲.
- تحفه‌های آن جهانی (سیری در زندگی و آثار مولانا)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲. چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۴.
- تاریخ شفاهی نشر ایران، بهکوشش عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۲.
- تاریخ شفاهی مطبوعات ایران، بهکوشش سید فرید قاسمی و علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۲.
- زنی با دامنی از شعر (جشن‌نامه سیمین بهبهانی)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۲.
- اصفهان (آلبوم عکس هفت عکاس از اصفهان)، نویسنده متن: علی دهباشی، قطع رحلی، انتشارات گویا، تهران، ۱۳۸۳.
- می و مینا (سیری در زندگی و آثار حکیم عمر خیام)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات گویا، تهران، ۱۳۸۳.
- بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۳.
- یادنامه دکتر مهدی سمسار، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۳.
- کتابفروشی (یادنامی بابک افشار)، به خواستاری ایرج افشار (با همکاری عبدالحسین آذرنگ، علی دهباشی، سید فرید قاسمی و نادر مطلبی کاشانی)، انتشارات شهاب ثاقب، تهران، ۱۳۸۳.
- نقد و بررسی گلی ترقی، بهکوشش علی دهباشی و مهدی کریمی، چاپ اول، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۳.
- یاد بزرگ علوی، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۴.
- شناختنامه تقی مدرس، بهکوشش علی دهباشی و مهدی کریمی، چاپ اول، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۴.
- یاد یار مهربان (سیری در زندگی و سروده‌های رودکی)، بهکوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر صدای معاصر، تهران، ۱۳۸۵.

- یزد (آلبوم عکسهای سعید محمودی از ناوه) نویسنده متن: علی دهباشی، قطع رحلی، انتشارات گویا، تهران ۱۳۸۶.
  - سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر اختران، تهران ۱۳۸۷.
  - زندگی و اندیشه زرتشت (سیری در زندگی و آموزه‌های زرتشت) به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر افکار، تهران، ۱۳۸۷.
  - شاخه‌های شوق در ۲ جلد (یادگار نامه بهاء‌الدین خرمشاهی) به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر قطره، تهران ۱۳۸۷.
  - شناختنامه ویرجینیا وولف، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۸۸.
  - نوروزنامه (نوروز، آئین‌ها و جشن‌ها) به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، انتشارات افکار، تهران ۱۳۸۸.
  - شناختنامه تاگور به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر نیک، ۱۳۸۸.
  - شناختنامه ایتالوکالوینو به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر کتاب خورشید، ۱۳۸۹.
  - شناختنامه آنا آخمتووا به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، نشر نیک، ۱۳۸۹.
- او همچنین آثار متعددی را در نوبت چاپ دارد.

### علی رواقی



**علی رواقی** (زاده ۸ آذر ۱۳۲۰، مشهد) استاد ادبیات فارسی، قرآن‌پژوه، شاهنامه‌پژوه، مصحح و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. او برگزیده دومین همایش چهره‌های ماندگار (۱۳۸۱) است.

### تحصیلات

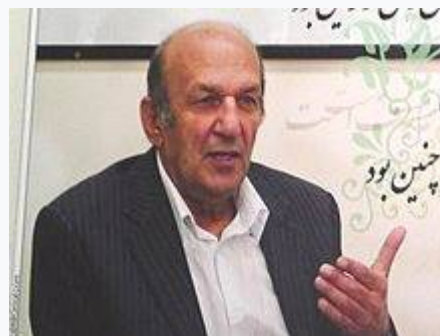
- دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۳
- کارشناسی ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، ۱۳۴۸
- کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۴

### آثار

- منتخب نثر فارسی
- پژوهش و قرآن مترجم قدس قرآن قدس
- تصحیح ترجمه مقامات حریری

- تصحیح تفسیر قرآن پاک (با مقدمه مجتبی مینوی)
- تصحیح جلد اول تفسیر بصائر یمینی
- تصحیح فرهنگ تکملة الاصناف
- تصحیح مقاصد اللغه و تفسیر ۶ جلدی بصائر یمینی
- ذیل فرهنگ‌های فارسی
- زبان فارسی در ماوراءالنهر
- سبک‌شناسی یا گونه‌شناسی ترجمه‌های قرآن
- گزیده شاهنامه
- فرهنگ فارسی تاجیکی
- فرهنگ مصدر در زبان فارسی
- فرهنگواره و واژگان قرآنی فارسی
- همکاری با مجتبی مینوی و مهدی محقق در تصحیح دیوان ناصر خسرو
- ترجمه قرآن موزه پارس شیراز
- زبان فارسی افغانستان ([دری])

### علی محمد حق شناس



زاده ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ جهرم

درگذشته ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹  
بیمارستان پیامبران، تهران

پیشه زبان‌شناس، فرهنگ‌نویس، مترجم، شاعر و  
استاد دانشگاه

زمینه زبان‌شناسی  
کاری

جوایز جایزه کتاب سال (۱۳۸۰) (برای  
مهم تألیف فرهنگ انگلیسی به فارسی هزاره

**علی محمد حق شناس** (۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۹، جهرم - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹، تهران) زبان‌شناس، فرهنگ‌نویس و شاعر ایرانی، استاد گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، مؤلف و مترجم آثار متعدد در زمینه ادبیات، زبان‌شناسی، تاریخ زبان‌شناسی و فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی بود. او از اعضای شورای بازنگاری در شیوه نگارش و خط فارسی بود.

### زندگی

علی محمد حق شناس در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ در خانواده‌ای مذهبی از بیت آیت‌الله حق شناس در جهرم به دنیا آمد. دیپلم ادبی را از دبیرستان نمازی شیراز اخذ کرد. حق شناس از دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم کنونی) در رشته زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفت. سپس عازم انگلستان شد و از دانشگاه لندن در رشته زبان‌شناسی و آواشناسی همگانی دکتری گرفت. وی در سال ۱۳۵۲ به ایران بازگشت. نخست در دانشگاه ملی (دانشگاه شهید بهشتی کنونی) و بعد در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. او در سال ۱۳۸۵ به عنوان چهره ماندگار معرفی شد. حق شناس در روز جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹ در بیمارستان پیامبران تهران درگذشت.

### کتاب‌شناسی

#### تألیف

- آواشناسی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۶
- فرهنگ انگلیسی به فارسی هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹
- این کتاب، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.
- زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۲
- مجموعه مقالات ادبی زبان‌شناختی، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۰
- بازگشت دیالکتیک، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۸
- دستور زبان فارسی (ویژه دوره‌های کاردانی و کارشناسی پیوسته و ناپیوسته آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم) (تألیف گروهی)، علی محمد حق شناس، حسین سامعی، سیدمهدی سمائی و علاءالدین طباطبایی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۷
- بودن در شعر و آینه (مجموعه شعر)
- زبان فارسی (۱)، (۲) و (۳): سال اول، دوم و سوم دبیرستان (تألیف گروهی)، به همراه احمد سمیعی گیلانی، حسین داوودی، محمدرضا سنگری، تقی وحیدیان کامیار و حسن ذوالفقاری.

#### ترجمه

- تاریخ مختصر زبان‌شناسی (ترجمه)، نوشته آر.اچ. روبینز، نشر مرکز، ۱۳۷۰
- تاریخ زبان‌شناسی (ترجمه)، نوشته پیتر سورن، انتشارات سمت، ۱۳۸۷
- مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب (ترجمه)، نوشته پیتر سورن، انتشارات سمت، ۱۳۸۸
- بودا (ترجمه)، نوشته مایکل کریدرز، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳
- تولستوی (ترجمه)، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱
- رمان به روایت رمان‌نویسان (ترجمه)، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰
- زبان (ترجمه)، اثر ادوارد ساپیر، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶
- زبان (ترجمه)، اثر لئونارد بلومفیلد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹
- سروانتس (ترجمه) تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۳
- وطن‌فروش (ترجمه)، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴

## علی میرانصاری



علی میرانصاری، از محققان معاصر ایران و متولد 1337ش، در تهران است.

## تحصیلات

وی دوره دکترای ایران‌شناسی را در یکی از دانشگاه‌های انگلیس گذرانده است.

او در زمینه زبان و ادبیات فارسی، به‌ویژه درباره زندگی و آثار علمی مشاهیر ادبی ایران تحقیقات ارزنده‌ای نموده است. وی در این باره، کتابی نیز با نام «اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران» منتشر کرده است.

این کتاب، مجموعه‌ای است تحقیقی پیرامون اسناد علمی - اداری بیش از شصت تن از شاعران و ادیبان ایران که همگی از پایه‌گذاران ادبیات معاصر، به‌ویژه در زمینه‌های شعر، داستان، نمایشنامه و تحقیقات ادبی بشمار می‌روند؛ کسانی همانند سید اشرف‌الدین گیلانی، ملک‌الشعراى بهار، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، پروین اعتصامی، ادیب‌الممالک و...

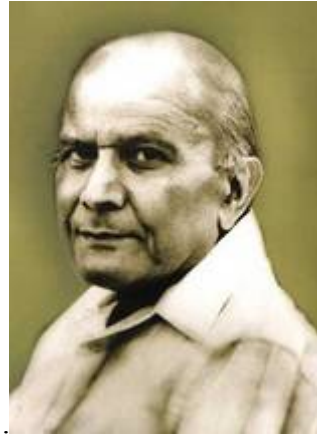
وی در تهیه اسناد، تنها به نقل سند اکتفا نمی‌کند، بلکه آثار خود را با تحقیقی گسترده و جامع درباره هر یک از ادیبان و اسناد مربوط به آن‌ها ارائه می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های آموزشی نویسنده، پژوهش در مورد سند است. او بر این نظر است که سند، مجموعه مدارکی است که از نظر تاریخی و ادبی، دارای ارزش خاص می‌باشد. این اسناد، معمولاً شامل نامه، عکس، نوشته‌های کوتاه و بلند، احکام اداری و بسیاری از اوراق منحصر به فرد است.

وی درباره تحقیق اسناد مشاهیر ادب ایران، معتقد است که درباره برخی اسناد، کم‌توجهی شده است. او همین امر؛ یعنی عدم گردآوری اسناد پژوهشی درباره آن‌ها را مهم‌ترین انگیزه خود در گردآوری، تنظیم و تحقیق می‌داند.

## آثار

دیگر آثار وی عبارتند از:

1. کتاب‌شناسی نیما یوشیج؛
2. گزیده اسناد درباره نیما؛
3. دو سفرنامه از نیما یوشیج؛
4. نمایش در ایران؛
5. کتاب‌شناسی ناصر خسرو؛
6. کتاب‌شناسی عطار.



غلامحسین یوسفی

زاده	۲ بهمن ۱۳۰۶ مشهد
درگذشت	۱۴ آذر ۱۳۶۹ تهران
آرامگاه	حرم امام رضا، مشهد
آثار	تصحیح کتاب قابوس نامه در سال ۱۳۴۵

غلامحسین یوسفی (۲ بهمن ۱۳۰۶، مشهد - ۱۴ آذر ۱۳۶۹، تهران)، ادیب، نویسنده، مترجم، مصحح متون، و استاد برجسته ادبیات فارسی بود.

#### زندگی‌نامه و تحصیلات

غلامحسین یوسفی در بهمن ماه سال ۱۳۰۶ تاریخ خورشیدی در مشهد دیده به جهان گشود. با گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل در دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی از مشهد به تهران رفت. وی پس از فراغت از تحصیل در دوره دکترا در سال ۱۳۲۹ مشغول تدریس در دبیرستان‌های مشهد شد و همزمان دوره لیسانس حقوق قضایی و سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را هم اخذ کرد. وی همزمان با تأسیس دانشکده ادبیات در دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۳۴ مدرس دروس تاریخ ادبیات این دانشکده شد. وی همچنین مدیر تربیت معلم خراسان بود. تا سال ۱۳۵۸ کماکان به تدریس در دوره‌های لیسانس تا دکتری دانشگاه فردوسی ادامه داد تا اینکه در همان سال بازنشسته شد. از فعالیت‌های تخصصی یوسفی تصحیح متون کهن بود که در این راه گام‌های مؤثری در ادبیات ایران برداشته است. وی همچنین با هدف تحقیق و پژوهش سفرهایی به فرانسه و انگلستان و آمریکا نیز انجام داد. یوسفی در سال ۱۳۶۹ و در سن ۶۳ سالگی درگذشت و در کنار مرقد علی ابن موسی الرضا به خاک سپرده شد.

#### کتاب‌ها و آثار شاخص

نامه اهل خراسان، تهران، زوار، ۱۳۴۶.

فرخی سیستانی: بحثی در شرح احوال و روزگار و شعر او. ۱۳۴۱

کاغذ زر، یادداشت‌هایی در ادب و تاریخ، تهران، یزدان، ۱۳۶۳.

تصحیح قابوس‌نامه، ۱۳۴۵

تصحیح التصفیه فی احوال المتصوفه

ابومسلم سردار خراسان، ۱۳۴۵

تصحیح تقویم الصحه، ۱۳۵۰

برگ‌هایی در آغوش باد، ۲ جلد، ۱۳۵۶

تصحیح لطائف‌الحکمه، سراج‌الدین محمود ارموی

ترجمه اما من شعر را دوست دارم، ژیلبر سسیورن

برگزیده‌ای از اشعار عربی معاصر از مصطفی بدوی

چشم‌اندازی در ادبیات و هنر از رنه ولک و دیگران

تصحیح بوستان سعدی، ۱۳۵۹

تصحیح ملخص اللغات، ۱۳۶۲

ترجمه شیوه‌های نقد ادبی از دیوید دیچز، ۱۳۶۲

ترجمه کتاب انسان دوستی در اسلام بایگانی‌شده در ۵ دسامبر ۲۰۱۸ توسط Wayback Machine از

مارسل بوازار، ۱۳۶۲

ترجمه و تحقیق کتاب در مورد سعدی از هانری ماسه، ۱۳۶۴

روان‌های روشن

تصحیح گلستان سعدی، ۱۳۶۸

چشمه روشن، ۱۳۶۹

دیداری با اهل قلم

تصحیح غزلهای سعدی، ۱۳۸۵

نظرگاه‌ها درباره یوسفی

در زیر نظرگاه‌هایی از بعضی محققین درباره یوسفی وجود دارد. ایرج افشار در باب مقام علمی غلامحسین یوسفی می‌گوید: او دانشمندی بی تکلف، بی تکبر، مشوق علم و شیفته معارف ایرانی و مقام انسانیت است که این ویژگی‌ها کمتر در یک شخص جمع می‌شوند. بهاء الدین خرمشاهی درباره نحوه تصحیح کتاب گلستان سعدی توسط غلامحسین یوسفی می‌گوید: تصحیح کتاب گلستان سعدی توسط استاد غلامحسین یوسفی، کاری است کارستان و درجه یک... محمد مهدی ناصح از استادان برجسته ادبیات فارسی که خود زمانی شاگردی یوسفی را می‌کرده‌است در سخنانی به وصف وی می‌پردازد. وی می‌گوید: او معلمی واقعی بود. بسیار به درس اهمیت می‌داد. درس و دانشجو برایش مقدس بودند تا آنجا که حتی یک ثانیه از کلاس درس را هدر نمی‌داد و دقت می‌کرد چیزی از قلم نیفتد. همیشه همراه درس و بحث در حوزه ادبیات منابع و مآخذی نیز معرفی می‌کرد و از ما می‌خواست تا آن‌ها را مطالعه کنیم.

غلامرضا جمشید نژاد

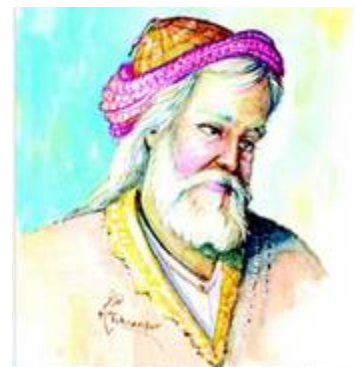


غلامرضا جمشید نژاد اول، مصحح نسخ خطی و پژوهشگر به سال ۱۳۲۴ متولد شده بود و سال‌ها در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت.

از جمله تالیفات مهم او می‌توان به این موارد اشاره کرد: «پیر فلسفه اسلامی (مروری بر زندگی و آثار ابویوسف یعقوب معروف به کندی)»، «آرمانشهر فارابی»، «در سایه خورشید (مروری بر زندگی و آثار غزالی توسی)»، «سیدامیر ابوالفتح جرجانی و تفسیر آیات الاحکام»، «نظام‌های اقتصادی صدر اسلام» و ... از جمله مهمترین تالیفات اوست.

همچنین «اندیشه‌های فلسفی و کلامی خواجه نصیرالدین طوسی» نوشته هانی‌نعمان فرحات، «ترجمه التعریف بطبقات الامم (تاریخ جهانی علوم)» اثر صاعد بن احمد ابن صاعد اندلسی، «رساله فی اوجاع المفاصل و علاجها: کتاب الحاصل فی علاج المفاصل: ترجمه فارسی اوجاع المفاصل از مترجمی ناشناخته در سده هفتم هجری: به همراه ترجمه فارسی مقاله فی النقرس رازی»، «زبده الحقایق» عین القضاة و ... از جمله ترجمه‌های مهم زنده‌یاد جمشید نژاد اول به شمار می‌آیند. تصحیحات «التعریف بطبقات الامم» و «غایه الابدی فی شرح المبادی» اثر محمدبن علی جرجانی نیز از جمله یادگارهای به‌جا مانده جمشید نژاد اول است. به گزارش خبرگزاری مهر، غلامرضا جمشید نژاد اول، مترجم، پژوهشگر و مصحح نسخ خطی چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۹ پس از یک هفته مبارزه با بیماری کرونا درگذشت

فخرالدین عراقی



فخرالدین عراقی از شاعران و عارفان و نویسندگان صوفی ادب فارسی در سده هفتم هجری، مؤلف لمعات می‌باشد. وی در تاریخ ۲۰ خرداد ۵۹۲ هـ معادل با ۱۰ ژوئن ۱۲۱۳ میلادی در کميجان که جزو استان مرکزی است، به دنیا آمد در مورد نام و نسب عراقی میان غالب تذکره‌نویسان اختلاف است. زادروز عراقی بنا به پژوهش سعید نفیسی در کميجان و در سال ۶۱۰ هـ.ق است؛ که البته در آثار خود فخرالدین عراقی نام کميجان دیده می‌شود. فخرالدین عراقی در ۸ ذوالقعدة ۶۸۸ هـ.ق، در دمشق درگذشت.

### زندگی

ابراهیم عراقی فرزند عبدالغفار بود؛ و در کميجان به دنیا آمد او در کودکی قرآن را حفظ کرد. وقتی که هفده ساله بود جمعی از قلندران به همدان فرود آمدند و عراقی نیز به‌مراه آنان به هندوستان رفت و در شهر ملتان به شاگردی شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی درآمد و بعد از مدتی با دختر او ازدواج کرد که از وی پسری آمد و به کبیرالدین موسوم گشت.

بیست و پنج سال سپری شد، و شیخ بهاء‌الدین وفات یافت، در حالی‌که، عراقی را جانشین خود کرده بود. بعد از هند، عراقی عزم مکه و مدینه کرد، و پس از حج جانب روم شد. در قونیه، به خدمت مولانا رسید، و مدتها در مجالس سماع حاضر شد. وی پس از سال‌ها اقامت در روم جانب شام رفت.

### آثار

از عراقی آثاری به نظم و نثر باقی مانده‌است. لمعات که مهمترین اثر منشور عراقی است در زمان صحبت صدرالدین قونوی و تحت تأثیر آثار ابن عربی نوشته شده‌است. این کتاب ۲۷ لمعه دارد و موضوع اصلی آن عشق است که عراقی به پیروی از سوانح احمد غزالی و با توجه به آراء ابن عربی ابعاد مختلف آن را تبیین کرده‌است. مکاتیب و رساله اللطيفة فی الذوقیات از دیگر آثار منشور عراقی است.

دیوان اشعار وی نیز مشهور است گرچه عراقی در بیشتر قوالب شعری طبع خود را آزموده، اما هنر شاعری او بیشتر در غزلیاتش ظهور یافته‌است. عشاق نامه یا رساله ده فصل اثر منظوم دیگری از عراقی است که در قالب مثنوی و غزل و در بحر خفیف مسدس محذوف سروده شده‌است. احتمالاً پیش از عراقی سرودن ده فصل یا عشاق نامه وجود داشته‌است اما عراقی با ابتکار این قالب ادبی را رونق بخشید.

### نمونه شعر

ز دو دیده خون فشانم، ز غمت شب جدایی	چه کنم؟ که هست اینها گل باغ آشنایی
همه شب نهاده‌ام سر، چو سگان، بر آستانت	که رقیب در نیاید به بهانه گدایی
مژه‌ها و چشم شوخش به نظر چنان نماید	که میان سنبلستان چرد آهوی ختایی
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟	به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی
سر برگ گل ندارم، به چه رو روم به گلشن؟	که شنیده‌ام ز گلها همه بوی بی‌وفایی
به کدام مذهب است این؟ به کدام ملت است این؟	که کشند عاشقی را، که تو عاشقم چرایی؟
به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند	که برون در چه کردی؟ که درون خانه آیی؟
به قمار خانه رفتم، همه پاکباز دیدم	چو به صومعه رسیدم همه زاهد ریایی
در دیر می‌زدم من، که یکی ز در در آمد	که : درآ، درآ، عراقی، که تو خاص از آن مایی

## کنگره بزرگداشت

کنگره بزرگداشت فخرالدین عراقی در روزهای 23 و 24 اردیبهشت ماه سال 1374 به همت شورای اجتماعی استانداری استان مرکزی در محل دانشگاه تربیت معلم اراک با حضور عراقی شناسان داخلی و خارجی برگزار گردید و مهمانان در واپسین ساعات برگزاری همایش در شهر کمیجان در مراسم مشابهی شرکت جستند.

## قدم علی سرّامی



قدمعلی سرّامی، تهران، ۱۳۸۹

زاده

۸ بهمن ۱۳۲۲

۲۸ ژانویه ۱۹۴۴ رامهرمز

محل زندگی

تهران

تخلص

گلشن

زمینه کاری

شاعر، نویسنده، پژوهشگر، استاد  
دانشگاه، ناشر

تحصیلات

دکتری زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه

دانشگاه تهران

بنیانگذار	انتشارات ترفند
استاد	عبدالحسین زرین کوب ذبیح الله صفا، پرویز ناتل خانلری بدیع الزمان فروزانفر
تأثیر پذیرفته از	مولوی، فردوسی
شریک(های) زندگی	سلطنت عباس پور بهبهانی
فرزندان	پگاه، چکاد، نیایش، رهاد، مولیان

قدم علی سرامی (زاده ۸ بهمن ۱۳۲۲ در رامهرمز)، نویسنده، شاعر و پژوهشگر ایرانی در حوزه زبان فارسی و عضو هیئت امنای بنیاد فردوسی است.

در نخستین دوره جایزه پژوهش پروفیسور آقابزرگ در سال ۱۳۹۰ او جزو ۵ تن شاهنامه پژوه برتر معرفی شد.

پیرامون آثار و اندیشه‌های وی کتاب «عشق است اگر حقیقتی هست» به قلم دکتر مهری تلخابی منتشر شده است.

شب قدمعلی سرامی که به همت مجله فرهنگی و هنری بخارا، انتشارات ترفند و انتشارات باد در آذر ۹۷ برگزار گردید، از جمله رویدادهای مرتبط با پاسداشت وی بوده است.

وی دکتری خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دی ماه ۱۳۶۵ دریافت کرد. تا کنون از او کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون پژوهشی، مجموعه شعر، کودک و نوجوان، ترجمه و... منتشر شده است.

#### زندگی‌نامه

قدمعلی سرامی در ۸ بهمن ۱۳۲۲ در رامهرمز متولد شد. در خردسالی، پزشک معالج او با تجویز دارویی نامناسب باعث نابینایی یک چشم و کمبینی چشم دیگرش گردید و به همین دلیل از رفتن به مدرسه منع گردید و مدتی را به دکان‌داری گذرانید.

سرامی، دیپلم ادبی خود را در خرداد ۱۳۴۳ از دبیرستان سعدی اهواز گرفت و در همین دوران اولین دفتر شعر خود را به نام لبخند آرزو با مقدمه باستانی پاریزی منتشر کرد.

#### تحصیلات و فعالیت دانشگاهی

او در کنکور سال ۱۳۴۳ شاگرد اول کنکور رشته خود در کشور شد. دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی را همراه با کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی، سعید حمیدیان و جواد برومند سعید در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گذراند و از جمله اساتید وی عبدالحسین زرین کوب، ذبیح‌الله صفا، حسن مینوچهر، پرویز ناتل خانلری، بدیع الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و بهرام فره‌وشی قابل اشاره‌اند.



۱۳۹۱ - از چپ به راست: حسین یوسف‌زمانی، سیمین بهبهانی، قدمعلی سرامی

وی از سال ۱۳۵۳ در دانشگاه‌های کشور تدریس کرده و از سال ۱۳۷۱ تاکنون به عنوان استاد راهنمای دوره کارشناسی‌ارشد و دکتری به فعالیت مشغول است.

#### سوابق مطبوعاتی و انتشاراتی

وی به مدت ۸ سال از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۹ عضو هیئت تحریریه روزنامه اطلاعات بود و در این مدت مصاحبه‌هایی با عزیز نسین، محمود جمال‌زاده، پروفیسور حسن هشترودی، انجوی شیرازی، جواد معروفی، علی اکبر شهنازی، اخوان ثالث، علینقی وزیری، محمد ابراهیم باستانی پاریزی و نورعلی برومند داشت.

او از سال ۱۳۷۹، انتشارات ترفند را بنیاد نهاده که تاکنون ده‌ها جلد کتاب با موضوع ادبیات و تاریخ منتشر کرده‌است.

کتاب وی از رنگ گل تا رنج خار که شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه است، در رشته «ادبیات» از سوی شورای بهترین کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تشویق قرار گرفته‌است.

کتاب شیرین‌تر از پرواز وی از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، از سوی شورای کتاب کودک به عنوان بهترین کتاب سال برگزیده و به وسیله مرضیه محبوب به صورت تئاتر عروسکی در تئاتر شهر اجرا شده‌است.

#### کتاب‌شناسی

عنوان کتاب	سال انتشار	ناشر	نوع	توضیحات
لبخند آرزو	۱۳۴۲	نوای ملت	مجموعه شعر	مجموعه شعرهای روزگاران کودکی، نوجوانی و جوانی
با این سکوت سرخ	۱۳۴۶	صفی‌علیشاه	مجموعه شعر	باز چاپ در سال ۱۳۵۴ - هر دو بار نیز توقیف شده‌است.
قصه دوستی	۱۳۵۵	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	داستان	

		نوجوانان		
این داستان به زبان‌های انگلیسی، عربی، آذری، کردی و بلوچی ترجمه شده‌است.	داستان	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۵۸	تفرقه
بهترین کتاب سال از سوی شورای کتاب کودک - اجرا به صورت تئاتر عروسکی در تئاتر شهر	داستان (شعر)	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۶۷	شیرین‌تر از پرواز
(زیر عنوان: شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه) کتاب قابل تحسین در رشته تحقیقات ادبی	پژوهشی	انتشارات علمی و فرهنگی	۱۳۶۸	از رنگ گل تارنج خار
باز چاپ توسط انتشارات ترفند در سال ۱۳۸۲	داستان	انتشارات شیفته	۱۳۶۹	من و جام و شب‌تاب‌ها
داستان درختی است که عاشق آسمان است و آرزو دارد روزی به وصال او برسد.	داستان کودک	انتشارات شیفته	۱۳۷۰	افسانه سبز
	داستان (شعر)	انتشارات احیای کتاب	۱۳۷۰	بادکنک سرخ
	داستان	نشر کویر	۱۳۷۰	پسری که سه زبان می‌دانست
(زیر عنوان: سیری در غزل‌ها و ترانه‌های مولانا جلال‌الدین) باز چاپ توسط انتشارات ترفند در سال ۱۳۸۴	پژوهشی	نشر چاپار فرزانگان	۱۳۷۰	از خاک تا افلاک
مجموعه‌ای از سروده‌های شاعر است که انواع شعرهای کلاسیک و نو در آن به تفکیک آورده شده‌است.	مجموعه شعر خوانی	نشر مشیانه	۱۳۷۴	از دو نقطه تا همه چیز

این کتاب در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات علمی و فرهنگی باز چاپ شده است.	داستان (شعر)	انتشارات روزگار	۱۳۷۸	قالیچه سلیمون
	مجموعه شعر	نشر نیکان کتاب	۱۳۸۰	صاف و ساده مثل آب
	داستان نوجوان	نشر ترفند	۱۳۸۱	قاشق جادوگر
	داستان نوجوان	نشر ترفند	۱۳۸۱	سیمرغ و آفتاب
	داستان کودک	نشر تیرگان	۱۳۸۲	دانه هویج
این کتاب در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات علمی و فرهنگی باز چاپ شده است.	داستان (شعر)	نشر ترفند	۱۳۸۲	حمومک رنگ‌ها
این کتاب مجموعه‌ای از شعرهای نویسنده است که محتوایی اجتماعی دارد.	مجموعه شعر	نشر حدیث امروز	۱۳۸۲	تا زادن بامداد باید خواند
مقالاتی پیرامون ادبیات و فرهنگ ایران	مجموعه مقاله	نشر ترفند	۱۳۸۴	از هرگز تا همیشه
	مجموعه مقاله	نشر ترفند	۱۳۸۵	پنج مقاله درباره ادبیات کودک
این مجموعه آخرین مجموعه شعری است که از سراینده انتشار یافته است.	مجموعه شعر	نشر علم	۱۳۸۷	چار فصل دوستت دارم
موضوع این کتاب تجلیات آینه در ادب و فرهنگ ایران زمین است	پژوهشی	نشر ترفند	۱۳۹۱	قهقهه آفتاب، آینه و بی‌نقاب

این کتاب مجموعه مقالاتی درباره مولانا و دیگر عارفان بزرگ ایرانی است. جستارهای این مجموعه فراخوانی است به کل‌نگری و کل‌اندیشی.	مجموعه مقاله	نشر ترفند	۱۳۹۲	عرفان در آیینۀ ذهن انسان
این کتاب دربرگیرنده مجموعه مقالات درباره زنان از دیدگاه ادبیات کلاسیک ایران و نقد فرهنگ گذشته ایران در این حوزه است.	مجموعه مقاله	نشر ترفند	۱۳۹۲	نوفروشانیم و این بازار ماست
این کتاب دربردارنده نوشته‌ها، یادداشت‌ها و مقاله‌های پراکنده نویسنده است.	مجموعه مقاله	نشر ترفند	۱۳۹۲	عشق، نقش و نگار بوقلمون
مقالاتی پیرامون شاهنامه و دیگر حماسه‌های ایرانی	مجموعه مقاله	نشر ترفند	۱۳۹۲	بر سستیغ‌های حماسه
	نمایشنامه	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۹۲	قوقولی قوقو
پژوهشی در طبقه‌بندی و ارزش‌های باوری امثال فارسی	پژوهشی	نشر تیرگان	۱۳۹۳	چراغ خدا همیشه روشن است
شعر داستان گردآمدن الفبا در میدان‌گاهی شهر الفبا است،	شعر کودک	انتشارات علمی و فرهنگی	۱۳۹۳	قلمکار
	شعر نوجوان	انتشارات علمی و فرهنگی	۱۳۹۳	رنگین کمان هفت سال کودکی
در این کتاب سعی شده‌است تا ضمن بازکاوی قابلیت‌های فطری و روان‌شناختی دوران کودکی عرفان حقیقی و ملکوت عالم کودکی مورد بررسی قرار	پژوهشی	نشر ترفند	۱۳۹۴	کودکان، عارفان راستین

گیرد				
قوت جان در ذهن و زبان مولانا	پژوهشی	نشر ترفند	۱۳۹۵	از خوان و نان تا خون و جان
امید در شعر شاعران بزرگ ایران	پژوهشی	نشر ترفند	۱۳۹۶	آینده پاینده باد
جستارهایی درباره‌ی ادبیات و فرهنگ ایران	پژوهشی	نشر ترفند	۱۴۰۰	باز هم اندر خم یک کوچه‌ایم
نگاهی به سی‌وسه غزل حافظ	پژوهشی	نشر ترفند	۱۴۰۰	ای گدایان خرابات

## ویژگی اشعار

## حسن احمدی گیوی

«در قلمرو شعر سپید و آزاد، استادان برجسته‌ای داشته‌ایم و داریم ولی آنان، در شعر عروضی آن مهارت، استادی و مقام را ندارند. کسانی که در هر دو زمینه، شعرهای بلند قابل توجه و موفق داشته باشند، این دو نفرند: «آقای دکتر شفیع کدکنی و آقای دکتر قدمعلی سرامی...»

## محمد ابراهیم باستانی پاریزی

«من روزی که اولین قطعه‌ی آقای سرّامی را خواندم، این شور و حال را در ابیات آن یافتم و مهمتر این است که پختگی و سلامت و صحت را نیز در وزن و قافیه و صورت ظاهر شعر این آقای دانش‌آموز بسیار با استعداد و شاعر خوش قریحه‌ی خوزستانی، به خوبی می‌توان دید و تشخیص داد.»

## پیرایه یغمایی

«نخستین چیزی که در اشعار این شاعر جلب نظر می‌کند این است که او فقط روی یک نوع شعر درنگ نمی‌کند. او خود را به شعر می‌سپارد و اجازه می‌دهد که شعر خودش قالبش را کشف کند. واژگانی که در شعرش بکار رفته، گواهی می‌دهد که وی ابزار شاعری را به تمام و کمال و بر اثر مطالعات گسترده برای خود فراهم آورده‌است. از ادبیات کلاسیک گرفته تا ادبیات معاصر، ادبیات کوچه و بازار و حتی ادبیات کودکانه.»

## سعید حمیدیان

«سرامی حافظه‌ی عجیبی داشت، و ظاهراً مشکل چشمانش (که به قول خودش چشم پزشکی با شش کلاس سواد در رامهرمز باعث آن شده بود) چنان کرده بود که حتی دروس حجیمی چون تاریخ ادبیات را می‌توانست با یک بار خواندن حفظ کند. با وجود چنان نقصی، من، خرّم و فانی هر چه می‌کوشیدیم باز معدل نمرات سرامی چیزکی از ما بیش بود. او شاعری مفلّق بود (و لابد هنوز هست) و در همان دوره، منظومه‌ای در شعر نیمایی با نام با این سکوت سرخ چاپ کرد که از عنوانش پیداست بودار است و مدتی برایش مایه‌ی حبس و دردسر شد، هرچند بعد از آن گویا «شیخ زندگی اختیار کرد». او و خرّمشاهی و روایی و من دائماً در حال سرودن و نقد کارهای یکدیگر بودیم.»

نمونه اشعار

آب را بر آتش ریختم، آتش بی بال و پر شد، اما  
آب، بال و پر در آورد! عشق...  
دیوانگی پدیدار هاست! ...

=====

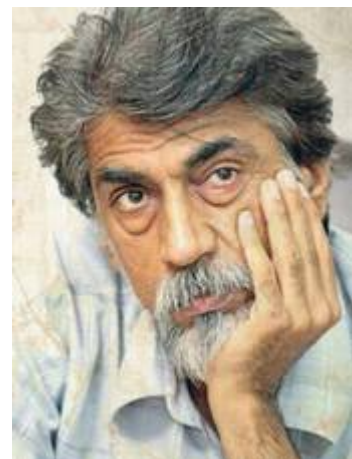
عشق، شعله‌ای تنه‌است،  
ایستاده در نظرگاه دو آینه!  
لیک از این تنها،  
بینهایت در دل آینه‌های جاریست...

=====

ترانه‌سرایی

سرامی در سال‌های پیش و پس از انقلاب بالغ بر یکصد ترانه برای آهنگسازان ایرانی از قبیل ابراهیم سرخوش، حسن یوسف‌زمانی، حسین یوسف‌زمانی، محمد بیگلری‌پور، دکتر حسن ریاحی، محمد عبدالصمدی و... ساخته‌است.  
از معروف‌ترین ترانه‌های سروده شده توسط ایشان کوچه باغ راز (با صدای نادر گلچین، معین، عبدالحسین مختاباد، محمد اصفهانی و رامین یوسف‌زمانی)، کولی‌باران (با صدای سیما بینا و محمدرضا سعیدی)، دو ابر (با صدای سیما بینا)، دوباره آفتاب داره مهر بون می‌شه (با صدای حسین خواجه امیری)، ترانه به لب (با صدای ناصر مسعودی) را می‌توان نام برد. همچنین او در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ عضو شورای موسیقی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بوده‌است.

قیصر امین‌پور



قیصر امین‌پور (زاده ۲ اردیبهشت ۱۳۳۸ گتوند - درگذشته ۸ آبان ۱۳۸۶ تهران) نویسنده، مدرس دانشگاه و شاعر معاصر ایرانی بود. او یکی از تأثیرگذارترین شاعران در دوره انقلاب اسلامی و منتخب هفتمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۷ (بعد از وفات) است. او برگزیده اولین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر در بخش آئینی بود.

قیصر امین‌پور در ۲ اردیبهشت ۱۳۳۸ در شهرستان گتوند استان خوزستان به دنیا آمد. دوره راهنمایی و متوسطه را در مدرسه راهنمایی دکتر معین و آیت الله طالقانی دزفول گذراند و در سال ۱۳۵۷ در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد، ولی پس از مدتی از تحصیل در این رشته انصراف داد.

قیصر امین‌پور، در سال ۱۳۶۳ بار دیگر، اما در رشته زبان و ادبیات فارسی به دانشگاه رفت و این رشته را تا مقطع دکترا گذراند و در سال ۱۳۷۶ از پایان‌نامه دکترای خود با راهنمایی محمدرضا شفیعی کدکنی با عنوان «سنت و نوآوری در شعر معاصر» دفاع کرد. این پایان‌نامه در سال ۱۳۸۳ و از سوی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شد.

او در سال ۱۳۵۸، به همراه سید حسن حسینی از جمله شاعرانی بود که در شکل‌گیری و استمرار فعالیت‌های واحد شعر حوزه هنری تا سال ۱۳۶۶ تأثیرگذار بود. وی طی این دوران مسئولیت صفحه شعر هفته‌نامه سروش را بر عهده داشت و اولین مجموعه شعر خود را در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد. اولین مجموعه او «در کوچه آفتاب» دفتری از رباعی و دوبیتی بود و به دنبال آن «تنفس صبح» تعدادی از غزلها و حدود بیست شعر نیمایی را در بر می‌گرفت که البته بعضی به اشتباه این اشعار را سپید می‌پندارند. این کتاب از سوی انتشارات حوزه هنری وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسید. امین‌پور هیچگاه اشعار فاقد وزن نسرود و در عین حال این نوع شعر را نیز هرگز رد نکرد.

قیصر امین‌پور، تدریس در دانشگاه را در سال ۱۳۶۷ و در دانشگاه الزهرا آغاز کرد و سپس در سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. وی همچنین در سال ۱۳۶۸ موفق به کسب جایزه نیما یوشیج، موسوم به مرغ آمین بلورین شد. امین‌پور در سال ۱۳۸۲ به‌عنوان عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزیده شد. وی در سال ۱۳۸۶ بر اثر بیماری کلیه و قلب در بیمارستان دی تهران دار فانی را وداع گفت.

قیصر امین‌پور علاوه بر اشعاری که به زبان فارسی می‌سرود، به زبان لری بختیاری هم اشعاری سروده، که از محبوبیت خاصی در منطقه بختیاری (شامل استان‌های خوزستان، چهارمحال بختیاری، شرق لرستان و غرب اصفهان) برخوردار است.

همسر امین‌پور، زیبا اشراقی، در سال ۱۳۹۶ با انتشار کتاب این ترانه بوی نان نمی‌دهد؛ سبک‌شناسی ترانه‌های قیصر امین‌پور به قلم مهدی فیروزیان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به جمع ناشران کشور پیوست.

از آثار او می‌توان به: «در کوچه آفتاب» و «تنفس صبح» اشاره کرد.

سبک

شعرهای امین‌پور از حیث بلاغی ارزشمند بوده و بر ظرفیت‌ها و توانمندی زبان فارسی افزوده است. استفاده از آرایه ایهام یکی از برجسته‌ترین شگردهای او در شعر است. او توانسته ویژگی‌های سبکی و بلاغی شعر کلاسیک و شعر نیمایی را با شعرهایش تلفیق کند. یکی از عواملی که در نهایت، باعث برجستگی سبکی اوست، نوآوری در بلاغت و درک انتظار مخاطبان امروز از شعر است.

در نظر دیگران سید علی خامنه‌ای در پیام تسلیت درگذشت او نوشت: «با اندوه و دریغ، خبر تلخ درگذشت شاعر فرزانه انقلاب دکتر قیصر امین‌پور را دریافت کردم. از دست دادن او برای اینجانب و برای همه اصحاب شعر و ادب، خسارت بار است. او شاعری خلاق و برجسته بود و همچنان به سمت قله‌های این هنر بزرگ پیش می‌رفت... او و دوستانش نخستین رویش‌های زیبا و مبارک انقلاب در عرصه شعر بودند و بخش مهمی از طراوت و جلوه این بوستان، مرهون ظهور و رشد آن عزیز و دیگر دوستان همراه اوست.»

آثار

از وی در زمینه‌هایی چون شعر کودک و نثر ادبی، آثاری منتشر شده‌است که به آن‌ها اشاره می‌کنیم

آینه‌های ناگهان

تنفس صبح

در کوچه آفتاب

طوفان در پرائننز (نثر ادبی، ۱۳۶۵)

منظومه ظهر روز دهم (شعر نوجوان، ۱۳۶۵)

مثل چشمه، مثل رود (شعر نوجوان، ۱۳۶۸)

بی‌بال پریدن (نثر ادبی، ۱۳۷۰)

مجموعه شعر آینه‌های ناگهان ۱۳۷۲

به قول پرستو (شعر نوجوان، ۱۳۷۵)

گزینه اشعار (۱۳۷۸، مروارید)

مجموعه شعر گل‌ها همه آفتابگردانند (۱۳۸۰، مروارید)

مجموعه شعر دستور زبان عشق (۱۳۸۶، مروارید)

کتاب شعر و کودکی (۱۳۸۵، مروارید)

مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور (مروارید)

دستور زبان عشق» آخرین دفتر شعر قیصر امین‌پور بود که تابستان ۱۳۸۶ در تهران منتشر شد و «

بر اساس گزارش‌ها، در کمتر از یک ماه به چاپ دوم رفت

مجموعه ای از آثار قیصر امین‌پور نیز توسط علیرضا افتخاری در آلبوم نیلوفرانه خوانده شده‌است که

این مجموعه پر فروشترین آلبوم موسیقی سنتی تاریخ ایران می‌باشد

مرگ

وی پس از تصادفی در سال ۱۳۷۸ همواره از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد و حتی دست کم دو عمل

جراحی قلب و پیوند کلیه را پشت سر گذاشته بود و در نهایت حدود ساعت ۳ بامداد سه‌شنبه ۸ آبان

۱۳۸۶ در بیمارستان دی درگذشت. پیکر این شاعر در زادگاهش گتوند و در کنار مقبره شهدای گمنام

این شهرستان به خاک سپرده شد.

پس از مرگ وی میدان شهرداری منطقه ۲ واقع در محله سعادت آباد به نام قیصر امین‌پور نامگذاری

شد. بعد از حذف میدان در سال ۱۳۹۷ (تبدیل به ۴راه)، بلوار جنوبی منتهی به میدان که پیشتر

«شهرداری» نام داشت به بلوار «قیصر امین‌پور» تغییر نام یافت.

## کامران فانی



کامران فانی (زاده: ۲۵ فروردین ۱۳۲۳، قزوین) نویسنده، مترجم، کتابدار و نسخه‌پژوه ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو هیئت علمی دانشنامه تشیع است.

## زندگی

او در سال ۱۳۴۱ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد و پس از دو سال تغییر رشته داد، تا در رشته زبان و ادبیات فارسی درس بخواند. در سال ۱۳۴۷ او در رشته زبان و ادبیات فارسی همراه با قدمعلی سرامی، بهاءالدین خرمشاهی، سعید حمیدیان و جواد برومند سعید از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و از محضر استادان بزرگی چون عبدالحسین زرین‌کوب، ذبیح‌الله صفا، دکتر حسن مینوچهر، پرویز ناتل خانلری، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و بهرام فره‌وشی بهره برد. او در سال ۱۳۵۲ از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران فوق لیسانس علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی گرفت. فانی از سال ۱۳۵۹ در کتابخانه ملی ایران کار می‌کند و عضو هیئت علمی، مشاور ریاست و عضو شورای عالی مشاوران این کتابخانه است. فانی همچنین عضو هیئت امنای کتابخانه مجلس و عضو شورای عالی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است.

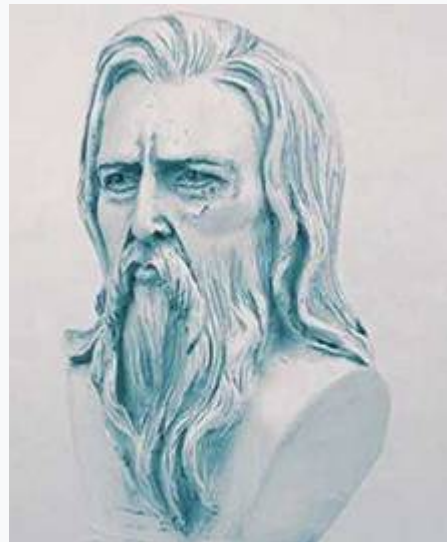
در سال ۱۳۸۶ از برگزاری مراسم بزرگ داشت برای کامران فانی جلوگیری شد. ولی در سال ۱۳۹۴ بزرگداشت وی در کتابخانه ملی ایران با حضور مقامات رسمی و چهره های علمی برگزار شد.

## آثار

- آدم‌های ماشینی: روبات‌ها، کارل چاپک (ترجمه)
- جنگ جهانی اول و دوم
- خطابه پوشکین، داستایوسکی (ترجمه)
- دانشنامه کودکان و نوجوانان
- دائرةالمعارف تشیع (نویسنده و ویراستار)
- رده‌بندی تاریخ ایران
- رده‌بندی فلسفه اسلامی
- زردشت، سیاستمدار یا جادوگر؟، هنینگ (ترجمه)
- سرعنوان‌های موضوعی فارسی
- سلوک روحی بتهوون، سالیوان (ترجمه)
- علم در تاریخ، جان برنال (ترجمه)
- فرهنگ موضوعی قرآن

- سه خواهر، آنتوان پاولوویچ چخوف، کامران فانی (مترجم)، سعید حمیدیان (مترجم)، تهران: قطره
  - مرغ دریایی، آنتوان چخوف (ترجمه)
  - موش و گربه، گونترگراس (ترجمه)
  - سرپرستی دانشنامه کودکان و نوجوانان (در ۱۰ مجلد)
  - سرپرستی دائرةالمعارف دموکراسی (در سه جلد) به عهده داشته‌است.
  - مشارکت در دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی
  - مشارکت در تألیف و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان
  - مشارکت در زندگینامه علمی دانشوران
  - یکی از سه سرپرست [دائرةالمعارف تشیع] هست که تاکنون ۱۵ جلد آن تا آخر حرف «م» منتشر شده‌است.
- سرپرست دائرةالمعارف دانش گستر در ۱۸ جلد

### وحشی بافقی



نام اصلی	کمال‌الدین (شمس‌الدین) محدّد
زاده	۹۱۱ خورشیدی ۹۳۹ قمری بافق، ایران
محل زندگی	بافق، یزد، ایران
درگذشته	۹۶۱ خورشیدی (۵۰ سال) ۹۹۱ قمری یزد ایران
آرامگاه	یزد، میان خیابان امام خمینی روبهروی شاهزاده فاضل کوی

سربرج، بنای آرامگاه تخریب گشته	
تخلص	وحشی
پیشه	شاعر ادبیات فارسی
در زمان حکومت	شاه تهماسب صفوی شاه اسماعیل دوم شاه محمد خدابنده
سبک نوشتاری	هندی، مکتب وقوع، واسوخت، عاشقانه
کتابها	دیوان وحشی بافقی

کمال‌الدین یا شمس‌الدین محمد وحشی بافقی یکی از شاعران نامدار سده دهم ایران است که در سال ۹۳۹ هجری قمری در شهر بافق از توابع یزد چشم به جهان گشود. دوران زندگی او با پادشاهی شاه طهماسب صفوی و شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده هم‌زمان بود. وی تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاهش سپری نمود. وحشی در جوانی به یزد رفت و از دانشمندان و سخنگویان آن شهر کسب فیض کرد و پس از چند سال به کاشان عزیمت نمود و شغل مکتب‌داری را برگزید. وی پس از روزگاری اقامت در کاشان و سفر به بندر هرمز و هندوستان، در اواسط عمر به یزد بازگشت و تا پایان عمر (سال ۹۹۱ هجری قمری) در این شهر زندگی کرد.

#### آثار وحشی

این شاعر بزرگ روزگار خود را با اندوه و سختی و تنگدستی و تنهایی گذراند و در اشعار زیبا و دلکش او سوز و گداز این سال‌های تنهایی مشخص است. وی غزل‌سرای بزرگی بود و در غزلیات خود از عشق‌های نافر جام، زندگی سخت و مصائب و مشکلات خود یاد کرده‌است. کلیات وحشی متجاوز از نه هزار بیت و شامل قصیده، ترکیب بند و ترجیع بند، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی است. وحشی دو منظومه عاشقانه دارد: یکی ناظر و منظور شامل ۱۵۶۱ بیت بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن و در بحر هزج مسدس محذوف که عشق پسران شاه و وزیر را بر یکدیگر روایت می‌کند، دیگری فرهاد و شیرین به استقبال از خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای بر وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن و در بحر هزج مسدس محذوف.

مثنوی نخستین به سال ۹۶۶ به پایان رسید اما مثنوی دوم که از شاهکارهای ادب دراماتیک پارسی است، هم از عهد شاعر شهرت بسیار یافت لیکن وحشی ۱۰۷۰ بیت از آن را ساخت. بعدها وصال شیرازی شاعر مشهور سده سیزدهم هجری (۱۱۹۲-۱۲۶۲) سروده و با افزودن ۱۲۵۱ بیت آن را به پایان رسانیده‌است. شاعری دیگر به نام صابر شیرازی بعد از وصال ۳۰۴ بیت بر این منظومه افزود. خلد برین در ۵۸۶ بیت مثنوی مشهور دیگری از وحشی به پیروی از مخزن‌الاسرار نظامی گنجه‌ای بر وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن در بحر سریع مسدس مطوی مکشوف سروده شده است. مثنوی‌های کوتاهی از وحشی در مدح و هجو و نظایر آن‌ها بازمانده که اهمیت منظومه‌های یادشده را ندارد.

دیوان وحشی بافقی ۹۰۷۶ بیت مشتمل بر ۳۹۵ غزل شامل ۲۳۳۸ بیت، ۴۳ قصیده شامل ۱۸۷۰ بیت، ۴۳ قطعه شامل ۲۲۴ بیت، ۶۶ رباعی شامل ۱۳۲ بیت، ۱۱ ترکیب بند شامل ۵۸۵ بیت، ۱ ترجیع بند شامل ۱۲۵ بیت، ۱ مخمس شامل ۱۲ بیت، ۱۰ مثنوی شامل ۳۷۹۰ بیت است که با تصحیح عزیزالله علیزاده در انتشارات فردوس در تهران در سال ۱۳۹۲ در ۶۷۲ صفحه منتشر شده است.

دا یارب آن روزی که من از چشم یار افتم که گر از چشم یار افتم ز چشم اعتبار افتم شراب لطف پر در جام می‌ریزی و می‌ترسم که زود آخر شود این باده و من در خمار افتم به مجلس می‌روم اندیشناک ای عشق آتش دم بدم بر من فسونی تا قبول طبع یار افتم ز یمن عشق بر وضع جهان خوش خنده‌ها کردم معاذالله اگر روزی به دست روزگار افتم تظلم آنقدر دارم میان راهت افتاده که چندانی نگه داری که من بر یک کنار افتم عجب کیفیتی دارم بلند از عشق و می‌ترسم که چون منصور حرفی گویم و در پای دار افتم دگر روز سواری آمد و شد وقت آن وحشی که او تازد به صحرا من به راه انتظار افتم

نمونه‌ای دیگر

من آن مرغم که افکندم به دام صد بلا خود را	به یک پرواز بی‌هنگام کردم مبتلا خود را
نه دستی داشتم بر سر نه پایی داشتم در گل	به دست خویش کردم این‌چنین بی‌دست و پا خود را
چنان از طرح وضع ناپسند خود گریزانم	که گر دستم دهد از خویش هم سازم جدا خود را
گر این وضع است می‌ترسم که با چندین وفاداری	شود لازم که پیشت وانمایم بی‌وفا خود را
چو از اظهار عشقم خویش را بیگانه می‌داری	نمی‌بایست کرد اول به این حرف آشنا خود را
ببین وحشی که در خوناب حسرت ماند پا در گل	کسی کو بگذراندی تشنه از آب بقا خود را

مجتبی منشی‌زاده



زاده	۲۰ اسفند ۱۳۳۰
پیشه	دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

**مجتبی منشی زاده** (زاده ۲۰ اسفند ۱۳۳۰) زبان‌شناس ایرانی، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی و سردبیر نشریه زبان‌شناسی است. او پیش‌تر عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و مؤسس گروه زبان‌شناسی آن دانشگاه بود. حوزه‌های مطالعاتی او تاریخ زبان فارسی، زبان‌های ایرانی و دستور زبان فارسی است.

## آثار

- مهریشت - تحلیل متن اوستایی - نشر دانشگاه علامه طباطبایی
- آموزش عالی در ایران
- ادبیات ملل مسلمان (ترجمه)
- معنی‌شناسی زبانی (ترجمه)
- زبان، بافت و متن، نوشته مایکل هلییدی و رقیه حسن، ترجمه به همراه طاهره ایشانی
- مدرسه کارا: راهنمایی برای مدیران و آموزگاران مدارس، نوشته راجر اسمیت، ترجمه ریحانه حرم‌پناهی و مجتبی منشی‌زاده

## سمت‌ها و فعالیت‌ها

- معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی
- مدیر برنامه‌ریزی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴
- استاد اعزامی به دانشگاه ورشو در لهستان

## محسن ذاکر الحسینی



دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبایی.

محسن ذاکر الحسینی در بیست و یکم بهمن ماه سال 1341 در نیشابور دیده به جهان گشود. پدرش حاج عباسعلی ذاکر الحسینی، مشهور به «مرشد عباس»، استاد تجوید و قراءت قرآن و از مؤسسان نخستین مدارس امروزی نیشابور بود.

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را در نیشابور به پایان رسانید، و به سال 1360 در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفت. سپس تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی دنبال کرد، پس از اتمام فوق دیپلم در سال 1363 (مشهد، تربیت معلم)، به ترتیب مقطع کارشناسی را در سال 1368 (دانشگاه تهران)، فوق لیسانس را در سال 1376 (دانشگاه شیراز)، و دکتری را در سال 1388 (دانشگاه علامه طباطبایی) پشت سر گذاشت.

آیین شاعری را نزد شاعر توانا تقی سخن پرور، متخصص به «دیبا»، و درس اخلاق و تفسیر دیوان مولانا صایب را در محضر غزلسرا و صائب شناس برجسته محمد بی‌ریای گیلانی، متخصص به «شیدا» فراگرفت. در آغاز تأسیس انجمن فرهنگی - هنری ادیب نیشابوری و نیز انجمن سخن نیشابور، دبیر و از اعضای مؤسس آن هر دو انجمن بود.

در 1360 به استخدام آموزش و پرورش در آمد، و تا سال 1376 در دبیرستانهای قوچان تهران، نیشابور و شیراز دبیری کرد. در 1376 از آموزش و پرورش به فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتقال قطعی یافت، و از سال 1378 رسماً به عضویت هیأت علمی آن فرهنگستان در آمد. تدریس در بنیاد ایران شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده صدا و سیما، کارگاه آموزشی «آشنایی با تصحیح نسخه‌های خطی»، و تدریس به شیوه سنتی، از دیگر سوابق آموزشی اوست.

او که در هفته کتاب سال 1384، به عنوان منتقد برگزیده جزو «خادمان نشر» به دریافت لوح تقدیر نایل آمد، در کنار انتشار مقاله در دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه زبان و ادب فارسی، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، فرهنگ آثار اسلامی - ایرانی، و همچنین در نشریات الدراسات الادبیة (بیروت، دانشگاه لبنان)، سفینه (لاهور، دانشگاه پنجاب)، آینده، دنیای سخن، نامواره دکتر محمود افشار، نامه فرهنگستان، معارف، نشر دانش، نامه بهارستان، آینه میراث، گزارش میراث، و کتاب ماه فلسفه و ادبیات، آثار چندی را تصحیح کرده که عبارتند از:

فرهنگ فرهنگ، تألیف میرزا ابوالقاسم فرهنگ، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، 1376.

معیار الاشعار، تألیف خواجه نصیر الدین طوسی، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، 1388.

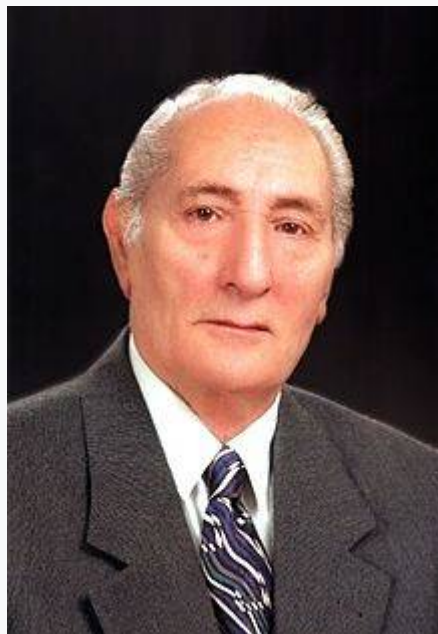
رسالة اخبار سلسله جلیله وصالیه، تألیف میرزا ابوالقاسم فرهنگ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، 1390.

فرهنگ شمس قیس، ضمیمه نامه فرهنگستان (شماره 11)، 1379.

عراضه العروضیین، تألیف جمال الدین محمد قرشی، ضمیمه نامه فرهنگستان (شماره 13)، 1382.

حلیمی و فرهنگهایش، ضمیمه نامه فرهنگستان (شماره 18)، 1383.

محمد امین ریاحی



زاده ۱۱ خرداد ۱۳۰۲ خوی

درگذشت ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ تهران

محل زندگی  
خوی، تهراندیگر نامها  
محمد امین ریاحی

سازمان وزارت فرهنگ، وزارت فرهنگ و هنر، بنیاد شاهنامه فردوسی، فرهنگستان ادب و هنر ایران، وزارت آموزش و پرورش

کارهای برجسته ادیب، سیاستمدار، مورخ، استاد زبان و ادبیات فارسی

محمد امین ریاحی (زاده ۱۱ خرداد ۱۳۰۲ – درگذشته ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۸) ادیب، تاریخ‌نگار، و شخصیت فرهنگی معاصر ایرانی، پدیدآورنده آثار پژوهشی در زمینه فرهنگ ایرانی، ادبیات فارسی، فردوسی و شاهنامه، حافظ، و تاریخ ایران است.

## زندگی

محمدامین ریاحی در یازدهم خرداد ۱۳۰۲ در خوی در یکی از خاندان‌های قدیمی شهر متولد شد. نیاکان او در دوره قاجار و پیش از آن مناصب کشوری و لشکری داشتند و پدرش، میرزا بزرگ‌خان ریاحی، از اعیان خوی بود. در پنج‌سالگی در خوی به مکتب رفت و دو سال پس از آن، تحصیلات ابتدایی را در دبستان خسروی خوی آغاز کرد. دوره اول متوسطه را در دبیرستان خسروی خوی گذراند و در ۱۳۱۸ برای تحصیل در دوره دوم متوسطه رهسپار ارومیه شد، اما با آغاز جنگ جهانی دوم و بروز ناآرامی‌ها در آن منطقه ناگزیر از بازگشت به خوی شد. یک سال پس از آن در مهر ۱۳۲۱ تحصیل در دانشسرای مقدماتی در تهران را آغاز کرد. سپس به ادامه تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت.

طی دوره تحصیل در دانشکده ادبیات، از درس‌های نسل اول استادان برجسته این دانشگاه از جمله بدیع‌الزمان فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی، ملک‌الشعرا بهار، احمد بهمنیار، عبدالعظیم قریب و ابراهیم پورداود بهره گرفت. در سال ۱۳۲۷ دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی را به پایان رساند و دو دانشنامه لیسانس علوم تربیتی و زبان و ادبیات فارسی را دریافت کرد. در همان سال تحصیل در دوره دکتری را آغاز کرد. در سال ۱۳۳۷ پس از دفاع از رساله دکتری خود با موضوع «تحقیق و تصحیح مرصادالعباد نجم‌الدین رازی» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر، درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی گرفت. به نوشته محمدعلی اسلامی ندوشن، وی «یکی از آخرین کسان از نسل ادبای معتبر بود... که طی شصت سال در صحنه فرهنگ ایران حضور داشت و هرچه نوشت دقیق و قابل اعتماد بود.»

دوران تحصیل دانشگاهی او مقارن با سالهای پایان جنگ جهانی دوم بود که ارتش اتحاد جماهیر شوروی استان آذربایجان را اشغال کرده و دولت خودمختار توسط فرقه دموکرات در آنجا تشکیل داده بود. در ۱۳۲۴ ریاحی همراه با گروهی از جدانشدگان از حزب ایران و مخالفان اشغال آذربایجان، در تشکیل حزب وحدت ایران شرکت کرد. پس از آزادی آذربایجان، این حزب در ۱۳۲۶ با احزاب دیگر درآمیخت، اما ریاحی دیگر تا پایان عمر عضو هیچ حزب سیاسی نشد، هرچند در جنبش ملی شدن صنعت نفت و پس از آن، هوادار دکتر محمد مصدق بود و با بعضی از اعضای جبهه ملی دوستی داشت. در وقایع آذربایجان، محمدامین ریاحی گذشته از اینکه سردبیر روزنامه شفق، ارگان حزب وحدت ایران بود، با نشر اشعار شورانگیز و مقاله‌های خود در روزنامه‌هایی چون کیهان در تهران و اختر شمال در تبریز، در راه آزادی آذربایجان کوشید. در ۱۳۲۵ مجموعه شعرهای خود را درباره آذربایجان در کتابچه‌ای با عنوان در راه نجات آذربایجان با هزینه شخصی در تهران منتشر کرد.

محمدامین ریاحی از سال ۱۳۲۷ که آغاز کار او در فرهنگ بود، به مدت پنج سال در اجرای تعهد تدریس خود در دبیرستان حکیم نظامی قم، و سپس دبیرستانهایی در قزوین و گرگان تدریس کرد و همچنین ریاست دانشسرای گرگان را (تا ۱۳۳۲) عهده‌دار شد. طی سالهای بعد تا پایان دهه ۱۳۳۰ در دبیرستانهای تهران تدریس کرد. در همان سالها هفته‌نامه کیهان فرهنگی (برای معلمان) را بنیاد نهاد که انتشار آن تا خرداد ۱۳۳۵ ادامه یافت. از سال ۱۳۲۷ عضو هیئت مدیره جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی بود. در ۱۳۳۴ به عضویت کمیسیون قوانین در وزارت فرهنگ انتخاب شد و طی سالهای بعد برای همسان‌سازی پایه حقوق معلمان سایر کارمندان دولت کوشید، تا سرانجام طرح ترمیم حقوق فرهنگیان در مجلس شورای ملی تصویب شد.

از سال ۱۳۳۵ به دعوت دکتر محمد معین به مدت پنج سال عضو هیئت مؤلفان لغت‌نامه دهخدا بود. در این دوره تألیف و تدوین حرف سین لغت‌نامه را به انجام رساند.

در ابتدای سال ۱۳۴۰ عهده‌دار مدیرکلی وزارت فرهنگ شد، و در مدت سه سال در پرتو تجربه‌هایی که طی سال‌های تدریس دبیرستانی از وضعیت نابسامان کتاب‌های درسی داشت، طرح سامان‌دهی و یکنواخت‌سازی کتاب‌های درسی دبیرستانی را به اجرا درآورد. هدف این طرح، خارج ساختن کتاب‌های درسی از میدان رقابت ناسالم ناشران و مؤلفان، قرار دادن کار تألیف و چاپ کتاب‌های درسی دبیرستانی در اختیار وزارت فرهنگ، و انتشار کتاب‌های درسی دبیرستانی با کیفیت مناسب بود.

ضرورت اجرای چنین طرحی از آنجا پیش آمد که پس از اشغال ایران توسط متفقین با کاهش درآمد دولت، وزارت فرهنگ نیز در پی کاهش مسئولیت خود برآمد و از سال ۱۳۲۴ تألیف کتاب‌های درسی دبیرستانی را آزاد اعلام کرد. این آزادسازی در طی دو دهه نابسامانی‌های فراوانی به وجود آورده بود که از آن جمله بود: نابرابری کیفیت و کمیت کتابها، گرانی قیمت عرضه، دست‌بندی‌های ناشران و مؤلفان و اعمال نفوذ در وزارت فرهنگ، و ایجاد بازار سیاه کتاب.

طرح کتاب‌های درسی با وجود مخالفت‌ها و دخالت‌های گسترده ناشران و مؤلفان ذی‌نفع در تهیه و چاپ کتاب‌های درسی، طی چند مرحله به اجرا درآمد، و نهایتاً در سال ۱۳۴۲ با تأسیس سازمان کتاب‌های درسی وابسته به وزارت فرهنگ (بعدها وزارت آموزش و پرورش) برای تألیف کتاب‌های درسی جدید، موجبات ارتقای کیفیت آموزش دبیرستانی را فراهم آورد. محمدمین ریاحی ضمن چند مقاله در ماهنامه آموزش و پرورش و نیز در مقاله‌ای با عنوان ماجرای کتاب‌های درسی (۱۳۷۷) شرحی از اقدامات خود در وزارت فرهنگ را در آن دوره آورده است.

محمدمین ریاحی طی سال‌های بعد عهده‌دار چندین سمت فرهنگی از جمله رایزنی فرهنگی ایران در کشور ترکیه و تدریس در دانشگاه آنکارا (از ۱۳۴۲)، نیابت ریاست فرهنگستان ادب و هنر ایران ایران، ریاست بنیاد شاهنامه فردوسی (از ۱۳۵۴)، ریاست دانشکده هنرهای دراماتیک، مشاور وزیر فرهنگ و هنر، و وزارت آموزش و پرورش (۱۳۵۷) بود.

در سال ۱۳۵۰ مسئولیت دبیرکلی هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور را به عهده گرفت و طی چند سال ساختار کتابخانه‌های عمومی کشور را به وجود آورد. در این دوره طرح‌های احداث سیصد کتابخانه عمومی وسیع و مجهز را در تمام مناطق کشور آغاز کرد، و برای تأمین کتابداران آموزش‌دیده برای کتابخانه‌های عمومی برنامه‌ریزی کرد. از دیگر اقدام‌های ماندگار مدیریت او در آن دوره، تهیه و اجرای طرح حمایت از مؤلفان و ناشران توسط نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بوده است که در چارچوب آن کتاب‌های جدید ناشران برای کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور خریداری می‌شود. محمدمین ریاحی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ در ۸۶ سالگی در تهران درگذشت.

### پژوهش‌های ادبی و تاریخی

از مشهورترین تألیفات محمدمین ریاحی می‌توان به «سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی»، «گلگشت در شعر و اندیشه حافظ»، «تاریخ خوی» و «زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی» اشاره کرد که از نظر اصالت و دقت نظرهای ابراز شده مورد توجه ادب‌شناسان قرار داشته است. آثار محمدمین ریاحی در حوزه شناسایی و تصحیح متون کهن فارسی، و کوشش‌های او در این زمینه همچون مرصادالعباد، نزهةالمجالس، شش فصل علاوه بر آن که راهگشای پژوهندگان متون فارسی از نظر روش تحقیق و تصحیح بوده، با توجه به یافته‌های تحقیقی ارائه شده در مقدمه‌ها و تعلیقات همواره مورد استفاده و استناد پژوهشگران در حوزه‌های ادب و تاریخ و فرهنگ ایران قرار داشته است.

فصل مهمی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی محمدمین ریاحی مربوط به شاهنامه و فردوسی بوده است. بنیاد شاهنامه فردوسی بنابر طرح پیشنهادی وی به وزارت فرهنگ و هنر تأسیس شد و او علاوه بر تهیه اساسنامه بنیاد شاهنامه، از ابتدای تشکیل بنیاد در سال ۱۳۵۰ عضویت هیئت امنای آن

را داشت. در سال ۱۳۵۴ جانشین مجتبی مینوی در سمت ریاست علمی بنیاد شد. از آن هنگام تا زمان توقف فعالیت در پایان سال ۱۳۵۷ فعالیت‌های بنیاد شاهنامه در زمینه گردآوری نسخه‌های خطی شاهنامه و ویرایش و انتشار بخش‌هایی از متن شاهنامه شتاب بیشتری یافت. در آبان ۱۳۵۶ به دعوت او نخستین مجمع علمی بحث درباره شاهنامه با حضور تعدادی از محققان برجسته در بندرعباس تشکیل شد که برگزیده‌ای از گفتارهای این مجمع تحت عنوان «شاهنامه‌شناسی» سال بعد منتشر شد. محمدمین ریاحی در سال ۱۳۶۹ موجبات تجدید چاپ شاهنامه ژول مول را که هنوز از ویرایش‌های معتبر شاهنامه به‌شمار می‌آمد فراهم آورد و مقدمه‌ای جامع بر آن نوشت.

در مقاله «سال‌شماری زندگی فردوسی و سیر تدوین و تکمیل شاهنامه» که در سال ۱۳۷۱ انتشار یافت برپایه اشاره‌های موجود در متن‌های کهن به زندگی فردوسی و نیز با تکیه بر بیت‌هایی از شاهنامه سال‌شماری دقیقی از رویدادهای زندگی فردوسی تا آنجا که منابع امکان می‌داد فراهم آورد.

چندی بعد در ۱۳۷۲ یکی از مهمترین آثار پژوهشی او «سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، مجموعه نوشته‌های کهن درباره فردوسی، شاهنامه و نقد آنها» منتشر شد. در این اثر مرجع، وی با بررسی منابع قدیم فارسی آنچه را با زندگی فردوسی پیوند دارد، همراه با بررسی انتقادی و به ترتیب تاریخی، آورده است. مقدمه جامع این کتاب که خود رساله‌ای در فردوسی‌شناسی است، پرتوهای تازه‌ای بر زندگی فردوسی می‌افکند و دربردارنده آگاهی‌های بسیاری درباره آفریننده شاهنامه است. اما مشهورترین کوشش ریاحی در راه شناخت شاهنامه و فردوسی، تألیف کتاب «فردوسی: زندگی، اندیشه و شعر او» است که اولین بار در ۱۳۷۵ انتشار یافته و به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران بهترین اثر عمومی در معرفی فردوسی و شاهنامه است.

کتاب «گلگشت در شعر و اندیشه حافظ» مجموعه‌ای از چند مقاله ریاحی درباره شعر حافظ است که می‌توان یکی از مهمترین آن‌ها را مقاله «این رباعی‌ها از حافظ نیست»، دانست و مقاله بسیار جذابی نیز درباره مصراع «دو یار زیرک و از باده کهن دو منی» دارد. ریاحی در این کتاب به بسیاری از مشکلات ریز لغوی اشعار حافظ پرداخته و توضیحاتی که درباره اشعار حافظ داده با اتکا و استناد به نمونه‌های دقیقی از متون معاصر حافظ، پیش از حافظ و برخی متون جنبی مانند مفتاح‌المعاملات و جهان‌نامه است. مقاله «باد جوی مولیان» یکی دیگر از مقالات جذاب این مجموعه است و در آن با استفاده از تضمین حافظ از مصراع «بوی جوی مولیان» توضیح داده شده است که چرا ضبط «باد جوی مولیان» بر ضبط مشهور «بوی جوی مولیان» ارجحیت دارد.

از سال ۱۳۱۸ که اولین مقاله به قلم محمدمین ریاحی در مجله ارمنان به چاپ رسید، طی بیش از شصت سال مقاله‌های پژوهشی او در نشریه‌های تحقیقی، و نیز در یادنامه‌های بزرگان ادب و فرهنگ ایران منتشر شد. برگزیده‌ای از این مقاله‌ها با عنوان چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسید. از فعالیت‌های مطبوعاتی او سردبیری هفته‌نامه مهرگان (ارگان جامعه لیسانسپه‌های دانشسرای عالی)، مدیریت هفته‌نامه کیهان فرهنگی (برای معلمان)، ماهنامه آموزش و پرورش (نشریه وزارت فرهنگ)، و فصلنامه سیمرخ (نشریه بنیاد شاهنامه) را می‌توان نام برد.

در سال ۱۳۳۷ محمدمین ریاحی ضمن مقاله‌ای که در مجله یغما انتشار داد، مدفن فراموش‌شده شمس تبریزی را در شهر خوی بازشناسی کرد و طی تحقیقات بعدی با ارائه شواهد تاریخی قطعی، واقع بودن مدفن شمس تبریزی را در این محل به اثبات رساند. از آن پس مزار شمس تبریزی در خوی توسط غالب محققان شناخته شد، و بازسازی محوطه تاریخی مزار شمس تبریزی از دهه ۱۳۷۰ در دستور کار مسئولان قرار گرفت.

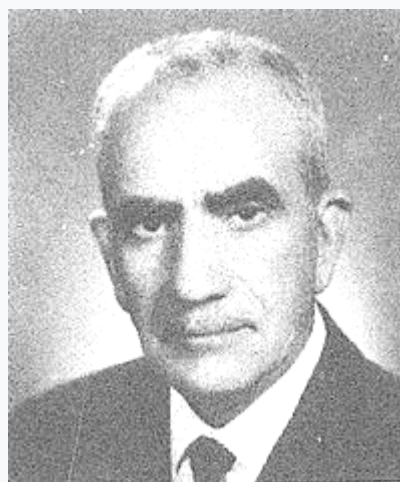
از رهگذر بررسی آثار ریاحی می‌توان چند مؤلفه برجسته در اندیشه او دریافت کرد؛ محوریت فرهنگ ایرانی و زبان فارسی؛ به گونه‌ای که با وجود ارتباط قسمتی از پژوهش‌های ریاحی با حوزه عثمانی،

دغدغه عمده او در این پژوهش‌ها، زبان فارسی و گستره نفوذ فرهنگ ایران است. ریاحی با این که تعلق خاطر مشخصی به متون کهن فارسی دارد، یکی از نمایندگان پیش رو نگرشی است که به درک معتدلی از ضرورت بازاندیشی در زبان فارسی باور داشت. ریاحی توانست نسبت متعادلی میان اهمیت و اصالت زبان متون کهن و ضرورت بازاندیشی در زبان فارسی برای پاسخ به مقتضیات زمانه برقرار کند.

## کتاب‌شناسی آثار

- دیوان رشید یاسمی (گردآوری)، ۱۳۲۶
- جهان‌نامه، تألیف محمد بن نجیب بکران (تصحیح)، ۱۳۴۲
- مفتاح‌المعاملات، تألیف محمد بن ایوب طبری (تصحیح)، ۱۳۴۹
- مرصادالعباد، تألیف نجم‌الدین رازی (تصحیح)، ۱۳۵۲ (برنده جایزه کتاب سال)، چاپ پانزدهم ۱۳۹۱
- گزیده مرصادالعباد (تصحیح)، ۱۳۶۱، چاپ بیستم ۱۳۸۹
- رتبه‌الحيات، تألیف خواجه یوسف همدانی (تصحیح)، ۱۳۶۲
- رساله‌الطیور، تألیف نجم‌الدین رازی (تصحیح)، ۱۳۶۲
- عالم‌ارای نادری، تألیف محمدکاظم مروی (تصحیح)، ۱۳۶۲
- نزهة‌المجالس، تألیف جمال خلیل شروانی (تصحیح)، ۱۳۶۶
- کسایب مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او (تألیف)، ۱۳۶۷
- گلگشت در شعر و اندیشه حافظ (تألیف)، ۱۳۶۷
- سفارتنامه‌های ایران، تاریخ روابط پانصدساله ایران و عثمانی (تألیف)، ۱۳۶۸
- زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی (تألیف)، ۱۳۶۹، چاپ دوم ۱۳۹۱
- معرفة‌الاسطرلاب معروف به شش فصل، به‌ضمیمه عمل‌واللقاب، تألیف محمد بن ایوب طبری (تصحیح)، ۱۳۷۱
- تاریخ خوی، سرگذشت سه‌هزارساله منطقه شمال غرب ایران (تألیف)، ۱۳۷۲ (برنده جایزه کتاب سال)
- سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، مجموعه نوشته‌های کهن درباره فردوسی و شاهنامه و نقد آنها (تألیف)، ۱۳۷۲، چاپ سوم ۱۳۸۹
- بگشای راز عشق، گزیده کشف‌الاسرار میبیدی (تصحیح)، ۱۳۷۳
- فردوسی: زندگی، اندیشه و شعر او (تألیف)، ۱۳۷۵
- پایداری حماسی (مجموعه مقالات ادبی و تاریخی)، ۱۳۷۹
- چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران (مجموعه مقالات)، ۱۳۷۹

## محمدتقی مدرس رضوی



۲۸ اسفند ۱۲۷۴ مشهد

زاده

۲۸ آبان ۱۳۶۵ (۹۱ سال) تهران

درگذشت

استاد دانشگاه، پژوهشگر ادبی

پیشه

استاد ممتاز دانشگاه  
تهران،<sup>۱۱</sup> سنائی پژوهکارهای  
برجسته

اسلام

دین

**محمدتقی مدرس رضوی** (زاده ۲۸ اسفند ۱۲۷۴ در مشهد - درگذشته ۲۸ آبان ۱۳۶۵ در تهران)، استاد ممتاز دانشگاه تهران بود. محمدتقی مدرس رضوی علوم قدیمه را در مشهد فراگرفت و در سال ۱۲۹۹ به تهران آمد و به آموختن علوم جدید پرداخت.

وی پس از پدرش که از مدرّسان آستان قدس بود، سال‌ها به کار تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۰۶ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در مشهد و تهران به تعلیم علوم ادبی پرداخت. در آغاز تأسیس دانشگاه تهران به استادی برگزیده شد و در دانشکده‌های الهیات و ادبیات تدریس کرد و بازنشسته شد. در سال ۱۳۵۵ به استادی ممتاز دانشگاه تهران نائل آمد.

## زندگی‌نامه

محمدتقی مدرس رضوی در شب سه‌شنبه دوم شوال سال ۱۳۱۳ هجری قمری برابر با ۲۸ ماه اسفند سال ۱۲۷۴ هجری شمسی در مشهد زاده شده‌است. نسبت «مدرّس» به مناسبت منصب تدریس آستان قدس رضوی بوده که از زمان نادرشاه افشار در این خاندان از پدر به پسر به ارث رسیده و در سال ۱۲۹۹ ه.ق بعد از میرزا محمدعلی رضوی به مرحوم میرزا محمدباقر رضوی برادرزاده‌اش منتقل شده و میرزا محمدباقر، پدر بزرگوار استاد مدرس رضوی است و نخستین بار در سفرنامه افضل الملک المعی کرمانی از میرزا محمدباقر به‌عنوان مدرس آستانه یاد شده و نوشته‌است: «... خزانه‌الأدب

خلاصه زمانه مدرس آستانه ثمره شجره بوستان مرتضوی آقا سید باقرالرضوی سلمه‌الله». اما نسبت «رضوی» به مناسبت انتساب به حضرت رضا علیه‌السلام است که انساب این سلسله در کتاب «شجره طیبه» تألیف میرزا محمدباقر مدرس رضوی آمده و این کتاب با اضافات و تعلیقات به‌کوشش استاد مدرس رضوی به چاپ رسیده‌است. پدر استاد یعنی مرحوم میرزا محمدباقر رضوی، در شب هفدهم ربیع‌المولود هزار و دویست و هفتاد هجری قمری به دنیا آمده و در بامداد نهم ذی‌الحجه سال ۱۳۴۲ ه.ق درگذشته و در زیر در حرم در مدخل دارالسیاده به خاک سپرده شده و عده‌ای از بزرگان علما و شعرا و شاگردانش درباره او مرثیه گفته‌اند از جمله مرحوم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر قطعه‌ای در رثای او ساخته که مطلعش این است: «قطب دانش محمدباقر - بار بر بست از این جهان و بمرد».

میرزا محمدباقر مدرس فقه و اصول تدریس می‌کرد و کتاب شرح لمعه شهید و قوانین میرزای قمی کتاب تدریس بود، در ماه رمضان هم بنا به خواهش طلاب تفسیر صافی ملامحسن فیض را درس می‌داد و کار تدریس را با علاقه و نظم و ترتیب انجام می‌داد و درسش کمتر تعطیل می‌شد، طالب علمان نیز با اشتیاق به درسش حاضر می‌شدند و حوزه درس او از حوزه‌های پر جمعیت مشهد بود. سیدمحمد تقی چون پیشتر فارسی و عربی را آموخته بود در کلاس چهارم دبستان پذیرفته شد و در اندک مدتی به کلاس پنجم و ششم ارتقاء یافت و تا کلاس هفتم که کلاس عالی مدرسه بود رسید و چون معلمی و تدریس را به ارث برده و دروس را خوب فرا گرفته بود آن زمان که در کلاس ششم بود به شاگردان کلاس سوم حساب و فارسی و نحو و صرف درس می‌داد.

در این مدارس دروس ادبی بیشتر تدریس می‌شد و معلمان فاضل و ادیب داشت مانند فضل‌الله بدایع نگار و سید حسین (موسوی نسل) ادیب بجنوردی و آقا شیخ حسن ادیب هروی که همه از محققان و ادیبان بنام و دارای تألیف و تصنیف بودند. آقای مدرس رضوی بعدها هم از درس ادیب بجنوردی استفاده کرده‌اند و ادیب بجنوردی از بزرگان معارف خراسان بود. چون در مدرسه رحیمیه کلاس بالاتری گشایش نیافت آقای سید محمدتقی از مدرسه بیرون آمد و در جستجوی استادان ادب پرداخت که به مدرسه نواب مشهد و خدمت استاد ادب آن روز گار، شادروان عبدالجواد ادیب نیشابوری راه یافت و او که طالب علمانی از این‌گونه را بسیار گرامی می‌داشت و به آنان با علاقه درس می‌داد، شاگرد تازه‌وارد مشتاق را پذیرا شد و شاگرد نزد آن استاد مغنی و مطول و قسمتی از شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری را خواند و بیست مقامه از مقامات حریری را در ایام ماه رمضان که درس تعطیل بود، به‌طور خصوصی از آن استاد فرزانه فراگرفت و شرح ارجوزه جزری را در عروض و قافیه همین زمان آموخت و این شرح در عروض و قافیه سبب شد که شاگرد دانا و طالب علم و علاقه‌مند آن روز، خود از استادان مسلم علم عروض شود زیرا در آن وقت کتاب‌های دیگر نیز مطالعه کرده و تقریرات استاد ادیب را بر آنها افزوده و همان زمان کتابی در علم عروض تألیف کرده و به‌نظر استاد رسانده و مورد تحسین قرار گرفته و نسخه‌ای از این کتاب را به کتابخانه آستان قدس رضوی تقدیم داشته که در آنجا مضبوط است دیوان ادیب هم در حدود پنج هزار بیت به خط آقای مدرس رضوی نوشته شده که در دسترس نیست. ادیب مقالات سیاسی می‌نوشته و اشعار سیاسی نیز می‌گفته‌است.

در آن روزگار که حوزه علوم ادبی به پرتو وجود امثال ادیب نیشابوری روشن بود و حوزه‌های علوم دینی بزرگانی داشت که از آنان نام خواهیم برد، علوم ریاضی مدرسی متبحر و دانشمند علامه‌ای داشت چون میرزا عبدالرحمن مدرس که علاوه بر استادی ریاضیات در ادب و حکمت و فقه و کلام از سرآمدان و معاریف به‌شمار می‌رفت، او تحریر اقلیدوس و مجسطی را نزد پدرش میرزا نصرالله شیرازی آموخته و آن‌گاه به درس نجم‌الدوله رفته بود. این استاد بزرگ ریاضی یعنی میرزا عبدالرحمن بنا به خواهش پدر آقای مدرس رضوی، ایشان را به شاگردی پذیرفته و جبر آقاخان و هندسه مهندس‌الملک را که کتاب درسی این رشته بود به شاگرد آموخت و پس از آن تشریح‌الأفلاک و خلاصه‌الحساب و چهار مقاله از تحریر اقلیدوس را درس داد.

در موقعی که دانشمند معروف سیدحسن مشکان طبسی در مشهد بوده آقای مدرس رضوی دو ماه نزد او شرح منظومه آموخته‌اند. استاد مدرس رضوی پس از این‌که از سرچشمه ادب و ریاضیات سیراب

شد روی به آموختن علم دین آورد و نزد پدر خود شرح لمعه در فقه و قوانین را در اصول فرا گرفت و به اصطلاح طلاب برای درس خارج فقه و اصول در محضر حاج آقا حسین قمی و آقا میرزا محمدآقازاده خراسانی حاضر شد و استفاده کرد. در آن اوقات حوزه‌های علوم دینی مشهد استادان دیگری نیز داشت که آقای مدرس رضوی از محضر آنها استفاده می‌کرد از آن جمله مرحوم شیخ حسن بررسی بود که فوائد شیخ مرتضی انصاری تدریس می‌کرد و ملا آقابزرگ سراسی شرح لمعه در منزل خود می‌گفت و سیدعلی سیستانی در آستانه و همچنین مرحوم میرزا مرتضی مجتهد سجادی (نیای نگارنده متوفی ۱۳۵۱ ه.ق) مکاسب تدریس می‌کرد؛ و استاد مدرس رضوی چنان‌که می‌گویند بیشتر اوقات حتی برای مشورت در امور زندگانی از پدر بزرگ نگارنده ارشاد و راهنمایی می‌خواستند و هنگامی که برای تدریس و نظامت مدرسه عالی سپهسالار در سال ۱۳۱۰ شمسی دعوت شده و در این باره دچار تردید بوده‌اند مرحوم میرزا مرتضی سجادی ایشان را به مسافرت تشویق و ترغیب کرده‌است و این روش تدریس قدیم بود که استادان شاگردان و طالب علمان را در بسیاری از امور راهنمایی و ارشاد می‌کردند و در راه زندگی نیز راهنما و هادی آنان بودند.

اما این شیفته دانش و ادب و حکمت نمی‌توانست در مشهد باشد و درس حکمت و فلسفه آقابزرگ حکیم شهیدی (میرزا عسکری) را فرا نگیرد، زیرا آقابزرگ حکیم شهیدی از بزرگان حکمت و فلسفه و از مفاخر خراسان به‌شمار می‌رفت و حدود بیست و سه سال از ۱۳۳۳ ه.ق تا ۱۳۵۵ ه.ق در منزل خود درس می‌گفت و شرح قوشجی بر تجرید و شرح خواجه بر اشارات شیخ‌الرئیس و شوارق و شواهد الربوبیه و مبدأ و معاد و شرح هدایه ملاصدرا و شرح منظومه حاج ملاهادی و اسفار ملاصدرا را تدریس می‌کرد و این حکیم بزرگ در جمادی‌الآخری ۱۳۵۵ ه.ق مطابق با سال ۱۳۱۵ هجری شمسی در گذشت و در دامنه کوه سنگی مشهد مدفون شد.

باری محمدتقی مدرس رضوی نزد حکیم عالیقدر آقابزرگ شهیدی شرح هدایه ملاصدرا و مقداری از شرح اشارات خواجه طوسی را قرائت کرد و فراگرفت. وی به تشویق پدرش به آموختن زبان فرانسوی پرداخت و در سال ۱۳۳۸ ه.ق با اجازه پدر به تهران سفر کرد و در محضر خاتم‌الحکما میرزا محمدطاهر تنکابنی (وفات ۱۳۶۰ ه.ق) حاضر شد و قسمتی از طبیعیات شفا و کلیات قانون ابوعلی سینا را بر آن بزرگ خواند و اجازه تدریس آنها را گرفت، کتاب بصائر نصیریه در منطق تألیف عمر بن سهلان ساوی را به خط خویش نوشت و بر استاد قرائت کرد و شرح اشارات خواجه را نیز از او فرا گرفت؛ و چون در تهران باز هم فرصتی داشت برای تکمیل زبان فرانسه و استفاده از کتب آن زبان، به مدرسه آلیانس فرانسه رفت و در زبان توفیق کامل یافت.

پس از سه سال و چند ماه از تهران به مشهد رفته و پس از مرگ پدر در ۱۳۴۲ ه.ق منصب تدریس آستان قدس به ایشان محول شد و ایشان تدریس طلاب را در رشته‌هایی که آموخته بودند آغاز کردند و چندی بعد از طرف مرحوم سیدمحمد تدین مأمور تدریس در مدرسه دانش مشهد شدند که نخستین مدرسه متوسطه (دبیرستان) آن شهر بود و در همین زمان تحقیق اوقاف خراسان را نیز انجام می‌دادند.

او در سال ۱۳۱۰ شمسی مدرسه عالی سپهسالار به وزارت فرهنگ واگذار شد و استاد مدرس رضوی به تهران منتقل و به سمت معلم و ناظم آن مدرسه منصوب شدند و در مدارس دارالفنون و علمیه و شرافت و معرفت نیز تدریس زبان فارسی می‌کردند و مدتی بعد باز به خراسان انتقال یافته و ریاست و معلمی دبیرستان دانش را بر عهده گرفتند و پنج سال این شغل را ادامه دادند و دو سال هم ضمن کارهای خود در دبیرستان نظام مشهد تدریس داشته و در تحقیق اوقاف نیز خدمت کردند. او در سال ۱۳۱۷ به‌دستور جناب آقای علی‌اصغر حکمت به تهران آمده و مدیر داخلی و معلم دانشکده معقول و منقول شدند، و چون پس از آقای حکمت در ابتدای وزارت مرحوم مرآت دانشکده معقول و منقول منحل شد، ایشان به دانشکده ادبیات دانشگاه انتقال یافتند و برای جبران کسری حقوق ایشان به‌دستور وزارت معارف همکاری لغت‌نامه دهخدا به خدمات استاد اضافه شد و دو سال در این خدمت بودند و چون دانشکده معقول و منقول بار دیگر گشایش یافت چند ساعت هم در آنجا تدریس به‌عهده گرفتند.

تا سال ۱۳۲۸ شمسی با رتبه دبیری خدمت می‌کردند و در این سال هنگام طرح بودجه کل کشور به شورای دانشگاه اختیار داده شد، به کسانی که دهسال سابقه تدریس در دانشگاه دارند رتبه دانشیاری یا استادی بدهند و به ایشان رتبه هشت استادی داده شد اما با حقوقی که می‌گرفتند تطبیق کردند و رتبه سه استادی دادند و پس از دو سال ابلاغ‌های سابق را لغو کردند و رتبه ده استادی به ایشان دادند. استاد در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۴ به افتخار بازنشستگی نایل آمدند و دو سال دیگر هم تدریس کردند. در بهمن ماه ۱۳۵۵ از طرف دانشگاه تهران منشور استادی ممتاز به ایشان اعطا شد.

وی در ۲۸ آبان ۱۳۶۵ در سن ۹۱ سالگی درگذشت.

آثار

1. تصحیح دیوان سنائی
2. حدیقة الحقیقه از سنائی
3. تعلیقات حدیقة الحقیقه
4. مثنوی‌های حکیم سنائی
5. تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم
6. تصحیح تاریخ بخارا، ابوبکر محمدبن جعفر النرشخی
7. تصحیح اساس الاقتباس خواجه نصیرالدین طوسی
8. احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی
9. تصحیح دیوان انوری
10. تصحیح شرح مشکلات دیوان انوری، ابوالحسن حسینی فراهانی
11. تصحیح دیوان سید حسن غزنوی
12. ترجمه میزان الحکمة عبدالرحمن خازنی
13. رساله آثار علوی، ابوحاتم مظفر اسفزاری
14. رسائل خواجه نصیرالدین طوسی
15. تصحیح مجمل التواریخ، ابوالحسن بن محمدامین گلستانه
16. تصحیح تنسوخ‌نامه ایلخانی، خواجه نصیرالدین طوسی
17. تاریخ مشهد رضوی
18. تاریخ رجال خراسان
19. شجره طیبه
20. سال‌شمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم
21. کارنامه بلخ سنائی
22. بیست باب اسطرلاب خواجه نصیرالدین طوسی

## محمد جعفر یاحقی



زاده ۱۳۲۶ فردوس

پیشه پژوهشگر، نویسنده و استاد زبان و ادبیات فارسی

**محمد جعفر یاحقی** (زاده ۱۳۲۶ در فردوس) پژوهشگر و نویسنده ایرانی، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد، عضو پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیر قطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان در دانشگاه فردوسی مشهد است.

## زندگی‌نامه

محمد جعفر یاحقی در سال ۱۳۲۶ در محله سردشت فردوس به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر فردوس گذراند. در سال ۱۳۴۵، به قصد ادامه تحصیل به مشهد رفت و در سال ۱۳۴۶ با رتبه اول در کنکور رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته شد. پس از اتمام دوره لیسانس، در سال ۱۳۵۰ به عنوان رتبه اول در کنکور فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد پذیرفته شد. وی در سال ۱۳۵۴ با درجه ممتاز از پایان نامه خود دفاع کرد و به پیشنهاد غلامحسین یوسفی به عنوان مربی در بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی استخدام شد. در همان زمان وی در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شده و همزمان با تدریس در دانشگاه فردوسی، در دوره دکتری دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. وی در سال ۱۳۵۹ از پایان نامه دکتری خود در دانشگاه تهران با درجه ممتاز دفاع کرد. در سال ۱۳۶۷ دانشیار شد و در سال ۱۳۷۲ به مرتبه استادی ادبیات فارسی ارتقا یافت. یاحقی از دی ماه ۱۳۸۱ مدیریت قطب علمی فردوسی‌شناسی و ادبیات خراسان را به عهده گرفت.

## برخی از فعالیت‌های علمی - اجرایی

- عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از اردیبهشت ۱۳۸۸
- تألیف، تصحیح و ترجمه بیش از ۴۲ عنوان کتاب و نگارش بیش از ۲۶۰ مقاله
- عضویت در شورای عالی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور
- عضویت در هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد
- عضویت در هیئت مدیره انجمن ترویج زبان و ادب فارسی
- ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل مؤسسه فرهنگی فرهنگسرای فردوسی

- عضویت در هیئت مؤسس مجمع مشهدپژوهان
- مدیریت مرکز پژوهش‌های آسیای مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد
- عضویت در هیئت تحریریه ۵ مجله علمی، پژوهشی داخلی و دو مجله خارجی به شرح زیر:

1. مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز
2. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان
3. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
4. مجله گوهر گویا وابسته به انجمن ترویج زبان و ادب فارسی
5. مجله نامه پارسی وابسته به شورای گسترش زبان و ادب فارسی
6. فصلنامه رودکی وابسته به رایزنی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان
7. مجله کمند کویته پاکستان

## سفرهای علمی

- عزیمت به انگلستان برای استفاده از فرصت مطالعاتی در دانشگاه کمبریج به مدت یک سال، ۱۳۶۴
- عزیمت به چین برای آشنایی با بخش ایران‌شناسی دانشگاه پکن به مدت سه هفته، ۱۳۶۶-۱۳۶۵
- عزیمت به آکسفورد برای استفاده از کتابخانه بادلیان به مدت یک ماه، ۱۳۶۷
- عزیمت به ژاپن به دعوت دانشگاه مطالعات خارجی توکیو برای تدریس زبان و ادبیات فارسی به مدت یک سال، ۱۳۶۹
- عزیمت به انگلستان به دعوت دانشگاه لندن برای تدریس زبان و ادبیات ۱۳۸۱-۱۳۷۸
- عزیمت به ایالات متحده آمریکا به دعوت دانشگاه کالیفرنیا برای ارائه سخنرانی در همایش «شاهنامه؛ حماسه ملی ایران» به مدت یک ماه و دیدار از دانشگاه‌های: کالیفرنیا، استنفورد، واشینگتن جرج تاون و پرینستون؛ از ۲۷ اردیبهشت تا ۲۹ خرداد ۱۳۸۹
- عزیمت به سوئد به دعوت دانشگاه اوپسالا برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی هزاره شاهنامه اکتبر ۲۰۱۱
- او همچنین در ۲۵ کنفرانس و کنگره بین‌المللی خارجی در کشورهای: انگلستان (۲ بار)، کانادا (۲ بار)، چین، دانمارک، ایتالیا، مجارستان، تایلند، ترکمنستان، هندوستان (۳ بار)، یونان، قزاقستان (۲ بار)، تاجیکستان (۶ بار)، ارمنستان و سوئد با ارائه مقاله شرکت کرده‌است.

## شاگردان سرشناس

- مهدخت پورخالقی چترودی
- غلامرضا حافظی

## کتاب‌ها

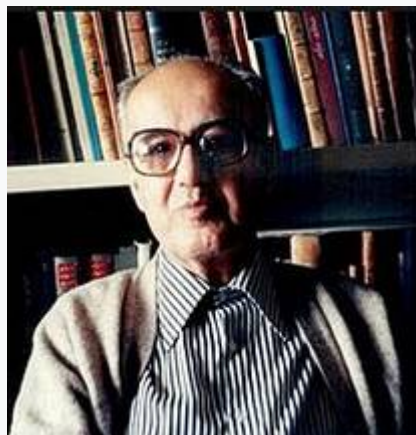
- تفسیر شنقشی، گزاره‌ای از بخشی از قرآن کریم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵
- اقلیم‌های دیگر، مشهد، چاپخانه دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۲
- تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، اثر عزیز احمد، ترجمه از انگلیسی، با همکاری نقی لطفی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲

- راهنمای نگارش و ، با همکاری دکتر محمدمهدی ناصح، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۳ (چاپ ۲۳، ۱۳۸۴)
- ترجمه قرآن ری، تهران، مؤسسه فرهنگی رواقی، ۱۳۶۴
- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابوالفتوح رازی)، مشهد، با همکاری دکتر محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۲۰ جلد، ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۶ (چاپ سوم، ۱۳۸۳)
- نهاییه المسوؤل فی روایه الرسول، (تصحیح)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶
- تاریخ تفکر اسلامی در هند، اثر عزیز احمد، ترجمه از انگلیسی، با همکاری نقی لطفی، تهران، کیهان- انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷
- سوگنامه سهراب، تهران، توس، ۱۳۶۸
- سرو و تدرؤ، از نثاری تونی، (تصحیح)، تهران، سروش، ۱۳۶۸
- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، سروش- مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹ (چاپ دوم، ۱۳۷۵)
- تاریخ ادبیات ایران، کتاب درسی برای دوره دبیرستان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ (هر سال تجدید چاپ می‌شود)
- بهین نامه باستان، خلاصه شاهنامه فردوسی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ (چاپ پنجم، ۱۳۷۶)
- جزیره بی‌آفتاب، گزارش سفر یک ساله به انگلستان و اروپای غربی، مشهد، چاپخانه دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱
- آن سال‌ها، یادهای کودکی و نوجوانی، دفتر نخستین، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱
- فرهنگنامه قرآنی: فرهنگ برابره‌های فارسی واژه‌های قرآن براساس ۱۴۲ قرآن خطی محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۵ جلد، ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ (چاپ سوم: ۱۳۸۳)
- فردوس/تون، تاریخ و جغرافیا، با همکاری خدیجه بوذرجمهری، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳
- راهنمای توس و سخنی درباره فردوسی و شاهنامه، مشهد، انتشارات پاژ، ۱۳۷۳
- دیبای خسروانی، کوتاه شده تاریخ بیهقی، با همکاری مهدی سیدی، تهران، جامی، ۱۳۷۳ (چاپ ششم، ۱۳۸۴)
- چون سبوی تشنه، ادبیات معاصر، تهران، جامی، ۱۳۷۴ (چاپ پنجم، ۱۳۷۷)
- پاژ، زادگاه فردوسی، مشهد، انتشارات پاژ، ۱۳۷۴
- از جیحون تا وختش، گزارش سفر به ماوراءالنهر، با همکاری مهدی سیدی، مشهد، مرکز خراسان‌شناسی، ۱۳۷۸
- جویبار لحظه‌ها، جریان‌های ادبیات معاصر، تهران، جامی، ۱۳۷۸ (چاپ دهم، ۱۳۸۶)
- فرهنگ نام‌آوران خراسان، مشهد، به نشر، ۱۳۸۲
- تاریخ بیهقی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳
- سخن آشنا یادنامه بدیع‌الزمان فروزانفر، شیراز، انتشارات داستانسرا، ۱۳۷۳
- پردگیان خیال به همراه دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، مشهد، ۱۳۸۴
- فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶ (برنده دومین جشنواره بین‌المللی فارابی)

- یادنامه ابوالفضل بیهقی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ چهارم، ۱۳۸۶
- تاریخ الادب الفارسیه المعاصر، ترجمه ندی حسون، دمشق، ۲۰۰۵
- تاریخ بیهقی با همکاری مهدی سیدی، انتشارات سخن ۱۳۸۸ (برگزیده بیست و هشتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ۱۳۸۹)
- از پاژ تا دروازه رزان، تهران، انتشارات سخن ۱۳۸۸ (کتاب تشویقی انجمن قلم ایران ۱۳۶۹)
- زین دایره مینا (گشت و گذارهای فرهنگی)، تهران، انتشارات سخن ۱۳۸۸
- ارج نامه غلامحسین یوسفی، تهران، میراث مکتوب ۱۳۸۸
- دیبای زربفت (گزیده تاریخ بیهقی)، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۹
- دیبای دیداری (متن کامل تاریخ بیهقی با توضیح)، تهران، انتشارات سخن ۱۳۹۰
- خرد بر سر جان (نامگانه دکتر احمد علی رجایی بخارایی)، تهران، انتشارات سخن ۱۳۹۱

## افتخارات

- بنیان‌گذاری و مدیریت گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۳
- تأسیس مرکز خراسان‌شناسی و انتصاب به عنوان مدیر عامل این مؤسسه، ۱۳۷۵
- برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (برای «فرهنگ نامه قرآنی»)، ۱۳۷۵
- برنده جایزه پژوهش برتر پنجمین نمایشگاه علوم قرآنی (برای «تفسیر ۲۰ جلدی ابوالفتح رازی»)، ۱۳۷۶
- انتخاب به عنوان استاد نمونه کشوری و دریافت لوح تقدیر در سال ۱۳۷۸
- دریافت لوح تقدیر از رئیس مجلس به مناسبت انتخاب وی به عنوان مؤلف برتر کتب درسی ۱۳۷۶ / دریافت لوح تقدیر از جهاد دانشگاهی کشور به مناسبت انتخاب وی به عنوان استاد راهنمای برتر کشور ۱۳۸۷
- برنده جایزه دومین جشنواره بین‌المللی فارابی (برای کتاب «فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادب فارسی»)، تهران ۱۳۸۷ / برنده جایزه چهارمین جشنواره بین‌المللی فارابی (برای «تصحیح و گزارش تاریخ بیهقی»)، تهران، اول آبان ۱۳۸۹
- برگزیده دومین دوره جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان 1391
- برنده جایزه بنیاد البرز در سال ۱۳۹۶ به عنوان دانشمند برتر



محمدجواد مشکور

زاده	اسفند ۱۲۹۷ تهران
درگذشت	۲۵ فروردین ۱۳۷۴ تهران
آرامگاه	قطعه ۸۸ بهشت زهرا، ردیف ۱۴۹ شماره ۷
تحصیلات	دکتری تاریخ اسلام
محل تحصیل	پاریس
پیشه	مورخ، نویسنده و استاد دانشگاه
سال‌های فعالیت	۱۳۲۰-۱۳۷۴
شناخته‌شده برای	پژوهش درباره زبان‌های سامی و تاریخ مذاهب اسلامی
کارهای برجسته	استاد دانشگاه، رایزن فرهنگی ایران در سوریه، عضو فرهنگستان زبان و ادبیات عرب دمشق
مذهب	شیعه دوازده امامی
همسر	پریرخ امیرارجمند
فرزند	مرجان

**محمدجواد مشکور** (زاده اسفند ۱۲۹۷ در تهران - درگذشته ۲۵ فروردین ۱۳۷۴ در تهران) استاد دانشگاه، مورخ تاریخ ایران باستان، ادیب و زبان‌شناس ایرانی بود.

#### زندگی

محمدجواد مشکور در اواخر اسفند سال ۱۲۹۷ خورشیدی در محله سنگلج تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در مدرسه‌های ثروت و دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد.

وی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. محمدجواد مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمد مهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت.

همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی پرداخت و از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود.

#### خانواده

محمدجواد مشکور، خواهرزاده محمدحسن شریعت سنگلجی و نیز پدر فرهاد مشکور تهرانی (محمد حسن شریف الدین) بود. فرزندش (فرهاد) یکی از اقطاب سلسله کمیلیه کبرویه بود که پس از انقلاب ۱۳۵۷ و به حکم دادگاه ویژه روحانیت اعدام شد و خانقاهش نیز توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصادره شد.

#### تدریس

مشکور در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام نایل آمد. مدت ۶ سال سردبیر مجله عربی‌زبان الاخوان در تهران بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده الهیات دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان ریزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه در دانشگاه دمشق پرداخت.

#### درگذشت

مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد، ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود و سرانجام در ۲۵ فروردین ۱۳۷۴ بر اثر سکته مغزی در تهران درگذشت و در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ ویژه هنرمندان و نویسندگان به خاک سپرده شد.

#### آثار

- تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی، ۱۳۲۵
- تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری، یوسف بنیان (ترجمه)، ۱۳۲۶
- تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق، ابومنصور عبدالقاهر بغدادی (ترجمه)
- النکت الاعتقادیة (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان) (ترجمه)، ۱۳۳۳
- تاریخ اورارتو، سنگ نیشته‌های اورارتی در آذربایجان، ۱۳۴۵
- تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، ۱۳۴۷
- تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، ۱۳۵۲
- نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن، ۱۳۴۹
- ترجمه تاریخ طبری (قسمت مربوط به ایران) ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷
- دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی، ۱۳۳۸
- ایران در عهد باستان، ۱۳۴۳
- منطق الطیر عطار (تصحیح)، ۱۳۵۰
- اخبار سلاجقه روم، ۱۳۵۰ / سیر اندیشه‌های دینی در ایران، ۱۳۵۵
- تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری، ۱۳۵۷
- فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ۱۳۵۷
- جغرافیای تاریخی ایران قدیم، ۱۳۷۱
- «فرهنگ فرق اسلامی»، انتشارات آستان قدس رضوی
- تاریخ ادیان / تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان (پهلویان قدیم) ۱۳۹۵

استاد

سید محمد دبیرسیاقی



زاده	۴ اسفند ۱۲۹۸ محله گلین قزوین
درگذشت	۱۶ مهر ۱۳۹۷ (۹۸ سال) قزوین
محل زندگی	تهران، قزوین
تحصیلات	دکتری زبان و ادبیات فارسی
محل تحصیل	دانشگاه تهران
استاد	بدیع الزمان فروزانفر
پیشه	پژوهشگر ادبی و تاریخی، شاعر، استاد دانشگاه
سال‌های فعالیت	اواسط دهه ۱۳۲۰-۱۳۹۷
کارهای برجسته	استاد دانشگاه، پژوهنده و مصحح متون کهن پارسی
دین	اسلام شیعه
والدین	مادر: دختر میرزا آقاخان مستوفی، فرزند میرزا ابوالقاسم ملباشی و پدر: سید باقر، فرزند سید سیاق دبیرسیاقی
جایزه ها	جایزه بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در سال ۱۳۷۰

**سیدمحمد دبیرسیاقی** زاده ۴ اسفند ۱۲۹۸ (خورشیدی) در قزوین، درگذشته سحرگاه ۱۶ مهر ۱۳۹۷ (خورشیدی) در قزوین پژوهشگر، نویسنده، شاعر، آموزگار ادبیات فارسی و مصحح متون کهن پارسی بود. وی در مؤسسه لغتنامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی مشغول بکار بوده و مصحح بسیاری از متن‌های کهن زبان فارسی است. دبیرسیاقی نزدیک به ۸۰ متن ادبی و تاریخی را تصحیح و چاپ کرده‌است که از میان آن‌ها می‌توان شاهنامه فردوسی، دیوان منوچهری دامغانی، نزهةالقلوب، فرهنگ سروری و سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و تصحیح لغت فرس اسدی طوسی و سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی را نام برد. او میان سال‌های ۱۳۲۶ (خورشیدی) تا ۱۳۳۴ (خورشیدی) در گردآوری فرهنگ لغت با علی‌اکبر دهخدا همکاری داشت. از آن پس همکاری او با مؤسسه لغتنامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی - تا ۱۳۵۹ (خورشیدی) که کار این اثر به پایان رسید - پی گرفته شد. کار بزرگی که دبیرسیاقی در دست داشت، نوشته لغتنامه فارسی است که تاکنون برخی از مجله‌های آن چاپ شده‌است.

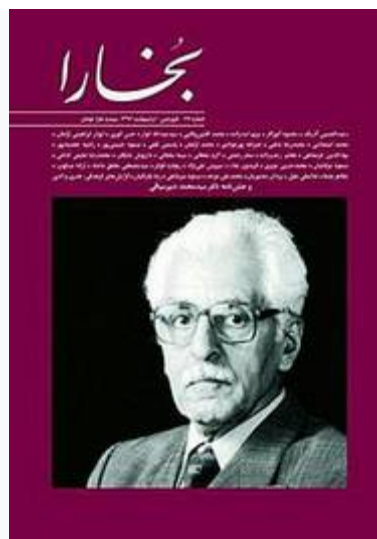
## سرگذشت

محمد دبیرسیاقی در محله گلبن قزوین به دنیا آمد. پدرش سیدباقر فرزند سیدسیاق از خوش‌نویسان سرشناس دوران خود و مادرش، دختر میرزا آقاخان مستوفی فرزند میرزا ابوالقاسم ملباشی از مجتهدان دوره ناصری بود.

محمد دبیرسیاقی پس از دوره ابتدایی، دوره اول متوسطه را در دبیرستان شاهپور (امید) قزوین به پایان رساند. وی پس از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۱۸ وارد دانشگاه تهران شد. ایشان در سال ۱۳۲۴ دکترای ادبیات فارسی خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد و در سال ۱۳۲۵ (خورشیدی) به عضویت انجمن بین‌المللی ایران‌شناسی درآمد و سال‌ها به تدریس در دانشگاه تهران و مدتی نیز به تدریس در دانشگاه‌های چین و مصر پرداخت. دبیرسیاقی تا هنگام بازنشستگی در سال ۱۳۵۳ (خورشیدی) کارمند وزارت دارایی بود.

در نواری صوتی از علی‌اکبر دهخدا، از سیاقی به‌عنوان جوانی کوشا در تنظیم لغتنامه یاد کرده‌است. دبیرسیاقی از ۱۳۵۷ (خورشیدی) تا هنگام مرگ عضو هیئت علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بود.

محمد دبیرسیاقی همچنین تا پایان عمر در زادگاه خود، قزوین، به پژوهش و آموزش زبان پارسی ادامه داد و در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین به آموزش زبان فارسی به دانشجویان اشتغال داشت. وی در ۱۶ مهر ۱۳۹۷ درگذشت و پیکرش در بهشت فاطمی قزوین به خاک سپرده شد.



جشن‌نامه سید محمد دبیرسیاقی - مجله بخارا، شماره ۱۱۷

## بخشی از زندگی‌نامه خودنوشت

«از دید طول زندگی، چون روز چهارم اسفند ماه یکهزار و دویست و نود و هشت (خورشیدی) متولد شده‌ام، امروز که چهارم اسفند هزار و سیصد و نود و یک (خورشیدی) است، درست که به نود و دومین سال عمر پا نهاده‌ام و بی‌شک از اینکه چندگاه دیگر خواهم زیست، ناآگاهم، خدای تعالی داند و بس. عرض عمر حساب دیگری نیز دارد؛ بدین شرح:

۶۲ سال با پدر که در ۱۳۶۰ درگذشت، ۷۶ سال با مادر که در ۱۳۷۴ دار فانی را وداع گفت: تا امروز ۶۴ سال با همسر و ۶۰ سال با فرزندان. ۹ سال در مدرسه امید (شاهپور بعدی) قزوین با معلمانی سراپا اخلاص و شوق تعلیم دادن و مدیری با شخصیت چون غلامرضا شمس فرزند شمس‌العلما عبدالرب آبادی از نویسندگان نامه دانشوران، برای گذراندن دوره ابتدایی و ۳ سال اول متوسطه؛ یک سال در خدمت فرهنگ قزوین به تدریس حساب در دبستان پهلوی و دبستان ۱۵ بهمن و اداره دفتر دبیرستان پهلوی.

و سالی در دانشکده حقوق برای کسب فیض و پنج سال در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (دوره سه ساله لیسانس و دو ساله دکترای زبان و ادبیات فارسی) با بهره‌مندی از محضر استادانی چون احمد بهمنیار، سید کاظم عصار، بدیع‌الزمان فروزانفر، ملک الشعرای بهار، لطفعلی صورتگر، فاضل تونی (محمدحسین فاضل تونی)، علی اصغر حکمت شیرازی، محمدتقی مدرس رضوی، سیدمحمد تدین، محمدباقر هوشیار، غلامعلی رعدی آذر خشی، علی‌اکبر سیاسی، ابراهیم پورداوود، محمد مقدم، ولی‌الله خان نصر، جلالی، و حسین خطیبی نوری.

مدت ۹ سال با علامه علی‌اکبر دهخدا در تنظیم مطالب حروف «ظ»، «ض»، «ل» و «پ» و ۱۱ سال با محمد معین در لغت‌نامه دهخدا و در انجمن ایرانشناسی.

۴۲ سال با سید جعفر شهیدی در لغت‌نامه دهخدا برای اتمام تألیف و طبع لغت‌نامه دهخدا و تألیف لغت‌نامه فارسی که بنیان‌گذار آن بودم با یاری همکاران ارجمند در هر دو تألیف.

مدت ۳۴ سال در خدمت دولت (وزارت دارایی، ادارات کل مالیات‌های غیرمستقیم و مالیات‌های مستقیم و شورای عالی مالیاتی).

و مجموعاً ۴۵ سال تدریس در مدرسه عالی ادبیات که حکمت بنیاد نهاد و یزدانفر اداره می‌کرد و در مدرسه عالی حسابداری و آموزشگاه عالی وزارت دارایی و دانشکده علوم ارتباطات و نیز دو بار دانشگاه پکن چین و دو بار دانشگاه عین الشمس مصر و دانشگاه بین‌المللی قزوین و دانشگاه ملی شهید بهشتی تهران.

و نیز بیش از ۷۰ سال صرف تصحیح و طبع و نشر متون منظوم و منثور نزدیک به ۹۰ اثر در رشته‌های گوناگون ادبی، علمی، تاریخی، لغوی، جغرافیایی و دستور زبان و کتب درسی و سفرنامه‌ها که بسیاری از آن‌ها به دفعات تجدید طبع شده‌اند.

از سال ۱۳۲۵ تا سال درگذشت ابراهیم پورداوود ۱۳۴۸ (خورشیدی) سمت دبیری انجمن ایرانشناسی (انجمن بین‌المللی ایران‌شناسی) را داشته‌ام.

و نیز عضویت هیئت علمی انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) را از ۱۳۵۶ (خورشیدی) تا سال ۱۳۸۹ (خورشیدی).

چند سال نیز جزو هیئت تحریریه علمی مجله پیام نور در دانشگاه پیام نور در تهران و دو سال مدیریت مجله «نشریه مالیات» وزارت دارایی را عهده‌دار بوده‌ام؛ قوانین و مقررات مصوب مالیاتی مورد عمل از سال ۱۲۹۶ (خورشیدی) تا سال ۱۳۴۴ (خورشیدی) را گردآوری کرده و به طبع رسانده‌ام و بیش از هشتاد مقاله در مسائل گوناگون نوشته‌ام که در مجلات مهم کشور به چاپ رسیده‌اند و نمونه همه را برای طبع جداگانه آماده ساخته‌ام.

شرح احوال و آثار برخی رجال علمی و ادبی را برای نشر در دائرةالمعارف‌هایی که در داخل یا خارج کشور طبع و نشر می‌شوند تهیه و تقدیم آنان کرده‌ام. سخنرانی‌ها در تهران و مشهد و کرمان و قزوین و نیز در کشورهای آلمان و آمریکا و هند و چین به مناسبات مختلف ایراد نموده‌ام. سفرها با خانواده در ایران و نیز در اروپا و ترکیه و هند و کشور چین تنها یا با همسر و فرزندان داشته‌ام و ساعات بسیار با فرزندان صرف بررسی دروس و راهنمایی آنان کرده‌ام.

#### مشاغل اداری و فرهنگی

الف. استخدام در اداره فرهنگ قزوین به مدت یک سال تحصیلی مهر ۱۳۱۷ تا پایان شهریور ۱۳۱۸ با ماهی ۱۵ تومان حقوق، برای تدریس حساب در سال ششم دبستان پهلوی، دبستان ۱۵ بهمن و اداره دفتر دبیرستان پهلوی.

ب. استخدام در وزارت دارایی به عنوان کارمند آموزشی، با ماهی صدتومان حقوق و اشتغال در اداره کل مالیات‌های غیرمستقیم از سال ۱۳۱۹ تا سال ۱۳۲۷ (خورشیدی) در خدماتی چون مأمور وصول مالیات در شعبه راه‌آهن، معاون دایره قوانین و رئیس دفتر اداره و سپس انتقال به اداره کل مالیات‌های مستقیم، از سال ۱۳۲۷ (خورشیدی) تا سال ۱۳۵۳ (خورشیدی) در خدماتی چون ریاست دفتر اداره کل مالیات‌های مستقیم، عضویت کمیسیون‌های مالیاتی بدوی و نیز تجدیدنظر، ریاست اداره قوانین پیشکاری دارایی تهران و عضویت شورای عالی مالیاتی و عضویت کمیسیون ناظر بر انتصابات وزارتخانه، بازرس مخصوص مدیریت کل در نظارت بر اعمال مأموران وصول مالیات و اعزام به انگلستان بر پایه تصویب‌نامه هیئت دولت برای مطالعه در امور مالیاتی از فروردین تا پایان شهریور ۱۳۴۰.

ج. عضویت انجمن ایرانشناسی (انجمن بین‌المللی ایران‌شناسی) به مدیریت ابراهیم پورداود؛ با عنوان دبیر انجمن از سال ۱۳۲۵ تا سال درگذشت پورداود در سال ۱۳۴۸ و شرکت در تألیف آیین‌نامه و کتاب جشن سده از سلسله انتشارات انجمن.

د. اشتغال در لغت‌نامه دهخدا از خرداد ۱۳۲۶ به مدت ۹ سال، با خود دبیرسیاقی و طبع حروف «ظ»، «ض»، «ل» و قسمتی از حروف «پ»، نظارت بر کارهای همکاران تا پایان یافتن تألیف لغت‌نامه و طبع و نشر آن در سال ۱۳۵۹.

ه. تهیه مقدمات تألیف لغت‌نامه فارسی با استخراج لغات از متون منظوم و منثور طبع شده در سال‌های اخیر، به یاری دو تن از دستیاران و نظرخواهی از استادان ادب فارسی و تنظیم قواعد نود و دوگانه، برای تألیف آن لغت‌نامه و آغاز طبع آن بلافاصله پس از اتمام طبع لغت‌نامه دهخدا، در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ و طبع شدن حرف «آ» و قسمتی از حرف «الف» به بعد تا سال ۱۳۸۸ (خورشیدی) به قطع رحلی و نیز در قطع وزیری و رقعی.

و. عضویت هیئت علمی انجمن آثار ملی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۸۹.

ز. مدیریت مجله «نشریه مالیات» به مدت دو سال که اداره قوانین وزارت دارایی عهده‌دار طبع و نشر آن بود.

چ. عضویت در هیئت تحریریه مجله «پیک نور» (علوم انسانی) در دانشگاه پیام نور تهران، سال اول بهار ۱۳۸۳ تا سال هفتم بهار ۱۳۸۸ که مجله دایر بود.

ط. تدریس دستور زبان و متون فارسی در دانشگاه ملی (دانشگاه شهید بهشتی)

- ی. تدریس دستور زبان و متون فارسی در پژوهشکده فرهنگ ایران (بنیاد فرهنگ ایران)
- ک. تدریس دستور زبان و متون فارسی در دانشگاه تهران
- ل. تدریس شاهنامه در دانشگاه بین‌الملل قزوین (دانشکده ادبیات) (دانشگاه بین‌المللی امام خمینی)
- م. تدریس در آموزشگاه عالی وزارت دارایی دستور زبان و متون فارسی به مدت ۵ سال از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ (خورشیدی) و قانون مالیات بر درآمد در آبادان و خرمشهر فروردین ۱۳۴۶ (خورشیدی)
- ن. تدریس در بخش فارسی دانشگاه پکن به دعوت آن دانشگاه به مدت چهار ماه. فارسی و دستور به دانشجویان چینی و دانشجویان تاجیک فارسی‌خوان (فروردین تا تیر ۱۳۶۴ (خورشیدی))
- س. تدریس در بخش فارسی (قسم اللغة الفارسی) دانشکده ادبیات دانشگاه عین الشمس مصر (کلمه‌الاداب، جامعه عین شمس) دو نوبت، هر کدام به مدت یک ماه و سخنرانی در «جامع ازهر» (دانشگاه الازهر) و دانشگاه «فؤاد اول» قاهره، درباره مسائل مختلف ادبی و تاریخ ادبیات ایران و غیره.
- ع. جلسات هفتگی روزهای چهارشنبه از ساعت ۷ تا ساعت ۱۰ متشکل از استادان دانشگاه و ادیبان و مدیران برخی مطبوعات از بانوان و آقایان و قرائت شاهنامه به مدت ۵ سال و منظومه ویس و رامین و کلیات شاه داعی‌الله و بوستان سعدی و تاریخ بیهقی و چهار مقاله نظامی عروضی تا آغاز تابستان سال ۱۳۹۰ (خورشیدی)
- ث. سخنرانی‌های متعدد درباره مسائل و مباحث ادبی و لغوی و تاریخی در دانشگاه کلن آلمان و دانشگاه دهلی و نیویورک و تهران و قزوین
- ص. تدریس دستور زبان و متن فارسی در مدرسه عالی حسابداری تهران (مؤسسه عالی حسابداری)
- ق. تدریس دستور زبان و متون فارسی در مدرسه عالی ادبیات و زبان خارجه
- ر. تدریس دستور زبان و متون فارسی در دانشکده علوم ارتباطات
- ش. همکاری با مجله «دانشنامه ایران و اسلام» در تهیه مطالبی دقیق و فشرده برای عناوینی که در زمینه‌های مختلف از حروف «أ» و «الف» و «ب» مراجعه می‌شد.
- ت. همکاری با دائرةالمعارف ایرانیکا (انسیکلوپدیا ایرانیکا) (دانشنامه ایرانیکا) که تحت نظر احسان یارشاطر، در نیویورک به زبان انگلیسی چاپ می‌شود، در تهیه مطالبی دقیق و جامع در زمینه‌های مختلف از حروف A و B که توسط دانشمندی انگلیسی به زبان انگلیسی برگردانده می‌شد.
- ث. متون منظوم و منثور تصحیح شده طبق فهرستی که به دنبال خواهد آمد.
- خ. مقالات نوشته شده در زمینه‌های گوناگون ادبی و تاریخی و علمی طبق فهرستی.
- ه. فهرست آثاری که تصحیح یا تألیف یا ترجمه کرده و به چاپ رسانده‌ام.

علی دهباشی در پایان سخنانش به جایزه بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار اشاره کرد که در سال ۱۳۷۰ به دبیرسیاقی اهدا شد.

پی‌نوشت - در این متن که ظاهراً خودنوشته دبیرسیاقی است، زادروز را ۱۲۹۲ ذکر کرده‌اند که با ذکر ۹۲ سالگی خود در سال ۱۳۹۱ بنظر می‌رسد در نقل نوشته دبیرسیاقی در منبع مورد نظر اشتباه شده باشد.

سخنان

جلسات مجله بخارا

عصر سه شنبه، بیست و هشتم دی ۱۳۹۵ دویست و هفتاد و هفتمین شب از مجموعه جلسات مجله مجله بخارا با همراهی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، گنجینه پژوهشی ایرج افشار، کتاب‌فروشی آینده و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به نام شب دکتر سید محمد دبیر سیاقی مراسمی برگزار شد. متن پیام دبیرسیاقی به این نشست به قرار زیر بود:

حد سخندانی فردوسی و شاهکار وی شاهنامه را ابن یمین فریومدی چه نیکو وصف کرده‌است. در این دو بیت:

سکه‌ای کاندر سخن فردوسی طوسی نشانند      تا نینداری که کس در عرصه فرسی نشانند

اول از بالای کرسی بر زمین آمد سخن      او سخن را باز بالا برد و بر کرسی نشانند

و استاد طوس خود جامع و کامل چنین آغاز سخن کرده‌است:

به نام خداوند جان و خرد      کز این برتر اندیشه بر نگذرد

اول از بالای کرسی بر زمین آمد سخن      او سخن را باز بالا برد و بر کرسی نشانند

با نام آفریدگار جهان آغاز نظم کرده‌است که خود بهترین سر آغاز ست. از جان یاد کرده‌است که آدمی چیزی عزیزتر از آن ندارد.

ذکر خرد که دستگیر آدمی در دو جهان است کرده و تأیید آن فرموده‌است:

خرد رهنمای و خرد رهگشای      خرد دست گیرد به هر دو سرای

و سرانجام به اندیشه رسیده‌است که حاصل وجود آدمی است و مولوی در همین باره است که فرموده:

ای برادر تو همان اندیشه‌ای      مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

این بنده اگر توفیق چند نوبت طبع شاهنامه را بر اساس چاپ کلکته توسط ترنر ماکان و چاپ بروخیم تهران یافته‌ام، و اگر کشف‌الابیاتی برای شاهکار استاد سخن تهیه و نوبتی در دو مجلد و نوبت دیگر در یک مجلد به طبع رسانده‌ام و اگر مندرجات آن کتاب گران‌قدر را برای آسان‌سازی و درک آن به نثر ساده در مجلدی تهیه کرده‌ام که به دفعات طبع و نشر شده‌است و در شمار کتاب‌های درسی قرار گرفته و اگر تمام شاهنامه را به قصد آسان‌سازی مراجعه در ۲۶ جزوه همراه برگردان مطالب به نثر با برخی

توضیحات لغوی ذیل صفحات تهیه و به طبع رسانده‌ام که به دفعات چاپ شده‌است؛ و اگر طی مقالاتی برخی نکته‌های تازه و درخور نقل به رشته تحریر درآورده‌ام این همه دینی بوده‌است که به مناسبت استفاده از کار استاد سخن به او داشته‌ام و مکلف به ادای دین خود بوده‌ام و خدای متعال را شاکرم که توفیق ادای دین عنایت فرمود.

همه کس می‌داند که اگر کسی وامی از صاحب مکتبی بستاند تا با آن مشکلات مادی زندگی خود را برطرف سازد یا با آن وام کسب و کاری به راه اندازد و سودی ببرد آن پرداخت وام و بری ساختن ذمه از گردن را کار فوق‌العاده‌ای درخور ستایش و تکریم نباید به حساب آورد؛ لذا آنچه این بنده درباره شاهنامه و جزوه‌های بیست و ششگانه و برگردان شاهنامه از نظم به نثر ساده کرده‌ام یا کتابی با عنوان «زندگی‌نامه فردوسی و سرگذشت شاهنامه» تهیه کرده و به چاپ رسانده‌ام یا مقالاتی در مجلات وقت، مرتبط با شاهنامه نوشته‌ام همه در حکم ادای دین بوده‌است و بس.

شاهنامه را دیگر دانشی مردان به دفعات در کلکته و بمبئی و تهران و تبریز و فرانسه و آلمان و شوروی به چاپ رسانده و نشر کرده‌اند و نسخه‌های مصور ارزشمند مشهور آن را نیز پیدا است که کار همه عالمان و ناشران و مصححان درخور تکریم و ستایش است که هم از آن جمله در زمینه ادای دین به استاد سخن فردوسی به مناسبت بهره‌گیری از حاصل سی و پنج ساله کار وی به چند تحقیق که طی مقالاتی در مجله‌های وقت طبع و نشر کرده‌ام اشارت می‌کنم:

مقالاتی درباره «آفرین» جز در معنی متداول آن که مرادف احسنت است و آن جمله‌هایی ستایش‌آمیز دعاگونه و ثناگونه است نام برده‌ام. حال و کار و کردار و رفتار نیک بزرگان در شاهنامه نمونه‌ها درباره فرمانروایان و ناموران دارد و موردی نیز درباره میش و غرمی است که رستم در مانده از تشنگی و فرسودگی از گرما را به چشمه آب رهنمون می‌گردد و آسوده می‌سازد:

بر آن غرم بر آفرین کرد چند      که از چرخ گردان مبادت گزند

گیاه در و دشت تو سبز باد      مبادا ز تو بر دل یوز، یاد

به تو هر که یازد به تیر و کمان      شکسته‌کمان باد و تیر مروان

که زنده شد از تو تن پیلتن      وگرنه پُراندیشه بود از کفن

زبانش چو پردخته شد ز آفرین      ز رخس تکاور جدا کرد زین

و نیز مقالاتی درباره مصرع: پدید آمد از فرّ او کان زر که اشارت به پدید آمدن معدن زری دارد به شکل درختی بر اثر زلزله و فروریختن کوهی در مشرق سیستان به روزگار سلطنت سلطان محمود غزنوی و تا روزگار سلطنت سلطان مسعود غزنوی مورد بهره‌برداری بود و سپس بر اثر زلزله دیگر و فروریختن کوه ناپدید گشت و شرح آن در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی آمده‌است.

درباره مصرع: ز یاقوت سرخ است چرخ کبود که اشارت به آفریده شدن آسمان و زمین دارد و شرح آن در کتاب مرصادالعباد نجم‌الدین دایه آمده‌است و برگردان آن به فارسی را ذیل همین مصرع پاورقی شاهنامه نقل کرده‌ام.

نیز اشارت فردوسی به درگذشت همسر خود در مصرع دوم بیت ذیل:

نخسبد روان چون که بالا بجفت      تو تنها ممان چون که همراه رفت

تهیه کشف الابیات برای شاهنامه نیز چنان که اشارت رفت خدمتی است که تقدیم به آستان آن که گفت: جهان کردهام از سخن چون بهشت کردهام.

مقالاتی نیز درباره فردوسی و شاهنامه به مناسبت های مختلف چون جشن های طوس و نیز مجالس بزرگداشت فردوسی در ایران و کشورهای دیگر که برپا می شده است تهیه کردهام که در مجلاتی چون سخن، یغما، آینده و جز این ها با عناوین مختلف به طبع رسیده است.

به موردی با عنوان کنج که در مجله یغما درج شده است اشارت و با شرح بیت متضمن آن کلمه و نیز شرح بیت دیگر که در بردارنده پنج فعل به نشانه پنج جمله است ختم مقال می کنم و عذرخواه تصدیع و متشکر از ابراز حوصله و شکیب حضار گرامی کی گردم.

آغاز داستان رستم و سهراب در شاهنامه این بیت است:

اگر تند بادی برآید ز کنج      به خاک افکند نارسیده ترنج

نخسبد روان چون که بالا بجفت      تو تنها ممان چون که همراه رفت

معمولاً کلمه آخر مصراع اول را کنج با ضم حرف کاف می خوانده اند و در پایان مصراع دوم نیز کلمه ترنج با ضم دوم یعنی تُرنج تلفظ می کرده اند.

بند مصراع اول را اگر تند بادی برآید ز گنج (بافاصله میان برآید ز کنج) و مصراع دوم: به خاک افکند نارسیده تُرنج ضبط کرده ام. کلمه کنج با فتح حرف کاف مترادف کلمه کنگ به معنی بلندی و توسعه با توجه به معنی لغت کنگ نبات به معنی شاخه نبات است و کلمه آخر مصراع دوم هم ترنج با فتح حرف را و در نتیجه بیت را چنین شرح نموده و به بیت افزوده ام:

ستمکار خوانیمش ار دادگر      هنرمند گوئیمش ار بی هنر

اگر تند بادی بوزد و از شاخه درخت، ترنج نارس و کالی را بکند و بر زمین بافکند آیا آن باد را ستمکاره باید دانست یا دادگر خواند؟ هنرمند باید گفت یا بی هنر باید خطاب کرد؟

اما شرح بیستی در نهایت سادگی و روانی، در بردارنده پنج فعل به نشانه پنج جمله نشان دهنده هنر استاد سخن:

در خوان پنجم، رستم به کشتزاری می رسد لگام از سر رخس برمی دارد و او را برای چرا رها می سازد و خود سپر زیر سر می نهد و به خواب می رود و دشتبان مزرعه آنجا می آید اسب را در کشت مشغول چرا و سوارش را خفته می بیند و با چوبدست خود بر پای رستم می کوبد که:

چرا اسب در کشت بگذاشتی؟      همه رنج نابرده برداشتی؟

و جهان پهلوان:

ورا دید، برجست یاوه نگفت      دو گوشش بکند و همان جا بخفت

روان حکیم بزرگوار شاد باد!

درباره شاهنامه خالقی مطلق

محمد دبیرسیاقی در سال ۱۳۸۶، در مصاحبه با خبرنگار ادبی خبرگزاری فارس درباره شاهنامه به کوشش جلال خالقی مطلق، سخنانی را بیان می‌کند که شرح مختصر آن در زیر می‌آید.

من اگرچه چهار پنج دفعه شاهنامه چاپ کرده‌ام و جزوه‌هایی از آن هنوز با لغت و معنی زیر چاپ است، ولی شاهنامه من تصحیح با نسخه‌های متعدد نبوده. من اهمیت کار خالقی را با کار [دیوان] منوچهری خودم مقایسه می‌کنم. سال ۱۳۲۴، هنگامی دوره دکترا را در دانشگاه تمام کردم، سه سال روی منوچهری کار کردم. ۲۷ نسخه و چندین متن که اشعار منوچهری در آن‌ها بود جمع‌آوری کردم و در آن سه سال، شب و روز روی آن کار کردم تا آن را آماده کردم. این کتاب منوچهری سه‌هزار بیت است و کار خالقی مطلق بر اساس ده‌ها نسخه است.

وقتی با منوچهری قیاس شود، خوب شاهنامه حدود ۴۸ هزار بیت است؛ پس در حقیقت او ۱۷ برابر من کار کرده‌است؛ بنابراین، ارزش کار او ۱۷ برابر کار منوچهری من است. یکی از کارهای ارزنده‌ای که در تصحیح متون بعدها سرمشق قرار گرفت. وی افزود: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی با جشنی که برای آن کتاب و خالقی گرفت زحمات او را تا حدی ادا کرده؛ ولی امیدوارم با کتاب او حق فردوسی هم ادا شده باشد. دبیرسیاقی ادامه داد: من معتقدم پژوهش روی شاهنامه کار یک نفر نیست. افرادی باید باشند که هم به علوم اسلامی آشنا باشند و هم شعرهای قبل از فردوسی را جمع‌آوری کرده باشند و نسخه‌هایی را هم که قدیمی هستند و به زمان فردوسی نزدیک هستند جمع کنند تا یک جمعی با این خصوصیات شاهنامه را چاپ کنند.

امیدوارم که یک چنین کتابی که از سوی خالقی مطلق منتشر شده پایه قرار بگیرد تا حق فردوسی آنچنان‌که باید ادا شود. وی سپس درباره تعدد نسخ در این تصحیح و انتقاد برخی به این تصحیح که متنی دوگانه است، گفت: تصحیح دو جور است. کسانی امثال محمد قزوینی و مجتبی مینوی معتقد بودند که باید قدیمی‌ترین نسخ را اصل قرار داد و به تدریج نسخه‌های دیگر را با آن مقایسه کرد و در پاورقی آورد؛ ولی شاهنامه چون نسخه اصل ندارد، بنابراین باید تلفیقی کار شود؛ مثل همان کاری که بنده در تصحیح دیوان منوچهری کرده‌ام؛ و کسانی مثل دهخدا و بهار و دیگران که اهلیت این کار را داشتند آن را قبول کردند؛ بنابراین خالقی نمی‌توانست یک نسخه را اصل قرار بدهد و بقیه را فرع، برای اینکه نسخه اصلی نداریم. این ایراد به کار خالقی مطلق وارد نیست.

اما درباره نسخه فلورانس، یکی از استادان مبرز که به کتابخانه فلورانس رفته و آن نسخه را از نزدیک دیده، می‌گوید تاریخ آن متعلق به یکصد سال بعد از فردوسی است؛ ولی با این حال کسی نمی‌گوید که آن اصیل نیست. خالقی مطلق چندین سال در یک اتاق دربسته نشسته و این کار را انجام داده و باید حق زحمات او ادا شود؛ ولی حق فردوسی هم اینجا مطرح است که آیا ادا شد یا خیر؟ وی ادامه داد: برای ادا کردن حق فردوسی عده‌ای باید جمع شوند و روی آن کار بکنند. افرادی باید باشند که عربی خوب بدانند. ما یک کتابی داریم به نام خردنامه که در همان زمان ترجمه بونداری (بنداری اصفهانی) تألیف شده. این نویسنده آمده یک کلام حضرت علی را گرفته، به عنوان کلمه قصار و بعد از کلمات حکمای یونان، سقراط و ارسطو و افلاطون در برابر آن کلمه قصار جملاتی پیدا کرده. بعد از این، شعرهایی از فردوسی پیدا کرده متناسب با کلمات و جملات آن حکما و حضرت علی که ۲۵۰ بیت از شاهنامه را انتخاب کرده‌است. دبیرسیاقی در پایان افزود: کار خالقی کار عظیمی است و می‌تواند برای تصحیح عالی شاهنامه به وسیله یک جمع پایه قرار گیرد.

یادمان‌ها

جشن‌نامه

مجله بخارا شماره ۱۱۷ خود، فروردین/اردیبهشت ۱۳۹۶ را به محمد دبیرسیاکی اختصاص داده‌است. از جمله مطالب این دوماهنامه، چند مقاله از محمد دبیرسیاکی و مقاله هفتادمین سال آغاز همکاری دکتر سیدمحمد دبیرسیاکی با سازمان لغت‌نامه دهخدا به قلم احسان اکبری است.

کتاب درباره دبیرسیاکی

در سیزدهمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی از دو شخصیت نامدار، یعنی سید عبدالعزیز محقق طباطبایی یزدی و نیز سید محمد دبیرسیاکی، به عنوان نسخه پژوهان برگزیده، تجلیل شد. کتاب ارج‌نامه توسط سید فرشید سادات شریفی نوشته شده‌است. چاپ کتاب در دی ۱۳۹۲ توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران انجام شده‌است.

محمد دبیرسیاکی در سال ۱۳۲۴ موفق به دریافت دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی شد و از دو سال پس از آن در امر تدوین لغت‌نامه با علامه دهخدا همکار گردید و همزمان به تدریس در مراکز آموزش عالی نیز اهتمام نمودند. ایشان با عشق و مجاهدتی کم‌نظیر، تاکنون نزدیک به چهل اثر تألیفی و نود تصحیح و گردآوری و بیش از صد مقاله در موضوعات ادبی و لغوی و جز آن منتشر نموده‌اند.

کتاب دبیر ادیب، یادنامه دبیرسیاکی به کوشش کمال حاج سیدجوادی نگاشته شده‌است و توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در تهران، چاپ اول در سال ۱۳۷۵ منتشر شده‌است.

سرديس

به گزارش خبرگزاری مهر، طی مراسمی در مرکز اسناد و کتابخانه ملی قزوین که با حضور جمعی از اصحاب فرهنگ استان برگزار شد، از سردیس سیدمحمد دبیرسیاکی، نویسنده، شاعر و استاد ادبیات فارسی پرده‌برداری شد.

در این مراسم حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمهدی حسینی رئیس مرکز اسناد و کتابخانه ملی قزوین گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات این مرکز بیان کرد و حضور محمد دبیرسیاکی را فرصتی مغتنم برای معرفی بهتر این مرکز و مایه دلگرمی همکاران خود دانست و از حضور سایر اندیشمندان در این مرکز استقبال کرد.

در ادامه این مراسم دبیرسیاکی نیز طی سخنانی بر اهمیت و توجه جدی به مسائل فرهنگی در استان قزوین تأکید کرده و حضور مرکز اسناد و کتابخانه ملی قزوین را برای این امر مغتنم دانست.

اضافه می‌شود جواد حضرتی‌ها مشاور فرهنگی استاندار قزوین نیز در این مراسم حضور داشت.

سیدمحمد دبیرسیاکی مصحح متن‌های کهن فارسی است و در بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۴ در گردآوری لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. وی همچنین از سال ۱۳۵۷ عضو انجمن آثار مفاخر فرهنگی ایران بوده‌است و تاکنون نزدیک به هشتاد متن ادبی و تاریخی را تصحیح و منتشر کرده‌است.

کتابخانه عمومی دبیرسیاکی

کتابخانه دبیرسیاکی در شهر محمدیه (قزوین) قرار دارد. محمد دبیرسیاکی در سال ۱۳۷۳ با فروختن خانه شخصی خود در زعفرانیه تهران، به شهر میرعماد و دهخدا و عارف باز گشت و کتابخانه‌ای در

شهر محمدیه (۱۲ کیلومتری قزوین) بنیاد نهاد. اینک کتابخانه غنی و بی نظیر ایشان، به روی پژوهشگران و جوانان و دانشگاهیان آغوش گشوده است.

مسئول کتابخانه عمومی دبیرسیاقی شهر محمدیه، از معلمان و مربیان فعال در امر کتاب و کتابخوانی که نقشی مهم و اثرگذار در راستای جذب هرچه بیشتر مخاطبان به کتابخانه دارند، تقدیر کرد.

مهدی رشوند یادآور شد: معلمان و مربیان نقشی مهم و اثرگذار در افزایش فرهنگ و بصیرت افراد برعهده دارند و با همکاری و حمایت از کتابخانه‌های عمومی توانند موجب ارتقای مطالعه مفید و دانش عمومی شوند که کتابخانه عمومی دبیرسیاقی شهر محمدیه این دستاورد ارزشمند را حفظ خواهد کرد.

فیلم درباره دبیرسیاقی

در سال ۱۳۹۵ فیلم مستند «نادره کار» به کارگردانی «منوچهر مشیری» درباره وی ساخته شد.

کتاب‌شناسی

برخی از تصحیح و تألیف‌های محمد دبیرسیاقی

آثار تصحیح شده دبیرسیاقی با عنوان به کوشش دبیرسیاقی منتشر شده است. برخی از تألیف‌ها و تصحیح‌های محمد دبیرسیاقی در زیر آمده است:

برخی مقاله‌ها و شعرهای دبیرسیاقی

• جشن سده - (نشریه انجمن ایران‌شناسی) شماره ۲ - سال ۱۳۲۴ - محمد دبیرسیاقی از جمله نویسندگان مجموعه جشن سده بوده‌اند. این مجموعه در سال ۱۳۹۳ توسط نشر بلور، به صورت کتاب منتشر می‌شود.

• عدالت اسمعیل سامانی (شعر) - مجله جلوه - تیر ۱۳۲۴ - شماره ۱ (ص ۳۱)

• خورشید و باد (شعر) - مجله جلوه - مهر ۱۳۲۴ شماره ۴ (ص ۱۹۴)

• بهار مازندران (شعر) - مجله جلوه - آذر ۱۳۲۴ شماره ۶ (ص ۲۸۷)

• رکوب الکوسج یا کوسه برنشسته - مجله جلوه - بهمن ۱۳۲۴ - شماره ۸ و ۷ (ص ۷ صفحه - از ۳۴۷ تا ۳۵۳)

• جولاهه و دانشمند - مجله جلوه - بهمن ۱۳۲۴ شماره ۸ و ۷ (ص ۴۲۴)

• نوروز و بهار (شعر) - مجله جلوه - اسفند ۱۳۲۴ - فروردین ۱۳۲۵ - شماره ۹ و ۱۰ (ص ۴۴۹)

• بهمنجبه - مجله جلوه - اسفند ۱۳۲۴ - فروردین ۱۳۲۵ شماره ۹ و ۱۰ (ص ۵ صفحه - از ۴۵۳ تا ۴۵۷)

• برزیگر و شاعر (شعر) - مجله جلوه - اردیبهشت ۱۳۲۵ شماره ۱۱ (ص ۲ صفحه - از ۵۶۹ تا ۵۷۰)

- حمزة بن عبدالله خارجی یا (حمزه پسر آذرک شاری) و افسانه رموز حمزه - مجله جلوه - مهر ۱۳۲۵ شماره ۱۴ (۳ صفحه - از ۱۱۰ تا ۱۱۲)
- عقاب (شعر) - مجله جلوه - آبان و آذر ۱۳۲۵ شماره ۱۶ و ۱۵ (۲ صفحه - از ۱۹۲ تا ۱۹۳)
- تقریظ - دینکرد - مجله جلوه - آبان و آذر ۱۳۲۵ شماره ۱۶ و ۱۵ (۲ صفحه - از ۱۹۳ تا ۱۹۴)
- حمزة بن عبدالله خارجی و کتاب رموز حمزه (۲) - مجله جلوه - آبان و آذر ۱۳۲۵ شماره ۱۶ و ۱۵ (۴ صفحه - از ۱۴۰ تا ۱۴۳)
- با بنفشه فروش (شعر) - مجله جلوه - بهمن و اسفند ۱۳۲۵ - شماره ۱۸ و ۱۹ (ص ۲۸۶)
- حمزة بن عبدالله خارجی و کتاب رموز حمزه (۳) - مجله جلوه - بهمن و اسفند ۱۳۲۵ شماره ۱۹ و ۱۸ (۵ صفحه - از ۳۷۷ تا ۳۸۱)
- سرو کاشمر - مجله دانشنامه - خرداد ۱۳۲۶ شماره ۱ (۱۹ صفحه - ۱۸۵ تا ۲۰۳)
- حمزة ابن عبدالله خارجی و کتاب رموز حمزه (۴) - مجله جلوه - خرداد ۱۳۲۶ شماره ۱۰ (۶ صفحه - از ۵۲۵ تا ۵۳۰)
- صبح و شام - مجله دانشنامه - خرداد ۱۳۲۶ شماره ۱ (۵ صفحه - از ۶۳ تا ۶۷)
- بیداد و هوس - مجله دانشنامه - آبان ۱۳۲۶ شماره ۲ (۸ صفحه - ۴۲ تا ۴۹)
- انصاف بزرگان ما - مجله جلوه - فروردین - ۱۳۲۶ شماره ۲۰ (۵ صفحه - از ۳۹۶ تا ۴۰۰)
- جامه سپید در مراسم سوگواری - مجله پشتوتن - شماره ۵۵ سال اول
- کتاب صورت شاهان ساسانی - مجله پشتوتن - آبان ۱۳۲۷ شماره ۸
- تحقیقات ادبی: لیبی و اشعار او (۱) - مجله مهر - مرداد ۱۳۳۱ شماره ۸۷ (۳ صفحه - از ۳۱۰ تا ۳۱۲)
- رودکی و سندبادنامه (شعر) - مجله یغما - مهر ۱۳۳۴ شماره ۸۷ (۵ صفحه - ۳۲۰ تا ۳۲۴)
- رودکی و سندبادنامه (شعر) - مجله یغما - سال هشتم - آذر ۱۳۳۴ شماره ۹ (پیاپی ۸۹) (۴ صفحه - از ۴۱۳ تا ۴۱۶)
- رودکی و سندبادنامه (تکمله) - مجله یغما سال نهم تیر ۱۳۳۵ شماره ۴ (پیاپی ۹۶) (۲ صفحه - از ۱۵۷ تا ۱۵۸)
- یادی از دهخدا در اولین سال گرد مرگ استاد - مجله یغما - ۱۳۳۶ شماره ۱۰۵ (۴ صفحه - از ۱۲ تا ۱۵)
- بخیل - ظریف - مجله یغما - مرداد ۱۳۳۷ شماره ۱۲۱ (صفحه ۲۰۸)

- شاه داعی شیرازی - مجله ایران‌آباد - آبان ۱۳۳۹ - شماره ۸
- سفرنامه حاج نجم‌الملک (نجم‌الدوله) - مجله ایران‌آباد - اسفند ۱۳۳۹ شماره ۱۲
- پدید آمد از فرّ او کان زر - مجله آینده - سال هفدهم
- فرهنگ منظومه - مجله یغما - بهمن ۱۳۴۰ شماره ۱۶۳ (۳ صفحه - از ۴۹۹ تا ۵۰۱)
- مرگ مینورسکی - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران - سال چهاردهم ۱۳۴۶ شماره ۶ و ۵ (پیاپی ۵۷ و ۵۸)
- احمد اطعمه - (درباره مجمع‌الفرس، فرهنگ سُروری) مجله یغما - مرداد ۱۳۴۶ - شماره ۵ (پیاپی ۲۲۹) (۴ صفحه - از ۲۴۸ تا ۲۵۱)
- بیم سجود/تقدیم به روان پاک استاد مرحوم علی اکبر دهخدا - مجله یغما - شهریور ۱۳۴۶ - شماره ۲۳۰ (۱ صفحه - از ۳۱۷ تا ۳۱۷)
- زندگی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه - مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) - ۱۳۴۶ شماره ۱۹۷ و ۱۹۸ (۳ صفحه - از ۱۰۱ تا ۱۰۳)
- نقش نام آدم و حوا - مجله یغما - فروردین ۱۳۴۷ شماره ۲۳۵ (تکرار شماره) (ص ۳۲)
- درباره سال درگذشت سعدی - مجله وحید - اردیبهشت ۱۳۵۰ شماره ۸۹ (۵ صفحه - از ۱۹۰ تا ۱۹۴)
- لطیفه - مجله یغما ۱۳۵۰ شماره ۳ (پیاپی ۲۷۳) (ص ۱۶۲)
- حاصل مسابقه (شعر) - مجله وحید - دی ۱۳۵۰ شماره ۹۷ (۴ صفحه - از ۱۴۳۲ تا ۱۴۳۵)
- هم‌شکل حاکم - دزد و بینوا - مجله وحید - فروردین ۱۳۵۱ شماره ۱۰۰ (۱ صفحه - ص ۱۰)
- کفش طلحک (اشعار) - مجله وحید - خرداد ۱۳۵۱ شماره ۱۰۲ (۲ صفحه - از ۲۶۳ تا ۲۶۴)
- رودکی... آن تیره چشم شاعر روشن بین - مجله نگین - مرداد ۱۳۵۲ شماره ۹۹ (۳ صفحه از ۶۴ تا ۶۶)
- مقدمه یک نسخه (درباره جمع‌آوری مقالات عباس آشتیانی است) - مجله یغما - ۱۳۵۳ شماره یک (پیاپی ۳۰۷) (۳ صفحه - از ۱۷ تا ۱۹)
- بسحاق اطعمه - احمد اطعمه - مجله یغما - آبان ۱۳۵۴ شماره ۳۲۶ (۲ صفحه - از ۴۹۶ تا ۴۹۷)
- سر حق (اشعار) - مجله یغما - خرداد ۱۳۵۵ شماره ۳۳۳ (۱ صفحه - از ۱۶۵ تا ۱۶۵)
- درباره تصحیح شاهنامه - نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد مجله جستارهای ادبی - سال دوازدهم - تابستان ۱۳۵۵ (شماره ۴۶) (ISC ۱۱ صفحه - از ۳۲۰ تا ۳۳۰)

- خوانندگان و ما - مجله هنر و مردم - دی ۱۳۵۵ شماره ۱۷۱ (۲ صفحه - از ۹۱ تا ۹۲)
- کنج - مجله یغما - اسفند ۱۳۵۶ شماره ۱۲ (پیاپی ۳۵۴) (۵ صفحه - از ۷۴۱ تا ۷۴۵)
- احتجاجات و سؤالات و توضیحات - مجله یغما - اردیبهشت ۱۳۵۷ شماره ۳۵۶ (۴ صفحه - از ۱۲۲ تا ۱۲۵)
- احتجاجات و سؤالات و توضیحات - مجله یغما - مهر ۱۳۵۷ شماره ۳۶۱ (۳ صفحه - از ۴۴۲ تا ۴۴۴)
- پرواز - مجله یغما - بهمن ۱۳۵۷ شماره ۳۶۵ (۲ صفحه - از ۶۵۳ تا ۶۵۴)
- سیزده ره صد هزار - مجله یغما - بهمن ۱۳۵۷ شماره ۳۶۵ (۲ صفحه - از ۶۹۵ تا ۶۹۶)
- امثال و حکم دهخدا - مجله آینده سال پنجم پاییز ۱۳۵۸ شماره ۷ و ۸ و ۹
- نامه دخو قزوینی و دخو گیلانی - مجله آینده - سال ششم - مهر و آبان ۱۳۵۹ شماره ۷ و ۸
- سابقه کتاب لغت در فارسی و منظومه جامع اللغات - مجله آینده - سال هفتم فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۰ شماره ۱ و ۲
- حسین‌قلی‌خانی - مجله آینده - سال هشتم آذر ۱۳۶۱ شماره ۹
- اصالت ابیاتی از شاهنامه فردوسی که در نسخه‌های قدیم نیست - مجله جستارهای ادبی - پاییز و زمستان ۱۳۶۹ شماره های ۹۰ و ۹۱ (ISC ۱۷ صفحه - از ۳۶۷ تا ۳۸۳)
- یاد و یادبودها: وسواس و دقت علمی عباس اقبال - مجله کلک - بهمن و اسفند ۱۳۶۹ شماره ۱ و ۱۲ (۵ صفحه - از ۳۳۲ تا ۳۳۶)
- مزاری از خاندان برهانان قزوین در چین و کتیبه آن - مجله وقف میراث جاویدان - بهار ۱۳۷۳ - شماره ۵ (۴ صفحه - از ۹۴ تا ۹۷)
- عالم ربانی حاج ملا عبدالوهاب قزوینی (اولین متولی موقوفات مسجدالنبی قزوین) - مجله وقف میراث جاویدان - تابستان ۱۳۷۳ شماره ۶ (۹ صفحه - از ۳۶ تا ۴۴)
- چند سند وقفی مربوط به قزوین - مجله وقف میراث جاویدان - پاییز و زمستان ۱۳۷۴ شماره ۱ و ۱۲ (۱۲ صفحه - از ۷۰ تا ۸۱)
- چوگان - مجله نامه فرهنگستان ۳/۲ - پاییز ۱۳۷۵ شماره (۴۷) ISC (از ص ۱۲۶ تا ۱۲۹)
- نامه رسیده - مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی - خرداد و تیر ۱۳۷۶ شماره ۱۷ و ۱۱۸ (از ۱۷۷ تا ۱۷۷)
- نامه‌ها - نویسنده: مایل هروی - با همکاری فروغ نجیب و جلال متینی - مجله نامه فرهنگستان - تابستان ۱۳۷۶ (شماره ۱۰۶) ISC (از صفحه ۱۹۱ تا ۱۹۶)

- هر دم از این کاروان همسفران می‌روند - مجله بخارا - آذر ۱۳۷۷ شماره ۳ (۴ صفحه - از ۴۵۶ تا ۴۵۹)
- سید و خندان، چگونه «سید خندان» شد؟ - مجله بخارا - مهر ۱۳۷۸ شماره ۸ (۳ صفحه - از ۳۶۵ تا ۳۶۷)
- وقف نامه دو قنات صدرآباد و کاظم‌آباد و دکان‌های پیرامون باغ نظامیه تهران - مجله وقف میراث جاویدان - زمستان ۱۳۷۸ - شماره ۲۸ (۸ صفحه - از ۲۹ تا ۳۶)
- مجلس شورای کبرای دولتی (مقالات) - نقد و بررسی کتاب فرزانه (۱۰) - بخارا - فروردین ۱۳۷۹ شماره ۱۱ (۱۳ صفحه - از ۳۰۶ تا ۳۱۸)
- وین، دیر، دین - مجله نامه فرهنگستان - تابستان ۱۳۷۹ (شماره ۱۵) ISC (صفحه - ۸۸ تا ۹۵)
- وصفی از کاخ‌های صاحبقرانیه - مجله نامه انجمن - بهار ۱۳۸۰ شماره ۱ (۵ صفحه - از ۶۶ تا ۷۰)
- سفرنامه حکمت (۱) - مجله نامه انجمن - پاییز ۱۳۸۰ شماره ۳ (۲۳ صفحه - از ۱۰۵ تا ۱۲۷)
- سفرنامه حکمت (۲) - مجله نامه انجمن - زمستان ۱۳۸۰ شماره ۴ (۱۸ صفحه - از ۶۹ تا ۸۶)
- شاهنامه پژوهی و تدوین شاهنامه - مجله فرهنگ اصفهان (۱۳۸۰) ویژه همایش شاهنامه پژوهی
- اشعار فردوسی در خردنامه و مواضع آن‌ها در شاهنامه - مجله نامه انجمن - بهار ۱۳۸۱ - شماره ۵ (۱۵ صفحه - از ۴ تا ۱۸)
- نامه‌ها - مجله نامه فرهنگستان - تابستان ۱۳۸۲ - شماره (۱۵۲۱) ISC - صفحه ۲۹۶ تا ۳۱۰)
- نقد و رد افسانه‌ها درباره فردوسی و شاهنامه - مجله نامه انجمن - بهار ۱۳۸۳ شماره ۱۳ (۱۷ صفحه - از ۵۴ تا ۷۰)
- سردر عالی قاپوی قزوین یا آینه عبرت - مجله نامه انجمن - تابستان ۱۳۸۳ شماره ۱۴ (۱۳ صفحه - از ۱۳۹ تا ۱۵۱)
- موقوفات انیس الدوله - مجله وقف میراث جاویدان - تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۵۰ (۱۴ صفحه - از ۲۰ تا ۳۳)
- کتابچه املاک وقفی و خالصه و اربابی ایران - مجله وقف میراث جاویدان - زمستان ۱۳۸۵ شماره ۵۶ (۸ صفحه - از ۲۵ تا ۳۲)

- جستار: سرنگون، سرنگونسار، نگونسار، نگوسار - مجله گزارش میراث - مهر - دی ۱۳۹۰ شماره های ۴۷ و ۴۸ (۶ صفحه - از ۵ تا ۱۰)
  - درباره نامه ابوالفضل خطیبی - مجله گزارش میراث - بهمن و اسفند ۱۳۹۰ شماره ۴۹ (۲ صفحه - از ۵۰ تا ۵۱)
  - جستار: طرف بستن، طرف بر بستن، طرف برداشتن - مجله گزارش میراث - بهمن و اسفند ۱۳۹۰ شماره ۴۹ (۵ صفحه - از ۴ تا ۸)
  - هیچ نهادی دلسوز قواعد زبان فارسی نیست (مصاحبه) - مجله گزارش میراث - تیر ۱۳۹۱ دوره دوم - ضمیمه شماره ۲ (ص ۸۵)
  - یادداشت‌هایی درباره برنامه‌های رادیو و تلویزیون - مجله گزارش میراث - دوره دوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، مرداد - آبان ۱۳۹۱ (ص ۱۲۰ و ۱۲۱)
- آثار منتشر شده در دهه ۲۰
- دیوان منوچهری - اثر منوچهری دامغانی - به کوشش محمد دبیر سیاقی (۱۳۲۶) - چاپخانه پاکتچی
- آثار منتشر شده در دهه ۳۰
- تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، سازمان اداری حکومت صفوی، به کوشش محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۲)، بی‌نا، چاپ دوم (۱۳۶۸) انتشارات امیرکبیر
  - ترجمان القرآن، اثر علی بن محمد جرجانی، فارسی عربی، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۳)
  - دیوان فرّخی - اثر حکیم فرّخی سیستانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۵)، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء
  - فرهنگ آندراج در هفت جلد به کوشش محمد دبیر سیاقی، فرهنگ جامع فارسی (۱۳۳۵)، تجدید چاپ در سال ۱۳۶۳
  - زراتشت‌نامه اثر زرتشت بهرام پژدو شاعر سده هفتم قمری، به کوشش محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۶)، کتابخانه طهوری
  - جامع‌التواریخ، تواریخ آل‌بویه و آل‌سامان، با مقدمه و حواشی و فهرس به کوشش محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۸)، کتابفروشی فروغی
  - مجمع‌الفرس سروری کاشانی، اثر محمدقاسم بن حاجی محمد کاشانی، کتاب فرهنگ لغت در سه جلد، به کوشش سیدمحمد دبیر سیاقی (۱۳۳۸)
  - کلیات شاه داعی شیرازی، دو جلد، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی (۱۳۳۹)

آثار منتشر شده در دهه ۴۰

- سفرنامه خوزستان - اثر عبدالغفار نجم‌الملک (عبدالغفار نجم‌الدوله) - به کوشش محمد دبیرسیاقی (۱۳۴۱) - چاپخانه علمی
- دیوان دقیقی (دقیقی و اشعار او) - اثر محمدبن احمد دقیقی - گردآورنده محمد دبیرسیاقی (۱۳۴۲) - مؤسسه مطبوعاتی علمی
- مثنوی از خروار یا نمونه نثرهای بجامانده فارسی - شرحی در شناساندن هر اثر و نویسنده آن به انضمام شرح لغات و ترکیبات و فهرس نمونه آثار سده پنجم هجری در سه جلد شامل نمونه نثرهای سده چهارم و پنج و شش ه.ق. ب. نویسنده: محمد دبیرسیاقی (۱۳۴۵)
- دستور زبان فارسی - (راهنمای آموزشی) - نویسنده: محمد دبیرسیاقی (۱۳۴۵) چاپخانه علی‌اکبر علمی - چاپ چهارم (۱۳۴۸) انتشارات زوار
- تاریخ ایران عباس اقبال آشتیانی، با حواشی و تجدیدنظر و فهرست‌ها به کوشش محمد دبیرسیاقی (۱۳۴۶)
- گزیده تاریخ بیهقی - نوشته ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی - به کوشش محمد دبیرسیاقی - (۱۳۴۸) - انتشارات کتاب‌های جیبی - چاپ چهارم ۱۳۶۳ انتشارات امیرکبیر
- کشف‌الایات شاهنامه فردوسی جلد نخست (۱۳۴۸) و جلد دوم (۱۳۵۰) انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی - (۱۳۷۸) نشر مدبر

آثار منتشر شده در دهه ۵۰

- پیشاهنگان شعر فارسی (۱۳۵۱) - چاپ دوم ۱۳۵۶ انتشارات امیرکبیر
- فهرست الفبایی لغات فارسی با معادل عربی به ضمیمه (۱۳۵۴)
- گنج باز یافته - اثر محمد دبیرسیاقی - ج. ۱، شامل احوال و اشعار لیبی، ابوشکور بلخی، دقیقی، ابوحنیفه اسکافی، غضائری رازی، ابوالطیب مصعبی - (۱۳۵۴) - نشر اشرفی
- گزیده امثال و حکم دهخدا (۱۳۵۷) - چاپ چهارم (۱۳۶۶) نشر قطره
- مقالات دهخدا (۱) - (چرند پرند، مجمع‌الامثال دخو، هذیان‌های من و یادداشت‌های پراکنده) - نوشته علامه علی‌اکبر دهخدا - به کوشش محمد دبیرسیاقی - چاپ نخست (۱۳۵۸)
- خاطراتی از دهخدا و از زبان دهخدا (۱۳۵۹)

آثار منتشر شده در دهه ۶۰

- شروع تألیف لغت‌نامه فارسی حرف آ، دیوان دهخدا (۱۳۶۰)
- شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی ۵ جلد - انتشارات علی‌اکبر علمی - چاپ سوم خرداد ۱۳۶۱

- مخلص اللغات اثر حسن خطیب کرمانی - به اهتمام محمد دبیرسیاقی و غلامحسین یوسفی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی انتشارات علمی و فرهنگی چاپ نخست (۱۳۶۱)
  - غیاث اللغات اثر غیاث الدین محمد رامپوری - فرهنگ غیاث اللغات و فرهنگ چراغ هدایت به کوشش منصور ثروت - تصحیح و تحقیق سید محمد دبیرسیاقی - (۱۳۶۲) چاپ نخست انتشارات امیرکبیر
  - دیوان عنصری - اثر عنصری بلخی به کوشش محمد دبیرسیاقی (۱۳۶۳) - کتابخانه سنایی
  - مقالات دهخدا (۲) چاپ نخست (چرند و پرند، مجمع الامثال دخو، هذیان‌های من، یادداشت‌های پراکنده) - نوشته علامه علی اکبر دهخدا - به کوشش محمد دبیرسیاقی (۱۳۶۴)
  - لغت‌نامه فارسی (۱۳۶۵) - انتشارات دانشگاه تهران
  - نمونه‌های نظم و نثر فارسی - با همکاری حسین بحر العلومی و فرزادپور (۱۳۶۵)
  - لغت‌نامه فارسی - بخش ۱، آ، آینه هوش - نویسنده سید محمد دبیرسیاقی - بررسی‌کنندگان: سید جعفر شهیدی - سعید نجفی اسدالهی - حسن احمدی گیوی - داریوش آشوری - عباس دیوشلی - رسول شایسته - حسن انوری - یداله شکری - انتشارات دانشگاه تهران - چاپ نخست آبان ۱۳۶۵
  - گزیده امثال و حکم - اثر علامه علی اکبر دهخدا - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات تیراژه - چاپ چهارم بهار ۱۳۶۶
  - دیوان دهخدا - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات تیراژه - چاپ چهارم ۱۳۶۶ (با تجدید نظر) - چاپ ششم (۱۳۷۷) تیراژه
  - سفرنامه مکه - نوشته حاج مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات تیراژه - چاپ نخست ۱۳۶۸
  - داستان بهرام چوبینه - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات مهتاب، سعدی و بوستان - چاپ نخست (۱۳۶۹)
  - رگ‌رگی از آب شیرین و آب شور - مجموعه اشعار محمد دبیرسیاقی - چاپ نخست (۱۳۶۹)
  - سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی مروزی - با حواشی و تعلیقات و فهرس اعلام تاریخی و جغرافیایی و لغات - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات زوار - چاپ سوم زمستان ۱۳۶۹ - چاپ دهم (۱۳۸۹)
  - مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی - گردآوری و تدوین - بخش نخست (۱۳۶۹) انتشارات دنیای کتاب - انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (۱۳۸۱) ۵ جلد
- آثار منتشر شده در دهه ۷۰
- ره‌آورد سفر - گزیده سفرنامه ناصر خسرو - تصحیح و توضیح سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات سخن - چاپ نخست پاییز ۱۳۷۰

- زندگی‌نامه فردوسی و سرگذشت شاهنامه به انضمام داستان کک کوهزاد و بخشی از برزنامه - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات علمی - چاپ نخست ۱۳۷۰
  - داستان‌های چینی و داستان‌های امثال چینی - گردآوری و ترجمه جان خون‌نین و لئو بائوزین - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات آرا - چاپ نخست پاییز ۱۳۷۱
  - گف تا رهای آموزنده و دلاویز (گزیده مقالات معاصران) - گردآورنده سید محمد دبیرسیاقی - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - چاپ نخست ۱۳۷۴
  - معانی و بیان - تقریرات استاد بدیع الزمان فروزانفر - گردآورنده سید محمد دبیرسیاقی - چاپ نخست (۱۳۷۵)
  - الادیان - در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی - نویسنده ابوالعالی محمد الحسینی العلوی - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - تصحیح عباس اقبال آشتیانی و محمدتقی دانش‌پژوه - انتشارات روزنه - چاپ نخست بهار ۱۳۷۶ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
  - دیوان لغات‌الترک - ترجمه و تنظیم و ترتیب‌الفبایی سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - تهران - چاپ نخست ۱۳۷۵
  - پنجاه لطیفه از عبید زاکانی قزوینی - به ضمیمه گلچینی از سروده‌های دبیرسیاقی (۱۳۷۷)
  - پادشاهی خسرو پرویز - داستان‌های نامورنامه باستان (۲۵) - (۱۳۷۹) - نشر قطره
  - ره‌آورد حکمت - دوره دو جلدی - شرح مسافرت‌ها و سفرنامه‌های میرزا علی اصغر خان حکمت شیرازی (بخش نخست) - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی - چاپ نخست (۱۳۷۹)
  - گلچینی از دیوان ناجی قزوینی - اثر باقر ناجی قزوینی (سده ۱۳) - به کوشش سید محمد دبیرسیاقی - (۱۳۷۹) نشر حدیث امروز
- آثار منتشر شده در دهه ۸۰
- کتابچه سرشماری شهر قزوین بر مبنای تعلیمات نوین - جلد نخست دوره ۱۲۸۱ تا ۱۳۲۰ - نویسندگان محمد دبیرسیاقی و ابراهیم صفاری (۱۳۸۰) - نشر حدیث امروز
  - برگردان روایت گونه شاهنامه فردوسی به نثر (۱۳۸۰) نشر قطره
  - تاریخچه فرهنگ و مدارس سرزمین قزوین بر مبنای تعلیمات نوین - جلد نخست: دوره ۱۲۸۱ تا ۱۳۲۰ - (۱۳۸۰) - نشر حدیث امروز
  - سیر تاریخی بنای شهر قزوین (از آغاز تا سال ۱۳۲۰ هجری (خورشیدی) با فهرست و نقشه‌ها و تصاویر) - تألیف محمد دبیرسیاقی (۱۳۸۱) - سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین

- ره‌آغاز حکمت - دو جلد - یادداشت‌ها و شرح زندگانی علی‌اصغر حکمت (۱۳۸۳) انتشارات خجسته
- تقریرات استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در شعبه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ (خورشیدی) درباره تاریخ ادبیات ایران - ۱۳۸۵ انتشارات خجسته
- کلمات قصار و ابیات آبدار - تألیف حبیب‌اله قاجار - با مقدمه و اهتمام سید محمد دبیرسیاقی - چاپ نخست ۱۳۸۸ انتشارات حدیث امروز
- سبدی پر میوه، انبانی پر دانه و طبقی پر صیفی نوشته محمد دبیرسیاقی (۱۳۸۸) و (۱۳۹۰)
- آغوشی پر ریحان، دامنی پر گل - اثر محمد دبیرسیاقی (۱۳۹۰)

محمد دبیرمقدم



۶ شهریور ۱۳۳۲ کاشان، ایران

زاده

دانشگاه ایلینوی دکتری (، دانشگاه تهران) کارشناسی ارشد (، مدرسه عالی ترجمه) کارشناسی

تحصیلات

پیشینه علمی

رشته(های) فعالیت	زبان‌شناسی
محل کار	دانشگاه علامه طباطبایی
پایان‌نامه	بررسی ساخت‌های سببی فارسی از نظر نحو و معنی‌شناسی ۱۹۸۲
استاد راهنما	یمونا کاجرو
دیگر راهنمایان دانشگاهی	مایکل کنستوویچ، هرمز میلانیان

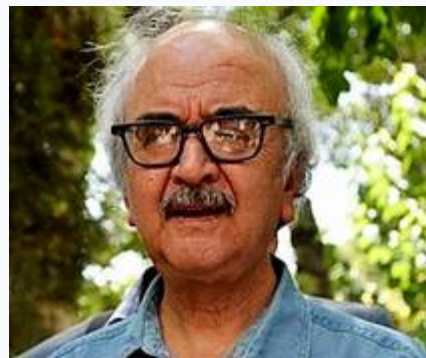
**محمد دبیرمقدم** (زاده ۶ شهریور ۱۳۳۲ در کاشان) زبان‌شناس سرشناس ایرانی و استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است. او همچنین عضو پیوسته و معاون علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سردبیر نشریه علم زبان و دبیر مجله دستور است. پژوهش‌های دبیرمقدم عمدتاً در حوزه نحو، دستور زبان فارسی، رده‌شناسی زبان و زبان‌های ایرانی است. او در آبان‌ماه ۱۳۸۹ به‌عنوان چهره ماندگار معرفی شد.

کتاب‌شناسی

- رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، دو جلد، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲
- زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران: انتشارات سمت، ویراست دوم، ۱۳۸۳

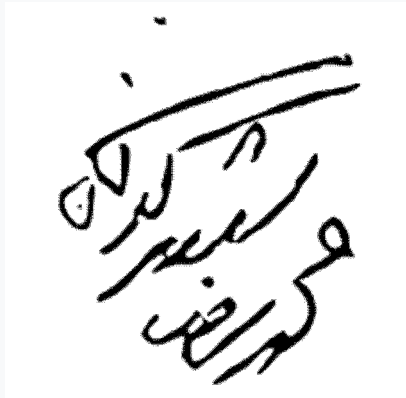
این کتاب در سال ۱۳۷۹ به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد. ویراست اول این کتاب در سال ۱۳۷۸ از سوی انتشارات سخن چاپ شده است. پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴

محمد رضا شفیعی کدکنی



زاده	۱۹ مهر ۱۳۱۸ کدکن، تربت حیدریه
محل زندگی	تهران
تحصیلات	دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران
پیشه	شاعر، استاد دانشگاه، پژوهشگر و نویسنده
شناخته شده برای	پژوهش‌ها درباره حاکم نیشابوری، نظریه‌های ادبی نو
آثار	زمزمه‌ها و شبخوانی (۱۳۴۴) از زبان برگ (۱۳۴۷) صور خیال در شعر فارسی (۱۳۵۰) در کوچه‌باغ‌های نیشابور (۱۳۵۰) مثل درخت در شب باران از بودن و سرودن (۱۳۵۶) بوی جوی مولیان (۱۳۵۷) هزاره دوم آهوی کوهی (۱۳۶۷) موسیقی شعر (۱۳۶۸) شاعری در هجوم منتقدان (۱۳۷۵) آینه‌ای برای صداها: هفت دفتر شعر (۱۳۷۶) آواز باد و باران: برگزیده شعرها (۱۳۷۷) ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما (۱۳۷۸) قلندریه در تاریخ (۱۳۸۶) با چراغ و آینه (۱۳۹۰) زبان شعر در نثر صوفیه (۱۳۹۲) نوشته بر دریا: از میراث عرفانی

ابو الحسن خرقانی (۱۳۹۴)	
سبک شعر سنتی و سبک نیمایی	سبک
اسلام، شیعه	دین
میرزا محمد و فاطمه	والدین
ادیب دوم	خویشاوندان
امضاء	



محمد رضا شفیعی کدکنی (زاده ۱۹ مهر ۱۳۱۸ در کدکن) ادیب، نویسنده، پژوهشگر، استاد دانشگاه و شاعر با تخلص م. سرشک اهل ایران است.

زندگی



محمد رضا شفیعی کدکی همراه نجف دریابندری

محمد رضا شفیعی کدکنی در نوزدهم مهرماه ۱۳۱۸ در شهر کدکن از خراسان در خانواده ای اهل علم دیده به جهان گشود. از افراد مهم این خانواده از میرزا محمد شفیعی کدکنی معروف به میرزای عالمیان وزیر شاه عباس اول صفوی می توان نام برد. شفیعی کدکنی هرگز به دبستان و دبیرستان نرفت و از آغاز کودکی نزد پدر خود آ میرزا محمد (که روحانی بود) و محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب نیشابوری دوم) از نزدیکانش به فراگیری زبان و ادبیات عرب پرداخت (در هفت سالگی تمام الفیه ابن مالک را از حفظ بود) و فقه، کلام و اصول را نزد شیخ هاشم قزوینی (معروف به «فقیه آزدگان») فراگرفت. اما

پس از مرگ شیخ هاشم، تا آخرین مراحل درس خارج فقه را نزد سید محمدهادی میلانی خواند و در این دوره با سید علی خامنه‌ای رهبر کنونی جمهوری اسلامی ایران، هم‌درس بود.

او به پیشنهاد علی‌اکبر فیاض در دانشگاه فردوسی مشهد نام‌نویسی کرد و در کنکور آن سال نفر اول شد و به دانشکده ادبیات رفت و مدرک کارشناسی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی، و مدرک دکتری را نیز در همین رشته از دانشگاه تهران گرفت.

شفیعی کدکنی از سال ۱۳۴۸ تاکنون استاد دانشگاه تهران است. بدیع‌الزمان فروزانفر زیر برگه پیشنهاد استخدام وی نوشته بود «احترامی است به فضیلت او». شفیعی از جمله دوستان نزدیک مهدی اخوان ثالث، شاعر خراسانی، به‌شمار می‌رود و دلبستگی خود را به اشعار وی پنهان نمی‌کند.

محمدرضا شفیعی کدکنی روز پنجشنبه ۵ شهریور ۱۳۸۸ تهران را به مقصد آمریکا ترک کرد. این سفر بازتاب وسیعی در مطبوعات ایران داشت. او برای استفاده از یک فرصت مطالعاتی به مؤسسه مطالعات پیشرفته پرینستون رفت تا در باب تاریخ و تطور فرقه گرامیه تحقیق کند، و پس از ۹ ماه دوری از میهن، به ایران بازگشت و پس از بازگشت به ایران بر سر کرسی تدریس خود در دانشگاه تهران حاضر شد.

در مهر ۱۳۹۸ در هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح، «نشان عالی هنر برای صلح» به سبب بیش از نیم قرن تلاش در اعتلای فرهنگ و ادب پارسی به محمدرضا شفیعی کدکنی اهداء شد.

#### کتاب‌ها و اشعار

شفیعی کدکنی سرودن شعر را از جوانی به شیوه قدمایی آغاز کرد و پس از چندی به سبک نو مشهور به نیما یوشیج روی آورد. با انتشار دفتر شعر در کوچه باغ‌های نشابور نام‌آور شد. آثار شفیعی را می‌توان به سه گروه انتقادی و نظری و مجموعه اشعار خود وی تقسیم کرد. آثار انتقادی این نویسنده، شامل تصحیح آثار کلاسیک فارسی و نگارش مقالاتی در حوزه نظریه ادبی می‌شود، که بخشی از آن‌ها در زیر آورده شده‌اند. در میان آثار نظری شفیعی کدکنی کتاب موسیقی شعر جایگاهی ویژه دارد و در میان مجموعه اشعارش در کوچه باغ‌های نشابور آوازه بیشتری دارد.

زمره‌ها، شبخوانی، از زبان برگ، بوی جوی مولیان، از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، هزاره دوم آهوی کوهی، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)، تصحیح اسرار التوحید نوشته محمدبن منور، تصحیح تاریخ نیشابور نوشته حاکم نیشابوری، تصحیح آثار عطار نیشابوری، تصحیح مختارنامه، تصحیح مصیبت‌نامه، تصحیح منطق‌الطیر، تصحیح اسرارنامه، تصحیح دیوان عطار، تصحیح تذکرة‌الاولیا و ترجمه آفرینش و تاریخ نیز از جمله آثار محمدرضا شفیعی کدکنی است.

#### در نگاه دیگران

غلامحسین یوسفی «بی‌گمان مایه فراوانی که م. سرشک از زبان و ادب فارسی اندوخته دارد و از این حیث در میان شاعران نسل خویش، خاصه نوگرایان، کم‌نظیر است و نیز انس وی به زبان دری، زبان دیرین مردم خراسان، چنین توانایی را به او ارزانی داشته‌است. شعرهای او غالباً رنگ اجتماعی دارد. اوضاع جامعه ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در شعر او به‌صورت تصویره، رمزها، کنایه‌ها و ایماها منعکس است. این موضع را در غزلی در مایه شور و شکفتن چنین بازگو می‌کند:

نفسم گرفت از این شهر در این حصار بشکن	در این حصار جادویی روزگار بشکن
چو شقایق از دل سنگ برآر رایت خون	به جنون صلابت صخره ی کوهسار بشکن
تو که ترجمان صبحی به تَرَم و ترانه	لب زخم دیده بگشا، صف انتظار بشکن...

م. سرشک، افزون بر بهره‌مندی از قریحه و فطرت شاعری، در شعر خویش از دیدگاهی انسانی و اجتماعی سخن می‌گوید و چون از فرهنگ ایران و زبان فارسی بهره‌ور است، می‌تواند اندیشه‌ها و دریافت‌ها و پدیده‌های زیبای جهان شاعرانه خود را به‌صورت دلکش و پرتاثیر به ما عرضه کند.»

قدمعلی سرامی: «شفیعی از معدود ادیبانی است که در این روزگار از خودبستگی انسان‌ها در تنگنای اقتصادی، زندگی خود را وقف معرفت ادبی کرده‌است. کتاب‌هایی چون «صور خیال در شعر فارسی»، «شاعر آینه‌ها»، «گزیده غزلیات شمس» و صدها مقاله محققانه و نیز متون مصحح و منقح اسرارالتوحید و مختارنامه و... در کنار انبوهی از مجموعه‌های شعر، گواه عشق این مرد به فرهنگ آبیگون و آتشیار این خاک و آب است. ما با بررسی مجموعه‌های او، متوجه می‌شویم با شاعری رویارویم که در عین شناخت دیرینه ادب منظوم دری، نوگراست»

### بررسی آثار

شفیعی کدکنی را می‌توان در زمره شاعران اجتماعی دانست. او در اشعار خود تصویری از جامعه ایرانی در دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی را بازتاب می‌دهد و با رمز و کنایه آن دوران را به خواننده نمایانده، دلبستگی و گرایش فراوان به آیین و فرهنگ ایرانی و به خصوص خراسان را نشان می‌دهد. تصحیحات او نمونه قابل توجه تصحیح انتقادی متن است، اسرارالتوحید، مصیبت‌نامه، الهی‌نامه، منطق‌الطیر، اسرارنامه، مقامات و حالات ابوسعید، نوشته بر دریا (مقامات ابوالحسن خرقانی)، مرموزات اسدی در مرموزات داوودی، بهترین نمونه‌های تصحیح انتقادی متن در ادبیات فارسی هستند.

او از اندک محققین تاریخ و ادب فارسی است که به تاریخ کرامیه پرداخته و کتابی نیز در این باب فراهم کرده‌است.

کتاب‌های دیگر او مثل موسیقی شعر، صور خیال، ادوار شعر فارسی، زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی، از جامی تا روزگار ما امروزه از کتاب‌های کلاسیک نقد ادبی محسوب می‌شوند.

او علاقه‌مند به شعر فارسی است و علاقه او به عرفان و نقد ادبی هم از همین‌جا نشأت می‌گیرد.

وی در کتاب زبان شعر در نثر صوفیه آورده‌است که آنچه در زبان فارسی به «آن» معروف است و می‌توان آن را جوهره جمال دانست، در زبان‌های دیگر وجود ندارد.

او همچنین شعر فارسی را به خاطر مسئله ردیف که در هیچ زبان دیگری امکان کاربرد آن را نمی‌توان یافت، ممتاز دانسته‌است. شفیعی کدکنی همچنین در این کتاب، شطح را نوعی شکستن تابوها معرفی نموده و شطحیات حلاج را به‌طور ضمنی با کتاب زایش تراژدی نیچه مقایسه کرده‌است که در هر دو به تجربه بیان «بیان ناپذیرها» پرداخته شده‌است. نکته تازه‌ای که او در این زمینه بیان می‌کند به ساختار شطح و اینکه اخباری باشد (مانند سبحانی ما اعظم شانی) یا انشایی (انالحق) و تأثیر متفاوت این دو بیان بازمی‌گردد.

یکی از بحث‌های جذاب این کتاب پاسخ به این سؤال است که چرا شاعران عرب به اندازه شاعران فارسی‌زبان از آیات قرآن در اشعار خود استفاده ننموده‌اند. شفیعی کدکنی محور این کتاب خود را بر این عقیده که برای بسط و درک تجربه دست نیافتنی صوفی به ناچار باید از سخنان و زبانی که به کار برده‌است کمک گرفت، استوار نموده‌است و بیان می‌کند که گاه حرکت از صوت به صورت و معنی بسیار بارز است. یکی از مثال‌هایی که او به آن اشاره نموده شعری است از شاعری با نام علی ابن حسین مغربی که قصیده‌ای در حالت تب و هذیان سروده بدین شکل که:

دَرْنَ دَرْنَ دَرْنَ دَرْنَ دَرْنَ دَبی / انا علی بی الحسین المغربی

شفیعی کدکنی در این اثر خود برای شرح مفهوم سبک‌شناسی عرفانی می‌گوید: «هر نگاه هنری به الاهیات و دین» می‌تواند ویژگی‌های اسلوبی و سبکی خاص خود را داشته باشد، که همان سبک‌شناسی عرفانی است. وی همچنین معتقد است که در سرتاسر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، با دو گونه تصوف روبرو هستیم که یکی تصوف قبل از ابن عربی یا تصوف خراسانیست و دیگری تصوف بعد از ابن عربی، و این دو مکتب را بر روی مثلثی نشان می‌دهد که نقطه صعود یک ضلع آن مثنوی معنوی است و راس ضلع دیگر، ابن عربی است که به مرور با نزدیک شدن به عرفان قاجاری و قرن سیزدهم، با نزول همراه می‌شود.

اندیشه‌ها

### گرایش‌های فرمالیستی

شفیعی کدکنی گرایشی بارز به صورت‌گرایی با مبانی فرمالیسم روسی دارد. کتاب‌های «صور خیال در شعر فارسی» و «موسیقی شعر» و «بیدل شاعر آینه‌ها» و نیز بسیاری از مقالات وی مانند «جادوی مجاورت» و «ساختار ساختارها» صبغه و بن‌مایه فرمالیستی دارد. تعریف وی از شعر به «رستاخیز زبان» ترجمه دیدگاه فرمالیست‌های روس است. همچنین اصطلاحات فرمالیستی «پیرنگ»، «آشنایی‌زدایی»، «عنصر مسلط» از نمونه مواضع رویکرد وی به فرمالیسم است. گذشته از مقالات و کتب مذکور، شفیعی کدکنی کتابی با نام «رستاخیز کلمات» در سلسله انتشارات سخن به چاپ رسانیده که به‌طور اخص تمام جوانب جمال‌شناسی نظریات صورت‌گرایان روس را مورد ارزیابی قرار داده و آن‌ها را با نمونه‌هایی قابل فهم از ادبیات فارسی انطباق داده است.

### تاریخ‌گرایی در ادبیات

شفیعی کدکنی از سال‌های ۱۳۶۰ به بعد به پژوهش در تاریخ با رویکرد تصحیح متون ادبیات عرفانی روی آورد. او معتقد است حرکت به سوی مدرنیته بدون شناخت سنت دشوار است. تاریخ‌گرایی وی هر چند پشتوانه تئوریک مشخصی ندارد، اما سخت پای‌بند مستندسازی با متون تاریخی است.

### ریشه‌های شعر معاصر

شفیعی معتقد است که تحولات شعر معاصر فارسی تابعی از متغیر ترجمه‌است. این نظرگاه بنیاد کتاب وی «با چراغ و آینه، در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران» را شکل داده است. برخی دیدگاه‌های وی در این کتاب مورد انتقاد برخی قرار گرفته است.

### نظر شفیعی کدکنی درباره احمد شاملو

محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب با چراغ و آینه؛ در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران نظر خود را درباره احمد شاملو چنین بیان می‌کند:

«حق این است که شاملو را برای نسل جوان امروز باید «تجزیه» و «تحلیل» کرد. ممکن است در این تجزیه خیلی از محسنات او تبدیل به نقاط ضعف شود، ولی به هر حال از این کار گزیری نیست. این کار را آیندگان با بی‌رحمی خواهند کرد. اگر جوانان امروز بدانند که شخصیت ادبی آقای شاملو چگونه تشکیل شده است، هرگز این‌گونه عمر خود را صرف شعر، آن هم شعر این‌طوری - که در روزنامه‌ها می‌بینیم - نخواهند کرد. تو بهتر از هر کسی می‌دانی که آنچه ا. بامداد یا احمد شاملو را می‌سازد اگر به صد جزء تقسیم شود، پنجاه تا شصت درصدش ربطی به شعر ندارد.»

نمونه اشعار

- شعر «سفر به خیر» از مجموعه در کوچه باغ‌های نشابور:

به کجا چنین شتابان؟  
 گون از نسیم پرسید  
 - دل من گرفته زین جا  
 هوس سفر نداری  
 ز غبار این بیابان؟  
 - همه آرزویم اما  
 چه کنم که بسته پایم  
 به کجا چنین شتابان؟  
 - به هر آن کجا که باشد  
 به جز این سرا، سرایم  
 - سفرت به خیر اما تو و دوستی، خدا را  
 چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی  
 به شکوفه‌ها، به باران  
 برسان سلام ما را  
 این شعر یکی از آهنگ‌های «حبیب» از آلبوم خانه کوچک ما  
 است

شعر دیگری از وی:

پیش از شما / به سان شما / بی‌شمارها / با تار عنکبوت / نوشتند روی باد / کین دولت خجسته جاوید  
 زنده باد.

• یکی از اشعار وی:

آخرین برگ سفرنامه باران  
 این است  
 که زمین چرکین است

• و شعری دیگر از او:

چه بهاریست خدا را که درین دشت ملال  
 لاله‌ها آینه خون سیاوشانند

• نمونه ای از غزلیات:

دست به دست مدعی شانه به شانه می‌روی  
 آه که با رقیب من جانب خانه می‌روی  
 بی‌خبر از کنار من ای نفس سپیده دم  
 گرم تر از شراره آه شبانه می‌روی  
 من به زبان اشک خود می‌دهمت سلام و تو  
 بر سر آتش دلم همچو زبانه می‌روی

در نگه نیاز من موج امیدها تویی  
 وه که چه مست و بی‌خبر سوی کرانه می‌روی  
 گردش جام چشم تو هیچ به کام ما نشد  
 تا به مراد مدعی همچو زمانه می‌روی  
 حال که داستان من بهر تو شد فسانه ای  
 باز بگو به خواب خوش با چه فسانه می‌روی؟

کتاب‌شناسی

## مجموعه اشعار

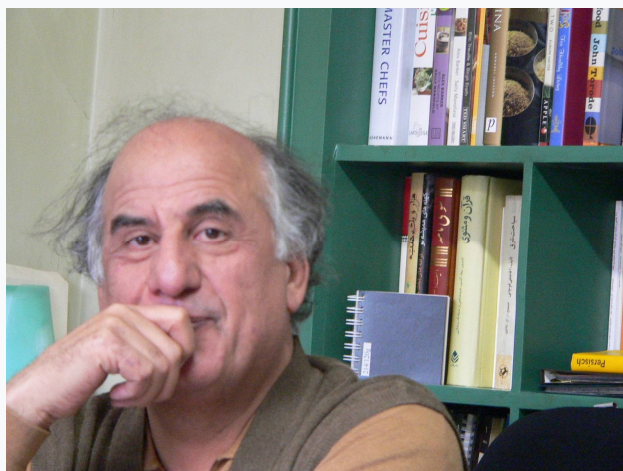
- ۱۳۴۴ - زمزمه‌ها
- ۱۳۴۴ - شبخوانی
- ۱۳۴۷ - از زبان برگ
- ۱۳۵۰ - در کوچه‌باغ‌های نیشابور|در کوچه‌باغ‌های نیشابور
- ۱۳۵۶ - بوی جوی مولیان
- ۱۳۵۶ - از بودن و سرودن
- ۱۳۵۶ - مثل درخت در شب باران
- ۱۳۷۶ - هزارهٔ دوم آهوی کوهی
- ۱۳۹۹ - طفلی به نام شادی

## آثار نظری و انتقادی و تصحیح و ترجمه

- صور خیال در شعر فارسی
- موسیقی شعر
- تصحیح اسرار التوحید نوشتهٔ محمد بن منور بن ابی‌سعد بن ابی‌طاهر بن ابی‌سعید میهنی
- تصحیح تاریخ نیشابور نوشتهٔ حاکم نیشابوری
- از مجموعهٔ آثار فریدالدین عطار نیشابوری، انتشارات سخن:
  - مقدمه، تصحیح و تعلیقات مختارنامه
  - مقدمه، تصحیح و تعلیقات مصیبت‌نامه
  - مقدمه، تصحیح و تعلیقات منطق‌الطیر
  - مقدمه، تصحیح و تعلیقات اسرارنامه
  - مقدمه، تصحیح و تعلیقات الهی‌نامه
  - مقدمه، تصحیح و تعلیقات دیوان عطار (هنوز به چاپ نرسیده‌است)
  - مقدمه، تصحیح و تعلیقات تذکرة‌الاولیاء، در دو جلد
- مقدمه، ترجمه و تعلیقات بر آفرینش و تاریخ از طاهر بن مطهر بن مقدسی در دو جلد، نشر آگاه
- مفلس کیمیا فروش دربارهٔ شعر انوری، انتشارات سخن
- زبور پارسی: نگاهی به زندگی و غزل‌های عطار، نشر آگاه
- تازیانه‌های سلوک: در بارهٔ قصاید سنایی، نشر آگاه
- در اقلیم روشنایی: تفسیر چند غزل حکیم سنایی، نشر آگاه
- شاعر آینه‌ها: بررسی سبک هندی و شعر بیدل دهلوی، نشر آگاه
- آن سوی حرف و صوت: گزیدهٔ اسرار التوحید، انتشارات سخن

- از مجموعه میراث عرفانی ایران، انتشارات سخن:
  - دفتر روشنایی (درباره بایزید بسطامی)
  - نوشته بر دریا (درباره ابوالحسن خرقانی)
  - چشیدن طعم وقت (درباره ابوسعید ابوالخیر)
  - در هرگز و همیشه انسان (درباره خواجه عبدالله انصاری)
  - درویش ستهنده (درباره شیخ جام ژندهپیل)
- زبان شعر در نثر صوفیه در آمدی به سبک‌شناسی نگاه عرفانی
- مقدمه، تصحیح و تعلیقات بر حالات و سخنان ابوسعید تألیف جمال‌الدین ابی‌روح لطف‌الله بن ابی‌سعید بن ابی‌سعد، انتشارات سخن
- ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت، انتشارات سخن
- زمینه اجتماعی شعر فارسی، انتشارات اختران ۸۶
- قلندریه در تاریخ دگر‌دیسی‌های یک ایدئولوژی، انتشارات سخن ۸۶
- ترجمه تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، نوشته رینولد نیکلسون نشر سخن
- تصحیح غزلیات شمس تبریز انتشارات سخن ۸۸
- مقدمه‌نویسی و انتشار تصویر نسخه خطی منظومه علی‌نامه، انتشارات میراث مکتوب ۸۸
- مقدمه تحلیلی و تعلیقات بر دیوان قائمیات، نویافته‌ترین دیوان شعری مذهب اسماعیلیه، به تصحیح «سید جلال حسینی بدخشانی»، انتشارات میراث مکتوب
- با چراغ و آینه در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران، انتشارات سخن، ۹۱
- حالات و مقامات م. امید (مهدی اخوان ثالث)، انتشارات سخن، ۹۱
- شاعری در هجوم منتقدان، نقد ادبی در سبک هندی پیرامون شعر حزین لاهیجی، نشر آگه، ۱۳۷۵
- مقدمه، تصحیح و تعلیقات «مرموزات اسدی در مزمورات داودی» از نجم‌الدین رازی، انتشارات سخن
- رستاخیز کلمات درس‌گفتارهایی درباره تئوری فرمالیسم روسی، انتشارات سخن، ۹۲
- گزیده غزلیات شمس، ناشر: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- ترجمه آوازهای سندباد سروده عبدالوهاب البیاتی، انتشارات نیل، ۱۳۴۸
- شعر معاصر عرب انتشارات سخن
- این کیمیای هستی (ویراست دوم در سه جلد)، انتشارات سخن، ۱۳۹۷
- رسوم دارالخلافة یا نقش آیین‌های ایرانی در نظام خلافت اسلامی؛ هلال ابن محسن صابی، تصحیح این متن، نشر کارنامه، ۱۳۹۷

## محمد زهرایی



زاده

۱۳۲۸

فاروج استان خراسان شمالی

درگذشته

۲۷ مرداد ۱۳۹۲ تهران

زمینه کاری

نشر و محصولات فرهنگی

بنیانگذار

مدیر انتشارات نیل، انتشارات چشم و  
چراغ و نشر کارنامهدلیل  
سرشناسی

ویراستار تجربی، ناشر، کارآفرین

همسر

مهدیه مستغنی یزدی

فرزندان

روزبه، ماکان، ماهور، سپهر

محمد زهرایی (زاده ۱۳۲۸ در فاروج، استان خراسان شمالی، بزرگ‌شده در مشهد - درگذشته ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ تهران) ناشر و ویراستار ایرانی بود. او مدیر انتشارات نیل و نشر کارنامه و از ناشران خلاق و صاحب‌سبک بود.

## زندگی و فعالیت‌ها

محمد زهرایی، در سال ۱۳۲۸ در فاروج خراسان شمالی به دنیا آمد. او کار نشر و کتاب را از جزئی‌ترین امور چاپ و نشر شروع کرد. ابتدا کتاب‌فروشی کوچکی در خیابان سعدی مشهد راه‌اندازی کرد که پاتوق اهل کتاب و روشن‌فکران آن دوره، از جمله علی شریعتی بود. او دستگیر و به زندان افتاد و پس از آن به تهران آمد.

محمد زهرایی کار نشر را با انتشارات گوتنبرگ شروع کرد و سپس به انتشارات فرانکلین زیر نظر همایون صنعتی‌زاده پیوست و در سال‌های میانی دهه ۱۳۵۰ با همکاری دو ناشر دیگر، انتشارات نیل را بازگشایی کرد و در شکل‌دهی و بالاندن انتشارات نیل نقش به‌سزایی داشت. برخی از رمان‌های شاخص جهان، از جمله دن کیشوت، با ترجمه محمد قاضی، یا آثار نویسندگانی چون م.ا. به‌آذین، احمد شاملو و دیگران، حاصل همکاری زهرایی با این افراد در انتشارات نیل بود.

پس از انقلاب، به‌دلیل گرایش‌های سیاسی‌ای که داشت، مدتی به زندان افتاد و تا سال‌ها اجازه فعالیت نداشت، تا اینکه مجوز نشر کارنامه را به‌نام همسرش دریافت کرد و توانست از اوایل دهه هفتاد، ایده‌هایش در عرصه نشر را در قالب انتشارات کارنامه عملی کند. محمد زهرایی از سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰ نشر کارنامه را راه‌اندازی کرد که حاصل آن برخی از شاخص‌ترین کتاب‌های تاریخ نشر به‌شمار می‌رود.

حافظ به سعی سایه تألیف هوشنگ ابتهاج، خواب آشفته نفت و شرح فصوص‌الحکم هر دو تألیف دکتر محمدعلی موحد و قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران نوشته عباس امانت از مهم‌ترین کتاب‌های نشر کارنامه با مدیریت او بود. اما شاید مشهورترین کتاب نشر کارنامه کتاب مستطاب آشپزی، از سیر تا پیاز نوشته نجف دریابندری با همکاری همسرش فهیمه راستکار باشد. این کتاب ممتاز آشپزی دوجلدی به فاصله‌ای کوتاه، به مهم‌ترین کتاب آشپزی ایران تبدیل شد و با وجود قیمت بالا، نزدیک به ۳۰ بار تجدید چاپ شده است.

او بنیان‌گذار مراکز پخش کتاب «گلپخش» و «بانک کتاب» در سال‌های میانی دهه ۱۳۶۰ بود که پدر معنوی و الگوی پخش‌های مدرن کنونی ایران است. بعدها به اصرار و حضور مؤثر او، مؤسسه «پکا» (پخش و توسعه کتاب ایرانی)، که پایه و الگوی مولتی‌استورهای کنونی ایران است، در اوایل دهه ۱۳۷۰ و با حضور تعداد بسیاری از ناشران شکل گرفت. گرچه پکا در نهایت ادامه نیافت، ولی ایده آن در نشرهای خانوادگی ایران تأثیری بسزا و مؤثر گذاشت.

محمد زهرایی همچنین مدیریت کتابفروشی شهر کتاب، شعبه نیاوران، را بر عهده داشت که یکی از محبوب‌ترین و مؤثرترین کتابفروشی‌های تهران و ایران برای کتاب‌دوستان است. ایده‌ها و نظرات مشتری‌مدار و پیشرو محمد زهرایی به‌طور مؤثری چهره کتاب، محصولات فرهنگی، و فروشگاه‌های فرهنگی ایران به‌خصوص «شهر کتاب‌ها» را تغییر داده است.

محمد زهرایی، که در میان نویسندگان و ناشران به وسواس خاص و دقت نظر برای انتشار کتاب مشهور بود را شاید تنها ناشری بتوان دانست که کتاب‌های انتشاراتی خود را تماماً می‌خواند و در پاکیزه‌سازی آن‌ها نقشی جدی و تعیین‌کننده داشت. رایزنی و گفت‌وگو با نویسندگان و مترجمان آثاری که خود انتشار می‌داد جزو ضروریات کاری او بود. فراهم‌کردن اسناد و کتاب‌های موردنیاز مؤلف و همکاری و همراهی مستمر با او نیز در زمره خصوصیات این ناشر باسابقه به‌شمار می‌رفت.

#### درگذشت

محمد زهرایی سال‌ها از بیماری دیابت رنج می‌برد و چندین بار هم کارش به بیمارستان کشید. او ساعت ۱۱:۱۵ بامداد یکشنبه، ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ در پی سکته قلبی، درحالی‌که پشت میز کار خود مشغول کار بر روی آخرین جلد خواب آشفته نفت بود، درگذشت.

## محمدعلی معلم دامغانی



زاده ۱۳۳۰ دامغان

پیشه شاعر

خویشاوندان میرزا علی اکبر معلم دامغانی (عمو)  
علی معلم (پسر عمو)

**محمدعلی معلم دامغانی** (زاده ۱۳۳۰ دامغان)، شاعر، ترانه‌سرا و رئیس سابق فرهنگستان هنر است. وی در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره‌های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه شعر و ادب فارسی برگزیده شد. او برگزیده نخستین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر در بخش تصنیف و ترانه نیز بوده است.

این شاعر و ادیب همچنین در دی ماه سال ۱۳۸۸، پس از برکناری میرحسین موسوی از ریاست فرهنگستان هنر، از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان رئیس فرهنگستان هنر انتخاب شد که پس از پایان یک دوره پنج‌ساله، این سمت به هوشنگ ماهرویان واگذار گردید. پس از مدتی کوتاه، این کرسی دوباره در اختیار معلم دامغانی قرار گرفت. با پایان یافتن دومین دوره ریاست وی در شهریور ۱۳۹۷، با نامه رئیس‌جمهور حسن روحانی، معاون امور هنری فرهنگستان هنر «علیرضا اسماعیلی» سرپرست فرهنگستان هنر شد.

## زندگی‌نامه

محمدعلی معلم دامغانی در دامغان زاده شد. پدر وی علی اصغر نام داشت. معلم دامغانی دانش‌آموخته حقوق دانشگاه تهران، شاعر، ترانه‌سرا و محقق ادبی معاصر است، از وی مجموعه شعری به نام رجعت سرخ ستاره در سال ۱۳۶۰ به چاپ رسیده است. «رجعت سرخ ستاره» که پس از بیست و پنج سال توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ دوم رسید.

محمد علی معلم دامغانی در شمار شاعران نسل اول انقلاب ایران (۱۳۵۷) است و بسیاری از شعرهای مطرح دوران انقلاب و دفاع مقدس از سروده‌های اوست: «این فصل را با من بخوان، باقی فسانه است / این فصل را بسیار خواندم، عاشقانه است...» او مثنوی هجرت را در مدح روح‌الله خمینی سروده است.

او همچنین ترانه‌های بسیاری برای بعضی از خوانندگان مطرح ایران همچون محمد اصفهانی، محمدرضا شجریان و مجید اخشابی سروده‌است؛ که از آن جمله می‌توان به ترانه باران از آلبوم شب، سکوت، کویر محمدرضا شجریان اشاره کرد.

وی اعلام کرد که به دلایلی سرودن شعر را کنار خواهد گذاشت و از این پس به جای سرودن به تحلیل مطالب خواهد پرداخت. او در مراسم اختتامیه شعر فجر گفت: بنده در سلسله اهل شعر خدمت می‌کنم، اما امروز سرزمین ما مملو از شاعران جوانی است که فرصت از آن آنان است، بنده از این رو با دنیای شعر خداحافظی می‌کنم؛ و در خاتمه این شعر را خواند:

رفتیم و عشق را به رقیبان گذاشتیم      رفتیم و داغ بر دل هجران گذاشتیم  
در ما نبود طاقت سوز و گداز عشق      این سوز و این گداز به ایشان گذاشتیم<sup>[۱۶]</sup>

### سبک شعری

«وی با سرودن مثنوی در اوزان بلند و بی‌سابقه با زبانی غریب و فاخر و کهن، با بهره‌گیری از اندیشه‌ها و اشارات دینی، عرفانی، اساطیری، تاریخی، اجتماعی با روحی نوسنتی و با توجه به موسیقی واج‌ها و واژه‌ها و آمیختگی عرفان و حماسه، می‌توان گفت مبدع سبک و ساختاری تازه در عرصه مثنوی سرایی شد». «او از جمله شاعرانی است که دارای زبان و سبک خاص شعری است. استفاده وافر از عناصر شعری قدیم و انتخاب وزن و قافیه و تقلید و پیروی از قصیده‌سرایان و مثنوی‌سازان دوره‌های سنتی (خصوصاً ناصر خسرو)، از مختصان سبکی اوست.

او از جمله مقتدرترین مثنوی‌سرایان پس از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود». معلم سرودن ترانه و تصنیف را نیز در دفتر کار خود دارد، «در ترانه برخلاف مثنوی‌هایش که مخاطب خاص می‌طلبد خواسته‌های مخاطب عام را در نظر می‌گیرد. اشعار معلم گرچه به‌رویدادی خاص در متن انقلاب اشاره دارد. اما پس از گذشت سالیان متمادی کهنه نگردیده و به‌نظر می‌رسد معنای دیگری از آن استنباط شود و به شعر این زمانی بدل شده است. استفاده از اوزان بلند، توجه به موسیقی کلمات (رعایت حروفی، ایجاد قافیه‌های درونی و ...)، به کارگیری ردیف باستان گرایی در زبان، و فور اشارات دینی و ادبی، آمیختگی حماسه و عرفان از مهم‌ترین ویژگی‌های مثنوی علی معلم است.»

### مسئولیت‌ها

- معاون فرهنگی حوزه هنری
- عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- رئیس مرکز موسیقی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
- در دی ۱۳۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی با برکناری میرحسین موسوی او را به ریاست فرهنگستان هنر برگزید. اما وی با ابراز ناپاوری از این موضوع گفت: «احتمالاً منظور از معلم، علی معلم فیلمساز بوده‌است، نه من!»

### نمونه شعر

- ترانه باران از آلبوم شب، سکوت، کویر محمدرضا شجریان:  
بیار ای بارون، بیار      با دلم گریه کن، خون بیار  
در شبای تیره چون زلف یار      بهر لیلی چو مجنون بیار
- با من بخوان، از «مثنوی هجرت»

این فصل را با من بخوان، باقی فسانه است  
 این فصل را بسیار خواندم، عاشقانه است  
 این قصه را با من بخوان، باقی فسانه است  
 دانی که در غربت سخنها عاشقانه است

کتابشناسی

- ۱۳۶۰ - رجعت سرخ ستاره
- ۱۳۹۳ - گزیده اشعار علی معلم دامغانی - انتشارات سپیده باوران

### مدّعلی موّد



زاده	۲ خرداد ۱۳۰۲ تیریز
محل زندگی	لواسان
پیشه	نویسنده، مترجم، تاریخ‌نگار، حقوق‌دان
تحصیلات	دکتری
کتاب‌ها	خواب آشفته نفت و . . .
دلیل سرشناسی	شرکت در کنفرانس‌های اوپک و ژنو
همسر	اکرم برادر بکایی
فرزندان	امید، صفا، بهار

**محمدعلی موحد** (زاده ۲ خرداد ۱۳۰۲ در تبریز) شاعر و ادیب عرفان‌پژوه، تاریخ‌نگار و حقوق‌دان، و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. صمد موحد برادر اوست. محمدعلی موحد تحصیل را در مدارس تدین و اتحاد نو تبریز آغاز کرد و در سال ۱۳۱۹، پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبی، به تهران آمد. اما به‌واسطه فوت پدر (در سال ۱۳۱۷) به تبریز بازگشت و سرپرستی خانواده را بر عهده گرفت و به مدت ده سال در تبریز و تهران اقامت گزید.

#### دوران فعالیت

در سال ۱۳۲۹ به شرکت نفت آبادان رفت و پس از خلع ید انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۲، سردبیری روزنامه شرکت نفت را به‌عهده گرفت و در همین سال به تهران انتقال یافت. وی در سال ۱۳۳۲ کار بر روی ترجمه سفرنامه این بطوطه را انجام داد که در سال ۱۳۳۶ منتشر شد و به‌واسطه قدرت قلم و شیوایی ترجمه، مورد توجه ارباب فضل قرار گرفت و نام موحد بر سر زبان‌ها افتاد؛ چنان‌که استادی چون مجتبی مینوی و همچنین محمدعلی جمال‌زاده او را مورد تشویق و تفقد قرار دادند.

موحد تحصیلات خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ادامه داد و موفق به اخذ مدرک دکتری حقوق خصوصی از این دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۸، پس از فراغت از تحصیل، برای آشنایی بیشتر با مباحث حقوق بین‌الملل به انگلستان رفت و مطالعات خود را زیر نظر پروفیسور جنینگز در دانشگاه کمبریج و پروفیسور شوارتزبرگ در لندن ادامه داد.

همچنین در این دوران با ایران‌شناسانی همچون آرتور آبری، ولادیمیر مینورسکی و لاکهارت هم‌نشین بود و به تحقیق بر روی نسخه‌های خطی موجود در موزه بریتانیا پرداخت و از این میان نسخه سلوک‌الملوک تألیف فضل‌الله روزبهان خنجی متخلص به «امین» را برای تصحیح انتخاب کرد.

وی، علاوه بر وکالت پایه‌یک دادگستری، از آغاز تأسیس شرکت ملی نفت ایران در کادر حقوقی شرکت نفت وارد شد و تا بالاترین درجات (مشاور عالی رئیس هیئت‌مدیره، مشاور ارشد و عضو اصلی هیئت‌مدیره) انجام وظیفه کرده و در ابتدای تأسیس اوپیک، به مدت شش ماه معاونت اجرایی آن سازمان در ژنو را عهده‌دار بوده‌است. موحد، در کنار مشاغل رسمی، به تدریس حقوق مدنی و حقوق نفت در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران پرداخت.

#### آثار موحد

وی در طول زندگی خویش همواره مشغول تحقیق، تألیف و ترجمه بوده و آثار شاخصی از خود به یادگار گذاشته‌است که بی‌شک مهم‌ترین آن‌ها تحقیق در متون عرفانی، به‌ویژه چاپ انتقادی مقالات شمس تبریزی است. کتاب ارج‌نامه محمدعلی موحد به نام با قافله شوق دربرگیرنده مجموعه‌مقالاتی از دوستان، همکاران و شاگردان وی درباره زندگی و آثار موحد، در دانشگاه تبریز توسط محمد طاهری خسروشاهی، از محققان حوزه ادبیات فارسی در آذربایجان، تدوین و منتشر شده‌است. موحد از جمله عرفان‌پژوهانی است که مدفون بودن شمس تبریزی در خوی را به دلیل وجود مقبره‌ای با یک مناره در خارج از شهر خوی که از آغاز سده پانزدهم میلادی به «مناره شمس تبریزی» معروف بوده، معتبر می‌داند.

موحد در زمینه مسایل حقوقی نیز صاحب نظر بوده و دو کتاب «درس‌هایی از داوری‌های نفتی» و «نفت ما و مسائل حقوقی آن» به عنوان کتاب درسی در دوره کارشناسی ارشد حقوق تجارت به عنوان منبع درسی معرفی شده‌است. محمدعلی موحد نخستین بار مسایل حقوقی نفت را وارد متون درسی دانشگاه کرد. در پژوهش‌های تاریخی نیز دکتر موحد با کتاب چهارگانه " خواب آشفته نفت " اثری مهم و ماندگار را از خود بجای گذاشته‌است

مرتضی بیک بیاتی از علاقمندان و ارادتمندان به استاد دکتر محمدعلی موحد به مناسبت انتشار کتاب

جشن نامه استاد با نام "با قافله شوق" رباعی سه بیتی (سُداسی) به شرح ذیل سروده و تقدیم استاد نموده است:

آن کس که تمام هستی و جان من است  
در زهد موحد است و سلطان من است  
ای کاش که یک لحظه نصیبم بشود  
آرامش او که موج و طوفان من است  
بیمارم و در هوای انسان شدنم  
با "قافله شوق" تو درمان من است

## کتابشناسی

- حدیقة الحقیقه، از ابوالفتح محمدبن شیخ الاسلام احمد جام (ژنده پیل) (تصحیح و تعلیق)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
- به‌گود گیتا (ترجمه)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۴
- نفت ما و مسائل حقوقی آن (تألیف)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹
- عدالت و انرژی، از ایوان ایلیچ (ترجمه)، تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۶
- سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه)، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱
- خزران، از آرتور کستلر (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱
- سلوک الملوک، از فضل‌الله روزبهان خنجی (تصحیح و تعلیق)، انتشارات خوارزمی ۱۳۶۲
- چهار مقاله درباره آزادی، از آیزایا برلین (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۶۹
- مقالات شمس تبریزی (تصحیح و تعلیق)، تهران: انتشارات خوارزمی، (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۶۹
- خمی از شراب ربانی، گزیده مقالات شمس (تصحیح و تعلیق)، تهران، سخن، ۱۳۷۳
- اصطرلاب حق، گزیده فیه‌ما فیه (تصحیح و تعلیق)، تهران: سخن، ۱۳۷۵
- ابن‌بطوطه (تألیف)، تهران: طرح نو، ۱۳۷۸
- شمس تبریزی (تألیف)، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹
- گفته‌ها و ناگفته‌ها، تحلیلی از گزارش عملیات پنهانی سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تعلیقی بر کتاب خواب آشفته نفت (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برگزیده کتاب سال)، ۱۳۷۹
- مبالغه مستعار، بررسی اسناد وزارت خارجه بریتانیا درباره مالکیت جزایر تنب و ابوموسی (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۰
- مختصر حقوق مدنی (تألیف) با تجدیدنظر کامل، تهران، نشر کارنامه
- درس‌هایی از داورهای نفتی، دفتر اول: قانون حاکم (تألیف)، تهران: نشریه دفتر ملی ایران (تألیف)، (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۸۴
- خواب آشفته نفت، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برنده جایزه کتاب سال)، ۱۳۸۴
- ملی کردن و غرامت: درس‌هایی از داورهای نفتی، (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۴
- در هوای حق و عدالت (تألیف)، تهران: نشر کارنامه (برنده جایزه اندیشه)، ۱۳۸۴
- فصوص‌الحکم، ابن عربی (ترجمه و تعلیق)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۵

- مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، از دانیل دنت (ترجمه)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۵
- شمس پرنده: ۴۸ غزل دیوان شمس تبریزی، (مقدمه)، تهران: نشر نظر، ۱۳۸۷
- باغ سبز: گفتارهایی درباره شمس و مولانا (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۷
- قصه قصه‌ها، کهن‌ترین روایت از ماجرای شمس و مولانا (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۹
- دیباچه‌ای بر حقوق مدنی (تألیف)، تهران: جامعه حسابداران رسمی ایران، ۱۳۸۹
- ابتدا نامه از محمدبن محمد سلطان ولد (تصحیح همراه علیرضا حیدری)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۹۰
- در خانه اگر کس است: همراه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های آن (تألیف)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۰
- در جستجوی آینه: گزیده مقالات شمس تبریزی، (گردآورنده) تهران: نشر معین (همراه با لوح شنیداری با خوانش هوشنگ آزادی‌ور)، ۱۳۹۲
- تماشای خورشید: گزیده‌ای از مقالات شمس تبریزی (مقدمه)، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۳
- یاد گذشته و اندیشه آینده در تاریخ ایران و صنعت نفت ایران، (تألیف)، تهران: نشر نگاره آفتاب، ۱۳۹۴
- شاهد عهد شباب (اولین مجموعه شعر)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۵
- رساله در مناقب خداوندگار از فریدون بن احمد سپهسالار (تصحیح)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۵
- سفرنامه ابن بطوطه، دو جلدی (ترجمه)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۵
- در کشاکش دین و دولت (تألیف)، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۸
- مثنوی معنوی (تصحیح و مقدمه) انتشارات هرمس، ۱۳۹۶
- حق و سوءاستفاده از آن (تألیف) ۱۳۹۷
- تاملات (مقاله‌ها و خطابه‌ها) (تألیف) ۱۳۹۹

### علامه قزوینی



محمد قزوینی

نام اصلی

زاده	۱۱ فروردین ۱۲۵۶ ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۹۴ محله دروازه قزوین تهران
محل زندگی	تهران لندن پاریس
درگذشته	۶ خرداد ۱۳۲۸ تهران
آرامگاه	شاه‌عبدالعظیم در کنار مزار شیخ ابو‌الفتح رازی
لقب	علامه
زمینه کاری	ادبیات
پدر و مادر	ملا عبدالوهاب قزوینی

علامه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی مشهور به علامه قزوینی (۱۱ فروردین ۱۲۵۶ تهران - ۶ خرداد ۱۳۲۸ تهران)، ادیب و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایران بود.

### زندگی

محمد قزوینی در یازدهم فروردین ۱۲۵۶ خورشیدی در تهران در محله دروازه قزوین به دنیا آمد. پدر و اجدادش از اهل قلم و فرهنگ بودند. پدر بزرگ او ملا عبدالعلی قزوینی از دانشمندان قزوین بود. پدرش ملا عبدالوهاب قزوینی معروف به «ملا آقای قزوینی» اصلاً اهل بلوک بشاریات (اکنون بخش بشاریات) بود که با کوشش شخصی صاحب مرتبه‌ای در دانش و ادب شد و به تهران آمد و در مدرسه معیرالممالک درس می‌داد.

پدر محمد قزوینی در ۱۲۶۷ درگذشت. محمد در این زمان دوازده ساله بود و به کمک شمس‌العلماء به جای پدر در تدوین نامه دانشوران شرکت کرد تا کمک معاش خانواده باشد. او صرف و نحو و فقه و کلام و حکمت را نخست نزد پدر و سپس نزد استادان دیگر مانند شیخ فضل‌الله نوری و میرزا حسن آشتیانی و ملا محمد آملی تحصیل کرد. او از محضر ادیب پیشاوری و شیخ هادی نجم‌آبادی نیز برخوردار شد. در مدرسه معیرالملک حجره‌ای گرفت و طلبه شد. زیر نظر شمس‌العلماء در علوم اسلامی و هیئت و ریاضی و تاریخ و تاریخ ادب و رجال و عروض و قافیه متبحر شد. بعد در مدرسه آلیانس تهران به فراگیری زبان فرانسه پرداخت.

همچنین به آموزش عربی به دوستان و آشنایان جوان خود پرداخت. فرزندان شیخ فضل‌الله نوری ضیاءالدین و میرزا هادی مدت سه سال نحو و محمدعلی فروغی و برادرش ابوالحسن فروغی از او عربی آموختند و خود به دیگر معلومات او، از جمله در زبان فرانسه، افزودند. پدر فروغی‌ها یعنی میرزا محمدحسین فروغی او را به همکاری در روزنامه تربیت تشویق کرد و او را با روش کار و تحقیق ادبی و تاریخی اروپاییان آشنا ساخت. به زودی شهرتی در زمینه‌های مختلف ادبی پیدا کرد و به خصوص در نحو عربی چهره‌ای شاخص شد. در تألیف بخش تاریخ اسلام در کتاب تاریخ مفصل ایران که کتاب درسی مدارس بود شرکت داشت.

بخشی از زندگی‌نامه خودنوشت

او در شرح احوالاتش که برای درج در کتاب شرح احوال رجال علم و ادب تألیف مرتضی مدرس چهاردهی نگاشته، آورده‌است: «اسم این جانب محمد و اسم پدرم عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی است. پدرم یکی از مؤلفین اربعه نامه دانشوران است و تراجم احوال نوحاه و لغویین و ادبا و فقها غالباً به او محول بود و اسم او در مقدمه آن کتاب و شرح حال مختصری از او در کتاب المآثر و الآثار مرحوم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه مسطور است و در سنه هزار و سیصد و شش هجری قمری در طهران مرحوم شد. تولد این جانب در طهران [و] در محله دروازه قزوین در پانزدهم ربیع‌الاول سنه هزار و دو بیست و نود و چهار هجری قمری است.

تحصیلات علوم متداوله اسلامی را در همان طهران [طی] کرده‌ام. صرف و نحو را در خدمت پدرم و خدمت مرحوم حاج سید مصطفی مشهور به قنات آبادی در مدرسه معیرالممالک و فقه را در خدمت همان بزرگوار و مرحوم حاج شیخ محمدصادق طهرانی [و]، مدرس همان مدرسه و سپس در محضر مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری، کلام و حکمت قدیم را در خدمت مرحوم ملامحمد آملی در مدرسه خازن الممالک، و سپس اصول فقه خارج را در محضر درس مرحوم افضل المتأخرین آقا میرزا حسن آشتیانی (صاحب حاشیه مشهور بر رسائل مرحوم شیخ مرتضی انصاری) در سه چهار سال اخیر عمر آن مرحوم. دیگر علمائی که بدون حضور در مجالس درس ایشان (چون اصلاً مجالس درس نداشتند) از مفاوضات کثیر البرکات ایشان مدت‌های مدید مستفیض شده‌ام یکی مرحوم حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و دیگر مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری و دیگر مرحوم شمس العلماء شیخ محمد مهدی قزوینی عبدالرب آبادی یکی از مؤلفین اربعه «نامه دانشوران» است رحمه الله علیهم اجمعین»

سفر به لندن

در سال ۱۲۸۳ خورشیدی به دعوت برادر خود که آن زمان در لندن بود، به قصد دیدار از کتابخانه عظیم لندن و نسخه‌های قدیمی نفیس آن، از راه روسیه و آلمان و هلند رهسپار لندن شد. به گفته خودش «پس از مشاهده عظمت کتابخانه آن شهر و تأمل آن همه کتب نفیسه نادره از عربی و فارسی و غیره شوق مطالعه آن‌ها چنان بر من غلبه کرد که بی‌اختیار اهل و وطن و خانواده را نمی‌گویم فراموش کردم ولی موقتاً خیال آن‌ها را به کناری گذاردم.»

محمد قزوینی دو سال در لندن اقامت داشت و در این مدت با جمعی از خاورشناسان انگلیسی همچون ای. ای. بوان، ای. جی. الیس، و مشهورتر از همه ادوارد براون آشنایی یافت. ادوارد براون که سمت ریاست امنای اوقاف گیب را داشت، به او پیشنهاد کرد که کار تصحیح بعضی از کتاب‌های کهن فارسی را جهت نشر در سلسله انتشارات اوقاف گیب به عهده گیرد. در سال ۱۲۸۵ محمد قزوینی به منظور آغاز کار تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی که بهترین نسخه‌های آن در کتابخانه ملی پاریس بود عازم آن شهر شد و تا هشت سال بعد در پاریس مشغول به تحقیق بود.

در این مدت موفق به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن شد و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت، و دو سه متن کهن فارسی را تصحیح کرد. در این دوران با جمعی از خاورشناسان نامدار فرانسوی چون کلمان هوار، و شارل بارییه دومنار مراوده داشت. در خاطرات خود از سال‌های اقامت پاریس از تجدید دیدار با علی‌اکبر دهخدا نیز یاد می‌کند که مدتی در اوایل استبداد صغیر جزو مهاجرین ملی در پاریس اقامت داشته‌است.

در سال ۱۲۹۴ که بر اثر جنگ جهانی اول امکان پیشرفت کارهای تحقیقی نبود، به پیشنهاد دوست قدیم خود حسینقلی نواب که به سمت وزیر مختار ایران در آلمان منصوب شده بود همراه او رهسپار برلین شد. اقامت او در برلین تا پس از پایان جنگ جهانی و بیش از پنج سال به طول انجامید. در آنجا در انجمنی از ایرانیان تبعیدی مقیم برلین به اسم «کمیته ایرانی» وارد شد که به سرپرستی سید حسن تقی‌زاده با مساعدت دولت آلمان تشکیل شده بود و روزنامه کاوه را منتشر می‌ساخت. از اعضای

برجسته این انجمن میرزا فضلعلی آقا مجتهد تبریزی، محمدعلی جمالزاده، محمود غنی‌زاده، حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، محمدعلی تربیت و ابراهیم پورداود بودند. محمد قزوینی در این دوران با برخی از خاورشناسان مشهور آلمانی همچون یوزف مارکوارت، ادوارد زاخائو، اویگن میتووخ و مارتین هارتمان نیز آشنایی و مراوده یافت.

پس از پایان جنگ جهانی و رفع موانع سفر در سال ۱۲۹۹ به پاریس بازگشت و کار تصحیح کتاب‌هایی را که نیمه‌کاره مانده بود از سر گرفت. از آن هنگام با مساعدت محمدعلی فروغی مقرری سالانه‌ای از طرف دولت ایران در مورد او برقرار شد. همچنین از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری کند و به ایران ارسال دارد، و او جمعاً از ۱۶ کتاب عکس گرفت و همراه با مقدمه‌هایی که برای آن‌ها نگاشته بود به ایران فرستاد.

#### دوستان اروپایی و آفریقایی

علامه قزوینی در دوران طولانی اقامتش در اروپا به پژوهش و بررسی نسخه‌های خطی فارسی و عربی در مراکز پژوهشی مشغول بود. علاوه بر این با مراکز شرق‌شناسی اروپا آشنا شد و سعی کرد از این مراکز استفاده لازم را ببرد. مراکز شرق‌شناسی انگلیس، فرانسه و آلمان از جمله مراکزی بود که وی در آنجا تجاری اندوخت.

او در این مدت، با ایران‌شناسان و پژوهشگران نامداری چون آمدروز (ناشر تاریخ الوزراء هلال صابی و تاریخ دمشق ابن القلانسی)، سر اینزن رس (مترجم تاریخ رشیدی به انگلیسی)، هرتویک درنبرگ (ناشر کتاب سیبویه)، کلمانن هوارت (مترجم و ناشر کتاب البداء و التاریخ مقدسی و مناقب العارفین افلاکی و مؤلف تعداد قابل توجهی از آثار نفیس دیگر)، آدریان باریه دومنار (مترجم و ناشر مروج الذهب مسعودی و بسیاری کتب دیگر)، ولادیمیر مینورسکی (شرق‌شناس معروف روسی، مترجم حدودالعالم با حواشی و تعلیقات بسیار و همچنین مؤلف بسیاری از آثار دیگر در تاریخ و جغرافیای ایران)، پاول کراوس (شرق‌شناس چک، مترجم بسیاری از تألیفات محمدبن زکریای رازی)، پل کازانوا (شرق‌شناس مشهور فرانسوی و متخصص در تاریخ و جغرافیای اسلامی)، گابریل فران (مدیر ژورنال از یاتیک)، پل پلیو (شرق‌شناس معروف فرانسوی و متخصص در زبان چینی و مغولی)، ادگارد بلوشه (مؤلف فهرست کتاب‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس و ناشر قسمتی از جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله وزیر غازان و اولجایتو)، لویی ماسینیون (شرق‌شناس برجسته فرانسوی و متخصص در زبان عربی و تصوف به‌ویژه آثار مرتبط به حسین ابن منصور حلاج)، هانری ماسه (شرق‌شناس مشهور فرانسوی)، ادوارد زاخائو (شرق‌شناس شهیر آلمانی، ناشر متن آثار الباقیه ابوریحان بیرونی و ترجمه آن به انگلیسی و ناشر طبقات کبیر ابن سعد کاتب واقدی در ۱۵ جلد)، اویگن میتووخ (متخصص در زبان عربی و مصحح قسمتی از طبقات ابن سعد) و مارتین هارتمن (متخصص در زبان عربی)، دکتر موریتز (مدیر کتابخانه مدرسه زبان‌های شرقی برلین، متخصص در زبان عربی) و البته با ادوارد براون آشنایی (شرق‌شناس شهیر و نامور انگلیسی) همکاری بسیار نزدیکی داشت.

مرحوم علامه قزوینی در فرانسه با پروفیسور عثمان کعاک (اندیشمند برجسته تونس) آشنا شد و او را علاقه‌مند به فرهنگ و تمدن ایرانی یافت و اطلاعات لازم را در اختیار او گذاشت. امروزه عثمان کعاک با نگارش کتاب روابط تاریخی تونس و ایران (به عربی: العلاقات بین تونس و ایران عبر التاريخ) کتابی در حوزه ایران‌شناسی را در کشورهای غرب عربی از خود به یادگار گذاشت.

#### وفات

محمد قزوینی در سال ۱۳۱۸ با توجه به مشکلاتی که اتباع خارجی مقیم در اروپا به علت بروز جنگ جهانی دوم گرفتار آن شده بودند، تصمیم به بازگشت به ایران گرفت و بعد از سی و شش سال اقامت در خارج از ایران، در مهر ماه آن سال برای اقامت دائم به ایران بازگشت. در ایران نیز تمام اوقات او

صرف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون کهن می‌شد. تصحیح دیوان حافظ با همکاری قاسم غنی یادگار دوره اقامت او در تهران است.

علامه محمد قزوینی در ۶ خرداد سال ۱۳۲۸ در تهران درگذشت و در شاه عبدالعظیم در کنار مزار ابوالفتوح رازی دفن شد.

محمدتقی بهار قصیده معروف خود را در سوگ او سرود که مطلع آن چنین است:

از ملک ادب داعیه‌داران همه رفتند شو بار سفر بند که یاران همه رفتند

کتابخانه شخصی او برای کتابخانه دانشگاه تهران خریداری شد.

### تصحیح

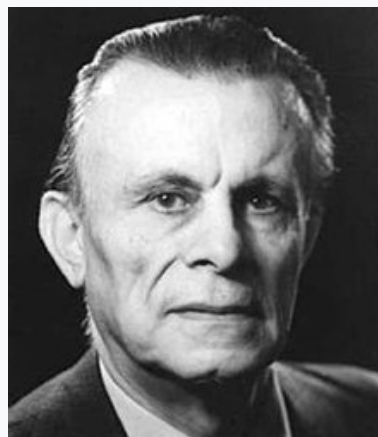
### آثار

- مرزبان‌نامه
- المعجم فی معاییر اشعارالعجم
- چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی
- تاریخ جهانگشای جوینی
- دیوان حافظ به همراه قاسم غنی
- شدالازار فی حطالاوزار عن زوارالمزار
- سیاست‌نامه
- بیست مقاله قزوینی، جلد اول (به کوشش ابراهیم پورداوود)، ۱۳۰۷
- بیست مقاله قزوینی، جلد دوم (به کوشش عباس اقبال آشتیانی)، ۱۳۱۳

### مقالات

- نامه‌ها و یادداشت‌ها
- نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده (به کوشش ایرج افشار)
- یادداشت‌های قزوینی، در ۱۰ جلد (به کوشش ایرج افشار)
- مسائل پاریسیه، در ۴ جلد (به کوشش ایرج افشار و علی‌محمد هنر)

### محمود اعتمادزاده (به‌آدین)



زاده	۲۳ دی ۱۲۹۳ کوی خُمران چهلتن، رشت
درگذشته	۱۰ خرداد ۱۳۸۵ بیمارستان آراد، تهران ایست قلبی
آرامگاه	کرج
پیشه	فعال سیاسی، نویسنده و مترجم

**محمود اعتمادزاده (م.ا. به‌آذین) (۱۲۹۳-۱۳۸۵)** نویسنده، مترجم و فعال سیاسی معاصر ایرانی بود. به‌آذین فعالیت‌های ادبی خود را از سال ۱۳۲۰ — زمانی که به علت جراحت در جنگ جهانی دوم یک دست خود را از دست داده بود— با انتشار داستان‌های کوتاه آغاز کرد. نوشته‌ها و داستان‌های کوتاه بیشتری در طول سالهای بعد به رشته تحریر درآورد و با ترجمه آثار شکسپیر، بالزاک، رومن رولان، شولوخوف و نگارش خاطرات و تجربیاتش از زندان‌های دهه ۱۳۵۰، به خدمات ادبی خود ادامه داد.<sup>[۱]</sup> شهرت وی از زمان سردبیری هفته‌نامه کتاب هفته و سپس ریاست کانون نویسندگان آغاز شد.

### زندگی

محمود اعتمادزاده در بیست و سوم دی ۱۲۹۳ در کوی خُمران چهلتن شهر رشت به دنیا آمد. آموزش ابتدائی را در رشت، سه سال اول متوسطه را در مشهد و سه سال آخر متوسطه را در تهران ادامه داد. در سال ۱۳۱۱ جزو دانشجویان اعزامی ایران به فرانسه رفت و تا دی‌ماه ۱۳۱۷ در فرانسه ماند. زبان فرانسوی را آموخت و از دانشکده مهندسی دریائی برست (Brest) و دانشکده مهندسی ساختمان دریائی در پاریس گواهی‌نامه گرفت.

پس از بازگشت به ایران به نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی پیوست. او با درجه ستوان دوم مهندس نیروی دریائی در خرمشهر مشغول به کار شد. دو سال بعد به نیروی دریائی در بندر انزلی منتقل شد و ریاست تعمیرگاه این نیرو را به عهده گرفت.

در چهارم شهریور ۱۳۲۰ در جریان اشغال ایران و بمباران بندر انزلی زخم برداشت که منجر به قطع دست چپ او و اتکایش به دست راست تا پایان عمر گشت.

چهارم فروردین ۱۳۲۱ در رشت با اقدس (ربابه) لنگرانیان ازدواج کرد.

چندی بعد، برای رهائی از قیدهایی که افسر نیروی دریائی بودن برای فعالیت سیاسی و ادبی‌اش ایجاد کرده بود، استعفا داد. سرانجام در بهار ۱۳۲۳، به گفته خودش «رشته توان‌فرسای خدمت نظامی از گردنش باز شد» و به وزارت فرهنگ منتقل شد. سال‌هایی را به تدریس خصوصی زبان فرانسوی، تدریس ریاضی در دبیرستان‌ها و کار در کتابخانه ملی — در دایره روزنامه‌ها و مجلات — گذراند. چند هفته‌ای هم در دوره وزارت دکتر کشاورز، در سال ۱۳۲۵، سمت معاونت فرهنگ گیلان به عهده‌اش بود. در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ او را منتظر خدمت کردند و دیگر اجازه کار در وزارت فرهنگ را به او ندادند.

او در تقابل با فشار تنگ‌دستی و تنگناهای تأمین زندگی خانواده، به کار ترجمه پرداخت. از آن پس — تا پایان عمر — زندگی او به فعالیت سیاسی و اجتماعی و به ترجمه و نویسندگی گذشت.

به‌آذین روز چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۵ بر اثر ایست قلبی در بیمارستان آراد تهران درگذشت.



### فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

دوران کودکی به‌آذین هم‌زمان با جنبش جنگل در گیلان و نیز انقلاب در روسیه بود. بدین روال در دو دهه نخستین زندگی‌اش شاهد رویدادهای تاریخی شد که در ذهن و خاطر او تأثیر عمیقی برجای گذاشتند.

در سال‌های زندگی در فرانسه، در کنار فراگیری زبان و تحصیلات دانشگاهی، با آثار و افکار بسیاری از نویسندگان و اندیشمندان جهان آن روز و نیز با فضای باز آزادی و همچنین با نوشته‌های مارکسیستی آشنا شد. می‌گوید: «شگفتی‌های جادویی فرنگ در من نقش می‌بست، پرورده می‌شدم. شکل می‌گرفتم و... هر چه بیشتر به کتاب‌های ادبیات و تاریخ و سیاست روی می‌آوردم... گاه هم دست به قلم می‌بردم...».

در پی فروپاشی سلطنت رضاشاه پهلوی پرداختن به سیاست آزاد شد. محمود اعتمادزاده بزرگ‌شده در دوران جنبش جنگل و انقلاب روسیه و جنگ جهانی، به پشتوانه آنچه به‌ویژه در دوران اقامتش در فرانسه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی آموخته بود، رو به فعالیت در راه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی آورد. با خواندن کتاب‌های مارکسیستی به زبان فرانسه به این ایدئولوژی نزدیک شد و به عنوان یک کمونیست در پایان ۱۳۲۳ به حزب توده ایران پیوست.

در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پیکار او در راه باورهایش و در راه کسب حقوق انسانی به اشکال گوناگون ادامه یافت و سر و کارش را بارها به زندان انداخت.

در سال ۱۳۴۷ یکی از بنیان‌گذاران اصلی کانون نویسندگان ایران شد و منشور اصلی این کانون را «بر محور آزادی قلم و بیان» بنا نهاد. کار این دوره کانون در حدود دوسالی بیشتر دوام نیاورد. در سال ۱۳۴۹ فریدون تنکابنی به‌خاطر نوشتن کتاب یادداشت‌های شهر شلوغ بازداشت شد. در خرداد ۱۳۴۹، به‌آذین و پنجاه‌وسه تن دیگر در اعلامیه‌ای به بازداشت تنکابنی اعتراض کردند. به‌آذین روز بیست‌ویکم تیرماه بازداشت شد و چهار ماه در زندان‌های قزل‌قلعه و قصر زندانی بود. در ۹ و ۱۱ آبان در دادرسی ارتش به‌آذین، محمدعلی سپانلو و رحمانی‌نژاد توسط دادگاه نظامی به زندان محکوم شدند. در ۲۳ و ۲۴ فروردین ۱۳۵۰ دادگاه تجدیدنظر دادرسی ارتش حکم آنان را، پس از ماه‌ها زندان، به دو ماه زندان قابل‌خرید تبدیل کرد. در این دادگاه‌ها به‌آذین از آزادی قلم و از آزادی تشکل‌های صنفی دفاع کرد.

در اردیبهشت سال ۵۶ دور تازه‌ای از فعالیت‌های کانون آغاز شد که به‌آذین در آن نقشی کلیدی داشت. از جمله، به عنوان عضوی از هیئت دبیران موقت، متن «موضع کانون نویسندگان ایران» را تدوین

کرد که بعدها مبنای مرام‌نامه و اساس‌نامهٔ کانون شد. در مهرماه ۱۳۵۶ به‌آذین یکی از سازمان‌دهندگان برگزارای ده شب شعر و سخنرانی در انجمن فرهنگی ایران و آلمان (انستیتو گوته) بود. به‌ویژه بیانیهٔ پایانی این مراسم و این فراز پایانی آن که به قلم به‌آذین نوشته و با صدای وی خوانده شد در یادها مانده‌است که:

«دوستان! جوانان! ده شب به صورت جمعیتی که غالباً سر به ده هزار و بیشتر می‌زد آمدید و اینجا روی چمن و خاک نمناک، روی آجر و سمنت لبه حوض، نشسته و ایستاده، در هوای خنک پائیز و گاه ساعت‌ها زیر باران تند صبر کردید و گوش به گویندگان دادید. چه شنیدید؟ آزادی، آزادی و آزادی.»

سوم آذر ۱۳۵۶ به‌همراه پسرش کاوه دستگیر شد. شانزدهم آذر با وثیقه آزاد شد و باز به فعالیت‌های اجتماعی در راه آزادی بیان و قلم، و به موازات آن تلاش‌های سیاسی برای برقراری اتحاد، و کوشش در راه استقلال و آزادی و عدالت بازگشت. می‌گوید: «بار دیگر به امید پی‌ریزی اتحاد وسیع‌تر نیروها که جریان‌های مارکسیستی نیز در آن شرکت داشته باشند، به مسیر دید و بازدیدها و دوندگی‌هایم می‌افتم.» در پی تلاش‌های او و دیگر کوشندگان راه آزادی در کانون نویسندگان، مجمع عمومی کانون در ۳۱ اردیبهشت ۵۷ برگزار شد که در آن به عضویت هیئت دبیران انتخاب شد.

در پیگیری فعالیت‌های سیاسی‌اش، در ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۷ سازمان اتحاد دمکراتیک مردم ایران را بنیان گذارد. در جلد دوم کتاب از هر دری در این باب می‌نویسد: «... بیشتر تأکیدم در بحث، همه بر اتحاد نیروهاست برای رسیدن به آزادی و حکومت مردمی و استقلال کشور.» در اول آبان ماه ۵۷ دستگیر و زندانی شد. این اسارت تا ۲۳ دی ۵۷ طول کشید. هم‌زمان با فروپاشی رژیم سلطنتی نوشت:

«آسان‌ترین مرحلهٔ انقلاب با همهٔ درد و رنج و اشک و خون که داشت پشت سر گذارده شد... آیا می‌توان آسوده نشست و نفس تازه کرد؟ نه برادر! باید دست به دست هم داد، همدیگر را داشت. عظیم کاری در پیش است... هنوز سال‌ها و سال‌ها سازندگی پیش روی ملت ماست که باید در فضای همدلی و کوشش همگانی به انجام رسد... ولی چه می‌بینیم؟ از هم‌اکنون فزون‌طلبی و وسوسهٔ تحکم... چه باید کرد؟ چاره وحدت است. نیرومندی در وحدت است. پیروزی به وحدت است...»

پس از انقلاب فعالیت «اتحاد دمکراتیک مردم ایران» را ادامه داد و در عین حال، در پلنوم هفدهم، به عضویت افتخاری کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران برگزیده شد. به‌آذین دبیر جمعیت ایرانی هواداران صلح نیز بود.

در سال ۱۳۵۸، در پی انتخاب هیئت دبیران تازهٔ کانون نویسندگان، به‌آذین مقاله‌ای نوشت در مخالفت با استفاده از کانون به عنوان پیکره‌ای سیاسی. هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (باقر پرهام، احمد شاملو، محسن یلفانی، غلامحسین ساعدی و اسماعیل خوئی) تصمیم به اخراج به‌آذین، سیاوش کسرائی، هوشنگ ابتهاج، فریدون تنکابنی و محمدتقی برومند گرفت. این تصمیم نهایتاً به تأیید مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران رسید و منجر به اخراج همهٔ اعضای توده‌ای کانون به همراه این پنج تن شد.

به‌آذین برای دنبال کردن هدف‌های صنفی‌اش، به یاری شماری از قلم‌زنان و هنرمندان کشور، در پائیز ۱۳۵۸ شورای نویسندگان و هنرمندان ایران را پی‌ریزی کرد.

در ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ در جریان دستگیری‌های گستردهٔ اعضای حزب تودهٔ ایران دستگیر شد. وی در برنامه‌های تلویزیونی که توسط حکومت به نمایش درآمد مجبور به نفی گذشته و ایدئولوژی خود و نیز حزب تودهٔ ایران شد. بلافاصله پس از بازداشت او، همسرش به حسین علی منتظری شکایت برد و نوشت که به او اجازه دیدار شوهرش را نمی‌دهند و پسرش را هم دستگیر کرده‌اند. همسر به‌آذین در نامه‌اش خاطر نشان ساخت «پسر را گرو گرفته‌اند تا از او علیه پدرش استفاده کنند.» وی در شکایت نامهٔ خود از مسئولان شکوه می‌کند که آن‌ها آنگ «خیانت» به شوهرش زده، وی را مجبور کردند که «خودکشی عقیدتی کند»، کسی که دستش را برای کشورش فدا نموده بود.

در سال‌های پسین زندگی در مصاحبه با چیستا گفت:

«دغدغه بزرگ من در چند سال اخیر سرنوشت کره خاکی ماست که دو اسبه به سوی نابودی رانده می‌شود. بیکاری اجباری ده‌ها و به‌زودی صدها میلیونی... بیماری‌های واگیردار ناشناخته یا دوباره سر برآورده... جنگ و کشتار به بهانه دعواهای مرزی، و دشمنی‌های قومی که می‌باید بازار فروش سلاح‌های از رده بیرون شده کشورهای پیش‌رفته را گرم بدارد. زمین دارد رمق از دست می‌دهد. نفسش دارد به شماره می‌افتد. باید پیش از آن که دیر شود، به دادش رسید... خیزش عمومی جهان لازم است. هر جا و همه جا، در راستای مهار کردن تولید انبوه سلاح، و ناممکن ساختن اسراف دیوانه‌وار کنونی در مصرف. من نیستم؛ اما نگذارید جهان نابود شود. به‌پا خیزید!»

سه سال پیش از مرگ، بر اعتقاد خود به راه و روالی که پیموده تأکید کرد و در پاسخ مصاحبه‌گری که از او می‌پرسید «آیا اگر فرصت دوباره‌ای برای زیستن به شما بدهند باز هم همین راهی را که تاکنون پیموده‌اید در پیش خواهید گرفت؟» گفت: «دوست ارجمند، بر من ببخشید و سراب زندگی دوباره را به رُخم نکشید. پرسشی که پاسخ نمی‌تواند داشت از من نکنید. من جز آنچه بودم نمی‌توانم بود...»

### فعالیت‌های ادبی

روزنامه‌نگاری از نخستین عرصه‌های فعالیت ادبی او بود. نخستین نشریه‌ای که نوشته‌هایی از او را چاپ کرد مردان کار بود. در آن زمان او هنوز افسر نیروی دریایی بود و از آنجا که کارکنان ارتش به کلی ممنوع‌القول بودند، ناگزیر نوشته‌هایش را به نام‌های مستعار به دست چاپ می‌سپرد. نام «م.ا. به‌آذین» را در نشریه مردان کار برای خود برگزید، و محمود اعتمادزاده بیش از شش دهه به این نام شناخته و خطاب شد.

در همین ایام با روزنامه داریای حسن ارسنجانی نیز همکاری قلمی داشت: «مقاله می‌نوشتم، داستان می‌دادم، مصاحبه می‌کردم. همه بی‌مزد و بی‌منت.» به مرور و با شناخت بیشتر از آرا و افکار ارسنجانی، راهش از او جدا شد و همکاری‌اش را با او قطع کرد. در اواخر دهه ۳۰ سردبیری مجله ادبی-اجتماعی صدف و هفته‌نامه کتاب هفته و نشریه پیام نور را عهده‌دار شد. در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۱ با مسئولیت وی هفته‌نامه‌های سوگند، پیام نوین و اتحاد مردم منتشر شد. او همچنین سردبیر فصل نامه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران بود.

آنچه او از همه بیشتر دوست می‌داشت، نویسندگی بود. «من نویسندگی می‌خواستم، نویسندگی، کشش دردناک هستی من». نخستین اثر او در سال ۱۳۲۳ به صورت مجموعه داستانی به نام پراکنده به چاپ رسید. کتاب بعدی، با موضوع‌های اجتماعی و به سبکی واقع‌گرایانه، به‌سوی مردم نام داشت. نخستین رمان بلندش، دختر رعیت، در حال و هوای جنبش جنگل سیر می‌کند و نقش پرند سخن از امید و زیبایی‌های زندگی می‌گوید. خانواده امین‌زادگان پس از آن که دو فصلش در سال‌های ۳۶ و ۳۷ برای نخستین بار در مجله صدف به چاپ رسید، ناتمام باقی ماند. مهره مار، شهر خدا و از آن سوی دیوار، داستانی ضد جنگ، از دیگر مجموعه‌داستان‌های به‌آذین در سال‌های پیش از انقلاب ۵۷ هستند. مرگ سیمرغ، «مانگدیم و خورشیدچهر، سایه‌های باغ، چال و بسیاری داستان‌های کوتاه دیگر، از جمله شماری که در مجله چیستا چاپ شدند، از دیگر آثار داستانی فراوان او در سال‌های پس از انقلاب‌اند. به‌آذین در عرصه نمایشنامه نویسی هم قلم آزمود. نمایشنامه کاوه (۱۳۵۵) گویای حدیثی باستانی با بیان و شگردهای هنری معاصر است.

پژوهش و فلسفه از دیگر عرصه‌های فعالیت به‌آذین بود. قالی ایران (۱۳۴۴) نگاهی به پیشینه قالی دارد و با دیدی پژوهشگرانه به فن قالی‌بافی، طرح‌ها و نقش‌های قالی، مناطق قالی‌بافی در ایران و چشم‌انداز صنعت قالی در ایران می‌پردازد. در کتاب پژوهشی گفتار در آزادی (۱۳۴۷) به بررسی جنبه‌های مختلف مفهوم آزادی می‌پردازد. در کتاب بر دریا کنار مثنوی دیدگاه‌های فلسفی خود را بیان می‌کند.

عرصه دیگر کار او وقایع‌نگاری و مستندنویسی بود. پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۱ مهمان این آقایان را نوشت. گواهی چشم و گوش حاصل سفر او به جمهوری دموکراتیک افغانستان در سال ۱۳۵۹ بود. نامه‌هایی به پسر (۱۳۸۱) مجموعه‌ای است از نامه‌هایی به پسرش زرتشت در فاصله زمانی انقلاب ۱۳۵۷ و چند سال پس از آن؛ و بالاخره بزرگترین اثر مستندش، از هر دری...، زندگینامه سیاسی-اجتماعی اوست که شامل ۵ کتاب است. تاکنون کتاب‌های اول و دوم این مجموعه به چاپ رسیده اما کتاب‌های بعدی هنوز اجازه انتشار نیافته‌اند.

به رغم علاقه وافر به نوشتن، در درجه اول برای تأمین گذران زندگی، و نیز، به گفته خودش، «بر اثر فشار جنایتکارانه‌ای که در این روزگار ناخجسته بر اندیشه سنگینی می‌کند»، به اجبار، تا حد زیادی از نوشتن دور شد و در یک «تصادف نیک» به‌طور جدی پای در عرصه ترجمه گذاشت. «بیکار بودم. ناگزیر پیشنهاد ترجمه باباگوریو اثر بالزاک را پذیرفتم و در کمتر از دوماه آن را تحویل دادم. دستمزدم به هزار تومانی سر می‌زد. گشایشی بود. سپاسگزارم.»

از آن پس آثار بسیاری از نویسندگان بزرگ جهان (بالزاک، رومن رولان، شکسپیر، شولوخف...) را به فارسی شیوانی ترجمه کرد. وسواسش در انتخاب آثار، و روانی و دقت ترجمه‌هایش، به او جای ویژه‌ای در میان مترجمان مشهور ایران داده‌است.

به‌آدین درباره وظیفه هنر و ادبیات گفته‌است: «... که می‌توان و باید به یاری هنر جامعه را دگرگون کرد و شاعران و نویسندگان در برابر مردم و تکامل اجتماعی متعهد و مسئول هستند...»  
پیشتر، هنگامی که در زندان قصر بود، در گفتاری با دیگر زندانیان سیاسی، گفته‌بود:

«راه دو بیش نیست: یا مزدور و ریزه‌خوار قدرت بودن، فراغت بی‌ثمرش را به زیبایی‌ها آراستن، حق را در پایش قربانی کردن؛ و یا در کنار مردم بودن، امید را در ایشان زنده نگاهداشتن، دیدگان‌شان را به زیبایی و حق گشودن. زیرا که زیبایی نیرو است، و حق نیرو است، خاصه در زمینه گسترده زشتی و بیدادی که بر مردم می‌رود. اما زیبایی و حق به اعتبار آدمی‌ست. پس آدمی و همه آنچه نیاز زندگی اوست، شرط شکفتگی تن و جان اوست، در مرکز ادبیات جای دارد، هسته و مغز زنده آن است.»

نوشته‌ها

- پراکنده (۱۳۲۳)
- بسوی مردم (۱۳۲۷)
- خانواده امین زادگان (رُمان ناتمام)
- دختر رعیت (۱۳۳۰)
- نقش پرند (۱۳۳۴)
- مهره مار (۱۳۴۴)
- قالی ایران (۱۳۴۴)
- گفتار در آزادی (۱۳۴۷)
- شهر خدا (۱۳۴۹)
- مهمان این آقایان (۱۳۵۰، چاپ ۱۹۷۵، گلن، آلمان)
- از آن سوی دیوار (۱۳۵۱)
- کاوه (نمایشنامه، ۱۳۵۵)
- بار دیگر و این بار... (۱۳۷۰، انتشار: ۱۳۸۸)
- از هر دری... (۱۳۷۱ گلن و ۱۳۷۲)
- مانگدیم و خورشیدچهر
- بر دریاکنار مثنوی و دید و دریافت (۱۳۷۷)

• نامه‌هایی به پسر (۱۳۸۲)

ترجمه‌ها

- بابا گوریو نوشته انوره دو بالزاک
- زن سی ساله نوشته انوره دو بالزاک
- زنبق درّه نوشته انوره دو بالزاک
- چرم ساغری نوشته انوره دو بالزاک
- دخترعمو بت نوشته انوره دو بالزاک
- ژان کریستف نوشته رومن رولان
- جان شیفته نوشته رومن رولان
- سفر درونی نوشته رومن رولان
- زمین نوآباد نوشته میخائیل شولوخف
- دُن آرام نوشته میخائیل شولوخف
- آنها برای میهن خود جنگیدند نوشته میخائیل شولوخف (در مجله پیام نوین)
- شاه لیر نوشته ویلیام شکسپیر
- هملت نوشته ویلیام شکسپیر
- اُتلولو نوشته ویلیام شکسپیر
- استثناء و قاعده نوشته برتولت برشت
- چاپایف نوشته دمیتری فورمائف
- فاوست نوشته یوهان ولفگانگ فون گوته
- نامه سن میکلّه نوشته اکسل مونته، ۱۳۷۹، نشر آتیه
- داستان اولن اشپیگل، نوشته شارل دوکوستر

محمود عابدی



زاده	۱۳۲۳ شهر چادگان
تحصیلات	دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران
پیشه	پژوهشگر ادبی
کارهای برجسته	استاد دانشگاه
دین	اسلام
مذهب	شیعه

**محمود عابدی** (زاده ۱۳۲۳، چادگان) عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. همچنین مدیر گروه تصحیح متون فرهنگستان ادب و زبان فارسی است. وی برنده دو دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برای تصحیح کتاب نفحات الانس و کشف المحجوب شده است.

#### تحصیلات

- دکتری: زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳
- کارشناسی ارشد: زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷
- کارشناسی: زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۴

#### افتخارات

- برنده دو دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برای تصحیح کتاب های نفحات الانس و کشف المحجوب (هجویری)
- برنده دو دوره جایزه کتاب سال دانشگاهی از دانشگاه تهران برای تصحیح کتاب های نفحات الانس و کشف المحجوب
- لوح تقدیر از دانشگاه پنجاب برای تصحیح کتاب کشف المحجوب
- استاد نمونه دانشگاه خوارزمی
- لوح تقدیر از همایش حامیان نسخ خطی برای تصحیح کتاب کشف المحجوب
- استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۸

#### آثار

#### تألیف

- علم و علم آموزی در اسلام: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۲
- درویش گنج بخش: انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵ (چاپ سوم)

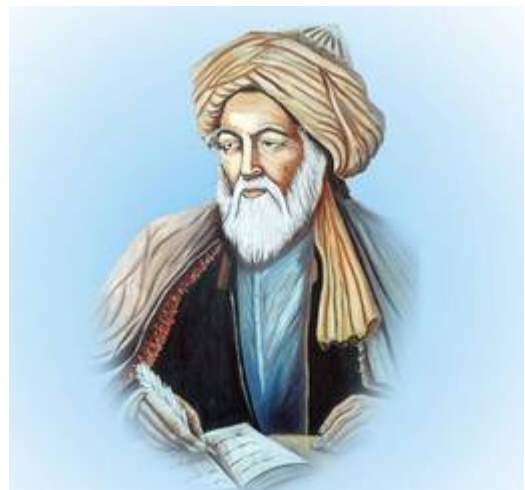
- یک حرف صوفیانه: انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵
  - گوهرهای پراکنده (سخنان علی علیه السلام در نثر فارسی): انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۸
- ترجمه

- فدک در تاریخ: سید محمدباقر صدر، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۰
- شیعه و امامت: محمدحسین مظفر، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۰
- اثبات خدا: سید محمدباقر صدر، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۲
- جستجویی در نهج البلاغه: محمدمهدی شمس‌الدین، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۸۶ (چاپ سوم با جدید)
- نهج البلاغه از کیست؟: آل یاسین، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۸۶ (چاپ دوم)
- جنگ و صلح از نظر امام علی (علیه السلام): بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۶۲.

## تصحیح

- مطلوب کل طالب: رشید و طواط، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۴ (چاپ دوم) (چاپ سوم ۱۳۸۶)
- خردنمای جان‌افروز: ابوالفضل مستوفی، نشر فرهنگی رجا، تهران، ۱۳۶۸
- نفحات الانس: نورالدین عبدالرحمان جامی، ۱۳۸۶ (چاپ پنجم، انتشارات سخن)
- کلمات علیه غرا: مکتبی شیرازی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۸
- تکلمه نفحات الانس: عبدالغفور لاری، نشر جام گل، تهران، ۱۳۸۰
- فرمان مالک اشتر، حسین علوی آوی، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۸۲
- کشف‌المحجوب: ابوالحسن هجویری، انتشارات سروش، ۱۳۸۳ (چاپ سوم، ۱۳۸۶)
- روضة الانوار: خواجوی کرمانی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۶

## مسعود سعد سلمان



مسعود سعد سلمان شاعر، خوش‌نویس، ادیب و اسب‌شناس دوره غزنویان در نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم هجری بود. بیشتر اشعار او در قالب قصیده و باقی آن‌ها به صورت رباعی و قطعه هستند.

## زندگی

## تاریخ و محل تولد

مسعود سعد سلمان، در سال ۴۳۸ هجری به دنیا آمد. پدر مسعود فردی ثروتمند بود که به عنوان سفیر از سوی غزنویان به هند فرستاده شده بود. با اینکه اجداد مسعود اهل همدان بودند اما اربابان تذکره درباره زادبومش اختلاف نظر دارند. بنا به گفته محمد عوفی وی در همدان به دنیا آمده دولت‌شاه سمرقندی زادگاهش را جرجان می‌داند. واله داغستانی گوید که اصلش از همدان است ولی مدت‌ها در لاهور به سر برده‌است؛ غلام‌علی آزاده وی را اهل لاهور می‌داند و بدیع‌الزمان فروزانفر در سخن و سخنوران زادگاهش را لاهور نوشته‌است.

## خدمت به غزنویان

حیات مسعود سعد سلمان مصادف با حکومت شش پادشاه غزنوی فرخزاد غزنوی، ابراهیم غزنوی، مسعود بن ابراهیم، شیرزاد غزنوی، ارسلان‌شاه غزنوی و بهرام‌شاه بوده‌است. زندگی مسعود سعد در زمان پادشاه فرخزاد و زندگی ادبی و خدمت شاهی او از دوره سلطان ابراهیم آغاز می‌شود. در سال ۴۳۸ هجری قمری هنگامی که سلطان مسعود غزنوی، فرزند خود «مجدود» را به فرمانفرمایی هند فرستاد، پدر سعد سلمان همراه او بود. مسعود سعد به مدت شصت سال به عنوان یکی از کارگزاران دیوان غزنوی خدمت کرد. شغل رسمی او کتابدار سلطنتی بوده‌است.

## زندان

بخشی از حیات هشتاد ساله او به دلیل همدستی با مسعود بن ابراهیم در توطئه علیه پدرش (ابراهیم غزنوی) در زندان‌های دهک، نای، سو و مرنجاب گذشت. بار نخست در سال ۴۷۷ قمری به زندان افتاد و پس از ۱۱ سال در ۴۸۸ هجری توسط فرماندار «چلندر» آزاد شد و به لاهور بازگشت. ۲ سال بعد و در پی تغییرات سیاسی، بار دیگر برای ۸ سال به زندان افتاد. سال‌های پایانی عمر او به سرودن بهترین شعرهایش در زندان نای گذشت. او خاطرات و رنج‌های خود از زندان را در قالب شعر و زندان نامه نگاشته‌است.

## مرگ

مسعود سعد سلمان در سال ۵۱۸ هجری کشته شد.

## فرزندان

مسعود سعد سلمان دو پسر و یک دختر داشت. یکی از پسرها معروف به «سعادت» که شاعر بود و پسر دیگر «صالح» (یا محمد) نام داشته که هنگام زندانی بودن پدر، در مرنجاب وفات یافت.

## آثار

## قصیده‌ها

قصیده‌هایش به سبک خراسانی اغلب در مدح پادشاهان غزنوی هستند بیانی ساده و روان داشته و چنین می‌نماید که به فلسفه و ریاضیات آشنا بوده‌است. در اشعارش برخی کلمات هندی دیده می‌شوند.

## دیوان‌ها

مسعود، دیوان‌هایی به به زبان‌های فارسی و عربی و هندی داشته‌است.

## دیوان فارسی

دیوان فارسی وی قریب به هجده‌هزار بیت دانسته شده‌است و غیر از قصیده، دارای غزل و رباعی، مثنوی، قطعه و چپستان نیز دارد.

## دیوان عربی

جز ابیاتی عربی در حدائق السحر فی دقائق الشعر چیزی از دیوان عربی او در دست نیست.

### دیوان هندی

دیوان هندی او نیز به کلی مفقود است.

دیدگاه دیگر شعرا

### شاعران تأثیرگذار

اشعار مسعود سعد سلمان متأثر از سروده‌های عنصری بلخی (از قصیده‌هایش) و منوچهری دامغانی و ناصر خسرو و فرخی سیستانی است.

### الهام گرفتگان

کمال‌الدین اسماعیل و ظهیرالدین نیشابوری از مقلدان سبک او بوده‌اند.

### ارتباط با دیگر ادیبان هم عصر

عثمان مختاری، ابوالفرج رونی و سنایی از دوستان و آشنایان او بوده‌اند.

### نقد

سنایی او را در شعر «پیشوای کیهان» و رشیدی «تاج شاعران» نامیده‌است. بدیع‌الزمان فروزانفر مثنویات او را متوسط شمرده و گفته «اگر نمی‌ساخت بهتر بود».

### نمونه شعر

هفت سالم بسود سو و دهک      پس از آنم سه سال قلعه نای

\*\*\*

آن گوهر حسام در دست روزگار      کاخر بروم آرد یک روز در و غا  
در صد مصاف معرکه گر کند گشته‌ام      روزی به یک صقال بجا آید آن مضا

\*\*\*

تاری از موی من سفید نبود      چون به زندان مرا فلک بنشانند  
ماندم اندر بلا و غم چندان      که یکی موی من سیاه نماند

\*\*\*

سال‌ها بوده‌ام چنان‌که بود      بچه شیرخوار بی‌مادر

\*\*\*

تا نیابی مراد خویش بکوش      تا نسازد زمانه با تو بساز

\*\*\*

با همت باز باش و با کبر پلنگ      زیبا به گه شکار و پیروز به جنگ  
کم کن بر عندلیب و طاووس درنگ      کانجا همه آواز است، اینجا همه رنگ

\*\*\*

غم و تیمار دختر و پسر	تیغ و تیر است بر دل و جگرم
غم و تیمار مادر و پدر	هم بدینسان گداز دم شب و روز
نه بدیشان همی رسد خبرم	نه خبر می رسد مرا ز ایشان
بر میان دو دست شد کمرم	کمر کوه تا نشست من است
یا به دیده ستاره می شمرم	یا ز دیده ستاره می بارم
وی فلک عشوه تو چند خرم؟	ای جهان سختی تو چند کشم؟

\*\*\*

در حسرت آن نگار جان افروزم	در آرزوی بوی گل نوروزم
می گریم و می گدازم و می سوزم	از شمع سه گونه کار می آموزم

\*\*\*

که جهان منزل فناست کنون	چون بدیدم به دیده تحقیق
روی در برقع حیاست کنون	راد مردان نیک محضر را
بر سر عشوه و دغااست کنون	آسمان چون حریف نامنصف
زیر این سبز آسیاست کنون	دل فگار است همچو دانه از آنکه
شکر یزدان درست خاست کنون	طبع بیمار من ز بستر آز
نوشداروی صدق خواست کنون	در عقاقیر خانه توبه
مادح حضرت خداست کنون	آن زبانی که مدح شاهان گفت
بلبل باغ مصطفاست کنون	لهجه پرنوای خوش نعمت
نوبت خدمت خداست کنون	مدتی خدمت شهان کردم

\*\*\*

برشکال (موسم باران) لاهور:

ای نجات از بلای تابستان	برشکال، ای بهار هندوستان
باز رستیم از حرارتها	دادی از تیر مه بشارتها
میغهای تو تیغها دارند	بادهای تو میغها دارند
چرخ گوید همین که بگشو بند	رعدهای تو کوسها کوبند
دشتها را همه شمر کردی	طبع و حال هوا دگر کردی
عمرها را حلاوتی دادی	سبزهها را طراوتی دادی
باغ را شاخ بسدین کردی	راغ را گل زمردین کردی
بیخ خشکی ز خاک برکندی	تو بدین حمله ای که افکندی

تیر بگذشت ناگهان بر ما      منهدم گشت لشکر گرما  
 حبذا ابرهای پر نم تو      خرما سبزه‌های خرم تو  
 از حبسیات مسعود سعد (اشعاری که در زندان سروده‌است):  
 از کرده خویشتن پشیمانم      جز توبه ره دگر نمی‌دانم  
 تا زاده‌ام ای شگفت محبوسم      تا مرگ مگر که وقف زندانم  
 چون پیرهن عمل بیوشیدم      بگرفت قضای بد گریبانم  
 بر مغز من ای سپهر هر ساعت      چندین چه زنی تو؟ من نه سندانم  
 اندر زندان چو خویشتن بینم      تنها گویی که در بیابانم  
 گوری است سیاه رنگ دهلیزم      خوکی است کریه روی دژبانم  
 بی‌جرم نگر که چون در افتادم      دانی که کنون چگونه حیرانم

## مصطفی رحماندوست



زاده ۱ تیر ۱۳۲۹ همدان، ایران

پیشه نویسنده، شاعر، مترجم

کارهای برجسته شعر و ادبیات کودک و نوجوان

همسر آذر رضایی؛ معلم، نویسنده و مترجم

وبگاه <http://www.rahmandoost.org>

**مصطفی رحماندوست** معروف به شاعر «صد دانه یاقوت» (زاده ۱ تیر ۱۳۲۹، همدان) شاعر، نویسنده و مترجم کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. او از داوران و نمایندگان هیئت علمی جشنواره بین‌المللی شعر فجر بوده است.

#### تحصیلات و سوابق

او پس از اخذ مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، به عنوان کارشناس کتاب‌های خطی در کتابخانه مجلس مشغول به کار شد و سپس به عنوان مدیر مرکز نشریات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مدیر مسئول نشریات رشد، سردبیر رشد دانش آموز، سردبیر و پدیدآورنده سروش کودکان و نوجوانان، سردبیر مجله شهرزاد قصه گو به فعالیت خود ادامه داد. او همچنین به مدت سه سال مدیر کل دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران بوده است که بنابر گفته خودش، آغاز راه او برای انتقال ادبیات برگزیده کودکان و نوجوانان ایران به زبانهای دیگر بوده است.

او در سال ۱۳۷۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی به ادامه تحصیل پرداخت و پس از دوره کارشناسی ارشد، به دریافت نشان درجه یک هنری (دکترا) نائل آمد. مصطفی رحماندوست، علاوه بر این، مدرس داستان‌نویسی و قصه‌گویی و ادبیات کودکان و نوجوانان در دانشگاه‌ها نیز بوده است. وی پس از بازنشستگی از سمت‌های دولتی، مدیر گروه شکوفه (بخش کودکان و نوجوانان) انتشارات امیرکبیر و مشاور رئیس کتابخانه ملی ایران شد. و اقدام به تأسیس و راه اندازی پایگاه اینترنتی «کتابخانه ملی کودک و نوجوان ایران» کرد و توانست تا دهمین سال شروع به کار این پایگاه متن کامل بیش از بیست و چهار هزار عنوان کتاب کودک و نوجوان را برای پژوهشگران قابل دسترسی کند. او همچنین یکی از اعضای اصلی داوران جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان اصفهان و جشنواره بین‌المللی تئاتر کودکان و نوجوانان است. او عضو هیئت‌های داوران کتاب سال، جشنواره‌های کتاب و مطبوعات کودکان و عضو شورای موسیقی کودکان و شورای کتاب کودک ایران نیز بوده است.

#### آثار

از این نویسنده و شاعر ایرانی، تاکنون سیصد و چهارده اثر به صورت مجموعه شعر برای کودکان و نوجوانان، تألیف و ترجمه داستان‌های کودکان و نوجوانان و کتابهایی درباره فنون قصه‌گویی و ادبیات کودکان در ایران و جهان منتشر شده است. تیراژ کتاب‌های او به بیش از شش و نیم میلیون نسخه می‌رسد و برخی از آثار او از جمله «قصه دو لاکپشت تنها»، «بازی با انگشت‌ها»، «سه قدم دورتر شد از مادر»، «دو تا عروس، دو تا داماد» و ... به سیزده زبان ترجمه شده است.

از آثار او می‌توان به نام‌های زیر اشاره کرد:

- فرهنگ آسان: دانشنامه ویژه کودکان و نوجوانان
- فوت کوزه‌گری: مجموعه‌ای ارزشمند از ضرب‌المثل‌های ایرانی
- ترانه‌های نوازش
- ترانه‌های نیایش
- لالایی‌ها: شامل مجموعه‌ای از لالایی‌ها که از آن میان «لالایی عاشورا» و «گنجشک لالا» بسیار مورد استقبال قرار گرفت.
- مجموعه شعرهای «قصه‌های پنج انگشت» و «بازی با انگشت‌ها» که ریشه در ادبیات فولکلور ایران دارد.
- مجموعه شعر «دوستی شیرین است»
- هیچانه‌ها

- سفید بود، سفید تنها بود
- این تریزی، آن تریزی
- ریشه‌ها در خاک، شاخه‌ها در باد
- زیباتر از بهار
- باغ مهربانی‌ها
- قصه گویی، اهمیت و راه و رسم آن

او همچنین با انتشار برخی از آثارش با کمک تسهیلات آسان نشر تحت عنوان عمومصطفی در آمریکا، امکان مطالعه، گوش دادن و خریدن کتاب‌هایش را برای کودکان ایرانی خارج از کشور مهیا ساخته‌است.

شعر «صد دانه یاقوت» یکی از مشهورترین و شناخته شده‌ترین اشعار اوست. این شعر و برخی از اشعار او در دوره تحصیلات ابتدایی و در درس زبان فارسی آموزش داده می‌شود.

### مصطفی عاصی



زاده ۱۳۲۴ تهران

پیشینه استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**سیدمصطفی عاصی** (متولد ۱۳۲۴، تهران)، زبان‌شناس ایرانی، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس سابق انجمن زبان‌شناسی ایران است. او مدیر و مجری پایگاه دادگان زبان فارسی است.

### تحصیلات

- دکترای رشته زبان‌شناسی گرایش کامپیوتر و فرهنگ‌نگاری از دانشگاه اکستر انگلستان، ۱۳۶۸
- کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۰

- کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران، ۱۳۴۷

## آثار

- پیشنهاد شما چیست؟ برخی از واژه‌های رایانه‌ای (تالیف گروهی)، تهران: فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۵
- سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌ای بسامدی (تالیف گروهی)، تهران: فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۵
- سیستم رایانه‌های و برنامه‌های واژه‌نامه‌های چندزبانی و ریشه‌شناسی، تهران: فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۵
- استاندارد کد تبادل اطلاعات ۸ بیتی فارسی (تالیف گروهی)، تهران: موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۲
- استاندارد صفحه کلید فارسی کامپیوتر (تالیف گروهی)، تهران: موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۷۳
- واژگان گزیده زبان‌شناسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵
- استاندارد نحوه ارائه کد زبان‌ها (تالیف گروهی)، تهران: موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۸۲

## منصور رستگار فسایی



زاده

۶ بهمن ۱۳۱۷  
فسا، استان فارسمحل  
زندگی

ایران-ایالات متحده آمریکا

پیشه	پژوهشگر، مصحح و استاد دانشگاه
آثار	شرح تحقیقی دیوان حافظ در شش جلد تصحیح «فارسنامه ناصری» تصحیح «تذکره دلگشا» تصحیح «فارس‌نامه ابن‌بلخی» «پیکر گردانی در اساطیر» «۲۱ گفتار درباره شاهنامه و فردوسی» و...
مذهب	اسلام
همسر	هما تدین
فرزندان	هنگامه، هومان و اشکان
جایزه ها	چهره ماندگار ادبیات فارسی و برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

**منصور رستگار فسایی** (زاده ۶ بهمن ۱۳۱۷ در فسا) پژوهشگر، نویسنده، ایران‌شناس، شاعر، مصحح و شاهنامه‌پژوه ایرانی، چهره ماندگار عرصه ادبیات فارسی و استاد بازنشسته دانشگاه شیراز است.

#### زندگی

**منصور رستگار فسایی** در روز ۶ بهمن ۱۳۱۷ در شهرستان فسا چشم به دنیا گشود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود گذراند و در سال ۱۳۳۷ به دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز وارد شد. در سال ۱۳۴۵ دنباله تحصیلات خود را در همان رشته، در دانشگاه تهران پی گرفت و سرانجام در تاریخ ۱۳۴۹/۱۲/۲۵ با دفاع از پایان‌نامه خود تحت عنوان «صور خیال در شاهنامه فردوسی» به راهنمایی پرویز نائل خانلری، به اخذ درجه دکتری نائل آمد. از سال ۱۳۴۹ به تدریس در دانشگاه شیراز اشتغال یافت و در سال ۱۳۸۵ با پایه ۲۷ استادی از همان دانشگاه بازنشسته شد. وی سابقه تدریس در دانشگاه‌های معتبری مانند دانشگاه کمبریج انگلستان (۱۹۷۵-۱۹۷۶)، دانشگاه هاروارد (۱۹۸۹)، دانشگاه پنسیلوانیا (۱۹۹۷-۱۹۹۸)، دانشگاه برازیلیا در برزیل (۲۰۰۲-۲۰۰۳)، دانشگاه دولتی مسکو (۲۰۰۶) و بخش مطالعات خاور نزدیک دانشگاه آریزونا آمریکا (۲۰۰۶-۲۰۱۰) را در کارنامه علمی خود دارد. منصور رستگار فسایی همچنین عضو هیئت مؤسس و مدیر مؤسسه آموزش عالی حافظ شیراز است. وی در حوزه مطالعات پیرامون اسطوره، حماسه، فردوسی و حافظ و نیز در زمینه تصحیح متون کلاسیک فارسی دارای تخصص است.

#### افتخارات

- برندهٔ جایزهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برای تصحیح و تحشیهٔ فارسنامه ناصری، سال ۱۳۶۸.
- برندهٔ جایزهٔ بهترین کتاب دانشگاهی برای کتاب «۲۱ گفتار دربارهٔ شاهنامه و فردوسی»، سال ۱۳۷۰.
- برندهٔ جایزهٔ بهترین کتاب دانشگاهی برای تصحیح کتاب «تذکرهٔ دلگشا»، سال ۱۳۷۱.
- برندهٔ نشان زرین فارس‌شناسی برای تحقیقات مربوط به فارس، سال ۱۳۷۴.
- استاد نمونهٔ دانشگاه شیراز، سال ۱۳۷۲ و پژوهشگر نمونهٔ فارس، سال ۱۳۷۴.
- **چهرهٔ ماندگار** در عرصهٔ ادبیات فارسی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران، مهرماه ۱۳۸۲.
- برندهٔ نشان و دیپلم افتخار علمی از دانشگاه برازیلیا، سال ۲۰۰۳.
- برندهٔ جایزهٔ حامیان نسخ خطی برای تصحیح و تحشیهٔ دیوان ابواسحاق اطعمه شیرازی، مجلس شورای اسلامی، تهران، آذرماه ۱۳۸۳.
- انتشار تمبر یادبود به نام منصور رستگار فسایی از سوی مرکز چهره‌های ماندگار، فروردین‌ماه ۱۳۸۴.

## مقالات

تعداد مقالات منصور رستگار فسایی از ۱۳۰ عنوان متجاوز است. متن کامل برخی از مقالات وی را در «پایگاه مجلات تخصصی نور» می‌توان دید.

## کتاب‌شناسی

1. آتشکده (مجموعهٔ مقالات دربارهٔ شهر تاریخی فسا)، انتشارات انجمن ادب دبیرستان حکمت فسا، اردیبهشت ۱۳۴۳.
2. تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی، چاپ اول، دانشگاه شیراز، فروردین ۱۳۵۲.
3. مقالاتی دربارهٔ شعر و زندگی سعدی (به اهتمام)، چاپ اول، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۲؛ چاپ چهارم (با تجدید نظر)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵.
4. مقالاتی دربارهٔ شعر و زندگی حافظ (به اهتمام)، چاپ اول، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۲؛ چاپ چهارم، جامی، تهران، ۱۳۶۷.
5. داستان فرود سیاوش (توضیح و تصحیح)، چاپ اول، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۲.
6. برگزیدهٔ بوستان سعدی (گزینش)، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۶.
7. ازدها در اساطیر ایران، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۶؛ چاپ دوم با تجدید نظر، توس، تهران، ۱۳۷۹.
8. فارسنامه ناصری (تصحیح و تحشیه - ۲ جلد)، چاپ اول، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۷؛ (کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشتهٔ تاریخ، سال ۱۳۶۷)
9. مقالات تحقیقی دربارهٔ حافظ (از مسعود فرزاد)، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۶۷.
10. فرهنگ نام‌های شاهنامه (۲ جلد)، چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹؛ چاپ سوم (دو جلد در یک مجلد)، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۸.
11. کلیات دیوان نعمت فسایی (تصحیح، تحشیه و مقدمه)، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
12. ۲۱ گفتار دربارهٔ شاهنامه فردوسی (مجموعهٔ مقالات)، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۶۹. (برندهٔ جایزهٔ کتاب برگزیدهٔ دانشگاهی در سال ۱۳۷۱)
13. تذکرهٔ دلگشا (تصحیح و تحشیه و مقدمه)، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۱. (برندهٔ بهترین کتاب سال دانشگاهی در سال ۱۳۷۱)

14. سروده‌های فرزاد (به اهتمام)، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۶۹.
15. انواع شعر فارسی، چاپ اول، ۱۳۷۲؛ چاپ دوم (با تجدید نظر) انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۸۰.
16. برگزیده سام‌نامه (انتخاب و مقابله، همراه با دو مقدمه)، (همزمان با کنگره خواجه)، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۰.
17. دیوان مظفر شیرازی (به مناسبت شصتمین سال خاموشی شاعر)، (مقدمه و بازنگری)، کویر، تهران، ۱۳۷۲.
18. حماسه رستم و سهراب (توضیح و گزارش)، جامی، تهران، ۱۳۸۳.
19. حماسه رستم و اسفندیار (توضیح و گزارش)، جامی، تهران، ۱۳۸۳.
20. فارس‌نامه ابن بلخی (تصحیح، توضیح و تحشیه)، بنیاد فارس‌شناسی، شیراز، ۱۳۷۴.
21. تذکره شعرای دارالعلم شیراز (از فرصت‌الدوله شیرازی)، (تصحیح و تحشیه) دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۷۵.
22. آثار عجم از فرصت‌الدوله شیرازی (تصحیح و تحشیه)، ۲ جلد، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
23. احوال و آثار دکتر پرویز ناتل خانلری، طرح نو، تهران، ۱۳۷۹.
24. انواع نثر فارسی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۰.
25. آشتی با قائنی (گزینش، توضیح و مقدمه)، باورداران، قم، ۱۳۸۰.
26. فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی (مجموعه مقالات درباره شاهنامه فردوسی)، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
27. کلیات ابواسحاق اطعمه شیرازی (تصحیح، تحشیه و مقدمه)، میراث مکتوب با همکاری بنیاد فارس‌شناسی شیراز، ۱۳۸۲.
28. احوال و آثار علی‌اصغر خان حکمت شیرازی، تهران، طرح نو.
29. فردوسی و شاعران دیگر (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۸۴.
30. پیکرگردانی در اساطیر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
31. خاک پارس، (مجموعه مقالات)، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۵.
32. متن‌شناسی شاهنامه فردوسی (مجموعه مقالات در چگونگی کتابت، چاپ، تحقیق و تصحیح شاهنامه فردوسی)، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
33. قصه‌های شاهنامه ۱، از پادشاهی کیومرث تا پادشاهی کیکاووس، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
34. قصه‌های شاهنامه ۲، پادشاهی کیکاووس، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
35. قصه‌های شاهنامه ۳، پادشاهی کیخسرو، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
36. قصه‌های شاهنامه ۴، داستان یازده‌رخ، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
37. قصه‌های شاهنامه ۵، از پادشاهی لهراسپ تا پادشاهی دارا، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
38. قصه‌های شاهنامه ۶، از پادشاهی اسکندر تا پادشاهی بهرام گور، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
39. قصه‌های شاهنامه ۷، از پادشاهی یزدگرد بهرام تا پادشاهی هرمزد انوشیروان، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
40. قصه‌های شاهنامه ۸، از پادشاهی خسرو پرویز تا پایان پادشاهی یزدگرد، میراث‌بان، تهران، ۱۳۸۵.
41. ادبیات فارسی ۳ و ۴ (سال دوم نظام جدید آموزش متوسطه)، وزارت آموزش و پرورش، شهریور ۱۳۸۱.
42. دیوان حافظ، با مقدمه دکتر منصور رستگار فسایی، کتاب‌سرای تندیس، تهران، ۱۳۸۴.
43. حافظ و پیدای و پنهان زندگی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۵.

44. شرح تحقیقی دیوان حافظ، شش جلد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۵.

45. کلمات آتش‌انگیز (فرهنگ لغات دیوان حافظ شیرازی)، در دست چاپ.

### منوچهر ستوده



زاده	۲۸ تیر ۱۲۹۲ تهران
درگذشته	۲۰ فروردین ۱۳۹۵ چالوس
پیشه	ایران‌شناس، جغرافی‌دان
تحصیلات	دکتری در رشته ادبیات فارسی
دانشگاه	تهران
جوایز مهم	چهره ماندگار-۱۳۸۴
کتاب‌ها	از آستارا تا استارباد
استاد	بدیع‌الزمان فروزانفر
دلیل سرشناسی	پژوهش درباره جغرافیای ایران، گویش‌های ایرانی از جمله زبان گیلکی

همسر  
فاطمه (شکوه اقدس) شمشیرگران  
(۱۳۲۴-۱۳۹۵)

**منوچهر ستوده** (۲۸ تیر ۱۲۹۲ تهران - ۲۰ فروردین ۱۳۹۵ چالوس) ایران‌شناس، جغرافی‌دان تاریخی، استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر برجسته ایرانی بود. از او حدود ۶۰ جلد کتاب و نزدیک به ۳۰۰ مقاله به‌جا مانده‌است. او نخستین ایرانی است که اولین فرهنگ گویشی را به چاپ رسانید.

#### زندگی‌نامه

منوچهر ستوده در تاریخ ۲۸ تیر ۱۲۹۲ در محله عودلاجان تهران متولد شد. پدرش خلیل نام داشت و در بازارچه سرچشمه، کوچ صدیق‌الدوله از بخش عودلاجان از محله‌های قدیم تهران زندگی می‌کردند. خانواده‌اش اصالتاً اهل مازندران بودند. پدر بزرگ او آقا شیخ موسی از یاسل نور که منطقه‌ای بیلاقی و کوهستانی است با پسر عموهایش به تهران آمد. مادرش اهل تفرش بود. منوچهر ستوده از بستگان غلامحسین صدیقی (پسر عموی پدر) است. به گفته او، پدرش در زمان گرفتن شناسنامه در دوران رضاشاه، نام صدیقی را به ستوده تغییر داد.

#### تحصیلات و پژوهش‌ها



مزار منوچهر ستوده

ستوده تا چهار سالگی در محله سرچشمه زندگی کرد. در هفت سالگی به مدرسه ابتدایی آمریکایی رفت و دوره شش ساله ابتدایی را در این مدرسه گذراند.

ستوده در دوران تحصیل در دبیرستان البرز کتابدار کتابخانه دبیرستان هم بود. سال ۱۳۱۳ وارد دانشسرای عالی شد و نزد استادانی چون سید محمد مشکات و علی اکبر شهبانی درس خواند. نخستین مقاله خود را در ۱۳۱۵ درباره «مطالعات تاریخی و جغرافیایی- مسافرت به قلعه الموت» نوشت. زمانی که درسش تمام شد، اگرچه پدرش اعتقاد داشت که او باید کار کند اما خودش به ادامه تحصیل اصرار کرد و بنابراین به دانشسرای عالی رفت.

در سال ۱۳۱۷ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی را دریافت کرد. در همین دوره در اداره فرهنگ گیلان و دبیرستان شرف تهران تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۲۴ با فاطمه (شکوه اقدس) شمشیرگران ازدواج کرد. در سال ۱۳۲۹ از رساله دکتری خود زیر نظر استاد بدیع‌الزمان فروزانفر با عنوان «قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز» دفاع کرد. در سال ۱۳۳۰ بنا به دعوت انجمن فولبرایت برای سفر مطالعاتی به آمریکا رفت. در سال ۱۳۳۱ به عضویت جامعه ملی جغرافیای آمریکا درآمد؛ و در سال بعد به عضویت انجمن ایران‌شناسی به ریاست ابراهیم پورداود درآمد. در سال‌های بعد آموختن زبان پهلوی را در محضر دکتر آبراهامیان آغاز کرد.

همچنین نخستین کتاب خود را با عنوان فرهنگ گیلکی در سلسله انتشارات انجمن ایران‌شناسی در سال ۱۳۳۲ انتشار داد. در طی سال‌های بعد چندین سفر مطالعاتی به خارج از کشور داشت و ارتقاء به درجه استادیاری دانشگاه تهران و بعد دانشیاری و انتقال به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و عضویت در گروه تاریخ و سرانجام ارتقاء به درجه استادی در سال ۱۳۵۴ از جمله اتفاقات زندگی او در این سال‌ها بوده است. ستوده در طی همین سال‌ها تا سال ۱۳۸۱ در کنگره‌های مهم ایران‌شناسی همچون کنگره بین‌المللی تاریخ و هنر و باستان‌شناسی ایران در دانشگاه آکسفورد و کنگره بین‌المللی ابوریحان در پاکستان سخنرانی کرد. سفر به چین و آسیای میانه از دیگر فعالیت‌های سال‌های اوایل دهه ۱۳۶۰ است.

ستوده ساکن کوی نارنج (سی سرا) سلمان شهر بود. وی تابستان‌ها در روستای کوشک لورا در جاده چالوس و زمستان در خانه دیگری که بسیار ساده بود در سی سرا (شهرستان عباس‌آباد) زندگی می‌کرد. خانه‌اش بسیار ساده بود و اتاقش در خانه بیلاقی کوشک جز یک زیلو و یک دست رخت خواب چیزی نداشت. او با رادیو و تلویزیون میانه‌ای نداشت.

#### بزرگداشت‌ها

هشتاد و سومین شب از شب‌های مجله بخارا در تالار باستانی پاریزی دانشکده ادبیات با عنوان شب منوچهر ستوده برگزار شد و هوشنگ دولت‌آبادی و عبدالرحمان عمادی درباره زندگی و آثار منوچهر ستوده سخنرانی کردند.

سال ۱۳۹۲ به مناسبت صد سالگی او دوستدارانش در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بزرگداشت او را برگزار کردند. تمیزی هم برای قدردانی از پژوهش‌های او منتشر شده است.

به مناسبت تولد صدسالگی منوچهر ستوده برنامه‌های خاصی تدارک دیده شد، من جمله مراسم رکاب زنی از آستارا تا گرگان و همچنین کاشت درخت در طول این مسیر.

#### بیماری و مرگ

منوچهر ستوده در ۵ فروردین ۱۳۹۵ بر اثر بیماری عفونت ریه در بیمارستان طالقانی چالوس بستری شد و سرانجام در ۲۰ فروردین ۱۳۹۵ در ۱۰۲ سالگی درگذشت.

پیکر او روز ۲۲ فروردین ۱۳۹۵ در امامزاده آقاسیدحسین (تازه‌آباد) سلمان‌شهر (مثل قو) به خاک سپرده شد.

#### گزیده آثار

ستوده همراه با محمدتقی دانش‌پژوه، مصطفی مقربی، ایرج افشار، و عباس زریاب خویی مجله فرهنگ ایران زمین را در سال ۱۳۳۲ بنیاد کرد. در ۲۴ شماره منتشر شده این مجله بسیاری رساله و مقاله، تألیف و تصحیح، از ستوده به یادگار مانده است.

گویش‌شناسی:

- فرهنگ گیلکی، با مقدمه ابراهیم پورداود
  - فرهنگ کرمانی
  - فرهنگ بهدینان، با مقدمه ابراهیم پورداود
  - فرهنگ سمنانی، سرخه‌ای، لاسگردی، سنگسری، شهمیرزادی
  - فرهنگ نائینی
  - دیوان امیر پازواری (تصحیح)، با همکاری محمد داودی
- جغرافیای تاریخی:

- از آستارا تا استارباد در ده جلد، شامل آثار و بناهای تاریخی گیلان و مازندران و گلستان
- حدود العالم من المشرق الی المغرب (تصحیح)
- مهمان‌نامه بخارا (تصحیح)
- جغرافیای اصفهان (تصحیح)
- عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (تصحیح)
- قلاع اسماعیلیه در رشته‌کوه‌های البرز
- تاریخ گیلان و دیلمستان (تصحیح)
- تاریخ بدخشان (تصحیح)
- تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس
- سفرنامه گیلان ناصرالدین شاه قاجار (تصحیح)
- جغرافیای تاریخی شمیران
- اسناد خاندان خلعتبری، با مقدمه مجتبی رضوانی

### منوچهر مرتضوی



زاده ۱۳۰۸ خورشیدی تبریز

درگذشت ۹ تیر ۱۳۸۹ (۸۱ سال) تبریز

آرامگاه بلوک ۱۷ وادی رحمت تبریز

دکتری زبان و ادبیات فارسی	
محل تحصیل	تهران
کارهای برجسته	ادیب، نویسنده، پژوهشگر، استاد دانشگاه تبریز و ریاست دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز

**منوچهر مرتضوی** (زاده تیر ۱۳۰۸ در تبریز - درگذشته ۹ تیر ۱۳۸۹ در تبریز)، ادیب، نویسنده و پژوهشگر ایرانی و استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تبریز و حافظ‌شناس برجسته. منوچهر مرتضوی در اول تیرماه سال ۱۳۰۸ در تبریز متولد شد. در سال ۱۳۲۵ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد، و دوره لیسانس زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۳۲۹ به پایان رساند. در دوران تحصیل دانشگاهی از درس استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، ملک‌الشعرا بهار، سعید نفیسی، ابراهیم پورداود و محمد تقی مدرس رضوی بهره گرفت. در سال ۱۳۳۷ با دفاع از رساله دکتری خود با موضوع «اوضاع ادبی آذربایجان در عصر ایلخانان» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر به درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی نایل شد.

از سال ۱۳۳۷ تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز را آغاز کرد، و سال‌ها ریاست دانشکده ادبیات آن دانشگاه را به عهده داشت. در سال ۱۳۴۴ کتاب مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ‌شناسی را منتشر کرد، و این کتاب پس از گذشت چندین دهه هنوز از کتاب‌های مرجع و مورد استناد در زمینه شناخت حافظ و شعر اوست. در سال ۱۳۵۶ به مدت پنج ماه ریاست دانشگاه تبریز را عهده‌دار بود. پس از انقلاب اسلامی دکتر مرتضوی مغضوب و خانه‌نشین شد. گروه‌های منتسب به جریان پان‌ترکیستی نیز که با زبان فارسی دشمنی دارند، در حملات سازمان‌یافته علیه دکتر مرتضوی نقش داشتند. دکتر در طی سه دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ در حاشیه قرار گرفت و قدرش شناخته نشد. تربیت دانشجویان پژوهشگر و انتشار مداوم مجله پژوهشی دانشکده ادبیات تبریز و نشر تألیف‌ها و ترجمه‌های ادبی معتبر در دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز از جمله تکاپوهای فرهنگی ماندگار او به‌شمار می‌رود. دکتر منوچهر مرتضوی در ساعت ۳۰/۱۱ صبح روز چهارشنبه نهم تیر ۱۳۸۹ در ۸۱ سالگی در تبریز درگذشت. او در وادی رحمت تبریز و در کنار همسرش آرام گرفت. یادنامه منوچهر مرتضوی تحت عنوان «سایه سرو سهی» توسط محمد طاهری خسروشاهی از پژوهشگران دانشگاه تبریز منتشر شده‌است.

#### آثار و تألیفات

از جمله آثار تألیفی او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تحقیق درباره دوره ایلخانان، ۱۳۴۱
- مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ‌شناسی، ۱۳۴۴.
- فردوسی و شاهنامه، ۱۳۶۹
- مسائل عصر ایلخانان، ۱۳۳۷ با تجدیدنظر ۱۳۷۰
- زبان دیرین آذربایجان، ۱۳۶۰
- چراغ نیمه‌مرده (مجموعه شعر)، ۱۳۳۳.

## موسی آسوار



موسی آسوار (زاده ۳ مرداد ۱۳۳۲) مترجم ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. او آثار برخی از شاعران و نویسندگان عرب مانند محمود درویش، نزار قبانی و جبران خلیل جبران را به فارسی ترجمه کرده است.

## کتابشناسی

آثار ترجمه منتشر شده موسی آسوار عبارتند از:

- شکوه متنبی اثر احمد بن حسین متنبی
- صحیفه سجادیه
- تا سبز شوم از عشق اثر نزار قبانی
- از سرود باران تا مزامیر گل سرخ: پیشگامان شعر امروز عرب
- اگر باران نیستی نازنین، درخت باش اثر محمود درویش
- آخر شب اثر محمود درویش
- روح تشریح در اسلام اثر سید موسی صدر
- تا هر وقت که برگردیم (داستانهای کوتاه) اثر غسان کنفانی
- ماسه و کف و خدایان زمین اثر جبران خلیل جبران
- عیسی پسر انسان اثر جبران خلیل جبران
- پیامبر و باغ پیامبر اثر جبران خلیل جبران
- پرتوهایی از اندیشه سید موسی صدر
- اشعار عربی سعدی
- ستاره‌ها در دست
- ادبیات و تاریخ‌نگاری آن اثر طه حسین
- "سایه‌هایی بر پنجره" اثر "غائب طعمه فرمان"

## مهدی حمیدی شیرازی



زاده	۱۴ اردیبهشت ۱۲۹۳ شیراز
درگذشت	۲۳ تیر ۱۳۶۵ (۷۲ سال) تهران
آرامگاه	حافظیه شیراز
محل زندگی	شیراز، تهران
پیشه	شاعر، مترجم، منتقد
سال‌های فعالیت	۱۳۲۱-۱۳۶۴
عنوان	شاعر ملی
مذهب	شیعه
همسر	ناهید افخم
فرزندان	نوشیار، نازنین، مهیار
والدین	سید محمدحسن ثقة‌الاسلام، سکینه آغازی ارسنجانی

**دکتر مهدی حمیدی شیرازی** (زاده ۱۴ اردیبهشت ۱۲۹۳ خورشیدی در شیراز، استان فارس - درگذشته ۲۳ تیر ۱۳۶۵ در شیراز) ادیب، شاعر، استاد دانشگاه، مترجم و منتقد ایرانی بود. از مشهورترین سروده‌های او می‌توان به شعر قوی زیبا یا همان مرگ قو اشاره کرد. وی از منتقدان مشهور نوگرایی و شعر نیمایی بود و آثار خود را حول ادبیات کلاسیک می‌سرود.

### زندگی

مهدی حمیدی شیرازی در سال ۱۲۹۳ در شیراز به دنیا آمد. پدرش سید محمدحسن ثقة‌الاسلام از بزرگان معروف شیراز بود که در دوره‌های اول مجلس شورای ملی، از آن شهر به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. مادرش بانو سکینه آغازی ارسنجانی از خاندان ابراهیمی ارسنجان و از زنان دانشمند و تربیت‌شده و اصیل بود که خود شاعری سخن‌سنج به‌شمار می‌رفت که اولین مدرسه‌ی دخترانه را در شیراز با نام «عفتیه» بنا نهاد و زمینه‌ی تحصیل دختران را ایجاد کرد.

بیش از دو سال و نیم نداشت که پدرش درگذشت و تربیت او به مادرش محول شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شعاعیه و دوره متوسطه در دبیرستان سلطانی شیراز به پایان رسید و در سال ۱۳۱۳ برای ادامه تحصیلات به تهران آمد و به دانشسرای عالی داخل شد. در سال ۱۳۱۶ در رشته ادبیات فارسی با رتبه اول به اخذ لیسانس نائل گردید. شعرسرایی را از حدود سال ۱۳۱۳ شروع کرد.

حمیدی پس از اخذ لیسانس به کارمندی اداره فرهنگ درآمد و برای انجام خدمت سربازی به تهران مراجعت کرد و به دانشکده افسری وارد شد و یک سال بعد بادرجه ستوان دومی برای خدمت افسری به شیراز برگشت. او در سال ۱۳۲۵ از دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی موفق به اخذ دکترا شد سپس و در دانشکده الهیات به تدریس مشغول شد. حمیدی سالها در دانشگاه تهران به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود.

در دهه اول حیات شاعرانه حمیدی در عوالم عاطفی و رویاهای ایام جوانی گذشت بنابراین موضوع شعرش عموماً عشق و غزل بود. در سه مجموعه پرشور و عاطفی وی یعنی شکوفه‌ها، پس از یک سال و اشک معشوق تمایل روشنی به سبک خراسانی نشان داده‌است. اولین مجموعه شعرش را در سال ۱۳۲۱ با عنوان «از یاد رفته» منتشر کرد که تماماً در قالب غزل بود.

حمیدی شاعری بود که در جبهه مخالف نیما یوشیج و نوگرایان ایستاد و در پایان سال ۱۳۲۱ دومین دفتر شعرش را به نام «عصیان» به دست چاپ سپرد.

حمیدی در سال ۱۳۲۴ قصیده «مصاحبه با نیما پیشوای نوپردازان» را منتشر کرده بود که در جبهه شعرای کلاسیک و مخالفان نیما یوشیج او را در صف اول قرار داد. او بعد از شهریور ۱۳۲۰ با قصاید حماسی‌وار پیرامون شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی ایران و در حمله به اشغالگران بیگانه و جدایی‌خواهان آذربایجان، مورد توجه خاص و عام واقع شد و به او لقب «شاعر ملی» داده بودند.

پس از سال ۱۳۲۴ تدریجاً گرایش به مضامین اجتماعی و وطنی و تاریخی پیدا کرد. از دفترهای شعر این دوره از کار و شاعری حمیدی، مجموعه سالهای سیاه بیشتر حاوی اشعار وطنی، سیاسی و انتقادی و طلسم شکسته شامل اشعار وی است که در شیوه‌های نو و سرانجام زمزمه بهشت مراحل برتری از پختگی شعر وی را نشان می‌دهد و او را از استادان شعر در روزگار خود معرفی می‌کند.

وی یکی از مخالفین شعر نیمایی بود و در این راه سرزنش‌های بسیاری را از طرفداران آن شعر شنید. حمیدی علاوه بر مجموعه‌های شعرش در زمینه‌های دیگر ادبی نیز صاحب تالیفاتی بود. مهمترین کتاب او مجموعه سه جلدی دریای گوهر است که حاوی منتخبی از آثار نویسندگان، مترجمان و شاعران معاصر است. دو کتاب دیگر او، عروض حمیدی و فنون شعر و کالبدهای پولادین آن گویای آشنایی وی به مباحث فنی ادبی است. از نوشته‌های منثور حمیدی مجموعه‌های سبکسریهای قلم، عشق در بدر (در سه جلد)، شاعر در آسمان و فرشتگان در زمین به چاپ رسیده‌است.

عباس کیارستمی در جوانی دیوان مهدی حمیدی شیرازی را حفظ می‌کند و سال‌ها بعد به صورت کاملاً اتفاقی او را در لندن در بستر بیماری می‌بیند. او این داستان را اینگونه روایت می‌کند:

سال‌ها بعد که خیلی عصبانی بودم- مثل کسانی که بعد از مدتی از اینکه خالکوبی کرده‌اند پشیمان می‌شوند- از اینکه یک دیوان شعر «هارد» مغزم را پر کرده و هیچ جایی به دردم نمی‌خورد خیلی عصبی بودم. در سفری به لندن در خانه دوستم مرتضی کاخی بودم. مرتضی به من گفت: دوستی از ایران آمده و برای دیدارش به سفارت می‌روم. گفتم: چه کسی آمده؟ گفت: نمی‌شناسی. یک شاعر است به نام دکتر حمیدی شیرازی. گفتم من نمی‌شناسم؟! (خنده) همان‌جا به این آدم چند ناسزا گفتم و مرتضی گفت بیا ۱۰ دقیقه پایین منتظر باش تا من برگردم. در نهایت و به ناچار همراه مرتضی به دیدار دکتر حمیدی رفتم و دیدم موجودی نحیف روی تخت افتاده و حال خوبی ندارد. مرتضی بالای سر او رفت و گفت آقای دکتر حمیدی، آقای کیارستمی از شیفتگان شعر شما و از علاقه‌مندان تان هستند. همه دیوانتان را هم حفظ اند (خنده) مایل هستید یکی از شعرهای شما را بخوانند؟ او هم با سر تأیید کرد. من هم شعری را خواندم که تا دیدمش یک‌باره به ذهنم آمد. شعری عجیب که بیان حال ایشان بود:

خسته من، رنجور من، بیمار من بی‌بال و پر من/ تا سحر بیدار من همدرد مرغان سحر من/... وای بر من وای بر من.

همان‌طور که این شعر را می‌خواندم، دیدم از گوشه چشم‌هایش اشک سر از زیر است. مرتضی را هم که نگاه کردم، دیدم به شیوه ناصر ملک‌مطیعی در فیلم «قیصر» رو به دیوار کرده و شانه‌هایش تکان می‌خورد! خودم هم بغض کرده بودم و شعر هم طولانی بود:

گفتمت دیگر نبینم باز دیدم باز دیدم/ در دو چشم دلفریبت عشق دیدم ناز دیدم/ قامت طناز دیدم گونه غماز دیدم/ برگ گل دیدم میان برگ گل شیراز دیدم.

به‌کلمه شیراز که رسید، دکتر حمیدی اشکش بیشتر سر از زیر شد و دیدم خیلی هم حفظ‌بودن این دیوان بیهوده نبوده. لازم بوده من آن اشعار را حفظ کرده باشم و در چنین روزی برایش بخوانم. او در ۲۳ تیرماه سال ۱۳۶۵ خورشیدی در تهران درگذشت و در حافظیه شیراز به خاک سپرده شد.

آثار

از او آثار متنوعی به جا مانده؛ از منظومه‌ها گرفته تا آثار منثور و کتب آموزش و یا حتی ترجمه:

### منظوم

- شکوفه‌ها یا نغمه‌های جدید
- پس از یکسال
- اشک معشوق
- جلد اول: جنون عشق
- جلد دوم: خون سیاوش
- جلد سوم: طلسم شکسته
- زمزمه بهشت
- سالهای سیاه
- ده فرمان

### منثور

- عشق در بدر
- شاعر در آسمان

- فرشتگان زمین
- سبکسریهای قلم
- عروض حمیدی

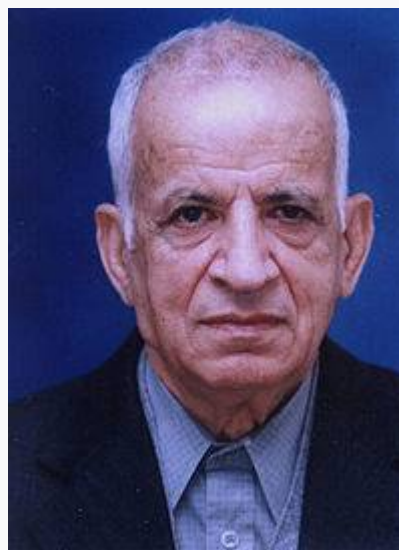
**تالیفات**

- شعر در عصر قاجار
- فنون شعر و کالبدهای پولادین آن
- دریای گوهر
- بهشت سخن
- شاهکارهای فردوسی

**ترجمه‌ها**

- زمزمه بهشت
- ماه و شش پنی

**مهدی محقق**



**زاده** ۱۰ بهمن ۱۳۰۸ مشهد

**تحصیلات** اجتهاد، دکتری الهیات و معارف اسلامی  
از دانشگاه تهران و دکتری زبان و ادبیات  
فارسی از دانشگاه تهران

**پیشه** استاد دانشگاه، پژوهشگر ادبی و فلسفی و  
فقهی، پژوهشگر تاریخ پزشکی اسلامی

شناخته شده	دو دوره رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مکیل
کارهای برجسته	استاد دانشگاه، ادیب، فقیه، مجتهد، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی
دین	اسلام
مذهب	شیعه دوازده امامی
همسر	نوش آفرین انصاری
والد	حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی



مهدی محقق در پژوهشکده حقوق و قانون ایران

**مهدی محقق** (متولد ۱۰ بهمن ۱۳۰۸ خورشیدی) نویسنده، علامه، ادیب، فقیه، مجتهد، نسخه‌پژوه و پژوهشگر تاریخ پزشکی اسلامی، مصحح و شارح کتب ادبی و فلسفی و فقهی، استاد دانشگاه تهران است. وی اصالتی دامغانی از خاندان محقق داشته و در شهر مشهد به دنیا آمد و دارای مدرک دکترای الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است. وی بنیان‌گذار دایرةالمعارف تشیع و عضو هیئت امنای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی و رئیس اسبق انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مکیل و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

#### زندگی‌نامه

در دهم بهمن ۱۳۰۸ خورشیدی در مشهد در خانواده‌ای روحانی و اصالتاً دامغانی به دنیا آمد. پدرش حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی و پدر بزرگش ملا بمانعلی محقق دامغانی بود. مهدی محقق تا نه سالگی در آن شهر بود و سپس در سال ۱۳۱۷ به تهران منتقل گردید و تحصیلات خود را در سطح ابتدایی و متوسطه دنبال کرد. از سال ۱۳۲۳ شروع به تحصیلات حوزه‌ای کرد و برای استفاده از محضر استادان بزرگ در سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ به مشهد آمد و در مدرسه نواب اقامت گزید و

علوم حوزوی را در حوزه‌های علمیة مشهد و تهران تا مرحله اجتهاد فرا گرفت و موفق به اخذ درجه اجتهاد از آیت‌الله محمدحسین کاشف‌الغطاء و آیت‌الله محمدتقی خوانساری گردید.

در سال ۱۳۲۷ وارد دانشگاه تهران شد و دوره دکتری الهیات را در سال ۱۳۳۷ به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۳۹ پس از شرکت در آزمون دانشیاری به عضویت هیئت آموزشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران درآمد و پیش از آن به مدت نه سال در دبیرستان‌های تهران تدریس کرده بود که مدت سه سال از آن مدیر بخش کتب خطی کتابخانه ملی فرهنگ هم بود.

در سال ۱۳۴۰ از طرف دانشگاه لندن دعوت برای تدریس در دانشکده مطالعات مشرق‌زمین و آفریقا شد و به مدت دو سال در آن دیار به سر برد. در سال ۱۳۴۵ به مقام استادی دانشگاه نائل آمد و تا سال ۱۳۶۱ که بازنشسته گردید با همان سمت در گروه‌های زبان و ادبیات فارسی و عربی و فلسفه و علوم اجتماعی دانشگاه اجتماعی دانشگاه تهران به تدریس درس‌های مختلف پرداخت. طی سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۴۷ و ۱۳۵۵-۱۳۵۷ و ۱۳۶۰-۱۳۶۱ در دانشگاه مک‌گیل کانادا به تدریس فلسفه و کلام و عرفان اسلامی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه مؤسسه مطالعات اسلامی آن دانشگاه را در تهران تأسیس کرد و نتیجه آن نشر بیش از شصت اثر نفیس در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است که با همکاری متجاوز از سی تن از استادان داخل و سی تن از استادان خارجی در دو مجموعه «سلسله دانش ایرانی» و «تاریخ علوم در اسلام» فراهم آورد و به جامعه علمی تقدیم داشت.

در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان رئیس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد و با استفاده از امکانات مؤسسه مطالعات اسلامی ده اثر به استادان آن رشته تقدیم داشت و نیز در همین سال به‌عنوان عضو هیئت امناء با انجمن فلسفه همکاری کرد و در نشر آثار علمی دانشمندان شیعی ایرانی به وسیله آن انجمن در این توفیق علمی سهیم گردید. پس از بازنشستگی سالی سه‌ماه در کانادا به مدت پنج‌سال تدریس کرد و پس از آن پنج‌سال در مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی به‌عنوان «استاد ممتاز فلسفه اسلامی» به تدریس و تحقیق اشتغال ورزید و نشر مجموعه‌ای از متون و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی را بنیان نهاد که تاکنون دوازده مجلد از آن به‌وسیله آن مؤسسه در تهران و کوالالمپور در مجموعه «اندیشه اسلامی» منتشر شده است؛ و نیز به دعوت دانشگاه آکسفورد سالی یک‌ماه در آنجا به تحقیق و مطالعه درباره تاریخ پزشکی اشتغال داشته و برخی از استادان را در راهنمایی رساله‌های دکتری در زمینه علوم اسلامی یاری کرده است.

پس از انقلاب اسلامی به ریاست دانشکده دماوند منصوب شد و پس از آن در سال ۱۳۶۱ سازمان دائرةالمعارف تشیع را پایه‌ریزی کرد و همچنین پس از انتصاب به عضویت هیئت امنای بنیاد دائرةالمعارف اسلامی در سال ۱۳۶۲ مدت دو سال به‌عنوان مدیرعامل آن نهاد را سازمان داد و اداره کرد. بعد از بازنشستگی در دوره‌های فوق‌لیسانس و دکتری دانشگاه‌های مشهد و اصفهان و امام صادق (ع) و الزهراء و تربیت مدرس و تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی کرج تدریس و دانشجویان را در تحریر رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری (PHD) راهنمایی کرد. وی در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد تراز اول محسوب می‌شود و در زبان انگلیسی نیز می‌نویسد و سخنرانی می‌کند.

### عضویت در مجامع و گروه‌های علمی در ایران

- عضو و رئیس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی
- عضو هیئت امنای انجمن فلسفه ایران
- عضو هیئت امناء و مدیرعامل بنیاد دائرةالمعارف اسلامی در سال ۱۳۶۲
- سرپرست گروه فلسفه و کلام بنیاد پژوهش‌های اسلامی
- عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی
- عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی (گروه طب اسلامی)

- عضو شورای علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی
- سرپرست گروه پژوهش‌های طب اسلامی، وزارت بهداشت در سال ۱۳۷۵
- عضو شورای عالی پژوهشکده تاریخ علم

#### عضویت در مجامع علمی بین‌المللی

- مجمع بین‌المللی تاریخ پزشکی لندن
- مجمع بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی مادرید
- فرهنگستان زبان عرب مصر (مجمع اللغة العربیه)
- فرهنگستان علوم اسلامی هند (المجمع العلمی الهندی)
- فرهنگستان زبان عرب دمشق (مجمع اللغة العربیه بدمشق)
- فرهنگستان مباحث علوم و تمدن اسلامی اردن (المجمع الملکی)
- مجمع بین‌المللی تاریخ علم و فلسفه عربی و اسلامی، پاریس
- هیئت تحریریه مجموعه متون و تحقیقات مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن

#### جوایز و افتخارات

- دریافت لوح تقدیر بهترین کتاب برای تألیف کتاب فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی، کتاب سال ۱۳۴۹
- دریافت لوح تقدیر و جایزه بهترین کتاب سال برای تصحیح کتاب مفتاح الطب و ترجمه آن به فارسی و انگلیسی در سال ۱۳۶۹
- دریافت لوح تقدیر و جایزه بهترین کتاب دوازدهمین جشنواره خوارزمی برای تألیف کتاب تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، در سال ۱۳۷۷
- چهره ماندگار سال ۱۳۸۰
- کسب درجه «استاد ممتاز فلسفه اسلامی» از سوی مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی کوالالامپور مالزی در سال ۱۹۹۳
- دریافت نشان درجه دو دانش: ۱۳۷۹
- دریافت نشان درجه یک ادب فارسی ۱۳۸۲
- برگزیده جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان 1390
- دریافت جایزه بنیاد البرز به عنوان دانشمند برتر؛ ۱۳۹۳

#### شاگردان

- علی موسوی گرمارودی
- بهاء‌الدین خرمشاهی
- کامران فانی
- عباس ماهیار
- بهروز ثروتیان

#### تألیفات و تصحیحات

کتاب‌های او اعم از تألیف و ترجمه و تصحیح و مجموعه مقالات به هشتاد، و مقالات فارسی به عربی به یکصد و سی، و مقالات انگلیسی بیشتر از سی و پنج بالغ می‌شود. این مقالات در مجلات دانشگاه‌های ایران و نشریات علمی کشور و همچنین در مجلات علمی

کشورهای انگلستان و فرانسه و آمریکا و ایتالیا و هلند و ترکیه و مصر و اردن و لبنان و سوریه و افغانستان و پاکستان و هندوستان چاپ و منتشر گشته است. چند نمونه از آثار ایشان عبارت است از:

### در زبان و ادبیات فارسی

- صرف و نحو و قرائت عربی، در سه مجلد، تألیف مهدی محقق و سید جعفر شهیدی، (انتشارات علمی، ۱۳۳۵)
- قرائت و دستور زبان و تاریخ ادبیات فارسی تألیف مهدی محقق و سعید نفیسی و دیگران (انتشارات علمی، ۱۳۳۸)
- تفسیر کشف الاسرار و عدةالابرار، رشیدالدین میبدی، جلد هشتم
- وجوه قرآن، حبیب تقلیسی، (مقدمه و تصحیح و تعلیقات)
- لسان التنزیل، (مقدمه و تصحیح)
- آرام نامه، مجموعه مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به استاد احمد آرام
- اشترنامه عطار، (تصحیح و مقدمه و تعلیقات)
- پانزده قصیده از ناصر خسرو، (با حواشی و مقدمه و تعلیقات)
- تحلیل اشعار ناصر خسرو
- نظامنامه سیاست، خواجه نظامالملک طوسی (تصحیح و تعلیقات)
- دیوان غزلیات و رباعیات فتاحی نیشابوری
- یادنامه ادیب نیشابوری
- گزارش نخستین مجلس علمی انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی
- همایی نامه
- نصاب انگلیسی یا زبان آموز سنتی ایران (مشمول بر واژه های انگلیسی با معادل فارسی و عربی)، معتمد الدوله فرهاد میرزا، به اهتمام مهدی محقق (تهران، ۱۳۸۵)
- فرهنگ و لغات و ترکیبات و تعبیرات دیوان ناصر خسرو، در دو جلد
- دیوان ناصر خسرو، (تصحیح انتقادی با فهرست و مقدمه)
- شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو، جلد اول
- شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو، جلد دوم
- شرح سی قصیده از ناصر خسرو
- مقدمه الادب، جارالله زمخشری

### در حکمت و فلسفه اسلامی

- السیره الفلسفیه زکریای رازی
- شرح بیست و پنج مقدمه ابن میمون، ابو عبدالله تبریزی
- فیلسوف ری، محمدبن زکریای رازی
- الاسئله و الاجوبه، پرسش های ابوریحان بیرونی و پاسخ های ابو علی سینا
- حدوث العالم، عمر بن غیلان مع الحکومه فی حجج المثبتین للماضی مبدأ زمانیا، الشیخ الرئیس ابو علی سینا
- شرح حکمة الاشراف سهروردی، قطب الدین شیرازی
- شرح منظومه حکمت، ملا هادی سبزواری، بخش امور عامه و جوهر و عرض، با مقدمه فارسی و انگلیسی و فرهنگ اصطلاحات فلسفی، به اهتمام توشی هیکو ایزوتسو و مهدی محقق
- تعلیقه میرزا مهدی آشتیانی بر شرح منظومه حکمت، به تصحیح عبدالجواد فلاطوری و مهدی محقق

- کتاب القیسات، میرداماد به اهتمام مهدی محقق
  - ترجمه انگلیسی شرح منظومه حکمت سبزواری، قسمت امور عامه و جوهر و عرض، به وسیله مهدی محقق و توشی هیکو ایزوتسو
  - شرح الاهیات من کتاب الشفاء، ملا مهدی نراقی
  - شرح منظومه حکمت سبزواری، بخش الاهیات بالمعنی الاخص، با مقدمه فارسی و انگلیسی و فرهنگ اصطلاحات فلسفی
  - الدرسه التحلیلیه لکتاب الطب الروحانی محمد بن زکریای رازی به زبان عربی و فارسی و انگلیسی
  - منطق و مباحث الفاظ، به اهتمام پروفیسور توشی هیکو ایزوتسو و مهدی محقق
  - مجموعه سخنرانی‌ها و مقاله‌ها در فلسفه و عرفان اسلامی، به اهتمام مهدی محقق و هرمان لندلت
  - هزار پانصد یادداشت در مباحث لغوی و ادبی و تاریخی و فلسفی و کلامی و تاریخ علوم
- در تاریخ پزشکی اسلامی**

- الشکوک علی جالینوس، با تصحیح و مقدمه عربی و انگلیسی و فارسی
  - بستان الاطبا و روضة الالباء، ابن مطران، ترجمه و تلخیص
  - التصریف لمن عجز عن التالیف، ابوالقاسم زهراوی، ترجمه مهدی محقق و احمد آرام
  - یادگار (در دانش پزشکی و داروشناسی)، سید اسماعیل جرجانی، (با تصحیح)
  - رساله ابی ریحان فی فهرست کتب الرازی، ترجمه فارسی
  - فهرست کتاب‌های رازی و نام‌های کتاب‌های بیرونی از ابوریحان بیرونی و المشاطه لرساله
  - الفهرست از ابواسحاق غضنفر تبریزی (با تصحیح و ترجمه و تعلیقات)
  - درآمدی بر دانشنامه پزشکی در اسلام و ایران (فهرست الفبایی اصطلاحات پزشکی و داروشناسی)
  - ابن هندو، پزشک و فیلسوف طبرستانی و کتاب مفتاح الطب او، با مقدمه‌ای درباره علم پزشکی در اسلام و ایران
  - مفتاح الطب و منهاج الطلاب، ابن هندو، به اهتمام مهدی محقق و استاد محمدتقی دانش‌پژوه، تلخیص و ترجمه فارسی و انگلیسی و فهرست اصطلاحات پزشکی
  - رساله حنین بن اسحق به علی بن یحیی درباره آثار ترجمه شده از جالینوس، ترجمه فارسی و مقدمه انگلیسی و فارسی
  - مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در ایران و اسلام
  - طب روحانی رازی، تلخیص و ترجمه
- در کلام اسلامی**

- اسماعیلیه، تألیف مهدی محقق، انتشارات اساطیر
  - اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، شیخ مفید
  - الباب الحادی عشر للعلامة الحلی، مع شرحیه النافع یوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، مقداد بن عبدالله السیوری، و مفتاح الباب ابوالفتح بن مخدوم الحسینی العربشاهی، به اهتمام مهدی محقق
  - کتاب الاصلاح، ابوحاتم رازی
- در فقه و اصول**

- منظومه فی اصول الفقه، شمس‌العلماء قریب گرکانی

- معالم الاصول، شهید ثانی
  - اوامر و نواهی از کتاب معالم الدین و ملاذالمجتهدین، شهید ثانی، و فرهنگ اصطلاحات و معادل انگلیسی آن‌ها
- در زمینه‌های مختلف

- علوم محضه از آغاز صفویه تا تأسیس دارالفنون، گردآورنده مهدی محقق
- مفاخرنامه، تألیف مهدی محقق، به اهتمام حمیده حجازی
- فهرست توصیفی انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل
- طرح تدوین دائرةالمعارف تشیع
- شیعه در حدیث دیگران
- سومین بیست گفتار یا گزارش سفرهای علمی، نویسنده مهدی محقق

#### بازنشر آثار

آثار فلسفی مهدی محقق توسط این سازمانها در ایران بازنشر شده است:

- بازنشر اثر مهدی محقق در سایت کنسرسیوم محتوای ملی
- بازنشر اثر مهدی محقق در سایت مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان
- بازنشر اثر مهدی محقق در سایت مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

#### دیدگاه‌ها

- من از گذشته‌ام راضی هستم و همین مسیر را انتخاب می‌کردم برای من گذشته‌ام باعث خیر و برکت بوده هم به لحاظ مادی و هم علمی.
- هنگامی که ما از روی جهل و نادانی، پشت پا به فرهنگ غنی خود زده و میراث درخشان علمی خود را به گوشه‌انزوا رانده بودیم که هنوز هم در همان حالیم، غربیان با هوشیاری کامل زبان عربی را آموختند تا بتوانند به آن میراث ارجمند دست یابند و آن را از چنگ ما درآورند و فواید و منافع آن را به خود اختصاص دهند.
- افراد توانا همیشه در دل تاریخ و با تاریخ حرکت می‌کنند و بسته به دانایی و توانایی‌شان با تدبیر گروهی، گره از مشکلات می‌کشایند.

#### مهدی مشکوة الدینی



زاده	۲۰ دی ۱۳۲۰ مشهد، ایران
پیشه	استاد دانشگاه فردوسی مشهد

**مهدی مشکوة‌الدینی** (متولد ۲۰ دی ۱۳۲۰، مشهد)، زبان‌شناس ایرانی و استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی مشهد است. او عضو پیوسته انجمن زبان‌شناسی آمریکا است.

#### تحصیلات

- دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷
- کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰
- کارشناسی دبیری زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۳

#### سوابق

او در سال ۱۳۸۴ به عنوان استاد نمونه کشوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری معرفی شد. همچنین ضمن تدریس و پژوهش، در سمت‌های مدیر گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (۶۲-۱۳۵۸)، معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (۶۹-۱۳۶۲)، قائم مقام رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۷۵-۱۳۷۲)، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۸۰-۱۳۷۷) و نیز رئیس شورای تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد (۸۰-۱۳۷۳) و عضو شورای برنامه‌ریزی زبان‌شناسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری خدمت کرده‌است.

#### آثار

#### کتاب‌ها

- «آموزش زبان فارسی»، تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۷
- «دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری»، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۶ (ویراست دوم ۱۳۷۹)
- «دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی»، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴
- «توصیف و آموزش زبان فارسی»، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۹
- «ساخت آوایی زبان»، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۴ (ویراست دوم ۱۳۷۴)
- «سیر زبان‌شناسی»، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۳ (برگزیده کتاب سال دانشگاه تهران)
- «فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی جمهوری چک»، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۸۳
- «فرهنگ فارسی چکی» (تألیف گروهی)، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۳
- «روان‌شناسی زبان»، تهران: انتشارات سمت

میرهاشم محدث



میرهاشم محدث

-متولد دوم خرداد ۱۳۳۱ تهران  
 -تحصیلات ابتدایی و متوسط در دبستان و دبیرستان جعفری اسلامی  
 -اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان مروی ۱۳۴۹  
 -اخذ لیسانس زیست شناسی از مدرسه عالی علوم اراک ۱۳۵۴  
 -اخذ فوق لیسانس کتابداری اطلاع رسانی از دانشگاه تهران ۱۳۷۹  
 -کارشناس کتابهای مرجع مؤسسه لغتنامه دهخدا از ۱۳۶۳ تاکنون

تصحیح و چاپ حدود چهل جلدکتاب از متون مهم تاریخی فارسی همچون:

-مرآة الشرق تألیف جیمز مرداک  
 -خلد برین (بخش صفویه) تألیف محمد یوسف واله اصفهانی قزوینی  
 -آتشکده آذر (بخش دوم) تألیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی  
 -تقویم التواریخ، تألیف حاجی خلیفه چلبی  
 -مشکوٰه المسافرین (سفرنامه تبریز - عتبات)، تألیف علی اکبر مشکوٰه السلطان  
 -یوسف و زلیخا، سروده شهاب ترشیزی  
 -فهرس التواریخ، تألیف رضا قلی خان هدایت  
 -مجمع النفایس، تألیف سراج الدین علی خان آرزو  
 -صحف ابراهیم، تألیف علی ابراهیم خان خلیل بنارلی  
 -نظام التواریخ، تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی  
 -نجوم السماء فی تذکره العلماء، تألیف محمدعلی آزادکشمیری  
 -گلشن محمود، تألیف محمود میرزا قاجار

هنوز کسانی در ایران هستند که با شور و عشق، عمرشان را صرف تصحیح متونی می کنند که از پدران ما به یادگار مانده است. اما متأسفانه آنان به فراموشی سپرده شده و در گوشه کتابخانه ها نگهداری می شوند. این آثار شناسنامه و هویت ملت ما است و با چاپ هر کدام از آنها ستون ها و پایه های تمدن ایرانی و اسلامی استوارتر می شود. استاد میرهاشم محدث یکی از کسانی است که ۳۰ سال

از عمر گرانبهای خود را فقط و فقط صرف تصحیح متون کرده و در این راه، با تصحیح متون پراهمیت تاریخی، به فرهنگ جامعه خود خدمت کرده است. میرهاشم محدث در دومین روز از ماه خرداد سال ۱۳۳۱ در خانواده ای فرهنگی در پاچنار تهران به دنیا آمد. خاندان او همه عالمان دین و ادب بوده اند. پدرش استاد فقید دانشکده های ادبیات و الهیات دانشگاه تهران دکتر میرجلال الدین محدث ارموی و دایی هایش جلال آل احمد و شمس آل احمد و دایی مادرش علامه فقید شیخ آقا بزرگ طهرانی مؤلف بزرگترین کتابنامه تشیع الذریعه هستند. پدر بزرگش مرحوم آیت الله حاج سیداحمد آقای طالقانی آل احمد که از زاهدترین افراد روزگار و امام جماعت مسجد پاچنار و برادر بزرگترش دکتر علی محدث است که وی نیز از مصححین کوشا و موفق است. وی این توفیق را یافت که به نحو احسن بار امانتی را که به او منتقل شده است به دوش بکشد.

ولی خودش معتقد است که فقط لطف خدا در این راه کمک او بوده است. دوران دبستان و دبیرستان را در مدرسه جعفری اسلامی گذراند و بنا به سفارش پدرش که مایل نبود پسرانش وارد وادی ادبیات شوند به ناچار در رشته طبیعی دیپلم گرفت و پس از اخذ لیسانس زیست شناسی یکسره به وادی تصحیح روی آورد. کارآموزی این هنر را در محضر پدرش که از بزرگترین و نام آورترین مصححین زمان خود بود فراگرفت و در تصحیح کتاب هایی که آن مرحوم از سال ۱۳۵۰ به بعد چاپ کرد کمک اصلی ایشان بود. فهرست کتاب های حکمت اسلام و النقض و شرح فارسی شهاب الاخبار را هم او استخراج کرد.

تلمذ نزد پدر و همت والای میرهاشم محدث، سبب شده است که وی یکی از سرآمدان تصحیح در دوره خود باشد و بتواند حدود چهل جلد کتاب از متون مهم تاریخی فارسی را تصحیح کند.

از مهم ترین این کتاب ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ظهور تیمور تألیف عباس اقبال آشتیانی، مکاتبات ایران و انگلیس (درباره پناهندگی فرهاد میرزا قاجار به آن سفارت، آثار تاریخی طهران (اماکن متبرکه) تألیف سیدمحمد تقی مصطفوی کاشانی، تاریخ قزلباش، مجمع الانساب (بخش دوم) تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای، تطبیق لغات جغرافیای قدیم و جدید ایران تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، انیس المؤمنین تألیف محمد بن اسحاق بن محمد حموی، مرآة الشروق تألیف جیمز مرداک، آثار احمدی تألیف احمدبن تاج الدین حسن استرآبادی، تاریخ مختصر ادبیات ایران تألیف عباس اقبال آشتیانی، تذکره خاوری تألیف میرزا فضل الله خاوری شیرازی و...

آثار تصحیح شده توسط استاد محدث را می توان در بخش های تاریخ اسلام، تاریخ جغرافیای ایران، تذکره ها و تواریخ عمومی طبقه بندی کرد.

میرهاشم محدث یکی از سعادت های زندگیش را همنشینی و شاگردی استادانی می داند که همه مایه افتخار ایران هستند. در سال ۱۳۶۲ وی به عنوان کتابدار در مؤسسه لغتنامه دهخدا استخدام شد و از محضر استادان بزرگی چون دکتر سیدجعفر شهیدی و دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی تاکنون بهره مند شده است. محدث در ترجمه جلد اول معجم البلدان همکار مستقیم دکتر علینقی منزوی بود و دو کتاب با همکاری استاد فقید دکتر عبدالحسین نوایی چاپ کرده است. او تاکنون در بیش از ده کنگره و سمینار داخلی شرکت کرده و سخنرانی ایراد نموده است.

همان طور که پیش از این گفته ذکر شد حوزه کار میرهاشم محدث فقط تاریخ اسلام و ایران است. در زمینه تاریخ اسلام او موفق به چاپ آثار احمدی و تفسیر سوره یوسف و انیس المؤمنین شده است. آثار احمدی کتابی است تألیف احمدبن تاج الدین حسن استرآبادی از علمای قرن دهم که فقط به زندگی پیامبر گرامی اسلام (ص) پرداخته است. انیس المؤمنین هم کتابی است تألیف محمدبن اسحاق بن محمد حموی که در سال ۹۳۸ تألیف شده و موضوع آن تاریخ چهارده معصوم است. روش کار حموی این گونه است که پس از يك بند که به اطلاعات فردی آن امام می پردازد، فصلی به تاریخ زندگی ایشان اختصاص

می دهد که به اهمیت آن می افزاید. از جمله در شرح احوال حضرت امام جعفر صادق (ع) وقتی تاریخ زندگی آن امام همام را می نویسد حدود هفتاد صفحه فقط به قیام ابومسلم خراسانی می پردازد.

روی هم رفته این متن یکی از متون خوب تاریخی است و در زمینه قیام هایی که علیه امویان و عباسیان شده یکی از مأخذ هم است. قیام هایی همچون قیام سلیمان بن صرد خزاعی، مختار، صالح بن مسرح، شیبیب بن یزید، شوذب خارجی، ابومسلم خراسانی و فتوای محقق کرکی در لعن ابومسلم و سوزاندن قبر او، خروج سنباد مجوسی، خروج مقتع، قیام بابک خرم دین و قیام احمد بن نصر خزاعی. خوشبختانه چاپ دوم این کتاب با حروفچینی جدید و مقابله با يك نسخه که بعد از چاپ اول به دست آمد به زودی منتشر خواهد شد. تفسیر سوره یوسف هم تألیف علی بن علی نجار شوشتری است که از شاگردان محدث جزایری بوده است.

در زمینه تاریخ جغرافیایی میر هاشم محدث موفق شده ۶ جلد کتاب به چاپ برساند که مرآة البلدان و ترجمه آثار البلاد از مهم ترین آن ها است. مرآة البلدان که مهم ترین کتاب جغرافیای تاریخی مربوط به شهرها و دهات ایران است و با همکاری دکتر عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۶۹ در سه جلد توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. مقدمه عالمانه دکتر نوایی و فهرست های نه گانه ای که محدث برای این کتاب استخراج کرده اند بیان کردنی است. کتاب مهم دیگری که ایشان همت به چاپ آن کرده اند ترجمه آثار البلاد زکریای قزوینی است که از مهم ترین منابع جغرافیای تاریخی است بخصوص که جهانگیر میرزا قاجار مترجم آن اطلاعاتی هم به کتاب افزوده است.

تذکره ها هم یکی از موضوعاتی است که استاد محدث تاکنون توانسته اند هفت تذکره را تصحیح عالمانه کرده و به چاپ برسانند. یکی از این تذکره ها آتشکده، آذر است که نیمی از این تذکره قبلاً توسط استاد فقید دکتر سیدحسن سادات ناصری بدون فهرست چاپ شده بود. نیمه دیگر آن را هم محدث به طور شایسته ای چاپ کرده و فهرست های نیمه نخست را استخراج و به این جلد ضمیمه کرده است. یکی دیگر از تذکره ها نجوم السماء است که اختصاص به معرفی علمای دینی ایران در قرون یازدهم و دوازدهم و سیزدهم دارد. صحف ابراهیم و مجمع النفایس هم دو تذکره ای هستند که با تعلیقاتی به اندازه متن اخیراً توسط میر هاشم محدث منتشر شده است.

اما بیشترین آثاری که توسط ایشان تاکنون تصحیح و چاپ شده تواریخ عمومی ایران هستند. کتاب هایی مانند مجمع الانساب شبانکاره ای، نظام التواریخ قاضی بیضاوی، خلدبرین که تاکنون ایشان توانسته اند دو جلد آن را چاپ کنند و جلد سوم که تاریخ مغول است مدتی است آماده چاپ است. قسمت تیموریان و ترکمانان خلدبرین شامل پیشگفتاری از خاورشناس معروف ویلم فلور است. این دانشمند نوشته است: «محدث نیاز چندانی به معرفی شدن ندارد. او پس از تصحیح و منتشر کردن کتاب کوچک ولی با ارزش تاریخ قزلباشان همه ما را مدیون خود کرد.» کتاب آخری را که محدث زیر چاپ دارد لب التواریخ یحیی بن عبداللطیف قزوینی است که تاریخ عمومی ایران است. یکی از ویژگی های ارزشمند کار محدث ارائه فهرست های دقیق است.

وی معتقد است که استخراج فهرست های ارزنده و دقیق برای هر کتاب کمک فراوانی به خواننده می کند. به همین خاطر برای مرآة البلدان ۹ فهرست استخراج کرده که خود فهرست ها سیصد و پنجاه صفحه شده. او می گوید پس از چاپ این کتاب یکی از استادان دانشگاه که سال ها درباره زمین لرزه ها و آتشفشان های ایران تحقیق می کرده این فهرست ها را ستوده و گفته اگر این فهرست ها نبود من باید هر سه هزار صفحه این کتاب را می خواندم اما اکنون به راحتی و در عرض چند ثانیه به خواسته ام رسیدم. محدث با استخراج فهرست های کامپیوتری بسیار مخالف است و می گوید: اگرچه استخراج دستی فهرست، وقت و خستگی بیشتری می برد اما قابل اعتمادتر است.

محدث در تصحیح روش خاصی را پیروی می کند و اعتقاد دارد پاورقی و تعلیقات اضافی نه تنها چیزی به ارزش کتاب نمی افزاید بلکه گاهی موجب بی اعتباری کار می شود. او در مجمع الانساب و خلدبرین هیچگونه پاورقی یا توضیحی ارائه نداده اما در تقویم التواریخ یا صحف ابراهیم یا مجمع النفایس بیشتر از متن کتاب تعلیقات افزوده. در لب التواریخ هم تا آنجا که لازم بوده در پاورقی توضیحات نوشته. او معتقد است عصر ما عصر چکیده نویسی است نه روده درازی! از کار استادان مصحح نسل اول معتقد به شیوه مرحوم عباس اقبال و استاد ایرج افشار است و می گوید مردم دیگر حوصله خواندن شرح را ندارند و به قول استاد احمد منزوی اشاره می کند که عصر تعلیقه نویسی دیگر تمام شده.

محدث با پشتکارش تاکنون توانسته يك تنه این همه خدمت کند. او همیشه در زندگی آیه «الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» را سرمشق خود داشته و به کسانی هم که می خواهند در هرکاری موفق باشند سفارش می کند که باید استقامت و پشتکار داشته باشند. بدون شك در آینده هم با همتی که او دارد بتواند آثار گرانبهایی را به ایران و ایرانیان ارزانی دارد.

میر هاشم محدث تاکنون جز تحقیق به کار دیگری نپرداخته. هیچگاه دنبال پست و مقام و مدرک دانشگاهی نبوده و تاکنون هیچ جایزه ای هم به او نداده اند اما او هرگز لحظه ای به این مسأله فکر نکرده و در پنجاه و پنج سالگی در انزوا به زندگی درویشی قناعت کرده و همچنان برای اعتلای ایران، پرتوان و پرکار است. او موفقیت هایش را مرهون همسر بزرگوار و فرزندانش می داند. در پایان این مجال اندک باید گفت از آنجا که مصححان برجسته و پرکاری چون استاد میر هاشم محدث در جامعه انگشت شمارند بر عهده منتقدان اهل فرهنگ و نهادهای فرهنگی است که با معرفی و بررسی آثار وی به قدردانی و دلجویی از او و امثال او بپردازند.

### میر سید علی همدانی



امیر سید علی بن شهاب معروف به میر سید علی همدانی (زاده: ۱۲ رجب ۷۱۴ همدان - درگذشت: ذیحجه ۷۸۶، کُور) قطب سلسله ذهبیه، عالم، شاعر ایرانی قرن هشتم و از مبلغان عمده اسلام در کشمیر هند و از بزرگان سلسله کبرویه بود. بیش از ۱۱۰ اثر به وی منسوب است. از وی به عنوان «امیر کبیر»، «شاه همدان» و «حضرت علی ثانی» نیز نام برده شده است.

پدر وی حاکم همدان و از سادات حسینی بود. از او آثاری در علوم غریبه بجای مانده است.

تبلیغ اسلام

وی برای تبلیغ اسلام سفرهای دریایی و زمینی مختلفی انجام داد از جمله: حجاز و سایر نقاط عربستان مشهد، اغلب شهرهای آسیای میانه، قفقاز، آذربایجان، سریلانکا، تبت، اما مهم‌ترین اثر وی در کشمیر ثبت شده است.

وی دو بار طی سال‌های به کشمیر سفر کرد و در محله‌ای بنام علاء الدین پوره در شهر سرینگر کنونی در کنار رودخانه جهلم مستقر شد. قطب الدین از سلسله شاهمیری بر آن منطقه حکومت می‌کرد. وی برای ساخت مدرسه دینی و کتابخانه‌ای در این منطقه اقدام کرد و هزاران نفر بدست وی به اسلام وارد شدند.

## آثار هنری



موزه میرسید علی همدانی در تاجیکستان

مهاجرت او و صدها تن دیگر از دروایش ایرانی پیروش و ایرانیان دیگر به کشمیر، موجب انتقال هنرهای ایرانی همچون شالبافی، بافندگی، سفالگری و خوش‌نویسی شد.

وی که به قصد حج از کشمیر خارج شده بود، به دعوت حاکم پاخلی چند روزی آنجا اقامت گزید اما به دلیل بیماری در همان‌جا درگذشت. پیکرش را به ختلان (کولاب) جایی که مسجد و مدرسه‌ای احداث کرده بود منتقل کرده و به خاک سپردند.

وی همچنان در کشمیر و تاجیکستان هواداران فراوانی دارد. لقب شاه همدان در کشمیر به وی داده شده و هنوز هواداران او در «خانقاه مولا» یا «زیارتگاه شاه همدان» در کنار رود جهلم کشمیر حضور می‌یابند.

در تاجیکستان نیز خصوصاً پس از فروپاشی شوروی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. تصویر و شعری از وی بر روی اسکناس‌های ۱۰ سامانی در این کشور آمده است.

هر که ما را یاد کرد ایزد مر او را یار باد	هر که ما را خوار کرد از عمر برخوردار باد
هر که اندر راه ما خاری فکند از دشمنی	هر گلی از باغ وصلش بشکفد بی خار باد
در دو عالم نیست ما را با کسی گرد و غبار	هر که ما را رنجه دارد، راحتش بسیار باد

اقبال لاهوری درباره‌ی وی سروده است:

سید السادات، سالار عجم	دست او معمار تقدیر امم
تا غزالی درس الله هو گرفت	ذکر و فکر از دودمان او گرفت
مرشد آن کشور مینو نظیر	میر و درویش و سلاطین را مشیر
خطه را آن شاه دریا آستین	داد علم و صنعت و تهذیب و دین
آفرید آن مرد، ایران صغیر	با هنرهای غریب و دلپذیر
یک نگاه او گشاید صد گره	خیز و تیرش را به دل راهی بده

بنا به نظر عمادالدین باقی، سید روح‌الله خمینی از نوادگان وی است. در دوران پهلوی از این موضوع به عنوان بهانه‌ای برای «هندی زاده» نامیدن وی استفاده شد که خشم مردم را در پی داشت.<sup>[۱]</sup> از اشعار معروف میر سید علی همدانی که در مقبره ایشان به نمایش گذاشته شده است:

پرسید عزیزی که علی اهل کجایی      گفتم به ولایات علی کز همدانم  
نی زان همدانم که ندانند علی را      من زان همدانم که علی را، همه دانم

### نجم‌الدین کبری

سعدالدین محمد حمویی، شیخ نجم‌الدین رازی، مجدالدین بغدادی و بهاء ولد از اعظم طریقه کبرایه و بزرگان دیگر همه از شاگردان و مریدان این شیخ می‌باشند. نجم‌الدین در طول مدت عمر ۱۲ نفر را به مریدی پذیرفت که همگی از جمله مشایخ و اولیا شدند.

شیخ نجم‌الدین در ۱۲۲۱ میلادی در حمله مغول به خوارزم به قتل رسیده و در منطقه تاریخی «کهنه اورگنج» در استان «داش اغوز» در شمال ترکمنستان مرقد وی موجود است و یکی از مهم‌ترین محل زیارت زائران محلی و خارجی ترکمنستان به‌شمار می‌آید.

مرقد نجم‌الدین کبری و شاگردان نزدیک او در سده ۱۴ میلادی بنیان‌گذاری شده و معماران آن دوران مهارت خود را در تزئین منحصر به فرد سنگ قبر نجم‌الدین کبری به کار برده بودند.

آرامگاهی منسوب به شیخ نجم‌الدین کبری در ایران و در شهرستان جوبین، روستای زبر آباد نیز وجود دارد.

### تألیفات

«از شیخ نجم‌الدین کبری تعداد مختصری تألیف برجای مانده است. آثار مهم وی در موضوعاتی است که بیشتر به تجزیه و تحلیل تجربه شهودی می‌پردازد؛ او در این آثار در مورد معانی مختلف خیال و شهود و مراتب تجلی شهود (Luminous Epiphany) - که برای عارف متجلی می‌شود، درجات مختلف تصوّر (concept) و خواطر که توجّه سالک الی الله را جلب می‌کند، طبیعت و ارتباط لطائف انسان ب، (Subtle Centers) بحث کرده است. از مهم‌ترین تألیفات شیخ نجم‌الدین کبری می‌توان به:

- فوائح الجمال و فوائح الجلال (تصحیح با یک مقدمه جامع در مورد زندگی و آثار نویسنده توسط فریتس مایر، ویسبادن، ۱۹۵۷) ۴ است.

- الاصول العشرة

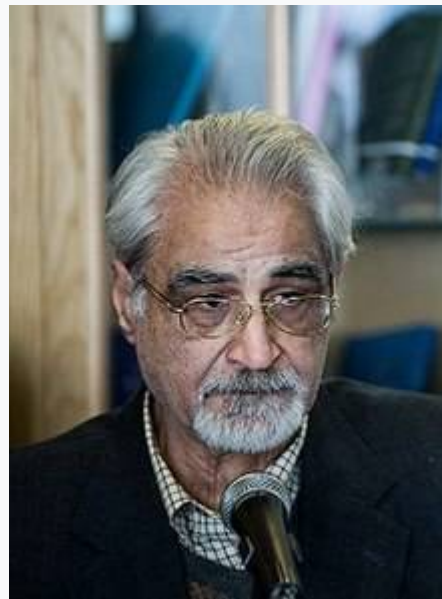
- رساله الخائف الهائم من لومه اللائم (تصحیح ماریان موله همراه با رسائل کوچکتر دیگر تحت عنوان 1-78, [1963], iv, (Cario), Annales Islamologiques, in Traites mineurs): در این رساله امور دهگانه ای، به عنوان شروط اساسی و مهم در رهایی سالک از وساوس شیطانی معرفی شده است.

- آداب الصوفیه

- السائر الحائر الواجد الی السائر الواحد الماجد

علاوه بر این رسائل کوتاه، کبری تفسیری عرفانی بر قرآن را آغاز نمود که نتوانست آن را کامل کند اما این کار، پس از مرگش ابتدا توسط مریدش نجم الدین رازی و سپس توسط یکی دیگر از مشایخ تصوّف یعنی علاءالدوله سمنانی ادامه یافت. (نک به: هانری کرین، En Islam iranien, Paris 1972, iii, 175-276 n.90; Suleyman Ates, I?ari tefsir okulu, Ankara 1974. 139-60).

### نصرالله پورجوادی



پورجوادی در مراسم تشییع پیکر ابوالحسن نجفی،  
بهمن ماه ۱۳۹۴

زاده ۲۷ تیر ۱۳۲۲ تهران

پیشه فلسفедان، نویسنده، مصحح متون، استاد  
پیشین دانشگاه

تحصیلات دکترای فلسفه

دانشگاه دانشگاه کالیفرنیا، سانفرانسیسکو کارشناسی  
دانشگاه تهران کارشناسی ارشد و دکترا

بنیانگذار مرکز نشر دانشگاهی

نصرالله پورجوادی (زاده ۲۷ تیر ۱۳۲۲ در تهران) فلسفедان، استاد دانشگاه تهران، مصحح متون، نویسنده، و بنیانگذار و رئیس پیشین مرکز نشر دانشگاهی است.

## تحصیلات

نصرالله پورجوادی، فرزند ماشاءالله، از خانواده‌ای اصالتاً تهرانی در تهران زاده شد. او پس از پایان دوره دبیرستان برای ادامه تحصیل به ایالات متحده آمریکا رفت و کارشناسی خود را در رشته فلسفه از دانشگاه کالیفرنیا، سان فرانسیسکو دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۴۶ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران رفت و موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته فلسفه در سال ۱۳۵۱ و سپس دکترای فلسفه در سال ۱۳۵۷ از این دانشگاه شد.

## زندگی حرفه‌ای

## کار ادبی

پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران وی مدتی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. مهم‌ترین کار پورجوادی تأسیس مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۵۹ بود که خود تا سال ۱۳۸۲ ریاست آن را بر عهده داشت. در مدت کار وی، نزدیک به ۱۵۰۰ کتاب پژوهشی در این مرکز به چاپ رسید و چندین مجله پژوهشی از جمله نشر دانش، مجله معارف، مجله زبان‌شناسی، مجله باستان‌شناسی و مجله تاریخ (به زبان فارسی) و مجله لقمان (به زبان فرانسوی) انتشار می‌یافت.

## برکناری

وی در دوره وزارت جعفر توفیقی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به سال ۱۳۸۲ از ریاست مرکز نشر دانشگاهی برکنار شد. برکناری پورجوادی از مرکز نشر دانشگاهی در رسانه‌ها و مطبوعات پر خواننده آن دوره، مورد اعتراض واقع شد. مدافعان عملکرد وی معتقدند که پس از پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی تا به امروز هیچ گاه نتوانسته به جایگاه آغازین خود دست پیدا بکند و در سال‌های اخیر هیچ گونه فعالیت ابتکاری و نو و مؤثر از این مرکز مشاهده نشده است.

## امروز

نصرالله پورجوادی هم‌اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. پورجوادی پژوهشگر و نویسنده پرکاری است و نوشته‌های وی را ناشران معتبر منتشر می‌کنند. مقاله‌های او در مجله‌های معتبر به چاپ می‌رسد. پورجوادی در سال‌های اخیر یادداشت‌های فیس‌بوکی می‌نویسد و در در رسانه‌های مجازی فعال است.

## نوشته‌ها

برخی از نوشته‌ها:

- داستان مرغان، رساله الطیر احمد غزالی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۵ (تصحیح و مقدمه‌های فارسی و انگلیسی).
- مکاتبات احمد غزالی با عین‌القضات همدانی، خانقاه نعمت‌اللهی، ۱۳۵۶ (تصحیح).
- بحر الحقیقه، احمد غزالی، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۶ (تصحیح و مقدمه).
- سلطان طریقت، سوانح زندگی و شرح آثار احمد غزالی، تهران: آگاه، ۱۳۵۸ (تألیف).
- درآمدی به فلسفه افلوطین، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۴؛ چاپ سوم، ۱۳۷۸ (تألیف).
- سوانح، احمد غزالی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ (تصحیح).
- عارفی از الجزایر [ترجمه]، تألیف مارتین لینگز، مؤسسه مطالعه فرهنگ‌ها، ۱۳۶۰؛ چاپ دوم، انتشارات هرمس، ۱۳۷۸.
- تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمد شریف، گروه مترجمان، ۴ جلد، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲/۱۳۷۰. [نظارت بر ترجمه فارسی].

9. زندگی و آثار شیخ ابوالحسن بُستی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴.
10. نهج‌الخاص (تصحیح و مقدمه)، ابومنصور اصفهانی، در تحقیقات اسلامی، تهران: ۱۳۶۷.
11. مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، ۲ جلد، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹/۱۳۷۲.
12. بوی جان (مجموعه مقاله)، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۲.
13. شعر و شرع (بحثی درباره فلسفه شعر از نظر عطار)، اساطیر ۱۳۷۴.
14. عین‌القضاة و استادان او، اساطیر ۱۳۷۴.
15. رؤیت ماه در آسمان، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۵.
16. اشراق و عرفان (مقاله‌ها و نقدها)، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
17. مثنوی رحیق‌التحقیق (به انضمام رباعیات و اشعار دیگر)، تصنیف مبارکشاه مرورودی، مقدمه و تصحیح، مرکز نشر دانشگاهی. ۲۰۰۲
18. دو مجدّد (پژوهش‌هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۸۱. (کتاب برگزیده سال ۱۳۸۲)
19. ریاض‌الافکار در توصیف خزان و بهار، تألیف یار علی تبریزی، مقدمه و تصحیح، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۸۲.
20. لبلب‌نامه علی گیلانی (تصحیح)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳.
21. ایران مظلوم، مجموعه سرمقاله‌های نشر دانش، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۸۳.
22. اجتماع علامه یا حکیم نامه، اوحدالدین طبیب رازی، مقدمه و تصحیح، انجمن حکمت و فلسفه ایران ۱۳۸۴. (نویسنده برگزیده حامیان نسخ خطی ۱۳۸۴)
23. نسیم انس (مجموعه مقالات)، اساطیر ۱۳۸۴.
24. مرآت‌المعانی/ به انضمام گزیده سیر‌العارفین، جمالی دهلوی، (تصحیح)، حقیقت ۱۳۸۴.
25. پژوهش‌های عرفانی/ جستجو در منابع کهن، (مجموعه مقالات)، نشر نی، ۱۳۸۵.
26. مثنوی «روز و شب»، (تصحیح)، سروده حکیم نزاری قهستانی، نشر نی، ۱۳۸۵.
27. گلشن لطافت، (مناظره عقل و دولت و بخت) (تصحیح)، سروده قاسم ساغرچی، ۱۳۸۵.
28. زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی، هرمس، ۱۳۸۵.
29. لغت موران، شهاب‌الدین سهروردی، تصحیح، انجمن حکمت و فلسفه ایران ۱۳۸۶.
30. باده عشق (مجموعه مقالات)، کارنامک ۱۳۸۷.
31. مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، جلد ۳، گرد آوری با همکاری محمد سوری، تهران ۱۳۸۸.
32. دیوان اشعار جلال طبیب شیرازی، (تصحیح)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۹.
33. علم التصوف، تألیف در حدود سال ۴۰۰ هجری از نویسنده‌ای ناشناخته، به تصحیح و تحقیق نصرالله پورجوادی و محمد سوری، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۱.
34. عهد الست، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۳
35. دریای معرفت، از بایزید بسطامی تا نجم دایه، نشر هرمس 1399
36. پروانه و آتش، از حلاج تا حافظ (سیر تحولات یک تمثیل عرفانی) نشر فرهنگ معاصر

## هوشنگ ابتهاج



زاده ۶ اسفند ۱۳۰۶ رشت، ایران

محل زندگی آلمان

نام دیگر سایه

لقب ا.ه. سایه

تخلص سایه

پیشه شاعر، پژوهشگر


زمینه کاری ادبیات، موسیقی ایرانی

جوایز مهم بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار

نشان عالی هنر برای صلح

سبک شعر نو، غزل، مثنوی  
نوشتاری

کتابها نخستین نغمه‌ها، سیاه‌مشق ۱ و ۲ و ۳، شبگیر، چند برگ از یلدا، تا صبح شب یلدا، یادگار خون سرو، تاسیان، بانگ‌نی، سراب

تأثیر پذیرفته حافظ	از
همسر	آلما مایکیال ۱۳۳۷.۱
فرزندان	آسیا، یلدا، کیوان و کاوه
پدر و مادر	میرزا آقاخان ابتهاج فاطمه رفعت
امضا	



برخی از بنیان‌گذاران انجمن ادبی شمع سوخته.  
از راست به چپ: هوشنگ ابتهاج، سیاوش کسرای، نیما یوشیج، احمد شاملو و مرتضی کیوان.  
امیر هوشنگ ابتهاج (زاده ۶ اسفند ۱۳۰۶) متخلص به، ه. ا. سایه شاعر و پژوهشگر ایرانی است.

### زندگی

امیر هوشنگ ابتهاج روز یکشنبه ۶ اسفند ۱۳۰۶ در رشت متولد شد. پدرش «آقاخان ابتهاج» از مردان سرشناس رشت و مدتی رئیس بیمارستان پورسینای این شهر بود.

در اصل، خانواده او از تفرش بوده‌اند که به دلیل مشاغل اداری و دیوانی در سال‌های بسیار دور به گیلان مهاجرت کردند.

پدربزرگ او یعنی «ابراهیم ابتهاج الملک» گرگانی و مادربزرگش رشتی بود. پدربزرگش مسئول گمرک بود و در زمان تسلط جنگلی‌ها بر جنگل توسط یکی از آنها، یا به روایتی توسط یکی از کشاورزانش، کشته می‌شود.

برادران ابتهاج یعنی غلامحسین ابتهاج، ابوالحسن ابتهاج و احمدعلی ابتهاج، عموهای امیر هوشنگ هستند.

هوشنگ ابتهاج دوره تحصیلات دبستان را در رشت و دبیرستان را در تهران گذراند و در همین دوران اولین دفتر شعر خود را به نام نخستین نغمه‌ها منتشر کرد.

ابتهاج در جوانی دل‌باخته دختری ارمنی به نام گالیا شد که در رشت ساکن بود و این عشق دوران جوانی دست‌مایه اشعار عاشقانه‌ای شد که در آن ایام سرود. بعدها که ایران غرق خون‌ریزی و جنگ و بحران شد، ابتهاج شعری به نام (دیرست گالیا...) با اشاره به همان روابط عاشقانه‌اش در گیرودار مسائل سیاسی سرود.

سایه در سال ۱۳۴۶ به اجرای شعرخوانی بر آرامگاه حافظ در جشن هنر شیراز می‌پردازد که باستانی پاریزی در سفرنامه معروف خود (از پاریز تا پاریس) استقبال شرکت‌کنندگان و هیجان آن‌ها پس از شنیدن اشعار سایه را شرح می‌دهد و می‌نویسد که تا قبل از آن هرگز باور نمی‌کرده‌است که مردم از شنیدن یک شعر نو تا این حد هیجان‌زده شوند.

ابتهاج از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ سرپرست برنامه گل‌ها در رادیوی ایران (پس از کنارگیری داوود پیرنیا) و پایه‌گذار برنامه موسیقایی گلچین هفته بود. تعدادی از غزل‌ها، تصنیف‌ها و اشعار نیمایی او توسط موسیقی‌دانان ایرانی نظیر محمدرضا شجریان، علیرضا افتخاری، شهرام ناظری، حسین قوامی و محمد اصفهانی اجرا شده‌است. تصنیف خاطره‌انگیز تو ای پری کجایی و تصنیف سپیده (ای سرای امید) از اشعار سایه است.

سایه بعد از حادثه میدان ژاله (۱۷ شهریور ۱۳۵۷) به‌همراه محمدرضا لطفی، محمدرضا شجریان و حسین علیزاده، به‌نشانه اعتراض از رادیو استعفا داد.

ابتهاج مدتی به‌عنوان مدیر کل شرکت دولتی سیمان تهران به‌کار اشتغال داشت.

منزل شخصی سایه که خود آن را ساخته (به اشتباه می‌گویند سازمانی بوده‌است) در سال ۱۳۸۷ با نام خانه ارغوان به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسیده‌است. دلیل این نام‌گذاری وجود درخت ارغوان معروفی در حیاط این خانه است که سایه شعر معروف ارغوان خود را برای آن درخت گفته‌است.

از مهم‌ترین آثار هوشنگ ابتهاج تصحیح او از غزل‌های حافظ است که با عنوان «حافظ به سعی سایه» نخستین بار در ۱۳۷۲ توسط نشر کارنامه به‌چاپ رسید و بار دیگر با تجدیدنظر و تصحیحات تازه منتشر شد. سایه سال‌های زیادی را صرف پژوهش و حافظ‌شناسی کرده که این کتاب حاصل تمام آن زحمات‌هاست که سایه در مقدمه آن را به همسرش پیشکش کرده‌است.

در تاریخ پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۷ در مراسم پایانی ششمین «جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح»، نشان عالی «هنر برای صلح» به هوشنگ ابتهاج و ۳ هنرمند دیگر اهداء شد.

فرهنگ و سیاست



سیاوش کسرابی و هوشنگ ابتهاج  
جهان‌بینی هوشنگ ابتهاج

هوشنگ ابتهاج («سایه») با اینکه در خانواده‌ای مرفه و سرشناس زاده شد؛ ولی بعدها همفکر توده‌ای‌ها شد، هرچند هرگز به عضویت آن درنیامد. برخی از کسان گرایش ابتهاج به سوسیالیسم و حزب توده را باعث تقویت جنبه شاعری او می‌دانند. با وجود این، در سال‌های بعد اشعاری با درونمایه‌های عرفانی، اخلاقی و مناجات با خدا سرود که عده‌ای آن‌ها را از نظر پرداخت زبانی به اشعار حافظ، نزدیک می‌دانند.

مطلع غزلی عرفانی از سایه:

نامدگان و رفتگان از دو کرانه زمان  
سوی تو می‌دوند، هان ای تو همیشه در میان  
در چمن تو می‌چرد آهوی دشت آسمان  
گرد سر تو می‌پَرَد باز سپید کهکشانشان  
شعر نو از سایه در وصف واقعه کربلا:

یا حسین بن علی  
خون گرم تو هنوز  
از زمین می‌جوشد  
هر کجا باغ گل سرخی هست  
آب از این چشمه خون می‌نوشد  
کربلایی‌ست دلم!  
سر حق بر نیزه ست  
خیل آزادی آواره صحرای ستم  
از سیه‌کاری شمران و یزیدان فریاد  
یا حسین بن علی  
همتت همره حق جویان باد!

### حزب توده

ابتهاج در گفتگو با مجله مهرنامه در مهر ۱۳۹۲، درباره روابطش با حزب توده گفته‌است:

«عضو حزب توده نبودم؛ اما همیشه سوسیالیست بودم و به توده‌ای‌ها احترام می‌گذاشتم و رفیق آن‌ها بودم و با آن‌ها هم عقیده بودم.»  
و در جای دیگر نیز گفته‌است:

«من به سلامت تئوریک سوسیالیسم باور دارم؛ هنوز باور دارم که هیچ راهی جز سوسیالیسم پیش پای بشر نیست.»

### اخراج از کانون نویسندگان ایران

در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران که عبارت بودند از باقر پرهام، احمد شاملو، محسن یلفانی، غلامحسین ساعدی و اسماعیل خوئی تصمیم به تعلیق هوشنگ ابتهاج، به‌آذین، سیاوش کسرا، فریدون تنکابنی و برومند به‌علت نقض مرام‌نامه و اساس‌نامه کانون گرفتند. این تصمیم در نهایت به تأیید مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران، که به‌صورت فوق‌العاده برگزار شد، رسید و منجر به اخراج کل عناصر توده‌ای، به‌همراه این پنج تن، از کانون نویسندگان ایران شد.



هوشنگ ابتهاج و فروغ فرخزاد

## ویژگی شعر

غلامحسین یوسفی درباره شعر سایه می‌گوید: «در غزل فارسی معاصر، شعرهای سایه در شمار آثار خوب و خواندنی است. مضامین گیرا و دلکش، تشبیهات و استعارات و صور خیال بدیع، زبان روان و موزون و خوش‌ترکیب و هماهنگ با غزل، از ویژگی‌های شعر اوست و نیز رنگ اجتماعی ظریف آن یادآور شیوه دلپذیر حافظ است. از جمله غزل‌های برجسته اوست: دوزخ روح، شبیخون، خون‌بها، گریه لیلی، چشمی کنار پنجره انتظار و نقش دیگر.»

اشعار نو او نیز درون‌مایه‌ای تازه و ابتکاری دارد؛ و چون فصاحت زبان و قوت بیان سایه با این درون‌مایه ابتکاری همگام شده، نتیجه مطلوبی به‌بار آورده‌است. خود او معتقد است برای او اصل عاطفه شعر است.

در شعر پس از نیما در حوزه غزل تقسیماتی را با توجه به شاعرانی که در آن زمان حضور داشته‌اند انجام داده‌اند که در این بین نام‌هایی چون هوشنگ ابتهاج، منوچهر نیستانی، حسین منزوی، محمدعلی بهمنی و سیمین بهبهانی به چشم می‌خورد. عبدالعلی دستغیب در نقدی سایه را در حلقه دوم شاعران نیمایی؛ آنهایی که پیش از پیوستن به نیما شعرهایی در سبک و قالب سنتی می‌نوشتند، کنار احمد شاملو، اخوان ثالث و سیروس نیرو قرار داده که حلقه اول را شامل توللی، شمس لنگرودی، منوچهر شبیانی، اسماعیل شاهرودی و دیگران می‌داند، و حلقه سوم، که سهراب سپهری و منوچهر آتشی و دیگران را شامل می‌شده‌است.

«پس از شهریور سال ۱۳۲۰ این دو گروه به علاوه گروه سوم به نیما پیوستند. این اتصال البته آنقدرها هم اتفاق بزرگی را رقم نزد؛ یعنی برخی از این شاعران در این مدت یک سری نوآوری‌هایی انجام دادند، اما انگار پیشنهاد‌های نیما را درست درک نکرده بودند، چون ما دیدیم که دوباره برگشتند. سایه از نیما زیاد تأثیر گرفت، شعرهای نیمایی جالبی را نوشت که هنوز هم بعضاً در خاطره‌ها مانده‌است اما این اتفاق چندان دوام نیافت... ایشان یک غزل سرا هستند. اما امتیازش به نظر من این است که توانسته غزل‌هایی را با حال و هوای جدید خلق کند. در واقع غزل کلاسیک و سنتی را نفسی تازه بخشیده‌است. از این بابت یک غزل سرای نئوکلاسیک به‌شمار می‌رود.»

کارها

سایه هم در آغاز، همچون شهریار، چندی کوشید تا به راه نیما برود؛ اما، نگرش مدرن و اجتماعی شعر نیما، به‌ویژه پس از سرایش ققنوس، با طبع او که اساساً شاعری غزل‌سرا بود، همخوانی نداشت. پس راه خود را که همان سرودن غزل بود، دنبال کرد.

سایه در سال ۱۳۲۵ مجموعه «نخستین نغمه‌ها» را که شامل اشعاری به‌شیوه کهن است، منتشر کرد. در این دوره هنوز با نیما یوشیج آشنا نشده بود. «سراب» نخستین مجموعه او به اسلوب جدید است؛ اما قالب همان چهارپاره است با مضمونی از نوع غزل و بیان احساسات و عواطف فردی؛ عواطفی واقعی و طبیعی. مجموعه «سیاه مشق»، با آنکه پس از «سراب» منتشر شد، شعرهای سال‌های ۲۵ تا ۲۹ شاعر را دربرمی‌گیرد. در این مجموعه، سایه تعدادی از غزل‌های خود را چاپ کرد و توانایی خویش را در سرودن غزل نشان داد تا آنجا که می‌توان گفت تعدادی از غزل‌های او از بهترین غزل‌های این دوران به‌شمار می‌رود.

سایه در مجموعه‌های بعدی، اشعار عاشقانه را رها کرد و با کتاب شبگیر خود که حاصل سال‌های پر تب و تاب پیش از سال ۱۳۳۲ است به شعر اجتماعی روی آورد. مجموعه «چند برگ از یلدا» راه روشن و تازه‌ای در شعر معاصر گشود. از نمونه کارهای وی میتوان به آلبوم دستگاه چهارگاه و نغمه افشاری<sup>[۳۱]</sup> که در سال ۱۳۵۵ توسط کانون فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد اشاره کرد. در این آلبوم نوازندگان برجسته به شکل تکنوازی و گروه‌نوازی در گوشه‌های دستگاه‌ها و آوازهای ایرانی جهت آموزش به نوجوانان علاقه‌مند به هنرنمایی پرداختند. این مجموعه به اهتمام کامبیز روشن روان پدید آمد. در این مجموعه نوازندگان:

سنتور: اسماعیل تهرانی

رباب: محمد دلنوازی

نی: کمال سامع

تار: هوشنگ ظریف

کمانچه: رحمت‌الله بدیعی

شعر آواز: هوشنگ ابتهاج

گوینده: نیکو خردمند

خواننده: محمدرضا شجریان

سایه پس از درگذشت احسان طبری در بهار ۱۳۶۸، مثنوی «قصه خون دل» را به یاد و در رثای او سرود. ترانه «در این سرای بی کسی» از سروده‌های هوشنگ ابتهاج است. بسیاری از کارشناسان برآنند که بخش عمده‌ای از معروفیت ابتهاج، مدیون وابستگی او به حزب توده ایران بوده است.

در مهر ۱۳۹۵ بیست و سومین جایزه بنیاد موقوفات افشار، که در این بنیاد برگزار شد، به هوشنگ ابتهاج اهداء شد. در این جلسه علاوه بر سیدمصطفی محقق داماد و غلامعلی حداد عادل شخصیت‌های برجسته فرهنگی چون محمدرضا شفیعی کدکنی، حسن انوری، فتح‌الله مجتبابی، علی‌اکبر صالحی، سیدرضا صالحی امیری، احمد مسجدجامعی، عبدالحسین مختاباد، ژاله آموزگار و... حضور داشتند.

### کتاب‌شناسی

این مجموعه‌ها بر این پایه‌اند:

- نخستین نغمه‌ها، ۱۳۲۵
- سراب، ۱۳۳۰
- سیاه مشق، فروردین ۱۳۳۲
- شبگیر، مرداد ۱۳۳۲
- زمین، دی ۱۳۳۴

- چند برگ از یلدا، آبان ۱۳۴۴
- یادنامه، مهر ۱۳۴۸ (ترجمه شعر تومانیان شاعر ارمنی، با همکاری نادرپور، گالوست خاننئس و روین)
- تا صبح شب یلدا، مهر ۱۳۶۰
- یادگار خون سرو، بهمن ۱۳۶۰
- حافظ به سعی سایه (دیوان حافظ با تصحیح ابتهاج)
- تاسیان مهر ۱۳۸۵ (اشعار ابتهاج در قالب نو)
- بانگ نی

از این میان سیاه مشق و تاسیان تنها دفترهایی هستند که ابتهاج با تجدیدنظر در محتوا به چاپ‌های بعدی رساند و مجموعه و چکیده همه شعرهایش است. بانگ نی نیز در پاییز ۱۳۹۵ بدون آگاهی او منتشر شد.

### گفتگوها

#### سخنان محمدرضا شفیعی کدکنی در بزرگداشت هوشنگ ابتهاج

در طول چهل و اندی سال دوستی از نزدیک و خوشبختانه بسیار نزدیک، هرگز ندیدم که او هنرمند راستینی، از مردم زمانه ما را به چشم انکار نگریسته باشد. در میان صدها دلیلی که به عظمت او می‌توان اقامه کرد، همین یک دلیل بس که او بر چکاد بلندی ایستاده که نیازی به انکار دیگران ندارد و این موهبتی است الهی. متجاوز از نیم قرن است که نسل‌های پی در پی عاشقان شعر فارسی حافظه‌های‌شان را از شعر سایه سرشار کردند. امروز اگر آماری از حافظه‌های فرهیخته شعر دوست در سراسر قلمرو زبان فارسی گرفته شود، شعر هیچ‌یک از معاصران زنده نمی‌تواند با شعر سایه رقابت کند.

### نشریه مهرنامه

ابتهاج مهر ۱۳۹۲ در گفتگویی با محمد قوچانی، مهدی یزدانی‌خرم و علیرضا غلامی که در مجله مهرنامه منتشر شد گفته بود: «من به سلامت تئوریک سوسیالیسم باور دارم. هنوز باور دارم که هیچ راهی جز سوسیالیسم پیش پای بشر نیست. کمونیسم هم یک آرمان دور است. تا به‌قول معروف یک انسان طراز نوین ساخته نشود که هرکس به‌اندازه کارش بخواهد و بهره‌مند شود، کمونیسم قابل تحقق نیست.»

مهرنامه گفته‌است این گفتگو اولین گفتگوی مطبوعاتی هوشنگ ابتهاج با یک نشریه است.

او در این گفتگو درباره احمد شاملو گفته‌است: «وقتی شاملو مُرد من در مراسم گریه کردم. یکی از دوستان به من گفت سایه گریه می‌کنی؟ فکر می‌کرد من نباید برای شاملو گریه کنم! گفتم این چه حرفی است؟ من برای کدام یک از رفقایم مرثیه ساختم؟ مهدی اخوان، شاملو، کسرابی، شهریار؟ درد نبودن این‌ها چنان برای من عظیم است که اصلاً کلمه پیدا نمی‌کنم.»

### خاطرات

هوشنگ ابتهاج سال ۱۳۹۱ در ۸۵ سالگی خاطرات خود را در گفتگو با میلاد عظیمی در کتاب پیر پرینان‌اندیش عنوان کرد. در این کتاب هوشنگ ابتهاج به بیان عقاید و نظرات خود درباره بسیاری از چهره‌های به‌نام موسیقی، شعر و سیاست در زمان خود می‌پردازد. او در این کتاب تأیید می‌کند که آزادی‌اش از زندان در سال ۱۳۶۳ بعد از نامه محمدحسین شهریار به سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، و بیان این نکته که «وقتی سایه را زندانی کردند، فرشته‌ها بر عرش الهی گریه می‌کنند» صورت گرفته‌است. ابتهاج یک سال بعد از زندان آزاد می‌شود.

سایه دربارهٔ تفریحات دوران جوانی خود می‌گوید: «اساساً چند چیز بود که من هر مصیبتی رو با اون‌ها می‌تونستم تحمل و فراموش کنم: یکی پیش شهریار می‌رفتم و یکی بیلیارد بازی می‌کردم. گاهی روزی چهارده ساعت بیلیارد بازی می‌کردم. توی بازی بیلیارد می‌تونستم مرگ مادرم رو فراموش کنم. هر ناکامی رو فراموش کنم. وقتی بیلیارد بازی می‌کردم انگار که مسخ شده بودم. انگار که ذهن و حافظهٔ من، از من گرفته شده بود. فقط بازی می‌کردم.»

نمونه شعر و ترانه

مطلع غزلی از سایه:

ای عشق همه بهانه از توست

من خاموشم این ترانه از توست

یک دوبیتی از سایه:

مست از خواب برانگیختمش

دست در زلف کج آویختمش

جام آن بوسه که می‌سوخت مرا

تالاب آوردمش و ریختمش

مطلع غزلی دیگر از سایه:

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا

سایه او گشتم و او بُرد به خورشید مرا

شعر نو از سایه:

آفتابا چه خبر؟

این همه راه آمده‌ای

که به این خاک غریبی برسی؟

ار غوانم را دیدی سر راه؟

مثل من پیر شده ست؟

چه به او گفتی؟ او با تو چه گفت؟

نه، چرا می‌پرسم

ار غوان خاموش است

دیرگاهی ست که او خاموش است

آشنایان زبانش همه رفته‌ند

ار غوان ویران است

هر دومان ویرانیم.

نمونه غزل:

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست  
گوش کن با لب خاموش سخن می‌گویم  
روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید  
گرچه در خلوت راز دل ما کس نرسید  
گو بهار دل و جان باش و خزان باش، ار نه  
این همه قصه فردوس و تمنای بهشت  
نقش ما گو ننگارند به دیباچه عقل  
سایه ز آتشکده ماست فروغ مه و مهر

تا اشارات نظر، نامه رسان من و توست  
پاسخم گو به نگاهی که زبان من و توست  
حاليا چشم جهانی نگران من و توست  
همه جا زمزمه عشق نهان من و توست  
ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست  
گفتگویی و خیالی ز جهان من و توست  
هرکجا نامه عشق است نشان من و توست  
وہ ازین آتش روشن که به جان من و توست

## یحیی مدرسی تهرانی



زاده ۱۳۲۴

پیشہ استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یحیی مدرسی تهرانی (متولد ۱۳۲۴، تهران)، زبان‌شناس ایرانی و استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. او دارای دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه ایالتی کانزاس آمریکاست. او سردبیری مجله «زبان و زبان‌شناسی» (مجله انجمن زبان‌شناسی ایران) را بر عهده دارد.

آثار

- درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۸ (برگزیده کتاب سال)
- فرهنگ اصطلاحات دوران قاجار: قشون و نظمیه، یحیی مدرسی، حسین سامعی، زهرا صفوی مبرهن، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی و شورای گسترش زبان فارسی، ۱۳۸۱ (شایسته تقدیر کتاب سال)

- در آمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، آنتونی آراتو، یحیی مدرسی (مترجم)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳
  - تاریخ عمومی آفریقا: زبان‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه گروهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲
  - زبان‌شناسی نوین: نتایج انقلاب چامسکی، نیل اسمیت، ترجمه گروهی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷
  - زبان و رسانه با گرایش به زبان فارسی و رادیو: مجموعه مقالات هم‌اندیشی زبان و رسانه (به‌اهتمام)، تهران: طرح آینده، ۱۳۸۷
-

آریا بهرام  
بزرگان خوش نویسی ایران در طول  
تاریخ 2

## احمد آریامنش



احمد آریامنش ، استاد انجمن خوشنویسان ایران در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی ، در شهر همدان دیده به جهان گشود. او که بنیانگذار اولین خط ایرانی پس از گذر پنج قرن از خلق آخرین سبک شناخته شده خط ایرانی است، خط زیبای کرشمه را در سال ۱۳۷۱ و خط سفیر را در سال ۱۳۸۵ به جامعه هنری ایران و جهان ارائه نمود.

آثار استاد احمد آریامنش، در دو سبک سنتی و مدرن خلق گردیده است. در آثار سنتی استاد، آنچنان هنر اصیل خط ایرانی جلوه گر می شود که گویی نوای دلنشین تار به شبوه خط ، بر بینندگان نمایان می گردد. آثار مدرن استاد بیانگر نگاه استاد به ارتباط بین ناشناخته های این جهان و حالات انسانی است. خود وی می گوید :

"گاهی عمیق ترین معناها از دل ساده ترین حالات و لحظه های آدمی بیدار می شود"  
احمد آریامنش. اسفند ۱۳۹۲

و حقیقتاً معانی عمیق حاکم بر دو جهان را میتوان از آثار مدرن استاد که با دلی صاف و مملو از عشق خلق گردیده است، درک نمود

## فعالیت های آموزشی و پژوهشی

فعالیت های آموزشی و پژوهشی استاد احمد آریامنش علاوه بر تدریس در آموزشگاه خصوصی خوشنویسی خانه هنر کرشمه ، تدریس در مرکز آموزش عالی ولیعصر (کاربرد خط در گرافیک) ، مرکز آموزش عالی و کار قزوین (کاربرد خط در گرافیک) و نیز تدریس در انجمن خوشنویسان ایران، تالیفات کتب مختلف در زمینه خوشنویسی را نیز در کارنامه هنری خود داراست (کتاب حسن همجواری و هماهنگی در نستعلیق ، انتشارات یساولی (سال ۱۳۷۰  
(کتاب تولدی در خوشنویسی (خط کرشمه) ، انتشارات یساولی (۱۳۸۰)  
و کتاب آموزش خط سفیر ، انتشارات برگ نو (۱۳۸۹) از تالیفات استاد احمد آریامنش است

## جوایز هنری و داوری

در کارنامه هنری استاد جوایز متعددی دیده می شود. از استاد نیز به عنوان داور در جشنواره های خط و نقاشی خط نیز دعوت شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره گردیده است

- کسب رتبه سوم در جشنواره بین المللی الجزایر ۱۳۹۲  
 داوری جشنواره بین المللی جوانان گرگان ۱۳۹۲  
 کسب رتبه برگزیده جشنواره بین المللی جهان اسلام، قزوین ۱۳۹۰  
 داوری جشنواره خوشنویسی و خط نقاشی مسجد ۱۳۹۰  
 کسب رتبه اول در جشنواره بین المللی قرآن کریم ۱۳۸۵  
 برگزیده ی جشنواره بین المللی قرآن کریم ۱۳۸۴  
 برگزیده ی جشنواره بین المللی امام علی (ع) ۱۳۷۹  
 کسب رتبه اول دانشجویان در جشنواره خوشنویسی کشور ۱۳۷۱  
 کسب رتبه اول دانشجویان در جشنواره خوشنویسی کشور ۱۳۷۰  
 کسب رتبه اول دانشجویان در جشنواره خوشنویسی در سطح استانی ، همدان (۱۳۶۷ تا ۱۳۶۳)

نمایشگاه های خط و نقاشی خط

آثار استاد احمد آریامنش در بیش از ۲۰۰ نمایشگاه عمومی در سراسر کشور ، نمایشگاه های قرآن و مراکز فرهنگی بین المللی، به نمایش درآمده است . علاوه بر نمایشگاه های عمومی ، آثار استاد در چندین نمایشگاه انفرادی در معرض دید علاقه مندان به هنر خط ایرانی قرار گرفته است

- مجموعه آثار نقاشی خط (عشق شادی است . . .) گالری والی ، تهران ۱۳۹۴  
 مجموعه آثار نقاشی خط (زیر چرخ کبود) گالری ساربان ، تهران ۱۳۹۲  
 مجموعه آثار تلفیقی خط و عکس با عنوان (نور نوشت) گالری شکوه ، تهران ۱۳۹۲  
 مجموعه آثار نقاشی خط، گالری سلربان ، تهران ۱۳۹۱  
 مجموعه آثار نقاشی خط ، قزاقستان ۱۳۹۰  
 مجموعه آثار خوشنویسی و نقاشی خط ، موزه فلسطین (فرهنگستان هنر) ، تهران ۱۳۸۷  
 مجموعه آثار نقاشی خط ، باشگاه ایرانیان، دبی ۱۳۸۶  
 مجموعه آثار نقاشی خط ، نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تهران از سال ۱۳۸۳  
 مجموعه آثار نقاشی خط ، کتابخانه مسکو ۱۳۸۲  
 مجموعه آثار خوشنویسی ، نگارخانه برگ ، تهران ۱۳۸۲  
 مجموعه آثار خوشنویسی ، فرهنگسرای بهمن ، تهران ۱۳۸۱  
 مجموعه آثار خوشنویسی ، نگارخانه سبز تهران ۱۳۸۰  
 یادگار ایام ، همدان سال های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴  
 اشک قلم ، انجمن خوشنویسان ، تهران ۱۳۶۹

برگزاری و ورکشاپ و پرفورمنس

معمولا آنچه برای ما نقل شده و بطور خاص شخصا تجربه کرده ایم این بوده که فضای خلق یک اثر خوشنویسی می بایست بسیار آرام و دور از حضور غیر باشد تا بتواند در این فضای آرامی که برای خود ایجاد می کند ؛ آثار مناسبی را خلق نماید . بررسی و مطالعه موارد فوق احمد آریامنش را بر آن داشت تا نگاهی دیگرگونه به دنیای خط داشته باشد تا فضایی کاملا بکر و نو را تجربه کند ، و رشد تکوینی یک اثر تجسمی از دوران جنینی تا تولد را به نمایش گذارد و به جای اینکه مخاطبین تجسمی در لحظه و آن ، یک اثر را ببینند، آن را در طول زمان و مرحله به مرحله تا سرانجام نظاره کنند . و با اتفاقات ، ریسکها و هیجانات اجرای اثر همراه با هنرمند گام برداشته و همراهیش کنند . از آنجا که گاهی مواقع همراهی دو یا چند اثر هماهنگ با هم می تواند حس لحظه را بیشتر کرده و لحظات نابی را خلق کند در این رویکرد تازه همراهی هنر شنیداری و دیداری مد نظر بوده تا تاثیر پذیری هریک بر دیگری را به نظاره بنشینند

برخی از وورکشاپ های اجراء شده

- وورکشاپ استهکلم - سوئد 1394
- وورکشاپ موسسه فرهنگی اکو ، تهران ۱۳۹۱
- اجرای پرفورمنس خط نقاشی و موسیقی ، گالری ساریان ، تهران ۱۳۹۱
- اجرای اولین پرفورمنس خط نقاشی و موسیقی با عنوان (کنسرت خط) در خانه هنرمندان ایران ، تهران ۱۳۹۱
- مدیر هنری پرفورمنس (کنسرت خط) اختتامیه جشنواره شمسه ، معاونت شهرداری، تهران ۱۳۹۱
- وورکشاپ نمایشگاه بین المملی قرآن ۱۳۸۳

### احمد زنجانی معصومی



عکسی از احمد نجفی زنجانی، پیش از ۱۹۶۸م

احمد نجفی زنجانی معصومی(بابائی)(۱۲۸۷ ش - ۱۳۶۱ ش) روحانی و هنرمند شیعی بود که در انواع خطوط نسخ، ثلث، رقاع، کوفی، نستعلیق، شکسته و طغرا دست داشت.

تولد و زادگاه

احمد نجفی اصالتاً اهل زنجان بود ولی در نجف متولد شده است. پدر وی حسین زنجانی بود. احمد نجفی در سال ۱۲۸۷ شمسی در نجف متولد شد ولی بیشتر عمر را در تهران سکونت داشت.

استادان

او شاگرد هاشم محمد بغدادی و حامدالامدی محسوب می شود و شاگردانی چون غلامرضا خلیج و امیر میرراضی را تربیت کرد و کتابت بسیاری از کتاب های مذهبی را به انجام رساند.

## کتابت قرآن

این روحانی هنرمند پنج بار به کتابت کلام وحی پرداخت که از جمله آنها قرآن رحلی مذهب چاپ هفت رنگ تهران و تحریر جزوه قرآن برای مدارس است. همچنین از آثار در خورتوجه وی چهار بار نگارش سوره اخلاص روی چهار دانه برنج با امضا و تاریخ است. این دانه‌ها دو دانه در کتابخانه امیر در نجف و دو دانه دیگر در تهران است. از دیگر آثار کتیبه‌نگاری آیات قرآنی در اماکن متبرکه عتبات عالیات، سوریه و ایران است.

## نگارش خطوط بنابه‌های تاریخی

احمد زنجانی معصومی (بابائی) کتیبه آرامگاه ابوعلی سینا در همدان، کتیبه مسجد آینه قم، خطوط حرم رضا، و خطوط حرم رقیه در سوریه را به خط ثلث نوشته است. فرزندان وی عبارتند از: یحیی، محمدرضا، محمدتقی، فاطمه، بتول، راضیه

## احمد مشهدی

سید احمد مشهدی یا میر سید احمد (درگذشت ۹۸۶ ه. ق) از خوشنویسان زبردست خط نستعلیق در قرن دهم هجری است. او از سادات حسینی و اهل مشهد بود. پدرش در آستان حضرت رضا خدمت شمع‌ریزی داشت. سید احمد شاعر نیز بود که بعضی از اشعارش به خط خود او موجود است.

سید احمد مشهدی از سادات حسینی مشهد بود که برای تحصیل خط از مشهد به هرات رفت و به خدمت میر علی هروی رسید و جندی نگذشت که سرآمد شاگردان او شد. پس از تصرف کوتاه مدت هرات به دست شیانی‌ها چون میر علی را به بخارا کوچ دادند وی هم به دنبال استاد عازم آن دیار شد. می‌گویند پیاده تا بخارا راه پیمود و در آنجا نیز مدتی شاگردی استاد کرد.

وی پس از درگذشت استادش میر علی هروی چندی در کتابخانه عبدالعزیزخان ازبک به کتابت مشغول بود و پس از فوت وی به وطن برگشت. سید احمد چند سال نیز در دربار شاه طهماسب اول صفوی به کار کتابت و قطع‌نویسی مشغول بود و همین‌طور پس از شاه طهماسب در دربار جانشین وی شاه اسماعیل دوم همین کار را ادامه داد که آوازه خوشنویسی او سبب شد او را به قزوین فرا خواند. سید احمد مشهدی پس از درگذشت شاه اسماعیل دوم به مازندران رفت و در همانجا به سال ۹۸۶ بدرود حیات گفت.

## شاگردان

از شاگردان وی می‌توان حسنعلی مشهدی، علیرضا مشهدی، محمدرحیم مشهدی، قانعی، محمد حسین تبریزی و قاضی احمد بن میرمنشی مؤلف کتاب «گلستان هنر» را می‌توان نام برد.

## جعفر تبریزی

میرزا جعفر بن علی تبریزی یا فریدالدین جعفر تبریزی یکی از استادان خوشنویسی ایرانی در قرن نهم هجری است که با لقب بایسنقری هم از او یاد می‌شود. او بزرگترین نستعلیق‌نویس زمان خود بود. یکی از آثار معروف نستعلیق او شاهنامه بایسنقری است. این شاهنامه هم‌اکنون در یکی از کتابخانه‌های

ایران نگهداری می‌شود. یکی دیگر از کارهای میرزا جعفر تبریزی مرقع نفیسی است در کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان که می‌توان نمونه‌های بسیار عالی از خط ثلث، ریحان، نسخ، رفاع، توفیع و نستعلیق را در آن‌ها یافت.

او رئیس کتابخانه دربار شاهزاده بایسنقر میرزا پسر شاهرخ و نوه هنرمند و هنرپرور تیمور گورکانی بود. او در نگارش هفت قلم مهارت داشت اما در نستعلیق نویسی شهرت یافت. استاد او در این خط عبدالله پسر میر علی تبریزی واضع خط نستعلیق بوده‌است. و از شاگردان صاحب نام او مولانا اظهر تبریزی است.

### زندگی

تاریخ تولد و درگذشت جعفر تبریزی به‌درستی معلوم نیست، ولی از آثار و خطوط برجای مانده از او پیداست که بین سالهای ۸۱۶ تا ۸۵۶ زنده بوده‌است. او از مردم ماهشهر بود، لیکن به دلیل اقامت طولانی در هرات، به هروی معروف شده‌است. از هرات به ماوراءالنهر سفر کرد و سه سال در بلخ ماند، سپس به خوارزم رفت و یک سال در سمرقند اقامت گزید و در بخارا درگذشت. میرزا جعفر تبریزی در سال ۸۸۵ بدرود حیات گفت.

### فعالیت هنری

میرزا جعفر در رواج خط نستعلیق کوشش بسیار نمود و در اندک مدتی آن را مقبول عام و خاص کرد و این خط را از استاد بلاواسطه خود میر عبدالله فرزند میر علی تبریزی آموخت و در آن از بانی نستعلیق، یعنی میر علی، نیز برتر شد. او را در «خطوط اصول» شاگرد شمس‌الدین قطابی مشرقی (متوفی ۸۱۲) بود. با آنکه شهرت عمده‌اش در خط نستعلیق است خطوط دیگر را استادانه‌تر می‌نوشت.

میرزا جعفر پیش از پیوستن به دربار بایسنقر میرزا، در تبریز در دربار میرانشاه بن تیمور به سر می‌برد. لیکن در حقیقت تربیت یافته دربار شاهرخ تیموری و طرف توجه و علاقه خاص پسر او بایسنقر میرزا بود، زیرا سمت استادی دبستان او را به عهده داشت.

میرزا جعفر در یکی از حجره‌های کاخ چهلستون بایسنقر میرزا کتابت می‌کرد و سرآمد چهل کاتب و خوشنویس کتابخانه او بود.

کانون هنری بایسنقر در هرات به‌نام دارالصنایع کتاب سازی معروف بود و کتاب‌های پدیدآمده در این کتابخانه و کانون هنری شامل نفیس‌ترین آثار نگارگری و استادانه‌ترین قطعات خوشنویسی هستند که به زیبایی تمام صحافی و جلدآرایی گشته‌اند. تاریخ تأسیس کتابخانه بایسنقر ۱۴۲۰ م است و این موقعی است که بایسنقر میرزا به فرماندهی قشون برای نجات تبریز از دست ترکمن‌ها به‌آنجا رفته بود و در آنجا هنرمندانی همچون استاد جعفر را با خود به هرات آورد.

مکتب هرات و کانون هنری بایسنقری که به کار کتاب‌آرایی می‌پرداخت را می‌توان ادامه کتابخانه جلاپریان در تبریز دانست که هرچند در زمان قراقویونلوها پایتخت به شروان منتقل و حمایتی از هنر به عمل نمی‌آمد اما بقایای آن هنوز تا زمان رسیدن بایسنقر به تبریز موجود بود و هنگامی که بایسنقر شاهزاده تیموری به فرمان پدرش شاهرخ میرزا به حکمرانی تبریز فرستاده شده او جعفر تبریزی را در آنجا می‌بیند.

یکی از عوامل تجدید رونق خطوط متداول در ایران قرن نهم وجود میرزا جعفر بود. او با تربیت شاگردانی در انواع خطوط، به توسعه و پیشرفت خطاطی در ایران کمک کرد. شاگردان معروف او عبارت‌اند از: اظهر تبریزی در خط نستعلیق؛ شیخ محمود زرین قلم در خفی نویسی؛ عبدالحی منشی استرآبادی در خط تعلیق؛ و مشهورترین شاگرد او، که در ضمن داماد او نیز بود، عبدالله طبّاخ هروی که در خط اصول سرآمد بود.

میرزا جعفر، علاوه بر خطاطی، شعر نیز می‌گفت؛ ترکیب بندی که در رثای بایسنقر میرزا برای تسلیت به شاهرخ گفته، هم هنر شاعری او را می‌نمایاند و هم معرف مقام شاعر نزد شاهرخ است.

#### لقب‌ها

در بسیاری از منابع او را «مولانا جعفر تبریزی» می‌نامند و از آنجایی که از توجه و حمایت شاهزاده بایسنقر میرزا برخوردار بود و به او انتساب داشت اغلب از او با نام «جعفر بایسنقری» (یا بایسنقری) نام برده شده است. لقب دیگرش «عین الاعیان» بود و سلطان علی قاپنی، در خطی که در ۹۱۴ نوشته، او را «قبلة الکتاب» و «کمال الدین» نامیده است.

#### آثار

آثار به جامانده از او، برخی در ایران، و بسیاری نیز در کتابخانه‌های جهان پراکنده است. مهمترین آنها عبارت‌اند از: شاهنامه بایسنقری که به خط نستعلیق و در ۸۳۳ به فرمان بایسنقر میرزا کتابت شده و هم‌اکنون در کتابخانه سلطنتی سابق در موزه کاخ گلستان (ش ۴۷۵۲) موجود است. دیوان اشعار حسن دهلوی که در ۸۲۵ به دار السلطنه هرات تقدیم شده و در کتابخانه مجلس (ش ۴۰۱۷) موجود است؛ نسخه‌ای از کلیات همام تبریزی به خط نستعلیق که در ۸۱۶ کتابت شده و در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. در این نسخه او به نام میرزا جعفر تبریزی خوانده شده است، زیرا هنوز به دربار بایسنقر میرزا راه نیافته بود؛ نسخه‌ای از دیوان حافظ به خط نستعلیق در موزه آثار اسلامی و ترک در استانبول؛ و نسخه دو جلدی (تذهیب شده از گلستان سعدی است که استاد جعفر در ۸۳۰ فراهم آورده است. از نمونه‌های دیگر کار میرزا جعفر تبریزی مرقعی است در کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان که بهترین نمونه خطوط ثلث، ریحان، نسخ، رقاع، توقیع، نستعلیق و تعلیق را می‌توان در آنها یافت..

#### جلال‌الدین اعتضادی

جلال‌الدین اعتضادی (متولد ۱۲۷۵ شمسی) ملقب به «صدر الکتاب» از خوشنویسان مشهور بود.

او فرزند «شیخ اسماعیل اعتضادی» (زاده ۱۲۴۰ ه. ق در آمل) مجتهد دوره ناصری بود که از طرف ناصرالدین شاه ملقب به «اعتضاد العلماء» گردید و طی حکمی مستمری مادام‌العمر برای او تعیین کرد. وی نزد میرزا غلامرضا اصفهانی به مشق خط پرداخت و از جمله خوشنویسان صاحب‌نام شد و استاد کسانی چون رضا مافی بود.

#### زندگی

جلال‌الدین متولد آمل بود و معلومات متداول زمان خود را در یکی از مکتب‌خانه‌های قدیم فرا گرفت و از آغاز جوانی عشق سرشار به خوشنویسی وی را بر آن داشت که با پشتکار کم نظیری شب و روز نزد میرزا غلامرضا اصفهانی خوشنویسی خط نستعلیق را فرا گیرد. میرزا غلامرضا به او بسیار علاقه داشت و از همان روز نخست که وی را مستعد یافتن دقایق این هنر ظریف دید گونه‌اش را بوسید و در پهلوی خویش جایش داد و تا زمانی که جلال‌الدین در خدمت میرزا غلامرضا بود استاد صمیمانه رموز خوش‌نویسی را به او می‌آموخت و در پیشرفتش علاقه‌مندانه می‌کوشید. {میرزا غلامرضا اصفهانی (۱۳۰۴-۱۲۴۶ هجری قمری) ذر ویکی پدیا و بسیاری از سایت‌های دیگر ثبت شده است} سال ۱۳۰۴ هجری قمری که سال وفات میرزا غلامرضا اصفهانی بوده معادل ۱۲۶۱ هجری شمسی

است. تاریخ تولد میرزا جلال الدین 1275 هجری شمسی اعلام شده است پس چگونه ایشان شاگرد میرزا غلام رضا اصفهانی بوده است؟ این البته نکته ای است که باید روشن گردد

جلال الدین همزمان با آموختن این هنر به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و هم در مدارس سعدی، وطن، همایون، ترقی و قدسیه خوشنویسی را به نوآموزان آن مدارس می‌آموخت و برای مدتی نیز مدیریت و مشاکی دبستان ایتم سپهسالار از طرف سلیمان میرزا (عضدالملک) نایب‌السلطنه که نیابت تولید مدرسه ناصری را نیز عهده دار بود به او واگذار شد. اعتضادی پس از سال‌ها تعلیم و تربیت شاگردان در فروردین ماه ۱۲۹۷ رسماً وارد خدمت پست و تلگراف گردید و در مهرماه سال ۱۳۳۶ به تقاضای خود از خدمت دولت بازنشسته شد. این مرد مدارج خدمت را در نهایت صداقت و عزت نفس و علو طبع طی کرد و به پاس خدمات صادقانه خود به دریافت تقدیرنامه و نشان پیام از طرف نخست وزیر وقت نائل آمد. به او لقب «کتاب الملک» داده شده بود. وی در اواخر خدمت و پس از ۱۳۳۹ در دوران بازنشستگی همچنان در آستان قدس رضوی مشغول بود.

استاد در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی در تهران دار فانی را وداع گفت. فرزندان ایشان هوشنگ اعتضادی، ایرج اعتضادی، ناصر اعتضادی، دکتر محمد رضا اعتضادی و بهجت الملوک اعتضادی می باشند

از آثار خطی او چند مرقع و تفسیر قرآن معروف به چاپ اخگر می‌باشد.

### جواد شریفی

**جواد شریفی** متولد سال ۱۲۹۰ در تهران خوشنویس صاحب‌نام و از اساتید معاصر خط نستعلیق به شمار می‌رود او خوشنویسی را نزد پدر خود فرا گرفت. او فرزند میرزا زین‌العابدین شریفی ملقب به «ملک الخطاطین» از شاگردان برجسته محمد رضا کلهر بود همچنین او از شاگردان میرزای کلهر نیز ذکر کرده‌اند کتب بی شمار درسی فرهنگی و غیر آن که به خط جواد شریفی کتابت شده‌است در نزد اهل مطالعه مشهور است.

### زندگی

او در سال 1290 شمسی در تهران متولد شد. از کودکی در محیط هنری خانوادگی کسب فیض نموده و از 15 سالگی مشغول کتابت خط برای ناشران کتاب‌ها بود. جواد شریفی پس از انجام خدمت نظام از مهر ماه 1317 در نخست وزیری مشغول خدمت دولت گردیده و علاوه بر سمت‌های اداری نویسنده‌گی فرامین را به عهده داشته‌است.

### آثار

از آثار وی خوشنویسی کتاب‌های رباعیات خیام، رباعیات باباطاهر، غزلیات شمس تبریزی، کلیات سعدی، شاهنامه فردوسی و تألیف و تحریر رسم‌الخط مدارس را می‌توان نام برد. زیباترین کتاب‌های چاپ ایران که به خط نستعلیق نگاشته شده از قبیل شاهنامه فردوسی مصور، دیوان حافظ و بیژن و منیژه به خط اوست.

حبیب‌الله فضانلی



۱۳۰۱ سمیرم، ایران

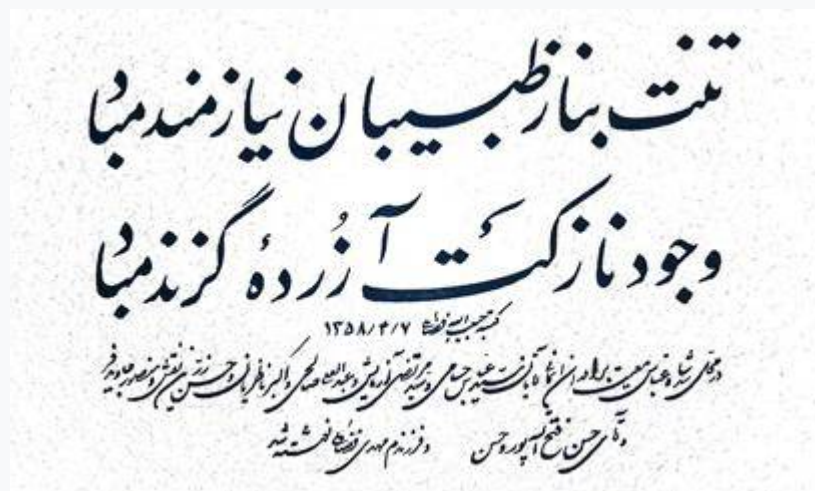
زاده

۱۳۷۶ اصفهان، ایران

درگذشت

خوشنویسی

پیشه



نمونه خط استاد فضانلی

حبیب‌الله فضائی (۱۳۰۱ سمیرم - ۱۳۷۶ اصفهان) فرزند محمد ابراهیم، خوشنویس، محقق و مؤلف معاصر بود.

### زندگی

او در سال ۱۳۰۱ در سمیرم در خانواده‌ای روحانی و خوشنویس متولد شد، پس از چند سال رهسپار اصفهان و مشغول به تحصیل علوم دینی شد و پس از آن به تحصیل علوم جدید پرداخت. در سال ۱۳۴۰ موفق به اخذ مدرک لیسانس از دانشگاه اصفهان در رشته ادبیات فارسی گردید. فضایی از معدود خوشنویسانی بود که در نگارش انواع خطوط اسلامی بویژه نسخ و ثلث تبحر داشت. وی در سال ۱۳۴۸ شعبه انجمن خوشنویسان ایران در اصفهان را تأسیس کرد و سرپرستی آن را به عهده گرفت.

از فعالیت‌های مهم او می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

- برگزاری نمایشگاه‌های خط در داخل و خارج کشور
- سرپرستی انجمن خوشنویسان اصفهان
- عضویت در خانه هنرمندان اصفهان
- عضویت در شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران
- نوشتن کتیبه‌های مختلف در عتبات و سوریه و برخی مساجد و حسینیه‌های اصفهان، شیراز، اهواز و تهران.

حبیب‌الله فضائی در سال ۱۳۷۶ در اصفهان درگذشت و در قطعه هنرمندان باغ رضوان به خاک سپرده شد.

### آثار

از آثار این روحانی محقق در خطوط اسلامی و کاتب قرآن، مصحف شریفی به خط نسخ و همچنین کتیبه‌ای در ضریح حرم علی بن موسی‌الرضا است که بر روی صفحاتی از طلا، سوره یس به خط ثلث تحریر شده است.

### تالیفات

فضایی طی سال‌ها تحقیق، دو جلد کتاب تألیف کرد که هر دو از کتب مرجع مهم در زمینه خوشنویسی به‌شمار می‌آیند:

- کتاب «اطلس خط» که در واقع دانشنامه خوشنویسی و شرح کاملی از تاریخ، شیوه‌ها و مشاهیر خوشنویسی است.
- کتاب «تعلیم خط» که آموزش کامل انواع شیوه‌های خوشنویسی و ابزارهای لازم برای این هنر را معرفی می‌کند.
- مرد آفرین روزگار (زندگی حضرت زینب)، اصحاب رس، تفسیر آیه نور و کتابت گنجینه الاسرار (دیوان عمان سامانی) از دیگر آثار بجا مانده از اوست.
- کتاب «بوستان خط» که مجموعه‌ای نفیس از انواع خطوط اسلامی است که توسط استاد فضائی جمع‌آوری شده است.
- از فضائی دیوان شعری نیز بجا مانده که هنوز به چاپ نرسیده است.

### شاگردان

جمعی از اساتید فعلی خوشنویسی از شاگردان او بوده اند از آن جمله: سید علی ظهیرالاسلام- غلامرضا وکیلی- عباس قناعت- مهدی کریمی- ابوالوفا حسینی- محمدعلی شادمان- مهدی عطریان.

### حسن شیبانی



میرزا حسن شیبانی کاشانی (۱۲۸۰-۱۳۵۰ ش) از خوشنویسان عصر ناصرالدین شاه بود که چندان شهرتی نیافت. با آنکه در زمان حیات خانهاش پیوسته محل اجتماع یاران همدل و هنرشناسان و دین داران بود، اما به سبب فروتنی فراوان تا اندازه زیادی گمنام ماند.

شیبانی از طفولیت به نوشتن انواع خطوط علاقه داشت و با نوعی اشتیاق به ادامه اینکار پرداخت، از این رو در زمان کوتاهی در نوشتن انواع خط، به ویژه تحریری و شکسته پیشرفت کرد و همتراز امیر نظام گروسی و میرزا علیخان امین الدوله دو خوشنویس مشهور دوره ناصرالدین شاه قرار گرفت.

او در سال ۱۲۸۰ خورشیدی در کاشان به دنیا آمد. برخی تولد او را ۱۲۸۵ ذکر کرده اند. تحصیلات ابتدایی و دوره اول دبیرستان را در زادگاه خود به پایان رساند. خوشنویسی کوشش پیوسته روزگارش بود از این رو در هفده سالگی به سبب تبخری که در این زمینه یافته بود در فرمانداری کل کاشان به خدمت دولت درآمد. او پس از یک سال در هجده سالگی به تهران آمد و این سفر تا اندازه فراوانی در تشویق او به نوشتن خط و برخورداری از آثار استادان دیگر پر اثر بود. در تهران یکسالی در وزارت پست و تلگراف به کار مشغول بود و پس از آن به وزارت دارایی رفت و بالاخره پس از ۳۶ سال کار دولتی باز نشسته شد.

او افزون بر خوشنویسی به ورزش باستانی علاقه داشت. خط و ورزش را در کنار یکدیگر ادامه داد تا جایی که از یکی به علت بیماری فلج به اجبار از ورزش دور شد، اما خوشنویسی تا آخرین لحظه های عمر رها نکرد. او در آبان ماه ۱۳۵۰ در مشهد در سن ۷۰ سالگی درگذشت.

استاد حسین غلامی



حسین غلامی

متولد 1342 - تهران

مدرس انجمن خوشنویسان از سال 1365.

مجموعه کتاب مشاعره حافظ/ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

مرقع خوشنویسی رحلت امام/ حوزه هنری.

کتابت اشعار مرحوم اوستا / حوزه هنری (واحد ادبیات).

برپایی چند نمایشگاه انفرادی و شرکت در چندین نمایشگاه جمعی در داخل کشور:

نمایشگاه گروهی در مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس (1367)، نمایشگاه گروهی فرهنگسرای ارسباران، نمایشگاه گروهی فرهنگسرای بهمن، نمایشگاه طریق جاوید دانشگاه تهران (1375)، جشنواره خوشنویسی جهان اسلام (1376)، شاخه نستعلیق (1376)، باکو، دومین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام (1381)، جشنواره امام علی.

نفر اول رشته نستعلیق / 1367.

نفر اول نمایشگاه فرهنگسرای ارسباران.

نفر اول نمایشگاه فرهنگسرای بهمن.

نفر اول نمایشگاه طریق جاوید/1375.

نفر اول جشنواره خوشنویسی جهان اسلام/1376.

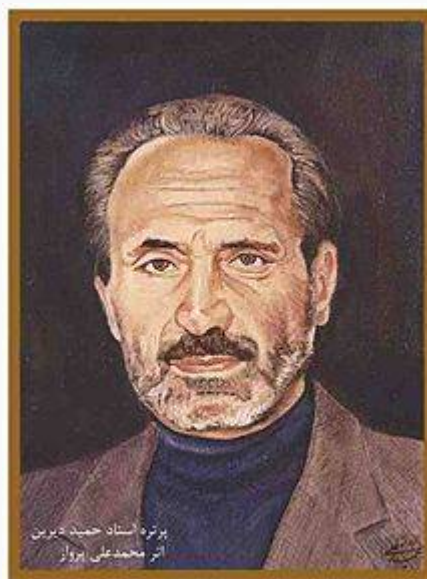
نفر اول شاخه نستعلیق/1376.

نفر برگزیده دومین جشنواره خوشنویسی اسلام/1381.

نفر اول جشنواره امام علی (ع).



## حمید دیرین



چهره حمید دیرین، اثر محمدعلی پرواز

زاده	۱۳۱۵ خورشیدی شیراز، محله بالا کفت
درگذشت	۲۱ آبان ۱۳۷۴
آرامگاه	قطعه هنرمندان حافظیه
پیشه	خوش نویس
کارهای برجسته	پایه‌گذار و نخستین رئیس انجمن خوش نویسان استان فارس در سال ۱۳۴۷
سبک	نستعلیق
مذهب	اسلام، شیعه

**حمید دیرین** (متولد ۱۳۱۵ شیراز) خوش نویس ایرانی، پایه‌گذار و نخستین رئیس انجمن خوش نویسان استان فارس در سال ۱۳۴۷ بوده است.

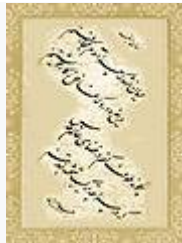
## زندگی

حمید دیرین از دوران کودکی به خوشنویسی علاقه‌مند شد تا این‌که محضر سید حسین میرخانی در تهران را درک کرد و پس از سال‌ها شاگردی، بالاخره در سال ۱۳۴۷ به‌عنوان پایه‌گذار و رئیس

انجمن خوش نویسان استان فارس منصوب شد. او در تدارک افتتاح خانه هنر با هدف تأمین فضای آموزشی و اداری انجمن خوش‌نویسان شیراز بود که در آبان ماه ۱۳۷۴ در اثر سانحه درگذشت. دیرین در دوران تدریس خوش نویسی، شاگردان فراوانی را تا مرحله استادی تعلیم داد.

## گزیده آثار

1. خوش‌نویسی کتاب **پیوند دریا**، مجموعه اشعار سیدعلی مزارعی، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۷.
2. خوش‌نویسی کتاب **گنج نامه**، هوشنگ حکمتی، ۱۳۶۰.
3. تضمینی بر گلچین غزلیات سعدی
4. نیایش با مدادی: ترجمه منظوم دعای صباح، مصحح: محمد نعمتی، انتشارات خرد لقا، قم، ۱۳۷۹.



• گزیده‌ای از آثار خوش‌نویسی حمید دیرین



## شمس الدین ابوالوفا

نام خانوادگی: حسینی متولد سال ۱۳۲۷ شهرکرد

اساتید: مرحوم استاد حبیب... فضائی، استاد نصر... معین، مرحوم استاد فرادی و بعد از دوره ممتاز از روی خطوط مرحوم میرزا محمدرضا کلهر و مرحوم عماد الکتاب

کسب مدرک ممتاز در سال ۱۳۵۸ و جزو اولین کسانی هستم که در اصفهان مدرک ممتاز را اخذ نموده ام

در اغلب جشنواره ها در قسمت اساتید شرکت نموده ام و بیشتر داوری این جشنواره ها را بر عهده داشته ام. پنج نمایشگاه انفرادی برگزار نمودم و در تمام نمایشگاههای جمعی انجمن خوشنویسان ایران و اصفهان از سال ۱۳۵۸ به بعد در داخل و خارج از کشور شرکت داشته ام.

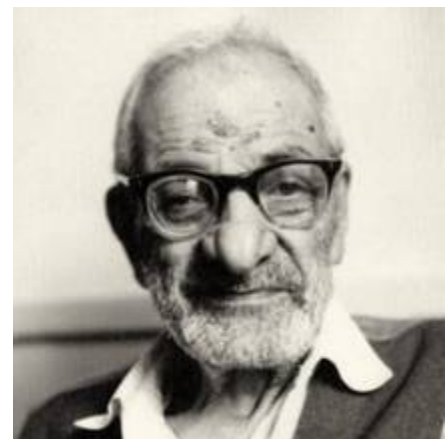
خط تخصصی اینجانب خط نستعلیق و مرکز قلم بنده دو دانک (قلم چلیپایی) می باشد.

توصیه اینجانب به هنرآموزان و خوشنویسان آن است که با توجه به پیشرفتهای علمی و فنی و تکنولوژیکی و در عصر انفجار اطلاعات به آنچه در صفحه مشق می بینند اکتفا نکنند و با استفاده از ابزارهای مدرن - نظیر اینترنت - دید وسیع تری نسبت به مقوله خط و خوشنویسی پیدا کنند.

برخی از آثار:



طاهر خوشنویس



(۱۲۶۸ش، اطراف تبریز - ۱۲ تیر ۱۳۵۵، تهران)

میرزا طاهر تبریزی معروف به خوشنویس در سال ۱۲۶۸ هجری شمسی در یکی از روستاهای شهرستان تبریز چشم به جهان گشود. در سن ۲ سالگی به همراه خانواده راهی تبریز شد و از ۵ سالگی به آموختن قرآن پرداخت.

وی تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه فراگرفت و سپس به واسطه علاقه‌اش به علوم دینی، صرف و نحو و بخشی از فقه را آموخت. در این زمان بود که استعداد خود را در خط کشف کرد و به تمرین از روی نسخ اساتید بزرگ اقدام نمود و به قدری در نگارش خط پیش رفت که در سن ۱۳ سالگی اولین قرآن را در مدت ۴ سال به رشته تحریر درآورد.

در آغاز انقلاب مشروطه، میرزا طاهر ۱۷ ساله بود که برای تدریس در مدارس فیوضات، رشدیه و مموریال دعوت شد و مدت ۱۴ سال به تدریس خوشنویسی مشغول بود و سپس مدت ۳۵ سال نیز به طور رسمی در مدارس تبریز به تدریس پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی به سن ۶۶ سالگی وارد دوران بازنشستگی گردید.

میرزا طاهر در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی به تهران رفت و باقی عمر را در آن شهر زیست تا سرانجام در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در اوج اقتدار و اشتهار هنری، چشم از جهان فروبست و در تهران به خاک سپرده شد.

به سال ۱۳۷۶ هجری شمسی بزرگداشتی برای استاد مسلم نسخ در تبریز برگزار و مقرر گردید قبر وی از تهران به تبریز انتقال یابد و نهایتاً روز ۱۰ بهمن ۱۳۸۴ پیکرش به تبریز منتقل و پس از تشییع گسترده و باشکوه، روحش در مقبره‌الشعرا آرام گرفت.

این استاد بزرگ، کتاب‌های بسیار ارزشمندی را تحریر نموده است که از آن میان می‌توان به قرآن کریم، قرآن عظیم، مفاتیح الجنان، معالم الاصول، خلاصه النحو، رساله رشدیه، ذخیره المعاد، بحر المعارف، ابواب الجنان، جامع المقدمات، تهذیب المنطق، حیدر بابایه سلام، و سرمشهای طاهر خوشنویس اشاره نمود.



## عباس قناعت



شامگاه نهم بهمن ماه ۱۳۳۰ خورشیدی بود که پا به عرصه هستی گذاشت. از همان اوان کودکی به خط و نقاشی علاقه داشت، به طوری که در دوره دبستان سرمشق کلاس را او به جای آموزگار روی تخته سیاه می نوشت تا بچه ها تمرین کنند.

یازده ساله بود که با استاد فضائی آشنا شد و همزمان با تحصیل در کلاس های فوق برنامه استاد شرکت می کرد و از محضر ایشان به مدت دوازده سال بهره مند بود و در خطوط نستعلیق، ثلث، نسخ، شکسته به طور اخص و در سایر خطوط اسلامی به طور اعم تعلیم گرفت. شانزده ساله بود که اولین کتیبه خط ثلث خود را روی کاشی هفت رنگ نوشت. همزمان تعلیم از استاد فضائی از حضور استادان دیگری همچون استاد زنجانی، استاد کاوه، استاد سلحشور به صورت صوری و حضوری بهره گرفت. در این سال ها چندین سال متوالی در مسابقات قهرمان کشوری هنر شرکت جست و به مقام اول نائل شد و به این ترتیب توانست توسط وزیر فرهنگ آن زمان و با حمایت وزارتخانه، مدت هجده ماه در از میر ترکیه از محضر استاد موسی عرفی معروف به حامد الامدی استفاده کند، بعد به مدت شش سال به صورت مکاتبه ای از استاد هاشم محمد بغدادی تعلیم گرفت تا این که خود در خطوط مختلف سر آمد بشد.

از سال ۱۳۵۱ به تعلیم شاگردان بسیاری همت گماشت و در سال ۱۳۵۸ بطور رسمی در کلاس خصوصی و انجمن خوشنویسان تعلیم هنرجویان را بر عهده داشت و تا کنون شاگردان بسیاری در خطوط مختلف از محضر ایشان بهره مند شده اند که هر کدام در جایی مشغول به تعلیم هستند. از سال ۱۳۴۶ تا کنون روزانه بین ۵۰ تا ۸۰ متر کتیبه برای مساجد، حسینیه ها، اماکن متبرکه، نوسازی مدارس، خط و تابلو نوشته است، که مجموع این کتیبه ها حدودا ۹۰۰ هزار متر است و در این مدت ۴۳ سال روزی از نوشتن فراغت نیافته، به طوری که گاهی روزهای تعطیل نیز به نوشتن کتیبه های معرق مشغول است. ایشان در دانشگاه هنر چندین سال به آموزش هنر و خط مشغول بوده و استاد راهنمای بسیاری از دانشجویان می باشد.

از کارهای وی غیر از سراسر ایران می توان به سوریه، عربستان (از جمله پرده کعبه)، کویت، دبی، آلمان، آمریکا، اندونزی، پاکستان، اطریش، مالزی و به طور پراکنده در سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی دنیا نام برد. از کارهای اخص داخل کشور، می توان به کلیه صحن های جدید شاه عبدالعظیم و سردرب جدید شاه چراغ و تعمیرات و بازنویسی کتیبه های حوزه علمیه قم در سبک های صفویه، زندیه، قاجاریه و کتیبه های امامزاده عبدالله زید برادر شاه عبدالعظیم حسنی و مهدیه بزرگ سمنان، دانشگاه ارومیه، ارگ جدید بم (مسجد جامع) و غیره

عبدالحمید ملک الکلامی	
نام اصلی	عبدالحمید ملک الکلامی
زاده	۱۲۶۲ خورشیدی سنندج، کردستان
درگذشته	۱۳۲۸ خورشیدی تهران
آرامگاه	تهران
لقب	امیرالکتاب
زمینه کاری	خوشنویس
دلیل سرشناسی	خوشنویس
پدر و مادر	ملک الکلام مجدی

**عبدالحمید ملک الکلامی** معروف به **امیرالکتاب** (۱۲۶۲-۱۳۲۸ ه.ش) یکی از خوشنویسان ایران است. وی به نستعلیق، ثلث، نسخ، شکسته نستعلیق مسلط بود. او خطاطی مبتکر و فرزند میرزا عبدالمجید ملک الکلامی اهل سفز و معروف به ملک الکلام مجدی یا میرزا مجدالدین ملک الکلام کردستانی است. او در سال ۱۲۶۲ ه.ش در سنندج کردستان چشم به جهان گشود و در مهرماه ۱۳۲۸ ه.ش در سن شصت و چهار سالگی درگذشته و در تهران به خاک سپرده شده است.

او در انواع خطوط نسخ، ثلث، رقاع، نستعلیق و شکسته از استادان مسلم بود. این هنر مند خطوط طغرابی را بسیار زیبا می نوشت و در ساختن مرکب و آهار و مهره کردن کاغذ استاد بود. افزون بر خط، او در نقاشی آبرنگ نیز دست داشت. عبدالحمید ملک الکلامی به نقاری و حکاکی مسلط بود و بعضی سرسکه های ضرابخانه دولتی آن زمان را او تهیه کرده است.

قریحه شاعری را از پدر به ارث برده بود و «شرقی» تخلص می کرد. کتیبه های آرامگاه حافظ در شیراز و کتیبه های حجاری شده موزه ایران باستان به خط ثلث اوست.

## آثار

برخی از آثار امیرالکتاب عبارتند از :

- کتیبه ثلث سردر موزه ایران باستان
- کتیبه سردر کتابخانه ملی و دارالفنون
- کتیبه آرامگاه حافظ در شیراز
- کتیبه رضاشاه پهلوی (ناتمام)
- کتیبه برنجی دانشگاه تهران
- سردر مدرسه نوبنیاد تهران
- دیوان مرحوم حاج ملک‌الکلام به خط نستعلیق کتابت ممتاز (۱۳۳۶ق) تهران چاپ سنگی
- کتیبه چندین ابنیه فرهنگی در تبریز و دیگر شهرهای ایران
- تابلوی «وشاورهم فی الامر» (۱۳۳۲ق) مجلس شورای ملی

## علی آقاحسینی

**علی آقاحسینی** (۱۳۴۱-۱۲۹۰ ش) از خوشنویسان و نستعلیق‌نویسان سده چهاردهم هجری است. علی آقاحسینی در طالقان به دنیا آمد و پس از پایان دبیرستان برای تحصیل علوم قدیم به مدرسه سپهسالار در تهران رفت. در خوشنویسی از محضر محمدحسین خوشنویسان و میرزا حسن‌خان عاصمی استفاد کرد و سرانجام به مکتب عمادالکتاب راه یافت. او را از شاگردان معروف عماد الکتاب می‌شناسند و از دست او گواهی‌نامه خوشنویسی گرفت. علی آقاحسینی در کلاس عمومی تعلیم خط هنرهای زیبا به عنوان استاد مشغول شد. آقاحسینی در خط نستعلیق به ویژه جلی خوش درخشیده‌است. او شاگردانی چون عباس اخوین را تعلیم داد.

## علی ظهیرالاسلام



من، سید علی ظهیرالاسلام ششم خرداد ماه ۱۳۲۱ شمسی در محله بید آباد متولد شدم و آغاز طفولیت در بیت تقوی و فضیلت و روحانیت اصیل و سیادت به دامان پر مهر و محبت مادری وارسته پرورش یافته و تربیت شدم در دوران کودکی و نوجوانی به هنر خط و خوشنویسی علاقمند شده و در اثر تشویق زنده یاد استاد مسلم هنر خوشنویسی مرحوم آقا میر سید محمد مهدی خلیقی پور رضوان الله تعالی علیه

پدر ارجمند والده ام از یک طرف و تشویق زنده یاد والد ارجمند عالم ربّانی و عارف وارسته ادیب عالی مقام و شاعر گرانمایه مرحوم آیت الله حاج سید مرتضی ظهیر الاسلام رضوان الله تعالی علیه مدرس حوزه علمیه اصفهان از طرف دیگر در دوران تحصیلات ابتدائی به این هنر ارزشمند اصیل اسلامی اشتیاق فراوان پیدا نمودم و هنر جوی باوفای زنده یاد مرحوم استاد حبیب الله فضائلی رضوان الله تعالی علیه که ایشان نیز سالها در خدمت حضرت استاد خلیقی پور تلمذ فرموده و کسب فیض نموده و به فراگیری هنر خط نستعلیق مشغول بوده اند ناگفته نماند در اثر ارادت خاصی که حضرت والد به حضرت استاد فضائلی داشته و استاد هم از مریدان با اخلاص ایشان بودند و بحث و مباحثه های علمی با هم داشتند توفیق رفیق گردید و افتخار بیشتر در محضر استاد بودن نصیبم گردید در دوران تحصیلات ابتدائی و سیکل اول در دبستان و دبیرستان از وجود ذیجودشان بهره بردم و بعد از پایان تحصیلات دبیرستان چون عشق به هنر والای معلّمی داشته و اندوخته های فراوانی در رشته های طراحی و نقاشی و هنر خط و خوشنویسی داشتم

به لطف پروردگار در مهر ماه ۱۳۴۳ بعنوان دبیر این سه رشته هنری به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) در آمدم و در مدارس به تدریس و تعلیم اشتغال ورزیدم و با ادامه تحصیلات شبانه همراه با عشق و شور زاید الوصفی در ضمن داشتن سمت والای معلّمی دوره های مختلف کارآموزی ها و بازآموزی ها و دانش آفرینی های مربوطه و با طی دوره های تربیت مدرس هنر از طریق مرکز آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش در دانشگاه ابوریحان و دانشگاه تهران و دوره کارآموزی تدریس نظام جدید آموزش متوسطه رشته هنر خوشنویسی را نیز در تربیت معلّم شیخ طوسی در نیشابور با موقّیت گذرانده و با اخذ گواهی نامه های مربوطه علاوه بر پست دبیری به فضل پروردگار به خاطر استعداد فراوانی که داشتم به انجمن خوشنویسان اصفهان راه یافته و با طی کلاسهای حضوری و افتخار شاگردی زنده یاد حضرت استاد حبیب الله فضائلی رضوان الله تعالی علیه و آزمون های مربوطه در سال ۱۳۶۲ به اخذ مدرک عالی و در سال ۱۳۶۴ به اخذ مدرک ممتاز هنر خوشنویسی از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردیدم

چون یکی از مدرسین مرکز آموزش ضمن خدمت استان اصفهان نیز بودم در مراکز تربیت معلّم اصفهان به تدریس و تعلیم و آموزش هنر خط و خوشنویسی پرداختم و بمدّت ۱۸ سال سرگروه هنر اداره آموزش و پرورش ناحیه پنج اصفهان بوده و به انجام وظیفه سرگروهی مشغول بوده ام و با داشتن سی سال سابقه خدمت رسمی در وزارت آموزش و پرورش و کسب تجربیات با عنایات خاصه خداوند متعال و در ظلّ عنایات حضرت ولیّ عصر امام زمان (عج) و به مدد مولای متقیان امیرالمومنین حضرت علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و یاری اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و به پشتوانه دعاهای خیر پدر ارزشمند و مادر ارجمندم از سال ۱۳۶۴ تا کنون مدرس انجمن خوشنویسان اصفهان بوده و می باشم و در حوزه های علمیه نیز سرگرم تدریس و تعلیم هنر والای خوشنویسی بوده ام

ناگفته نماند موقّیت هنرمند و جذّابیت در یک اثر هنری مربوط به رعایت جنبه های اصولی و ترکیب و انطباق با موازین صحیح و نیز الهام گرفتن هنرمند از طبیعت و تفکراتش می باشد و این امری است اکتسابی که مستلزم طی مراحل است و در طی این طریق لازم است هنر با علم و تجربه و تقوی الهی و تزکیه نفس توأم گردد تا فضائل

و کمالات و صفای باطن حاصل گردد و به درجه عالی شأن و صفا نائل آید

که صفای خط از صفای دل است

داند آنکس که آشنای دل است

زیرا هنر بدون تعهد اخلاقی و حسن خلق نه تنها به تکامل نمیرسد بلکه به انحطاط می گراید هنرمند متعهد و متدین در رویا رویی با مشکلات با حسن خلق و صبر و استقامت و توکل به حضرت حق و با آرامش خاطر خود را حفظ می کند و همچنان مقاوم و استوار و بدون تزلزل فکری به ابتکارات و

خلاقیت ها و ابداعات و نوآوری ها می پردازد و هنر آموز و مدرّس و استاد دلسوز کسی است که همواره ، از درگاه پروردگار مدد جسته و با داشتن سجایای اخلاقی و حسن انتخاب در گزینش موضوع بعنوان سرمشق جهت هنرجویان عزیزش به لحاظ اثر تربیتی آن توجه کامل داشته زیرا سرمشق هنر خط خوشنویسی آثار عجیبی در اعماق وجود هنر جو خواهد گذاشت و از طریق آن می توان گرایش های تعهد و تدبّین و پرهیزکاری و خدانشناسی را در او ایجاد نمود نظام کاری و حسن برخورد با هنر جو و چگونگی اداره کلاسهای مربوطه شایسته نیز سهم به سزائی خواهد داشت و بیان و قلم دور کن مهم سلاح آگاهی و دانائی افراد جامعه می باشد و صلاح است این دو سلاح همچنان مقاوم و پایدار بماند بنابراین مراتب فوق الذکر نظر شخصی و اعتقادی من است که حاصل اندوخته ها و تجربیات چندین ساله تدریس و تعلیم آموزش اینجانب می باشد ناگفته نماند به فضل الهی در سال ۱۳۸۶ نیز به **(هدامن فضل ربّی)** . اخذ مدرک فوق ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نائل گردیدم

به تعلیم خط چون مرا کار شد	شب و روز تعلیم و تکرار شد
به تعلیم و تدریس درس هنر	نمودم به سی سال بحث هنر
به نشر معارف چو پرداختم	هنرهای زیبا بیاموختم
همی یار و یاور به اهل هنر	که در جان آنها نمودم اثر
زبان قلم شد بیان هنر	پدیدار کردم جهان هنر
حمایت نمودم چو از انقلاب	هنر را کشیدم به کار ثواب
شعار فراوان نوشتم ز جنگ	نکردم در این ره زمانی درنگ
حمایت نمودم ز خون شهید	کلام خدا را بدادم نوید
مدارس ز کارم بشد بهره ور	هنرجو ز کارم گرفته ثمر
پدر گونه هستم به شاگرد خویش	چه گلها که پرورده بر گرد خویش
ز دریای مهر پدر موج موج	ز دامان مادر رسیدم به اوج
به بیستی که از علم سرشار بود	درخت وجودم چه پر بار بود
رقم از برای شهیدان زدم	قلم ها بسی بهر ایران زدم
اصالت نگه داشتم بهر خط	نهال خرد کاشتم بهر خط
زدم سایه روشن چو در خط خویش	چو امواج دریا که باشد پریش
ز جذر و زمدش قلم بهره ور	از این رو بشد جلوه گر این هنر
الانوجوانان اهل هنر	عزیزان هشیار صاحب نظر
بدارید حرمت ز استاد خویش	دلش را مسازید از غصّه ریش
که هر چیز دارید از لطف اوست	که فرض است او را بدارید دوست

چو شمعی فروزان بود اوستاد  
می عشق باشد چو در جام من  
دو صد شکر یزدان پاک و دود  
ظهیرم) گشودم هنر را دری  
حسامی) بگفتاز عشق تمام  
میر زحمتش را تو هرگز ز یاد  
بود میر سید علی نام من  
که درهای رحمت به رویم گشود  
ز خط جلی هم ز نوآوری  
درو خدا بر شما والسلام  
برخی از آثار:



علی عبدالرسولی



نام پدر: ملا عبدالرسول فیروز کوهی مازندرانی  
تخلص: ثابت

تولد و وفات: (۱۲۵۸ / ۱۳۲۲) شمسی

محل تولد: ایران - تهران

شهرت علمی و فرهنگی: خطاط ، مصحح ، مترجم ، استاد دانشگاه و شاعر

علوم مقدماتی را از فاضل عصر و پدر خود فراگرفت و در فنون ادبی از سید احمد ادیب پیشاوری سود جست. در ۱۳۱۴ ش رساله‌ای در باب عرفان و تصویر نوشت و از دانشگاه تهران به اخذ دکترا و

مقام استادی نایل آمد. خطوط نسخ و ثلث و شکسته را به خوبی می‌نوشت و از استادان خط به‌شمار می‌رفت. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. عبدالرسولی بیشتر به تصحیح متون قدیم و دیوان‌های شعر می‌پرداخت. از آثار وی: تصحیح "دیوان" فرخی سیستانی؛ تصحیح "دیوان" خاقانی؛ تصحیح "دیوان" سروش اصفهانی؛ تصحیح "دیوان" میرزا ابوالحسن جلوه؛ تصحیح "دیوان" محمودخان صبا؛ "رساله شطرنجیه"، ترجمه

### علی منظوری

علی منظوری حقیقی خطاط و شاعر ۱۲۶۴ در تفرش به دنیا آمد. از کودکی به آموختن خط پرداخت و در جوانی به خوشنویسی شهرت یافت و مورد توجه اولین استاد خود، سید حسین خوشنویس باشی قرار گرفت. پس از مدتی به تهران آمد و مقیم شد و به کتابت و قطع‌نویسی و فرمان نگاری پرداخت. در ۱۳۰۰ ش، کارمند اداره‌ی مجلس شد و در آنجا با عماد الکتاب آشنا گردید و شیوه‌ی خود را به روش او - که خود پیرو میرزا رضای کلهر بود - گردانید. وی علاوه بر نستعلیق، خط شکسته تحریر را نیز خوش می‌نوشت و در کتیبه‌نویسی هم مهارت داشت. منظوری شعر می‌گفت و غزل‌های عارفانه‌ی وی جمع‌آوری شده ولی به چاپ نرسیده است.

از شاگردان او، فرزندش، عباس منظوری است. وی در صحن مزار حضرت معصومه (ع)، در قم مدفون است. از آثار او: يك دوره رسم المشق به عنوان «نگارش منظوری»، که سالها در مدارس ایران مورد استفاده بود؛ يك نسخه «گلستان» سعدی و يك نسخه «رباعیات» خیام، که به چاپ رسیده است؛ يك نسخه «بوستان» سعدی و «لیلی و مجنون» نظامی و منتخب «تفسیر منظوم» صفی‌علیشاه و جنگ‌های متعدد؛ يك نسخه منتخب «خمسه‌ی» نظامی، به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم‌های: «هزاران شکر خدائی را که توفیق نوشتن عطا فرمود... در روز چهارشنبه بیست و ششم امرداد ماه یک‌هزار و سیصد و نوزده خورشیدی، وقتی که مرا عمر در حدود پنجاه و دو سال بود... علی منظوری پور شاه اویس...» و «تقدیم کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی بنمود علی منظوری حقیقی ۱۳۲۰»؛ اثر گرانبهای او، کتیبه‌های سر در ورودی مقبره‌ی نور علی‌شاه، در صحن امامزاده حمزه، در شهر ری و چند کتیبه در مساجد و تکایا و بقاع اطراف تفرش وی در تاریخ ۱۳۲۹ درگذشت.

### غلامرضا وکیلی مطلق



تولد سال ۱۳۳۴ - اصفهان

شروع به خوشنویسی از سال ۱۳۵۰ بصورت کلاسیک

استفاده از محضر استاد حبیب الله فضائلی و همچنین قدما

اخذ مدرک ممتاز به سال ۱۳۶۱

تدریس در انجمن خوشنویسان قبل از تاسیس رسمی و همچنین ادامه با تاسیس رسمی تاکنون

تربیت حدود ۱۹۰ نفر ممتاز، ۱۲۲ نفر در شکسته نستعلیق و حدود ۶۸ نفر در نستعلیق

مسلط به خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق

موسس بخش شکسته نویسی انجمن خوشنویسان اصفهان و راه اندازی بخش شکسته نویسی شهرکرد

نمایشگاهها :

برگزاری نمایشگاه در کشورهای آلمان در سال ۱۹۹۳ (زالبروک)، و کشور سوئیس در سال ۲۰۰۶ (زوریخ)، که همراه با دو سخنرانی تخصصی در دانشگاه زوریخ در زمینه خوشنویسی همراه بود

برگزاری ۷ نمایشگاه انفرادی

دو نفری به همراه استاد فضائلی

دو نفری به همراه استاد فروزنده

و همچنین شرکت در کلیه نمایشگاه های جمعی انجمن خوشنویسان ایران

داوری ها :

داور جشنواره کشوری ثامن الائمه، به همراه استاد یدالله کابلی خوانساری، استاد جلیل رسولی و استاد صمدی

داور جشنواره صلاهی قدسیان

داور اکثر جشنواره های دانشجویی

افتخارات :

نفر برتر جشنواره خوشنویسی فجر

نفر اول جشنواره طریق جاوید

(نفر اول جشنواره امام رضا(ع)

نفر اول مسابقات خوشنویسی ارشاد - تهران

متاهل - دارای سه فرزند می باشم

خط بهترین بهانه برای زیستنم

خط بهترین پیوند نگاه دل و زبان

خط بی تکلف ترین نمود تاریخمان

برخی از آثار



فتحعلی واشقانی فراهانی



زاده	۴ بهمن ۱۳۰۹ روستای واشقان، فراهان، استان مرکزی
درگذشت	۱۳ آبان ۱۳۹۱ (۸۱ سال)
شناخته شده برای	خوشنویسی

**فتحعلی واشقانی فراهانی** (زاده ۴ بهمن ۱۳۰۹ - درگذشته ۱۳ آبان ۱۳۹۱) خوشنویس صاحب‌نام معاصر در خط نستعلیق و اولین مدرس انجمن خوشنویسان ایران است.

فتحعلی واشقانی طی سال‌ها در کنار استادان دیگر جزو هیئت داوران انجمن خوشنویسان ایران در زمینه خط نستعلیق بوده است. وی همچنین به عنوان مربی و معلم خط نستعلیق در کلاس‌های انجمن خوشنویسان ایران از سال ۱۳۴۶ نیز فعالیت کرده است و از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان استان مرکزی است که از بدو تأسیس تا کنون، این همکاری ادامه داشته است.

وی شاگرد استادان سیدحسین میرخانی و سیدحسن میرخانی است. به یاد او امروزه خیابانی در شهر فرمهبین به نام استاد واشقانی نامگذاری شده است.

فتحعلی واشقانی در سال ۱۳۰۹ در روستای واشقان از توابع فراهان استان مرکزی متولد شد. در اوایل کودکی نخست به فراگیری قرآن و تحصیلات مکتبی و تمرین خوشنویسی پرداخت. اولین استادش در خط، میرزا ذبیح‌الله واشقانی بود که اولین سرمشق را بر لوح چوبی با عبارت «اول کارها به نام خدا» تعلیم کرد.

وی در سال ۱۳۳۵ به تهران مهاجرت کرد و در کلاس استادان بزرگی همچون سیدحسین و سیدحسن میرخانی شرکت نمود و مراحل رشد در خوشنویسی را طی کرد. انجمن خوشنویسان ایران در سال ۱۳۴۳ او را به عنوان اولین مدرس خود انتخاب نمود و بسیاری از شاگردان ایشان هم‌اکنون در انجمن خوشنویسان ایران به عنوان مدرس فعالیت می‌کنند. او در سال ۱۳۵۹ به تشخیص استادان سیدحسن و سیدحسین میرخانی، علی‌اکبر کاوه و ابراهیم بوذری به درجه استادی رسید.

وی در سال ۱۳۶۷ به استناد آثار قلمی و نمایشگاه و فعالیت فرهنگی هنری که از وی به جا مانده بودگواهینامه درجه یک هنری که معادل مدرک دکتری است را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد.

استاد ضمن برگزاری کلاس‌های آموزشی به تأسیس انجمن خوشنویسان در شهرهای اراک، فراهان، تفرش، آشتیان، ساوه، مامونیه، دلجان، محلات، خمین، شازند، کمجان، خنج، اوز، گراش، لار، لامر و بستک اهتمام ورزید.

او در سال ۱۳۷۱ به عنوان نماینده ایران برای اشاعه هنر خوشنویسی به کشور یمن رفت و در سال ۱۳۷۵ نیز به همراه سایر استادان به کشور جمهوری آذربایجان سفر کرد. وی در سال ۱۳۷۵ از اکبر هاشمی رفسنجانی لوح تقدیر دریافت کرد.

#### وفات

فتحعلی واشقانی فراهانی مدتها از بیماری سرطان ریه و سرطان مثانه رنج می‌برد و سرانجام در روز ۱۳ آبان ۱۳۹۱ ساعت ۱۷:۳۰ بر اثر پیشرفت بیماری سرطان در سن ۸۲ سالگی درگذشت. پیکر وی در روز ۱۶ آبان در روستای واشقان به خاک سپرده شد.

## آثار

تاکنون کتاب‌های زیر به خط فتحعلی و اشقانی به چاپ رسیده‌است:

- ترجمه قرآن مجید
- جلی قلم
- کلک مشکین
- آیت مهر
- دیوان حافظ
- مشق مشکین

## محمدحسین خاتون‌آبادی

میرمحمدحسین خاتون‌آبادی اصفهانی (درگذشته ۱۱۵۱ قمری)

فرزند محمدصالح، شیخ‌الاسلام اصفهان در اوایل سده دوازدهم هجری بود. او فقیه، محدث، مفسر، شاعر و خوشنویس بوده است.

میرمحمدحسین فرزند میر محمدصالح بن عبدالواسع بن میر محمد صالح بن میر اسماعیل بن میر عمادالدین خاتون‌آبادی، دخترزاده علامه مجلسی بود که نزد پدر خود محمدصالح خاتون‌آبادی که شاگرد خاص میرعماد بود و نیز از جمال الدین محمد خوانساری به آموختن هنر و علوم پرداخت. او شعر می‌گفت و منشی زبردستی بود، و انواع خطوط را نیکو می‌نوشت. وی در سال ۱۱۵۱ قمری در اصفهان درگذشت و جنازه او را به مشهد منتقل نموده، در سرداب مدرسه میرزا جعفر به خاک سپردند.

در کتاب «تاریخ اصفهان» تألیفات چندی از جمله «نجم‌الثاقب» به او نسبت داده شده در حالی که در «الذریعه» این کتاب از جمله کتب پدر وی قلمداد شده‌است.

فرزندش، میر عبدالباقی (درگذشته ۱۲۰۷ ق)، از بزرگان علمای نیمه دوم سده دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم قمری است که در نجف مدفون گردیده است.

## محمدعلی شادمان



محمدعلی شادمان فرزند حسینعلی در سال ۱۳۳۶ در شهرضا چشم به جهان گشود.

و از سال 1353 نزد استادانی چون مرحوم استاد حبیب اله فضائلی، استاد امیرخانی و استاد کابلی به یادگیری خوشنویسی همت گماردند  
 از سال 1360 مدرس انجمن خوشنویسان اصفهان شدند. در سال 1363 کلاس های انجمن خوشنویسان را در شهرضا دایر کردند و تا سال 1368 مدرس انجمن خوشنویسان شهرضا نیز بوده اند  
 برخی از افتخارات ایشان به شرح زیر است :

- 1 دارای مدرک استادی از انجمن خوشنویسان ایران
  - 2 اخذ مدرک درجه 2 هنری در سال 1373
  - 3 آموزش خوشنویسی در اصفهان ،موسس انجمن خوشنویسان شهرضا مدیر و مدرس آن از سال 1364-1368
  - 4 مدرس انجمن خوشنویسان اصفهان از سال 1361 و عضو شورای انجمن خوشنویسان اصفهان چندین دوره
  - 5 مدرس مراکز آموزش عالی فرهنگیان اصفهان ، دانشگاه آزاد، دانشگاه های فنی حرفه ای شهید مهاجر، سروش و سمیه
  - 6 شرکت در نمایشگاه های جمعی انجمن خوشنویسان ایران در اصفهان ، تهران، ساری، رشت و لاهور پاکستان
  - 7 برگزاری نمایشگاه انفرادی در استان تهران ، خرم آباد و اصفهان
  - 8 خوشنویسی کتیبه ثلث مسجد ولایت کوالالامپور(مالزی) در ابعاد 1/5 متر در 72 متر و کتیبه مسجد شرافت مالزی
  - 9 خوشنویسی کتاب خطبه حضرت فاطمه زهرا(س) و خوشنویسی دیوان حافظ-
- استاد محمدعلی شادمان در 29 آبان ماه 1399 در اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت  
 جای ایشان برای همیشه در آوای جاوید خالی خواهد بود  
 هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق...

### محمود رهبران



وی در سال ۱۳۴۱ در یزد متولد شده است و بیست و پنج سال است که خوشنویسی می کند .  
 استادان او استاد صالح یزدی ، استاد حمید دیرین و در نستعلیق از محضر استاد امیر خانی و شاگردانش  
 چون استاد شیرازی بهره مند شده است .  
 خط شکسته را از استاد کابلی آموخته است .  
 وی در چندین نمایشگاه داخل و خارج شرکت جسته در چهار دوره جشنواره خوشنویسی رضوی مقام  
 نخست داشته ، چهار مقام بین المللی از دبی و ترکیه بدست آورده است .  
 کتاب حافظ و گلشن راز و مناجات نامه را خطاطی نموده است .

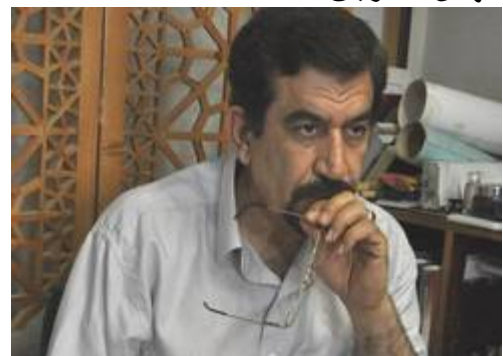
## مرتضی برغانی



آقا سید مرتضی برغانی (زاده ۱۲۳۸ ش - درگذشت ۱۳۰۸ ش) از اساتید بنام خوشنویسی در  
 خط نستعلیق در اواخر دوره قاجار و از شاگردان ممتاز میرزا محمد رضا کلهر بود.

مرتضی برغانی از نظر اشاعه هنر خوشنویسی و شیوه نستعلیق نویسی کلهر ، مهمترین شاگرد میرزای  
 کلهر محسوب می شود؛ چرا که او این شیوه را به دو فرزند خود حسین و حسن میرخانی تعلیم داد. این  
 دو استاد که با یک واسطه شاگردان مرحوم کلهر به شمار می روند از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان  
 ایران بودند و در آموزش خوشنویسان معاصر کوشش بسیار کردند و موفقیت چشمگیری بدست آوردند.  
 او مدتی در هندوستان بسر برد و آثاری را برای چاپ سنگی نوشت که در آخر آنها «مرتضی الحسینی  
 الیرقانی» رقم شده است. در واقع سید مرتضی برغانی تنها یا دست کم مهمترین حلقه اتصال  
 خوشنویسان معاصر به سلسله خوشنویسان دوره قاجار است.

## مهدی عطریان



مهدی عطریان، متولد سال ۱۳۳۶، شهر اصفهان  
حضور در کلاسهای استاد حبیب ... فضائی در سال ۱۳۵۲  
اخذ مدرک ممتاز در سال ۱۳۶۱ از انجمن خوشنویسان ایران  
تلمذ تحت اساتیدی چون نصر الله معین و غلامحسین امیرخانی

موفقیت ها :

کسب رتبه اول مسابقات ۸ سال دفاع مقدس در رشته شکسته و نستعلیق  
کسب جایزه ویژه مسابقات خوشنویسی بین المللی یادبود حامد الامدی در استانبول - ۱۹۸۶  
احراز جایزه ویژه هیأت داوران یادبود یاقوت مستعصمی در استانبول ترکیه - ۱۹۹۰  
رتبه سوم خط نستعلیق در مسابقات بین المللی یادبود شیخ الحمد الاممی - ۱۹۹۸  
کسب جایزه ویژه مسابقات بین المللی ترکیه یادبود سید ابراهیم در دو خط کتابت و نستعلیق - ۲۰۰۱  
- کسب لوح افتخار برای اثر برتر در جشنواره خوشنویسی جهان اسلام



### مهدی کریمی

مهدی کریمی سفید دشتی در سال ۱۳۳۱ در اصفهان متولد شد تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مدیریت و حسابرسی گذراند و برای نیل به وصال هنر در عرصه خوشنویسی ذوق آزمایی نمود از این رو ، وی توانست موفقیت‌های پی در پی را در این زمینه کسب نماید و بعنوان اولین ممتازان استان اصفهان شناخته شد و در سه سال متوالی ( ۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷ ) عنوان مقام اول را به خود اختصاص داد.

وی سابقه تدریس در مراکز تربیت معلم و دانشگاههای آزاد و دولتی را به ۳۳ سال رسانده و آثار او نماد علاقه مندی وی به آموختن و انتقال تجربه است. استاد کریمی علاوه بر برگزاری نمایشگاه های متعدد انفرادی و دسته جمعی در داخل و خارج کشور و با حضور در برنامه های متعدد تلویزیونی و رادیویی بعنوان یک چهره درخشان در عرصه هنر تجربه نموده و در کنار تمام قابلیت‌های کسب نموده عضویت وی در انجمن خوشنویسان اصفهان و ستاد برنامه ریزی آموزش ابتدائی و ستاد تغیر بنیادی

نظام آموزش و پرورش و تدوین ۵ جلد کتاب و چاپ ۱ جلد کتاب شخصی وی را بعنوان هنرمند شایسته و پر کار به دستداران هنر و هنر پرور معرفی نماید

میرزا ظهیرالدین ابراهیم اصفهانی (درگذشته ۹۸۹ قمری/۹۶۰ خورشیدی) از خوشنویسان و ادیبان سده دهم هجری و معاصر با شاه تهماسب یکم صفوی است.

زندگی‌نامه

میرزا ابراهیم فرزند میرزا شاه حسین اصفهانی «وکیل نفس نفیس همایون» شاه اسماعیل یکم است. مهمترین اثر او واژه‌نامه‌ای فارسی مشهور به فرهنگ میرزا ابراهیم است که تألیف آن را به سال ۹۸۶ قمری/۹۵۷ خورشیدی به پایان برده است. وی خوشنویسی چیره‌دست نیز بوده است.

میرزا ابراهیم مردی سخاوتمند، صاحب همت، قلندر روش و درویش‌منش بوده است. آنچه دست مکتبش بدان می‌رسید، در طبق اخلاص می‌نهاد و خانه‌اش محلّ رفت‌وآمد طرفاء، شعرا و مردم اهل بوده است. گاهی بزرگانه در کمال تنعم می‌گذرانیده و گاهی ایام هفته را به نان جوی قناعت می‌کرده و در همه حال شکرگزار بوده است، بسیار شوخ طبع و اهل صحبت و نزد همه عزیز بوده است. در شعر فهمی و تتبع لغات فرس دعوی افراد می‌کرده و کتابش (فرهنگ میرزا ابراهیم) در زمان حیاتش در عراق [عجم] شایع بوده است.

میرزا ابراهیم در سال ۹۸۹ قمری درگذشته است چنان‌که در خلاصه‌الاشعار آمده است: «از جمله افادات طبع آن جناب رساله‌ای است که در لغت فرس و غیر آن تألیف نموده و اکثر لغات متداوله که در اشعار قدما و فصحا دیده می‌شود در آن جا درج فرموده و معانی آن را بعضی به تتبع تمام و برخی را به تصرف طبع و قرینه مقام، معانی مناسب پیدا کرده و به عبارت فارسی مترجم ساخته، وفاتش در شهر سنه تسع و ثمانین و تسعمائه دست داد.»

نصرالله افجه‌ای



نصرالله افجه‌ای

نام در زمان تولد

۱۳۱۲ تهران، ایران

زاده

نصرالله افجه‌ای (زاده ۱۳۱۲، تهران) خوشنویس ایرانی و از چهره‌های ماندگار این هنر است. او نشان درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته و در هفتمین همایش چهره‌های ماندگار در آبان ماه ۱۳۸۷ به عنوان چهره ماندگار رشته خوشنویسی برگزیده شده است.

## زندگی‌نامه

نصرالله افجه‌ای در سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذرانده و موفق به گرفتن دیپلم هنری شده است. وی چندین دهه سابقه متمرکز بر روی هنر خطاطی دارد و با تکنیک‌های مختلف و مصالح و مواد متنوع در خوشنویسی نیز کار کرده و آثار متنوعی را به وجود آورده است. در میان خوشنویسان ایرانی از نسل اول این گونه تجربه اندوزی‌ها و ترکیب کردن و گسترش دادن امکانات خوشنویسی با مصالح نقاشی و سایر تکنیک‌های طراحی بوده است.

افجه‌ای از سال ۱۳۵۲ تاکنون ۷ نمایشگاه انفرادی برپا کرده و در چندین نمایشگاه گروهی نیز آثارش را به نمایش گذاشته است. او نشان درجه ۱ هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته و در هفتمین همایش چهره‌های ماندگار در آبان ماه ۱۳۸۷ به عنوان چهره ماندگار رشته خوشنویسی برگزیده شده است.

## نورالدین محمد لاهیجی معروف به نورا

تولد و وفات: ( ... - ۱۰۵۱ ) قمری

محل تولد: مشخص نیست

شهرت علمی و فرهنگی: خطاط

از شاگردان میر عماد بود و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. پس از قتل میر عماد از اصفهان به لاهیجان رفت اما بعد از مدتی به دستور شاه عباس برای کتابت قرآنی به خط نستعلیق به اصفهان بازگشت. نورا ظاهراً در زمان خود شهرت فراوانی داشته و به خوشنویس ایران ملقب بوده است. از آثار او: یک مجموعه "دیوان" حافظ و "دیوان" مغربی و "دیوان" اوحدی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: "الفقیر نورالدین محمد اللاهیجی... تمت هذه النسخة لشریفة علی ید اضعف عبادالله الغنی، نورالدین محمد لاهیجانی فی سنه ۱۰۳۲ من الهجرة؛ یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خفی ممتاز، بار قم: "کتابه العبد نورالدین محمد اللاهیجی الملقب بخوشنویس ایران غفرالله ذنوبه، ...، مرقوم قلم شکسته رقم شد، فی سنه ۱۰۳۹؛ یک نسخه "نگارستان" قاضی احمد غفاری، به قلم کتابت خوش، بار قم: "... نورا المنشی اللاهیجی؛ چهار قطعه به قلم‌های چهار دانگ و سه دانگ و دو دانگ عالی و خوش با رقم‌های: "کتابه نورالدین محمد لاهیجی" و "مشقه نورا لاهیجی" و "برسم یادگار جهت برادر عزیز خواجه علی بیک نوشته شد.

مشقه نورالدین محمد لاهیجی؛ سه قسم اول از دوره کامل یک نسخه "جامع‌الحکایات" محمد عوفی، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم‌های: "تم قسم الاول من جامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات... فی منتصف ذی‌حجه الحرام ثمان و اربعین و الف" و "تمام شد قسم دوم از کتاب جامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات... فی منتصف شعبان سنه خمسین و الف... نورالدین محمد اللاهیجی... و "تمام شد قسم سوم از کتاب جامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات... نورالدین محمد اللاهیجی....